

زبان فارسی در جهان

ایتالیا

جلد ۸

انتشارات
دبیرخانه شورای
گسترش زبان و
ادبیات فارسی



شعری که ترش زبان و بخت فارسی

ISBN: 964 - 6371 - 08 - 6

SET: 964 - 6371 - 00 - 0

قیمت: ۸۵۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۸-۶

دوره : ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰-۰

زبان فارسی در جهان

ایتالیا

جلد ۸

۱	۱۰۰
۲۸	۵۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۷۸۰۸۸ ۱

زبان و ادب فارسی در جهان «ایتالیا»

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادب فارسی

۱۳۷۶



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نام کتاب: زبان و ادب فارسی در جهان: ایتالیا

تهیه شده در: واحد پژوهش

پژوهشگر: کیومرث امیری

تعداد: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: زمستان ۱۳۷۶

حروف چینی و صفحه آرایی: اقدس اکبری

چاپ و صحافی: چاپ محمد

ISBN: 964-6371-08-6

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۸-۰۱

SET : 964-6371-00-0

دوره: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰-۰۰

نشانی: ایران، تهران، میدان بهارستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبقه سوم

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تلفن و دورنویس: ۳۱۱۲۵۴

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	ی
فصل اول: پیشینه روابط فرهنگی ایران و ایتالیا	۱
روابط فرهنگی و سیاسی در عهد باستان	۱
نقش رومیان در پیشرفتهای صنعتی عهد ساسانی	۳
ارتباط مذهبی ایران و ایتالیا	۴
ایران در نمایشنامه‌های رومیان	۶
قرارداد ایران و روم در رابطه با حکمای یونانی	۷
روابط دو کشور بعد از ساسانیان و حمله اعراب به ایران	۷
آثار هنری ایران در سیسیل	۸
ترجمه آثار ایرانیان در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی	۱۰
مناظره صوفی ایرانی با قدیس ایتالیایی	۱۲
تألیف و انتشار سفرنامه مارکو پولو	۱۳
تدوین اولین فرهنگ فارسی در اروپا	۱۳
تأثیر ادبیات ایران در کمدی الهی دانته	۱۴

اعزام اولین هیأت مبلغین ایتالیایی به ایران	۱۶
روابط مغولان با جمهوری‌های ایتالیا	۱۷
سفر برادران پولو به ایران	۱۷
ایران در سفرنامه مارکو پولو	۱۷
مبادله سفیران در دوره مغول	۳۳
سفر مبلغان مسیحی به ایران	۳۴
تألیف فرهنگ سه زبانه	۳۵
روابط تجاری زمینه‌ساز گسترش زبان فارسی	۳۶
رفت و آمد سفیران در دوران حکومت اوزون حسن	۴۳
اولین سفرای ایتالیایی در ایران	۴۴
پیترو دلاواله معروفترین سیاح ایتالیایی	۵۵
اهتمام صفویان به توسعه روابط با ایتالیا	۵۹
روابط ایران و ایتالیا در عهد شاه عباس اول	۶۰
نامه‌های شخصی شاه عباس اول در کتابخانه ملی شهر ناپل	۶۶
کشیشان ایتالیایی و تهیه لغت‌نامه فارسی	۶۶
گسترش روابط هنری بین ایران و ایتالیا	۶۷
حضور صنعتگران ایرانی در ایتالیا	۶۸
مراکز تجمع بازرگانان ایتالیایی	۶۹
تألیفات کشیشان ایتالیایی به زبان فارسی	۷۱
مناسبات کلیسای روم با ایران	۷۲
تدوین دستور زبان و ضرب‌المثل‌های فارسی	۷۵
ایتالیایی‌ها و نقش آنان در نوگرایی و تمدن جدید در ایران	۷۶
اعزام محصلین به ایتالیا جهت فراگیری نقاشی	۷۷

فصل دوم: مطالعات ایران‌شناسی از صفویه تا قاجاریه ۷۹

- ۷۹ سابقه مطالعات ایرانی
- ۸۰ آشنایی علمی دانشمندان ایتالیایی با ادبیات فارسی
- ۸۲ تأسیس اولین چاپخانه متون شرقی در ایتالیا
- ۸۳ کتاب قانون ابن سینا اولین کتاب چاپی در ایتالیا
- ۸۳ مطالعه علمی متون فارسی
- ۸۴ نخستین محقق ادبیات فارسی
- ۸۴ تهیه و جمع‌آوری کتابهای فارسی توسط وکیتی
- ۸۵ نهایت کار رایموندی
- ۸۶ تجلیل رایموندی از زبان فارسی
- ۸۷ مطالعات شرق‌شناسی در انحصار تشکیلات کلیسا
- ۸۸ انتشار اولین دستور زبان فارسی در ایتالیا
- ۸۹ جمع‌آوری نسخ فارسی از سوی مبلغان و سیاحان ایتالیایی
- ۹۰ گردآوری نسخه خطی عطار
- ۹۱ سیر فقه‌هرایی مطالعات ایران‌شناسی در قرن هجدهم
- ۹۲ عصر جدید در مطالعات ایران‌شناسی
- ۹۵ روابط فرهنگی در قرن نوزدهم
- ۹۶ پیتری و خدمات او به ادبیات فارسی
- ۹۷ ترجمه شاهنامه به همت پیتری
- ۹۷ شاگردان پیتری و خدماتشان به ادب فارسی
- ۹۸ مطالعات ایرانی به عنوان یک سنت علمی و تحقیقاتی
- ۱۰۳ رفت و آمدهای مأمورین سیاسی ایتالیا در دوره قاجاریه

تجارت ایران و ایتالیا در عهد قاجار	۱۰۴
تأسیس پلیس توسط افسر ایتالیایی	۱۰۵
اساتید ایتالیایی در دارالفنون	۱۰۸
آگاهی ایتالیایی‌ها از ایران به وسیله آندره‌ئینی	۱۱۲
گزارشات آندره‌ئینی	۱۱۴
سفرنامه‌های ایرانیان در باره ایتالیا	۱۱۷
سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه	۱۲۲
سیاحان ایتالیایی در دوره قاجاریه	۱۲۴

فصل سوم: روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوران پهلوی ۱۲۷

فصل چهارم: بزرگان ادب فارسی در ایتالیا ۱۵۹

فردوسی	۱۵۹
عمر خیام در ایتالیا	۱۷۲
هماوایی لیوپاردی و خیام	۱۷۲
پیتزی اولین مترجم رباعیات خیام	۱۷۳
سایر مترجمان رباعیات خیام	۱۷۵
منزلت خیام در جراید ایتالیا	۱۷۵
نفوذ معنوی خیام بر پاسکولی	۱۷۶
دیگر ترجمه‌های رباعیات خیام	۱۷۸
حافظ‌شناسی در ایتالیا	۱۸۳
نسخه‌های خطی دیوان حافظ	۱۸۶

سایر ترجمه در باره حافظ	۱۸۹
سعدی در ایتالیا	۱۸۹
مولوی در ایتالیا	۱۹۰
ترجمه دیوان شمس	۱۹۳
عطار	۹۳
نظامی	۱۹۵
عبید زاکانی	۲۰۳
علامه اقبال لاهوری	۲۰۴
عبدالقادر بیدل	۲۰۴
سایر بزرگان ادب فارسی و ادبیات معاصر ایران	۲۰۵
ترجمه و انتشار داستانهای صادق هدایت به زبان ایتالیایی	۲۰۷

فصل پنجم: ایران‌شناسان ایتالیا از آغاز تا دوران معاصر..... ۲۰۹

فصل ششم: مراکز مطالعات ایران‌شناسی..... ۲۳۹

مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه ناپل	۲۴۱
دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه رم	۲۴۴
دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه ونیز	۲۴۹
دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه بولونیا	۲۵۲
دانشکده هنر	۲۵۳
دانشکده پیزا	۲۵۳
مؤسسه ایزمئو	۲۵۴

دانشگاه فلورانس	۲۵۶
دانشگاه پالرمو	۲۵۶
دانشگاه تورینو	۲۵۶
انستیتوی شرق	۲۵۶
آکادمی ملی لینچه ای	۲۵۷
بنیاد جورجیو چینی	۲۵۷
انجمن آسیایی ایتالیا	۲۵۷
انجمن ایران‌شناسی اروپا	۲۵۷

فصل هفتم: حوزه‌های مطالعاتی در ایران‌شناسی ایتالیایی ۲۶۱

تاریخ و انسان‌شناسی ایرانی	۲۶۴
زبان‌شناسی	۲۶۵
ادبیات	۲۶۶
ادیان	۲۷۲
باستان‌شناسی	۲۷۶
هنرها	۲۸۰
مطالعات مربوط به میراث ایرانی	۲۸۰

فصل هشتم: کارنامه ایران‌پژوهی در ایتالیا ۲۸۳

قرن هفتم تا چهاردهم	۲۸۳
قرن پانزدهم و شانزدهم	۲۸۴

۲۸۵	 قرن هفدهم
۲۸۵	 قرن هیجدهم
۲۸۶	 قرن نوزدهم
۲۸۷	 قرن بیستم
۲۸۹	 پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۹۰	 سفرنامه‌های ایتالیایی در باره ایران
۲۹۳	 کتابهای دستور زبان فارسی در زبان ایتالیایی
۲۹۵	 نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا
۳۰۶	 کنگره‌های ایران‌شناسی در ایتالیا
۳۱۰	 فعالیتهای باستان‌شناسی ایتالیایی‌ها در ایران
۳۱۵	 آثار هنری و باستانی ایران در ایتالیا
۳۱۵	 نشریه‌های ایران‌شناسی

فصل نهم: ایران‌شناسان و استادان زبان فارسی ۳۱۹

فصل دهم: روابط ایران و ایتالیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۳۸۵

۳۸۵	 روابط سیاسی
۳۸۶	 مسافرت مقامات دو کشور
۳۸۷	 روابط اقتصادی
۳۸۸	 روابط فرهنگی
۳۹۲	 ایرانیان در ایتالیا
۳۹۵	 گردهمایی‌های زبان فارسی

نشریات فارسی زبان	۳۹۵
انتشار کتاب فارسی	۳۹۶
فهرست اعلام	۳۹۷
گزیده منابع و مأخذ	۴۵۱

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گران سنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره مورد اعتنا و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. علیرغم حوادث و رویدادهای پر تب و تاب و گاه ناخوشایند سه سده اخیر، باز هم این زبان شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان امروز حضور و نفوذ دارد. این حضور و نفوذ حکایت از آن دارد که در ژرفای زبان و ادب فارسی آنقدر معانی بلند و مضامین دلنشین علمی، ادبی، اخلاقی و انسانی وجود دارد، که هر انسان سلیم الطبعی با اطلاع و آگاهی از آنها، خود بخود به فارسی و ذخایر مندرج در آن دل می‌سپرد. اگر چنین نبود، ترجمه و تألیف هزاران کتاب و مقاله از سوی خارجیان درباره آثار جاودان و جهانی ادب فارسی مانند؛ شاهنامه فردوسی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان شیخ اجل سعدی، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، غزلیات خواجه حافظ شیرازی و رباعیات حکیم عمر خیام چهره نمی‌بست و هزاران ایران شناس و ایران دوست غیر ایرانی دل و عمر بر سر شناخت، فهم، تفسیر و ترجمه این آثار ارزنده در نمی‌باختند. واقع آن است که نکات نغز و حکمت‌های بدیع و درسهای انسانیت، بزرگواری، اخلاق و مردم دوستی در ادب فارسی آنقدر حلاوت و لطافت دارد که می‌تواند عطش تمام

گرداند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به نیاز و علاقهٔ شیفتگان و دلباختگان زبان و ادب فارسی در سراسر جهان بی‌اعتنا بماند و آتش شوق و اشتیاق فارسی دانان و ادب دوستان غیر ایرانی را نادیده بگیرد.

از این رو، برای ساماندهی، تقویت و توسعه زبان و ادب فارسی در خارج از کشور، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را بنیاد نهاده و شورا هم بر اساس وظایف محوله، ایجاد هماهنگی، سیاستگذاری، هدایت و برنامه‌ریزی در باب زبان و ادب فارسی را وجههٔ همّت خود قرار داده است.

دبیرخانه شورا، برای نیل به اهداف و وظایف خود به آگاهی از ریشه‌ها، تحولات و چگونگی ورود، حضور و نفوذ و وضع کنونی زبان و ادب فارسی در جهان نیاز دارد. بدین خاطر، دبیرخانه دست به اقدام پژوهشگرانه‌ای در زمینهٔ شناخت آخرین وضعیت زبان و ادب فارسی در کشورهایی که فارسی به آن سرزمین‌ها پا نهاده، زده است و این مهم در مدتی کوتاه جامهٔ عمل پوشیده و نتیجهٔ آن اینک به صورت تنظیم و تدوین پژوهشنامه‌هایی دربارهٔ کشورها با عنوان «زبان فارسی در جهان» انتشار می‌یابد.

از آن جا که این مجموعه با استفاده از منابع و مآخذ در دسترس فراهم آمده، به طور مسلم نقایص و کمبودهایی دارد. لذا، از محققان، صاحب‌نظران و ایران‌شناسان درخواست می‌شود تا با ارائه نظرات، اطلاعات و پیشنهادات خود ما را در ارائه تصویری کامل و جامع از سیر تحول فارسی و آخرین وضعیت آن در خارج از کشور مدد رسانند.

سید کمال حاج سید جوادی

دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

فصل اول

پیشینه روابط فرهنگی ایران و ایتالیا

□ روابط فرهنگی و سیاسی در عهد باستان

تاریخچه روابط فرهنگی و معنوی ایران و ایتالیا در حقیقت تاریخچه روابط فرهنگی شرق و غرب به صورت کلی آن است، زیرا، افزون از بیست قرن پیش، این دو کشور یکی مظهر تمدن شرق و دیگری نماینده تمدن غرب بوده‌اند. از زمان آغاز شاهنشاهی هخامنشی، ایران با موقعیت خاص خود تمدن‌های مختلف کلدانی، بابلی، آشوری، فینیقی، هندی و حتی مصری را با تمدن خاص خود درآمیخت و به صورت یک مدنیت واحد آسیایی درآورد. بعد از رواج اسلام نیز ایران عملاً نماینده شاخص ادب و علم و فرهنگ و فلسفه اسلامی گردید. همینطور امپراتوری روم که وارث تمدن و فرهنگ یونانی بود، مدنیت و فرهنگ وسیع رومی را در سراسر این امپراتوری رواج داد و حتی پس از استقرار آئین مسیح، با مرکزیت شهر رم، این آئین را بصورت یک مذهب

رومی درآورد.^(۱)

در روزگار باستان امپراتوری قدرتمند روم در ابتدا به ایران توجهی نداشت تا آنکه کراسوس، سردار بزرگ روم، در سال ۵۳ قبل از میلاد شکست سختی را متحمل شد. از این دوره به بعد روابط بین دو کشور رو به گسترش نهاد و ادبیات ایران و مشرق زمین در ادبیات روم وارد گردید. آثار بجا مانده از نظم و نثر این دوره نشان می‌دهد که نمایشنامه‌ها و حماسه‌هایی دربارهٔ وصف کمانداران پارتی، حیل‌های جنگی و نحوهٔ زندگی آنان از سوی رومیان نگاشته می‌شده است و آثار شاعران رومی مانند؛ هوراس، اوید و پراپرتیوس پر از گفتگو دربارهٔ شرق است. بعلاوه، چنین مستفاد می‌شود که بعد از جلوس هادریان به تخت سلطنت، تمایل و توجه به ممالک شرق در روم رواج کامل داشته است و بعدها حتی بعضی از نویسندگان عصر مسیحیت نیز مانند ژروم از پارتها یاد کرده‌اند. نیلسون دوبواز می‌گوید: این سبک کلام یعنی گفتگو از ایران پارتی و بعد از آن و استعارات و اصطلاحات مربوط به آن تا اعصار بعد و حتی در ادبیات کلاسیک انگلستان راه یافته است.^(۲)

در این جا به ترجمه اشعار هراسیوس^(۳) شاعر رومی که در «آغانی» به ایران اشاراتی کرده توجه می‌کنیم:

«... تا وقتی که محبوب تو بودم و نوجوانی خوش اقبال تر از من بازو بر گردن بلورنیت حلقه نکرده بود، حتی از شهنشاه ایران نیز خوشبخت‌تر

۱- شجاع‌الدین شفاء، داستانها و مقالات تاریخی، مجموعه آثار، جلد ۲۲ (تهران: سازمان چاپ و انتشارات کیهان، ۱۳۴۸)، ص ۱۰۷۷۷.

۲- شیرین بیانی، هشت مقاله در زمینه تاریخ (تهران: توس، ۱۳۵۲)، ص ۸-۳۷.

بودم»^(۱)

و همچنان اشعار دیگری از *ویرژیل* و *سیدونیو آپولیناروس* درباره ایرانیان عهدباستان نقل شده است.

همچنین در اشعار ایرانی مکرراً اشاراتی به روم و رومی‌ها شده و تقریباً «رومی» همیشه مظهر زیبایی بشمار می‌رفته است.^(۲)

□ نقش رویان در پیشرفتهای صنعتی عهد ساسانی

در زمان *شاپور اول*، *والرین امپراتور روم* طی جنگی عظیم به چنگ ایرانیان افتاد و همراه با او هفتاد هزار لژیونر رومی هم اسیر شدند. این عده پس از اسارت در شهرهای ایران به عنوان متخصص، معمار و مهندس در کارهای عظیمی مانند بنای پل‌ها، سدها، معابر و راه‌ها به ایرانیان کمک می‌کردند و از خدمات آنان، ایالت ثروتمند خوزستان فواید بسیار برد که بعضی از این آثار هنوز در زمان ما قابل استفاده است. برعکس زمانی بود که رومی‌ها به داخل ایران راه می‌یافتند و اراضی سرحدی را اشغال می‌کردند. با این حال، روم و ایران مدت ۸۰۰ سال با یکدیگر در تماس بودند و پس از ظهور حضرت مسیح، مسیحیت از همین طریق و در اثر این تماس‌ها در ایران رسوخ یافت و پیروان فراوان گرد آورد و حتی این دین از ایران و از طریق شمال شرقی این کشور در سال ۶۳۵ م توسط شخصی به نام *آلویس* که کاملاً مشخص نیست ایرانی یا

1. Donee gratus eramtibi nec quisquam potror braechia candidae cerrici turenis dehat persara viqui vege beatior.

۲- شجاع‌الدین شفاء: *داستانها و مقالات تاریخی*، ص ۸۰-۱۰۷۷۹.

سریانی بوده به چین راه یافت.^(۱)

بدین ترتیب، ایران و ایتالیا در طول قرون متمادی به عنوان دو مظهر برجسته تمدن و فرهنگ شرق و غرب با یکدیگر ارتباط معنوی نزدیکی داشتند که طبعاً به نفع جامعه بشری تمام شد.

▣ ارتباط مذهبی ایران و ایتالیا

گذشته از روابط جاری و عادی روم و ایران در زمان اشکانیان و ساسانیان، یک نوع ارتباط مذهبی و معنوی نیز بین مردمان دو کشور بوده است. این ارتباط که در قالب دو موج بزرگ فلسفی و مذهبی از ایران چهره نمود، به سراسر امپراتوری روم راه پیدا کرد. این دو موج یکی آئین مهرپرستی (میترائی) و دیگری آئین مانوی بود.^(۲)

آئین مهرپرستی که بر تجلیل «مهر» مظهر آفتاب و روشنایی در معتقدات ایرانی تکیه داشت، در حدود سال ۶۷ پیش از میلاد مسیح، توسط سپاهیان روم که در آن زمان با ایرانیان تماس دائم داشتند به آسیای صغیر و کم‌کم به تمامی نواحی اروپا و شمال آفریقا راه یافت و در اندک مدتی چنان نفوذ و توسعه یافت که نرون و کمد و کاراکالا امپراتوران رومی این آئین را پذیرفتند و در سال ۳۰۷ میلادی در نزدیکی شهر وین کنونی دیوکلسن امپراتور روم و سرداران رومی در شورائی، «میترا» را رسماً خداوند حامی روم اعلام کردند. بقایای معابد «مهر» که هنوز در یونان، یوگسلاوی، رومانی، اتریش، مجارستان، آلمان، انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرغال، الجزایر و تونس برجای مانده، حاکی از توسعه بی‌سابقه

۱- شیرین بیانی: هشت مقاله در زمینه تاریخ، ص ۶۱-۵۹ و ۸-۴۷.

۲- شجاع‌الدین شفاء: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۱۰۷۷۸.

آئین مهر در امپراتوری روم است. سنن و معتقدات میترائی در روم در طول سه قرن به قدری نفوذ یافته بود که حتی پس از استقرار آئین مسیح این سنن و آداب از میان نرفت، بلکه فقط تغییر شکل داد و به صورت سنن مسیحی درآمد. چنانکه، فی‌المثل روز یکشنبه که هنوز هم در بسیاری از زبان‌های اروپائی «روز خورشید» نامیده می‌شود، روز مقدس مسیحی شناخته شد و ۲۵ دسامبر که جشن سالانه تولد مهر بود روز مقدس مسیحیت اعلام گردید و مراسم غسل تعمید که اساس آئین مهر بود به صورت تعمید مسیحی درآمد و حتی افسانه تولد مهر که به موجب آن پس از زاده شدن این خدا، شبانان به راهنمائی ستاره‌ای، به زادگاه وی راهنمایی می‌شدند رنگ افسانه‌ای معروف را به خود گرفت. به این معنی که ستاره‌ای که راهنمای مغان در رسیدن به بیت‌الحم بوده، شهر را پیدا کرده است.

در قرون بعدی، یکبار دیگر معتقدات فکری ایرانی به صورت آئین مانی در امپراتوری روم و سرزمینهای شرق آسیا و خاور دور راه یافت. این آئین، ترکیبی از عناصر مذهبی و فلسفی زرتشتی، مسیحی و هندی بود و سرعت رواج و توسعه آن به حدی بود که اکنون آثار آن را از اقیانوس کبیر تا اقیانوس اطلس همه‌جا می‌توان یافت. حتی این نفوذ در اروپا به جایی رسید که در قرن سیزدهم میلادی به فرمان پاپ یک مرحله از جنگهای صلیبی به قلع و قمع شبه مانوی‌های جنوب فرانسه که کاتارها نامیده می‌شدند، اختصاص یافت.

تبعاتی که در طول سه قرن اخیر درباره مانوی و آئین او توسط محققین غربی صورت گرفته و اسناد گرانبهای مانوی مکشوفه در «تورفان مصر» نیز اصول این آئین و نفوذ فوق‌العاده آن را بخوبی روشن کرده است.^(۱)

□ ایران در نمایشنامه‌های رومیان

«گسترش روابط دو کشور در عرصه‌های مختلف تا آن حد بوده که پاره‌ای از وجوه و ابعاد آن در نمایشنامه‌های رومیان مانند پلوت در نمایشنامه «دختر ایرانی» ظاهر شده است.^(۱)

مطالعه دقیق انواع مختلف کمدی روم قدیم می‌نمایند که این کمدیها شباهتهای زیادی با نمایشهای روحوضی ایران دارند. ارتباط سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی که متجاوز از شش یا هفت قرن، بین دو کشور پهناور و عظیم ایران و روم وجود داشت، کیفیت انتقال این نوع نمایش‌ها را به ایران نه تنها بعید به نظر نمی‌رساند بلکه حتمی جلوه می‌دهد.

رومیا در جشنهایی که طی سال، برای بازیه‌های مختلف برپا می‌کردند و آنها را «لودی»^(۲) می‌نامیدند، گاهی به دادن نمایش نیز می‌پرداختند. به نظر می‌رسد که کلمه «لوطی» و «لوده» که بیشتر در فارسی معمول است و هر دو به معنای مسخره، مضحک و دلچک بکار می‌رود، از این کلمه لودی گرفته شده باشد.

چنانکه گفته آمد هنر و ادب دراماتیک در روم، سطحی پایین داشته و به صورتی بسیار مبتذل و شنیع درآمده بود و این وضع، خاص اواسط سده دوم پیش از میلاد نبود بلکه تا سده دوازدهم میلادی ادامه یافت. بدیهی است که این وضع و بی‌توجهی به هنر و ادب واقعی نمایش، حاصل اوضاع و احوال

۱- برای اطلاع بیشتر از شرح احوال پلوت، شیوه نگارش و جزئیات نمایشنامه دختر ایرانی بنگرید به: مهدی فروغ، «ایران و درام‌نویسان بزرگ جهان» هنر و مردم، شماره‌های ۸۴ تا ۸۷، مهرماه تا دی ماه ۱۳۴۵.

اجتماعی آن کشور در آن دوره بود.

□ قرارداد ایران و روم در رابطه با حکمای یونانی

همانطور که آوردیم تاریخ روابط میان ایران و ایتالیا به دوران اقتدار دو امپراتوری بزرگ و کهن ایران و روم برمی‌گردد، یعنی حدوداً سه قرن قبل از میلاد مسیح. ولیکن می‌توان گفت که ارتباط فرهنگی دو کشور از دوره ساسانیان آغاز شده بود و آغاز آنهم بدین صورت بود که در سال ۵۳۳ میلادی، هفت تن از حکمای یونان به دلیل داشتن اعتقادات فلسفی به ایران پناهنده شدند و ایران زمین را جایگاهی برای تبادل اندیشه‌های خود و ارتباط بیشتر با فلاسفه پهلویون دانستند ... در زمان حکومت انوشیروان پادشاه ساسانی و ژوستینی لیانوس امپراتور روم، معاهده‌ای میان دو کشور به امضاء رسید که در یکی از مواد آن تأمین جانی و اجازه بازگشت به حکمای یونانی قید شده بود.^(۱)

□ روابط دو کشور بعد از ساسانیان و حمله اعراب به ایران

در زمان حمله اعراب به ایران و حمله قبایل شمالی اروپا و قبایل هون به امپراتوری روم، به مدت چند قرن ارتباط مستقیم فرهنگی و هنری میان دو کشور قطع گردید، ولی همینکه هر دو کشور اوضاع خود را سامان دادند دوباره ارتباط فرهنگی و هنری میان ایران اسلامی و ایتالیای مسیحی برقرار گردید. این همان رابطه‌ای است که از اوایل قرن ۱۲ میلادی تاکنون ادامه یافته است. می‌دانیم که علم و فرهنگ اسلامی در تمام مدتی که امپراتوری اسلام و عرب در اوج قدرت خود بودند تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران و یونان

۱- مینا میربهاء، ایتالیا (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۱۲۶.

قرار داشت و در همان زمان بود که بسیاری از آثار کهن ایران و یونان به عربی ترجمه شد و بسیاری از آثار کلاسیک علم، ادب و حکمت اسلامی توسط دانشمندان و فلاسفه ایرانی به عربی تألیف گردید و در سراسر دنیای اسلامی انتشار یافت و از آنجا به اندلس، فرانسه و اروپای غیراسلامی رسید. در مدتی که جزیرهٔ سیسیل «صقلیه» توسط مسلمین اداره می‌شد و در قرون بعدی که در دربار نرمان‌های حاکم این جزیره، هنر و دانش اسلامی رواج و نفوذ بسیار داشت، مکتب معماری و طب ایرانی توسط اعراب در «پالرمو» و سایر نقاط سیسیل رواج پیدا کرد.^(۱)

□ آثار هنری ایران در سیسیل

«از هنگامی که ایرانیان به دین اسلام گرویدند، تمام تجربیات فرهنگی و هنری و همهٔ سنتهای باستانی ایران به خدمت آیین نو (اسلام) درآمد و بعد از دو قرن از ظهور اسلام که تصرف بخش بزرگی از جهان شرق و غرب توسط مسلمین را شامل می‌شد، دیار روم نیز جزو قلمرو دین اسلام گشت. به همین جهت، فرهنگ ایرانی به وسیلهٔ حکمرانان مسلمان به هر جا که قدم می‌نهادند، رایج می‌گشت و در آن سرزمینها ریشه می‌دواند. پس از فتح جزیرهٔ سیسیل در جنوب ایتالیا که مرکز فرمانروایی مسلمانان شد، بسیاری از عناصر هنر ایرانی در تعداد زیادی از آثار معماری و دیگر پدیده‌های هنری این نواحی نفوذ یافت، بطوریکه دلبستگی پادشاهان حاکم بر این جزیره به فرهنگ ایرانی تا به آنجا رسید که یکی از آنان یعنی روژه دوم خود پوشاک ایرانی بر تن می‌کرد و رفتاری مشابه بزرگان ایران در پیش می‌گرفت. این امر بیانگر دلبستگی

فراوان پادشاهان این نواحی به هنر و فرهنگ ایرانی بود. در آن زمان، رومی‌ها بسیاری از رساله‌های علمی و آثار تازه دانشمندان ایرانی را سرمشق خویش قرار دادند. از جمله در زمان فرمانروایی **روژه دوم** به دستور وی کتاب «تربیت مرغان شکاری» بدون کم و کاست از روی یک رساله ایرانی اقتباس و نگاشته شد که امروزه نیز به عنوان اولین کتاب علمی در زمینه علوم طبیعی به شمار می‌آید.^(۱)

آثار هنری ایرانی در سیسیل فراوان است که از نظر اعتبار و اهمیت، هیچ‌یک از آنان به درجه اهمیت نقاشی‌های طاق نمازخانه «نرمانا» نمی‌رسد. این نمازخانه در زمان **روژه اول** ساخته شد و نقاشیهای طاق آن، احتمالاً در روزگار خود وی و یا اندکی پس از وی در زمان جانشینانش بوجود آمده است. در هرحال با توجه به مدارکی که در دست است این نقاشیها در حدود قرن دوازدهم میلادی پدید آمده‌اند. این آثار در زاویه‌ها و بر روی بدنه‌های بیشمار یک طاق عظیم مقرنس کاری نقاشی شده‌اند. تأثیر هنر ایرانی در این اثر گرانسنگ به اندازه‌ای زیاد است که گوئی یک هنرمند نگارگر ایرانی آنها را رقم زده است. یکی از هزاران نقاشی دیگر که تحت تأثیر هنر ایرانی است طاق نمازخانه است که پیکر آدمیزاده‌ای را دربرگرفته و او را به آسمان برده است. چنانکه می‌دانیم موضوع این نقاشی از هزاران سال پیش در افسانه‌های کهن ایرانی نقل شده و در کتاب «اوستا» نیز که کهن‌ترین نوشته ایرانیان است، از این پرنده که مظهر تعالی و عروج روان آدمیان به شمار می‌آید به عنوان «سیمرغ» یاد شده است و این همان پرنده‌ایست که **زال** را با خود به کوه افسانه‌ای قاف برده و

۱- اکبر نجوبدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشیهای طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»،

او را تربیت کرده و نیز همان پرنده‌ای است که دانش‌پژوهان بزرگ ایرانی از *ابن سینا* گرفته تا *سهروردی* و *عطار* رساله‌های عرفانی بی‌همتائی را در خصوص این پرنده نگاشته‌اند.

هر بخشی از طاق «نمازخانه نرمان‌نا» دنیای تازه‌ای از هنر ایرانی را به یاد می‌آورد. در باب «نرمان‌ها» باید بگوییم که آنها وارثان تمدنی بودند که همه عوامل فرهنگی خود را از ایران گرفته و خود نیز تمدن خاصی نداشتند، به این مناسبت تمدنی را که پیش از آنان در قلمرو حکمرانان و از جمله در جزیره سیسیل رواج داشت بی‌کم و کاست پذیرفتند. باید بیندیشیم که هنگام حکمرانی این سلسله، ایرانیانی که در این جزیره سکونت داشتند فرصت یافتند با نشان دادن نبوغ ذاتی و هنرنمایی خود، مقام والایی را در دستگاه آنان پیدا کنند و به بسط و نشر هنر و فرهنگ ایرانی در تمام قلمرو حکمرانی نرمان‌ها بپردازند.^(۱)

□ ترجمه آثار ایرانیان در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی

«در همین زمان، یعنی در قرن دوازدهم میلادی مکتب علمی معروفی به نام مکتب پزشکی سالرنی در «سالرنو»، واقع در جنوب ایتالیا، تأسیس شد که مرکز طبی آن در اروپای آن زمان بی‌نظیر بود. در این مکتب دانشمندان مسیحی، کلیمی و مسلمان ایتالیائی در ترجمه شاهکارهای کلاسیک طب ایرانی و اسلامی همکاری می‌کردند.

در نیمه اول همین قرن بود که یکی از دانشمندان ایتالیایی به نام «گراردو داکرمونا» که حقی بزرگ برگردن دنیای علم در مغرب زمین داشت، به قصد آشنایی با آثار *ابن سینا* که در آن زمان نسخه‌های خطی کمیاب آنها فقط در

۱- تجویدی: *تأثیر هنر ایرانی در نقاشیهای طاق یک نمازخانه در سیسیل*، ص ۳-۴.

کتابخانه معروف طلیطه «تولدو» در اندلس یافت می‌شد، به اسپانیا رفت و در آن شهر زبان عربی را فراگرفت. او از آن پس ۷۴ اثر عربی را که اکثر آنها از آثار ایرانیان در رشته‌های مختلف طب، نجوم، منطق و ریاضیات بود به زبان لاتین ترجمه کرد. مهمترین این ترجمه‌ها، کتاب «قانون» ابن سینا بود که بعداً در سال ۱۵۲۴ یعنی پس از اختراع چاپ به طبع رسید. این نکته جالب است که متن اصلی یعنی عربی این کتاب نیز برای اولین بار در ایتالیا، در شهر «رم» در اواخر قرن شانزدهم میلادی با خط عربی چاپ شد و این نخستین چاپ کتاب یک مؤلف ایرانی در دنیا بود. نسخه‌های این کتاب قرن‌ها مورد استفاده و مراجعه اطباء و مراکز پزشکی شرق و غرب بود، چنانکه قبل از جنگ دوم جهانی یک پزشک ایتالیایی که در دربار امام یمن کار می‌کرد در یادداشت‌های چاپ شده خود نوشت که یک نسخه از این اثر را در یک دهکده کوچک و دوردست یمن در دست یک حکیم یمنی دیده و نتوانسته آن را خریداری و به موزه آنستیتیوی شرقی ناپل اهداء کند.^(۱)

در همین قرن دوازدهم، تعداد زیادی از کتابهای ایرانی در ایتالیا به زبان لاتینی ترجمه شد که از زمره مهمترین آنها می‌توان از «اقتصاد فی الاعتقاد» غزالی، «علم نجوم» فرغانی، «شرح اقلیدس» نیریزی، «جبر و مقابله» خوارزمی و چندین اثر از رازی را نام برد. ترجمه غزالی کتابی بود که منبع اصلی مطالعات قدیس معروف مسیحی «توماس اکیناس» قرار گرفت و از این طریق، تعالیم وی در سیر فکری، فلسفی و مذهبی آئین کاتولیک در طول قرون، تأثیر به سزایی بخشید.

یکی از ترجمه‌های مهمی که از آثار ایرانی صورت گرفت، ترجمه

«الحاوی» اثر معروف رازی بود که در سال ۱۳۵۰ میلادی به دستور کارلوی اول پادشاه ناپل و سیسیل توسط فرج بن سالم سیسیلی انجام گرفت، اکنون متن اصلی این کتاب در پنج جلد بزرگ از کاغذ چرمی در کتابخانه ملی پاریس ضبط است. این ترجمه مدت چند قرن در دارالعلم‌های اروپا تدریس می‌شد.

۵. مناظره صوفی ایرانی با قدیس ایتالیایی

در اوایل قرن سیزدهم، در سال ۱۲۱۹، اتفاق جالبی در زمینه تماس فکری و فلسفی بین دانشمندان ایرانی و ایتالیایی روی داد که مستشرق بزرگ فرانسوی لوئی ماسینیون درباره آن تحقیق جامعی کرده است. در آن هنگام جنگهای صلیبی در اوج شدت خود بود و همین امر سبب گردید که در سال ۱۲۱۹، قدیس معروف مسیحی سن فرانسوا راسیز «سن فرانچسکو راسیزی» مؤسس فرقه کاتولیک بزرگ فرانسیسکن، به منظور ارشاد سلطان ملک الکامل خلیفه مسلمان به دربار وی در مصر برود. در آنجا سلطان او را با احترام پذیرفت و فرمان داد که مرشد روحانی سلطان و قدیس مسیحی در مجمعی از علما درباره حقایق اصول اسلامی یا مسیحی به مناظره بپردازند. در این مناظره مهم، که سرنوشت اختلافات دنیای مسیحی و اسلامی تا حد زیادی بدان وابسته بود، سن فرانسوا نتوانست غالب شود و بی نتیجه به ایتالیا بازگشت.^(۱)

بر طبق تحقیقات ماسینیون، مرشد و مستشار مذهبی سلطان ملک الکامل، یک صوفی مسلک ایرانی به نام فخر فارسی بوده که در سال ۱۲۲۵ میلادی درگذشته است و کتیبه سنگ قبر او در قاهره از این واقعه حکایت می‌کند.

□ تألیف و انتشار سفرنامه مارکوپولو

در آغاز قرن چهاردهم مسیحی، سفرنامه معروف مارکوپولو که از جالبترین و بهترین سفرنامه‌های جهان است، تألیف شد. بطوریکه همه می‌دانیم مارکوپولو سالیان درازی را در سفر به مشرق زمین گذرانید و آسیای صغیر، خاور میانه، ایران، آسیای مرکزی و چین را از نزدیک دید. وصف سفر وی به ایران که از جالبترین فصول این سفرنامه است علاقه و توجه غربیان را به صورت روزافزونی به این سرزمین پهناور، ثروتمند و دیدنی قاره آسیا جلب کرد. هنوز هم فصول مربوط به ایران «در سفرنامه مارکوپولو» از دلنشین‌ترین موضوعات این سفرنامه خارجی محسوب می‌شود که ما در بخشهای دیگر به آن خواهیم پرداخت.

□ تدوین اولین فرهنگ فارسی در اروپا

«رفت و آمد روزافزون مبلغان و روحانیون کاتولیک به مشرق زمین باعث شد که در سال ۱۳۰۳ م. یک فرهنگ زبان فارسی توسط کشیشهای فرقه فرانسیسکن در شهر رم تدوین گردد و این اولین فرهنگ فارسی در اروپا بود.^(۱) این فرهنگ که بعدها در سال ۱۸۲۸ در پاریس تصحیح و چاپ شد، قدیمی‌ترین فرهنگ لغتی است که تا به امروز شناخته شده و آن لغتنامه‌ای فارسی - لاتین - رومی (ایتالیایی) است که به فرانچسکو پترارکو شاعر نامدار ایتالیایی تعلق داشته و او این اثر نفیس را به کتابخانه شهر ونیز اهداء کرده است. بد نیست یادآوری شود که پترارکو ۱۵ سال و به قولی ۲۰ سال پیش از وفات خواجه حافظ درگذشته است. این نهضت لغتنامه‌نویسی حکایت از اهمیت و گستردگی

زبان فارسی در آن زمان دارد که با وقفه‌های غالباً کوتاه مدت، همچنان ادامه داشت تا آنکه در قرن یازدهم هجری به اوج خود رسید.^(۱)

حال که بحث نخستین فرهنگ فارسی است، ناگفته نگذاریم که نخستین دارالتعلیم و یا به بیان امروزی، مرکز آموزش فارسی در اوایل قرن چهاردهم یعنی در سال ۱۳۱۳ به فرمان پاپ کلمنتوی پنجم، در ایتالیا تأسیس گردید و در همان زمان هم یک راهب کاتولیک که از فرقه دومینیکن بود و ریکاردو دامونته کروچه نام داشت، در سال ۱۳۱۵ میلادی سفرنامه‌ای در رم تألیف کرد که قسمتی از آن حاوی اطلاعات جالبی درباره ایران بود. درست در همین سال هم بود که تألیف بزرگترین اثر ادبی کلاسیک ایتالیا و شاید تمام مغرب زمین یعنی «کمدی الهی» دانته آلیگیری به پایان رسید. دانته در قسمتی از این کتاب به فرهنگ ایران زمین می‌پردازد که تأثیر و نفوذ مستقیم فرهنگ ایران آن زمان را در غرب نشان می‌دهد.

□ تأثیرات ادبیات ایران در کمدی الهی دانته

«از مهمترین تحقیقاتی که درباره تأثیر ادبیات ایران بر کمدی دانته صورت گرفته است یکی رساله جامع پروفیسور انریکو چرولی دانشمند و مستشرق برجسته معاصر ایتالیایی است که سابقاً سفیر ایتالیا در ایران بوده و درباره الهام دانته از «معراج» حضرت رسول اکرم (ص) مطالبی نوشته است. یکی دیگر از دانشمندانی که در این زمینه تحقیقاتی انجام داده رینولد نیکلسون، ایرانشناس شهیر و فقید انگلیسی است که در رساله «یک ایرانی

۱- ع. روحبخشان، «سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا»، پیام کتابخانه، سال اول،

پیشقدم بر دانته است»، کتاب «سیرالعباد الی المعاد» سنایی غزنوی را که پیش از «کمدی الهی» دانته تألیف شده، از نقطه نظر شباهت با این اثر، به تفصیل مورد مطالعه قرار داده است. ولی شاید مهمتر از این دو، شباهت خاص و استثنایی «کمدی الهی» با یک کتاب مهم ایرانی قبل از اسلام باشد که درست یک هزار سال قبل از دانته تألیف شده و آن «ارداویراف نامه» است.^(۱)

این کتاب شرح سفر خیالی یک روحانی زرتشتی به نام ارتای ویراف به دیار جاوید یعنی به دوزخ و بهشت و بازگشت او بر روی زمین برای شرح مشاهدات خود و راهنمایی مردمان به راه راست است. هم موضوع کتاب و هم صحنه‌ها و وقایع مختلف آن بقدری با موضوع و صحنه‌ها و حوادث کمدی الهی شباهت دارد که به سختی می‌توان باور کرد که دانته با این کتاب (که امروزه اثری از آن در دست نیست) آشنا نبوده است. اصل نسخه خطی این کتاب، اکنون در کلکسیون معروف نسخ خطی اوستایی و پهلوی کتابخانه سلطنتی کپنهاگ نگهداری می‌شود و از آن چندین ترجمه به زبانهای مختلف صورت گرفته که از مهمترین آنها ترجمه دار مستتر به زبان فرانسه است. ترجمه فارسی این کتاب توسط دانشمند فقید ایرانی رشید یاسمی از روی نسخه عکس‌برداری شده متن کتابخانه کپنهاگ انجام گرفته است.^(۲)

جالب توجه است که دانته در متن «کمدی الهی» هنگامی که از دیدار روح ابن سینا سخن به میان می‌آورد و با علم به اینکه این حکیم بزرگ ایرانی، مسیحی نبوده و بنا به اعتقاد مسیحیان که غیرمسیحیان جایگاهی جز دوزخ ندارند، ولی باز به هیچ‌وجه حاضر نشده که این نابغه بزرگ را که بسیار مورد

۱- شجاع‌الدین شفاء: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۸-۱۰۷۸۶.

۲- همان، ص ۱۰۷۸۶.

احترام او بوده است مانند دیگران دوزخی شمارد. به همین علت برای او باغی خرم و ممتاز در یکی از طبقات اول دوزخ آفریده و او را همراه با هومر (همر) ویرژیل، بقراط، ابن رشد و دیگران در آن جای داده است. در کمدی الهی، دانته چندین بار به ایران اشاره می‌کند که از آن جمله می‌توان به *خشایارشا* در سرود ۲۸ برزخ و سرود ۸ بهشت و نیز به *کوروش* در سرود ۱۲ برزخ اشاره کرد.^(۱)

□ اعزاز اولین هیأت هبلغین ایتالیایی به ایران

«همزمان با بوجود آمدن ارتباط فرهنگی و معنوی، روابط سیاسی ایران با جمهوریهای مهم ایتالیایی قرون وسطی، پیوسته رو به افزایش نهاد. بطوری که در سفرنامه‌هایی که در آن زمان نوشته شده، جمهوریهای جنوا و ونیز در قرن سیزدهم هر یک در تبریز کنسولگری مختص به خود داشتند و اعضای کنسولگری جنوا در این شهر ۴۲ نفر بودند.

در این زمان، پاپ برای ترویج و اشاعه مسیحیت، هیأت‌هایی را به ایران فرستاد که هم جنبه سیاسی داشت و هم جنبه مذهبی. اولین هیأت مسیحی در سلطانیه مستقر شد و در این میان برجسته‌ترین نمایندگان جمهوری ونیز به ایران آمدند که می‌توان از شخصی به نام *جوزافات باربارو* نام برد که در سال ۱۴۷۲ میلادی از طرف این دولت به ایران فرستاده شد. وی نخستین اروپایی بود که از نقوش تخت جمشید و پاسارگاد و نقش رستم سخن گفته است.^(۲)

۱- شفاء: *داستانها و مقالات تاریخی*، ص ۷-۱۰۷۸۶.

۲- همان، ص ۸-۱۰۷۸۷.

□ روابط مغولان با جمهوری‌های ایتالیا

مغولان با وجود تمام خرابی و ویرانی که در ایران و سایر کشورها به بار آوردند، باعث ارتباط بیشتری بین ایران و دول بزرگ اروپایی مانند ایتالیا شدند و زمانی که ایلخانان مغول بر ایران حکومت می‌کردند، به برقراری روابط با دربار واتیکان و مسیحیان اهمیت می‌دادند. هلاکو خان در سال ۴-۱۲۶۳ هیأت‌هایی را به دربار کشورهای اروپا فرستاد که از این‌ها، فقط یک نفر پس از گرفتاری به دست منفرد پادشاه سیسیل و پسر نامشروع فردریک دوم، توانست به حضور پاپ اوربان چهارم برسد. جواب پاپ، دوستانه و در عین حال محتاطانه بود و ضمن تشکر از هلاکو وی را دعوت به قبول غسل تعمید کرد. ولی هنگامی که نمایندگان پاپ به ایران رسیدند هلاکو فوت کرده بود.

پس از مرگ هلاکو خان، جانشین وی اباقا خان در سال ۱۲۶۷ میلادی سفیری به دربار کلمان چهارم (۱۲۶۵-۱۲۶۸) فرستاد و پس از وی نیز هم‌چنان مبادلهٔ سفرا از سوی دو طرف ادامه داشت.^(۱)

□ سفر برادران پولو به ایران

از دوران سطنت اباقا خان، بدون اشاره به مسافرت برادران پولو یعنی مافئو و نیکولو نمی‌توانیم بگذریم. زیرا پسر نیکولو به نام مارکو همراه پدر و عموی خود به دربار قوبیلای خان آمده و مدت بیست سال از جانب قوبیلای خان، مصدر خدمات مهمی شد و آشنایی عمیقی نسبت به اوضاع مغولان و احوال ممالک تابعهٔ مغول از جمله ایران پیدا کرد و در مراجعت به اروپا در سال

۱- عبدالحسین نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه (تهران: مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۶)

۱۲۹۷ شرح مسافرت خود را به یکی از دوستان خویش نقل کرد و او نیز این شرح را که حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی است به نام «سفرنامه مارکو پولو» جمع و منتشر ساخت. برای آگاهی بیشتر از شرح زندگی و احوالات مارکو پولو به ذکر مختصری بسنده می‌کنیم.^(۱)

نیکولو پولو و برادرش ماتئو (مافئو) دو تاجر ونیزی بودند که سالیان دراز در قسطنطنیه (استانبول) زندگی می‌کردند. این دو برادر در سال ۱۲۶۰ برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تجارت، از قسطنطنیه به روسیه جنوبی یعنی مرکز خانات مغولی قبیچاق رفتند. خان مغول که برکه نام داشت آنان را پذیرفت و دو برادر ونیزی، مجموعه جواهرات خود را به وی فروختند و سپس از راه خوارزم به بخارا و خانات جغتایی رفتند و سه سال در آن سرزمین ماندند. آنان سرانجام به همراه سفیر هلاکو به چین رسیدند و به تقاضای قوبیلای خان برای فرستادن صد نفر دانشمند و هنرمند ایتالیایی به چین، نزد پاپ بازگشتند ولی تقاضای آنان از پاپ عملی نشد و در سال ۱۲۷۱ بار دیگر به چین روی نهادند و در این سفر، پسر نیکولو را به نام مارکو با خود بردند. مارکو از راه سیراس به مقر سلاجقه آسیای صغیر و سپس به ایران مرکز دولت ایلخانان رسید. به مناسبت جنگ بین اباقاخان و قایدو، ونیزیان نتوانستند از شمال ایران به چین بروند و به ناچار راه تبریز، سلطانیه، کاشان، یزد و کرمان را پیش گرفتند و خواستند از بندر هرمز از طریق دریا عازم شوند. اما چون بنادر چین جنوبی متعلق به سلسله «سونگ»

۱- برای آگاهی از ابتدا و انتهای سفر مارکو و حرکت او بنگرید به: مریم میراحمدی، «ایران در سفرنامه مارکو پولو» تحقیقات جغرافیایی، سال سوم، ش ۳، زمستان ۱۳۶۷، ص ۹-۱۰۸.

بود و مغولان در این بنادر قدرتی نداشتند بار دیگر از طریق خشکی از راه خراسان روی به چین نهادند و در این میان از بلخ و بدخشان گذشتند و از راه ابریشم خود را به کاشغر رساندند و سرانجام پس از گذشتن از چندین شهر در چین به نزد قوییلای خان در ماه مه ۱۲۷۵ بار یافتند.^(۱) قوییلای آنان را به گرمی پذیرفت و مارکو را به دوستی خویش برگزید و او را به اقامتگاه زمستانی خود در پکن برد. ظاهراً مارکو در دستگاه اداری چین در قسمت استخراج نمک به خدمت مشغول شد و در بهار سال ۱۲۹۱ عازم اروپا شد. وی پس از مدتی توقف در ویجایا از بنادر چمپا به کشتی درآمد و پس از ۵ ماه مسافرت دریایی به سوماترا رسید و بعد از ورود به جزیره هرمز از طریق کرمان به داخل ایران راه یافت و تا به خراسان نیز رسید که در آن روزگار فرمانروای خراسان، غازان خان بود. مارکوپولو در سفر خویش به سوی اروپا، از خراسان به تبریز رفت و به حضور گیخاتو خان مغول رسید و پس از سه ماه اقامت در آذربایجان، از راه طرابوزان و قسطنطنیه به رم رفت و در سال ۱۲۹۵ به ونیز رسید. مارکوپولو در جنگ میان دولتهای جنوا و ونیز به دست مردم جنوا اسیر شد و به زندان افتاد و در زندان مشاهدات خود را در سرزمین آسیا، برای دوست خویش به زبان فرانسه قدیم حکایت کرد و این یادداشتها، اساس کتاب مشهور وی گردید. این سفرنامه، اولین بار در سال ۱۴۷۷ به زبان آلمانی در شهر نورنبرگ منتشر شد. در این کتاب، کنده کاری زیبایی وجود دارد که مارکوپولو را در لباس اروپایی نشان می‌دهد. پس از چندی این سفرنامه به زبانهای ایتالیایی و لاتین نیز

۱- عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۳۵-۶.

ترجمه شد و ترجمه ایتالیایی آن در سال ۱۴۶۷ انتشار یافت.^(۱)

شرحی که وی درباره فعالیت تجار ایتالیایی از مردم جنوا در تبریز نوشته و یا مطالب وی درباره افسانه سه پادشاه مجوس که گویا برای دیدن عیسی مسیح از ساوه برخاسته بودند و همچنین برداشت او از قلع الموت و باغ‌های افسانه‌ای و خیال‌انگیز آن، برای اروپاییان آن زمان کاملاً بکر، بدیع، شگفت‌انگیز و دلپذیر بوده است. از آن گذشته، مارکوپولو نخستین اروپایی بوده که مغرب زمین را از تهاجم مجدد مغولها به ایران مطلع ساخته و ایجاد سلسله ایلخانان و اضمحلال مغولان در فرهنگ و هنر و تمدن ایرانیان را خبر داده است.^(۲)

در اینجا باید بدین مطلب توجه داشت که آمد و رفت بازرگانانی چون برادران پولو از ونیز تا قراقوروم نتیجه توجهی بود که ایلخانان مغول به امر بازرگانی نشان می‌دادند.

□ ایران در سفرنامه مارکوپولو

در سفرنامه مارکوپولو، صفحات بسیار کمی به ایران اختصاص دارد، اما همین اوصاف مختصر وی از ایران، نکات بسیاری از حیات اجتماعی ایران را در قرن سیزدهم روشن می‌کند. ترجمه فارسی سفرنامه مارکوپولو، ورود مارکو به ایران را در بندهای ۳۰ الی ۴۴، در آغاز سفر وی بیان می‌کند که جمعا سیزده صفحه را دربر می‌گیرد و در ایام بازگشت به وطن، مارکو از طریق بندر هرمز به ایران وارد می‌شود که شرح آن در بند ۱۹۹ کتاب آمده است. مسیر سفر مارکو

۱- عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۷-۳۶.

۲- همان، ص ۲-۴۰.

پولو در ایران از بند ۳۰، شهر توریز (تبریز) اولین شهر بزرگ منطقه آغاز می‌شود که مارکوپولو از آن دیدن می‌کند. مارکو شهر تبریز را به نام قدیمی و مصطلح آن روز «توریز» می‌خواند. او شهر تبریز را ناحیه‌ای از عراق (عجم) می‌پندارد که دارای قلاع بزرگ و مرکز تجارت و هنر در آن منطقه است. روشن است که این تصویر مارکو از تبریز صحیح نیست و شهر تبریز که در حوالی آن کوه‌های متعدد قرار گرفته و به عنوان دروازه ایران شاهد بسیاری از حوادث تاریخی و زدوخوردهای مرزی ایران با همسایگان شمالی و غربی بوده است، جزئی از عراق عجم به شمار نمی‌آید. ... شهر تبریز که در زمان غازان خان (۷۰۳ - ۶۹۵ ق / ۱۳۰۴ - ۱۲۹۵ م) از سلسله ایلخانی، در سال ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م به جای مراغه، رسماً پایتخت ایران شد، قبلاً در زمان حکومت ابا قاسم خان (۶۸۰ - ۶۶۳ ق / ۱۲۸۱ - ۱۲۶۵ م)، یعنی چند سال قبل از ورود مارکو پولو به آنجا، مقر اصلی ایلخانان محسوب می‌شد. زمانی که مارکو در سر راه خود به ایران از تبریز بازدید می‌کرد، چندین سال از سقوط بغداد به دست هلاکو خان (۶۶۳ - ۶۵۳ ق / ۱۲۶۵ - ۱۲۵۶ م)، در سال ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م گذشته بود و تبریز از نظر موقعیت، نقش مهمی در برابر شهر از رونق افتاده بغداد ایفا می‌کرد، بویژه که جاده تجارتي بصره به هندوستان در این ایام از تبریز می‌گذشت و برای تبریز که در حقیقت پلی بین شهر قسطنطنیه و هندوستان شده بود، شهرتی به بار می‌آورد. شاید به همین علت است که مارکوپولو شهر تبریز را «معتبرترین و شریفترین» شهرها می‌داند.^(۱)

مارکو همچنین یادآور می‌شود که «شهر موقعیتی عالی دارد» و کالاهای تجارتي بسیاری از «هندوستان، بغداد، موصل، هرمز» و دیگر نواحی به آنجا

وارد می‌شود. او در چند سطر بعد آورده است:

«همچنین تجار ممالک دوردست برای خرید و تجارت و انجام معامله‌های کلان سنگهای قیمتی و بسیار گرانبهائی که به وفور یافت می‌شوند، نیز به اینجا می‌آیند.»

داد و ستد در تبریز در ایام دیدار مارکوپولو بسیار رونق داشت و مرکز شهر - جایی که «مسلمانان که مردم اصلی شهر» را تشکیل می‌دادند و در «داخل شهر زندگی می‌کردند» اقامت داشتند، محل واقعی این داد و ستد بود و نبض بازار تبریز را در دست داشت. این موقعیت تبریز در امور بازرگانی نه تنها در قرن هفتم هجری قمری / سیزدهم میلادی، بلکه تا به امروز نیز حفظ شده است. در آن ایام، تبریز مرکز داد و ستد انواع ادویه، ابریشم گیلان و چین، سنگهای قیمتی مانند یاقوت، کهریا و اجناس طلا و نقره، پوست و غیره بوده است. ابن بطوطه که چندی بعد از مارکوپولو این شهر را دیده است، از جامه‌های ابریشم بافت شهر تبریز یاد می‌کند. همچنین در این ایام، تبریز یکی از مراکزی بود که با و نیز و ایتالیا مبادلات بازرگانی داشت و ابریشم ایران از همین طریق به اروپا می‌رسید. مارکو از سنگهای قیمتی عرضه شده در بازار با ذکر مشخصات یاد نمی‌کند و به طور کلی از آنها نام می‌برد.^(۱)

همچنین به احتمال زیاد بسیاری از اروپاییان، در ایام دیدار مارکو در تبریز، اهداف تجارتي داشته‌اند، زیرا که مارکو از «بسیاری از تجار لاتین» یاد می‌کند. گفتار مارکو با مسائل تاریخی کاملاً هماهنگ است، اطلاع داریم که در دربار ایلخانی، نمایندگان و تجاری بودند که از ناحیه لیگوری (شمال ایتالیا) برای هموار کردن مسیر تجاری هند به اروپا از طریق ایران به این کشور آمده

بودند. حوادث و رویدادهای مهم اروپا در آن ایام و مسائلی که شکست جنگهای صلیبی با خود به همراه آورد، توجه اروپائیان را در آن زمان به تماس با دربار ایلخانی جلب کرده بود. در زمان ایلخانان، نامه‌های دوستی بین دولتهای اروپایی و حتی دربار پاپ از یک سو و ایلخانان از سوی دیگر رد و بدل شده بود و نمایندگانی از ایلخانان نیز از ایتالیا، اسپانیا، انگلستان و فرانسه دیدار کرده و به حضور پاپ هم رسیده بودند.

نکته مهم از لحاظ تاریخ اجتماعی ایران در آن ایام، توجه مارکواس است به وجود «ارمنی‌ها، نستوری‌ها، یعقوبی‌ها و گرجی‌ها» در تبریز. این دقت مارکوپولو، برای اروپاییان که از مدتها قبل، فقط کلیسای رومی را می‌شناختند و توجهی به دیگر شاخه‌ها و گرایشهای مسیحی نداشتند، قابل تعمق و توجه است. در ایران، مسیحیت از همان اواخر قرن اول میلادی توسط سوریهای ارتدکس گسترش یافت. بعدها یعقوبیان و دیگر شاخه‌ها نیز بدان افزوده شد. از مسیحیان معروف آن ایام، اسقف سریانی شهر تبریز به نام پدر باسیلیوس را می‌شناسیم که همزمان با ورود مارکوپولو به تبریز درگذشت و جانشین وی سوروس، کلیسایی را که باسیلیوس در دست ساختمان یا تعمیر داشت، به پایان رساند. هیأت‌های مذهبی کلیسای کاتولیک رومی، بعدها پس از مارکوپولو به تبریز آمدند. اما ظاهراً قبل از آن، زمان و موقعیت برای فعالیت بیشتر هیأت‌های مذهبی - با توجه به سیاست مذهبی دوران آغازین عصر ایلخانی - مناسب‌تر بود، زیرا که هیأتی از شاخه فرانسیسکن‌ها تحت سرپرستی ژراردفن پراتو در زمان ابا قاخان به ایران آمده بود. متأسفانه اطلاعات دقیق‌تری از تک‌تک این هیأت‌ها در دست نیست، هر چند می‌دانیم در زمان ارغون (۶۹۰-۶۸۳ ق / ۱۲۹۱-۱۲۸۴ م) هم هیأتی از فرانسیسکن‌ها تحت سرپرستی یوهان فن منته کورونو و دومینکن‌ها تحت رهبری نیکولد فن منته کروکه در تبریز وجود داشته است.

کورونو نامه‌ای هم از کلیسای کاتولیک رومی از پاپ برای اسقفی که ظاهراً در ایران می‌زیسته، به همراه داشته است. وی احتمالاً تا سال ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م و تا مرگ ارغون شاه در تبریز زندگی کرده و بعدها به همراه نمایندگان انگلیسی عازم هندوستان شده است.

مارکوپولو همچنین در زمان بازگشت خود و اقامت مجددش در تبریز، از دیری مسیحی صحبت می‌کند که به کرم‌لیت‌های مسیحی تعلق داشته است. گابریل جغرافی‌دان آلمانی توضیح مفصلی راجع به مسیحیان تبریز دارد. وی معتقد است که «دیر مقدس برصوما» که مارکوپولو به آن اشاره می‌کند، متعلق به برصوما مقدس ارامنه است که در نیمه دوم قرن پنجم میلادی در آن نواحی زندگی می‌کرده است.^(۱)

مارکوپولو در بند سی و یک، «ایران بزرگ» را شرح داده است. مسیر حرکت مارکو به طرف شهر ساوه بود. دقیقاً نمی‌دانیم که مارکو در چه فصلی تبریز را ترک کرده است، اما مسلماً در فصلی بوده که براحتی می‌توانسته از گردنه شبلی بگذرد. در آن ایام راه کاروانرو از محلی می‌گذشت که بعدها در نزدیکی آن جاده ساخته شد. اگر چه نام شهر میانه در سفرنامه مارکوپولو آورده نشده است، اما از آنجایی که مسیر سنتی و تاریخی آن نیز از شهر میانه می‌گذشته است، قویاً حدس می‌زنیم که مارکو نیز از این شهر عبور کرده و خود را به شهر ساوه رسانده است. از طریق جغرافیدان ایرانی عصر مغول، حمدالله مستوفی از چگونگی شهر ساوه در همان ایام خبر داریم که شهری آباد «از اقلیم چهارم است و شهرکی اسلامی». ساوه در زمان مارکو از «چهل و شش دیه» تشکیل شده و بسیار آباد بوده است. ساوه همان شهری است که طبق روایات، سه ایرانی اهل آن‌جا، از

جملهٔ اولین کسانی بودند که خبر از تولد مسیح دادند و برای دیدار وی به اورشلیم شتافتند. مارکوی جوان، کنجکاوانه به دنبال نشانی از آنان می‌گردد و تصادفاً به قلعه‌ای برمی‌خورد که به «قلعه آتش‌پرستان» معروف بوده است. با توجه به اینکه در نواحی مرکزی ایران، زرتشتیان ایران سکونت دارند، چنین برمی‌آید که مارکو با برخی از پیروان زرتشت ملاقات کرده است.

بند سی و دوم نیز به ادامهٔ همین مطلب می‌پردازد و این که ایرانیان همواره کوشش می‌کردند تا آتش مقدس را روشن نگاه دارند، در پیوند با روایت سه نفر ایرانی است که نام شهرهای ساوه، آوه و کاشان ذکر می‌شود.

بند سی و سه را مارکوپولو به «هشت ایالت ایران» اختصاص داده است. مارکو ایران را مرکب از هشت ایالت می‌داند که به ترتیب ۱ - قزوین ۲ - کردستان ۳ - لرستان ۴ - شولستان ۵ - اصفهان ۶ - شیراز ۷ - شبانکاره ۸ - تون و قاین است.

این تقسیم‌بندی مارکوپولو، در چهارچوب موقعیت سیاسی و محدوده ایران زمان ایلخانیان نمی‌گنجد و حتی تصور آن برای دوران باستان ایران غیرممکن است. در تصور مارکو چنانچه در سطر آخر بند سی گفته می‌شود: «حال تبریز را رها کرده و داخل ایران می‌شویم»، حتی تبریز و طبیعتاً آذربایجان هم در زمره استانهای ایران محسوب نشده است. از جانب دیگر در وصف تون و قاین و ناحیه کوهستان (قهستان) موارد مختلفی یادآور شده است. اسبان گرانهای منطقه و تجارت آنان از طریق کیش و هرمز توجه مارکو را بسیار به خود جلب کرده است. اما وی مردم آن نواحی را بی‌رحم می‌خواند و می‌گوید که نظم فقط به علت ترس از تارتارها برقرار می‌شود. این تأکید مارکو، تسلط مغولان را بر نواحی شرقی ایران نشان می‌دهد، اما از جانب دیگر رونق تجارت و داد و ستد نیز از دید وی پنهان نمانده است. تجارت پارچه‌های ابریشمی و وفور

غلات مانند گندم، جو ارزن و نیز میوه در مناطق شرق ایران را به خوبی شرح داده است. امروزه نیز از نواحی شرق ایران در منطقه خراسان، بهترین میوه ایران به دست می‌آید. شمال خراسان نیز مرکز پرورش اسب، از بهترین نوع آن است. وسیله سنتی حمل و نقل امروزه در بین دهات و قبایل کوچ‌نشین هنوز همان شتر است که مارکو به آن اشارات متعددی دارد.

تقسیم‌بندیهای استانی سفرنامه مارکوپولو با تقسیمات کشوری ایران در نزد جغرافیدانان مغول مانند *حمدالله مستوفی* هماهنگی بسیار کمی دارد.

ابوالفداء، جغرافیدان عرب (متولد ۶۷۲ ق، دمشق) که کتاب *تقویم البلدان* خویش را در قرن هشتم هجری قمری / چهاردهم میلادی نوشته است، خوزستان را اقلیم وسیعی از «رستاق واسط» در غرب تا «فارس» در شرق می‌داند. حد جنوبی آن «عبادان» و حد شمالی آن حدود رود «صمیر، کرخه و کوههای لرد و بلاد جبل تا اصفهان» است.

در مورد ایالت شولستان و یا به عبارتی «چولستان» لازم به یادآوری است که منطقه محل سکونت قبایل «چول» در جنوب لرستان، این تصور را در ذهن مارکو ایجاد می‌کند، که به همه آن منطقه چولستان می‌گویند. امروزه این منطقه تا حدی ناحیه ممسنی و لرهای ساکن آن ناحیه را در برمی‌گیرد. ایالت شبانکاره نیز محل اقامت کردان شبانکاره است که امروزه بخشی از آن جزء استان فارس محسوب می‌شود.

بهرحال شاید بتوان تقسیم‌بندی مارکوپولو را در طول تاریخ، تا حدی شبیه مناطق تحت حکومت سلجوقیان دانست. در زمان ایلخانان و زمانی که مارکوپولو از غرب ایران دیدن می‌کرد، برخی از نواحی ایران حکومتهای مستقلی داشتند که از آن جمله باید کردستان را نام برد. شاید تقسیم‌بندی مارکوپولو از کردستان، بیش از هفت ایالت دیگری که نام برده، با حقایق تاریخی وفق دهد.

باید یادآور شد که در طول زمامداری ایلخانان مغول، وضعیت کردستان نیز تغییر کرد.^(۱)

در تقسیم‌بندی مارکوپولو، استانهای مهمی از ایران مانند گیلان، خراسان و غیره از قلم افتاده است، البته گیلان در آن زمان تا حدی از استقلال برخوردار بود و شاید به همین سبب بدان پرداخته نشده و یا شاید از آنجا که مسیر مارکو نبوده، از شرح آن صرف‌نظر شده است. از جانب دیگر دقیقاً می‌دانیم که مارکو از خراسان گذشته است. خراسان که قرن‌ها، مرکز فرهنگی و در دوران اسلامی مسیر گسترش تمدن ایران به سوی سرزمینهای شرقی بوده، در آن ایام از شهرت کافی برخوردار بوده است. به این شهرت، تجارت ابریشم نیز کمک بسیار کرده بود و در واقع خراسان یکی از مهمترین مسیرهای بازرگانی مشرق زمین به اروپا محسوب می‌شد. چند سال قبل از ورود مارکو به ایران، اباقاخان در ناحیه خراسان جنگ سختی با بوراق، حاکم ماوراءالنهر داشت.

بند سی و چهارم، شهر یزد را وصف می‌کند. مارکو شهر را بزرگ، زیبا و پررونق می‌داند، بویژه پارچه‌های ابریشمی موسوم به «یزدی» بازرگانان شهر فراوانی داشته است. مارکو وسعت منطقه یزد را «هفت روز راه‌پیمایی» دانسته و خود نیز ظرف همین مدت به قلمرو کرمان رسیده است. نخلستانهای زیاد و وجود شکار مانند بلدرچین و کبک برای مارکو بسیار جالب بوده است. یزد در آن ایام از شهرهای مشهور و از حیث بازرگانی بسیار پررونق بوده است. در ایام حکومت طغرل سلجوقی این شهر از اهمیت خاصی برخوردار بود. غازان‌خان نیز پس از دستیابی به یزد، به این شهر توجه خاصی داشت.^(۲)

۱- مریم میراحمدی: ایران در سفرنامه مارکوپولو، ص ۸-۱۱۶.

۲- همان، ص ۱۱۹.

بند سی و پنجم، مربوط به «کرمان» است. سرزمین کرمان همواره به دلایل سیاسی و استراتژیکی و نیز مجاورت با سرزمینهای شرق و قرار داشتن در معرض خطرات و حملات مرزی مورد توجه بوده است. از لحاظ موقعیت اقتصادی و بازرگانی ایران آن زمان و نیز به دلیل آنکه این منطقه محل تولید فراورده‌های بسیاری از اجناس بوده و معادن بسیاری را در خود جای داده، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در ایام دیدار مارکو، این دو نکته نیز مورد توجه او قرار گرفته است. وی به حکومت تاتارها اشاره می‌کند و این سرزمین را مرکز سنگهای قیمتی مانند فیروزه و سنگهای صنعتی مانند آهن می‌داند. علاوه بر آن زنان هنرمند کرمانی در نقش آفرینی پارچه‌های ابریشمی و تولید صنایع دیگر دستی نقش فعال خود را داشته‌اند. در این مبحث نیز پرندگانی مانند شاهین و کبک مورد توجه مارکو قرار گرفته است. اوصاف مارکو از کرمان و دقت وی شاید بدان جهت بوده که مارکو سه بار به کرمان وارد شده بود. بار اول و دوم در راه رفتن به چین، همان گونه که در نقشه مسیر وی مشخص است و بار سوم در راه بازگشت وی از چین و این بار زمانی بود که نامزد ارغون را به ایران همراهی می‌کرد. در مورد کرمان نیز مانند یزد، مارکو از اسامی جدید هر دو شهر، بدون ذکر نام قدیمی و یا ریشه این نامها یاد می‌کند. بهرحال کرمان و صنایع آن ونیزی جوان را مجذوب می‌کند. شهر کرمان در آن ایام از رفاه نسبی خاصی برخوردار بوده است، بویژه حوادث تاریخی چند و پراهمیت بر آن گذشته بود.^(۱)

بند سی و ششم، اوصاف شهر کامادی است که پس از دو روز راه پیمایی در دشت ظاهر می‌شود. شهر در گذشته بسیار غنی بوده و در هنگام دیدار مارکو از رونق افتاده است. کامادی بر اساس تعاریف مارکو، در حوالی جیرفت قرار

داشته است.

در این مبحث مارکو به راهزنانی اشاره می‌کند که «قراوناس» نامیده می‌شوند. او آنان را از طرف مادر هندی و از طرف پدر تاتار می‌خواند. مارکو جایگاه تاریخی «قراوناس» را چنین می‌داند که تکودار زمانی با سپاهیان زیاد به دربار عمویش جغتای، برادر خان بزرگ رفت و زمانی که وی در ارمنستان می‌جنگید خود و سپاهیان‌ش به بدخشان و بعد به کشمیر فرار کردند. آنان موفق شدند که به بخشی از هندوستان به نام دیلیوار (لاهور) حمله کنند و شاه آن ناحیه را از تخت پائین آورند و خود بر جای وی نشینند. مردان تکودار پس از این پیروزی، با زنان هندی ازدواج کردند و فرزندان آنها «قراوناس» و مخلوط نامیده شدند، روشن کردن گفتار مارکوپولو از لحاظ زمینه‌های تاریخی چندان آسان نیست.

بند سی و هفتم به هرمز اختصاص دارد. دشت هرمز و رودخانه میناب را مارکو منطقه‌ای سرسبز و پرمیوه می‌داند که بسیار متنوع است. هرمز که ناحیه‌ای قدیمی است، محل داد و ستد بازرگانان خلیج فارس و جزایر قیس (کیش) و غیره بوده است. شهر بندری نزدیک به آن سیراف (طاهری) در قرون گذشته و ایامی که مارکو در آن نواحی بوده است، یکی از بنادر پررونق محسوب می‌شد. مارکوپولو به موقعیت بندری هرمز و رونق آن در رابطه با تجار هندی اشاره می‌کند. کشتیهای بزرگ مملو از ادویه، مروارید، پارچه‌های زربفت، سنگهای قیمتی، عاج فیل و اجناس بسیاری به این بندر وارد می‌شده است. علاوه بر آن مارکو به صنعت کشتی‌سازی ایران در آن ایام اشاره می‌کند و شیوه ساخت آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد، زیرا که بسیاری از آنها غرق می‌شده‌اند. طبیعتاً مارکو که در ونیز پرورش یافته بود و از کودکی با هنر کشتی‌سازی آشنا بوده، بخوبی می‌توانسته معایب کشتیهای ساخت ایران را تشخیص دهد و قیراندود نکردن

کشتیها را از معایب آن بدانند.^(۱)

نکته جالب دیگری که مارکوپولو به آن اشاره می‌کند، بادهای گرم موسمی و گاه‌کشنده این منطقه است. بادهای گرم منطقه هنوز هم وجود دارد و بنابر فصل وزش و نوع آن دارای اسامی خاصی است.

شهر و بندر قدیم هرمز - حتی پس از رونق گرفتن بندر جدید عباس که به کوشش شاه عباس اول صفوی (۱۰۳۸-۹۹۵ ق / ۱۶۲۹ - ۱۵۸۷ م) از اعتبار خاصی برخوردار بود - در طول تاریخ دارای حاکمان مستقلی نیز بوده است و مارکو نیز به موقعیت این شهر اشاره روشنی دارد.

مارکو سر راهش به نواحی شمال ایران مجدداً به کرمان باز می‌گردد و در مسیرش به چشمه‌های آب گرم متعددی اشاره می‌کند که امراض پوستی را معالجه می‌کنند.

بند سی و هشتم، از ناحیه‌ای فقیر و وحشی یاد می‌کند. ناحیه‌ای که در آن آب کم پیدا می‌شود و چنانچه احياناً پیدا بشود شور و سبز رنگ و گاه تلخ مزه است. در این منطقه مارکو برای اولین بار با قنات مواجه می‌شود و از آن به عنوان رودی یاد می‌کند که در مسیر آن غارهایی کنده شده و آب گاه در بستری زمینی و گاه زیرزمینی جاری می‌شود. برداشتهای مارکو، بخوبی منطقه کویر مرکزی را مجسم می‌کند که او از آن می‌گذشته است. برای مارکو که زندگی را در شهر آبها، و نیز شروع کرده است، تجسم ناحیه‌ای این چنین خشک و بی‌آب غیرقابل تصور است. پس از گذشتن از این منطقه، مارکو به شهر کوه بنان می‌رسد.

بند سی و نهم درباره شهر بزرگ و معتبر کوه بنان است. کوه بنان یکی از

۱- مریم میراحمدی: ایران در سفرنامه مارکوپولو، ص ۲-۱۲۰.

نقاط بسیار قدیمی ایران است و قدمت آن به دوران نوسنگی می‌رسد.

مارکو به مسائل دیگری در این منطقه نیز توجه دارد و یادآور می‌شود که مردم محل مسلمانند و در آن معادن زیاد آهن و فولاد وجود دارد. سرمه نیز از این محل به دست می‌آید و توتیا، از نوعی خاک این محل پس از پخته شدن و سوزانده شدن تهیه می‌شود.

بند چهارم مربوط به گذر از کویری دیگر است. بیابانی خشک که در آن نه درختی و نه میوه‌ای دیده می‌شود. آب تلخ و بدمزه آن برای مسافران گوارا نیست. گذر از این راه برای مارکو آسان به نظر نمی‌آید، اما سرانجام پس از چندین روز سواری، به تون و قاین می‌رسند. ایالتی با «شهرهای زیاد و دژهای فراوان». دشت بیکرانی که در آن درختان «بزرگ و تنومند با برگهای سبز از یک رو و سفید از رویی دیگر» سر برافراشته‌اند. سرزمین «درخت تنها» و به قول مسیحیان «درخت خشک»، درختی که اسرار آن تاکنون کشف نشده است.^(۱)

تعاریف مارکو فقط با ناحیه تون (فردوس) و قاین و کل منطقه کوهستان (قهستان) هماهنگی دارد. مارکو اشاره می‌کند که در این محل ظاهراً نبردی بین اسکندر مقدونی و داریوش سوم اتفاق افتاده است.

در این مبحث مارکو پولو از منطقه‌ای به نام الموت یاد می‌کند. با توجه به اینکه در جملات قبلی آن، از ناحیه‌ای «معتدل، نه گرم و نه زیاد سرد» صحبت می‌کند، به نظر می‌رسد که وی به نواحی شمالی‌تر ایران و به دامنه البرز رسیده باشد.

بند چهارم و یکم، صحبت از «پیر کوهستان» و الموت دارد. پیر کوهستان و پیروان وی از «بدعت‌گذاران» اسلامند. مارکو تا این حد اطلاع دارد که شاخه

اسماعیلیه نوآوری‌هایی را در اسلام وارد کرده‌اند. مارکو پیر کوهستان را علاءالدین معرفی می‌کند که محل وی در بین کوهها و در میان دره‌ها و در باغی بزرگ و زیباست. در میان این باغ جوهای از شیر، عسل و آب زلال روان است. پیر کوهستان در این باغ به پیروان خود، بهشت را نشان می‌داد و اسماعیلیان باور می‌کردند.

بند چهل و دوم «آماده کردن جوانان» توسط پیر کوهستان و شیوه عمل آنهاست. طبیعی است که مارکو مطالبی را نوشته که شخصاً ندیده است. اما گفته‌های وی بر اساس مطالبی است که احتمالاً شاهدان عینی و مردم آگاه محل، برایش تعریف کرده‌اند.

بند چهل و سوم، «اسماعیلیان و پایان کار پیر» را شرح می‌دهد و سپس یادآور می‌شود که هلاکوخان در سال ۶۶۰ ق / ۱۲۶۲ م سرانجام در محاصره‌ای سه ساله، منطقه مسکونی پیروان اسماعیلی و قلعه متعلق به پیر کوهستان را از بین برد و بساط آنان بدینسان برچیده شد.

بند چهل و چهارم، اوصاف «شهر شاپورگان» است. شاپورگان در شمال افغانستان قرار دارد. مارکو از سرزمین خراسان به بدخشان رفته و از آنجا عازم شاپورگان شده است. از جزئیات مسیر وی از فلات ایران به آنجا اطلاع زیادی در دست نیست، اما بسیاری از جغرافیدانان و جهانگردان قرون بعدی کوشش کردند که خط سیر وی را دنبال کنند و زیباییها و شگفتیهای را که مارکوپولو از آن تعریف می‌کند، به چشم ببینند.^(۱)

۵ هباده سفیران در دوره مغولان

همینکه ارغون شاه به مقام سلطنت رسید، تلاش کرد تا متحدانی از دنیای مسیحیت برای خود بیابد. بدین جهت، وی در سال ۱۲۸۵ میلادی هیأتی را به مقر پاپ هونوریوس چهارم اعزام کرد و در نامه‌ای که ترجمه لاتینی آن در واتیکان محفوظ است به او نوشت که مغولان از ناحیه شام به مسلمانان حمله‌ور شوند و مسیحیان در عکا (فلسطین) یا در دمیاط (مصر) پیاده شوند و به مسلمانان حمله آورند و در نتیجه حلب و دمشق از آن مغولان شود و بیت‌المقدس از آن مسیحیان.

ارغون شاه سال بعد هم، سفیری به دربار پاپ هونوریوس فرستاد. سفیر وی این بار ریان صوما بود که نزدیک به شصت سال داشت. وی وقتی به رم رسید که پاپ هونوریوس درگذشته بود. کاردینالها از وی پذیرایی خوبی کردند و به ظاهر، وعده‌های فراوان به او دادند و جواب نامه ارغون را به وسیله ریان صوما فرستادند، اما پس از آن نه ارغون و نه پاپ عملاً اقدامی نکردند و قدمی برنداشتند. در رم نیز پاپ جدید نیکلای چهارم که در ۲۰ فوریه ۱۲۸۸ انتخاب شده بود او را به مهربانی پذیرفت و جهت حضور در مراسم «هفته مقدس» از وی دعوت نمود و نامه‌ای در پاسخ ارغون نوشت. ارغون پس از آن سفیری به نام بوسکارل دوژیزولف از مردم جنوا که از دوستان صوما بود در سال ۱۲۸۹ به رم نزد پاپ فرستاد و در سال ۱۲۹۰ نیز چهارمین سفیر را به واتیکان فرستاد. ریاست این هیأت با شخصی به نام زغان بود که بوسکارل نیز او را همراهی می‌کرد. ولی این بار نیز هیچ‌گونه اقدام عملی صورت نگرفت و کار به تعارف گذشت.

□ سفر مبلّغان مسیحی به ایران

در همین حال، حرکت هیأت سفارت بوسکارلی مقارن شد با حرکت هیأتی از غرب به شرق که ریاست آن با مردی به نام یوحنا از مردم مونته کورونیو در سالرنو ایتالیا بود. این گروه را پاپ نیکلای چهارم برای ترویج و اشاعه مسیحیت در مشرق زمین و خاصه در قلمرو ایلخانان مغول فرستاده بود. یوحنا که سالیانی در ایران و ارمنستان به سر برده بود، همراه ۵ کشیش دیگر از راه زمین خود را به انطاکیه و تبریز رساند. او چند ماهی در تبریز ماند و بسیار کوشید تا ارغون را به دایره مسیحیت درآورد ولی در این کار توفیقی نیافت و در سال ۱۲۹۱ دنباله سفر خود را گرفت و راهی چین شد.

در دوره ایلخانان، کشیشان دیگری نیز بودند که برای گسترش مسیحیت عازم ایران شدند از جمله اودریکو متولد «فریولی» که در سال ۱۳۲۰ به ایران آمد و در شهرهای سلطانیه و تبریز به تبلیغ آئین مسیحیت پرداخت. وظیفه اصلی وی ظاهراً بررسی وضع کلیساهای عیسوی بود.^(۱)

همانگونه که پیش از این گفتیم در زمان حکومت ارغون شاه یکی از سفرای او، تاجری جنوبی بود به نام بوسکارل دوئیزولف که از سوی ارغون به دربار اروپا روان شد. پس از آن بود که اشتیاق حکومت پاپ برای تبلیغ مسیحیت فزونی گرفت و همین عامل باعث آمدن مبلّغین ایتالیایی به ایران شد. در حدود سال ۱۲۷۰ میلادی ژان دومونت کورون اولین مبلّغی بود که از ایتالیا حرکت کرد و مدتی در ایران و ارمنستان بسر برد. وی اطلاعات زیادی از سفر خود به ایران و دیگر ملل مشرق زمین جمع آوری کرد و به چاپ رساند. وی در سال ۱۲۹۰ در تبریز توقف و در آنجا کلیسایی بنا کرد که بعدها به دستور احمد

۱- عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۴۳-۶.

تکودار ویران شد. در سال ۱۳۱۴ مبلّغی دیگر از ایتالیا به نام ویلیام آده به ایران آمد. وی سه سال در ایران ماند و هنگام بازگشت به رم به پاپ پیشنهاد کرد که سلطانیّه را مقر سراسقفی سازد. در سال ۱۳۱۸ میلادی مبلّغی دیگر به نام فرانکوس پروجیایی وارد سلطانیّه گردید. در این دوره، ابتدا شهرهای تبریز، مراغه و چند شهر دیگر در شمال غربی و اندکی بعد نخجوان و پس از ویرانی این شهر توسط تیمور، سلطانیّه مقر اسقفی محسوب شد که تا زمان نادرشاه نیز این شهر همچنان موقعیت خود را حفظ نمود. در سال ۱۳۲۲ ویلیام آده اسقف سلطانیّه گردید و تا سال ۱۳۲۴ در ایران ماند و اطلاعات بسیار جامعی از ایران جمع‌آوری کرد. در این سالها، کتابهای ابوعلی سینا و ابن رشد به لاتین برگردانده شد و طب اسلامی در مدارس ناپل تدریس گردید و کرسیهای عربی در دانشگاه رم و بولونیا برقرار شد. در این زمان، زبان عربی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و دانشمندان ایرانی کتابها و آثار خویش را به زبان عربی می‌نوشتند.^(۱)

□ تألیف فرهنگ سه‌زبانه

جالبترین اثری که از این دوره به جای مانده، فرهنگ کومانی^(۲) نام دارد که فرهنگی است به لاتین، فارسی و یکی از لهجه‌های قدیم ترکی. این کتاب نشان می‌دهد که زبانهای ترکی و فارسی مورد نیاز مبلّغین و تاجران بوده که به قلمرو مغولان سفر می‌کرده‌اند. این اثر بیشترین کمک را در زمینهٔ ایران‌شناسی و ترک‌شناسی در اروپا انجام داده است. از این کتاب، نسخهٔ منحصر به فردی وجود

۱- حسن جوادى، «ایران از دیدۀ سیاحان اروپایی دورهٔ ایلخانان»، بررسیهای تاریخی،

سال هفتم، شمارهٔ ۵، ص ۵-۱۲۴.

دارد که تاریخ ۱۳۰۳ میلادی را نشان می‌دهد و با ترجمه انجیل و چند متن مذهبی دیگر به زبان ترکی همراه است که در کتابخانه شاعر بزرگ ایتالیایی **فرانچسکو پترارکو** در ونیز موجود می‌باشد.

فرهنگ کومانی نه تنها یک اثر مفید و جامع برای مطالعه زبان قدیمی ترکی محسوب می‌شود بلکه قسمت فارسی آن نیز به علت احتوا به لغات قدیمی فارسی و مخصوصاً اصطلاحات گمرکی و بازرگانی دوره مغول بسیار جالب توجه است.^(۱)

یکی دیگر از مبلّغینی که در زمان **ابوسعید بهادر خان** به ایران آمد و سفرنامه فوق‌العاده جالبی از خود بجای گذاشت، **اودریکو** (۱۲۸۶-۱۳۳۱ م) اهل پردونون در شمال ایتالیا بود. وی پس از مدتی توقف در تبریز در سال ۱۳۲۲ به کاشان، یزد، تخت‌جمشید شیراز و سپس از طریق کردستان به بغداد سفر کرد. وی خاطراتش را پس از بازگشت در سال ۱۳۳۰ در صومعه سنت آنتونی واقع در شهر پادوآ نگاشت و مانند سفرنامه مارکوپولو، این سفرنامه نیز محبوبیت زیادی پیدا کرد. در بعضی موارد دقت نظر او از **مارکوپولو** بیشتر است و ذکر برخی از عادات شرقیان را اولین بار او برای اروپائیان شرح می‌دهد. کتاب **اودریکو** متضمن مطالب خوبی درباره ایران می‌باشد.^(۲)

□ روابط تجاری زمینه‌ساز گسترش زبان فارسی

باید گفت که در دوره ایلخانان، تجارت ایران با اروپا منحصر به تجارت با جمهوریهای مختلف شبه جزیره ایتالیا بود و کالاهای ایران از این طریق به

۱- حسن جواد، *ایران از دیده سیاحان اروپایی دوره ایلخانان*، ص ۱۲۶.

۲- همان، ص ۱۳۱.

سایر نقاط اروپا راه می‌یافت. در همان زمان، تنها راه دریایی چین، هند و خاور دور از طریق خلیج فارس بود و این عوامل باعث ارتباط نزدیکتر بین ایران و ایتالیا و سفر سیاحان و تاجران ایتالیایی به ایران بود که در گسترش زبان فارسی بی‌تأثیر نبود. کلمه "Balduchin" که به معنی پارچه و حریر زربفت بغدادی است و کلمات دیگری چون Crimson (رنگ قرمز)، Cramoisy (نوعی ابریشم قرمز) و Organza که در اصل اورگنجی است یعنی پارچه‌ای که در اورگنج یافت می‌شود همه در این دوره به زبانهای اروپایی راه یافته‌اند. ورود این واژه‌ها به زبانهای اروپایی کمابیش همزمان با ورود کالاها و فرآورده‌هایی است که از ایران و مشرق زمین به فرنگ حمل می‌شد. اما این واژه‌ها در آن روزگاران در زبانهای دیگر هم معادلهایی داشته‌اند و اینکه این معادلهای داخل در آن زبانها نشده‌اند و اسامی فارسی آن فرآورده‌ها به آن زبانها راه یافته نشانه گسترده‌گی دامنه زبان فارسی در آن زمان، در مقام یکی از ابزارهای عمده انتقال تمدنهاست.^(۱)

در این دوره، تبریز بعد از فتح بغداد توسط هلاکو اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و به گفته اودریکو این شهر مرکز تجارت دنیا گردید و در بازارهای آن، پارچه‌های ابریشمین و زربفت و انواع سنگهای قیمتی و در مجموع اکثر کالاهای دنیای آن روز بفروش می‌رفته است. مارکوپولو نیز در سفرنامه خود آورده است که در تبریز، کالاهای بغداد، موصل و دیگر نواحی یافت می‌شد و بازرگانان و نیز، کالاهای اروپایی را بدانجا می‌آوردند.

اولین تاجر ایتالیایی که در آن زمان، سالیان درازی در ایران زندگی می‌کرده، یکی از اهالی و نیز به نام پیتر ویلونی بوده است. از او که در سال

۱۲۶۴ میلادی در تبریز درگذشته، وصیت‌نامه‌ای باقی مانده است.

حاصل آنکه، فعالیت تجار ایتالیایی در این دوره بسیار قابل توجه بود. ولی با این وجود، بازرگانان ایتالیایی که بیشتر ونیزی، جنوایی یا پیزایی بودند به ندرت شرح مفصلی از مسافرت و مقصد خود بجا گذاشته‌اند، زیرا که اغلب آنها نمی‌خواستند رقبایشان از هدفهای آنان باخبر شوند و آنچه که معمولاً از آنان باقی می‌ماند، اطلاعات مورد احتیاج دفاتر رسمی جمهوری مربوطه به خودشان بوده است. چرا که آنها از دادن اینگونه اطلاعات نمی‌توانستند خودداری نمایند.^(۱)

بنابراین، باید گفت که از تاجران و مسافران ایتالیایی آن دوران آثار مشروحی در دست نیست. فقط یک کتاب بسیار جالب به نام «دستوری عملی برای بازرگانی» نوشته یکی از اهالی فلورانس به نام «فرانچسکو دی بالدوچیو پگولتی» موجود است. پگولتی کارمند بانکی بوده که اطلاعات تجار دیگر را در کتاب خویش جمع می‌کرده است. شاید او به شرق نیز سفر کرده باشد ولی می‌نمایاند که او بیشتر اطلاعاتش را از مدارک دیگران جمع‌آوری کرده است.

نام اصلی کتاب پگولتی «اوصاف ممالک مختلف» بود و ناشر، عنوان «دستور عملی برای بازرگانی» را بدان داد. از زندگی مؤلف اطلاع زیادی در دست نیست. همین‌قدر از نوشته‌های خود او معلوم می‌شود که برای شرکتی فلورانسی به نام «باردی» کار می‌کرده، مدتی در لندن و سپس در قبرس بوده و کتاب خود را در حدود سال ۱۳۴۰ میلادی نوشته است. این کتاب راهنمایی بوده برای سوداگرانی که به شرق می‌رفتند. فصول مختلف این کتاب به ذکر منازل و بنادر سرراه، نوع کالاهای صادراتی و وارداتی، مقدار مالیات و عوارض، انواع تجارت

۱- جوادی: ایران از دیده سیاحان اروپایی دوره ایلخانان، ص ۱-۱۴۰.

هر محل، ارزش پول و اوزان و مقادیر هر مملکت اختصاص داشت. اکثر فصول فقط فهرستی است از انواع کالاها و قیمت آنها و در مواردی نیز به بحث دربارهٔ ممالک مختلف می‌پردازد. کتاب سبکی ساده و غیرتصنعی دارد و اندرزهای عملی به بازرگانان می‌دهد.^(۱)

پگولتی همچنین در کتاب خود وصف دقیقی از منازل بین راه ایاس^(۲) و تبریز به میان می‌آورد و مقدار مالیات مقرر در هر منزل را ذکر می‌نماید و به ساختن حمامها و سایر مایحتاج مسافرین به دستور **غازان خان** توجه نشان می‌دهد. کتاب **پگولتی** به علت داشتن این جزئیات تجاری، دارای اهمیت زیادی بوده و به اکثر تجار ایتالیایی که قصد سفر به ایران و سایر ممالک شرقی را داشته‌اند کمک زیادی کرده و تأثیر بسزایی در آشنایی آنان با ایران داشته است.^(۳)

چنانکه گذشت اکثر مدارکی که از تجار ایتالیایی بجای مانده سفرنامه نبوده بلکه مدارکی است در آرشیوهای جنوا و ونیز، که وضع اتباع این دو جمهوری را در ایران روشن می‌کند. (روابط تجاری و دیپلماسی جمهوری ونیز با ایران در سال ۱۳۰۵ میلادی و در اوایل سلطنت **اولجایتو** با سفارت **توماس اوچی** (ایلدوچی) و **عملق** آغاز شد. در همین سال ۱۳۰۵ میلادی، سنای ونیز توجه خود را به تجارت با ایران معطوف ساخت.)

در سال ۱۳۲۰ میلادی سفیری ونیزی به نام **میکله دالفینو** به ایران آمد و قراردادی با سلطان **ابوسعیدخان** بست. سفیر دیگری نیز بین سالهای ۲۸-۱۳۲۶

۱- همان، ص ۱۴۳.

2. Aias

۳- حسن جواد: *ایران از دیدهٔ سیاحان اروپایی دورهٔ ایلخانیان*، ص ۱۴۴.

میلادی به ایران آمد و راجع به وضع ونیزیان مقیم ایران مذاکراتی صورت داد. از قراردادهای این سفر و مدارک دیگر تجار ونیزی مقیم تبریز معلوم می‌شود که ونیزیان می‌توانستند در آن زمان، در تمام قلمرو ابوسعید خان رفت و آمد کنند و در هر کجا که میل داشتند می‌توانستند اقامت کنند. آنها می‌توانستند محافظین راهها را به همراه خود ببرند و در صورت امتناع مأمورین از رفتن همراه آنها در زمان وقوع خطر، مأمورین مسئول بودند. ونیزها در تبریز یک کنسول و چهار کارمند کنسولگری داشتند و در صورت مرگ یک ونیزی، هیچکس جز کنسول حق نداشت به اموال او دست بزند. حتی عمال و مستخدمین ونیزها از نوعی مصونیت بهره‌مند بودند و اگر مرتکب قتلی می‌شدند، می‌بایست به حضور یک قاضی عالی ایرانی برده می‌شدند. بدین ترتیب می‌بینیم که کاپیتولاسیون قرن نوزدهم در ایران، ریشه‌های قدیمی‌تری داشته است.^(۱)

این را نیز بیفزاییم که وضع اهالی جمهوری جنوایز به همین ترتیب بود. کاروان جنواییها دایم بین طرابوزان و تبریز در رفت و آمد بود. جمهوری جنوا کوشش می‌کرد تا اعتبار مالی تجار خویش را در ایران محفوظ نگاهدارد. بدین جهت، بیگانگان را (جز ونیزها و یونانیان) به کاروان خود نمی‌پذیرفتند و کنسول جنوا در تبریز نیز در امور مالی بازرگانان جنوایی نظارت داشت. جنوایی‌ها یک کنسول در تبریز داشتند که بیست و چهار نفر مشاور داشت. مارکوپولو می‌گوید که در حدود سال ۱۲۹۳ میلادی بازرگانان جنوایی یک خط کشتیرانی در بحرخرز دایر کرده بودند و گویا می‌خواستند ابریشم شمال ایران و چین را از طریق «دن» و «ولگا» به اروپا حمل کنند، ولی این کار به مدت زیادی با موفقیت توأم نبود.

امروزه، تحقیقات مورخان معلوم کرده که جنوایی‌ها و ایتالیایی‌ها از مدتها قبل از این تاریخ در شمال دریای خزر در رفت و آمد بوده‌اند. هنگامیکه دوکارپینی در سال ۱۲۴۵ میلادی عازم دربار خان‌بزرگ بود، قسمت شمال این دریا را دور زد و پدر و عموی مارکوپولو نیز در سال ۱۲۶۰ از طریق رود ولگا وارد دریای خزر شده و به نزدیکی استرآباد^(۱) رسیدند و از آنجا به بخارا رفتند.^(۲)

مارکوپولو در سفرنامه خود ذکر می‌کند که از طریق رود «دن» وارد دریای مازندران شدند. ونیزها نیز بموجب قراردادی که در سال ۱۳۳۳ میلادی با اوزبک‌خان بسته بودند یک مرکز دائمی برای کشتیهای خود در نزدیکی «آزوف» ایجاد کردند و از این طریق کالاهایشان را به شرق حمل می‌کردند. ونیزها در سال حدود شش یا هفت بار کشتی، از ابریشم و ادویه ایران حمل می‌کردند.^(۳)

گرچه تجارت ایتالیایی‌ها در دریای خزر بر اثر تسلط تیمور و بعدها در نتیجه تصرف قسطنطنیه بدست عثمانی‌ها و بسته شدن راه اروپائیان به دریای سیاه اهمیت خود را از دست داد ولی سبب شد که نقشه‌های دقیقی از دریای خزر ترسیم شده و سواحل و جزایر آن نیز شناخته گردد. در نقشه‌های ایتالیایی که در قرن چهاردهم ترسیم شده، دریای خزر بصورت دریاچه‌ای نشان داده شده‌است. مسأله جالبی که در اینگونه نقشه‌ها وجود دارد آن است که اسامی شهرها و بنادر اطراف دریای خزر مخلوطی از زبانهای مختلف اروپایی، عربی، فارسی، ترکی و

زبانهای قفقازی بوده است و این خود نشان می‌دهد که دریانوردان ایتالیایی از ملوانان محلی استفاده می‌کردند و گفته‌های آنان را در دفتر روزانه کشتی ضبط می‌کردند. پس از مرگ سلطان ابوسعید در سال ۱۳۳۵ میلادی وضع تجارت ایتالیایی به علت عدم امنیت راهها و وضع آشفته آذربایجان به مخاطره افتاد و آنان بازار تبریز را تحریم کردند. این اوضاع آشفته تا لشکرکشی تیمور ادامه یافت و از آن زمان به بعد به علت وضع نامطمئن ایران، بسته شدن دروازه‌های چین در زمان حکومت سلسله مینگ، بحران اقتصادی ایتالیا در نیمه دوم قرن چهاردهم و تصرف قسطنطنیه بدست عثمانی‌ها ارتباط تجاری بین ایتالیا کاهش یافت.^(۱) علاوه بر اینها، کشف راه دماغه امیدنیک بوسیله واسکودوگاما به کلی اهمیت راه بازرگانی ایران و راه ابریشم را از میان برده بود.

پیش از آنکه این بحث را به پایان ببریم از یکی دو ایتالیایی دیگر نیز که در این روزگار به ایران آمده‌اند و یا طی مسافرت خود از ایران گذشته و در مورد آن مطلبی نوشته‌اند، ذکری به میان می‌آوریم. یکی از این دو، سیاح ونیزی نیکولو کونتی است که در سالهای آخر عمر تیمور به شرق آمد، مدتی به تجارت اشتغال داشت و پس از یاد گرفتن زبان عربی، همراه ششصد تاجر دیگر با کاروانی از بادیه‌الشام به بصره و سپس به هرمز رفت و زبان فارسی را نیز یاد گرفت.

«سفرنامه کونتی» به دستور امانوئل پادشاه پرتغال از زبان لاتینی به زبان پرتغالی ترجمه شد و چون متن اصلی آن از بین رفته بود، بار دیگر از زبان پرتغالی به زبان ایتالیایی برگردانده شد. مندرجات این سفرنامه بیشتر به هند و آسیای جنوب شرقی مربوط می‌شود و در مورد ایران، مطالب چندانی ندارد.

۱- حسن جواد: ایران از دیده سیاحان دوره ایلخانیان، ص ۵۰-۱۴۹.

هنگامی که تیمور سرگرم فتح دمشق بود یک تاجر ایتالیایی دیگر به نام **مانیانلی** در اورشلیم به تجارت مشغول بود. وی با شنیدن خبر حمله و حشیانه تیمور و رفتار بی رحمانه او و سربازانش با مردم بیگناه، به قاهره فرار کرد. وی که عربی را بخوبی فرا گرفته بود و با آثار متفکران اسلامی چون **ابن سینا** و **ابن رشد** و دیگران آشنا شده بود، در سال ۱۴۰۲ میلادی، مجدداً به دمشق بازگشت و آثار جنایات فجیع تیمور را در این شهر به چشم خویش مشاهده کرد. **مانیانلی** به زبان لاتینی در سال ۱۴۱۶ میلادی، کتابی تحت عنوان «زندگی تیمور لنگ» نوشت که اطلاعات ارزنده‌ای در باب حمله تیمور به شام و فتح بغداد و نیز اوضاع اجتماعی سوریه و مصر در آن روزگار به دست می‌دهد.^(۱)

□ رفت و آمد سفیران در دوران حکومت اوزون حسن

تکامل درک علمی دانشمندان ایتالیا از واقعیت فرهنگی ایران، در پی یک روند آشنایی جغرافیایی و ملاحظات تاریخی صورت گرفت. چنین روندی یک سده پیش از مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا انجام گرفته است. یعنی در زمان حکومت و به قدرت رسیدن **اوزون حسن آق‌قویونلو** (۱۴۷۸-۱۴۵۷ م). تا قبل از سده شانزدهم، ادباء و دانشمندان اروپایی و ایتالیایی تنها یک زبان جهان اسلام، یعنی زبان عربی را می‌شناختند و به موجودیت زبان ادبی همچون فارسی، توجهی ننموده بودند.

سران حکومت ایتالیا و نیز در قرن پانزدهم پس از فتح قسطنطنیه توسط امپراتوری نیرومند عثمانی و با توجه به ستیز ایران با حکومت عثمانی، درصدد گسترش روابط با ایران برآمدند که بعدها با روی کار آمدن صفویان این

روابط به نحوی نزدیکتر و گسترده‌تر ادامه یافت.

پس از آن، روابط ایلخانان با حکومت ونیز و به گسترش نهاد. در فاصله مرگ تیمور و به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول، فرمانروایان بسیاری در نواحی مختلف ایران حکومت کردند که از میان آنان شاید اوزون حسن از همه پر قدرت تر و مهمتر باشد. وی که از لحاظ وسعت فکر و بزرگ منشی بر تیمور و شاه اسماعیل برتری داشت و به اندازه آنها خونخوار و سفاک هم نبود با حکومت ونیز، که در خصومت با عثمانی شهره بود، پیوندهای بسیار نزدیک دیپلماتیک برقرار و با آنان پیمانهای مودت و همکاریهای بازرگانی و سیاحتی برقرار کرد. این کار باعث رفت و آمد فراوان سفرای ایران و ایتالیا به کشورهای یکدیگر شد، هم ایران و هم حکومت ونیز در آن سالها در جلوگیری از نفوذ عثمانیها و قدرت گرفتن آنان نقطه نظر مشترکی داشتند و در این راه سخت می‌کوشیدند.^(۱)

۱- اولین سفرای ایتالیایی در ایران

سنای ایتالیا در سال ۱۴۳۶ میلادی، طرح اتحاد با اوزون حسن را تصویب کرد و سفیری به نام کوئیرینی را به ایران فرستاد. قاسم حسن نیز از طرف دولت ایران به ایتالیا اعزام شد. چهار سال بعد مجدداً کوئیرینی به همراه سفیر دیگری به نام کاترینو زنو به ایران آمد. کاترینو زنو شرح سفر خود به ایران را به صورت چند مکتوب نوشت، ولی امروز آن مکتوبات در دست نیست و فقط مجموعه‌ای در دست است که مردی به نام راموزیو آن مکتوبات را جمع

۱- آنجلو میکلّه پیه مونته، «تاریخچه ایرانشناسی در ایتالیا»، آینده، سال هفدهم، شماره

آورده است. در مورد کاترینو زنو بایستی گفت که وی با اوزون حسن خویشاوندی نزدیک داشت. بدین معنی که مادر وی، خواهر کاترینا دسپینا مادر اوزون حسن بود و سنای رم کاترینو زنو را بدین جهت به عنوان سفیر برگزید.^(۱) اوزون حسن در این هنگام سفیری به نام قاضی محمد به ونیز فرستاد تا برای جنگ علیه عثمانیها از دولت ایتالیا اسلحه آتشین دریافت کند. دولت ایتالیا این بار سفیری به نام جوزافا باربارو را به همراه تسلیحات به ایران گسیل کرد. در ابتدای ورود باربارو به ایران، کردها کاروان وی را غارت کردند و فرستاده دوک ایتالیا و منشی مخصوص سفیر را کشتند. خود وی نیز که به شدت مجروح شده بود، خسته از معرکه جان سالم بدر برد. به طوری که خود می‌نویسد:

«سرتاپایش به دو دوکا (سکه طلای ونیزی) نمی‌ارزید»

با این همه، باربارو به حضور اوزون حسن بار یافت و پس از اقامت نسبتاً طولانی که در دربار بایندری داشت، شرح دقیقی از احوالات و چگونگی تشکیلات سیاسی، اداری و نظامی دستگاه حکومت اوزون حسن را به دست داد. وی حتی در مراسم سان سپاه اوزون حسن حضور یافت و با انداختن یک دانه نخود در جیب خود به ازاء هر ۵ نفر، شمار سپاهیان وی را دریافته بود و اردوی وی را مرکب از ۲۵ هزار نفر، ۲۰ هزار اسب سواری و سی هزار شتر با پنج هزار اسب باری، پنج هزار قاطر و هزار الاغ تخمین زده است. وی به دیدن مراکز زره‌سازی نیز رفته و از شهرهای آباد ایران آن روز مثل: سلطانیه، کاشان، شیراز، اصفهان، یزد و استرآباد در گزارش خود ذکر کرده است. وی پس از رسیدن به

۱- محمد جواد مشکور، تاریخ روابط فرهنگی ایران، جلد اول، (تهران: وزارت فرهنگ و

تبریز و مشاهده بیماری و نزع **اوزون حسن** و بالا گرفتن هرج و مرج، ایران را ترک و به ایتالیا بازگشت. (۱۴۷۸ میلادی)

پس از زنو، سفیر دیگری از ایتالیا به ایران فرستاده شد که **پائولو وینی** بند نام داشت که در زمره کشیشان به شمار می‌آمد. پس از وی نیز **آنتونیو کانتارینی**، **بارتولولیو مباردو** و کشیش **لودویکو** به ایران آمدند. در اسناد رسمی لاتین نام فرستادگانی که از ایران به ایتالیا عزیمت کرده‌اند به صورتهای **مورات** و **نیکولو** و **شفرسا** آمده است که احتمالاً نام نخستین، مراد (برادرزاده اوزون حسن) و نام دومی، یک ایتالیایی است که احتمالاً از تجاری بوده که از قلمرو **اوزون حسن** می‌گذشته و نام سومی به نظر **صفرشاه** می‌آید.^(۱)

در دوره حکومت **اوزون حسن**، ایتالیایی‌هایی که به ایران سفر کردند از خود سفرنامه‌هایی بر جای گذاشتند. سه سفرنامه برجای مانده از حکومت **اوزون حسن** حاوی وقایعی است که در دوران حیات وی به وقوع پیوسته است. این سه سفرنامه که متعلق به **کانتارینی**، **کاترینو زنو** و **باربارو** است شرح حال ماجرای سفر آنها در سالهای ۱۴۷۷ و ۱۴۷۸ میلادی می‌باشد و ناشر این سفرنامه‌ها **اموزیو** با نشر سه سفرنامه دیگر، این قسمت از تاریخ ایران را تا اوایل دوره صفویه پیوند می‌دهد. ترجمه انگلیسی سه اثر فوق توسط انجمن‌ها کلیوت تحت عنوان «سفرنامه‌های ایتالیائیان در ایران» همراه با سیاحتنامه **کاترینو زنو** در سال ۱۴۷۴ انجام گرفت. ولی سفرنامه **کانتارینی** به سال ۱۸۷۳ چاپ شد. سه سفرنامه دیگر یکی متعلق به **ماریا آنجیوللو** می‌باشد که در حدود سال ۱۴۵۱ در ونیز متولد شد و در سال ۱۴۶۸ در نبرد با سپاهیان عثمانی

شرکت کرد ولی در جنگ اسیر شد و پس از رهایی از اسارت در فاصله سالهای ۱۴-۱۵۰۷ سفری به ایران کرد. خاطرات وی حائز اهمیت فراوان می‌باشد و در آن به شرح جزئیات جنگهای اوزون حسن با عثمانی‌ها پرداخته و بیشتر حوادث را از دیدگاه عثمانیان شرح می‌دهد.^(۱) فصول بعدی کتاب وی، وقایع را به زمان شاه اسماعیل می‌رساند که بخش عمده کتاب هم به همین مطلب اختصاص دارد.

اثر آنجیوللو بیش از یک سفرنامه، به یک کتاب تاریخ شباهت دارد و به ندرت به وصف مردم شهرهای مختلف می‌پردازد. در صورتی که «سفرهای یک سوداگر در ایران»، تصویر زنده‌تری از وضع اجتماعی مردم را بدست می‌دهد. نام نویسنده این سفرنامه معلوم نیست ولی همینقدر می‌دانیم که تاجری ایتالیایی بوده که به گفته خودش به زبانهای عجمی یعنی «زبان فارسی و ترکی» و عربی آشنایی کامل داشته و می‌توانسته با طبقات مختلف مردم معاشرت کند. سومین سفرنامه در این مجموعه به قلم سفیری ونیزی به نام *وینچنزو الساندري* می‌باشد که قریب نیم قرن پس از مرگ شاه اسماعیل، یعنی در سال ۱۵۷۱ میلادی به دربار ایران در قزوین رفته است. وی از طرف سنای ونیز مأموریت یافته بود که به ایران رفته و شاه *طهماسب* را به جنگ با *سلطان سلیم* پادشاه عثمانی تشویق کند.^(۲)

گزارشی که *آلساندري* از دیده‌ها و شنیده‌های خویش به سنای ونیز داد، مفصل نیست ولی تصویر زنده‌ای است از خصوصیات اخلاقی شاه *طهماسب* و

۱- حسن جوادى، «ایران از دیده سیاحان ونیزی»، بررسیهای تاریخی، شماره ۶، سال

هشتم، ص ۷-۱۱۰.

۲- همان، ص ۴-۱۲۰.

نکات جالبی درباره ایران آن روزگار.

ونیزیان در کوشش خود برای اتحاد با ایران علاوه بر اغراض سیاسی، منافع تجاری خویش را نیز در نظر داشتند و خاصه آنکه در زمان حکومت *اوزون حسن* تقریباً انحصار ابریشم ایران، آسیای مرکزی و چین در دست آنان بود. کنسولهای جمهوری ونیز در تبریز، لاهیجان و بعضی نواحی خراسان با تجار ونیزی همکاری می‌کردند و از راه تجارت ابریشم سود زیادی بدست می‌آوردند. تا زمان شاه *اسماعیل*، تجارت ونیزیان در ایران هنوز بکلی از میان نرفته بود و قسمت عمده پارچه قرمزی که کلاه معروف قزلباش از آن ساخته می‌شد از ونیز می‌آمد. ولی طی دوره حکومت صفوی جای تجارت ونیزی‌ها را دیگر قدرتهای اروپایی گرفتند.^(۱)

در اینجا بی‌مناسبت نیست به آثار دیگر ایتالیایی‌ها که درباره ایران نگاشته شده نظری بیان‌دازیم. در دوره‌ای که مورد بحث ماست نهضت رنسانس و رواج یافتن صنعت چاپ و هم‌چنین علاقه سیاسی و اقتصادی اروپائیان به ایران و شرق باعث شده بود که کتابهای زیادی درباره خاورمیانه منتشر شود. گذشته از گزارش‌های سفیرانی چون *کلاویخو*، *کاترینو* و *کنتارینی* و یا شرح حال اروپاییانی که در شرق گرفتار بودند مانند *شیلت‌برگر* و *انجیوللو*، نوشته‌های دیگری نیز بود که می‌توان آنها را بطور کلی به چهار دسته تقسیم کرد:

- الف - مجموعه نامه‌ها و مدارک سیاسی که در یکجا جمع‌آوری می‌شد و نشر می‌یافت که گاهی آنها را «گنجینه سیاسی» می‌نامیدند.
- ب - شرح جنگها و یا محاصره‌ها، بخصوص که گاهی توسط شاهدان عینی و زمانی از قول آنها نگاشته می‌شد. مانند تاریخ جنگهای ترکیه و

۱- حسن جوادی: *ایران از دیده سیاحان ونیزی*، ص ۵-۱۲۴.

ایران به قلم مینادوا (ونیز ۱۵۸۸).

ج - تواریخ عمومی مربوط به ملل خاورمیانه، مانند تاریخ عمومی ترکان ... با شرح زندگی و فتوحات سلاطین عثمانی نوشته نولس (لندن ۱۶۰۳) و یا تاریخ وقایع ایران از پیتر ویزیاری (آنتورپ ۱۵۸۳).

د - شرح حالهایی عامه‌پسند درباره پادشاهان مشهور مشرق زمین مانند شرح حال‌های مختلف درباره تیمور و شاه اسماعیل نظیر؛ زندگی صوفی، پادشاه ایران و ماد و بسیار مطالب دیگر به قلم حیوانی روتا (رم ۱۵۰۸)^(۱)

در حقیقت این نوع نوشته‌ها نوعی گزارش روزنامه‌ای آن روزگار به شمار می‌رفت. در بین سالهای ۱۵۰۸ و ۱۵۲۱ جمعاً ۵ اثر از این نوع آثار درباره شاه اسماعیل به زبانهای مختلف چاپ شده بود.

بنابر این، همچنانکه ملاحظه کردیم در این دوره تاریخی حساس و مهم تاریخ ایران، سفیران، سیاحان و بازرگانان ونیزی، گزارشات و خاطراتی با ماهیت جغرافیائی و سیاسی (ژئوپلیتیک) ایران می‌نگاشتند. نوشته‌های مزبور که مسائل جغرافیائی، تاریخی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی و مردم‌شناسی را در بر می‌گرفت، به عرصه ملاحظاتی تعلق داشت که امروزه می‌توان به روزنامه‌نگاری نسبت داد، به این معنا که این نوشته‌ها در دایره بررسی‌ها و پژوهشهایی که دارای روش و هدف علمی است نمی‌گنجد. با این همه، این آثار که بیش از همه کتابهای سیاحان را دربر می‌گیرد، در بازشناختن مناطق جغرافیائی و مردم‌شناسی ایران از سوی مردم اروپا اهمیت به سزایی داشته و امروزه

نیز به منزله منبع تاریخی برای ما همواره سودمند است. در میان این آثار چنانکه گفته شد سفرنامه‌های «باربارو» و «کتتارینی» درباره اوضاع دوران اوزون حسن و سفرنامه نویسنده گمنام «بازرگان» درباره ابتدای دوران صفویه پرآوازه‌ترند. یکی دیگر از آثار ارزنده این دوره، خاطرات مارین سانودو است که در برگیرنده یادداشتهای روزانه و بازنویسی گزارشات و مدارکی است درباره روی کار آمدن و تثبیت قدرت صفویان در ایران (۱۵۲۴-۱۵۰۱ م). در اینجا بایستی یادآوری نمود که به حکومت رسیدن شاه اسماعیل صفوی در نظر مردم ایتالیا یعنی جائی که او را صوفی می خواندند و عوام به او به چشم یک «پیامبر نو» می نگریستند، بازتاب گسترده‌ای داشته است بطوریکه حتی لئوناردو داوینچی نیز درباره این شخصیت، که آئین شیعه را در حد آئین رسمی ایران استوار ساخت، یادداشتی نگاشت.^(۱) در جایی دیگر نقل شده که در ارمنستان ملاقاتی میان لئوناردو داوینچی و شاه اسماعیل صورت گرفته است. بهرحال اگر چنین اتفاقی روی داده باشد واقعاً بسیار جالبی بوده است.^(۲)

«خاطرات سانودو» اثری است متجاوز از چهل هزار صفحه بزرگ که در ۵۸ جلد گردآوری شده و یکی از منابع باارزش تاریخ اروپا و خاورمیانه در این دوره بشمار می رود. سانودو بخاطر علاقه وافری که به تاریخ‌نویسی و ادبیات کلاسیک داشت مجموعه مهمی از دستنوشته‌ها، کتب و نقشه‌های نادر فراهم آورد. خاطرات وی حاوی مدارک دست

۱- آنجلومیکله پیه مونته: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۷۷.

۲- شجاع‌الدین شفاء: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۱۰۷۸۸.

اول، گزارشهای کنسولهای ونیز در نقاط مختلف، مسافری، دریانوردان و بازرگانان می‌باشد. گاهی نویسنده بحث‌های مفصلی دربارهٔ فرهنگ، تجارت، رسوم و عادات مردم به میان می‌کشد ولی بطور کلی مانند تاریخ‌نویسان بزرگ نمی‌تواند نظری تحلیلی و در ضمن همه جانبه از وقایع بدست دهد و ارزش کتاب او، بیشتر در جمع کردن مدارک است. بعلت درگیری ونیز با عثمانی در آن زمان، مواد مربوط به تاریخ این کشور در کتاب *سانودو* بسیار زیاد است و مطالب مربوط به ایران به مقدار کمتر در سرتاسر ۵۸ جلد پراکنده است.

مثلاً در جلد چهارم کتاب که از اول آوریل ۱۵۰۱ تا آخر مارس ۱۵۰۳ میلادی را در برمی‌گیرد، ۱۲ خبر کوچک و ۸ گزارش مفصل دربارهٔ ایران وجود دارد. یکی از گزارش‌های این کتاب چنین است: گزارشی به تاریخ دسامبر ۱۵۰۱ دربارهٔ «پیغمبر جدید» یعنی *شاه اسماعیل* از قول مسافرینی که تازه از ایران برگشته‌اند و دربارهٔ صوفی چهارده‌ساله‌ای که ادعای پیغمبری و خدایی او و چهل خلیفه‌اش که اعمال مذهبی را از طرف او انجام می‌دهند.^(۱) او می‌نویسد که: در یک سال بیش از ۸ هزار نفر مرید او شده و پیروانش نواحی مختلف آذربایجان را گرفته‌اند. *سانودو* در گزارش ۶ نوامبر ۱۵۰۲ شرحی جالب درباره تکیهٔ صوفیان در نزدیکی تبریز و طرز زندگی آنها دارد.

بااین حال باید خاطر نشان ساخت که تمام مأخذ *سانودو* قابل اعتماد نیست. بعضی دست اول و برخی مسموعات کسانی هستند که مستقیماً در وقایع سهمی نداشتند.

پائولو جیویو دومین تاریخ‌نویس آن دوره است که اثر بزرگ او تاریخی است عمومی از وقایع و رویدادهای مناطق مختلف دنیا که اطلاعاتی است که وی از طریق پاپ‌ها، پادشاهان و سرداران معروف جمع کرده است و بدون غرض‌ورزی و یا خوش‌آمدگویی در تاریخ خویش جای داده که اکثر مطالب او مربوط به ایران، حبشی‌ها و ترکان می‌باشد. مورخان او را «اولین روزنامه‌نگار بزرگ در زمینه تاریخ‌نگاری» خوانده‌اند.

سفرنامه نماینده دولت ونیز، **میکله ممبره** به سال ۱۵۴۲ میلادی نیز یک منبع غنی اطلاعاتی دربارهٔ بافت حکومت صفوی در خلال پادشاهی **شاه طهماسب اول** می‌باشد.^(۱)

این را نیز بیفزاییم که در آن روزگار، رشد صنعت چاپ، امکان ارتباط را فراهم آورد و به عدهٔ زیادی از ایتالیاییها فرصت داد تا به مسائل ممالکی چون ایران و عثمانی علاقه‌مند شوند.

چنان‌که خواندیم در دوران صفویه، تاجران ایتالیایی و بخصوص حوزهٔ و نیز ارتباط و مبادلات گسترده تجاری را با ایران بنیاد نهادند.

ونیزیان فلفل، دارچین، زنجبیل، کندر، چوب چینی، تریاک، زردچوبه و هل را از مشرق زمین به اروپا می‌رسانیدند و کتان روسی، پارچه‌های پشمی قبرسی، پوست سمور و دیگر حیوانات و سایر کالاهای اروپایی را به ایران وارد می‌کردند. از جمله محصولات اروپایی که ونیزیان به ایران آوردند عینک بود که ظاهراً بدان «شیشه فرنگ»

می‌گفتند. عبدالرحمن جامی در این باره می‌گوید:

دو چشم کرده‌ام از شیشهٔ فرنگ چهار

هنوز بس نبود در تلاوت سورم

برفت گوهر بینش ز چشم و طفل صفت

دهد فریب به شیشهٔ سپهر عشوه‌گرم^(۱)

در همان آغاز سلطنت صفویه یک سیاح ایتالیایی به نام لودویکو وارتما از مردم شهر بولونا، پس از سفر به مکه وارد ایران شد. سفرنامهٔ وی در سال ۱۵۱۰ میلادی یعنی هشت سال پس از آغاز سفرش (۱۵۰۲) در شهر رم در چهار جلد منتشر شد و در سال ۱۵۱۵ نیز به زبان آلمانی ترجمه و با سه تصویر منقوش در شهر استراسبورگ منتشر گردید.

در همان زمان ایتالیایی دیگری به نام کنستانتین لاسکاری از مردم ونیز، در زمان شاه اسماعیل اول در ایران بود که در سال ۱۵۰۴ به ونیز بازگشته است. در سال ۱۵۳۲ نیز لونیجی رانچینوتو به ایران آمد و سفرنامهٔ خود را در سال ۱۵۵۷ منتشر ساخت.^(۲)

جووانی باتیستا راموسیا در مجموعهٔ سفرنامهٔ خود که در سال ۱۵۵۹ در ونیز انتشار یافت از ونیزی گمنامی خبر می‌دهد که در اواسط قرن شانزدهم به عنوان تاجر، مدتی در ایران زندگی می‌کرده است. در همین دوره چند ایتالیایی، به نامهای آنتونیو مانوتسیو، لئون هاردی راولفن، فردریک سزار و گاسپارو بالبی به ایران آمدند و سفرنامه‌هایی

۱- عبدالحسین نوایی: *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، ص ۱۱۶.

۲- همان، ص ۴-۱۷۳ و ۱۱۶.

به یادگار گذاردند. در این میان، مطالبی که راجع به خلیج فارس و جزیرهٔ هرمز می‌باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس از وینچنزو که در سال ۱۵۷۱ به ایران آمد، مسلماً پیتر دلاواله برجسته‌ترین سیاح ایتالیایی است. ما پس از این، از او به طور جداگانه سخن خواهیم گفت. سی سال بعد از وی، ایتالیایی دیگری به نام منوچی از مردم ونیز، همراه یک انگلیسی از راه تبریز و قزوین به اصفهان آمد و پس از یکسال اقامت در اصفهان، از راه شیراز و بندرعباس به وطن خود بازگشت.

در سال ۱۶۴۷ آنتونیو دی فیاندرا سفیر جمهوری ونیز با یک نجیب‌زادهٔ لهستانی به نام اسلیچ به ایران آمد و پس از دو سال اقامت در اصفهان ایران را ترک گفت. در همین دوره، سفیر دیگری از ونیز موسوم به دومینیکو سانتی ایران سفر کرد. اما این سفیر بقدری حقیر و بی‌شخصیت بود که تاوورنیه سیاح معروف فرانسوی از آشنایی با او اظهار تأسف و شرمساری می‌کند.^(۱)

تا پایان قرن یازدهم هجری مقارن با قرن هفدهم میلادی، چند سیاح ایتالیایی دیگر به ایران آمدند و سفرنامه‌هایی نوشتند که از جمله آنها می‌توان از مانریک، جوزفه دسانتاماریا، آنتونیو تانی و ماریا سنت کاترینا نام برد. سفرنامهٔ وینچنزو و ماریادی سنت کاترینا نیز با نقوش شرقی در سال ۱۶۷۲ در رم منتشر شد.

در زمان سلطنت شاه سلطان حسین، در سال ۱۶۹۴ میلادی، گملی کاروری بر آن شد که دور دنیا به مسافرت و سیاحت بپردازد. وی

۱- عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۱۷۴.

خود را از طریق تبریز و قزوین به اصفهان رسانید و از اصفهان به طرف تخت جمشید رفت و پس از زیارت آثار صنادید عجم از راه خلیج فارس از ایران خارج شد. سفرنامه وی در سال ۱۶۹۹ در ناپل انتشار یافت و بیست سال بعد با تصویرهای متعدد و زیبا در ونیز تجدید چاپ شد. در بین این تصاویر زیبا، تصویر یک خانم ایرانی با لباسی بسیار فاخر و تصویر شاه سلطان حسین که سوار بر اسب است به خوبی نشان داده می شود. سفرنامه وی مورد استفاده ایتالیایی دیگری به نام فولجینزیو دی سنت جوزفه قرار گرفت. وی نیز در سال ۱۶۹۸ در اصفهان بسر می برده است.

آخرین سیاح ایتالیایی که در قرن هیجدهم میلادی، (قرن ۱۲ هجری) در زمان سلطنت نادر شاه به ایران آمد، لئاندریو سنت چه چیلیا بود. سرلوحه سفرنامه، تصویر لئاندریو است که وی را در خدمت پاپ نشان می دهد. نقوش مختلف شرقی در این سفرنامه، نشاندهنده ممالک مختلف شرقی است که لئاندریو بدان کشورها سفر کرده است.^(۱)

□ پیترودلاواله معروفترین سیاح ایتالیایی

در دوره صفویه یک جهانگرد معروف ایتالیایی به ایران آمد که در تاریخ روابط ایران و ایتالیا مقامی خاص دارد و او کسی نیست جز پیترودلاواله که سفرنامه او از بهترین آثار خارجی است که تاکنون درباره ایران نوشته شده است. وی در سال ۱۵۶۸ میلادی، در شهر رم به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته ادبیات و حقوق به پایان رساند. در این

هنگام بین پاپ پل پنجم و جمهوری ونیز بر سر مسائل مذهبی جنگ درگرفته بود. دلاواله در جرگه هواخواهان پاپ به جنگ دزدان دریایی به سواحل افریقا رفت و سپس به رم بازگشت. وی از آنجا به ناپل رفت و پس از ۵ سال اقامت در آن شهر به عنوان زیارت بیت المقدس لباس زائر پوشید و در ونیز به کشتی نشست و سفری طولانی را در پیش گرفت. وی پس از زیارت، از فلسطین به دمشق، حلب و بغداد سفر کرد و در این شهر با دختری آسوری به نام سیتی مانی جیوئویدا دل بست و با او ازدواج کرد.^(۱)

پیترو دلاواله در ژانویه ۱۶۱۷ از طریق قصر شیرین به همدان آمد و از آنجا رو به اصفهان نهاد و همان سال، در ۲۲ فوریه به اصفهان رسید. اقامت وی در پایتخت شاه عباس یازده ماه به طول کشید. وصفی که وی از اصفهان کرده بسیار دقیق و در عین حال محبت آمیز است. وی درباره این شهر که بناهای ساختمانی، در آن در حال احداث بوده می نویسد:

که اگر ساختمان آن به پایان برسد از رم یا قسطنطنیه بزرگتر و زیباتر خواهد شد. من شهری را در جهان ندیدم که مانند اصفهان، این رم مشرق زمین، چنین ساختمانهایی داشته باشد.

وی قسمت اعظم این مدت را در دربار صفوی گذرانید و شاهد جنگ ایران و عثمانی و پیروزی ایرانیان بود. دلاواله در اکتبر سال ۱۶۲۱ میلادی، راهی شیراز شد و از تخت جمشید دیدن کرد. وی آنرا به جای قصور سلطنتی، پرستشگاههای کهن پنداشت. دیدار کتیبه ها و نقوش باستانی، دلاواله را سخت

تحت تأثیر قرار داد. وی به موجب نامهٔ پانزدهم خود، نوشتهٔ بالای سردر تخت جمشید را در نزدیکی مجسمهٔ یک شیر که در این کتیبه‌ها مکرر آورده شده بود عیناً نقاشی کرد و آنرا در سفرنامهٔ خود بطبع رسانید و این اولین نمونهٔ خط میخی بود که اروپائیان با آن آشنا می‌شدند. **پیترو دلاواله** هر چند نتوانست خطوط میخی کتیبه‌ها را بخواند ولی زیرکانه دریافت که آن علائم نه تفنی است نه تزئینی، بلکه خطی است که از چپ به راست نوشته می‌شود.

دلاواله در طول اقامتش در ایران، زبان فارسی را بقدری خوب فرا گرفت که به این زبان شعر می‌گفت. وی همسرش را دربازگشت از ایران در منطقه لارستان از دست داد.^(۱)

سفرنامهٔ جالب **پیترو دلاواله** در چهار جلد در فاصلهٔ سالهای ۱۶۵۰ تا ۱۶۶۳ تحت عنوان «شرح سفرهای پیترو دلاوالهٔ زائر» به چاپ رسید. شهرت **پیترو دلاواله** پس از مرگش رو به فزونی نهاد. وی در هنگام مسافرت، نامه‌های مختلفی به دوست دانشمند خود، **ماریا اسکپیانو** که مشوق او بدین سفر بود، می‌نوشت به امید آنکه **ماریا** آنها را تصحیح و تنظیم کند تا بعدها به صورت سفرنامه‌ای آراسته درآید. در این نامه‌ها مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از تجارت، سیاست، دیپلماسی، جنگ، آداب و عادات گرفته تا مناظر طبیعی ایران، راهها، دهات، رودخانه‌ها و حتی لغات، موسیقی و ادبیات مورد بررسی قرار گرفته بود. **پیترو دلاواله** مقدار زیادی از کتابهای نفیس فارسی و عربی خطی و مقداری رونوشت از کتیبه‌های مختلف آشوری را نیز با خود به ایتالیا برد که قبل از مرگ به کتابخانهٔ معروف واتیکان هدیه کرد. اکنون این مجموعه در غرفهٔ خاصی بنام خود او در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

گفته شاعر بزرگ آلمانی به تصریح خودش به وسیلهٔ این سیاح بلندمرتبه اروپایی با خصوصیات مشرق زمین آشنا شده و دیوان «شرقی و غربی» خود را نگاشته است. سفرنامه *دلاواله*، به مناسبت دقت، صداقت و ظرافتش در درک دقیق تمدن شرقی مورد تجلیل جامعهٔ علمی اروپا قرار گرفته تا جایی که مورخ مشکل‌پسندی چون *گیبون* دربارهٔ وی می‌نویسد که هیچ سیاحی مانند *پیترو دلاواله* ایران را آن قدر خوب نشناخته و توصیف ننموده است. *پیترو دلاواله* توفیق آن را نیافت که در حیات خود شاهد چاپ کامل سفرنامهٔ خود باشد. آنچه در حیات وی به سال ۱۶۵۰ میلادی چاپ رسید، تنها بخش مربوط به مسافرت او در کشور عثمانی بود. چاپ دو جلد مربوط به ایران با نظارت چهار تن از فرزنداناش در سال ۱۶۵۸ در شهر رم صورت گرفت.

این سفرنامه چند بار به زبان ایتالیایی در قرن هفدهم و در شهرهای ونیز و بولونیا تجدید چاپ شد و در همان قرن به زبانهای مختلف ترجمه گردید. ترجمه فرانسوی سفرنامه *دلاواله*، نخستین بار در خلال سالهای ۱۶۶۲ تا ۱۶۶۴ صورت گرفت و بعد در سال ۱۶۷۰ ترجمهٔ دیگری به فرانسه از این کتاب پدیدار شد. آخرین چاپ سفرنامهٔ وی به فرانسه در سال ۱۷۴۵ انجام گرفت. پس از آن بود که این سفرنامه به زبانهای هلندی و انگلیسی و آلمانی انتشار یافت.

پیترو دلاواله علاوه بر سفرنامه، تألیفاتی نیز در مورد ایران نگاشته است که «خصوصیات شاه عباس، شاه ایران» از آن جمله است که وی آنرا به *کاردینال فرانچسکو باربرینی* تقدیم کرد. این کتاب در سال ۱۶۲۸ در ونیز به چاپ رسید و ترجمهٔ فرانسوی آن در سال ۱۶۳۱ منتشر شد.^(۱)

سی سال بعد از *دلاواله*، دوباره ایتالیائیها به ایران آمدند. در سال ۱۶۵۴

مانوسی ونیزی به ایران سفر کرد و از شمال تا جنوب کشور را درنوردید. با وجود آنکه گزارش سفر او مختصر است، با این همه بعضی ویژگیهای خاص در آن دیده می‌شود که در نوشته‌های مسافران هم عصر او وجود ندارد.

مانوسی که از خانه پدری فرار کرده بود، در ازمیر با انگلیسی متنفذی به نام **هانری بارد** آشنا شد و از آنجا با وی همسفر گردید. آنها از راه تبریز و قزوین به اصفهان آمدند، یکسال در آنجا ماندند و ایران را از طریق شیراز و بندرعباس ترک کردند.

ایتالیایی دیگری که در این زمان به ایران آمد، **ج. ف. گملی** کاری است. او در سال ۱۶۹۴ از ایران عبور کرد و در تبریز مورد پذیرایی کاپوسن‌ها قرار گرفت. وی در قم از **حرم حضرت معصومه (ع)** دیدن کرد و در نوشته‌های خود اصفهان را **نظیر دولیه دلاند** به یک جنگل تشبیه کرد. این را نیز بیفزاییم که در شیراز فرقه‌ای از «کارملت‌ها» سکنی داشتند که یکنفر ایتالیایی به نام **پاتر آمادوا** ریاست آن را برعهده داشت. او هم که از لار عبور کرد و از کنگ به سوی ساحل رفت، مناظر بین راه با روشنی و سادگی توصیف کرد.^(۱)

▣ **اهتمام صفویان به توسعه رولبط با ایتالیا**

شاه اسماعیل صفوی اساساً عصر تازه‌ای را در روابط ایران با کشورهای اروپایی آغاز کرد. وی سفیری را در سال ۱۵۲۳ همراه با نامه‌ای خصوصی به دربار دوج ونیز فرستاد. سفیر ایران نیز بعد از آن، به سوی فلورانس حرکت کرد. نام این سفیر **حسین علی‌بیک** بود و تصویر جالبی از صحنه باریافتن او بنزد

۱- برای اطلاع بیشتر ر. ک: آلفوس گابریل، **تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران**، ترجمه

فتحعلی خواجه نوری (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸)، ص ۶-۱۶۵.

دوج [دوک] و نیز هنوز هم در تالار بزرگ کاخ دوکال در میدان سن مارکوی و نیز باقی است. در دوران صفوی مخصوصاً در زمان سلطنت شاه عباس اول روابط سیاسی، بازرگانی، هنری و فرهنگی ایران با جمهوریهای ایتالیائی مخصوصاً و نیز و با دربار پاپ پیوسته افزایش یافت، بطوریکه در بازار معروف اصفهان محله‌ای خاص تجار و نیزی بود. چنانکه می‌نویسند: رنگ آبی خاصی که امروزه «آبی و نیز» نام دارد و هنوز هم، طرز تهیه آن از اسراری است که عده بسیار کمی بدان آگاهند در همین زمان از و نیز به ایران وارد شده بود.

❑ روابط ایران و ایتالیا در عهد شاه عباس اول

شاه عباس طی چهاردهه از حکومت خویش، سعی کرد تا با دول قدرتمند اروپایی روابط مستحکم و پایداری برقرار کند. یکی از این دول قدرتمند، دولت و نیز بود. و نیزها در دوره قرون وسطی از تمام دولتهای ایتالیا اقتدار بیشتری داشتند، زیرا آنها از طریق تجارت با مشرق زمین و داد و ستد ادویه از غنی‌ترین دولتهای شهرهای اروپا شده بودند. و نیزها در مملکت ایتالیا سرزمینهایی را بین دریای آدریاتیک و دریاچه «گارد»، «رودپو» و جبال آلپ در تصرف داشتند. این کشور که به نام ونسی معروف شد، در خارج ایتالیا، سواحل شرقی دریای آدریاتیک و در مدیترانه جزایر کُرت و قبرس را نیز مالک بود.^(۱) این شهر که تحت اختیار دوک (دوچه) قرار داشت، به دنبال موقعیت خاص خود مانند؛ قرار داشتن در مسیر تجارتنی قدیم راه ابریشم، مجاورت با دریای مدیترانه و در حقیقت پل ارتباطی شرق و غرب و یکی از قدرتهای

۱- برای اطلاع بیشتر رک: آلبر ماله و زول ایزاک، تاریخ عمومی قرون جدید، ترجمه

فخرالدین شادمان (تهران، ابن سینا، مرداد ۱۳۴۲) ص ۲-۹۱.

اقتصادی اروپا محسوب می‌شد. شاه عباس به مجرد خلاصی یافتن از مشکلات داخلی مملکت با اعزام حسینعلی بیگ بیات و آنتوانی شرلی بدانجا، درصدد برقراری و تحکیم روابط با آن سرزمین برآمد. شرلی و بیات در سال ۱۰۰۷ قمری وارد خاک ایتالیا شدند. به علت روابط اقتصادی تنگاتنگی که ونیز با ترکان عثمانی داشت، هیأت اعزامی ایران برای برقراری روابط با ونیز با یأس و نوسیدی مواجه شد. پس از ورود این دو به ونیز برای جلب توجه تجار ونیزی به سوی ایران چنین شایعه شد که پادشاه صفوی درنظر دارد با تمامی فرزندان خویش به دین نصاری درآید. برخی مورخان منشأ این شایعه را اسدبیک می‌دانند. در قسمتی از نامه شاه عباس درباره او آمده بود:

«اسد بیک کرکیراق خاصه شریفه را جهت انجام بعضی خدمات بدان صوب فرستاده ... که در آن دیار جهت سرکار خاصه شریفه سامان و سرانجام دهد».^(۱)

آنتونیو دوگوه آسفیر دربار اسپانی که اندکی پس از سفر اسدبیک به ایران آمده است، در سفرنامه خویش راجع به این سفیر ایرانی و اقدامات وی در ونیز چنین می‌نویسد:

«همان وقتی که شاه عباس آنتونی شرلی و حسینعلی بیگ بیات را به اروپا فرستاد، مردی ایرانی نیز از راه حلب به ونیز آمد... این مرد که اسدبیک نام داشت... نامه‌هایی هم از شاه ایران برای دوچه و یا دوک یا امیر ونیز همراه داشت تا او را نماینده رسمی بشناسند و احترام کنند... در همان زمان اسقف شهر «پیستوا» که در ونیز بود، توسط دیه‌گو

۱- علی اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی، (تهران:

مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴) ص ۴۰-۲۳۹.

دامیراندا با اسدبیک آشنا شد. روزی تاجر ایرانی به این کشیش گفت که برای تجارت به ونیز نیامده، بلکه شاه او را محرمانه به سفارت فرستاده است تا ببیند که سلاطین فرنگ با سفیران او چگونه رفتار می‌کنند و ضمناً ما محتاج سفیران ایران را نیز درین سفر دراز فراهم سازد و نیز گفت که شاه ایران خیال دارد با تمام فرزندان عیسوی شود چنانکه ملکه ایران نیز اکنون عیسوی است و اسدبیک خود کشیش خاص وی بوده و شاه عباس مایل به اعزام کشیشان عیسوی است تا تمام مردم ایران را به این دین درآورد... اسدبیک می‌گفت میل دارد به شهر رم برود و در این باب با شخص پاپ گفتگو کند... لیکن همان وقتی که او می‌خواست به طرف روم برود، مردی ارمنی به نام آنجلو اظهارات او را نقل کرد و این خبر به گوش دوچه رسید و او از بیم آنکه مبادا سلطان عثمانی خبر یابد که شاه عباس سفیری نزد وی فرستاده است با شتاب اسدبیک را بر خلاف میل او به کشتی نشاند و روانه ایران کرد... اسدبیک پیش از آنکه به ایران برسد در راه درگذشت. ولی گفته‌هایش سراپا دروغ بود، نه او سفیر شاه بود و نه ملکه ایران عیسوی... و شاه درباره مقاصد و عقاید دینی خویش هرگز با او سخنی نگفته بود. این مرد می‌خواست بدین وسیله زروسیعی گردآورد و با ثروت کافی به کشور خود بازگردد».^(۱)

ده سال بعد از اعزام اسدبیک، دو ایرانی دیگر به نامهای محمد امین و فتحی بیک از سوی دربار صفوی به منظور خرید آلات و ابزار جنگی روانه ونیز شدند. در قسمتی از نامه شاه که همراه این دو سفیر ارسال داشت خطاب به دولتمردان ونیز آمده است:

۱- علی اکبر ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول، ص ۲۴۰-۱.

«چون درین ولایت از زمره ملازمان درگاه و غلامان بارگاه سعادت دستگاه، زبده الاماثل و الاشباء محمد امین بیک و فتحی بیک را به جهت انجام بعضی خدمات و خریداری ضروریات سرکار خاصه شریفه و آنچه در آن ولایت سهم رسد از اسلحه و یراق خوب لایق سرکار خاصه، بدان صوب فرستاده‌ایم، از روی محبت و دوستی، این مکتوب محبت اسلوب مصحوب مشارالیهما ارسال یافت.»

سفیران ایرانی پس از انجام مأموریت و خرید اجناس مذکور در بازگشت به ایران با اشتعال نایره جنگ ایران و عثمانی قسمتی از اجناس خریداری شده را در ونیز به امانت گذاشت. لذا، شاه عباس در سال ۱۰۱۹ قمری بازرگانی ارمنی به نام **خواجه صفر** را مأمور باز پس‌گرداندن اموال به ایران کرد. شاه عباس همچنین با ارسال نامه‌ای برای پاپ در مورد مأموریت **خواجه صفر** چنین نگاشت:

«عالیجناب شوکت ایاب... حضرت مریم، پاپ... بعد از اظهار خلوص محبت و دوستی... مرفوع رأی خورشید اعتلا می‌گرداند که قبل از این **خواجه فتحی** [فتحی بیک] نام کرکیراق خاصه شریفه را به جانب ونдіک به آن حدود فرستاده بودیم که بعضی امتعه و اجناس، به جهت سرکار خاصه شریفه خریداری نماید و او بعضی اجناس خریده، روانه این صوب گشته و چون به الکای رومی رسیده، بر حقیقت نزاع و جنگ و جدال ما و رومیان مطلع گشته، بعضی از آن اجناس را به بازار ونдіک فرستاده و حالا در ونдіک است. درین ولا زبده الاشباء **خواجه صفر** مسیحی جلفایی ولد **خواجه یادگار** را که سوداگر خاصه شریفه است و محل اعتماد است، جهت آوردن امتعه و اجناس مذکور بدان صوب فرستادیم که اجناس را گرفته به راهی که خوف و دغدغه نبوده باشد،

روانۀ جانب هر رمز نمایند و اگر احیاناً مردم و ندیک در دادن اموال مذکور تعلل می‌نموده باشند، آن عالیجاه سلاطین پناه، منع ایشان نموده مقرر فرماید که اجناس مذکور تعلق به نواب همایون دارد و بالتمام تسلیم خواجه صفر مذکور نمایند که به این صوب آورد و در امداد و همراهی او خود را معاف ندارند».

به هر ترتیب خواجه صفر مأموریت خود را با موفقیت انجام داد و در نامه‌ای که دوک و نیز در شعبان ۱۰۲۸ قمری برای شاه عباس ارسال داشت این مطلب کاملاً مشهود است. بطوریکه دوک در نامه مذکور پس از سلام و تعارف می‌نویسد:

«آمدن خواجه صفر به این تقریب، آن بود که آشنایی و دوستی در جانبین واقع شود. الحمدلله و المنة که آنچه مطلب ما بود به فعل آمد و آنچه مدعیات خواجه مذکور بود به حسب المدعا سرانجام داده شد.^(۱) بطور کلی روابط ایران و نیز در عهد شاه عباس بیشتر از آنچه که سیاسی باشد جنبه اقتصادی و تسلیحاتی داشته است. پادشاه صفوی که تولید و فروش ابریشم کل ایران را در اختیار داشت، به انحاء مختلف سعی می‌کرد تا تجارت این کالای پرازش از مسیری به غیر از راه عثمانی صورت پذیرد و در این راستا تجارت با دولت آن سامان بسیار مورد توجه شاه بود، چنانکه حتی زمانی مقادیر معتنا بهی ابریشم را توسط تاجری اصفهانی به نام آقا رضا به نیز فرستاد. شاه عباس همچنین، در سال ۱۰۳۳ قمری عده‌ای از کرکیراقان خاصه شریفه را جهت خریداری امتعه و اجناس و نیز روانۀ آن سرزمین کرد.

۱- علی اکبر ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی، ص

از دیگر ایرانیانی که در عهد شاه عباس به منظور تجارت با ونیز راهی آن سرزمین شدند، تنی چند از کرکیراقان خاصه به نامه‌های **خواجه شاهوار، حاجی عوض تبریزی** و عماد بودند که به همراه نامه‌ای از پادشاه صفوی به ونیز رفتند. گفتنی است این افراد و سایر تجاری که از ایران به ونیز می‌رفتند، در قبال فروش ابریشم و دیگر محصولات ایرانی، علاوه بر آلات حرب و سلاحهای جنگی، مرواریدهای بدلی، آینه‌های گوناگون، عینک، تسبیحهای شیشه‌ای، کهربا و مرجان شیشه‌های انگلیسی برای در و پنجره و پارچه‌های ابریشمین زربفت به ایران وارد می‌کردند و همانگونه که قبلاً نیز گفته شد بیشتر روابط ایران و ونیز در عهد شاه عباس اول حول محور اقتصاد دور می‌زد و غالباً دولتن مزبور، تجار مقیم و یا در حال تردد در کشورهای خویش داشتند.^(۱)

در سال ۱۶۰۸ میلادی، **سیمون نخستین رئیس طبقه روحانیان «کارملی»** در اصفهان شرح بسیار مفصلی از شاه عباس به ایتالیا فرستاد. وی در نامه خود چالاکی و هوشیاری شاه و همچنین نیروی بدنی و چابکی او را در شمشیرزنی ستوده است. به گفته او شاه عادت داشت که در کوچه‌های پایتخت پیاده راه برود و آزادانه در میان مردم حرکت کند. از قول شاه نقل کرده که:

«این است طریق سلطنت کردن و... پادشاه اسپانی و سایر مسیحیان لذتی از فرمانروایی نمی‌برند زیرا مجبور بودند خود را با جلال و شکوه بسیار احاطه کنند.»^(۲)

۱- همان، ص ۵-۲۴۴.

۲- سیزده تن از خاورشناسان (زیر نظر ا.ج. آربری)، **میراث ایران**، ترجمه بیرشک، (تهران:

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶)، ص ۵۱۷.

□ نامه‌های شخصی شاه‌عباس در کتابخانه ملی شهر ناپل

حال که سخن به روحانیون «کارملی» کشید، بجاست که از اقدامات یکی دیگر از کشیشان «کارملی» سخنی به میان آوریم. همانگونه که می‌دانیم یکی از روحانیون ایتالیائی که در زمان شاه عباس در ایران بسر می‌برد و خلیفه کشیشهای «کارملی» اصفهان و متصدی قسمت اسناد خارجی آرشیو سلطنتی ایران بود، جووانی تادئوس نام داشت. او کتب و نسخ خطی متعدد، بخصوص مجموعه‌ای از ۶۰ مکتوب شخصی شاه عباس صفوی را در بازگشت به رم با خود برد که از نفیس‌ترین اسناد مربوط به دوران صفوی است. این نامه‌ها اکنون در کتابخانه ملی شهر ناپل موجود است. ضمناً اسناد ارزشمند دیگری شامل کتاب، تابلو، اوراق خطی و قسمتی از فرامین شاه عباس توسط کشیشان لازاری ارمنی فرقه سکیتاری که مدتهای زیاد در ایران، بخصوص در اصفهان اقامت داشتند به جزیره سن لانسارو در ونیز که قرن‌ها مرکز اصلی این فرقه است، انتقال یافت و این مجموعه عالی و تاریخی هم اکنون در کتابخانه این فرقه نگهداری می‌شود.^(۱)

□ کشیشان ایتالیایی و تهیه لغتنامه فارسی

علاوه بر آنچه گفته شد، هیأت‌هایی که از طرف سران کلیسای روم به ایران می‌آمدند و به تبلیغ آئین مسیحیت در زمان صفویه می‌پرداختند، این گروه به شناخت ایتالیائی‌ها از ایران کمک بیشتری کردند. آنان پس از ورود به ایران و یادگیری زبان فارسی اقدام به تهیه لغتنامه کردند. فرقه «راهبان پابره‌نه» که بیشتر از کشیشان ایتالیایی و اسپانیایی بودند در طول دوره صفویه، فعالیت زیادی

تحت حمایت مالی سران کلیسای رم انجام دادند که بیشترین اهتمام آنان جهت جلب و جذب ارامنه ایران به سوی مذهب کاتولیک بود.^(۱)

۵ گسترش روابط هنری بین ایران و ایتالیا

همچنین در زمان صفویه و خاصه در دوره شاه عباس دوم، جمعی از نقاشان با استعداد ایرانی برای فراگرفتن شیوه‌های اروپایی در نقاشی و کسب معلومات به ایتالیا فرستاده شدند. یکی از این محصلین اعزامی که در زمان خود، از شهرت زیادی برخوردار بود، آقا محمد زمان است که در رم نقاشی آموخت. محمد زمان در ایتالیا به مسیحیت گروید و زن مسیحی گرفت. به غیر از او شاه عباس چند تن از ایرانیان دیگر را نیز به شهرهای ونیز و میلان فرستاد تا برای او از این شهرها، متخصصان و هنرمندان مختلف بفرستند. چنین می‌نماید که این گونه ارتباطات در گسترش روابط، تأثیری قابل توجه برجای گذاشته و موجب آشنایی بیشتر ایتالیائیها با فرهنگ و ادب ایران شده است. بعلاوه، جنگهای ایران و عثمانی در دوره صفویه هم، مورد علاقه اروپائیان بود و آنها را شیفته شنیدن و خواهان کسب اطلاعات درباره اخبار آن جنگ کرده بود. بطوریکه چند تن از ایتالیائیها در این زمینه کتابهایی نوشتند^(۲) که آوردن نام آنها در این بحث ضروری می‌نماید:

کامپانا (ونیز ۱۵۹۷)،

میچلی (نسخه خطی)،

مینادوا (رم ۱۵۸۷ - ونیز ۱۵۱۴).

۱- عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۹-۴۵۵.

۲- همان، ص ۴۳۷.

اثر *مینادوا* آنچنان خواستار یافت که به زبانهای اسپانیایی (مادرید، ۱۵۸۸) و انگلیسی (لندن، ۱۵۹۵) هم نقل و نشر شد.^(۱)

در این دوره انحصار ابریشم ایران در دست ایتالیا بود و کنسولگری ایتالیا در تبریز، لاهیجان و بعضی نواحی خراسان با تجار ایتالیایی همکاری داشتند و از راه تجارت ابریشم سود زیادی کسب می‌کردند.

همانگونه که پیش از این گفتیم در زمان شاه اسماعیل، قسمت عمده پارچه قرمزی که کلاه معروف قزلباش از آن ساخته می‌شد از ایتالیا می‌آمد، ولی بعد از شاه اسماعیل در طول دوره صفوی، جای تجارت ایتالیا را قدرتهای دیگر اروپائی گرفتند. بنابراین باید گفت در دوران شاه عباس روابط دو کشور توسعه بیشتری یافت و آثار ارزنده‌ای از ایران از قبیل؛ مینیاتور، کتاب و کارهای دستی به ایتالیا برده شد که هم اکنون نیز در موزه‌های «ناپل» و «ونیز» موجود است.^(۲)

۵ حضور صنعتگران ایرانی در ایتالیا

یکی از نتایج مراوده‌ای که بین ایران و حکومت ایتالیا در قرن پانزدهم وجود داشت این بود که یک عده از صنعتگران ورزیده ایرانی به ونیز سفر کنند و در آن دیار به عرضه آثار خویش در صنایعی چون فلزکاری بپردازند. در این میان می‌توان به یک استاد معروف ایرانی به نام *محمود الکردی* اشاره کرد. سبک کار *محمود* و سایر فلزکاران ایرانی الهام‌بخش صنعتگران محلی و بومی ونیز شد و یک مکتب ایرانی - ونیزی بوجود آمد که در آن نقوش ایرانی را تغییر می‌دادند تا

۱- ایرج افشار، *راهنمای تحقیقات ایرانی* (تهران: مرکز بررسی فرهنگ و تمدن ایرانی،

یونسکو، ۱۳۴۸)، ص ۸۰-۱.

۲- مینا میربهاء: *ایتالیا*، ص ۱۱۹.

با ذائقهٔ مردم ایتالیای عهد رنسانس تطبیق یابد. در آن روزگار، نقش و نگارهای فوق‌العاده زیبای ایرانی به چاپ رسید و شهرت این نقوش، خاصه آنهایی که برای چاپ توسط ویرژیل سولیس از اهالی نورنبرگ کپی شده بود به اطراف و اکناف پراکنده و به انگلستان نیز رسید. در این زمان، کارخانه‌های ایتالیایی و نیز برخی شهرهای دیگر اروپا در تصاویر و نقوش خود از پارچه‌های ایرانی تقلید می‌کردند. همچنین در این زمان قالی‌بافی ایران معروفترین و محبوبترین هنر نزد آنان محسوب می‌شد تا جائیکه برخی از نقاشان معروف این دوره در اروپا نظیر روینس و وان دیک قالی ایرانی داشتند و سیاحان و تجار دیگر ایتالیایی که از ایران به ممالک خویش بازمی‌گشتند بهترین ره‌آورد سفرشان، قالیهای ایرانی بود که بزودی طرز پوشش کف اطاق در مغرب زمین را تغییر داد.^(۱)

❑ مراکز تجمع بازرگانان ایتالیایی

در قرون وسطی، تبریز، سلطانیه و جزیرهٔ هرمز سه مرکز مهم بازرگانی بودند که خارجیان زیادی را که بیشتر از جمهوریهای جنوا و ونیز ایتالیا بودند به خود جلب می‌کرد. اینان همانطور که گفته شد از راه حلب یا ترابوزان به تبریز می‌آمدند و محصولات ابریشمی، قالی، مروارید، ادویه، روغن و کالاهای دیگر را با ابریشم خام مبادله می‌کردند. سلطانیه چهار راهی بود که در آن هم کالاهای وارد شده از خلیج فارس و هم محصولات سرزمین تاتار دیده می‌شد. در این دوران روابط بازرگانی بین ایران و تجار ایتالیایی در سطح خوبی بود و در بازارهای ایران علاوه بر محصولات بومی، کالاهای این کشور نیز وجود داشت

۱- حمید نیرنوری، سهم ایران در تمدن جهان (تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۵)، ص

اما تجار ایتالیایی بیش از هر چیز به خرید ابریشم و سنگهای گرانبهای موجود در ایران علاقه‌مند بودند. در دوران مارکوپولو، مردم جنوای ایتالیا برای حمل ابریشم گیلان یک شرکت باربری دریایی در دریای خزر دایر کرده بودند و در بسیاری از شهرهای ایران نیز عده‌ای از ایشان با سازمانی منظم، اقامت گزیده بودند و چنان مورد توجه و اعتماد بودند که اولین سفیرانی که ایران در سال ۱۲۸۹ به فرانسه، رم و نیز در سال ۱۳۰۵ میلادی به دربار فیلیپ زیبا، ادوارد دوم و پاپ کلمان پنجم به اروپا گسیل داشت، از میان ایشان بود.^(۱) عدهٔ ونیزیهای مقیم ایران از تعداد اهالی جنوا نیز بیشتر بود و اینان که از حمایت سلاطین مغول ایران برخوردار بودند، در تمام شهرهای بزرگ ایران دفاتر بازرگانی داشتند.

ناگفته نماند که در آن عهد، میان ایران و نیز سفیر نیز مبادله می‌شد. در نیمهٔ دوم قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم، با وجود آنکه پاپ پی دوم در سال ۱۴۵۹ و پاپ لئون دهم در سال ۱۵۱۸ علیه ترکان اعلان جنگ صلیبی دادند، سربازان عثمانی، مناطق قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳، آتن در سال ۱۴۵۸، آلبانی در سال ۱۴۵۹ و مصر را در سال ۱۵۱۶ به تصرف خود درآوردند و به این دلیل مداخلهٔ نظامی ایران ضروری به نظر رسید. در این زمان، مناسبات ایران و جمهوری ونیز گسترده‌تر شد و سنای ونیز، برای نجات تجارت خود با هند و راندن ترکان از کرانه‌های جنوبی مدیترانه، توپخانه و مهمات با افسران و سربازانی کارآموده در اختیار اوزون حسن گذاشت. در این دوران اغلب سفیرانی که به ایران فرستاده می‌شدند، هدف اصلی‌شان، کشانیدن پادشاهان ایران به

۱- محمد غروی، «روابط ایران با کشورهای اروپایی»، مجله دانشکدهٔ ادبیات و علوم

انسانی تبریز، تابستان ۱۳۴۹، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۴، ص ۸-۱۳۷.

جنگ با عثمانی بود. اما زیادی تعداد بازرگانان ایتالیایی در ایران به دلیل مناسبات سیاسی نبود بلکه بدین جهت بود که در ایران حقوق گمرکی و راهداری اندک بود، امنیت راهها برقرار بود و آزادی رفت و آمد و تجارت و میهمان‌نوازی ایرانیان نسبت به خارجی‌ان بسیار بود. در پایان قرن پانزدهم، چون ترکان کلیه مستعمرات اروپایی را در دریای سیاه متصرف شدند، حلب تنها راه ورود کالاهای تجار ایتالیایی به ایران گردید. سپس چون پرتغالی‌ها راه دریائی هند را کشف کردند، ایران از نظر تجارت عبوری ادویه، اهمیت سابق خود را برای ایتالیایی‌ها از دست داد و بازرگانی ایران رو به زوال نهاد.^(۱)

□ تألیفات کشیشان ایتالیایی به زبان فارسی

در دوره صفویه، حضور کشیشان در دربار صفویه و تبلیغ آئین مسیحیت در ایران، منجر به نوشتن کتابهایی به زبان فارسی در رد اسلام و تبلیغ مسیحیت توسط آنان شد که خود ماجراهایی پدید آورد که در منابع مختلف از جمله کتاب دکتر **عبدالهادی حائری**: رویاروییهای اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب به آنها اشاره شده است و پرداختن به آنها از موضوع این نوشته خارج است. همین‌قدر اشاره می‌کنیم که یکی از کشیشان به نام **ژروم اگزاویه** پیش از رفتن به هند هشت سال تحصیل فارسی کرده بود و در لاهور به کمک یکی از اهالی به نام **عبدالصمد قاسم** چند کتاب زبان به فارسی نوشت به نامهای: «داستان مسیح»، «داستان پیدرو، پطر مقدس» و «آیین حق‌نما». یک کشیش دیگر دو کتاب اول را به لاتین ترجمه کرد و همراه متن فارسی در سال

۱۶۳۹ میلادی در ایتالیا به چاپ رساند.^(۱)

□ مناسبات کلیسای روم با ایران

باید گفت که سابقه تبلیغ مسیحیت در ایران به خیلی پیش از دوران صفویه می‌رسد و آن از قرن اول و دوم میلادی است که منجر به گرویدن مسیحیان ایران به فرقه نسطوریان در قرن پنجم میلادی شد.

تسلط اسلام مدتی از نشر دین مسیح جلوگیری کرد ولی در قرون وسطی میان امیران مغول ایران و دربار واتیکان روابط نزدیکتری ایجاد گردید و تعداد مبلغین کلیسای روم که به ایران می‌آمدند افزایش یافت. از این زمان است که نام و نقش و فعالیت روحانیون مسیحی اعزامی به ایران را با دقت و صراحت بیشتری در تاریخ می‌بینیم. اولین کشیشی که به تفصیل از وی یاد شده است، آلن دولمباردی، کشیش فرقه دومینیکن است که در سال ۱۲۴۷ از ایتالیا به دربار باریجو در شمال غربی ایران آمد. در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی، میان کلیسای روم و دربار ایران نزدیکی بیشتری حاصل شد تا بدان حد که گویا امیر مغول وعده کرد که به مسیحیت خواهد گروید ولی علیرغم علاقه‌مندی ظاهری امیر مغول به این مسئله، بحث آن جدی گرفته نشد و پس از بحث‌ها و مذاکرات فراوانی میان ایران و واتیکان، تنها یک پیمان نظامی علیه ممالک مصر بسته شد. اولین مبلغین مذهبی که در ایران مستقر شدند و به تبلیغ مسیحیت پرداختند دومینیکن‌ها و فرانسیسکن‌ها بودند که در قرن چهاردهم میلادی سه منطقه اسقف‌نشین در کشور ایران دایر کردند. اما پس از آنکه پرتغالیان جزیره هرمز را به تصرف درآوردند، این جزیره مرکز فعالیت ایشان شد و مدتی دراز مبلغین دین

۱- ع روحبخشان: سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا، ص ۹-۱۱۸.

مسیح از این جزیره روانهٔ عربستان و ایران می‌شدند. با به قدرت رسیدن صفویه و خصومتی که هم ایرانیان و هم مسیحیان مغرب زمین نسبت به ترکان داشتند، دربار ایران و واتیکان بیش از همیشه به یکدیگر نزدیک شدند. پاپ‌ها در سیاست ضدعثمانی ایران نقش عمده‌ای داشتند و نمایندگان و سفیران ایشان به خوبی وظایف مأموریت خود را به انجام می‌رسانیدند. یکی از این سفیران کشیشی به نام پل سیمون بود که از جانب پاپ پل پنجم به ایران آمد و توصیه کرد که پادشاه ایران به جمهوری ونیز، جمهوری جنوا و چند ایالت دیگر نامه‌هایی بنویسد و ایشان را به جنگ علیه عثمانیان دعوت کند. اما مسیحیان فقط به حرف اکتفا کردند و شاه عباس بدون کمک ایشان به جنگ پرداخت و پیروز شد.

با وجود سست پیمانی پاپها و سلاطین اروپا و مواضع منفعلانهٔ آنان در خلال جنگ ایران و عثمانی، مردم ایران به مسیحیان و عقاید مذهبی آنان احترام می‌گذاشتند. *آمبرواز کنتارینی* سفیر ونیز در دربار ایران در کتاب خویش که در قرن پانزدهم نوشته شده، می‌نویسد: «ایرانیان... به هیچ وجه از مسیحیان نفرت ندارند» و پزشکی از اهالی ونیز، به نام *روتا* که در حلب می‌زیست دربارهٔ شاه اسماعیل اول نوشته است: «خیرخواه مسیحیان است زیرا به کلیساها و عبادتگاههای ایشان کاری ندارد و کوچکترین شدت عملی نسبت به آنان نشان نمی‌دهد.»

این احترام به عقاید مذهبی دیگران عده زیادی از بیگانگان را که در جستجوی ثروت بودند به مسافرت به ایران و اقامت در این کشور تشویق کرد. اغلب این بیگانگان بازرگانان، صنعتگران، طبیبان و جراحان بودند. اما موضوع دیگری که غربی‌ها و مبلغان کلیسای روم را به ایران می‌کشاند، میهمان‌نوازی ایرانیان بود. سیاحان خارجی که به ایران می‌آمدند از نحوهٔ برخورد و پذیرایی

ایرانیان متعجب و گاه مبهوت می شدند.

پیترو دلاواله می نویسد: چیز بسیار عجیب، نه تنها کنجکاوی ایشان، بلکه احترام فوق العاده‌ای است که برای خارجی‌ان و نیز ارزش فراوانی است که برای میهمان نوازی قایلند.^(۱)

به هر روی، در دوره صفویه و تا اواخر قرن هفدهم تعداد زیادی از ایتالیایی‌ها در ایران زندگی می کردند که عده‌ای از ایشان در خدمت دربار ایران بودند. **پیترو دلاواله** هنگام بحث درباره‌ی اینان، با لحن تلخی می نویسد: «... در واقع اروپائیان این نواحی پاک نیستند. این بدین معنی نیست که وجودشان نتواند مفید باشد. اما یقین است که هیچ شخص درست کرداری به چنین ممالک دوردستی نمی رود. همه این اشخاص دغل، دیوانه و بی فکرند. آنان کسانی هستند که یا امکان اقامت در کشورهای خود را ندارند، یا از سبک سری مانند مردم تنبل و لاپالایی در دنیا به گشت و گذار می پردازند.»

باید خاطر نشان ساخت که اغلب ایتالیایی‌ها و دیگر خارجی‌ان، عوامل سیاسی دول غربی بودند. تقریباً تمامی سیاحان و بازدیدکنندگان کنجکاو و کسانی که خدمات خود را به شاهان ایران عرضه می داشتند، مترجمان، صنعتگران، پزشکان و حتی روحانیون مسیحی، همگی به کار سیاست می پرداختند و برحسب سیاست دولتی که ایشان به آن تعلق داشتند دشمن و یا دوست مصر، ترکیه، پرتغال، اسپانیا، هلند، انگلیس و یا فرانسه بودند. مبلغین مذهبی فرقه‌های دومینیکی و فرانسیسکن و آگوستن که اغلب دارای ملیت ایتالیایی، پرتغالی و یا اسپانیایی بودند بشدت در جهت منافع ملت‌های خود

۱- محمد غروی، «مناسبات کلیسای روم با ایران»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز،

پاییز و زمستان ۱۳۴۹، سال ۲۲، مسلسل ۹۵ و ۹۶، ص ۷-۲۷۳.

می‌کوشیدند.

استقرار «کارملی‌های پابره‌نه»، که اکثر ایشان ایتالیایی، پرتغالی و یا اسپانیایی بودند، از سال ۱۶۰۴ یعنی سال ورود هیأت «کارملی‌های» ایتالیایی مرکب از: پل‌دی، ژسوس ماریه و ژان تادیس دوست الیزه به ایران آغاز گردید. سه سال پس از ورود این دو نفر، پاپ پل پنجم هیأت دیگری به ایران اعزام داشت. در همان زمان، اصفهان مرکز فعالیت این فرقه گردید «کارملی‌ها» بلافاصله در هرمز، بصره و شیراز نیز مبلغینی مقیم کردند. این فرقه به خصوص در جهت گرویدن «ارامنه انشعابی» تلاش می‌کردند. کاردینال باربرینی در سال ۱۶۲۹ هیأتی از مبلغین «کارملی‌های» پابره‌نه را روانه ایران ساخت که ۹ ماه در ایران اقامت کردند.^(۱)

تدوین دستور زبان و ضرب‌المثل‌های فارسی

در دوره صفویه کشیش دیگری به نام ایگناس دوژزوک در سال ۱۶۴۰ به ایران آمده بود کتاب دستور زبان فارسی را نوشت و در سال ۱۶۶۱ در رم چاپ کرد. ایگناس که مأموریت تبلیغ داشت، همراه کشیش دیگری به نام لویی دودی‌یو به ایران آمده بود که او هم یک کتاب دستور زبان فارسی به نام «عنصرهای زبان فارسی» تدوین کرد و دو فصل اول کتاب تکوین را که ژاک طاووس قبلاً به فارسی ترجمه کرده بود، به عنوان متن کمکی و قابل مطالعه بر آن افزود و هر سه را یکجا چاپ کرد. در ربع دوم قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) هم کشیش ای‌مه‌شزو به ایران آمد و در اصفهان اقامت گزید. او که در سال ۱۶۵۴ دیگر کاملاً به زبانهای شرقی آشنا شده بود، علاوه بر لغت‌نامه

فارسی چند جزوه خودآموز مذهبی نوشت و به صدراعظم ایران تقدیم کرد. در اواخر قرن دهم هجری یک ایتالیایی (و به قول ایتالیایی‌ها یک پرتغالی) به نام تیگزیرا که اهل ماجراجویی و سیروسفر بود، به جزیره هرمز رسید و مدتی در آنجا سر کرد. او زبان فارسی را آموخته بود و نسخه‌ای از روضه‌الصفای میرخواند را در اختیار داشت و نام شاهان ایران از آغاز تا شاه عباس را از آن استخراج کرده بود. او همچنین کتاب نفیس تذکره هرمز نوشته تورانشاه هرمزی را که هیچ نسخه‌ای از آن به دست ما نرسیده است، در اختیار داشته و آن را خلاصه کرده است. تیگزیرا در سال ۱۶۰۵ از هرمز به بصره و از آنجا به اروپا رفت و کتابهای خود را منتشر کرد.^(۱)

۵ ایتالیاییها و نقش آنان در نوگرایی و تمدن جدید در ایران

مراد از تمدن جدید، تمدنی است که از اواسط قرن پانزدهم میلادی در اروپای مرکزی و غربی ظاهر شد و با سرعت شروع به ترقی و بسط و تکامل نمود و تا امروز کم و بیش در تمام دنیا پراکنده شده است و در اثر آن ثروت و رفاه اقتصادی در کشورهای غربی روز به روز زیاده‌تر گشته است. شروع تمدن جدید از سال ۱۴۵۳ میلادی است. در این دوره ایران از نظر سیاسی گرفتار هرج و مرج و اختلافات و کشمکش‌های بسیار بود و بین شاهزادگان تیموری و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو بر سر تقسیم اراضی، نزاع و درگیری وجود داشت. ابوسعید بر نواحی شمال شرقی ایران، جهانشاه قراقویونلو برفارس، کرمان، عراق و آذربایجان و در حدود دیاربکر و ارمنستان نیز حسن بیگ (اوزون حسن) حکومت می‌کرد، که از این درگیریها اوزون حسن فاتح بیرون آمد. در

۱- ع. روحبخشان: سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا، ص ۹-۱۱۸.

دوره حکومت اوزون حسن و رقابت او با حکومت سلطان عثمانی است که آشنایی ایران با تمدن جدید اروپا آغاز شد. قبل از آن نه ارتباط صحیح و منطقی بین ایران و ایتالیا وجود نداشت و نه تمدن جدید چنان قوی شده بود که بتواند در خارج اروپا انتشار یابد.^(۱)

پادشاه عثمانی و سنای ونیز، برقراری روابط سیاسی را با حسن بیگ (اوزون حسن) تصویب کرد. همین امر باعث ورود نخستین مظاهر و عوامل تمدن جدید به ایران گشت چه، نمایندگان سیاسی و تجاری و بازرگانان ونیزی که به ایران می آمدند محصولات از تمدن جدید را به عنوان هدیه یا کالای بازرگانی یا کمک به پادشاه آق قویونلو به ایران می آوردند که از آن جمله بود انواع اسلحه آتشین از نوع تفنگ و خمپاره انداز و شمشال و جز اسلحه، عینک نیز برای تقویت چشم ... و به علت اینکه اسلحه گرم از نخستین آثار تمدن جدید در ایران به شمار می آمد، این مسئله موجب رقابت شدید میان ونیز و عثمانی گردید.^(۲)

❏ اعزام محصلین به ایتالیا جهت فراگیری نقاشی

شاه عباس دوم در نتیجه علاقه به نقاشی اروپایی در همان نخستین سالهای پادشاهی خود، درصدد برآمد که تنی چند از جوانان ایرانی را برای فراگرفتن نقاشی به رم بفرستد. از میان آنها، فقط نام محمد زمان در کتابها به یادگار مانده است. محمد زمان فرزند حاجی یوسف نامی بود که در حدود سالهای ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ به فرمان پادشاه ایران، همراه تنی چند از جوانان ایرانی برای فراگرفتن نقاشی غربی به شهر رم رفت و مدتی در این شهر به آموختن هنر

۱- حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول (تهران:

دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۵-۱.

۲- همان، ص ۸-۵.

نقاشی اشتغال داشت. ظاهراً علت شهرت این شخص این بوده است که وی در رم بر اثر تبلیغات روحانیون مسیحی به مذهب مسیح گروید و غسل تعمید یافت و به نام مسیحی پائولو مشهور شد و از این رو نام او در کتابهای اروپایی راه یافت. محمد زمان (که پس از مسیحی شدن پائولو زمان خوانده شد) وقتی به ایران آمد تا مدتی، تغییر مذهب خود را کتمان کرد. ولی عاقبت رازش آشکار گشت و از ترس پادشاه از اصفهان گریخت و به هندوستان رفت. وی پس از درگذشت شاه عباس دوم (گویا در آن زمان دل از مسیحیت برکنده بود) به ایران آمد و به دربار شاه سلیمان راه یافت و سرانجام جزو نقاشان کتابخانه سلطنتی درآمد. محمد زمان که در سنی بالغ بر هفتاد سال درگذشته بهر صورت از نظر تحولی که (خوب یا بد) در نقاشی ایران پدید آورده است و آن را در راه و جریان دیگری انداخته یکی از شخصیت‌های بزرگ هنری ایران محسوب می‌گردد و سبک و شیوه او سالها مورد تقلید نقاشان ایرانی بود.^(۱)

فصل دوم

مطالعات ایران‌شناسی از صفویه تا قاجاریه

□ سابقه مطالعات ایرانی در ایتالیا

سابقه مطالعات ایرانی در ایتالیا به نیمه دوم سده پانزدهم میلادی برابر با نخستین دوران حکومت صفویان بازمی‌گردد، قری که در آن بر پایه شواهد زبانی و ادبی فارسی، رهیافتی محققانه در این زمینه شکل گرفت. یعنی از آن زمان بود که در بین دانشمندان ایتالیا، یک آشنایی علمی تحقیقاتی درباره ایران بر پایه درک واقعیت زبان و ادبیات فارسی رشد پیدا کرد.

پیش از این دوران، ادبا و دانشمندان در اروپا تنها زبان عربی را می‌شناختند و به موجودیت زبان ادبی مهمی همچون زبان فارسی توجهی نکرده بودند.

□ آشنایی علمی دانشمندان ایتالیایی با ادبیات فارسی

آشنایی ایتالیایی‌ها با زبان فارسی دریچه تازه‌ای در درک ریشه‌های فرهنگی و ادبی ایران بر آنها گشود. آنها تا آن زمان آنچه در جهان اسلام می‌دیدند از طریق زبان عربی و ترکان عثمانی بود. همینکه زبان فارسی برای ایتالیائیان جلوه یافت، اصالت‌های فرهنگی ایران اسلامی نیز جلوه‌گر شد و برای نخستین بار معلوم شد که ایران دارای زبانی از آن خویش است که از زبان عربی و ترکی جداست و افزون بر آن دارای یک میراث ادبی درخشان است. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که کشف زیبایی زبان فارسی و ادراک اهمیت ادبیات ایران به دور از منافع قدرت‌های سیاسی و به دور از عرصه منافع اقتصادی، مروهون تلاش و زحمات محققان اهل علم و ادب بوده است. همچنین با وقوع رنسانس در ایتالیا یک جریان فکری استوار گشت که راه پژوهش را بخاطر عشق به دانش هموار می‌ساخت، یعنی بدون داشتن اهداف دیگر، در جستجوی دانش گام برمی‌داشت. از سوی دیگر، این تعالیم فلسفی، زاده روند فرهنگی سده پانزدهم است که در ایتالیا و اروپا نام اومانیسم بخود گرفته است.^(۱)

یکی از مقدمات بارز این جریان، هنگامی فراهم آمد که استفان پنجم اسقف اعظم ایالت ارمنستان بزرگ که پایتخت سیاسی آن تبریز بود، یک نسخه خطی بسیار نادر از اناجیل اربعه [با عنوان الانجیل المعظم] را به پاپ پل سوم (رم ۱۵۴۸) هدیه کرد. این نسخه خطی یکی از ترجمه‌های مهم فارسی اناجیل اربعه از زبان سریانی بود (۱۹۵۱ مسینا).

این دست‌نوشته که اکنون در فلورانس نگهداری می‌شود دست‌نوشته‌ای

۱- آنجلومبیکله پیه‌مونته، «تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا»، آینده، سال هفتم، شماره

از چهار انجیل بی‌مانند در جهان است. شگفت‌تر از این، انتشار اثری بود در ونیز در سال ۱۵۵۷ به نام «سفر زیارتی سه شاهزاده سراندیب» که به همت شخص تبریزی الاصلی به نام کریستوفر ارمنی از فارسی به ایتالیایی ترجمه شده بود. این کتاب حاوی داستانهای عاشقانه بهرام‌گور و کنیزش، دلارام بود. (اما با اشعار «هفت پیکر» نظامی، که پس از فردوسی نخستین کسی بود که این داستانها را به شعر درآورده بود، مطابقت نداشت) این کتاب نخستین اثر فارسی بود که به یک زبان اروپایی برگردانده شد و در اروپای آن روزگار با اقبال چشمگیری مواجه شد و داستانهای آن دوباره ترجمه و اقتباس شد.^(۱)

هویت این اثر فارسی که در ونیز ترجمه و انتشار یافت، اسرارآمیز بود. در واقع این کتاب مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه را در برمی‌گیرد که سرآغاز آن، حکایت سه شاهزاده سراندیب و پرولوگ آن داستان بهرام‌گور و دلارام است. این اثر بیش از آنکه یک ترجمه باشد یک اقتباس است. یعنی، همانگونه که در گذشته متداول بود. این اثر آمیخته‌ای از یک متن اصلی همراه با عناصر اخذ شده از متون دیگر است. این کتاب، در اروپا بویژه فرانسه و انگلستان معروف شد و بار دیگر ترجمه و مورد تقلید قرار گرفت، چرا که حاوی داستان‌هایی رمز و رازگونه و اشاراتی هوشمندانه بود. به هر جهت این کتاب از آغاز سده هفدهم بمنزله نمونه تکامل رمان نوع پلیسی بکار برده شد و تامس هاگسلی آن‌ها را غیبگویی خواند. اوراس والیول ماجراها، فال‌بینی‌ها و پیچیدگی و رازواری این داستانها، بخصوص از آن میان داستان سه شاهزاده سراندیبی را یک کشف عظیم اتفاقی دانست. این کتاب صورت بسیار مختصر شده و اساساً مبتنی بر بازنگاری

۱- رودی متی و نیکی کدی، ایرانشناسی در اروپا و ژاپن، ترجمه مرتضی اسعدی (تهران:

پیچیده شعر «هشت بهشت» امیر خسرو دهلوی است.

بر این متن اصلی، عناصر ناهمگن که از «هفت پیکر» نظامی، «سبعه سیاره» امیر علیشیر نوائی، مثنوی به زبان ترکی و شاید حتی از «هفت منظر» هاتقی، تا آنجا که به داستان «بهرام‌گور» و «دلارام»، یا به عبارتی آزاده در فردوسی و فتنه در نظامی مربوط است، اخذ و برآن افزوده شده است.

گزینش هشت بهشت امیر خسرو دهلوی به منزله نخستین اثر ادبی فارسی وارد شده به اروپا، شگفت‌انگیز است. این یک مثنوی است که تقریباً هنوز هم برای خود ایران‌شناسان امروز، ناشناخته مانده است. همانا از این شگفت‌تر این واقعیت است که برای چاپ مجدد کتاب، گروه ادبا و نیز میان مثنوی‌های فارسی و ترکی که زمینه اصلی آن ماجرای بهرام‌گور است، مقایسه‌ای به عمل آورده و با این مقایسه، کاری را به ثمر رسانده‌اند که در دایره ایران‌شناسی هنوز هیچ یک از محققین به تحلیل یا تعمیق آن نپرداخته‌اند.

در این میان، در ونیز و دیگر شهرهای ایتالیا، اقدامات چشمگیر دیگری آغاز شده بود و آن چاپ آثار شرقی و متون عربی برای نخستین بار در اروپا بود. برای نمونه می‌دانیم که نخستین چاپ قرآن مجید به دست حروفچینی که در جمهوری ونیز فعالیت داشت در حدود (۱۵۳۸-۱۵۱۸) انجام گرفت. این فعالیت، تفهیم متون و بررسی خطوط شرقی (الفباها)، یعنی تجزیه و تحلیل دست‌نوشته‌ها را در پی داشت.^(۱)

□ تأسیس لولین چاپخانه هتون شرقی در ایتالیا

در سال ۱۵۸۴ میلادی یعنی بیش از چهار قرن پیش، یک «چاپخانه

۱- پیه مونته: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۸۰-۴۷۸.

شرقی مهدیچی» در رم پایه‌گذاری شد تا متون شرقی را به شکل کتاب‌های چاپی، چه در اروپا و چه در مشرق زمین، به چاپ رساند. این اقدام به شکست انجامید زیرا که در آن زمان کتاب چاپ شده در جهان اسلام پذیرفته نبود و کتاب‌های خطی را بر آن برتری می‌دادند. به هر جهت در قرن شانزدهم شمار بسیاری از کتاب‌های خطی عربی، فارسی و ترکی گردآوری، مطالعه، رونویسی، برگردانده و برای چاپ در رم آماده شد.

□ کتاب قانون ابن‌سینا اولین کتاب چاپی در ایتالیا

در سال ۱۵۹۳ نخستین چاپ «قانون فی‌الطب» به قلم ابن‌سینا در شهر رم صورت گرفت. یکسال بعد در ۱۵۹۴ کتاب «تحریر الاصول» اقلیدس اثر خواجه نصیرالدین طوسی در رم به چاپ رسید. چاپ این کتابها، گواه بر علاقه‌ای است که بیش از همه به متون علمی عربی نشان داده می‌شد.

□ مطالعه متون علمی فارسی

در دورهٔ رنسانس است که برای نخستین بار متون علمی فارسی نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد و برخی از مردان علم و ادب ایتالیا به وجود و اهمیت کتابهای علمی در زبان فارسی پی می‌برند.

پیش از این مرحله، توجه اروپائیان بیشتر به متون ادبی معطوف بود و علت‌گرایش آنها به متون عربی به این امید بود که در این متون اثری از آثار یونان باستان بیابند.^(۱)

□ نخستین محقق ادبیات فارسی

نخستین محقق که ادبیات علمی فارسی را کشف کرد **جوان باتیستا رایموندی** (ناپل ۱۵۳۶-۱۶۱۴) بود. وی استاد ریاضیات و فلسفه دانشگاه رم و مدیر «چاپخانه شرقی» بود. رایموندی یک شخصیت برجسته و محقق است که زحمات او در مجامع علمی دوران خود، علاقه بسیار برانگیخت و نیز از سوی دانشمندان برجسته‌ای چون گالیله مورد تقدیر قرار گرفت. رایموندی انتشار و ترجمه شماری از متون فارسی (چون ریاضی، اخترشناسی، پزشکی و غیره) و زبان‌شناسی چون (دستور زبان و فرهنگ لغات) را در برنامه خود گنجانده بود. برای نمونه وی کتابهای «سی فصل از تقویم» و «زیج ایلخانی» نوشته خواجه نصیرالدین طوسی، رساله «فی الطریق المسائل العددیه» شرف‌الدین سمرقندی، «مقدمة الادب» زمخشری، «وسيلة المقاصد» خطیب مولوی و «قوانین فرس» سیداحمد بن مصطفی معروف به لالی را مطالعه کرد.^(۱)

□ تهیه و جمع‌آوری کتابهای فارسی توسط برادران و کیتی

بسیاری از کتابهای خطی فارسی به همت دو تن از همکاران رایموندی یعنی برادران **جوان باتیستا** و **جرولامو و کیتی** برای مجموعه «چاپخانه شرقی» فراهم آورده شد.

آنان که در جستجوی کتابها، به مصر، خاورمیانه، ایران و هند مسافرت کردند (۱۶۰۷-۱۵۹۱)، کتابهای بسیاری را به ایتالیا آوردند که امروزه در کتابخانه‌های ناپل، رم، فلورانس و پاریس نگهداری می‌شوند. **جوان باتیستا** و **وکیتی** متون توراتی را به زبان عبری و فارسی گردآوری و روی آن تحقیق

۱- بیه مونتسه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۱-۴۸۰.

نمودند. بائیستا نخستین اروپایی بود که اینگونه ادبیات را کشف کرد. جرولامو وکییتی با خود یک نسخه خطی ارزشمند فارسی از قاهره آورد که امروزه در کتابخانه ملی فلورانس نگهداری می‌شود. این نسخه خطی جلد اول «شاهنامه» است با تاریخ کتابت سال ۶۱۴ هجری قمری، که تاکنون کهن‌ترین نسخه خطی «شاهنامه» در جهان شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد که این نسخه خطی اصلاً به طایفه عیاران اخی در آناتولی ترکیه تعلق داشته است.^(۱)

در پایان دستنوشته این شاهنامه، چنین آورده شده‌است:

«تمام شد مجلد اول از شاه‌نامه پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه سیّم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمدالله تعالی و حسن توفیقه و صلی الله خیرخلقه محمد و آله الطاهرین الطیبین».

این نسخه که به تاریخ ۳۰ محرم سال ۶۱۴ هجری قمری پرداخته شده، کهن‌ترین «شاهنامه» فردوسی موجود در جهان است. بررسی‌های واپسین دکتر جلال خالقی مطلق نشان داده‌اند که دست‌نوشته موجود در کتابخانه فلورانس، از لحاظ متون ادبی مهم‌ترین دست‌نوشته است. این کتاب در حقیقت تعدادی از اشکال زبانی، شعری و بیانی ناب یا اصیل عصر کهن را در خود حفظ کرده است که در هیچ یک از دست‌نوشته‌های مشابه آن دیده نمی‌شود.

□ نهایت کار رایموندی

با این همه، فرارسیدن اجل، برنامه‌های گسترده رایموندی را ناتمام گذارد و بخش اعظم رونویسی‌ها و ترجمه‌هایش از متون علمی و دستوری به زبان ایتالیایی یا لاتین، نیمه کاره یا بصورت چرکنویس باقی ماند. بیش از آن نیز،

مشکلات مالی که چاپخانه شرقی را نیز دربرگرفت، حتی زندگی خود او و مطالعاتش را دشوار ساخت. دهها دست‌نوشتهٔ بازمانده از *رایموندی* که بیشترشان در کتابخانه‌های فلورانس نگهداری می‌شود و با خطی واضح و زیبا نوشته شده، نشانگر کاری بس عظیم از رونویسی و ترجمه است. در برنامهٔ وی، افزون بر آثار *ابن سینا*، *اقلیدس* و *خواجه طوسی*، چاپ متون و ترجمهٔ دهها کتاب دیگر فارسی و عربی قرار داشت. او همچنین مطالعهٔ تفسیر قرآن و متون شعری را نیز آغاز کرده بود. نمونهٔ چاپی یک غزل از شاعری معروف متخلص به *شاهی سبزواری* (درگذشته در ۸۵۷ ه. ق) که به همت او انجام گرفت، در فلورانس نگهداری می‌شود. هر چند که این متن هرگز منتشر نشد، لیکن از نخستین متون فارسی است که در ایتالیا به چاپ رسیده است.^(۱)

□ تجلیل رایموندی از زبان فارسی

رایموندی ویژگی اساسی زبان و خصوصیت عمدهٔ ادبیات فارسی، یعنی طبیعت جهانشمول شعر فارسی را کاملاً درک کرد. وی در این باره یادداشتی نگاشته است که در میان برگه‌های دستنویس او در فلورانس یافته شده و توسط *آنجلومیکله پیه‌مونته* منتشر شده است. شاید این یادداشت وی که نشانگر باریک بینی و تجربهٔ ژرف او در زمینهٔ تحقیقات زبانی و نیز حساسیت وی در زمینهٔ ادبی است، قابل ذکر در پیشگفتار هر کتاب تاریخ ادبیات ایران باشد. *رایموندی* زبان فارسی را زیباترین زبان جهان می‌دانست و معتقد بود که این زبان برای بیان مفاهیم در قالب شعر از قر ایزدی غریبی برخوردار است. این متن نوشتهٔ اوست که به سال ۱۵۸۰ میلادی انتشار یافته است:

۱- پیه‌مونته: *تاریخچهٔ ایران‌شناسی در ایتالیا*، ص ۴۸۲.

بی‌عیب و نکو سخن گفتن به هر زبانی بهر انسان میسر نیست. انسانی به زبان نکو و بی‌عیب سخن گفتن تواند که زیباترین، شیرین‌ترین و کامل‌ترین زبان‌هاست. این زبان از کامل‌ترین زبان‌هایی است که امروزه شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد که هم شرقیان و هم آنانی که بیش از همه به مطالعهٔ زبانهای جهان پرداخته‌اند به ستودن این سه زبان پرداخته‌اند: یونانی، عربی و پارسی.

با این همه، آنانی که طبعی لطیف در شناخت زبان‌ها دارند، به داوری بنشسته‌اند که زبان فارسی را بایست زیباترین، فاخرترین و شیرین‌ترین زبان موجود در جهان دانست. زیرا که به زبان پارسی کتابهایی از هر فن و دانش، بویژه چندان کتب شعر نگاشته‌اند که انگار خداوند عمداً آن را به آدمی اعطاء فرموده است تا او را به ابراز معانی به شعر وادارد. بنابراین هر کس باید نخست زبان فارسی را بطور کامل بیاموزد.^(۱)

رایموندی در نظر داشت که کتاب دستور زبان فارسی و چندین فرهنگ دو زبانهٔ فارسی چاپ و منتشر کند، اما این کتابها هیچگاه تکمیل یا به هر حال چاپ نشد. با این همه کارهای مبتکرانه و کاشفانهٔ رایموندی و برادران وکیعی که هر سه فیلسوف و دانشمند بودند بازتابهای گسترده‌ای در محافل شرق شناسی و علمی اروپا یافت.^(۲)

▣ مطالعات شرق‌شناسی در انحصار تشکیلات کلیسا

در قرن هفدهم میلادی، بازوال نقش سیاسی و نیز، مطالعات

۱- همان، ص ۳-۴۸۲.

۲- متی و کدی: *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ص ۱۳۸.

شرق‌شناسی در ایتالیا پیش از پیش به انحصار تشکیلات کلیسایی درآمد که در جریان واکنش به نهضت اصلاح دین پروتستانها تجدید سازمان یافته بود. وارثان مطبعه شرقی مدیچی، بعضاً همچون بنیاد تبلیغات دینی (رم، ۱۶۲۲) و کتابخانه حوزه علمیه کاتولیک (پادوآ ۱۶۸۴)، تشکیلاتی بودند که همه همتشان اختصاصاً به بسط و اشاعه مذهب کاتولیک معطوف بود.^(۱)

□ انتشار اولین دستور زبان فارسی در ایتالیا

در میان مبلغان کاتولیکی که در زمینه فرهنگ و زبان فارسی فعالیت می‌کردند «*اینیا زیودی جسو*» کرمی بود. او باکاری که در زمینه توصیف نظری و عملی دستور زبان فارسی انجام داد، در گسترش و معرفی فارسی نقش بسزایی داشت. چاپ کتاب دستور زبان فارسی در سال ۱۶۵۴ در رم مرهون زحمات اوست. این مبلغ مسیحی فرهنگ لغت لاتین - فارسی را تهیه نمود و روش بسیار جالب استنساخ از خط زبان عربی - فارسی با حروف لاتین را ارائه نمود. خانم دکتر *پائولا اورساتی* که تا چند سال پیش دستیار تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم بود به تشریح اهمیت این اثر پرداخته است. در اینجا می‌توان یادآور شد که مبلغ مسیحی دیگری به نام *مانوریزیو گارزونی* در رم به سال ۱۷۸۷ اولین کتاب دستور زبان کردی را که توسط یکی از ادیبان اروپایی نوشته شده بود، انتشار داد.^(۲)

شایسته است که در اینجا پاره‌ای از آثار مبلغین مذهبی کاتولیک که صرفاً به مطالعات ایران‌شناسی مربوط است را مورد بررسی قرار دهیم. ناگفته نگذاریم

۱- منی و کدی: *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ص ۱۳۸.

۲- پیه مونته: *تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا*، ص ۴-۴۸۳.

که فعالیت تبلیغات دینی و مناظرات دین‌شناسی که مبلغین مسیحی در ایران و سایر کشورها انجام می‌دادند، مربوط به تاریخ ادیان و روابط سیاسی و مذهبی بین شرق و غرب بود. بطور مثال این مورد مناظره دینی است که بین مبلغین دینی کاتولیک و فیلسوف شیعه سیداحمد زین العابدین علی عاملی اصفهانی (متوفی به سال حدود ۱۰۶۰ ه. ق) صورت گرفته و در آن، این عالم شیعه و عالم مسیحی از مبانی اصول دین مسیحی و مذهب شیعه دفاع کرده‌اند. در این مناظرات که در اصفهان صورت گرفته، سیاح و دانشمند برگزیده ایتالیایی پیترو دلاواله نیز شرکت داشته است.

□ جمع‌آوری نسخ خطی فارسی از سوی مبلغان و سیاحان ایتالیایی

همزمان با گرایش اصحاب کلیسا به مطالعات ایران‌شناسی، گروهی از کشیشان مسیحی و همچنین جهانگردان ایتالیایی در آن دوران، به جمع‌آوری نسخه‌های خطی فارسی روی می‌آوردند. البته در کارگردآوری آثار خطی فارسی بیش از همه دو سیاح دانشمند، *لونیجی فردیناندو مارسیلی* و *یا کوپونانی* که هر دو در عین حال متخصص فنون و هنرهای نظامی نیز بودند، تلاش کردند و آثار خطی فارسی را از قلمرو عثمانی گردآوری کردند که هم اینک در کتابخانه واتیکان در رم و در کتابخانه «آمبرو سیانا» (میلان) در بلونیا، نسخ خطی که *مارسیلی* جمع‌آوری کرده محفوظ است و کتابخانه فلورانس و کتابخانه کاساناتسنه در رم و در ونیز هر سه مزین به مجموعه نانی می‌باشند.^(۱)

□ گردآوری نسخه خطی عطار

از دیگر کسانی که در گردآوری دست‌نویس‌های فارسی تلاش کرده، سیاستمدار و دانشمند ایتالیایی، **رمالدو تکو** بود. وی مجموعه‌ای کوچک اما ارزشمند و نفیس تهیه کرد که در کتابخانه سلطنتی تورین گردآوری شد. در این کتابخانه بی‌نظیر «منطق‌الطیر» نوشته شده به سال ۸۵۷ ه.ق به قلم خطاط مشهور **نصیرین حسن الملکی** با خطی بسیار خوش، مزین به شش تصویر زیبای مینیاتور نگهداری می‌شود که نمونه قدیمی‌ترین اثر مصور مثنوی مشهور **عطار** می‌باشد. این اثر از هر نظر شاهکاری است که در طول دوره تیموریه نگاشته شده است و در واقع اوج هنر کتابت در ایران اسلامی است.^(۱)

□ تدوین رساله درباره ایران

کار دانشمندان، سیاحان و مبلغان مذهبی ایتالیایی در آن دوران، تنها به گردآوری نسخ فارسی و تدوین فرهنگ فارسی منحصر نماند بلکه گروهی هم به شناسایی و معرفی زبان، فرهنگ و تمدن کشور ایران توجه نشان دادند. یکی از این افراد، ج. ب. پودستا (۱۶۴۰-۱۷۲۷) است که رسالات گوناگون زبان شناسانه‌ای در وین چاپ و منتشر کرد که در آنها به زبان فارسی نیز در عرض زبانهای عربی و ترکی عنایت شده بود. در میان سیاحانی که شرح و وصفی درباره ایران نوشته‌اند باید یکی دیگر از آبای کلیسای کرملی به نام **لئوناردو دی سی چچیلیه** را نیز نام برد.^(۲)

براساس فهرستی از نسخ خطی فارسی که در ایتالیا حفظ می‌گردد و به

۱- بیه مونته: **تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا**، ص ۶-۴۸۵.

۲- متی و کدی: **ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن**، ص ۱۳۹.

همت آنجلومیکله پیه مونته‌سه گردآوری شده و در ژوئن سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده، امروزه بیش از ۴۰۰ نسخه خطی فارسی درسی کتابخانه عمومی واقع در ۱۵ شهر مختلف ایتالیا یافت می‌شود. بر این تعداد می‌شود تعداد ۲۳۰ دست‌نویس و ۱۰۳۳ جزوه مربوط به تعزیه را اضافه نمود.^(۱)

□ سیر قهقرایی مطالعات ایران‌شناسی در قرن هیجدهم

همچنانکه یادآوری کردیم، پس از نیمه دوم قرن هفدهم و در پایان نیمه قرن هیجدهم مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا از رونق افتاد، در حالیکه در سایر کشورهای اروپایی این مطالعات به روش علمی پیشرفت کرد و توسعه یافت. شاید این رکود و سکون ناشی از انحطاط سیاسی دولتهای ایران و ایتالیا و توقف روابط تجاری دو کشور در آن ایام بوده باشد. انحطاط سیاسی و اقتصادی دولتهای ایتالیا و همچنین جمهوری ونیز باعث شد که هیچکدام آنها با ایران روابط دیپلماتیک مستحکمی نداشته باشند. در این دوره از تمام جمهوریهای ایتالیا، تنها دولت پاپ از طریق هیأت‌های تبلیغی اعزامی همچنان روابط خود را با ایران حفظ کرده بود. ثمره نهایی این مداومت مبلغانه، فراهم آمدن نخستین شرح و توصیف علمی زبان کردی به همت مائوریزیو گارزونی بود که در سال ۱۷۸۷ در رم منتشر شد.^(۲)

در عوض در طول این دوران در ایتالیا مجموعه‌هایی از دست‌نویس‌های فارسی جمع‌آوری شد و این خود گواه علاقه و توجه نسبت به فرهنگ ایرانی

۱- پیه مونته‌سه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۸۵.

۲- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۴۰-۱۳۹.

است. (۱)

۵ عصر جدید در مطالعات ایران‌شناسی

از سالهای دهه ۱۸۳۰ به این سو، تورین پایتخت پیه‌مون و ساردینا بود. این قدرت‌ها بعدها در سال ۱۸۶۱ دولت ایتالیا را تشکیل دادند. در این دوره در پرتو ارشادات دولتمردی به نام کاوور، جمهوری پیه‌مون و ساردینا با آهنگی شتابان به قدرتی تبدیل شد که می‌خواست دولتهای متعدد و متشتت ایتالیایی را به کام بکشد و یکپارچه کند. در سالهای دهه ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ سفیر پیه‌مون و ساردینا در استانبول مأموریت داشت تا روابط دیپلماتیک و تجاری با ایران را تجدید کند و این روابط، در واقع، با اعزام فرخ‌خان غفاری (امین الدوله) به اروپا در سال ۱۸۵۷ دوباره برقرار شد.

رومالدو تکو سفیر این جمهوری در استانبول، مجموعه‌ای از نسخ خطی شرقی برای سلطان خود گردآورده بود که در میان آنها مجموعه کوچکی ولی بسیار ارزشمندی از مخطوطات فارسی وجود داشت که امروزه در کتابخانه سلطنتی تورینو نگهداری می‌شود. گاسپاره گورسیو، که زبانهای شرقی را در پاریس آموخته بود، با همکاری رومالدو تکو جزوه‌ای درباره یکی از این مخطوطات منتشر کرد. (۱۸۳۶)

این نسخه خطی عبارت بود از «دیوان علی بن فتح‌الله معدنی»، متخلص به «صابر اصفهانی» شاعر مدیحه‌سرای فارسی‌گو و نقاش دربار سلطان محمد فاتح عثمانی که به خط خود او در سال ۸۸۱ کتابت شده بود. به هر روی، اعزام هیأت عالی مرتبه نمایندگی مملکت یکپارچه ایتالیا

به ایران در سال ۱۸۶۲ حادثه بسیار مهمی بود که بزودی آثار مثبت خود را هم بر اعاده روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور و هم بر فتح باب مجدد مطالعات ایرانی در ایتالیا نمودار ساخت. هدف سران ایتالیا از اعزام این هیات نمایندگی که در عین حال اقدامی دیپلماتیک و تجاری محسوب می‌شد آن بود که به یاد دوستیهای قدیم، روابط دو کشور را بر مبنای تازه‌ای از نو برقرار کنند. لذا، کریستوفر ونگری دولتمرد و محقق ایتالیایی به همین مناسبت گولثیمو برچه را مأمور کرد تا کتاب مشهور خود را در زمینه مستندات تاریخی روابط جمهوری ونیز با ایران از زمان حکومت اوزون حسن آق قویونلو به بعد تدوین کند^(۱) (تورینو ۱۸۶۵).

ضمناً گروهی از طبیعت‌گرایان و دانشمندان ایتالیایی هم هیأت نمایندگی ایتالیا را در سفر به ایران همراهی می‌کردند. آنها گزارشاتی در مورد زمین‌شناسی، گیاهان بومی، حیوانات و بخصوص راجع به ماهی‌ها و پرندگان ایران تهیه کردند که بعدها نشر یافت.

هیأت نمایندگی مزبور که شامل ج. دوریا، فیلیپود فیلیپی و م. لسونا بود، یادداشت‌های علمی مهمی فراهم آورد. اعضای هیأت در تهران با گروهی از افسران ایتالیایی که در ایران اقامت گزیده و آموزش نیروی نظامی منظم حکومت قاجار را برعهده گرفته بودند، ملاقات کردند. یکی از افسران انریکو آندره ثینی بود که به عنوان نماینده رسمی حکومت ایتالیا در ایران عمل می‌کرد و با ارسال مجموعه‌ای از گزارشها و اسناد که از سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ آنها را گردآوری کرده بود، حکومت متبوع خود را در جریان امور ایران قرار می‌داد. در این ایام، کنت مونتۀ فورته سسیلی از وین، وارد ایران شد و اولین نیروی پلیس

ایران را که در نظر بود به شیوهٔ اروپایی سازمان یابد تشکیل داد.^(۱)

حال که بحث از نیروی پلیس و افسران ایتالیایی در ایران است، باید خاطر نشان سازیم که مهاجرت افسران ایتالیایی به ایران از اوایل دوران قاجار سابقه داشت و یکی از نخستین افسران مهاجر ف. گلمباری، افسر توپخانه، نقاش و مشاور محمدشاه قاجار و صدراعظم او حاجی میرزا آغاسی بود. یکی دیگر از اعضاء هیأت نمایندگی فوق‌العاده ایتالیا جاکومو لینیانا، زبان‌شناس و محرم اسرار کاوور بود که در سال ۱۸۴۷ در بُن نزد ایران‌شناسان مشهوری همچون لاسن و اشیپگل شاگردی کرده بود. لینیانا در مقام استاد ادبیات تطبیقی و فقه‌اللغه هندو-ایرانی بانی تدریس زبان فارسی در مؤسسهٔ مطالعات شرقی ناپل و نیز تدریس زبانهای ایرانی در دانشگاه رم شد (۱۸۷۱).

مطالعه و تدریس زبان فارسی در ناپل را پس از لینیانا یکی از شاگردان او به نام ژرار دو وینسنته که صاحب آثاری در زمینه‌های ادبی و زبان‌شناسی بود و نیز لوئیجی بونلی ترک‌شناس و اسلام‌شناس، که صاحب تألیف مهمی در توصیف و توضیح زبان فارسی مردم کابل بود و با این اثر علاقه‌مندی خود را به مطالعات ایران‌شناسی نشان داده بود، ادامه دادند.

پژوهشگران ایتالیایی بدین سان، با پیشرفته‌ترین مدارس تحقیق ایران‌شناسی اروپا ارتباط برقرار کردند.^(۲)

در سال ۱۸۶۵ سفیر ناصرالدین شاه قاجار که عازم دربار انگلیس بود در سر راه خود اولین عهدنامهٔ دولتی و بازرگانی را با دولت ساردنی امضاء کرد. در سال ۱۸۷۳ میلادی ناصرالدین شاه به هنگام سفر به اروپا در

۱- بیه موننسه: تاریخچهٔ ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۱۴۱.

۲- همان، ص ۲-۱۴۱.

شهرهای تورینو، میلان و بولونیا توقف کرد و از آن پس با سفر هیأت‌هایی از ایتالیا به ایران، موجبات آشنایی بیشتر مردم دو کشور با یکدیگر فراهم گشت. پس از اعلام استقلال و وحدت ایتالیا، وزیر مختار این کشور از جانب دولت نوین‌پاد ایتالیا در سال ۱۸۶۲ به تهران اعزام شد و در همان سال عهدنامه دوستی و تجارت بین دو کشور را با میرزا سعید خان وزیر امور خارجه امضاء کرد. در سال ۱۸۸۶ میلادی دو دولت اقدام به تأسیس سفارت دائمی در پایتخت یکدیگر کردند و دولت ایران *نریمان خان قوام السلطنه* را به رم فرستاد و دولت ایتالیا نیز *کنت الکساندر ناتورا* را به عنوان وزیر مختار به تهران اعزام کرد و از آن پس روابط دو کشور براساس موازین معمول بین‌المللی توسعه یافت.^(۱)

❏ روابط فرهنگی در قرن نوزدهم

در قرن گذشته فعالیت‌های فرهنگی ارزنده‌ای در ایتالیا درباره ایران صورت گرفت که غالباً جنبه علمی و تحقیقی داشت. در سال ۱۸۶۰ ترجمه‌ای از اوستا همراه با کتاب دیگری به نام «دستور زبان اوستایی» توسط *آسکولی* در شهر تورینو که در آن زمان موقتاً پایتخت ایتالیا بود انتشار یافت. در ۱۸۷۳ ترجمه ایتالیایی «گلستان» توسط *ژراردو وینسنته* در ناپل منتشر شد.

سفر شاه وقت ایران به ایتالیا که به دعوت *ویکتور امانوئل* پادشاه این کشور صورت گرفت باعث جلب توجه عمومی مردم ایتالیا به آثار ادبی ایران گردید که شاید مهمترین نتیجه آن یکی از بزرگترین کارهای ادبی بود که تاکنون درباره ایران در غرب صورت گرفته است و آن ترجمه کامل «شاهنامه» توسط *ایتالو پیتزی* بود که در فاصله سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۹ در ۸ جلد در شهر تورینو

به ضمیمه چند اثر دیگر به نام‌های «جنگ فردوسی»، «حماسه ایرانی»، «راهنمای ادبیات ایران»، «دستور زبان فارسی» و «لغت‌نامه فارسی» از همین مؤلف انتشار یافت که با ارزشترین کار انجام شده درباره ادبیات ایران در خارج از کشور می‌باشد.

در همین قرن، در سال ۱۸۷۸ چهارمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان که قسمت مهمی از مطالب مورد گفتگوی آن به ایران اختصاص داشت در شهر فلورانس تشکیل گردید. پس از آن هم کنگره دیگری از خاورشناسان در سال ۱۸۹۱ در رم منعقد شد.^(۱)

□ پیتزی و خدمات او به ادبیات فارسی

بزرگترین ایران‌شناسان ایتالیایی این دوره، یعنی اواخر قرن نوزدهم، بی‌تردید ایتالو پیتزی است. وی از سال ۱۸۸۵ به بعد استاد زبان‌شناسی و زبان فارسی دانشگاه تورینو بود و به عنوان یکی از مخالفان مکتب زبان‌شناسی آلمانی و نمایندگان ایتالیایی آن مشهور بود. پیتزی از مشرب خاص خود درباره کیفیت انتشار متون که برآمده از امیال و آرزوهای ادیبانی محقق و مشتاق اشاعه متون کهن شرقی و غربی در میان مردم با فرهنگ طبقه متوسطه بود، پیروی می‌کرد و با بلند پروازی که داشت، به مدت نیم قرن به عنوان شرق‌شناس، متخصص تعلیم و تربیت، مترجم و شاعر کار کرد. ادبیات تطبیقی و حماسه‌های ایرانی زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه او بودند. او حماسه‌های ایرانی را نوعی بیان احساس «ملی» ضدعرب ایرانیان می‌دانست و برای آن مبانی آریایی قایل

بود.^(۱)

۵ ترجمه شاهنامه به همت پیتزی

پیتزی «شاهنامه» فردوسی را در سایه تلاش بی وقفه خویش تماماً و در ۸ جلد با پاره‌های یازده هجایی به زبان ایتالیایی ترجمه کرد. او این کار مهم را در سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۹ در تورین انجام داد و این سبک استادانه و انتخاب هنرمندانه را در پاسخ به ترجمه ژول مول فرانسوی از شاهنامه اختیار کرد.^(۲) سایر آثار عمده پیتزی از جمله مشتمل بر راهنمای زبان آموز فارسی، شامل مجموعه‌ای از «امثال و حکم»، «گزیده‌ای از اوستا»، «ترجمه کامل گلستان سعدی»، «تاریخ شعر فارسی» که شامل منتخباتی فراوان از اشعار فارسی ترجمه شده و توضیحاتی درباره ادبیات تطبیقی است. تاریخ شعر فارسی او، صرفاً دروه کلاسیک یا کهن شعر فارسی را در برمی گیرد و فقط تا جامی، که پیتزی او را آخرین شاعر قابل ذکر ایرانی می داند، پیش می آید.^(۳)

۵ شاگردان پیتزی و خدماتشان به ادب فارسی

شاگرد و داماد پیتزی، ویتوریو روگاری همه کک نامه و گزیده‌هایی از «برزو نامه» و «گرشاسب نامه» را به زبان ایتالیایی ترجمه کرده است. وی به عنوان یکی از مترجمان زبده متون حماسی فارسی شهرت داشت. شاگرد دیگر پیتزی کارلو نلینو بود وی که فارسی را نزد پیتزی آموخته بود و بعدها عرب شناس معروفی گردید، آثاری درباره برخی موضوعات ایرانی، همچون متون پهلوی و

۱- متی و کدی: ایران شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۴۲.

۲- همان، ص ۳-۱۴۲.

۳- برای اطلاع بیشتر بنگرید به پیه مونته: تاریخچه ایران شناسی در ایتالیا، ص ۴۸۷.

آثار ابن مقفع نوشت. اسلام‌شناسان دیگری مانند م. گویدی، م. مورو و بعدها فرانچسکو گابریلی نیز دربارهٔ ابن مقفع و آثار او که نشان دهندهٔ تنازع میان مانویت و اسلام و انتقال میراث ادبی ایران به زبان عربی بود، کار کردند. لئونیه کایتانی، یکی دیگر از اسلام‌شناسان ایتالیایی، دربارهٔ افول و انحطاط امپراتوری ساسانی و بازسازی تاریخ فتح ایران به دست اعراب مطالعه کرد. کایتانی در جریان سفرش به ایران و هند مجموعه‌ای از مخطوطات فارسی فراهم آورد که حاوی متون منظوم و منثور تاریخی فراوانی بود و اینک در بنیادی در رم به نام خود او، در نزدیکی آکادمی ملی لنینجه‌ای رم نگهداری می‌شود.

علاوه بر اینها، جوزفه گابریلی کتابشناسیها و فهرستهایی از مجموعه‌های مخطوطات، اسناد و گزارشها و مطالعات ایرانی در ایتالیا فراهم آورده است.

با اینکه مدتهای مدید، از ابتدا تا اواسط قرن بیستم میلادی مطالعات ایران‌شناسی توسط پژوهشگران ایتالیایی، اسلام‌شناسان، عرب‌شناسان، ترک‌شناسان، تاریخ‌شناسان ادیان و زبان‌شناسان انجام گرفت، با این همه، ایران در کانون توجه همهٔ شرق‌شناسان ایتالیایی نبوده و نیست و تقریباً هیچیک از آنها امروزه نمی‌توانند آنچه را که یک متخصص به تنهایی ارائه می‌دهد، ارائه نمایند.^(۱)

□ مطالعات ایرانی به عنوان یک سنت علمی و تحقیقاتی

سالها طول کشید تا مطالعات ایرانی در ایتالیا به عنوان یک سنت علمی و تحقیقاتی جابجفتد و یا در میان درسهای دانشگاهی جاباز کند و سامانی را که بایستهٔ یک رشتهٔ تحصیلی است به دست آورد.

۱- منی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۴۳.

مشخصه مطالعات ایرانی در این کشور تا سالیان متمادی همان بود و بانی یا علاقه‌مندان علی‌حده‌ای نداشت و صرفاً در حاشیه یا از رهگذر مطالعات و تحقیقات متخصصان فردی به آن توجه می‌شد که در زمینه‌های گوناگون مثل؛ تاریخ ادیان، مطالعات هند و اروپایی، مطالعات عربی و نظایر آن کار می‌کردند. حتی تا سالهای پس از نیمه اول قرن بیستم وضع بدین منوال بود و متأسفانه به نظر می‌رسد که این تلقی جنبی خصیصه لایتغیر ایران‌شناسی در ایتالیا باشد.

دلیل این موضوع، بخشی به مناسبت طبیعت مطالعات خاص ایران‌شناسی است که مربوط به ادوار، تمدن و زبان‌هایی است که بسیار با یکدیگر متفاوتند و بنابراین پژوهشگران زمینه‌های مختلف را به خود جلب می‌کنند. از طرفی این موضوع به سنت مخصوص پژوهشگران ایتالیایی نیز بازمی‌گردد که در مطالعات تخصصی بیشتر مطالعات خاص مربوط به تمدن‌های مختلف را ترجیح می‌دهند. تخصص‌گرایی خود پدیده بسیار جدیدی است که مضار و منافع مخصوص بخود را داراست که احیاناً پیچیدگی خاص تمدن در فلات ایران نیز با این تلقی سازگاری دارد.^(۱)

از میان پژوهشگران بی‌شمار دوره فوق‌الذکر که سهمی در مطالعات ایران‌شناسی دارند در اینجا تا حدی که مقدور است تنها نام عده‌ای از مهمترین آنان را یادآور می‌شویم:

اسلام‌شناس مشهور **لئونه کایتانی** که انحطاط شاهنشاهی ساسانیان و تاریخ تصوف ایران توسط اعراب مسلمان را مطالعه کرده است. او در سفرهایش به هند و ایران و در تماس خود با ایران‌شناسان اروپایی یک مجموعه معتبر

دست‌نوشته‌های فارسی اعم از متون شعری و تاریخی جمع‌آوری کرد که امروزه در آکادمی ملی لنینجه‌ای رم حفظ می‌گردد.

رقائله پتازونی مطالعات مهمی از خود در مورد مذهب زرتشت و الهه میترا به چاپ رساند. **جوزفه مسینا** جزوه‌های دوره پهلوی و اساس مغ‌ها در روایات زرتشت و توسعه مانی‌گری در آسیای مرکزی تا عصر مغول و شعر صوفیان ایران اسلامی را مطالعه و بررسی کرده است.

وی که از شاگردان **مارکوارت** بوده و برخی از آثار او را پس از مرگش ویرایش و منتشر کرده درباره زبان آرامی، زبان پهلوی، متون و موضوعات مقدس دینی در ایران باستان، اصل و منشأ مجوسان در سنت زرتشتی، مانویت و اشاعه مسیحیت در آسیای مرکزی تا عصر مغول و شعر عرفانی فارسی تحقیق کرده است.^(۱)

آنتونیو پالیارو (۱۸۹۸-۱۹۶۳ م) که در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ در هایدلبرگ شاگرد **کریستیان بارتولومه** بود و بعداً در دانشگاه رم زبان‌شناسی ایرانی را تدریس می‌کرد، زبانهای باستان ایران بخصوص متون ادب پهلوی، قوانین شاهنشاهی ساسانی در مقایسه با حقوق و قوانین رم باستان، تصرف شاهنشاهی ایران از سوی اسکندر مقدونی، آرمانخواهی زرتشت و ادبیات حماسی - تغزلی فارسی میانه را مطالعه کرده است یکی از متخصصان زبان سریانی به نام **فولارنی** (۱۸۸۵-۱۹۶۳ م) درباره دین و تمدن ایلام باستان، فرهنگ پارتیان و تعالیم ماندایی و یزیدی مطالعاتی کرده است. همچنین خط و الفبای اولیه عیلامی در چند سال قبل در یکی از آثار ماندگار پ. مریجی بررسی شده است.

۱- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۵-۱۴۴.

اوگومونره دهویلارد (۱۸۸۱-۱۹۵۴ م) کارشناس برجسته تاریخ معماری اسلامی و هنر ایرانی و تاریخ اشاعه مانی‌گری را در صومعه‌ها و نقاط دورافتاده و تأثیر فرهنگ ایرانی در افریقای شمالی را مطالعه کرد. کتاب او اقتباسی است از ریشه‌های شرقی ایرانی سه پادشاه مجوسی و انتشار آن در محیط‌های مسیحیان مشهور.^(۱)

در چند دهه گذشته آلبرتوم و بونو سیمونتا آثار متعدد و مهم اما متشتت و متفرقی درباره مسکوکات پارسی فراهم آورده‌اند.

اتوره روسی ترک‌شناس ایتالیایی، (۱۸۹۴-۱۹۵۵ م) زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه رم تدریس می‌کرد. او کتاب دستور زبان فارسی، مجموعه‌های نسخه‌های خطی فارسی در واتیکان، کارهای پیترودلاواله در زبان‌شناسی، منابع شرقی افسانه «توراندخت» و «گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی و ادبی ایران جدید» را منتشر ساخت. نگارش «فهرست جزوه‌های تعزیه» را که هم اکنون در کتابخانه واتیکان نگهداری می‌شود، نیز از کارهای اوست. این مجموعه معروف عبارت است از تعداد ۱۰۵۵ دست‌نویس که ۳۰ عدد آن به ترکی و ۳ عدد به زبان عربی و نیز ۱۷ کتاب چاپ سنگی، فهرست آن توسط المسیو بونناچی به اتمام رسیده و چاپ گردید. او ترک‌شناس مشهور دیگری بود که مطالعات وسیعی در مورد ادبیات فارسی کرد و کتاب مهمی در مورد کتیبات به خط کوفی و حاوی ابیات فارسی قصر سلطان مسعود سوم غزنوی به چاپ رساند. «مجموعه تعزیه» که بزرگترین مجموعه موجود در دنیا است توسط دیپلمات و اسلام‌شناس و حبشه‌شناس برجسته انریکو چرولی (۱۸۹۸-۱۹۸۸) در طول اقامتش در تهران، زمانی که سفیر ایتالیا در ایران بود،

(۱۹۵۴-۱۹۵۰ م) جمع‌آوری شده است. *چرولی* مقالات متفاوتی در مورد تأثیر مذهبی نوشته است که به نظر او اصالت این تعزیه‌ها به نیاز تبلیغاتی اولین *شاهان صفوی* برمی‌گردد و یا شاید توسط خود شاه اسماعیل پایه‌ریزی شده است.

عرب‌شناس و اسلام‌شناس معروف *فرانچسکو گابریلی* از جمله کسانی است که در زمینه موضوعات متعدد و گوناگون تاریخی، هنری و ادبی ایران اسلامی، بویژه نفوذ و میراث فرهنگی و اعتقادی ایران در جهان اسلام، مقایسه صور و موضوعات هنری عربی و فارسی، سنت شعر حماسی - تغزلی فردوسی، تحولات تاریخی مربوط به قدرت گرفتن خاندان پهلوی و سیاستهای تجددخواهانه این خاندان کار کرده است. وی در طول بیش از نیم قرن آثار بسیاری مربوط به تاریخ ادبیات فارسی را به چاپ رساند. به خصوص مقالاتی درباره نویسندگان و شاعران ایران و تاریخ ادبیات فارسی به منظور درج در *دائرةالمعارف ایتالیایی*.

گابریلی کار پیتزی را که همچنان مشهور است ادامه داد و در فاصله دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ سرآمد همه محققان ایتالیایی متون کهن فارسی گشت. وی همچنین اشکال ادبیات عربی و فارسی را به مقایسه گرفت.

این محقق برجسته «رباعیات خیام» را مستقیماً از زبان فارسی با ترجمه کامل منتشر کرد. تجزیه و تحلیل *سفرنامه ناصر خسرو* نیز از دیگر کارهای اوست. وی *جامی* را خاتم الشعراي خلاق فارسی و آثار او را به واقع آخرین فصل تاریخ ادبیات فارسی می‌داند.^(۱)

تا سال ۱۹۵۷ پیتزی اولین و آخرین کسی بود که بر کرسی دانشگاهی

موضوعی ایرانی در دانشگاههای ایتالیا تکیه زده بود.

با این همه همچنانکه می‌دانیم سال ۱۹۵۷ در سرنوشت مطالعات ایرانی سالی پراهمیت و مهم بود. چراکه این سال چهارصدمین سالگرد آغاز مطالعات ایرانی در ایتالیا است. در همین سال بود که جوزفه توجی فعالیت هیأت‌های باستانشناسی ایتالیا در فلات ایران را بنیاد گذاشت و *الساندرو بوزانی* کرسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه رم احراز کرد.^(۱)

۹ رفت و آمدهای مأمورین سیاسی ایتالیا در دوره قاجاریه

در ماه صفر سال ۱۲۷۹ قمری / ۱۸۶۲ میلادی *پل چاردتی* وزیر مختار ایتالیا وارد تهران شد و نزد *ناصرالدین شاه* بار یافت و نامه پادشاه ایتالیا و نشان درجه اول سلطنتی دولت ایتالیا را به او تقدیم داشت. پس از چند هفته گفتگو با *میرزا سعید خان* وزیر امور خارجه در ۲۵ ربیع الاول یک عهدنامه دوستی و بازرگانی میان ایران و ایتالیا در هشت فصل تهیه، تنظیم و امضاء شد. نکته‌ای که در این عهدنامه جلب توجه می‌کند، این است که در آن اتباع کشور ایتالیا از نوعی حق قضاوت کنسولی «کاپیتولاسیون» برخوردار بودند.

به دنبال این عهدنامه، یک عهدنامه الحاقی نیز در ۴ ربیع‌الثانی میان وزیرمختار ایتالیا و وزیر امور خارجه ایران برای خریداری و حمل تخم و پیلۀ ابریشم از ایران توسط بازرگانان ایتالیایی به امضاء رسید. این قرارداد مشتمل بر چهار فصل و مدت آن چهار سال بود. در فصل سوم این قرارداد به دولت ایتالیا اجازه داده شده بود در تبریز، بوشهر و رشت کنسولگری تأسیس نماید و به

دولت ایران هم اجازه تأسیس کنسولگری در یکی از بنادر ایتالیا داده شده بود.^(۱)

۵. تجارت ایران و ایتالیا در عصر قاجار

در این عصر در گیلان، تجار ایرانی با صدور مستقیم ابریشم به شهر میلان در ایتالیا، قدرت بازرگانان ایتالیایی و سایر دول اروپایی را در زمینه تجارت در هم شکستند و در مواردی مقاطعه‌چیان و مدیران ایرانی به نحوی توفیق‌آمیز با تجار اروپایی به رقابت برخاستند. اروپاییان به علت بنیه قوی مالی و آشنایی به طرق و انحاء صحیح امور تجاری توفیقاتی حاصل می‌کردند. با وجود این بازرگانان ایرانی در پی آن بودند که برای رقابت پیروزمندانه با آنان ثروت و سرمایه خود را در یک جا گردآورند که از این شرکت‌های بزرگ چندی بوجود آمد.

این تجار اصولاً بازرگانان ارمنی و گرجی بودند که در اوایل دوره قاجار، کار تجارت در ایران بکلی در دست آنان بود و در نتیجه هم تجارت و هم صناعت هر دو رو به پیشرفت نهاد. به غیر از ابریشم ایران که از طریق گیلان صادر می‌شد سایر کالاها از سراسر نواحی ایران در تبریز جمع و از آنجا به ایتالیا صادر می‌شد. از سال ۱۸۳۷ تجار ایتالیایی در ایران پیدا شدند و از این سال به بعد عده بیشتری وارد ایران شدند.^(۲)

۱- ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص

۸۲-۳.

۲- م.فلور، «تجار ایران در عصر قاجار» ترجمه غلامعلی عرفانیان، دانشکده ادبیات

مشهد، ش اول، س سیزدهم، بهار ۱۳۵۶، ص ۹-۶۶.

□ تأسیس پلیس توسط افسر ایتالیایی

ناصرالدین شاه هنگامی که در اتریش برای تهیه جنگ‌افزار و استخدام مستشاران نظامی اتریشی در ارتش ایران گفتگو می‌کرد، دربارهٔ استخدام یک افسر برای تأسیس پلیس نیز گفتگو کرد و کنت دمنت فرت افسر ایتالیایی اهل ناپل که در خدمت ارتش اتریش بود، برای انجام این مقصود به شاه معرفی شد. پس از بازگشت شاه همزمان با ورود افسران اتریشی، کنت دمنت فرت هم با در دست داشتن نامه‌ای از کنت کرانویل (مهماندار شاه در اتریش) همراه خانواده‌اش وارد تهران شد و پس از دیدار با سپهسالار و شاه مأمور تأسیس پلیس گردید. خانه‌ای برای سکونت و محل موقت کار او در خیابان چراغ برق اجاره کردند و یک مترجم و دو دستیار در اختیار او گذاردند. کنت پس از مطالعه و آشنایی با اوضاع و محدودهٔ شهر تهران گزارشی برای شاه نوشت و تعهد کرد با داشتن چهارصد پلیس و شصت پلیس سوار، امنیت و نظم شهر تهران را برقرار کند.

کنت صورت سازمان پلیس را آماده ساخت و نظامنامه و ویژه‌ای دربارهٔ وظایف پلیس و توضیحات انواع جرمها و مجازاتها و چگونگی برخورد پلیس با بزه‌کاران و اخلاک‌گران را نوشت و تقدیم شاه نمود. شاه در شوال ۱۲۹۶ قمری / سپتامبر ۱۸۷۹ میلادی نظامنامهٔ پلیس را امضاء کرد و به کامران میرزا نایب السلطنه و حاکم تهران دستور اجرای آن را داد.^(۱)

کنت برای پلیس لباس مخصوص در نظر گرفت (شبیه انیفورم پلیس اتریش) این لباس یک کت یقه بسته و شلوار به رنگ سرمه‌ای و کلاه پوست کوتاه بود، دکمه‌های کت و نشان جلو کلاه پلیسی برنجی و با نقش شیر و

۱- ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در دورهٔ ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه،

خورشید برجسته بود.^(۱)

کنت که علاوه بر ریاست نظمیه، اداره امور احتسابیه (شهرداری) پایتخت را هم برعهده داشت برای نظام هر یک از محله‌های تهران، یک رئیس محله تعیین نمود و چند پلیس در اختیار هر یک از رؤسای محله‌های: دولت، عودلاجان، سنگلج، بازار محمدیه و چاله میدان گذاشت و یک معاون به نام عباسقلی خان برای نظمیه و یک رئیس اداره پلیس به نام عبدالحسین خان و یک معاون برای امور اداره احتسابیه (شهرداری) به نام اشرف خان مهندس برگزید و زین العابدین خان را برای ریاست اداره تحقیقات و دعاوی شهربانی انتخاب کرد.

کنت هر سال سازمان پلیس تهران را گسترش می‌داد و به دستور او پلیس در هر جای شهر از کارهای مخل نظم و امنیت جلوگیری می‌کرد. اعتمادالسلطنه درباره موفقیت کنت در تأسیس پلیس نوشته است:

«اینک شهر و پاس بیوتات و اسواق با این گروه می‌باشد و الحق در سد طریق سرقت و حفظ نظم عام، این اداره را مدخلیتی است.»^(۲)

اداره پلیس تهران در ساختمان بزرگی در خیابان جلیل آباد (خیام) تشکیل گردید و با دوائری نظیر: دایره محاکمات و دعاوی، دایره ثبت اسم و مسروقات، دایره فوج نظمیه و دارالانشاء شروع به کار کرد. آگهی تأسیس پلیس در پایتخت منتشر شد و در بالای آگهی این رباعی از ناصرالدین شاه به نظر می‌رسید:

رندانه حذر کنید یاران ز پلیس

یک جو نرود به خرج ایشان تدلیس

۱- ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص

در کنده کنت دمنت فرت خواهد ماند

در چرخ اگر خطا نماید برجیس

کنت در سال ۱۲۹۷ هـ. قمری / ۱۸۷۹ میلادی حمایل سرتیپی اول گرفت. بعد هم لقب «نظام الملک» به او داده شد و اداره نظامیه به وزارت نظامیه تبدیل گشت. مخالفانی نیز بودند که روشهای نوکنت را نمی پسندیدند. امین الدوله از شمار این کسان بود. وی در انتقاد از پلیس گفته:

«مردم را به بهانه جویی می گرفتند و جزای نقدینه از عوامل مشروعه بود و محترمین را متعرض می شدند و ... زنهای مسلمان را به محبس پلیس می کشیدند.»

زورمندترین مخالف کنت، کامران میرزا نایب السلطنه بود که حکومت تهران و از سال ۱۲۹۷ هـ. قمری به بعد وزارت جنگ را هم برعهده داشت. سربازان نائب السلطنه در وظایف پلیس دخالت می کردند و با پلیس درگیر می شدند. کنت به دخالت سربازها در وظایف پلیس اعتراض کرد و در نامه اعتراض آمیز برای امین السلطان وزیر اعظم نوشت:

«این بنده کمال تشکر را از خاک پای مبارک همایون شاهنشاهی حاصل نمود، از اینکه امر و مقرر فرمودند در قراولخانه ها سرباز گذارده شود، این فقره کمک بزرگی است برای نظم و امنیت شهر خاصه در موقعی که این فرنگی های احمق بی جهت این طور اظهار وحشت می کنند. اما این بنده هم مادامی که مسئولیت به عهده دارد و غرامت دزدی باید بدهد، ملتفت کار خودم باید باشم که اولاً سربازها از یک فوجی باشند که متهم به دزدی و شرارت نباشند چنانچه حالا اغلب گفتگوی دزدی و طرف سؤال و جواب خود این سربازها هستند و غالباً اشکالات اداره پلیس با

آنهاست».^(۱)

از این پس اختلاف **کامران میرزا** با **کنت** بیشتر و آشکارتر شد و سرانجام پس از چند ماه **کنت** استعفا داد و یا به نوشته دکتر **فوریه طبیب ناصرالدین شاه** به دلیل عدم رضایت از رفتار پلیس در روزهای ناآرامی تهران او را کنار گذاشتند. **کنت** پس از برکناری به عنوان آجودان شاه در تهران ماند و در درجه امیر تومانی، سالی سه هزار تومان حقوق برای او برقرار گردید و ریاست تشریفات مستقبیلین مهمانان خارجی را برعهده گرفت. **میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله** وزیر نظمیه شد. **کنت** پس از مدتی با استفاده از همان امتیاز حقوقی که داشت، به اتریش بازگشت.^(۲)

□ **لساتید ایتالیایی در دارالفنون**

پس از تأسیس دارالفنون و استخدام چند معلم اتریشی برای تدریس در این مدرسه، انگلیسیها درصدد برآمدند که نگذارند دانشمندان اتریشی با دلگرمی در ایران کار کنند و برای این کار به دولت ایران پیشنهاد و اصرار کردند که یک عده از افسران ایتالیایی را که برضد اتریش شوریده و از آن کشور رانده شده بودند و نسبت به دولت اتریش کینه و عناد داشتند به عنوان معلم در مدرسه جدیدالتأسیس و در سپاه ایران بپذیرند که این امر تا زمان صدارت **امیرکبیر** تحقق نیافت ولی پس از عزل و قتل او به دستور **ناصرالدین شاه** اغراض آنان جامه عمل پوشید.

۱- ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص

۷۱-۱۶۹.

۲- همان، ص ۲-۱۷۱.

مقارن عزل امیر به همراه شش نفر معلم اتریشی یک تن ایتالیایی نیز به ایران آمد که این ایتالیایی معلم داروسازی بود. نام وی موسیو فوکه تی بود که در مراجع ایرانی نام او را به صورت «کوکاتی»، «فکتی»، «فتکی» و «فکاته» هم نوشته‌اند.

از شش معلم اتریشی که در دارالفنون تدریس می‌کردند، یک تن معلم هندسه بود که موسیو زتی نام داشت که نام او را «ساتی»، «سطی»، «زاتی» و «کولوسطی» هم نوشته‌اند و در «مرآت البلدان» او را ایتالیایی ذکر کرده‌اند و درجه او سروانی بوده است.

با اینکه معلمین دارالفنون اتریشی و ایتالیایی بودند اما زبان تدریس دارالفنون فرانسه بود. زیرا مترجم زبان ایتالیایی اصلاً کسی نبود و به جز آندره خیاط اتریشی مترجم، زبان اتریشی (آلمانی) در تهران وجود نداشت. اما مترجم زبان فرانسه متعدد بود.

● زتی

زتی معلم هندسه، مترجمش ملکم خان معروف پسر میرزا یعقوب جلفایی اصفهانی بود. زتی شاید به علت آنکه به امراض عصبی مبتلا بود کمتر در مدرسه حاضر می‌شد و از این رو ملکم خان به طور مستقل عهده‌دار تدریس بود. زتی قریب ۲۵ ماه در ایران بود و در روز جمعه ششم ربیع الثانی سال ۱۲۷۰ ناگهان در تهران درگذشت.^(۱)

● کلنل متراتسو

از دیگر معلمین ایتالیایی کلنل متراتسو بود که نام این افسر در کتابهای ایرانی *ماتلاتسو* هم نوشته شده است. وی در رمضان سال ۱۲۶۸ به ایران آمد و به سمت مربی سپاه ایران و معلم پیاده نظام و فن جنگ (تاکتیک) در دارالفنون انتخاب شده بود. وی علاوه بر تدریس، عده‌ای از صاحب منصبان و امراء لشکر را نیز تعلیم می‌داد. او دو کتاب نیز در فن جنگ نوشت که در میان شاگردان دارالفنون توزیع شد. ظاهراً همین شخص است که به نام «*قولونل ایتالیائی*» برای استخدام او بین *امیرکبیر* و *کلنل شیل* انگلیسی گفتگویی بوده و *امیرکبیر* باسانی به این کار تن نمی‌داده است. مترجم کلنل متراتسو، *عبدالحسین خان* فرزند *اعتمادالسلطنه* بود.

● پشه

پشه که معلم پیاده نظام بود، در رمضان سال ۱۲۶۸ به ایران آمد و مانند *متراتسو* ایتالیایی بود و مورد حمایت سفارت انگلیس قرار داشت. او مدتی در دارالفنون معلم پیاده نظام بود و بعداً مأمور تعلیم سربازان کرمانشاه شد. نام او را بصورت *پیشین صاحب* هم نوشته‌اند.

● آندره‌نی

او معلم پیاده نظام و اهل ایتالیا بود. وی مانند دو همکار خود، در رمضان ۱۲۶۸ به ایران آمد و به سمت معلم دارالفنون انتخاب شد. ولی *اعتمادالسلطنه* او را از معلمین اوسط یاد کرده است، در صورتیکه پشه را معلم

قدیم نوشته است.^(۱)

● فوکه‌تی

معلم طبیعیات و مترجمش میرزا رضا کاشانی بود. وی فیزیک و شیمی و داروسازی درس می‌داد و تا سال ۱۲۷۲ غالباً از روی نقشه و تصویر مطالب را به شاگردان خود می‌آموخت. در آن زمان، آزمایشگاهی در مدرسه وجود نداشت اما بشرحی که گفته شد وی با فرخ خان امین الملک به اروپا رفت و آزمایشگاهی برای مدرسه خرید و با خود آورد و ظاهراً آزمایشگاه خوبی هم بوده است.

فوکه‌تی تا سال ۱۲۷۹ در ایران بود. در اینجا خبری که در روزنامه «دولت علیه ایران» نمره ۵۲۳ پنجشنبه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۲۷۸ درباره او درج شده است می‌آوریم:

«موسیو فوکه‌تی ایتالیایی معلم علم فیزیک و شیمی که سالها در دربار دولت علیه مشغول خدمت و آموختن علوم مزبور بود این اوقات وعده خدمت او منقضی گشته اذن ترخص از دربار همایون حاصل کرد لیکن چون بعضی از عمل کارخانه شماعی ناقص مانده و بطور اتم و اکمل شاگردان خود نیاموخته بود با وجود انقضاء مدت خدمت دو ماه دیگر در دارالخلافه الباهره ماند که عمل کارخانه شماعی را بالتمام به باقر خان شاگرد خود آموخته پس از انجام این خدمت اخیر بایطالیا معاودت نماید.»

● گازر پلو

از ایتالیائی‌های مهاجر و از معلمین قدیم دارالفنون که در آن مدرسه نقاشی تعلیم می‌داد.^(۱)

□ آگاهی ایتالیایی‌ها از ایران بوسیله «آندره نینی»

در قرن نوزدهم بسیاری از افسران ایتالیایی به علل مختلف، روحیه ماجراجویی و از آن مهمتر تحت تأثیر وقایع سیاسی و ناگواری‌های نظامی (سقوط ناپلئون و سقوط جمهوری ونیز در سال ۱۸۴۸) برای ترقی و بهره‌برداری بیشتر از امکانات زندگی درصدد برآمدند تا به عنوان مربیان نظامی و یا فرمانده، خدمات خود را به کشورهای شرقی عرضه کنند که این امر منجر به آشنایی آنان و سپس مردم ایتالیا با ادبیات و زبان فارسی شد. ایران که از ابتدای قرن نوزدهم درصدد بهبود بخشیدن به تشکیلات نظامی خود بر اساس روشهای غربی بود، برای این هدف افسران غربی را به خدمت خود می‌گماشت و با پرداخت حقوق‌های خوب و تأمین آینده آنان، پناهگاه مطمئنی برای این تبعیدشدگان و پناهندگان به حساب می‌رفت.

به این جهت افسران ایتالیایی، بخصوص آنان که قبلاً در سپاه ناپلئون خدمت می‌کردند و نیز افسران ناپلی، بسوی ایران روی آوردند. برخی از آنان از جمله فرانچسکو ماتراتزئو و لوئیجی پشه به مناصب مهمی چون فرماندهی کل آموزش ارتش نایل شدند. مهمترین این افسران انریکو آندره نینی اهل لوکا بود.^(۲)

۱- محبوبی اردکانی: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ص ۲-۲۸۰.

۲- انریکو آندره نینی، «یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ قاجاریه»، ترجمه خسرو فانیان،

بررسیهای تاریخی، شماره ۱، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۳۷-۹.

آندره ئینی پس از اخراج از ارتش توسکان در سال ۱۸۵۳ ناچار شد تا اقبال خود را در جای دیگر بیازماید. از این رو، در سال ۱۸۵۸ رهسپار ایران گردید و در اینجا با درجهٔ سروانی مأمور تعلیم پیاده نظام شد. با تشکیل پادشاهی ایتالیا، آندره ئینی نیز مانند سایر همقطاران خود کوشش بسپرده‌ای برای ملحق شدن به ارتش جدید ایتالیا به عمل آورد. زمانیکه همهٔ امکانات بازگشت به میهن از میان رفت، او از صمیم قلب خود را وقف کار آموزش کرد و با آموختن کامل زبان فارسی خود را بخوبی با محیط جدیدش وفق داد.

منزلت او در خدمت شاه قاجار در سال ۱۸۷۲ که به رتبهٔ ژنرالی نائل شد، به اوج خود رسید. او تا آن تاریخ به مدت چند سال فرماندهی پیاده نظام را به عهده داشت. وی این منصب را سالیان متوالی حفظ کرد. ترقی درخشان آندره ئینی بیش از آنکه مربوط به شایستگی و توانایی حرفه‌ای او باشد، مدیون صفات غنی انسانی و قریحهٔ متمایز او در تطابق و اصلاح‌پذیری بود. بسیاری از افسران خارجی که فاقد این دو خصیصه بودند، از جمله فرستادگان نظامی اتریش که در ژانویه ۱۸۷۹ به ایران آمدند، به علت عدم توانایی در تطبیق خود با محیط جدید، تماماً در انجام وظایف خود ناتوان ماندند.^(۱)

در آخرین ماههای سال ۱۸۷۱ آندره ئینی که در آن زمان سرهنگ بود، برای آنکه خدمتی به ایتالیای محبوب خود کرده باشد به این فکر افتاد تا خدمات خود را به عنوان گزارشگر وقایع ایران بخصوص در زمینهٔ فعالیتهای تجارتی کشور که می‌توانست مورد توجه و علاقهٔ دولت ایتالیا باشد به آن دولت عرضه کند. در اخذ این تصمیم یکی از امیدهای آشکار این افسرِ توسکانی این بود که سرانجام دولت ایتالیا برای حفظ حقوق ایتالیایی‌هایی که به علت

حرفه‌ای یا تجارتي در ایران ساکن بوده و تعداد قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دادند، نمایندهٔ سیاسی خود را به تهران اعزام کند. این اقدام واقعاً استثنایی بود. چراکه پیشنهاد وی پذیرفته شد و *آندره ئینی* برای مدت پانزده سال یعنی تا ورود *الساندرو دواجه دی دوناتو*، اولین کاردار ایتالیا در ایران بود. او در این مدت منتظماً به ارسال گزارش‌هایی از حوادث و مسائل ایران به وزارت امور خارجهٔ ایتالیا ادامه می‌داد. علاوه بر آن، تا همان مدت *آندره ئینی* به عنوان نمایندهٔ رسمی دولت ایتالیا واقع‌ایی که بی‌سابقه بود و واسطهٔ میان دو دربار، در ایران عمل می‌کرد ولی استثنایی تر و بی‌سابقه‌تر در تاریخ روابط دیپلماسی، آن بود که افسری که از یک دولت خارجی حقوق می‌گرفت، گزارش‌های سیاسی به دولت متبوع خویش بفرستد. این را نیز بیفزاییم که *آندره ئینی* تابعیت ایتالیایی خویش را حفظ کرد.^(۱)

□ گزارشات *آندره ئینی*

مجموعهٔ گزارش‌هایی که *آندره ئینی* فرستاده، جمعاً ۴۳۷ گزارش را تشکیل می‌دهند. در جریان تحقیقی که صورت گرفته آشکار شده که متن اصلی این گزارش‌ها در آرشیو وزارت خارجه در رم موجود است و حدود صد گزارش کم دارد که این گزارش‌ها یا به مقصد نرسیده و یا آن که مفقود شده است.

گزارشات *آندره ئینی* هیچ نظم مشخصی ندارند. برای نمونه سه یا چهار گزارش در یک روز راجع به مسائل مختلف نوشته شده است و گزارش‌های دیگری بفاصلهٔ چندین ماه از گزارش قبلی ارسال شده است و بدین ترتیب همراه

۱- *آندره ئینی*: یک مأخذ تاریخی دربارهٔ تاریخ قاجاریه، ص ۲-۴۱.

گزارش‌هایی که بیش از چند خط نیستند، برخی دیگر بیش از ده صفحه را شامل می‌شوند.

او در گزارشات خود اشخاص را در چند کلمه شرح می‌دهد و همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی ایران را بطور کامل توضیح نمی‌دهد. برخی پیشداوریه‌ها و تصورات که در آن زمان شاید در اروپا رایج بودند، اغلب *آندره* *ئینی* را از پرداختن کامل به مسائل مذهبی و درک زمینه‌ها و انگیزه‌های بعضی از حوادث در ایران باز می‌داشتند.^(۱)

در *حُسن* گزارشهای *آندره* *ئینی* باید گفت که حتی در یک چنین محدوده‌ای، مسائلی که از جانب وی مورد بحث قرار گرفته، همانطور که نشان داده خواهد شد، بسیار گسترده و وسیع هستند. علاوه بر آن وقایعی که در آن سالها اتفاق می‌افتاد، آنچنان شبیه هم بوده و در یک طرح مشخص تکرار می‌شدند که *آندره* *ئینی* اغلب جزئیات و حوادثی را که هیچ چیز جدیدی با خود نداشتند بکنار می‌گذاشت. بالاخره هدفی که او برگزیده بود، یعنی تهیه اطلاعات منظم برای دولت ایتالیا بطور غیرقابل اجتناب به حذف بسیاری از مسائل و حوادث منجر می‌شد که مورد علاقه دولت ایتالیا نبوده و یا برای آنان قابل درک نبود، از طرف دیگر، در این گزارشها بسیاری از مسائل و حقایقی که در درجه دوم اهمیت قرار داشتند، مورد تأیید قرار می‌گرفتند، برای نمونه ناگواریهایی که در زندگی سیاسی نمایندگان ایتالیا رخ می‌داد. ما فقط به مهمترین موضوعاتی که در گزارشهای او ذکر شده است اشاره می‌کنیم. قبل از هر چیز باید گفت که سرسپردگی او به کارش آنقدر شدید بوده و آنقدر فعال و صديق بوده که وی فقط به ارسال گزارشهایی به صورت خبرنامه و گاهنامه اکتفا نمی‌کرده، بلکه اغلب

همراه آنها تصاویر و طرح‌هایی درخور موضوع و یا در شرح وقایع نیز می‌فرستاده است. کپیه‌هایی از مدارک تهیه می‌کرد، قسمتهایی از مقالات جراید را می‌برید. سخنرانیها، معاهدات و فرمانها را ترجمه می‌کرد، کپیه و یا ترجمه نامه‌های رسمی را فراهم می‌آورد، در بدست آوردن نقشه‌های جغرافیایی، متون موسیقی و قانون القاب و فرامین تلاش زیادی بکار می‌برد و همه آنها را همراه گزارش خود به وزارت خارجه ایتالیا می‌فرستاده است.^(۱)

آندره ئینی بخوبی می‌دانست که او با دولتی سروکار دارد که از اوضاع ایران بکلی بی‌خبر است. بنابراین او سعی می‌کرد تا مدارک و یادداشتها و توضیحات لازم را به گزارش‌های خود بیافزاید. مثلاً به مناسبت اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا (سال ۱۸۷۳) او بیوگرافی شاه، حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله، نخست وزیر، میرزا ملکم خان و توضیحاتی درباره سایر همراهان شاه و کپیه‌هایی از مارش نظامی قاجار و سرود ملی ایران را ارسال کرد.

کپیه معاهدات که ترجمه شده، اسناد بسیار باارزشی است که گاه از فارسی به ایتالیایی ترجمه شده و گاه اصل فرانسوی آن ذکر شده است، هم چنین گزارشهای اختصاصی دیگری درباره اقتصاد، تجارت و تشکیلات اداری ایران و گزارشی از سازمانهای نظامی ایران، میزان حقوق، فهرست رتبه‌ها و درجه‌ها با واژه‌های تکنیکی مربوط، تقسیمات فرعی و اسامی گردانهای متعدد «تومان»ها و توضیحات تاریخی درباره تجدید سازمان نظامی سلطنت قاجاریه، از جمله مواردی هستند که در گزارشات آندره ئینی به تفصیل به آن پرداخته شده است. بیجا نیست بگوییم که به زعم او توان نظامی ایران را مشخص می‌کرده است.

۱- آندره ئینی: یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ قاجاریه، ص ۴-۴۳.

بهترین این گزارشات اطلاعات نظامی هستند.^(۱)

در گزارشهای آندره نینی هم چنین تشکیلات دولت در پایتخت و ایالات، وضع کشاورزی، هرج و مرج ها و شورش ها، اغتشاشات خارجی که در مرزها رخ می داده، مبادله هیأت های سیاسی، وقوع بلایا و حوادث، شیوع امراض مسری و رفت و آمد مسافران و هیأت های مخصوص، همه دقیقاً شرح داده می شدند. روابط سیاسی ایران با دول دیگر بخصوص روسیه، بریتانیا و ترکیه و حتی دولی مانند برمه از نظر او دور نمانده، هم چنین تأثیر وقایع کشورهای دیگر بر ایران حتی سودان نیز در این گزارشات آمده است. برخوردهای میان اعضاء دولت و شاه نیز با ذکر جزئیات مورد توجه بوده است و اغلب با قضاوت های جالب و مؤثر سیاسی و اخلاقی در مورد اشخاص ذینفع ذکر شده در گزارش همراه شده است.^(۲)

□ سفرنامه های ایرانیان درباره ایتالیا

همزمان با بهبود روابط دو کشور و افزایش حضور ایتالیایی ها در ایران، ایرانیان نیز رفت و آمد خود را به ایتالیا بیشتر کردند و درباره فرهنگ و مردم آن کشور آثاری منتشر کردند. یکی از سفرنامه هایی که در دوره قاجاریه درباره ایتالیا نوشته شده، سفرنامه میرزا ابوطالب خان است که پس از بازدید از شهرهای انگلستان و فرانسه، از طریق شهر جنوا به ایتالیا وارد شده و اوضاع این شهر و رسم و رسوم مردم را در سفرنامه خویش آورده است. این کتاب نخستین گزارش برجای مانده از یک نفر ایرانی فرنگ رفته است. میرزا ابوطالب در بیست و پنج

۱- همان، ص ۸-۴۵.

۲- همان، ص ۹-۴۸.

ربیع‌الاول از فرانسه روانه بندر جنوا شد و در بیست و نهم همان ماه به جنوا رسید. وی در پاره‌ای از گزارشات خود، مشاهداتش را چنین توصیف می‌کند:

«... روز پنجم، پنجشنبه بیست و نهم ماه مذکور به "جنوه" رسیدم. از جانب خوراکی در آن مدت تصدیع بسیار رو داد، زیرا که زله با من بود. روز اول که بیمار بودم. روز دیگر قدری خوراکی از گوشت و نان دادند. روز سیم عذر خواستند. تا وصول به "جنوه" خوراک ما کلیچه سوخته با سرکه بسیار بدبو و پیاز بود. معهذا سه شیلینگ یومیه حساب کرد...»

وی پس از رسیدن به شهر مدتی را در قرنطینه بسر برد، زیرا بیماری طاعون در میان مردم شیوع پیدا کرده بود. از دید وی، آن شهر بسیار خوش‌منظر و با صفا بوده است. وی در آن شهر انواع و اقسام آلات موسیقی را که تا آن زمان ندیده بود می‌بیند و از شنیدن صدای آن از خود بیخود می‌شده... شبی بر بستر خوابیده بودم، نصف شب آواز ساز بیدارم کرده و آنقدر در دل اثر نمود که از بستر خواب برخاسته بی‌اختیار قصد پایین رفتن نمودم، چون در بسته بود باز به حجره بازگشته، دیوانگی بر آن می‌داشت که از دریچه خود را پایین اندازم، که سازنوازان گذشتند... در لندن می‌شنیدم که علم موسیقی در ملک روم سرآمد عالم است، بلکه همین یک علم در ایشان مانده. (حال) صدق آن به وضوح پیوست و آنچه از سازهای هند و ایران و فرنگ دیده و شنیده بودم در مقابل ملایمت اینها چون آواز آسیا مصدع گشت...^(۱)

او در جنوا با چند امریکایی همراه و رفیق شده و با مستر وستن کنسول امریکا در جنوا نیز دوبار ملاقات کرده و او را توصیف می‌کند:

۱- حسین خدیو جم، مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان (تهران: شرکت سهامی

«... او هم مثل دوست خود جوانمرد، عالی‌همت و صاحب اخلاق کریمانه است...».

وی به توصیهٔ دوستان امریکایی خویش، قصد سفر به فلورانس و ناپل را نیز داشت که به علت شیوع بیماری و نیز نبودن وسیله برای مسافرت، از این سفر منصرف شد.

«... بسیار سماجت کرد که بی‌سیر آن بلاد از آن ملک بیرون نروم، زیرا که قابل سیرند و خط سفارش برای اعزهٔ سکنه هر شهر به من داده، لیکن چون بعد وصول لگان از روایت مردم آن شهر ظاهر شد که سفر خشکی در این موسم موجب تب مهلک است و جهازی عازم آن طرف نیست، لهذا آن عزیمت در توقف افتاد...».

وی در ادامهٔ این سفر به شهر لگان که بندری معروف بود وارد شده و از وضع غیر بهداشتی آن شهر و گرمای هوا و نبودن آب آشامیدنی در سفرنامه‌اش ذکری به میان آورده است و این عوامل وی را دل‌آزرده و ملول کرده بود:

«چون آب سرد در سردخانه میسر نبود، به حکم کثرت حرارت هوا، چند دفعه حوالی آن شیردهنها رفتم، اما آب تازه خوردن میسر نیامد... لعنت خدا بر این شهر و اهل آن باد که با وجود تمول، آنقدر کمینه صفت و دغابازند که بزرگی برای فلوسی، شیوهٔ دغا مسلوک می‌دارد...»^(۱).

وی در این سفرنامه حکایتی را آورده که عیناً نقل می‌کنیم:

«شبى در کرچهٔ مسطور به طور معهود نشسته بودم. شخصی از عقب آمده دستار ململ کهنه از سر من برداشته، قصد گریز کرد. در آن گرمی اتفاقاً یک دستار به دست من افتاد، به قصد گرفتن او برخاستم، به قدر دو دست که در آن شهر

مالیت^(۱) دو سه فلوس نداشت، از آن پاره کرد، گریخت. چون این سخن به دوستان انگلش نقل کردم تحذیر من از نشستن آن کرچه، بلکه بیرون رفتن شب مطلقاً نمودند زیرا که در آن شهر و سایر روم قدیم، مردم غریب را به وقت قابو، بنابر تعصب مذهب، به دغا می‌کشند و شب هنگام در اثنای راه رفتن کارد به شکم فروبرده، می‌گریزند و با یکدیگر هم به همین نوع معامله کنند و انتقام کشند...»^(۲)

و باز در مورد این شهر آورده:

«تجار و اکثر معتبرین این شهر یهود و ارمنی هستند. تمام، بازاری صفت و کمینه اخلاق...».

او سرانجام در بیست و یکم ربیع‌الثانی از لگان و ایتالیا به قصد مالت خارج شد.^(۳)

سفرنامه میرزا خانلر خان اعتصام‌الملک از دیگر سفرنامه‌های این دوره می‌باشد. وی که در زمان ناصرالدین شاه نایب اول وزارت خارجه دولت قاجار بود، هشتم ربیع‌الاول ۱۲۸۰ هجری قمری طی سفری که به لندن داشت به ایتالیا وارد شد و این سفر از بندر مسینه که از شهرهای مهم ایتالیا بود آغاز شد: «... اما شهر مسین به غایت خوش وضع، الحاق افتاده... چراغهای گاز در همه معابر خاصه شارعی که کنار آب و جلو عمارات است به نظم تمام گذاشته روشن است، به الوان و انواع مختلف. عکس همه در آب نمودار است. از صفا و قشنگی و آبادی کسر و نقصانی نداشت. از آنجا تا شهر رم که پایتخت دولت ایتالیا و مقر سلطنت پاپ باشد، چهار روز با واپور و بعضی جاها با شمندفر

۱- هندوانه.

۲- حسین خدیو جم: مسیر طالبی، ص ۵-۳۳۳.

۳- همان.

می روند.^(۱)

سفرنامه دیگری که دربارهٔ ایتالیا موجود است مربوط به **میرزا فتاح خان گرمودی** است. نام این سفرنامه کتاب «چهار فصل» موسوم به «روزنامه» است. **میرزا فتاح خان** در معیت **حسین خان آجودانباشی** به چندین کشور اروپایی سفر کرده که یکی از این کشورها، ایتالیا بوده است. وی ابتدا به جزیرهٔ آکونه که از املاک معمورهٔ ایتالیا بوده وارد شده و به توصیف این جزیره می‌پردازد و سپس به ذکر وسعت، تعداد نفوس، وضعیت مالیات، قروض دولتی، لشکریان، قشون، نیروی دریایی و تعداد کشتی‌های آن کشور توجه نشان می‌دهد.^(۲)

از دیگر سفرنامه‌هایی که در دوره قاجار دربارهٔ ایتالیا نوشته شده، سفرنامهٔ «مخزن الوقایع» اثر **فرخ خان امین‌الدوله** است. وی که به لندن و سپس به پاریس مسافرتی داشته، پس از اقامتی دو ماهه در پاریس جهت آگاهی از اوضاع ایتالیا رهسپار این کشور می‌شود. از کسانی که وی را در این سفر همراهی کرده‌اند می‌توان به **میرزا ملکم خان**، **میرزا رضا** و **فکتی صاحب** (که از اهالی ایتالیا بوده) اشاره کرد. آنها در تاریخ ۱۵ جمادی الثانی ۱۲۷۴ ق از پاریس حرکت می‌کنند و از طریق شهر کولز که در آن زمان جزو قلمرو ایتالیا بوده وارد این کشور می‌شوند. **فرخ خان امین‌الدوله** سپس در شهر تورین به ملاقات پادشاه ساردنی [ایتالیا] می‌رود و سپس به بندر معروف ژن (Genes) در ساحل دریای لیگوری در مدیترانه عزیمت می‌کند و از تماشاخانهٔ این بندر دیدن می‌کند. پس از آن، او به بندر لیوورن سفر کرده و از مساجد، کلیساها و از تماشاخانهٔ این بندر

۱- منوچهر محمدی، *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک* (تهران: چاپخانه فردوسی،

۱۳۵۱) ص ۵-۳۴.

۲- فتح الدین فتاحی، *کتاب روزنامه* (تهران: کتابخانهٔ مستوفی، ۱۳۷۰) ص ۳-۱۹۱.

بازدید کرده است. وی همچنین در ایتالیا از کلیسا و میدان "سنت پیر" دیدن کرده است. وی در سفرنامه‌اش از عمارت "کاپیتول" و "پل مقدس" نام برده و به تعریف و شرح این بناهای باستانی پرداخته که همگی در شهر رم واقع شده‌اند. وی طی سفری به فلورانس نیز از کلیسایی موسوم به «تشریح خانه» نام برده است. توقف فرخ خان در فلورانس دو روز بود. وی پس از عبور از شهرهای کوچک بوبون و تسکان وارد شهر ونیز شده که در آن زمان به قول وی یکصد و سی هزار جمعیت داشته است. آخرین شهری که وی در ایتالیا دیده شهر تریست بوده که این شهر نیز در آن زمان جزء قلمرو اتریش محسوب می‌شده است.^(۱)

☐ سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه

ناصرالدین شاه در سفر اولش به اروپا از ایتالیا دیدن کرد. وی در ابتدای ورودش به این کشور به شهر تورین رفت و در ایستگاه راه‌آهن از سوی ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا، پرنسس هونر ولیعهد، و مین گیتی صدراعظم و ویسکونت و نوستا وزیر امور خارجه مورد استقبال قرار گرفت و به یک کاخ دولتی راهنمایی گردید و پس از اینکه چند روزی را در این کشور گذراند، روز یکم جمادی الثانی رهسپار میلان گردید و روز بعد این کشور را به قصد اتریش ترک کرد.^(۲)

۱- ایرج افشار، سفرنامه فرخ خان امین الدوله، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۱)، ص

۳۸۷-۴۰۲.

۲- ولایتی: تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص

۱۲۲-۳.

سال مسافرت ناصرالدین شاه ۱۸۷۳ م مطابق ۱۲۹۰ قمری بوده است. وی مجدداً بعد از سفر به اتریش دو روز در شهر بولونیای ایتالیا توقف کرد و از آنجا روانه عثمانی شد. مظفرالدین شاه نیز در سفر اولش قصد دیدار ایتالیا را داشت که به واسطه درگذشت پادشاه ایتالیا از تصمیم خویش منصرف گردید، ولی وی در سفر دومش به اروپا از ۱۲ تا ۱۶ صفر سال ۱۳۲۰ قمری ۱۹۰۲ میلادی در ایتالیا به گشت و گذار مشغول بود. وی در رم مورد استقبال پادشاه ایتالیا واقع شد و در یک ضیافت پادشاه و همچنین در مانور نظامی حضور یافت و در کاخ ویلاقی، ملکه ایتالیا از او دیدن نمود.

محصول دو سفر مظفرالدین شاه در دو جلد کتاب آمده است که به قلم خود او و منشیان مخصوص اوست. اولی به تحریر میرزا مهدی خان کاشانی و دومی فخرالملک که در اینجا فرازهایی از سفرنامه وی را در باره ایتالیا می آوریم:

«... امروز از بیست و پنج تونل گذشتیم، کوچک و بزرگ. بعد سرازیر شدیم آمدیم پایین به سرحد ایتالیا... ترن هم خیلی اذیت می کرد و تکان می داد... آمدیم تا به سرحد رسیدیم. ترن ایستاد. پیاده شدیم، رفتیم تو گار... بعد از آنکه بارهایمان را بردند به ترن که از ایتالیا آورده بودند، خودمان رفتیم توی ترن. بسیار ترن خوب و قشنگی است. ساعتی چهل و پنج کیلومتر، بعضی اوقات تا پنجاه کیلومتر می رفت... از رودخانه پلی گذشتیم. سه دقیقه راه آهن از روی پل می گذشت، نود و هفت چشمه داشت... بعد رسیدیم به کار شهر و نیز... لنگه های کوچک زیادی به زبان ایتالیایی "گندل" می گویند، حاضر کرده بودند. سوار شدیم... تا دم هتل، مهمانخانه رویال وائل که منزل ماست پیاده شدیم... موزیک هم می زدند... تا چهار ساعت از شب گذشته بیدار بودیم. آقاسید حسین روضه خیلی خوبی خواند... دعاها مان را خواندیم و

خواهیدیم»...^(۱)

«مظفرالدین شاه پس از اقامتی کوتاه در ونیز و تفریح دو ساعته روی عرشه کشتی بخار، به وسیله ترن به سوی رم می‌رود. در حالی که از سرعت ترن که ساعتی چهارده فرسخ راه را طی می‌کند که تا رم از تونلهای متعدد گذشته‌اند، در حدود سی و چهل تونل بوده است و در صحرا تعجب می‌کند که: «در اینجا قاطر و الاغ را دیدیم که به کالسکه بسته بودند...». سفر به رم دعوت رسمی است با پروگرام ویژه استقبال رسمی و غیره و در حیرت از همه آنچه در کلیساها و بناها می‌بینید و زمزمه کوان قیصر و کوان عیش و نوشها که در این عمارتها می‌کردند، چه شد و کجا رفتند؟». بعد دیدارهای رسمی، پادشاه ایتالیا و مادرشان و دیگران و شام و ناهار با آنها و درک فیض در هر شب از محضر سید حسین روضه خان. وی پس از چند روز ایتالیا را به مقصد سوییس ترک کرد.»^(۲)

□ سیاحان ایتالیایی در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه تنی چند از سیاحان ایتالیایی به ایران سفر کردند. بیشتر این سیاحان که زمان سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه به ایران آمدند، اوضاع و احوال عهد قاجار را در نوشته‌های خود به تصویر کشیده‌اند. شماری از آنها فصلی چند از سفرنامه خود را به چگونگی پیدایش فرقه بابیه و حوادث مرتبط با آن اختصاص دادند.

یکی از این سیاحان، خانم کارلا سرنا است. وی به گفته خودش در سال ۱۸۷۷ پس از سیرو سیاحتی دور و دراز و خسته کننده در قفقاز به شهر باکو

۱- «برخورد مظفرالدین شاه با ترن و کشتی و اتومبیل» راه و بار، جلد اول، شماره ۳، ص

می‌رسد و بیمار می‌شود. برای رهایی از هوای ناخوش باکو و اعاده سلامت مصمم می‌شود که به سواحل ایران که هوایش شبیه به ناپل ایتالیاست سفر کند و از طریق دریای خزر به بابل سر امروز (مشهد سر) می‌آید و با گذشتن و دیدار از شهرهای بارفروش، (بابل فعلی) آمل و دماوند به تهران عزیمت می‌کند. پس از چند ماه اقامت و سیاحت در پایتخت از طریق قزوین، رشت، انزلی، ایران را ترک می‌کند و به اروپا باز می‌گردد. دیدار خانم سرنا از تهران و بخشی از شهرهای شمال ایران با سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و وزارت خارجه میرزا حسین خان سپهسالار مصادف بوده است. این خانم جستجوگر و هوشمند با اینکه زمان طولانی در کشور ما بسر نبرده، در وضع اجتماعی و سیاسی ایران یکصد سال پیش با دقتی وسواس‌گونه مطالعه کرده است.

وی در کتاب خود از حکومت مطلق‌العنان ناصرالدین شاه، آداب‌دانی، عیاشی، ستمگری و اخاذی شخص او، همچنین شیوه زندگانی طبقات مختلف مردم، پایتخت ایران و اهالی گیلان و مازندران و نیز فرهنگ و آداب نحوه زندگی و شیوه مسافرت کاروانها، کاروانسراها، وسایل حمل و نقل و چگونگی گذران برخی اقلیتهای مذهبی، اطلاعاتی دقیق به دست داده است که در عین حال، عبرت‌انگیز و شایان دقت است. وی نخستین سیاحتگری است که از کیفیت روزنامه‌نویسی نوپای ایران و اولین روزنامه‌های منتشره در دوران قاجار سخن گفته است. این سفرنامه که برای اولین بار در سال ۱۸۸۳ (۱۳۰۱ هجری قمری) ذیل عنوان "انسانها و اشیاء در ایران" در پاریس انتشار یافته است، گذشته از آنکه از لحاظ تاریخی و جامعه‌شناسی ایران دوران قاجار اهمیت بسیار دارد، در نوشتن آن نیز نوعی دقت و ظرافت زنانه بکار رفته که کتاب را تبدیل به رمانی مستند و دلچسب ساخته است.^(۱)

فصل سوم

روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوران پهلوی

□ دوره پهلوی اول

در عصر پهلوی ها، روابط ایران و ایتالیا در حد گسترده‌ای برقرار بود و دو کشور روابط نزدیک سیاسی و فرهنگی خود را ادامه دادند. در سال ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ شمسی دولت ایتالیا پیشنهادی برای عقد قرارداد کنسولی، اقامتی، گمرکی و بازرگانی به دولت ایران ارائه نمود که طبق آن نمایندگان دیپلماتیک ایران در سرزمین ایتالیا به شرط عمل متقابل از مزایا و مصونیت‌های مورد قبول حقوق بین‌الملل برخوردار شوند. متعاقب پیشنهاد مقامات ایتالیایی در مهر ماه ۱۳۱۰ شمسی پس از لغو کاپیتولاسیون، اولین عهدنامه دوستی بین ایران و ایتالیا بر اساس منافع متقابل دو کشور منعقد شد.

در سال ۱۳۰۸ شمسی؛ پیشرفت، توانایی و قدرت نیروی دریایی ایتالیا و تجربیات فراوان این کشور توجه حکومت وقت ایران را به خود معطوف داشت. در همین سال، دولت وقت گروهی از افسران ایرانی را جهت فراگیری

فنون دریایی به ایتالیا اعزام نمود و در عین حال برای تکمیل کادر نیروی دریایی ایران افسران دیگری را به مدارس دریانوردی ایتالیا اعزام و مستشارانی از نیروی دریایی ایتالیا را به ایران دعوت کرد.^(۱)

در همین سال، سفارش ساختن دو ناو نود و پنج تنی و چهار ناو سیصد و بیست تنی به دولت ایتالیا داده شد که در سال ۱۳۱۴ شمسی ساختمان این کشتی‌ها پایان رسید و بوسیله افسران و متخصصین ایرانی که فنون دریایی را در ایتالیا آموخته بودند، این کاروان دریایی به طرف ایران حرکت کرد. همکاری ایتالیا در این زمینه باعث شد که دولت ایران در مدت کوتاهی یک نیروی دریایی برای دفاع از آبهای ساحلی خود در خلیج فارس تدارک ببیند.

روابط ایران و ایتالیا تا پایان سلطنت رضاشاه به مرور رو به توسعه داشت، ولی پس از اشغال ایران از طرف متفقین، روابط سیاسی ایران با کشورهای محور، از جمله ایتالیا قطع گردید.

□ دوره پهلوی دوم

پس از پایان جنگ دوم جهانی روابط فی مابین دو کشور مجدداً در تیرماه ۱۳۲۷ شمسی برقرار و سفارت ایران در رم دوباره افتتاح گردید. در همین سال، شاه سابق به ایتالیا مسافرت کرد. در دوم مهرماه سال ۱۳۲۹ مطابق با ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۰ عهدنامه مودت بین ایران و ایتالیا به منظور تسهیل مبادلات فرهنگی، علمی و هنری به امضاء رسید.

از این دوره به بعد روابط فرهنگی و علمی دو کشور روزبه روز رو به

۱- /اسناد و معاهدات دو جانبه ایران و سایر دول، جلد سوم، (تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰)، ص ۷۲-۴۶۸.

توسعه و ترقی نهاد و شمار دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های ایتالیا پیوسته افزایش یافت و تعداد افرادی که زبان ایتالیایی را در ایران فرا می‌گرفتند هر ساله زیادتر شد و آثار متعددی از شاهکارهای کلاسیک ادب ایتالیا و آثار جدید ادبی آن منظم‌اً در ایران به زبان فارسی ترجمه می‌شد و مورد استقبال فراوان قرار می‌گرفت.^(۱)

همچنین در این دوره بنابر موافقتنامه‌ای که در ۱۳ بهمن سال ۱۳۲۹ به امضاء طرفین رسید، روابط تجاری و بازرگانی و اقتصادی به حد بالایی رسید. متعاقب آن، کالاهای صادراتی ایتالیا به ایران نظیر: ابزار علمی، ساعت‌های دیواری و مچی، انواع ماشین‌ها و دستگاه‌ها و قطعات آنها، کابل، رادیو، گرامافون، موتور سیکلت، کامیون، انواع آلات موسیقی و مجموع دیگری از سایر کالاها که تا ۵۴ قلم را شامل می‌شد به ارزش ۱۴ میلیون دلار به ایران می‌رسید و در عوض نیز کالاهای ایرانی به این کشور صادر می‌شد. طبق مقررات موافقتنامه فوق بانک‌های یوفیسو ایتالیا نو و کامبلی و بانک ملی ایران روزانه واریزهای انجام شده نزد خود را به وسیله اطلاعیه تنظیمی به دلار امریکا، به یکدیگر اعلام می‌نمودند. همچنین با توافقاتی که صورت گرفت پروازهای هوایی و مسافرت‌های دریایی بین دو کشور به صورت قابل ملاحظه‌ای آغاز و رشد خود را به طور فزاینده‌ای طی کرد. در سال ۱۳۳۷ شاه سابق مجدداً به ایتالیا سفر کرد و پس از آن، با گسترش روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور هیأت‌های زیادی به ایتالیا و ایران مسافرت نمودند که این امر منجر به عقد قراردادها و موافقتنامه‌های مهمی بین دو کشور شد که در اینجا به برخی از آنها اشاره‌ای می‌کنیم.^(۲)

۱- همان، ص ۳-۴۷۲.

۲- همان، ص ۸۰-۴۷۵.

در مذاکراتی که در اولین جلسه کمیسیون مختلط ایران و ایتالیا در سال ۱۹۶۱ م/ ۱۳۴۶ شمسی انجام گرفت، هیأت نمایندگی ایران تمایل خود را مبنی بر دریافت همکاری فنی از دولت ایتالیا در فعالیتهای مربوط به رشته‌های زیر ابراز داشت:

— موضوع استاندارد

— صنایع نساجی

— چینی

— شیشه‌سازی

— شراب‌سازی

— چرم‌سازی و دباغی

— آب میوه‌گیری و مشروبات غیرالکلی

— جلب توریست

و مقامات ایتالیا هم با اطلاع از قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در ایران نسبت به سرمایه‌گذاری ایتالیا در ایران پیشنهادهایی ارائه دادند.

پیرو توافق‌های انجام شده در این کمیسیون، ایتالیا با اعطای بورسهای تحصیلی طویل‌المدت به ایران موافقت کرد و حتی حاضر به دادن بورسهای کوتاه مدت (هزینه تحصیلی) برای دانشجویان ایرانی شد تا آنان بتوانند مراحل آموزشی تخصصی و کارآموزی فنی در صنایع و مؤسسات را در آن کشور بگذرانند.^(۱)

علاوه بر آن، دولت ایتالیا حاضر شد با شروع سال تحصیلی ۶۲-۱۹۶۱ به محصلان ایرانی که با هزینه خود به ایتالیا می‌رفتند و یا از بورس

دولت ایران استفاده می‌کردند همکاری و کمکهای فراوان از قبیل مسکن در محلهای مخصوص با قیمت پایین و نیز تسهیلات لازم در رشته تحصیلی آنان اعطاء نماید و برای آنان بیمه حوادث، بیمه بیماری، نرخ نازل کارت دیدار از موزه‌ها و کنسرتها و تئاترها تدارک ببیند.

همچنین شرکت ایتالیایی فیات پیشنهاد کرد که در مدرسه حرفه‌ای تورین، بیست کارگر انتخاب شده ایرانی را بپذیرد. در همانحال دولت ایتالیا، برای تأسیس دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد کمک‌های فنی خاصی را ارائه نمود و دکتر فونه‌اولی از انستیتوی کشاورزی مائورای بحار فلورانس از این دانشکده بازدیدی بعمل آورد.^(۱)

بعلاوه، به موجب موافقتنامه‌های دیگری، طرفین متعهد شدند که روابط خود را در زمینه‌های فرهنگی و ادبی و هنری گسترش و خصوصاً موارد زیر را عملی سازند:

الف - اعطای بورس تحصیلی و کارآموزی تخصصی، طبق شرایطی که با توافق طرفین تعیین می‌شود.

ب - اعزام داوطلبان خدمات کشاورزی

ج - اعزام کارشناس و معلم و تکنسینهای ایتالیایی به ایران

د - تهیه طرح مطالعات و طرحهایی که به عمران اقتصادی و اجتماعی ایران کمک نماید.

ه- هر نوع همکاری علمی و فنی دیگری که بین دو طرف توافق گردد.

که در این میان حقوق کارشناسان، معلمین و تکنسینهای ایتالیایی به عهده دولت ایتالیا بود و دولت ایران تعهد کرد که تدابیری اتخاذ کند تا کارشناسان،

معلمین و تکنسین‌های ایتالیایی که به ایران فرستاده می‌شدند جای خود را به ایرانیان واجد شرایط بسیارند. لذا، دولت ایران برای اینکه تعداد کافی از اتباع ایران جهت همکاری با متخصصین ایتالیایی گمارده شوند، نظارت بعمل آورد و نیز تسهیلاتی قائل شد تا افرادی که در چارچوب موافقتنامه حاضر به اعزام به ایران بودند از هر نوع حقوق گمرکی و سایر عوارض مربوط به ورود و خروج کالا و هر نوع مالیات دیگر معاف شوند. این معافیت مخصوصاً شامل یک دستگاه اتومبیل بود که استادان، معلمان و تکنسین‌های ایتالیایی به ایران وارد می‌کردند. این موافقتنامه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ به امضاء دو دولت رسید.^(۱)

در پی این توافقات برنامه مبادلات فرهنگی و همکاری علمی و فنی که برای دو سال اعتبار داشت که در ماه می سال ۱۹۷۲ توسط طرفین تنظیم گردید. مواد و موضوعات برنامه مبادلات علمی و فرهنگی ۱۹۷۲ عبارت بود از:

الف) همکاری بین دانشگاهها

- ۱- مبادلات اساتید به موجب موافقتنامه‌های خاص منعقد شده بین دانشگاههای دو کشور انجام می‌شد و هر دو طرف متعهد شدند با تمام وسایلی که در اختیار دارند زمینه مساعدی خصوصاً جهت ارتباط و همکاری بیشتر بین دانشکده علم و صنعت ایران و مدرسه پلی تکنیک میلان و تورین و میان دانشگاه آریامهر سابق و یک دانشگاه ایتالیایی فراهم آوردند.
- ۲- طرف ایرانی تمایل خود را به پذیرش یک استاد ایتالیایی طراحی صنعتی برای تدریس در دانشگاه تهران به مدت یک سال تحصیلی اظهار و آمادگی خویش را برای پرداخت هزینه‌های مسافرت این استاد اعلام نمود.

۳ - طرف ایرانی تمایل خود را به پذیرش دو استاد معماری برای تدریس در دانشگاه تهران به مدت دو ماه اظهار داشت که طرف ایتالیایی موافقت خود را اعلام داشت.

۴ - طرف ایرانی تمایل خود را به مبادله اساتید معماری بین دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) و یک دانشگاه ایتالیایی اظهار داشت. هزینه سفر با فرستنده و هزینه‌های اقامت با پذیرنده بود که مدت مأموریت متجاوز از یک سال نبود، این تقاضا مورد موافقت طرف ایتالیایی قرار گرفت.

۵ - طرف ایتالیایی آماده ارسال کتابهای معماری برای دانشکده‌های معماری دانشگاههای ایران طبق تقاضا شد.

۶ - با آمدن یک استاد ایتالیایی مجسمه‌ساز برای تدریس در مدرسه عالی هنرهای تزئینی موافقت به عمل آمد.^(۱)

ب - آموزش زبان و ادبیات در دو کشور

۷ - طرفین توسعه مطالعات زبان و ادبیات کشورهای خود را در دانشگاهها و انستیتوهای آموزش عالی با خوشوقتی قبول کردند.

با توجه به اینکه پنج کرسی ایران‌شناسی در دانشگاههای ایتالیا و یک کرسی زبان و ادبیات ایتالیایی در دانشگاههای ایران وجود دارند، طرف ایتالیایی خواهش نمود که امکان تأسیس یک کرسی دیگر زبان و ادبیات ایتالیایی در یک دانشگاه دولتی ایران مورد توجه قرار گیرد.

طرف ایرانی اظهار داشت که منتهی کوشش را برای برآوردن این خواهش معمول خواهد داشت.

۸ - دعوت سه متخصص ایرانی زبان و ادبیات ایتالیایی از طرف وزارت تعلیم و تربیت ایتالیا برای شرکت در دروسهای تکمیلی در ایتالیا در هر تابستان به مدت چهار هفته به تصویب رسید.

۹ - طرف ایتالیایی حاضر شد در صورت تقاضا از طرف ایرانی، کتابهایی برای کتابخانه‌های کرسی‌های دانشگاهی ایتالیایی در ایران ارسال نماید. همچنین دوره‌های کامل زبان ایتالیایی را که بر روی صفحه ضبط شده است، بفرستد.

ج - مسئله ارزشیابی مدرک تحصیلی

۱۰ - طرفین موضوع ارزشیابی مدارک تحصیلی متوسطه و دانشگاهی را عامل مهمی در توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور دانستند و برای نیل به این هدف طرف ایتالیایی تعهد کرد که اسناد و مدارک کامل راجع به نحوه تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در ایتالیا را به طرف ایرانی ارائه نماید و گروه کارشناسان ایتالیایی و ایرانی برای این منظور تشکیل شود.

د - بورسهای تحصیلی و مبادله جوانان

۱۱ - طرف ایتالیایی اطلاع داد که شهریه تعداد ۲۱۰ بورس تحصیلی را برای سال تحصیلی ۷۳ - ۱۹۷۲ ارائه خواهد نمود و کمک مالی نیز به داوطلبان بورسها خواهد شد.

۱۲ - طرف ایرانی برای یکسال بورس به یک داوطلب ایتالیایی برای انجام تحقیقات درباره فرهنگ و تمدن ایران، اعطاء خواهد کرد.

۱۳ - در مورد امکان مبادله جوانان بین دو کشور طرفین تبادل نظر نمودند.

ه- نمایشگاه‌ها و سایر نمایش‌های هنری

۱۴ - طرفین از اینکه ابتکاراتی در این باره تحقق یافته یا قرار است در آینده نزدیک انجام گیرد، اظهار خوشوقتی نمودند.

۱۵ - طرف ایتالیایی اطلاع داد که یک نمایشگاه صنعتی در دانشگاه تهران در سال ۱۹۷۲ دایر خواهد نمود.

۱۶ - همچنین طرف ایرانی اطلاع داد که نمایشگاه‌های زیر را تدارک خواهد دید.

الف - نمایشگاه مدارک آرشیوهای راجع به روابط ایران و ونیز در قرون سیزده تا شانزدهم میلادی.

ب - نمایشگاه گراورهای ونیزی در قرون هیجدهم

ج - نمایشگاه دربارهٔ مرمت آثار هنری فلورانس

د - نمایشگاه دربارهٔ بمبئی

۱۷ - بالاخره طرف ایتالیایی اطلاع داد که آمادهٔ ارسال نمایشگاه مهمی از هنر معاصر ایتالیایی طی سال ۱۹۷۳ به ایران می‌باشد.

طرف ایتالیایی تمایل فراوان خویش را نیز جهت برگزاری نمایشگاه پراهمیتی از آثار هنری ایران در ایتالیا اظهار داشت.

۱۸ - طرف ایرانی اظهار تمایل نمود که کارگردانان ایتالیایی با تئاتر رودکی در تهران همکاری کنند.

۱۹ - طرف ایرانی تقاضا نمود که نمایشگاه طرح‌های اجرایی دانشجویان در کشور در دانشکده‌های معماری بررسی شود. طرف ایتالیایی تضمین کرد که دانشگاه‌های ایتالیا را از این تمایل باخبر خواهد نمود.^(۱)

و - باستانشناسی و ترمیم آثار تاریخی

۲۰ - طرف ایتالیایی رضایت خود را از کار انجام شده توسط ISMEO در زمینه باستانشناسی و ترمیم آثار تاریخی از ایران اظهار و آرزو کرد که این فعالیتها ادامه پیدا کند.

۲۱ - کمیسیون ملاحظه نمود که بعضی از درخواستهای طرف ایرانی در مورد اعزام کارشناسان در این زمینه برآورده شده است. طرف ایتالیایی، تأکید کرد که بقیه درخواستها در حال حاضر با نظر مساعد در دست بررسی می باشند. طرف ایرانی تقاضا نمود که از کارشناس ترمیم ابنیه سنگی پس از پایان کار فعلیش در سایر اماکن ایرانی استفاده شود.

۲۲ - راجع به درخواست ایران برای استعلام نظر کارشناس درباره ایجاد یک انستیتوی ترمیم ابنیه در ایران، طرف ایتالیایی اطلاع داد که رئیس انستیتو سانتال دل رستورو رم برای این امر به ایران سفر خواهد کرد.

۲۳ - طرف ایرانی نسبت به اعزام یک یا دو کارشناس برای گذراندن دروس آموزشی راجع به ترمیم که توسط انستیتو سانتال دل رستورو رم تشکیل می گردد، اظهار تمایل نمود و آمادگی خویش را برای اعطای بورس تحصیلی به داوطلب ایرانی که در کنکور پذیرش این دروس قبول شود، اعلام کرد.

ز - گوناگون

۲۴ - طرفین تماسهای مستقیم بین آرشیوها و کتابخانه های دولتی را برای انجام مبادلات پرسنل متخصص، انتشارات، مراجع و میکروفیلرها تشویق کنند که شرایط مالی مبادله این اشخاص با توافق مشترک تنظیم شوند.

۲۵ - طرفین از تماسهای مستقیم بین سازمانهای رادیو و تلویزیون خود برای ایجاد یک همکاری فنی و مبادلات برنامه ها حمایت کنند. طرفین، اظهار تمایل

نمودند که امکان ایجاد دوره‌های فراگیری زبان و فرهنگ یکدیگر در رادیو و تلویزیون، در ایران و ایتالیا بررسی نمایند.^(۱)

۲۶ - طرفین با آگاهی از اهمیت هر چه بیشتر سینما در زندگی فرهنگی معاصر، تلاش خواهند نمود تا همکاری خود را در این زمینه تشدید کنند و بخصوص موارد ذیل را تشویق کنند:

الف - مبادله فیلمهای آموزشی و علمی برای دانشگاهها

ب - نمایش فیلمهای راجع به یک مکتب یا یک نویسنده

ج - مبادلات بین سینما تک ایتالیا و آرشیو فیلمهای ایران

۲۷ - همچنین در جهت تماسهای مستقیم بین سازمانهای ورزشی دانشگاهی و غیردانشگاهی تسهیلاتی فراهم گردد.

۲۸ - تبادل نظر در مورد داوطلبان خدمت مدنی صورت گیرد.

۲۹ - برای انجام مبادله روزنامه‌نگاران طرفین به سازمانهای کشور خود توصیه‌هایی را ارائه خواهند نمود.

۳۰ - طرف ایتالیایی ایجاد یک مرکز فرهنگی ایرانی در رم را بررسی می‌نماید و آماده هرگونه همکاری در این باره می‌شود.

۳۱ - طرفین آرزو کردند که همکاری بین کشورهای آنها منحصرأ از راه سیاسی نباشد که به وسیله برنامه‌ریزی دوساله در اجلاسهای کمیسیونهای مشترک انجام می‌گیرد.

طرفین توافق نمودند که این برنامه‌ریزی تا آنجا که مربوط به همکاری علمی و فنی است در جهت برنامه توسعه ایران قرار گیرد. این توافقات در تاریخ ۷ مه

۱۹۷۲ در دو نسخه اصلی به زبان فرانسه در تهران امضاء شد که از طرف ایران، مدیر کل امور فرهنگی وزارت امور خارجه و از طرف دولت ایتالیا، ماریو موندلو مدیر کل علمی و فنی وزارت امور خارجه ایتالیا بود.^(۱)

دومین اجلاس کمیسیونهای مختلط مربوط به اجرای موافقتنامه فرهنگی و موافقتنامه علمی و فنی بین ایران و ایتالیا در تاریخ ۲۸ تا ۳۱ مه ۱۹۷۴ در رم تشکیل شد و برنامه مبادلات فرهنگی و همکاری علمی و فنی را که تا دو سال اعتبار داشت، مورد تصویب قرار دادند. متن این توافقنامه چنین بود:

الف) فرهنگ و هنر

باستان‌شناسی و موزه‌ها

ماده ۱

کمیسیون مختلط از همکاری عالی موجود بین دو کشور در زمینه‌های باستان‌شناسی و ترمیم ابنیه با شرکت هیأت‌های متعدد ایتالیایی متشکله توسط ISMEO اظهار رضایت نمود. کمیسیون مختلط آرزو نمود که این همکاری بتواند همچنان در آینده ادامه یافته و توسعه یابد.

ماده ۲

طرف ایتالیایی دو بورس تحصیلی یکساله به دو آرشیتکت ایرانی از میان کارمندان اداره کل حفظ ابنیه باستانی اعطا خواهد نمود. بدین وسیله آنها خواهند توانست در رشته ترمیم و حفظ خرابه‌ها و ساختمان‌های سنگی در مرکز

بین‌المللی حفظ و ترمیم اموال فرهنگی در رم، تخصص پیدا کنند.

ماده ۳

طرف ایتالیایی چهار بورس هشت ماهه که هر یک در زمینه‌های حفظ و ترمیم کتب و نسخه‌های خطی، کتابداری، موزئولوژی و موزئوگرافی در اختیار طرف ایرانی قرار خواهد داد.

ماده ۴

طرف ایرانی از دو کارشناس ایتالیایی در زمینه‌های مذکور در ماده قبلی، به مدت ۶ ماه، پذیرایی خواهد نمود.

ماده ۵

طرف ایتالیایی آماده پذیرایی از دو شاگرد کنسرواتوار موسیقی تهران می‌باشد تا آنها در زمینه‌های آواز، سولفژ و هارمونی، در چارچوب برنامه بورسهای تحصیلی مذکور در ماده ۴۰، بتوانند در دوره‌های تکمیلی تحصیل نمایند.

ماده ۶

طرف ایرانی دو استاد آواز ایتالیایی را برای تدریس در کنسرواتوار موسیقی تهران و اپرای تالار رودکی استخدام خواهد نمود.^(۱)

هنرهای تزئینی و تجسمی

ماده ۷

طرفین درباره تبادل نمایشگاههای هنری توافق نمودند.

بخصوص طرف ایتالیایی راغب به برگزاری نمایشگاه نگارگریهای قدیم ایران بود.

طرف ایرانی راغب به نمایشگاهی درباره آثار پمپئی با مرمت‌های آثار هنری فلورانس و یا ونیز بود.

ماده ۸

همه ساله، طرفین مکانهایی برای نمایشگاهها در اختیار هنرمندان طرف دیگر می‌گذارند و تسهیلاتی برای کارهای هنری آنان ایجاد می‌کنند.

ماده ۹

طرف ایرانی مایل به دریافت تعدادی فیلم آموزشی در زمینه آموزش هنر تجسمی می‌باشد.

ماده ۱۰

طرف ایتالیایی از دو استاد ایرانی عضو هیأت آموزشی دانشکده هنرهای تزئینی وزارت فرهنگ و هنر ایران در مدت ۲ تا ۳ ماه پذیرایی خواهد نمود تا آنها بتوانند مطالعات و تحقیقاتی در دانشکده‌های معماری و آکادمی‌های هنرهای زیبا ایتالیا انجام دهند. شرایط مالی این کار بعدها از راههای سیاسی تعیین خواهند شد.

ماده ۱۱

طرفین تعداد ۲ تا ۵ بورس یکساله را برای کارشناسان در زمینه هنرهای تزئینی مبادله خواهند کرد تا آنها بتوانند تبادل نظرهای فنی در رشته تخصصی خود را انجام دهند.

ماده ۱۲

طرف ایتالیایی از تعدادی استاد ایرانی پذیرایی خواهد نمود تا آن‌ها بتوانند دوره‌های کارآموزی کوتاه مدت در رشته‌های میزانشن، دکوراسیون، معماری صحنه و تاریخ تئاتر انجام دهند. شرایط مالی این کار بعدها از راه‌های سیاسی تعیین خواهند شد.

ماده ۱۳

طرف ایرانی اظهار تمایل نمود که طرف ایتالیایی نمایش تئاتر دوره کلاسیک قرون وسطی و خصوصاً کمدیا دل آرتِه (Commedia dell arte) را ترتیب بدهد.

ماده ۱۴

طرفین تمایل خود را به مبادله گروه‌های تئاتری، آموزشی و درسی خاطر نشان ساختند.

ماده ۱۵

وزارت فرهنگ و هنر ایران یک بورس تحقیقاتی یکساله به یک داوطلب ایتالیایی خواهد داد تا بتواند تحصیلات خویش را در رشته تمدن و فرهنگ ایران ادامه دهد.

ماده ۱۶

طرفین به مبادله نشریات و کتب فرهنگی خود مبادرت خواهند نمود. طرف ایرانی تمایل خویش را به دریافت میکروفیلرها و عکسهای آثار فولکلور ایران موجود در موزه‌های ایتالیا، ابراز داشت.

ماده ۱۷

طرفین تبادل فیلم را در سطح کلوپ سینما و همچنین فیلمهای مستند و شرکت

در جشنواره‌های سینمایی را مورد تشویق قرار خواهند داد.

ب) آموزش

تریبون و کرسی

ماده ۱۸

عطف به نکته ۷ صورت جلسه اولین نشست کمیسیون مشترک، طرف ایتالیایی امیدوار است که امکان برقراری کرسی جدید زبان و ادبیات ایتالیایی در یکی از دانشگاه‌های ایران مورد بررسی قرار گیرد.

طرف ایرانی این پیشنهاد را مورد نظر قرار داده و تمام کوشش خود را جهت تحقق آن به عمل می‌آورد.

ماده ۱۹

طرفین در مورد تبادل متقابل سخنران در زمینه زبان و ادبیات به توافق رسیدند. در این زمینه طرف ایتالیایی، آمادگی ایجاد بخش زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه رم برای سال تحصیلی ۷۵-۱۹۷۴ اعلام نمود. این بخش به یک محقق ایرانی واگذار خواهد شد. محقق مورد نظر می‌بایست واجد شرایط بوده و از میان سه کاندیدایی که مقامات ایرانی در کوتاهترین زمان ممکن معرفی خواهند کرد، برگزیده شود و طرف ایرانی به نوبه خود امکان ایجاد بخش زبان و ادبیات ایتالیایی را در یکی از دانشگاه‌های ایران مورد مطالعه قرار داده و از نتیجه تصمیمات در این خصوص، طرف ایتالیایی را آگاه خواهد نمود.

تبادل کارشناس و موضوعات تحقیقاتی

ماده ۲۰

مدرسه عالی معماری ایران علاقه‌مند به پذیرش استاد ایتالیایی در رشته

دکوراسیون داخلی به مدت شش ماه می‌باشد. شرایط مالی این طرح از طریق دیپلماتیک تعیین خواهد شد.

ماده ۲۱

طرف ایتالیایی اعلام می‌دارد که آماده پذیرش سه نفر از ایرانیان متخصص در زبان و ادبیات ایتالیایی جهت شرکت در کلاسهای تکمیلی است که توسط وزارت آموزش و پرورش همه ساله در ایام تابستان به مدت چهار هفته تشکیل می‌دهد.

ماده ۲۲

طبق تقاضای طرف ایرانی، طرف ایتالیایی نسبت به ارسال کتاب جهت بخشهای ایتالیایی دانشگاههای ایران اقدام خواهد نمود. همچنین نسبت به ارسال صفحات آموزشی زبان ایتالیایی بهتر اقدام خواهد شد.

ماده ۲۳

طرفین به مبادله کارشناسان و استادان می‌پردازند تا آنان در جریان آخرین تجربیات در زمینه آموزش ابتدایی و متوسطه قرار گیرند.

ماده ۲۴

طرفین به مبادله اطلاعات علمی و فنی در سطوح مختلف آموزش فنی، حرفه‌ای یا تعلیم کادرهای آموزشی مبادرت خواهند نمود.

ماده ۲۵

طرفین به مبادله برنامه‌های آموزشی بخصوص در زمینه‌های تعلیم و تربیت و هنری خواهند پرداخت.

ماده ۲۶

طرفین کتب اصلی درسی تاریخ و جغرافیا را که حاوی مطالبی درباره کشورهای آنها می‌باشد، مبادله خواهند نمود تا از طرف کارشناسان مورد بررسی

قرار گرفته و در صورت داشتن مطالب نادرست، اقدام لازم در جهت تصحیح آن به عمل آورند.^(۱)

مبادلات دانشگاهی

ماده ۲۷

دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه رم همه ساله پذیرای دو استاد ایرانی از کادر آموزشی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشد تا آنها بتوانند در آنجا درس داده و تحقیقاتی در مؤسسات تخصصی ایتالیا انجام دهند. استادان مذکور طبق مقررات دانشگاه تهران برگزیده خواهند شد.

دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز به نوبه خود، یک یا دو استاد ایتالیایی کادر دانشگاه رم را برای دوره یک سال تحصیلی خواهد پذیرفت تا آنها بررسی ها یا تحقیقاتی را درباره شهرسازی و معماری به سبک ایرانی انجام دهند.

ماده ۲۸

کمیسیون مختلط از همکاری مؤثری که میان دانشکده های معماری دانشگاه های فلورانس و رم و مدرسه پلی تکنیک تورین از یک طرف و دانشگاه های ملی و تهران و نارمک، از طرف دیگر، برقرار شود. کمال خوشوقتی را دارد.

در این چارچوب، طرفین توافق نمودند که به موجب موافقتی که بین طرفهای ذینفع برقرار خواهد شد، دانشگاه رم و مدرسه پلی تکنیک تورین نسبت به اعزام یک یا دو استاد ایتالیایی به ایران برای یک سیمستریا یک سال تحصیلی جهت تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، عنایت

خواهند نمود.

هزینه‌های مسافرت به عهده طرف ایتالیایی و اقامت به عهده طرف ایرانی خواهد بود.

ماده ۲۹

در مورد آنچه مربوط به مبادله اطلاعات درباره سازمان نمایشگاهها یا برگزاری سمینارها و کنگره‌های هنری، معماری یا شهرسازی می‌گردد، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مستقیماً با مقامات دانشگاهی ایتالیایی تماس برقرار خواهند نمود. کلیه تسهیلات لازم برای تحقق این اقدامات را طرف ایتالیایی معمول خواهد داشت.

ماده ۳۰

طرف ایرانی همه ساله به هزینه خود، یک کارشناس ایرانی را برای مراجعه به کتب خطی و سایر مدارکی موجود به زبان فارسی در کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌های ایتالیایی و همچنین تهیه میکروفیلم از آنها، اعزام خواهد نمود.

کلیه تسهیلات لازم برای انجام مأموریت این کارشناس را طرف ایتالیایی تأمین خواهد نمود.

ماده ۳۱

دانشگاه مشهد مشتاقانه از همکاری کارشناسان و کادرهای آموزشی دانشگاههای ایتالیا برای تدریس در دروس پایه، به شرط آنکه به زبان فرانسه یا انگلیسی تدریس نمایند، استقبال خواهد نمود.

ماده ۳۲

همچنین دانشگاه مشهد خواستار استفاده از همکاری کارشناسان

ایتالیایی، در رشته‌های فارماکولوژی و تغذیه می‌باشد.

ماده ۳۳

دانشگاه اصفهان آماده مبادله تعدادی استاد در رشته‌های مختلف آموزشی و تحقیقاتی با مؤسسات مشابه ایتالیایی می‌باشد.

ماده ۳۴

دانشگاه اصفهان مشتاق استفاده از همکاری کارشناسان ایتالیایی در رشته‌های علمی، هنری و داروسازی است.^(۱)

ماده ۳۵

مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی عملی و درسی ایران مایل به مبادله یک کارشناس ایرانی برنامه‌ریزی آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و حرفه‌ای و آموزش متوسطه با یک کارشناس ایتالیایی برنامه‌ریزی دانشگاهی، برای مدت یک ماه می‌باشد.

طرف ایتالیایی، خواسته‌های مندرج در مواد ۳۳-۲۹ فوق‌الذکر را منظور و همکاری خود را برای تحقق این طرحها، تضمین می‌نماید.

ماده ۳۶

دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد مایل به ایجاد تماس با دانشگاههای ایتالیاست تا بتواند اعضای هیأت آموزشی خود را در رشته‌های نوروپسیکولوژی، فیزیولوژی و داروسازی برای مطالعات تکمیلی اعزام نماید. طرف ایتالیایی اطلاع داد که ISMEO برای تسهیل این قبیل تماسها، در اختیار مقامات ایرانی خواهد بود.

ماده ۳۸

طرفین دانشگاههای خود را برای مبادله نشریات تشویق خواهند نمود.

ماده ۳۹

مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های علمی و درسی ایران آماده انجام مبادله اسناد و مدارک علمی در زمینه‌های علوم و علوم اجتماعی، با مرکز ایتالیایی مشابه می‌باشد.

مرکز مذکور در عین حال ایجاد یک کمیسیون مختلط ایتالیایی - ایرانی برای جمع‌آوری کتب خطی و چاپی مربوط به فرهنگ ایران در ایتالیا را پیشنهاد می‌نماید. کمیسیون برنامه کار خود را تنظیم خواهد نمود. هزینه‌های مربوط به تهیه میکروفیلرها و نقشه‌های پرفوره (سوراخ‌دار) به عهده مرکز ایرانی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و درسی خواهد بود.

ماده ۴۰

مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران مشتاق تماس با سازمانهای همدیف در ایتالیا برای مبادله اطلاعات و انتشارات می‌باشد.

ماده ۴۱

در صورت تقاضا، طرف ایتالیایی آماده ارسال کتب معماری برای دانشکده‌های معماری دانشگاههای ایران می‌باشد.

بورسهای تحصیلی و مبادله جوانان

ماده ۴۲

طرف ایتالیایی اطلاع می‌دهد که برای سالهای تحصیلی ۷۵-۱۹۷۴ و ۷۶-۱۹۷۵، مقرری ماهیانه ۲۱۰ بورس تحصیلی به دانشجویان ایرانی را اعطا خواهد نمود.

در سال ۷۵-۱۹۷۴ میزان مقرری‌های ماهیانه ۱۱۰/۰۰۰ لیره خواهد بود و طرف ایرانی میزان اضافی ۴۰/۰۰۰ لیره به سهم خود به عنوان کمک خواهد پرداخت.

طرف ایتالیایی امیدوار است که بتواند از سال تحصیلی ۷۶-۱۹۷۵ میزان مقرری ماهیانه بورسهای تحصیلی را به ۱۵۰/۰۰۰ لیره برساند.^(۱)

ماده ۴۳

در دوره برنامه حاضر، دانشگاه تهران دو بورس تحصیلی به دو تبعه ایتالیا که دارای دیپلم دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فارسی باشند اعطا خواهد نمود تا آنها بتوانند در این رشته‌ها موفق به اخذ لیسانس، فوق لیسانس و دکترا بشوند.

میزان مقرری ماهیانه این بورس بالغ بر ۹/۰۰۰ ریال برای داوطلب لیسانس و فوق لیسانس و ۱۰/۰۰۰ ریال برای داوطلب دکترای دانشگاهی است. داوطلبین در کوی دانشگاه تهران در اطاقهای ۳ تا ۴ تخت خوابه، سکونت خواهند نمود.

بورسیه‌های مذکور از معافیت پرداخت هزینه‌های ثبت نام تحصیلی برخوردار خواهند شد. مدت بورسهای مندرج در این ماده تا ۴ سال قابل تمدید است.

ماده ۴۴

دانشگاه تبریز یک بورس تحصیلی یکساله در اختیار یک داوطلب ایتالیایی در رشته «ادبیات و فرهنگ ایران» قرار خواهد داد. داوطلب مذکور از

بورس ماهیانه ۵/۰۰۰ ریال استفاده خواهد کرد. مسکن این داوطلب مجانی خواهد بود و می‌تواند در رستوران دانشگاه غذا بخورد.

ماده ۴۵

دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، ۳ بورس تحصیلی در اختیار داوطلبان ایتالیایی برای ادامه تحصیلات دوره لیسانس در رشته‌های فلسفه، آیین اسلام و سایر آیینهای مذهبی قرار خواهد داد.

ماده ۴۶

طرفین امکان تبادل گروهی جوانان برای شرکت در کمپهای تعطیلات تابستانی را بررسی خواهند نمود. طرف ایتالیایی اطلاعات در مورد تجربه‌های اکتسابی در زمینه تبادل نسل جوان را تهیه خواهد نمود.

ج) ارزشیابی عنوانهای تحصیلی

ماده ۴۷

با توجه به توضیحات ارائه شده توسط هیأت نمایندگی ایتالیا در مورد مدت، محتوی برنامه‌ها و دروس دانشکده‌های معماری و مهندسی در ایتالیا و با در نظر گرفتن تجدیدنظر کلی که در برنامه‌های تحصیلی این دانشکده‌ها صورت گرفته و همچنین با عنایت به اینکه در ایتالیا درجه‌ای مافوق «دوتوره» (dottore) به دانشجویان معماری و مهندسی تعلق نمی‌گیرد، هیأت نمایندگی ایران به مقامات صالح دولت ایران توصیه خواهند نمود که دیپلمهای دوتوره dottore در معماری و مهندسی که از طرف دانشگاههای ایتالیا صادر می‌شوند، با توجه به ارزش آنها در ایتالیا، در ایران ارزشیابی کنند.

د) رادیو و تلویزیون، جهانگردی و ورزش**ماده ۴۸**

طرفین ضمن ملاحظه گسترش تماسهای مستقیم بین سازمانهای صدا و سیمای خود، به ادامه هر چه بیشتر این تماسها اظهار امیدواری نمودند.

طرف ایرانی اظهار داشت که صدا و سیمای ایران آماده است در صورت تقاضای رادیو و تلویزیون ایتالیا، فیلمهای مستند، گزارشهای ورزشی، نوارهای ویدئویی موسیقی فولکلوریک را به طور مجانی و به مقدار دوازده برنامه در سال برای رادیو، در اختیار آن سازمان قرار دهد.

ماده ۴۹

رادیو و تلویزیون ملی ایران در مسابقات و جشنواره‌های صدا و سیما با فیلمهای تهیه شده در ایتالیا، طبق شرایط پیش‌بینی شده در مقررات آنها، شرکت خواهد نمود.

ماده ۵۰

رادیو و تلویزیون ملی ایران آماده است که همه ساله به هزینه خود، یک ارکستر موسیقی دوشامبر و یک ارکستر موسیقی فولکلوریک، به ایتالیا اعزام نماید.

طرف ایتالیایی این مطلب را درج و همکاری خود را برای تحقق آن، تضمین نمود.

ماده ۵۱

رادیو تلویزیون ملی ایران آماده پذیرایی و ارائه کمک فنی به دو تن از اعضای پرسنل رادیو و تلویزیون ایتالیا که برای تهیه گزارش و فیلمهایی درباره

فرهنگ و تمدن ایران، به ایران خواهند آمد، می‌باشد.^(۱)

ماده ۵۲

جشن هنر ایران آماده است به هزینه خود گروه‌های تئاتر یا موسیقی به ایتالیا اعزام نماید تا در جشنواره‌های هنری شرکت نمایند. همچنین جشن هنر به طور متقابل آماده پذیرایی از چنین هیأت‌هایی در ایران می‌باشد.

ماده ۵۳

طرفین توسعه روابط جهانگردی را بین کشورهای خود فراهم خواهند آورد.

ماده ۵۴

طرفین همکاری متقابل را در زمینه ورزشی براساس تماس‌های مستقیم بین سازمان‌های ورزشی یکدیگر تشویق خواهند کرد.

ه) همکاری علمی و فنی

ماده ۵۵

به استناد ماده ۱ موافقتنامه همکاری علمی و فنی مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰، طرف ایرانی هر چه زودتر فهرستی از برنامه‌های همکاری فنی که مالکیت در سال ۷۵-۱۹۷۴ داشته باشد، را تسلیم خواهد نمود. در برنامه‌ها، ارجحیت به تعلیم حرفه‌ای کادرهای فنی و کارمندان دولتی در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، فرهنگ و جهانگردی و همچنین ایجاد یک مدرسه متوسطه فنی و حرفه‌ای، داده شده است.

اولین فهرست روشنگر دروس مورد نیاز برای تعلیم کارآموزان و کارشناسان بخش دولتی در ایران در رشته‌های گوناگون در سال ۷۵-۱۹۷۴ به وسیله طرف ایرانی تسلیم شده است.

ماده ۵۶

وزارت اطلاعات و جهانگردی از اینکه بتواند اعضای خود را برای تکمیل معلومات در رشته‌های ذیل به ایتالیا اعزام نماید، خوشوقت خواهد شد: آمار جهانگردی، اقتصاد جهانگردی، بازاریابی جهانگردی، برنامه‌ریزی، روش بازاریابی در بازارهای جهانگردی، بررسی ویژه طرح‌های جهانگردی. طرف ایتالیا، اعلام نمود که حسب درخواست دولت ایران، آماده برگزاری دوره‌های تدریس تعلیم و تربیت حرفه‌ای که تا حدود امکان دربرگیرنده مواد فوق‌الذکر باشند، است.

ماده ۵۷

طرف ایتالیایی امکان گسترش اقدامات مربوط به همکاری فنی را با حق تقدم، با نظر موافق بررسی کرده و امیدوار است که دولت ایران در هزینه‌های برنامه‌های تصویب شده تشریک مساعی نماید.

ماده ۵۸

طرف ایتالیایی از تشریک مساعی کمیته ایرانی تحت ریاست فرح پهلوی در کار حفاظت میراث هنری و نیز قدردانی فراوان نمود.

ماده ۵۹

اجلاسیه آینده کمیسیونهای مختلط، طی سال ۱۹۷۶ در تهران تشکیل خواهد شد. در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۴، در شهر رم، در دو نسخه اصلی به زبان

فرانسه تنظیم شد.^(۱)

متن موافقتنامه فرهنگی دیگری که در اواخر دوره پهلوی میان وزیران خارجه دو کشور به امضاء رسید بدین شرح است:

ماده ۱

طرفین معظمین متعاهدین متعهد می گردند موجبات همکاری مؤثر به منظور ترغیب بسط روابط متقابل فیما بین را در زمینه فرهنگی و ادبی و هنری و علمی و فنی فراهم آورند و خصوصاً تعهد می نمایند مراتب زیر را عملی سازند: الف) ایجاد کلیه تسهیلات تام ممکنه جهت مبادله کتب و نشریات و برنامه های رادیویی

ب) ترغیب مبادله فیلم های علمی و تربیتی سینمایی محصول داخلی فیما بین دو کشور

ج) تشکیل نمایشگاه های هنری

د) ترتیب مسافرت های دسته جمعی دانشجویان

ه) ایجاد تسهیلات جهت دانشجویان و محققین و دانشمندان کشور متعاهد به قسمی که استفاده از مؤسسات هنری و صنایع مستظرفه و اسناد و مدارک مضبوطه و کتابخانه ها و سایر مؤسسات علمی و فنی عمومی تحت شرایطی که اتباع طرف مقابل از آن برخوردارند برای افراد نامبرده در فوق نیز میسر باشد.

ماده ۲

طرفین معظمین متعاهدین مسافرت استادان و فرهنگیان و سخنرانان و نویسندگان و هنرمندان و دانشجویان را به کشور یکدیگر تسهیل خواهند نمود و

در حدود مقررات خود و بر حسب موارد تصمیماتی به منظور اعطای بورس یا مدد معاش تحصیلی اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۳

طرفین معظمین متعاهدین تدابیر مقتضی به منظور ترغیب اتباع و هیأت‌های علمی طرف مقابل به تحقیقات در سرزمین خود خصوصاً در رشته باستان‌شناسی و مطالعات اسلامی اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۴

طرفین معظمین متعاهدین سعی خواهند کرد کرسی‌های تدریس ادبیات فارسی در مؤسسات دانشگاهی ایتالیا و کرسی‌های تعلیم ادبیات و زبان ایتالیایی در مؤسسات دانشگاهی ایران ایجاد گردد و ضمناً در توسعه کرسی‌های موجود کوشش شود.

ماده ۵

طرفین معظمین متعاهدین در حدود مقررات قانونی مربوطه خود اهتمام لازم به عمل خواهند آورد که کتب کلاسی منتشره در هر یک از دو کشور حاوی اطلاعات نادرست در خصوص تاریخ و تمدن کشور دیگر نباشد.

ماده ۶

طرفین معظمین متعاهدین کلیه اقدامات لازم را به منظور تسهیل امر سیاحت که وسیله مؤثری برای ایجاد تفاهم متقابل بین دو کشور به شمار می‌رود به عمل خواهند آورد.

ماده ۷

طرفین معظمین متعاهدین شروط و اصول لازم جهت عقد موافقتنامه‌ای به منظور معتبر شناختن مدارج تحصیل یکدیگر را اعم از متوسطه و عالی به در نظر گرفتن مقررات جاری از طرفین در این خصوص مورد بررسی

قرار خواهند داد.^(۱)

ماده ۸

طرفین معظمین متعاهدین موافقت می نمایند که دانشجویان هر یک از دو کشور در مؤسسات مربوطه ایشان طبق قوانین و مقررات جاریه به مطالعات ادبی و هنری و علمی و فنی بپردازند.

ماده ۹

طرفین معظمین متعاهدین تشکیل مسابقات ورزشی بین دو کشور را تا سرحد امکان مورد تشویق قرار داده و همکاری سازمانهای تربیت بدنی و پیشاهنگی فیما بین را تسهیل خواهند نمود.

ماده ۱۰

طرفین معظمین متعاهدین تدابیر لازم را به منظور اجرای مقررات مذکور در فوق اتخاذ و ایجاد مؤسسات و سازمانهای فرهنگی را در قلمرو یکدیگر تسهیل خواهند نمود و مؤسسات مزبور تابع قوانین ملی کشوری که در آن تأسیس می شوند خواهند بود.

طرفین معظمین متعاهدین در مورد انتقال حقوق مالکیت اراضی و ابنیه‌ای که اختصاص به محل مؤسسات فرهنگی دارند متقابلاً معافیت کامل از پرداخت مالیات را تأمین خواهند نمود.

ضمناً طرفین ساختمانهایی را که اختصاص به اداره مؤسسات فرهنگی مزبور دارد از پرداخت مالیات مستقیم و عوارض و هر قبیل مالیات دیگر اعم از اینکه قابل تأدیة به خزانه دولت یا ادارات و دوائر محلی باشد معاف خواهند نمود.

بعلاوه طرفین معظمین متعاهدین اطمینان می‌دهند که لوازم تحصیلی و علمی و همچنین کتابهایی که برای کار مؤسسات فرهنگی که از طرف هر یک از دو دولت در کشور دیگر تأسیس خواهد شد اختصاص دارد از کلیه حقوق گمرکی و هر قبیل عوارض دیگر معاف باشند.

ماده ۱۱

۱ - به منظور اجرای این موافقتنامه کمیسیون مختلط دائمی تشکیل می‌گردد. این کمیسیون مشتمل بر دو شعبه در رم و تهران خواهد بود و هر یک از شعب مزبور دارای یک رئیس و چهار نفر عضو می‌باشد. دو نفر از اعضا از طرف دولت جمهور ایتالیا و دو نفر دیگر از طرف دولت شاهنشاهی ایران تعیین می‌گردند.

۲ - یکی از نمایندگان ایتالیا به ریاست شعبه رم و یکی از نمایندگان دولت ایران به ریاست شعبه تهران منصوب خواهد شد.

۳ - هر یک از شعب لااقل سالی یک بار بنا به دعوت رئیس شعبه تشکیل جلسه خواهد داد.

۴ - هر یک از شعب آیین‌نامه داخلی برای خود تنظیم خواهد نمود.

۵ - برنامه کار هر یک از شعب حتی الامکان هر ساله با تبادل نظر طرفین تهیه خواهد گردید.

۶ - هر یک از شعب مذکور می‌تواند تعدادی کارشناس تحت اختیار خود داشته باشد.

ماده ۱۲

این قرارداد سه ماه پس از مبادله اسناد مصوب که در تهران انجام خواهد گرفت به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۳

طرفین معظمین متعاهدین می‌توانند این موافقتنامه را با اطلاع قبلی سه

ماهه فسخ نمایند.

این موافقتنامه در تاریخ هشتم آذر ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت به دو زبان فارسی و ایتالیایی در دو نسخه تنظیم و در رم به امضا رسید و هر دو متن متساویاً معتبر می‌باشند.^(۱)

فصل چهارم

بزرگان ادب فارسی در ایتالیا

□ فردوسی

فردوسی در ایتالیا تقریباً مانند عمر خیام در ممالک آنگلو ساکسون بهترین معرف فرهنگ ایرانی است و تمام ایتالیایی‌های باسواد و باذوق فردوسی را که به تلفظ ایشان Firdusi خوانده می‌شود، یکی از عالی‌ترین نوابغ دنیای متمدن می‌دانند.

اما شخصی که بیش از همه مستشرقین دیگر شخصیت و آثار جاوید فردوسی را به ایتالیایی‌ها شناسانده و نام فردوسی را در ایتالیا مشهور ساخته پروفیسور ایتالو پیتزی بوده است. پس اگر از فردوسی در ایتالیا بخواهیم صحبت کنیم قبل از همه باید فعالیت علمی و ادبی پروفیسور پیتزی را بازگو کنیم.^(۱)

۱- الساندرو بوزانی، «فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۳۸-۳۹» سالنامه دانشکده

پیتزی در دوره‌ی زندگی می‌کرده که عموماً در ایتالیا به نام دوره «پوزیتیویسم» شناخته می‌شود، یعنی آن دوره‌ای که دنیای غربی در نتیجه کشف‌های علمی و اختراعات معجزه‌وار فنی به قوای عقلی و به دانش و علوم «پوزیتیویست» یا مثبت مخصوصاً تکنیک - مهندسی - فیزیک و طبیعیات اهمیت زیادی داده و تا اندازه‌ای از اخلاق و آداب و علوم روحانی صرف‌نظر کرده‌اند یا اینکه ادبیات و علوم روحانی را نیز با سیستم‌های علمی و طبیعی مطالعه می‌کرده‌اند. پیتزی در سال ۱۸۴۹ در شهر پارما واقع در جلگه پو در ایتالیای شمالی متولد شد و در شهر تورینو در سال ۱۹۲۰ وفات کرد. در آن وقت در مدارس و دانشگاه‌های ایتالیا نفوذ فرهنگی آلمان خیلی نمایان بود و دانشمندان ایتالیایی در مطالعات ادبی خویش از دانشمندان آلمانی تقلید کرده و شاهکارهای هنری و نظم‌های شعرای بزرگ را مانند جسد مرده تجزیه و تحلیل می‌کردند. یعنی هیچ اعتنایی به روح تخلیق و به قوای معنوی که همان شاهکارها را ایجاد کرده بود، نداشتند. پیتزی همیشه مخالف این جریان بود و در بعضی کتابهای خود سیستم علمی آلمانی را مورد انتقاد قرار می‌داد. وی قائل به لزوم سیستم جدید انسانی‌تری بود و می‌گفت که تاریخ ادبی نباید منحصر به معین کردن تواریخ، تألیف آثار، تولد و وفات مؤلفین و تجزیه زبانشناسی ادبیات و مجله‌ها بماند بلکه نقاد ادبی باید در تاریخ نشو و نمای روحانی و معنوی شاهکارهای ادبی تعمق جسته و تطورات دوره‌های ادبی را با فهم انسانی مطالعه نماید.^(۱)

بزرگترین اثر ادبی پیتزی ترجمه کامل «شاهنامه فردوسی» به نظم ایتالیایی بود که در شهر تورینو مابین سالهای ۱۸۸۸ و ۱۸۸۶ منتشر گردید. این

ترجمه مشتمل بر هشت جلد بزرگ است. متن فارسی شاهنامه که پیتزی از آن ترجمه کرده متن Turner-Macan است که در سال ۱۸۲۹ در کلکته هندوستان چاپ شده بود. پیتزی در مقدمه‌ایی که برای ترجمه شاهنامه خود نوشته می‌گوید که به چه روشی کار کرده است و اعتراف می‌نماید که بعد از ترجمه چند هزار بیت شاهنامه از ترجمه خود راضی نبوده و با وجود رنج بسیاری که در آن ترجمه بکار برده بود آن ترجمه را سوزانده و کار خود را از سر گرفته است تا که اثر او کامل و لایق اصل باشد. این حادثه نمونه‌ایست از اخلاق پیتزی و به ما نشان می‌دهد که وی با چه دلسوزی و دقتی ترجمه خود را انجام داده است.

البته وی با این روشی که اختیار کرده بود ترجمه شاهنامه خیلی طول کشیده و پیتزی برای تمام کردن آن کمابیش ۱۶ سال عمر گرانمایه خویش را صرف کرد.^(۱)

شاید خالی از فایده نباشد نمونه‌هایی از ترجمه پیتزی را به زبان ایتالیایی بیاوریم.

اینک چند بیت از آغاز شاهنامه آورده می‌شود تا بهتر بتوان وزن اصلی فارسی را با اوزان ایتالیایی مقایسه کرد:

بنام خداوند جان و خرد	کزین اندیشه برنگذرد
خداند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیهان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده برشده گوهر است
به بینندگان آفریننده را	نسبنی مرنجان دو بیننده را
نیابد بدو نیز اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه

In nome del signor dell' alma nostra,
 di nostra mente autor, che non arriva
 uman pensiero a piu sublime cosa
 Iddio primo e signor di gloria eterna,
 signor dell' ampio spazio, e primo altore
 e geuida a tutti noi, signor de lmondo
 signor del ciel rotante, un vivo e gaio
 e giocondo fulgor dona alle stelle,
 dona alla luna eaquesto sol. Ma intanto
 ch' ei trascende ogni nome, ogni pensiero
 ogni segno sublime, a ogni piu bella
 parvenza ei da splendor, lume e colori
 profonde ovunque, se veder nou ponno
 il tuo primo fattor questi occhi tuoi,
 ai fulgidi ocehituoi non dar rancura
 che anche umano pensier via non ritrova
 per giunger fino a lui. Trascende Ei solo
 ogni nome ogni loco....^(۱)

اینکه اصل فارسی مشتمل بر ۱۲ مصراع است، در صورتیکه ترجمه ایتالیایی ۱۳ مصراع و نیم دارد برای خوانندگان نشان می‌دهد که مترجم ایتالیایی

نیز مانند تمام مترجمین اصل را حرف به حرف ترجمه نمی‌نماید. بلکه او چند تا صفت اضافه می‌کند و الفاظ بسیار ساده شاهنامه را به کلمه‌های نسبتاً مشکل قدیمی و ایتالیایی مبدل می‌سازد. اینک ترجمه تحت‌اللفظی فارسی اشعار فوق را می‌نمایانیم:

«بنام خداوند جان ما. آفریننده خرد ما که از آن برتر اندیشه نمی‌گذرد. خدا خداوند اول جلال جاوید و مالک فضای وسیع و نخستین پروردگار و هادی همه ما می‌باشد. خداوند جهان. خداوند سپهرگردان که فروغی زنده و خرم به ستارگان و ماه و این خورشید عطا فرموده است. ولی با وجود اینکه او از هر نام و از هر گمان و از هر نشان مجلل برتر است و به هر نقش زیبا فروغ و جمال می‌بخشد و روشنی و رنگها را همه جا فراوان می‌ریزد، اگر این دو چشم تو قادر نیستند آفریننده خود را به بینند دیدگان روشن خود را مرنجان! زیرا که اندیشه نیز بدو راه نمی‌یابد که او بالای هر نام و از هر جای منزّه است.»^(۱)

وزن متریکی که پیتزی برای ترجمه شاهنامه بکار برده «اندیکا سیلاب» است که یکی از معمولترین اوزان متریکی ایتالیا می‌باشد و آن را مترجمین ایلید و ادیسه و تمام نظمهای مفصل استعمال کرده‌اند. به عقیده پروفیسور بوزانی، اگر پیتزی شاهنامه را به نثر ترجمه می‌کرد ترجمه‌اش حالا هم مقبول همه می‌ماند. در صورتیکه متأسفانه سبک شعر وی را حالا در ایتالیا تا اندازه‌ی قدیمی دانسته و شاهنامه پیتزی را با وجود خوبیهای که دارد کمتر از قبل می‌خوانند. پیتزی هنگام ترجمه شاهنامه با یک استاد ادبیات در دبیرستان شهر «بولونیا» که بعداً با خواهر پیتزی ازدواج کرد مشغول مطالعات ایران‌شناسی بوده و پاره‌ای از ترجمه‌های مهم از قلم همکار وی جاری شده است. نام این

همکار ویتوریو روگاری است که در سال ۱۸۸۸ در شهر «کرجو» قسمتی از شاهنامه فردوسی را به نثر ایتالیایی ترجمه و منتشر کرده است. تیر ایتالیایی کتاب روگاری «جنگ هفت کرد» نام دارد و کتابی است با نثر ایتالیایی بسیار سلیس و زیبا. روگاری سه سال بعد، سرگذشت رستم باکک گوهرزاد را نیز به نثر ایتالیایی ترجمه کرد. این سرگذشت از قرار معلوم یکی از ملحقات «شاهنامه فردوسی» است و مؤلفش نامعلوم است.

نکته مهم در باب فعالیتهای پیتزی آن است که او تمام فعالیت خاورشناسی خود را بر فردوسی و شاهنامه وی متمرکز کرده است. در همان دوره‌ای که پیتزی مشغول تصحیح و اتمام ترجمه «شاهنامه» بود، در سال ۱۸۸۴ مقاله بسیار مفصلی تحت عنوان «حماسه سرائی در ایران و عادات و رسوم ایران در زمان باستان» را تهیه و به آکادمی ملی «لینچی» تقدیم کرد. این مقاله به جایزه شاهی هم نائل گردید و چهار سال بعد در شهر فلورانس منتشر شد. در این کتاب پیتزی از اطلاعات وسیعی که بوسیله آشنایی با «شاهنامه» و سایر کتابهای ایران باستان و حماسه‌های فارسی جمع‌آوری کرده بود، استفاده نموده و نقشی از تاریخ تشکیل و نشو و نمای حماسه‌سرایی ایرانی و فرهنگ ایرانی قبل از اسلام را به تصویر کشیده است. فرهنگ فارسی را نیز که پیتزی آن را در لایپزیک در سال ۱۸۸۳ چاپ کرد می‌توان «فرهنگ فارسی شاهنامه» دانست.^(۱) ولی تمام نمونه‌های فارسی که در آن درج شده جز اقتباسی از «شاهنامه» فردوسی نیست. این نکته به خوبی نشان می‌دهد که پیتزی عقیده دارد که «شاهنامه» گنجینه اصلی زبان فارسی خالص و خزانه ادب ایران بوده است. همان کتاب در سال ۱۸۹۱ دوباره به چاپ رسید ولی تحت عنوان «منتخبات

۱- تیر کتاب Manule Della Lingua Persiana می‌باشد.

فردوسی». ^(۱) فردوسی و شاهنامه وی مهمترین قسمت کتاب پیتزی را هم تشکیل می‌دهد که در سال ۱۸۸۹ در تورینو منتشر شد. ^(۲)

این کتاب عبارت از منتخبات متون اصلی ادبیات فارسی ولی به حروف لاتینی با حواشی و مقدمه فرانسه. ^(۳) منظور پیتزی در تألیف و انتشار این کتاب شناساندن شاهکارهای ادبیات فارسی در متن اصلی بوده و آن را برای اشخاصی که وقت یا حوصله ندارند که الفبای مشکل عربی را یاد بگیرند فراهم آورده است.

او در این اثر، مهمترین قواعد گرامر فارسی را فقط در هفده صفحه متمرکز کرده و در آخر کتاب، لغتنامه تمام کلمه‌هایی که در متون فارسی موجود است، آورده است.

عده نویسندگان فارسی که در این کتاب نمونه‌هایی از آثارشان به دست داده می‌شود سی نفر است، اکثر افراد معرفی شده از دقیقی تا حسین واعظ کاشفی شاعر هستند. پیتزی مانند سایر خاورشناسان اروپایی عقیده دارد که بعد از جامی و حسین واعظ ادبیات فارسی تمام شد و دارای هیچ ارزش مهمی نیست.

عیب مهم او این است که او نیز مثل همه خاورشناسان آنوقت اهمیت زیادی به شعر می‌دهد و فقط پاره‌های بسیار کمی از نثر و آنهم نثر در سبک و صاف و میرخواند را در کتاب خود می‌آورد که البته علت عمده این نواقص فقدان متون فارسی در آن روزگار و مخصوصاً نبود کتابهای فارسی در

1. Antologia Firdusiana

۲- بوزانی: فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۳۹-۳۸، ص ۷۱-۶۹.

۳- تیر این کتاب Chrestomathie Persane بود.

کتابخانه‌های ایتالیایی بوده است.

البته در زمان پیتزی دانشمندان اروپایی و شرقی عقیده داشتند که فردوسی مؤلف یوسف و زلیخا است ولی باید گفت که پیتزی با ذوق سالمی که داشته همیشه تضادی را که بین «یوسف و زلیخا» و سبک «شاهنامه» هست حس کرده است. او در کتابی به نام «تاریخ شعر فارسی» در مقابل دلائل ایه برای ثابت کردن انتساب «یوسف و زلیخا» به فردوسی اظهار تردید و شک می‌نماید ولی آخر الامر او نیز این اثر را به فردوسی منتسب می‌کند.^(۱)

آنچه که علاقه‌مندی شخص پیتزی را نسبت به ادبیات و فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد و دلیل بر این است که برای وی خاورشناسی عملی خشک و بی‌ذوق نمانده بلکه جزو زندگی شخصی خودش گردیده بود، این است که خود پیتزی نظم‌های ایتالیایی در تقلید شعرای قدیم ایرانی و بخصوص فردوسی تألیف کرده و در سال ۱۸۸۴ قبل از اتمام ترجمه «شاهنامه» یک «درام حماسی» تحت عنوان "Bizeno" یعنی «بیژن» را منتشر کرد که حالا فقط در کتابخانه‌ها و آنهم به ندرت یافت می‌شود. این اثر تقلیدی از داستان «بیژن و منیژه» می‌باشد. پیتزی چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۵۱ در شهر تورینو یک داستان منظوم بسیار مفصل دیگر را چاپ کرد تحت عنوان Miro e Naida یعنی «میر و ناهید» که در آن از داستانهای افسانه‌وش نظامی، خواجه و جامی تقلید کرد. متأسفانه وزنی که پیتزی برای نظم‌های خود انتخاب کرده وزن Ottava است یعنی چیزی شبیه مسمط فارسی که در ادبیات کلاسیک ایتالیایی بخصوص برای داستانها و افسانه‌های رایج بکار می‌رفته که امروز کهنه و متروک گردیده است و هموطنان ما از استفاده بردن از این آثار پیتزی محروم مانده‌اند. اما

نظمهای شخصی پیتزی دلیلی است بر قابلیت و مهارت وی که بهتر از سایر مستشرقین موفق شده عناصر و مواد یک دنیای فرهنگی خارجی را تحلیل و با اشکال و صور مختلف آن را در ادبیات ایتالیایی رواج بدهد. ناگفته نماند که کاردوچی یکی از معروفترین شعرای ایتالیا آثار ادبی پیتزی و مخصوصاً ترجمه «شاهنامه» او را خیلی تمجید و تعریف نموده و واقعاً می‌توان گفت که پیتزی نه فقط «شاهنامه» را از لحاظ علمی مطالعه کرده بلکه بقول دکتر فروغی «شاهنامه را عاشق بوده و افکار فردوسی را نیز تا اندازه‌ای تقلید کرده است. با وجود این پیتزی مطالعات خود را به فارسی و دوره باستانی ادبیات فارسی منحصر نساخته و سایر آثار وی به وسعت اطلاعات او درباره دوره‌ها و شخصیت‌های مختلف ادبیات و فرهنگ ایران اشاره می‌نماید. در سال ۱۸۸۷ پیتزی کتابی به نام «تاریخ ادبیات فارسی» منتشر کرد که در آن نه فقط شرح جالبی از تاریخ عادات و رسوم ایرانیان را تشریح می‌کند، بلکه پاره‌های زیادی از نثر و نظم فارسی را هم برای اولین بار برای خوانندگان ایتالیایی ترجمه و معرفی می‌نماید.^(۱)

در سال ۱۹۱۵ پیتزی به منظور اینکه «شاهنامه» فردوسی را به محیط وسیعتری بشناساند، یک خلاصه «شاهنامه» را تألیف کرد و آن را از بعضی اشتباهاتی که در چاپ اول وارد شده بود، پیراست.

پیتزی بخوبی می‌دانست که اگر فرهنگ در محیط علماء و متخصصین خاورشناسی محدود و منحصر بماند بی‌اثر و بی‌فایده خواهد شد. بدین خاطر سعی کرد تا کتابهایی برای آموزش در مدرسه‌های متوسطه منتشر کند. او بدین

منظور کتابی بنام «حکمت آداب»^(۱) که در آن منتخباتی از «شاهنامه» درج کرده بود، انتشار داد.

اگر عده‌ایی از ایتالیایی‌های باسواد، نام فردوسی را از سالهای مدرسه بخاطر می‌آوردند باید ممنون پیتزی و کتاب وی باشند.

می‌توان در پایان به طور خلاصه گفت که در ایتالیا شخصیت فردوسی بوده که خاورشناسان ایتالیایی را به طرف مطالعه ایران باستان و فرهنگ ایران زمین کشانده است. بطوریکه وقتی در سال ۱۹۳۳ در جشن هزاره فردوسی یک نماینده از ایتالیا به ایران آمد و در همان سال در رم کتابی درباره فردوسی چاپ شد.^(۲) که در آن پروفسور روسی و پاگلیاروگابریلی مقالاتی درباره حکیم طوس و تأثیر وی در ادبیات فارسی منتشر کرده‌اند. علاوه بر این، پروفسور الساندرو بوزانی در اثر خود «تاریخ ادبیات فارسی» که در ماه مه ۱۹۶۰ در میلان منتشر ساخت، قریب سی صفحه از کتاب خود را به فردوسی و شاهنامه‌اش اختصاص داد و بعضی پاره‌های شاهنامه را مثلاً جنگ رستم و سهراب و ناپدید شدن خسرو در البرزکوه و قسمتی از بیژن و منیژه را به نثر مسجع ایتالیایی برگرداند.

در روز ۲۹ نوامبر ۱۹۵۸ در حضور وزیر خارجه ایران و سفیر ایران در ایتالیا و نمایندگان فرهنگی ایران و ایتالیا در میدان قشنگ پارک «ویلا برگیزه» در شهر رم مجسمه حکیم فردوسی اثر مجسمه‌ساز ایرانی آقای صدیقی نصب گردید که در ضمن آن پروفسور الساندرو بوزانی چند شعر حکیم طوس را به

1. Ammestramenti oi Letteratura

۲- عنوان این کتاب Persia Antica e Moderna بود.

سبک تازه‌یی برای هموطنان ایتالیایی خود شرح داد.^(۱)

از این سال به بعد نام این میدان به نام «میدان فردوسی» نامیده شد. البته توجه به فردوسی در ایتالیا چنانکه گفته شد سابقه قدیمی‌تری دارد. چنانکه در سال ۱۹۳۳ میلادی به مناسبت «هزاره تولد فردوسی» مراسم با شکوهی از سوی شخصیت‌های ادبی و فرهنگی ایتالیا برگزار شد. نکته دیگری که در باب این مجسمه گفتنی است آن که در دی ماه سال ۱۳۷۲ مجدداً مجسمه ترمیم و بازسازی گردیده و در همان مکان نصب شد که در مراسم پرده‌برداری از این مجسمه سفیر ایران در ایتالیا، معاون بین‌المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رؤسای خانه‌های فرهنگ ایران و ایتالیا و گروهی از شخصیت‌های فرهنگی و علمی ایتالیا و شهردار رم حضور داشتند.

در سال ۱۳۷۳، انتشارات توس در فلورانس چاپ تازه‌ای از «شاهنامه فردوسی» را با ویراستاری مهدی قریب و محمدعلی بهبودی برمبنای نسخه موزه بریتانیا منتشر کرد.

نسخه شاهنامه فردوسی در کتابخانه فلورانس

داستان کشف و معرفی این نسخه که بعدها به نام «شاهنامه فلورانس» مشهور شد چنین بود که نخستین بار در ایران، مجله آینده در تابستان ۱۳۵۸ نامه‌ای از کاشف نسخه، پروفسور پیه مونتسه، منتشر ساخت که در آن خبر می‌داد که این نسخه از شاهنامه از قدیمی‌ترین نسخه‌هاست و تاریخ آن سی‌ام ماه محرم سال ۶۱۴ را در بردارد.

تا آن زمان نسخه کهن شاهنامه، نسخه‌ای مضبوط در کتابخانه موزه

بریتانیا بود که تاریخ ۶۷۵ قمری را داشت. بنابراین خبر نسخه نو یافته که ۶۱ سال بر کهن ترین نسخه شناخته شده «شاهنامه» تقدم می یافت بسیار مورد توجه واقع شد. پس از آن پروفیسور پیه مونتسه مقدمه نسخه فلورانس را در شماره خرداد - تیر ۱۳۵۹ مجله آینده سال ششم انتشار داد. آغاز این مقدمه که افتادگی دارد، چنین آغاز می شود:

که بودی بدیهه آنچه از وی درخواستندی در حال بگفتنی و طبعی سخت موافق نیکو داشت، اتفاق چنین افتاد که نخست در آن ولایت طوس را صحبت او با مردی افتاد که او را ماهک بازیگر گفتندی و بلعجب کار بود و در علم شعبده سخت چابک بود...

این مقدمه از وسط نیز افتادگی دارد و به اعتبار همانندی با مقدمه «شاهنامه بایسنقری»، ماجرای رنجیدگی فردوسی و هجوگویی آن، در این مقدمه نیامده است و در آن پس از برگی می آید:

...شعر نیک دانستی و فردوسی نزدیک پانصد بیت در مدح شاه گفته بود و در شهنامه آورده و شرحی داده که تو شاه مازندرانی، نبیره رستمی و نسبت تو به سام و نریمان می کشد...

مقدمه نسخه «شاهنامه» فلورانس با خواب دیدن فردوسی، رستم را به پایان می آید. همان که در مقدمه شاهنامه بایسنقری آمده است در متن کتاب در برگ ۷ نسخه فلورانس عنوانی آمده است که بس شگفتی آور و دل آزار است. که در اینجا برای اطلاع خوانندگان علاقه مند آن را می آوریم:

«گفتار اندر آن که فردوسی این حکایت با نظم می کند اگر سخنی نامعقول باشد بروی عیب نکنند. که حکایت بدین گونه بود:

از او هر چه اندر خورد با خرد دگر بر سره رمز معنی برد
از او هر چه نامور نامه از نیک و بد چنان دان که تصدیقش آرد خرد

سخن هست بعضی که معقول نیست ولیکن مبر ظن که منقول نیست اگر از پی خاص رفتی سخن نبود ی یکی حشو سر تا به بُن و گر سر بر بودی از بهر عام شدی قصه ناچیز و گفتار خام از آن طبع را نفرتی خاستی بدو هر کسی دل بیاراستی در آن جهد کردم که تا نیک و بد خردمند والا و اندک خرد بیابند از این نامه دلپذیر ز معقول بهره ز منقول بیر به نزدیک دانش‌وران روشنست که حشو و دروغش نه جرم منست بپتھای الحاقی که در این نسخه آمده، در مقابله و سنجش با دیگر نسخه‌های شناخته شده معتبر، تردیدهایی در اصالت نسخه پدید آورد، ولی نظر پروفیسور بازیل‌گری هنرشناس نامدار انگلیسی که چند سالی است که در گذشته است، درباره سرلوحه‌های کتاب این است که از این لوحه‌ها نمونه‌های همانند روزگار سلجوقیان است...^(۱)

در پایان نسخه فلورانس چنین آمده:

تمام شد مجلد اول از شاه‌نامه به پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه سیّم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده، بحمد.../ تعالی و حسن توفیق، و صلی الله علی خیر خلقه محمد، واله الطاهرین الطیبین.^(۲)

پس از آن، باز هم در ایتالیا و از سوی ایران‌شناسان ایتالیایی خبرها و آثاری در باره فردوسی و شاهنامه به منصه ظهور رسید که آخرین آن، منتخبی از اشعار فردوسی توسط جان روبرتو اسکارچیا به زبان ایتالیایی است.

۱- «شاهنامه فردوسی کتابخانه فلورانس»، اطلاعات، ۶۹/۱۰/۹، شماره ۱۹۲۲۶، ص ۶.

□ عجر خیام در ایتالیا

هم‌آوایی لیوپاردی و خیام

شاعر بزرگ ایتالیایی جاکومو لیوپاردی که در سال ۱۸۳۷ در سن سی‌ونه سالگی فوت کرد، یکی از عالیت‌ترین شاعران شکاک اروپا دانسته می‌شود. او در نظم‌ی بسیار زیبا تحت عنوان «سرود شبانه چوپان آسیایی» خطاب به ماه می‌سراید:

«ای ماه! تو در آسمان چه می‌کنی؟ بگو به من ای ماه ساکت
شب از افق برمی‌آیی و بالای بیابانها می‌روی و تماشا می‌کنی
و از چشم انسان ناپدید می‌شوی، آیا از این راه رفتن بی‌پایان خسته نشدی؟
آیا هنوز از دیدن این وادیهای خاموش بیزار نگردیده‌ای؟
زندگی چوپان با زندگی تو شباهتی عجیب دارد، او بامداد برمی‌خیزد
و گله خود را در بیابان میراند و پاسبانی می‌کند، گوسفندان، چشمه‌ها و
چراگاه‌ها را نگاه می‌کند.
بعد از راه رفتن خسته، در تاریکی شب استراحت می‌جوید و هیچ‌امیدی دیگر
ندارد.

بگو به من ای ماه! معنی حیات چوپان چیست؟ چیست مقصود این رفتن کوتاه
من

منظور آن رفتن بلند و جاویدان تو؟^(۱)

اما تو ای ماه مانند ما نیستی، هرگز نمی‌میری و شاید بحرهای من اعتنایی
نبخشی.

یا شاید تو، ای ماه که اینقدر جلدی بنظر می‌رسی، این زندگی ما را بفهمی

شاید تو نیز حس کنی که درد ما، آه و فغان ما، مردن ما برای چیست؟
و شاید جواب تو به من این باشد که از این هستی فانی تو کسی دیگر استفاده
می‌نماید، کسی دیگر دور از ما، از زندگی ما خوش است، اما برای من زندگی
تلخ است...

شاید اگر من بال و پر می‌داشتم که بتوانم بسوی ابرها پرواز کنم و ستارگان را
یک یک حساب کنم،

و یا اگر من مثل رعد بودم که از کوه به کوه و از وادی به وادی هوا را می‌پیماید،
خوش و خرم‌تر از حالا می‌بودم، ای گوسفندان من، خوش و خرم‌تر از اکنون
می‌بودم ای ماه تابان.

نه که غلط گفتم، زیرا به صورتی، بهرحالی که باشد، درگهواره باشد یا در طویله،
روز تولد برای هر جانور روز نحس و شوم است.

وقتی که لیوپاردی اشعار پر غم خود را می‌سرود، در ایتالیا و در سایر
ممالک اروپا نیز هیچ‌کسی نام عمر خیام را نشنیده بود. ولی اگر فراتر از تأثیرات
و روابط ظاهری و تاریخی، روابط عمیق‌تری را بین دنیا و آخرت قبول کنیم که
احساسات ظاهری ما از ادراک آن عاجز است، شکی نیست که اولین مترجم روح
خیام در ایتالیا لیوپاردی بوده است.^(۱)

بیتزی اولین مترجم رباعیات خیام

بعد از وفات لیوپاردی در ایتالیا وقایع مهمی روی داد. ایتالیای متفرق و
از هم گسسته دوباره متحد گشت و ایتالیا به وحدت ملی نایل شد و فرهنگ
جدیدی در آن سامان شکل گرفت. کتابهای بسیاری به ایتالیایی ترجمه شد،

قصه‌های کوتاه ایتالیایی عنصر مهم و تأثیرگذاری در بین سایر کشورهای اروپایی گردید و علوم جدید در ایتالیا راه ترقی را پیمود.

اولین ایتالیایی که پاره‌ای از رباعیات خیام را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد، ایران‌شناس معروف *ایتالو پیتزی* بود که در سال ۱۸۹۴ دو جلد کتاب «تاریخ شعر فارسی» را منتشر کرد و در جلد اول آن چهار رباعی خیام را به زبان ایتالیایی برگرداند. او چهار مصراع رباعی را به وزنهای بسیار متنوع ایتالیایی درآورد. گاهی چهار تا *endecasy llabe* غیرمقفی، گاهی پنج *endecasy llabe*، گاهی چهار تا *endecasy llabe* به اضافه چندسیلاب دیگر مانند مستزاد فارسی.

اینک مثالی از رباعیات خیام ترجمه پیتزی را برای خوانندگان گرامی می‌آوریم که ترجمه اشعار ذیل است:

ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود

نی نام ز ما و نی نشان خواهد بود
زین پیش نبودیم و نبه هیچ خلال

زین پس چو نباشیم همان خواهد بود^(۱)

مثل تمام ترجمه‌های پیتزی ترجمه اشعار خیام نیز به سبکی تألیف شد که حالا در ایتالیا مقبول طبع عامه مردم نیست و به علاوه ترجمه پیتزی اگر چه حرف به حرف و خیلی دقیق می‌باشد ولی وزن شعرش بعضی نظمیات سبک باروک قرن هفدهم و هیجدهم ادبیات ایتالیایی را یادآوری می‌نماید که آن سبک با معانی شعر خیام هیچ مطابقتی ندارد.

سایر مترجمان رباعیات خیام

همزمان با ترجمه رباعیات خیام توسط پیتزی، شخص دیگری به نام **ویتوریو روگاری** در شهر بولونیا دوازده رباعی از خیام را ترجمه کرد. انتشار رباعیات خیام تا چند سال پیش در اروپا رواج داشت و مردم آنها را به مناسبت روز ازدواج دوستان خود به عنوان هدیه و مبارک‌باد به یکدیگر تقدیم می‌کردند. هم پیتزی و هم روگاری ترجمه خود را از متن فارسی چاپ نیکلاس برگزیدند که البته حالا از طرف تمام دانشمندان، کهنه و غیرقابل اعتنا شمرده می‌شود. ولی آنچه مهم است آن که آنها ترجمه خود را بر متن فارسی بنا نهادند در صورتیکه عده‌ای از مترجمین اغلب بر روی ترجمه‌های زیباتر ولی بی‌دقت **فیتز جرالد** کار کرده‌اند. به هر حال، نباید فراموش کرد که اگر حکیم نیشابوری در ادبیات ایتالیا اثر کرده است این تأثیر نتیجه ترجمه‌های مستشرقین نبوده، بلکه نتیجه مطالعه اثر مشهور **فیتز جرالد** بوده است.^(۱)

منزلت خیام در جراید ایتالیا

در شماره ژوئن سال ۱۸۹۵ مجله ادبی بسیار زیبای «ایل کنویتو» که مدیر آن شاعر معروف ایتالیایی «آدلفو ده‌بوزیر» بود و همکارانی مانند **پاسکولی** و **دانونزه** بودند، مقاله دلچسبی اثر خود ده‌بوزیر درباره خیام و به مناسبت چاپ امریکایی «خیام فیتز جرالد» با تصاویر نقاش امریکایی **البهوودر** منتشر شد. این مقاله را می‌توان نخستین مقاله درباره خیام در یک مجله ادبی ایتالیایی دانست و چون به قلم یکی از بهترین نویسندگان ایتالیایی آنوقت بود مورد علاقه و توجه تمام محافل ادبی و هنری ایتالیا قرار گرفت. در این مقاله

ده‌بوزیر چند رباعی خیام را از فیتز جرالد به نشر شیرین و ادیبانه ایتالیایی ترجمه کرد که می‌توان آن چند رباعی را بهترین یادگار خیام در ایتالیا دانست. شماره مجله «کنویتو» بسیار کمیاب گردید. این مقاله از نقطه نظر دیگری نیز برای تاریخ مطالعات خیام در ایتالیا مهم است. برای اینکه تمام مترجمین دیگر خیام اطلاعاتی را راجع به شرح حال خیام که در مقدمه ترجمه‌های خود درج کردند از همان مقاله وام گرفتند.

مضامین و موضوعاتی چون قصه افسانه‌وار هم مدرسه‌ای بودن عمر خیام، حسن صباح و نظام‌الملک و حکایت نظامی عروضی درباره قبر خیام و (۱)....

قضاوت ده‌بوزیر درباره خیام در خصوص فلسفه و هنر خیام خیلی مثبت است و حتی می‌گوید که عمر خیام درد حیات و مایوسی اوضاع انسانی را بهتر و ساده‌تر از شاعر بزرگ ایتالیایی لیوپاردی ابراز نموده است. آنچه که ده‌بوزیر در شاعری خیام بیشتر می‌پسندد سادگی بیان اوست. بر پایه همین مقاله نام حکیم نیشابور داخل ادبیات ایتالیایی وارد شد و یکی از شاعران هم عصر و همکار ده‌بوزیر یعنی جووانی پاسکولی (۱۸۵۵-۱۹۱۲) منظومه‌ای به عمر خیام اختصاص داده است. (۲)

نفوذ معنوی خیام بر پاسکولی

شکی نیست که پاسکولی تحت نفوذ خیام قرار گرفته و همین تأثیر بخوبی در پاره‌ای از اشعار وی منعکس است و روح شکاک شاعر قدیم نیشابور

۱- بوزانی: فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۳۹-۴۰، ص ۷۹.

۲- همان، ص ۸۱-۲.

در لابه‌لای سطور و اشعار او نمایان است. در نظم پاسکولی، عمرخیام با چشم خیال روبروی آرامگاه مجلل پادشاه یونان باستان ماسولوس در ولایت کاریا دیده می‌شود. خیام خطاب به رفیق خود عبدالله و به پادشاه یونان باستان ماسولوس می‌گوید: ای ماسولوس! تو خواسته‌ای با بنای این مقبره معظم نام خود را جاوید کنی ولی بدان که تمام بناهای آباد در نتیجه کار ساکت دهر، نیست و نابود خواهد شد، در صورتیکه آثار عقلی من مانند آفتاب باقی است! ولی عبدالله جواب می‌دهد: «آفتاب نیز می‌میرد ای خیام (عمر) آفتاب و ستارگان نیز جاوید نیستند.» خیام (عمر) این سخن را شنیده خاموش و غمگین مانده، از آن روز به بعد ترک مشغولیت‌های علمی خود گفته و از تماشای چیزهای کوچک و فانی دنیا، گله‌ها، بهار، بلبلها ممتنع و قانع شد و قبل از مرگ حرف آخر وی این بوده: «فقط آنچه هرگز نمیرد خوب است و فقط آنچه با ما میرد هرگز نمیرد!» در این نظم، شاعر ایتالیایی سعی می‌کند نخستین علت غم خیام را بطور شاعرانه و به شیوه‌ای تازه تأویل کند. اما در بعضی اشعار دیگر وی مخصوصاً در مجموعه مشهور به Primi Poemetti یا «نظمیات اول» که یکی از آنها همان نظم «بقای روح» است و بین سالهای ۱۸۹۷ و ۱۹۰۶ نوشته شده، افکاری خیلی شبیه افکار خیام را اظهار می‌نماید. مثلاً پاسکولی در نظم تحت عنوان «کتاب یا illibro» تصور می‌نماید که کتابی کهنه در اطاق قصر باستانی موجود است و یک دست اسرارآمیز صفحه‌های این کتاب را ورق می‌زند.

این دست در صفحه‌های کتاب، اسرار کائنات و راز حقیقت را می‌جوید که پاسکولی و خیام در جستجوی آن بودند و با هم می‌سرودند:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

دیگر ترجمه‌های رباعیات خیام

جوّ علاقه به خیام بخصوص بین سالهای ۱۹۴۰-۱۹۱۸ رواج داشت. می‌توان گفت که اولین ترجمه ایتالیایی رباعیات خیام که به شکل کتاب در بازار کتابفروشی‌های ایتالیا پدید آمد. ترجمه ویتوریو گتاردی بود که در سال ۱۹۰۳ چاپ شد و یک روزنامه‌نویس جوان موسوم به آنجلو کریسپی برای آن مقدمه‌ای نوشت.^(۱) گتاردی فارسی را نمی‌دانست ولی با این وجود، مایل نبود که از ترجمه فیتز جرالده بهره گیرد و ترجیح داد از ترجمه فرانسوی گرولو که از روی نسخه خطی کتابخانه آکسفورد ترجمه شده و یکسال قبل در پاریس به طبع رسیده بود، استفاده کند. نثر گتاردی اگر چه از لحاظ ادبی خیلی عالی نیست ولی باید اقرار کرد که با ترجمه وی ایتالیایی‌ها بعضی از رباعیات خیام را شناختند.

در سال ۱۹۰۷ ماسیمو دازیویو ترجمه دیگری را از متن فرانسه یا انگلیسی منتشر کرد و در همان سال روزنامه‌نگار دیگر ایتالیایی موسوم به ماریو سپیریتینی در مجله ادبی ایتالیایی مدرن چاپ رم مقاله مفصلی مبنی بر ترجمه فوق‌الذکر نوشت که اگر چه از لحاظ علمی هیچ عنصر تازه‌ای به معلومات ما درباره عمر خیام نیفزود اما با این همه، از میان ترجمه‌های پیتزی و گتاردی و فیتز جرالده بیشتر از همه این ترجمه از خیام توجه محافل ایتالیا را جلب کرد.

در سال ۱۹۱۰ دیه‌گو آسمیلی از خواندن مقاله ده‌بوزیر تشویق شد که به ترجمه تازه‌ای از متن انگلیسی فیتز جرالده بپردازد. چهار سال بعد یک بانوی ایتالیایی موسوم به فولویا فاروفینی نیز اثر فیتز جرالده را به نثر ایتالیایی درآورد اما این بار به نثر موزون زیبایی که از آنجلی خیلی مقبول‌تر است و مقدمه مفصلی نیز بر آن افزوده که اگر چه نمی‌توان آنرا یک نثر خوب شمرد، ولی شرح

بسیار واضح و ساده‌ایی از فلسفه و افکار خیام به دست می‌دهد و شاید برای نخستین بار در ادبیات ایتالیا شاعر نیشابور با شاعر بزرگ ایتالیایی لیوپاردی مقایسه شده است.

ترجمه رباعیات فیتز جرالده دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۹ به شکل کتاب از طرف شرکت نشریات کارل بادو دوباره چاپ شد که البته می‌توان آنرا یکی از زیباترین ترجمه‌های خیام در ایتالیا دانست. در این ترجمه ترتیب قافیه‌ها تقریباً مانند متن اصلی خیام و فیتز جرالده است. یعنی مصراع اول با مصراع دوم و چهارم هم قافیه شده در صورتیکه آخرین کلمه مصراع سوم با ایتالیایی «اکسان» مخصوصی دارد و بدین وسیله توجه خواننده به مصراع چهارم جلب و متمرکز می‌گردد. اینک نمونه‌ای از یک رباعی ماریو کینی را به خوانندگان معرفی می‌نمائیم:^(۱)

Io penso che la rosa non mai tanto rossa
come la dove il sangue d'un cesare l'arrossa
E che i giacini del giardino c'addero
Nel suo grembo da un capo già altero nella fossa

که ترجمه آزاد از این رباعی خیام است:

در هر دشتی که لاله‌زاری بوده است از سرخی خون شهریاری بوده است
هر برگ بنفشه کز زمین می‌روید خالیست که بر رخ نگاری بوده است
کینی در ضمن مقدمه خود برای اولین بار خیام را با شاعر ایتالیایی پاسکولی مقایسه کرده است. به نظر وی شاعر بزرگ ایتالیایی پاسکولی نسبت به خیام ارادت داشته و او را می‌ستوده است. در مدت بین سال ۱۹۱۹ و جنگ

بین‌المللی دوم به نظر می‌رسد که توجه ایتالیایی‌ها به خيام نسبتاً کمتر شده فقط بعد از جنگ، دوبار رباعیات خيام لباس ایتالیایی را پوشید و از سال ۱۹۶۶ به بعد پنج ترجمه دیگر ایتالیایی از خيام منتشر گردید که در بین آنها ترجمه علمی خيام از متن فارسی بود که بوسیله پروفیسور فرانچسکو گابریلی استاد عربی دانشگاه رم در سال ۱۹۴۴ در شهر فلورانس به چاپ رسید. گابریلی که از کتاب خاورشناس مجاری Csillik استفاده کرد، نسخه خطی شماره ۱۴۱۷ Suppl کتابخانه ملی پاریس را اصل ترجمه خود قرار داد و دویست و شصت و هشت رباعی آن را به نثر ایتالیایی بسیار واضح و ساده برگرداند و به آن سی و نه رباعی دیگر از منابع مختلف افزود. او در ضمن مقدمه کتاب شرح مختصری از تاریخ «مسئله خيام» در خاورشناسی را هم آورد.^(۱)

در سال ۱۹۴۸ یعنی فقط چهار سال بعد از ترجمه گابریلی یک زبان‌شناس ایتالیایی در دبیرستان ایتالیایی اسلامبول موسوم به آلساندرو زازارتا در ترجمه تازه خيام طبع آزمایی نمود. تازگی ترجمه زازارتا که خودش فارسی نمی‌دانست ولی با کمک دوستان فارسی زبان خویش موفق گردید که معنای رباعیات را به بعضی مترجمین قبل به اصل نزدیک‌تر کند و آنچه را که فیتز جerald برای انگلیسی‌ها کرده بود وی تا اندازه‌ای موفق شد برای ایتالیایی‌ها به انجام برساند.

به عبارت دیگر زازارتا نخواست از ترجمه فیتز جerald ترجمه کند بلکه کار فیتز جerald را بدین معنی تقلید کرد که مانند شاعر انگلیسی، وی نیز بعد از مطالعه خيام اصلی یک خيام ایتالیایی را ایجاد کرده است.^(۲)

۱- بوزانی: فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۳۹-۳۸، ص ۴-۸۳.

۲- همان، ص ۵-۸۴.

اینک نمونه‌ای از اشعار زازارتا را نقل می‌نماییم:

چون عمر بسر رسد چه شیرین و چه تلخ

پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ

می نوش که بعد از من و تو ماه بسی

از سلخ به غره آید از غره به سلخ

که ایتالیایی آن چنین است:

Passa la Vita-di Baghdad che Avvenne

Balkh oove' mai Troppo si schiuse,e un soffio

Ecco sfoslia la rosu-orsu beiamo

Luna e tu parla: quanti mai vedesti

popoli e tempi dileguar nell'ombra

ترجمهٔ حرف بحرف:

حیات می‌گذرد، چه شد بغداد و چه بلخ؟ غنچه زیاده باز شد و حالا یک دم باد
صبا قادر است برگهای آنرا پریشان و پراکنده کند، بیا و می بنوشیم ای ماه! و تو
بما بگو که چند قوم باستان، چند دورهٔ تاریخی را دیدی که در سایه جاوید در
رفتند؟^(۱)

همانگونه که اشعار خیام از نقطه نظر فلسفی توسط نویسندگانی نظیر

صادق هدایت در کتاب ترانه‌های خیام تأویل گردید و در افکار پراکندهٔ شاعر
نیشابور یک سیستم فکری معینی کشف شد، در ایتالیا نیز در سال ۱۹۵۵ یک
نویسندهٔ دیگر به نام ویوونا که از شیفتگان خیام بود ولی فارسی را به خوبی
نمی‌دانست، کوشش کرد که فلسفهٔ خیام را تأویل کند. وی در کتاب خویش

می‌گوید که خیام دارای فلسفه‌ای معین است و مجموعه «رباعیات خیام» را کتاب فلسفی سیستماتیک می‌داند. کتاب وی به ده باب تقسیم می‌شود که عنوان آنها از این قرار است:

۱ - نمی‌دانم ۲ - خاک استیم خاک ۳ - خدا ۴ - بعد از مرگ ۵ - سرنوشت ما از ازل مکتوب است ۶ - دیر کهنه دنیا ۷ - دی - امروز - فردا ۸ - زهر عشق ۹ - یگانه خوشی ما: شراب ۱۰ - اضطراب و مستی.

این را نیز یادآوری کنیم که چاپ کتاب «ویوونا» در جزیره سسیل به توسعه شهرت شاعر نیشابور در ایتالیا کمک مهمی نمود.

یکی از بهترین ترجمه‌های رباعیات خیام به ایتالیایی تاکنون اثر پروفیسور بوزانی است. این ترجمه از روی یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های خیام روابط بین فکر و فن خیام و محیط فرهنگی را که او در آن زندگی کرده نمایانده است. افزون بر این، باید بگوییم که او می‌کوشد تا ثابت کند که خیام مسلمان بوده و در یک محیط اسلامی تربیت یافته است.

به نظر پروفیسور بوزانی اعتراض و مخالفت خیام را نمی‌توان با پروتست و مخالفت مردم ایتالیا مقایسه نمود و وی با آنچه دکتر فروغی در این خصوص نوشته اظهار همفکری کرده: کسانی که «رباعیات خیام» را دلیل بر کفر و زندقه او دانسته‌اند غافل بوده‌اند که این جستجوی حقیقت با دین و ایمان منافعی نیست چه مانعی دارد که کسی بگوید من از کار دنیا سر در نیاوردم یعنی حکمت کار خدا را نیافتم بلکه اگر نگوید عجب است. زیرا که فهم بشر از دریافت حکمت کار خدا عاجز است و پیغمبر اکرم فرموده «ما عرفناک حق معرفتک».

از کارهای دیگری که درباره خیام در ایتالیا نشر یافته، ترجمه آقای پاسکال مشاور سابق سفارت ایران در واتیکان است. او خیام را به زبان فرانسه ترجمه کرد. ولی چون کتاب وی در رم در سال ۱۹۵۸ با تصاویر بسیار عالی

منتشر شد. می‌توان آن را آخرین ترجمهٔ خیام در ایتالیا دانست. حاصل آنکه در ایتالیا مترجمین خیام موفق شدند حکیم نیشابور را به قلب ایتالیایی‌ها نزدیک بسازند تا حدی که نام خیام قسمتی از فرهنگ ایتالیایی گردیده و حتی شعرای مدرن ایتالیایی مانند *کارداری* به افتخار وی شعر گفتند.^(۱)

آخرین کار درباره خیام منتخب رباعیات خیام است که توسط *روبرتو اسکارچیا* به زبان ایتالیایی انجام گرفته است.

□ حافظ‌شناسی در ایتالیا

در باب آشنایی اروپائیان با *حافظ* و شعر و اندیشهٔ او باید این سخن خانم *آنه ماری شیمیل* نویسندهٔ شرقشناس معروف و مولوی‌شناس آلمانی را بازگو کنیم که می‌گوید: «اروپا برای اولین بار در سال ۱۶۵۰ میلادی سخنی دربارهٔ *حافظ* شنید و آن زمانی بود که *پیترو دلاواله* ایتالیایی در سفرنامهٔ خود ذکری از *حافظ* به میان آورد.»

سفرنامه *پیترو دلاواله* برای خاورشناسان، ادیبان، تاریخ‌نویسان و پژوهندگانی که می‌خواستند اخبار دست‌اولی دربارهٔ تاریخ، آداب و سنن و فرهنگ کشورهای شرقی و مخصوصاً ایران بدست آوردند، یک منبع مهم و عمده به حساب می‌آمد. شاید یکی از مهمترین دلایل جاذبیت این سفرنامه آشنایی *دلاواله* با زبان و ادبیات فارسی باشد. بنابر آنچه نوشته‌اند مهارت این جهانگرد ایتالیایی در زبان فارسی به حدی بوده که قادر به شعر گفتن به زبان فارسی نیز بوده و اشعار شعرای صاحب‌نام فارسی را بخوبی می‌فهمیده و تجزیه

و تحلیل می‌کرده است.^(۱)

بهرحال معرفی که **پیترو دلاواله** نسبت به زبان و ادبیات فارسی پیدا کرد در مقایسه با آنچه مسافران غربی تا آن زمان بدست آورده بودند، شناختی استثنایی بود و از میان این شناختها، جالبترین و مفصلترین بخش آن متعلق به **حافظ** بود.

در باب چگونگی آشنایی **دلاواله** با **حافظ** و **شیراز** باید بگوییم که او در تابستان سال ۱۶۲۲ میلادی چند ماه در شیراز اقامت داشته و در اول ماه ژوئیه همان سال (برابر با دهم تیرماه ۱۰۰۱ هجری شمسی) آرامگاه **خواجه حافظ** را زیارت کرده و تفصیل آن را در سفرنامه خود آورده است. شرحی که **دلاواله** درباره **حافظ** می‌دهد، علاوه بر ملاحظات ادبی حاوی مطالبی درباره شهرت و محبوبیت شعر **حافظ** در ایران آن دوره نیز می‌باشد. از این همه معلوم می‌شود که **دلاواله** از رتبه و اهمیت شعر **حافظ** در ادبیات فارسی آگاهی داشته و دیوان او را بخوبی می‌شناخته است.

وی در قسمتی از گزارش خود در این باب می‌نویسد:

« ماه ژوئیه فرا رسید در نخستین روز این ماه از خانه زیبایی که در آن سکونت داشتم بیرون رفتم، قدری دورتر در سمت چپ جاده بلند و زیبایی که به شهر منتهی می‌شود، مقبره **خواجه حافظ** شاعر نامدار ایرانی قرار دارد. شاعری که همه دیوانش غزل است یا مایه تغزل دارد و می‌توان آن را با سبکهای «توسکانا» یا «اپیکرامی» لاتینی مقایسه کرد. اشعار **حافظ** در میان فارسی زبانان شهرت

۱- مهدی علانی حسینی، «**حافظ شیراز در اروپا**»، سروش شماره ۷۷۳، ۷ بهمن ماه ۱۳۷۴،

زیادی دارد و در بین مردم متداول است و همه آن را می‌خوانند. مانند اشعار پترارکا در میان مردم ایتالیا.^(۱)

دلاواله آنگاه آرامگاه **حافظ** را در اوایل قرن یازدهم هجری شمسی چنین

توصیف می‌کند:

«آنجا باغی است بسیار وسیع و آراسته، با ساختمانهای زیاد، در این باغ آنچه بیش از همه جلب نظر می‌کند، بنای معبد مانند کوچکی است با یک گنبد که قبر شاعر در آن واقع است. قبری است بزرگ از سنگ مرمر، که از بالا تا پایین با نوشته‌ها و یادبودها منقوش است. مسلمانان این محل را «زیارت» (در متن اصلی به فارسی آمده است) می‌خوانند و معتقدند که مانند یک مکان مقدس در خور احترام است...»^(۲)

بهرحال گزارش **دلاواله** در سفرنامه‌اش و سخنرانی او در یکی از آکادمی‌های علمی رم دربارهٔ **حافظ** عامل مهم کشف **حافظ** در غرب بود و مدح و تمجید این ادیب رومی از **حافظ** موجب توجه سایر ادیبان و محققین اروپایی به دیوان **خواجہ حافظ** شد. تنها چندین سال پس از انتشار سفرنامهٔ این مسافر رومی بود که نخستین ترجمه‌های اروپایی **حافظ** انتشار یافتند.

در باب نخستین ترجمه‌های غزلیات **حافظ** در اروپا باید گفت که ظاهراً حدود سیصد و اندی سال پیش بود که مغرب زمین برای نخستین بار و بعد از شرحی که در سفرنامهٔ **دلاواله** خوانده بود با نام **حافظ** و شعر و از طریق ترجمه

۱- همان، ص ۷.

۲- همان.

غزلیاتش آشنا شد.^(۱)

نسخه‌های خطی دیوان حافظ

با توجه به فهرستی که آنجلو میکله پیه مونتسه از نسخه‌های خطی فارسی موجود در ایتالیا تهیه کرده است می‌دانیم که چند نسخه خطی «دیوان حافظ» در کتابخانه‌های ایتالیا وجود دارند. وجود این نسخ خطی علاوه بر اهمیت فیزیولوژی، از لحاظ نشر شهرت حافظ در ایتالیا و اروپا و توجه اروپاییان به این شاعر بزرگ حائز اهمیت است.

از این نظر، برجسته‌ترین مورد نسخه‌ای است که پیترو دلاواله در نیمه اول قرن هفدهم میلادی از شیراز به رم آورده است، این نسخه خطی که ارمغان سفر دلاواله به شیراز است هم‌اکنون در کتابخانه واتیکان نگهداری می‌شود. دلاواله در نسخه خود اخباری از زندگی خود و دلایل توجه و علاقه‌اش به شخصیت حافظ را هم بیان می‌کند.^(۲)

او درباره نسخه‌ای از «دیوان حافظ» که در ساختمان مقبره این شاعر دیده است چنین می‌گوید:

«در اینجا کتاب حافظ که دیوان یعنی مجموعه نامیده می‌شود وجود دارد. اندازه این دیوان بزرگ است و با خط خوب نوشته و تذهیب شده است. اما این نسخه دستنویس خود مؤلف نیست، من شنیدم که دستخط خود مصنف قبلاً در این محل بوده است، اما شاید شاه عباس آن را با خود برده و در کتابخانه‌اش قرار داده است.»

پس از آن دلاواله درباره شعر کوتاهی که به یاد حافظ سروده است

۱- علایی حسینی: حافظ شیراز در اروپا، ص ۷.

۲- همان، ص ۱۳۷.

می‌گوید:

«من که به شاعران علاقه‌مندم در جوار قبر **حافظ** چهار مصرع شعر به زبان خودمان و به رسم یادبود گفتم و در آن به غزل‌های او اشاره کردم، **حافظ** چند غزل سروده و در هر یک از آنها نام خود را به مناسبت آورده است.»

«شعری که درباره **حافظ** گفته‌ام اینست:»

«**حافظ** شاعر بزرگ، در این گور»

«استخوانهای فناپذیرش را»

«و در هزار ورق نام خود را»

«با هنر نوشته و باقی گذاشته است»

از تعریف **دلاواله** که با این اظهار احترام به پایان می‌رسد، کاملاً مشهود است که او معنی وظیفه، مخلص و تخلص را که یکی از ویژگی‌های شعر فارسی است و در شعر اروپایی وجود ندارد درک کرده است.^(۱)

همانطور که قبلاً اشاره شد، **دلاواله** علاوه بر معرفی **حافظ** در سفرنامه‌اش، هنگام بازگشت به ایران، در رم کنفرانسی ترتیب داد و درباره **حافظ** و غزل‌هایش، برای مستمعین سخنرانی کرد و ضمن این سخنرانی بعضی از اشعار **حافظ** را که خود ترجمه کرده بود با شعرهایی از **ویرژیل** و دیگر شاعران لاتین مقایسه نمود. یکی از معاصرین **دلاواله**، **پیترو بلوری** است که شاهد آن سخنرانی بوده است. او به ما خبر می‌دهد که سخنرانی ادیب رومی در یک آکادمی شهر رم برگزار شد و در آن ادیبان و شاعران شرکت داشتند. متأسفانه امروز متن آن سخنرانی را در دست نداریم. اگر روزی آن متن بدست آید خواهیم توانست

۱- فیلیپو برتونی، «مسافر رومی پیترو دلاواله و حافظ شیرازی» حافظ‌شناسی، ج ۱۱، ص

نخستین ترجمه ایتالیائی بعضی از غزلهای حافظ را بخوانیم. ترجمه‌ای که تقریباً پنجاه سال قبل از منینسکی صورت گرفته است.

در خاتمه باید بطور خلاصه بگوییم که *دلاواله* نخستین کسی بود که به طرق مختلف از قبیل آوردن نسخه خطی «دیوان حافظ» به رم و شرح مفصلی درباره *حافظ* در سفرنامه و سخنرانی‌اش در رم به نشر شهرت *خواجه حافظ شیرازی* در اروپا همت گماشت.^(۱)

با این که *حافظ* توسط یک جهانگرد ایتالیایی در غرب شناخته و معرفی شد ولی انتشار و ترجمه غزلیاتش در ایتالیا بعد از چند کشور اروپایی دیگر صورت گرفت. آخرین ترجمه غزلیات *حافظ* در ایتالیا کتاب زیبای چشم‌ربایی است که در سال ۱۳۷۱ چاپ شده و شامل دوازده غزل *حافظ* است به خط فارسی و با ترجمه بیست بیت انگلیسی از م. بویلن و نقاشیهای حسین زنده‌رودی^(۲) اثر دیگری که از غزلیات *حافظ* در ایتالیا منتشر شد کتابی است تحت عنوان «غزلهای حافظ» که از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم به زبان ایتالیایی توسط خانم *دانیلا منگینی* منتشر شده. این کتاب با مقدمه انگلیسی و شامل دو بخش در ۸۹۰ صفحه با همکاری بخش فارسی دانشکده شهر ونیز گردآوری شده است. متن کامل دیوان از روی نسخه تصحیح شده دکتر پرویز ناتل خانلری به طریق علمی و با حروف قراردادی لاتین همراه با آوانویسی است. بخش دوم کتاب در بیش از ۴۰۰ صفحه شامل کشف اللغات کامل «دیوان حافظ» است که در آن به کمک کامپیوتر تمامی عبارت به کار گرفته

۱- برتونی: مسافر رومی پیترو دلاواله و حافظ شیرازی، ص ۱۴۴.

۲- آینده، شماره ۱ - ۶، سال ۱۸، فروردین - شهریور ۱۳۷۱، ص ۲۷۳.

شده در اشعار با ذکر تعداد موارد و محل استفاده مشخص شده است.^(۱)

سایر ترجمه‌ها دربارهٔ حافظ:

۱۹۵۸ / «ترجمهٔ چند غزل حافظ» به زبان ایتالیایی توسط *الساندرو بوزانی*
 ۱۹۶۵ / «حافظ شمس‌الدین محمد» به زبان ایتالیایی توسط *جان روبرتو اسکارچیا*، در *دائرة المعارف هنر الموزه*، ش ۱۰۷، دسامبر ۱۹۶۵. وی همچنین
 گزیده‌ای از اشعار *حافظ* را به زبان ایتالیایی ترجمه کرده است.
 بدون تاریخ / «ترجمهٔ ساقی‌نامه و آهوی وحشی حافظ». به زبان ایتالیایی،
 توسط *الساندرو بوزانی*.^(۲)

□ سعدی در ایتالیا

در باب شناخت سعدی در ایتالیا باز هم به نقش *پیترو دلاواله* باید اشاره کنیم.

از میان نسخه‌های خطی فارسی که این مسافر رومی بدست آورده و مطالعه نموده علاوه بر «دیوان حافظ» باید از نسخه‌های دستنویس خسرو و شیرین *نظامی*، لیلی و *مجنون هاتقی* و بوستان و گلستان *سعدی* نام برد. یادداشتهای او دربارهٔ گلستان گواهی می‌دهند که او مخصوصاً «گلستان سعدی» را مورد مطالعه قرار داده و در سفرنامه‌اش ذکری از زیارت مقبرهٔ شیخ اجل سعدی به میان آورده است.^(۳)

داستان‌نویس ایتالیایی *پیگنوتی* در قصهٔ ۲۳ از مجموعه قصه‌های خود،

۱- کیهان فرهنگی، سال پنجم، شمارهٔ ۵، ص ۵۳.

۲- کیهان فرهنگی، سال پنجم، شمارهٔ ۵، مرداد ۱۳۶۷، ص ۱۵۳.

۳- برتونی: مسافر رومی *پیترو دلاواله* و حافظ شیرازی، ص ۱۳۹.

به شعر ایتالیایی، از حکایت در شاهوار بوستان (از روی ترجمه فرانسوی باریه دومنار، ص ۱۸۱) اقتباس کرده است.^(۱)

نخستین ترجمه ایتالیایی «گلستان» از روی متن فارسی، همراه با توضیحات و مباحث تطبیقی، انتقادی جمال شناختی، توسط ژرار دو وینسنته در سال ۱۸۷۳ در ناپل در ۷۶ صفحه به چاپ رسید. در سال ۱۸۹۶ ترجمه ۴ غزل سعدی از فارسی به ایتالیایی انتشار یافت.^(۲)

در سال ۱۳۷۱ صد و یک غزل از سعدی شیرازی به اهتمام ستراک مانوکیان به انجام رسید که دارای متن و ترجمه ایتالیایی می باشد. مترجم این اثر جوانی ایتالیایی متولد ۱۹۶۶ است که تحصیلات ایران شناسی را در دانشگاه ونیز به پایان برده است. ریکاردو زیپولی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ونیز بر این مجموعه مقدمه ای مبسوط نوشته و مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم به انتشار این کتاب کمک کرده است.^(۳)

□ مولوی در ایتالیا

الساندرو بوزانی از جمله ایران شناسان ایتالیایی است که در ترجمه آثار مولوی به زبان ایتالیایی از خود اهتمام در خوری نشان داده و گزیده ای از اشعار مولانا جلال الدین رومی را به این زبان برگردانده است. این گزیده ها در کتابی به نام «رومی، اشعار عرفانی» گردآوری شده و انتشارات ریستولی در سال ۱۹۸۰

۱- هانری ماسه، تحقیقی درباره سعدی، ترجمه غ، یوسفی و م ج. مهدوی اردبیلی (تهران،

طوس، ۱۳۶۴)، ص ۴۱۲.

۲- همان، ص ۳۸۲.

۳- آینده، سال ۱۸، شماره های ۱۲ - ۷، مهر، اسفند ۱۳۷۱، ص ۵۳۵.

آن را به چاپ رسانده است. **بوزانی** در این ترجمه دست به تجربه‌ای زده است که قبلاً **ادوارد فیتز جرالد** انگلیسی آن را در ترجمه اشعار **خیام** آزموده بود. **بوزانی**، همچون **فیتز جرالد** مفهوم و منظور اشعار را استخراج و آنها را در اوزان شعر اروپایی (در این مورد ایتالیایی) پیاده کرده است. **بوزانی** در واقع توانسته است راه بینابینی میان اوزان شعر ایتالیایی و شعر فارسی بیابد و با شناخت ژرفی که از ادبیات و تاریخ اجتماعی و اقلیمی ایران و بویژه از **مولانا** داشته همانطور هم که خود در مقدمه و معرفی نامه طولانی **مولانا** می‌گوید با ترجمه به پژوهشهای **نیکلسن** و دیگران و از روی نسخه **بدیع الزمان فروزانفر** دست به کار این ترجمه زده است. ترجمه اشعار **مولانا** توسط وی به گونه‌ای در اوزان شعری ایتالیایی جای گرفته که خواننده بلافاصله با آن ارتباط برقرار می‌کند.^(۱)

شاید به همین دلیل است که در وصف **مولانا** در پشت جلد کتاب آمده است که هیچ یک از شعرای عرفانی سده میانه ایتالیا مانند **یا کوپه‌نه داتودی**، **جووانی دلا کروچه** و **قدیس ترزا همپراز مولانا** نیستند. بنابراین جای آن دارد که به عنوان نمونه به ترجمه ایتالیایی ابیاتی چند از شعر معروف **مولانا** اثر **بوزانی** اشاره کنیم:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند
ترجمه ایتالیایی آن چنین است:

Ascolta il Flauto di canna, Come'sso narra la sua Storia,
com'esso Triste, Lamenta la separazione:

ترجمه تحت‌اللفظی این ابیات به فارسی اینگونه است:

۱- رضا قبصریه، «شعر مولانا در ترجمه ایتالیایی و مسأله مسجع و قافیه»، پیام کتابخانه،

سال اول، شماره اول، ۱۳۷۰، ص ۱۲۶.

بشنو فلوت از نی (نی) را، چگونه او داستانش را روایت می‌کند.
 چگونه او، غمگین ناله از جدایی می‌کند.
 و یا:

از نیستان تا مرا ببریده‌اند از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
 ترجمه ایتالیایی:

Da quando mi strapparono dal canto ha fallo piangere
 Uomini e donne il mio dolce suono

ترجمه تحت‌اللفظی:

از آن هنگام که مرا از نیستان جدا کرده‌اند
 آوای لطیفم (نفیرم) مردان و زنان را به گریه انداخته است
 و یا:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
 Un cuore Voglio, un cuore dilaniato dal distacco dall'amico
 che passa opiegarli la passione del desiderio d'amore.

ترجمه تحت‌اللفظی:

قلبی طلب می‌کنم، قلبی پاره‌پاره از جدایی از دوست
 که بتوانم به او شرح دهم اشتیاق تمنای عشق را^(۱)
 در این جا مشاهده می‌شود که بوزانی خیانتی در خور مجازات را مرتکب نشده،

۱- فیصلیه: شعر مولانا در ترجمه ایتالیایی و مسئله مسجع و قافیه، ص ۱۲۷.

بلکه با توجه به قالب شعری ایتالیا مفهوم را رساننده و ادای دین کرده است.^(۱)

ترجمه دیوان شمس

از دیگر کارهایی که در مورد مولانا جلال‌الدین بلخی در ایتالیا انجام گرفته انتشار و ترجمه ایتالیایی هزار بیت برگزیده از دیوان کبیر شمس است که به همت خانم آرزو اقتداری انجام گرفته است. وی که تحصیلات زبان و ادبیات را در دانشگاه و نیز ایتالیا به انجام رسانیده، نود و هفت غزل دیوان شمس تبریزی را برگزیده و آن را که حاوی ۱۱۹۱ بیت است ترجمه کرده است. وی متن فارسی ابیات را به انضمام مقدمه‌ای در توضیح خوبی نحوه تحقیق واژه‌های دیوان کبیر در گروه بسامدی در اثر خود آورده است.^(۲)

عطار

نخستین ترجمه کامل منطق‌الطیر عطار به زبان ایتالیایی در سال ۱۹۸۶ انتشار یافت. این ترجمه از روی چاپ مصحح محمدجواد مشکور (تهران: ۱۳۴۷) انجام گرفته است که متن قابل اعتمادی نیست. وانگهی مترجم ایتالیایی در تدوین مقدمه و حواشی کتاب به همه منابع مراجعه نکرده و مثلاً مقاله محققانه آنجلو پیه مونتسه را در ارائه نسخه خطی مصور ناشناخته کتابخانه تورینو متعلق به سال ۸۵۷ قمری که در سال ۱۹۸۴ نوشته شده ندیده است. در عین حال این کتاب به دلیل برخورداری از یک مؤخره مفصل در خور

۱- همان، ص ۸-۱۲۷.

۲- آینده، سال نوزدهم، مهر - آذر ۱۳۷۲، شماره ۷ و ۹، ص ۸۵۶.

توجه و سودمند است. این مؤخره از چهار فصل تشکیل شده است:

- ۱ - عطار و روزگار او
- ۲ - تصوف و شعر صوفیانه
- ۳ - منطق الطیر، زبان عرفان و انگیزه‌های جدی آن
- ۴ - یادداشتهای کتاب شناختی شامل عناوین همراه با یادداشتهای بسیار.^(۱)

▣ باباطاهر عریان

از سال ۱۹۳۸ تاکنون چندین کتاب و مقاله دربارهٔ بابا طاهر در ایتالیا نوشته شده است. مثلاً استاد گابریل ربه‌کی باباطاهر را موضوع یک دوره از سخنرانیهای خود در دانشگاه‌های ایتالیا قرار داده و حاصل آن را به صورت کتاب «ترجمه ایتالیایی دو بیتی باباطاهر» چاپ کرده است. مترجم برای کار خود، متن مصصح وحید دستگردی را که با مقدمه رشید یاسمی در سال ۱۳۳۱ تحت عنوان «دیوان بابا طاهر» چاپ شده، اساس قرار داده و ۲۹۶ دو بیت را به ایتالیایی برگردانده است.^(۲)

همچنین ترجمهٔ ایتالیایی دوبیتیهای باباطاهر توسط راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹ صورت گرفته است.

۱- نشر دانش، سال ۱۱، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۹، ص ۹-۴۸.

۲- آزاد بروجردی، «ترجمهٔ ایتالیایی دو بیتی‌های باباطاهر»، نشر دانش، سال ۱۱، شماره

اول، آذر و دی ۱۳۶۹، ص ۹-۴۸.

□ نظامی

در سال ۱۹۳۷ اثر ارزنده‌ای دربارهٔ نظامی توسط فرانچسکو گابریلی به چاپ رسید. در سال ۱۹۶۷ اثر معروف الساندرو بوزانی درباره نظامی چاپ شد و بالاخره آن که در فروردین ۱۳۵۴ در ایتالیا کنگره بزرگداشت نظامی برپا شد.

تأثیر نظامی بر موسیقیدان ایتالیایی پوچینی

“توراندوت” اپرای معروفی است اثر پوچینی که از سال ۱۹۲۶ به بعد هر سال بر روی صحنه معروفترین اپراهای دنیا آمده است. تصور اکثر دوستان اپرا در ایتالیا و سایر نقاط دنیا بر این است که اصل داستان آن از خاور دور است در حالیکه این داستان در واقع از خاورمیانه است. چون در اپرای پوچینی “توراندوت” یک شاهزاده خانم چینی است و داستان در چین اتفاق می‌افتد. ولی به احتمال قوی این داستان از ایران است و بر مبنای کوشک سرخ هفت پیکر نظامی سامان یافته است. البته ساده‌تر آن است که شباهتهای این دو را با هم نشان دهیم تا این که بخواهیم ثابت کنیم یکی از دیگری اقتباس شده است. متن این اپرا مربوط به قرن هیجدهم میلادی و براساس نمایشنامه‌ای است به قلم کارلو گوتزی به نام “توراندوت”.

تا اواسط قرن هیجدهم یک نوع تئاتر کمدی بداهه‌پردازی بنام کمدیا دل آرته بر صحنهٔ تئاترهای ایتالیا حکومت می‌کرد که شباهتهای زیادی بین این نوع کمدی ایتالیایی و روحوضی ایرانی وجود دارد. مثلاً در شخصیتهای بارزی مانند حاجی، سیاه دلکک، تروفالدینو، پانتالونه، بریگلا، تارتالیا و در روش اجرا و در

این که هر دوی این سبکهای تئاتری بدون سناریوست.^(۱)

در اواسط قرن هیجدهم میلادی، گولدونی و کیاری دو شخصیت معروف در اصلاح تئاتر بودند که نفوذ زیادی هم پیدا کردند. یک قسمت از برنامه این اصلاح طلبها از بین بردن بیگانه بود. مدافع سرسخت این تئاتر واقعاً بدیع و مردمی، شخصی بود به نام کارلو گوتزی که یک آرسیتوکرات و نمایشنامه‌نویس ونیزی بود که میل داشت تازگی و هیجان افسانه‌های شرقی را به این فرم تئاتری رو به زوال اضافه کند. او موفق شد که بین داستانها و افسانه‌های خاور نزدیک و کاراکترهای کمدی دل‌آرته هماهنگی کامل ایجاد کند. موفقیت نمایشنامه «عشق سرنارنج» در سال ۱۷۶۱ که اقتباس از یکی از داستانهای هزار و یک شب بود، نشان داد که استفاده از این نوع نمایشنامه‌ها نه تنها می‌تواند سبک فی البداهه کمدی ایتالیایی را حفظ کرده و تماشاچیان را با چیزهای تازه سرگرم کند، بلکه می‌تواند در لباس تشبیه و از طریق تراژدی یا طنز، کاراکترهای معمولی را همراه با درسهای اخلاقی قرین سازد.

به این ترتیب گوتزی، با نوشتن یک سری نمایشنامه، کم‌کم جنبه‌های روحوضی را حذف نمود و جنبه‌های دراماتیک را اضافه کرد. وی قسمت زیادی از دیالوگ را روی کاغذ آورد. افسانه و کمدی را با هم تلفیق کرد و به صورت طنز ادبی در آورد. البته بدون اینکه طبیعت کاراکترهای شناخته شده را از بین ببرد. بقول خود گوتزی، او "دست دوستان قدیمی یعنی تروفالدینو، تارتالیا، بریگلا، پانتالونه و اسمیرالدینا را گرفت و آنها را وارد داستانهای شرقی کرد." در اثر همین

۱- پیتر چلکوفسکی، «آیا اپرای توراندوت پوچینی براساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی است؟»، مجله ایران‌شناسی ویژه‌نامه «سال نظامی گنجوی»، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۰، ص ۵-۷۱۴.

اختلاط، ما امروز هم *ترووالدینو*، *پانتالونه* و *اسمیرالدینا* را در ابرای پروکونیف به نام "عشق سه نارنج" (۱۹۲۱) می‌بینم.^(۱)

یکی از مهمترین داستانهای گوتزی "توراندوت" است که مانع سقوط کم‌دیا دل آرته شد و بعدها هم اثر عمیقی روی شعرای رومانتیک اروپایی مثل شیلر و گوته و اپرانویسهای معروفی مانند بوسونی و پوچینی گذاشت. بنظر می‌آید که داستان *توراندوت* نیز از نام *توراندخت* گرفته شده باشد. در توضیح قصه *توراندخت* و یا *توراندوت* باید متذکر شد *بهرام گور کاخ* هفت گنبدی ساخته بود که هفت شاهزاده خانم از هفت گوشه جهان در آن زندگی می‌کردند. او هر روز هفته به دیدار یکی از آنها می‌رفت. این شاهزاده خانمها و کاخهایشان سمبلی هستند از هفت فلک، هفت اقلیم، هفت رنگ رنگین کمان و هفت روز هفته. این کاخها هم همگی گنبدی هستند و ساختمان افلاک را نشان می‌دهند. طرز حرکت *بهرام گور* و دیدار او با هر شاهزاده خانم مسیری است سمبلیک بین سیاهی و یا شکوه و جلال مخفی خدایی و سفیدی به معنی پاکی و وحدت. در هر کدام از این کوشکها یک شاهزاده خانم از *بهرام* استقبال می‌کند. هر روز *بهرام* لباسی به رنگ سمبلیک آن روز می‌پوشد که بر مبنای نور آن سیاره است. رنگها و تزیینات کوشکها، رنگهای لباسها و رنگ جواهرات *بهرام* و شاهزاده خانمها به بیننده لذت بصری می‌دهند. موسیقی متن به گوش خوشایند است، بوی عطرها و عود حس شامه را نوازش می‌دهند. شرابه‌های ملایم و غذاهای مطبوع ذائقه را تحریک می‌کنند و پارچه‌های مخمل و ابریشم نرم باعث لذت حس لامسه هستند. تمام این عوامل محرکهایی هستند که روی حواس اثر می‌گذارند. بالاخره در آخر روز که تمام حسهای *بهرام* تحریک شد از میزبان

می‌خواهد که برایش داستانی بگوید تا حس تخیلش نیز به حرکت در بیاید. روز سه شنبه بهرام به دیدار یک شاهزاده خانم اسلاو در کوشک سرخ می‌رود. روز سه شنبه، مخصوص مریخ و تحت نفوذ این سیاره است و روزی است بسیار برازندهٔ پادشاه... دختر پادشاه اسلاوها در انتظار بهرام است. شاهزاده خانم با لبخندی داستانش را شروع می‌کند:

در زمانهای قدیم در یکی از بلاد روسیه شاهزاده خانمی زندگی می‌کرد که در زیبایی مثل و مانند نداشت. زیبایی او آنقدر بود که در تمام مملکت مردی نبود که عاشقش نباشد. این شاهزاده خانم روس از هر مردی عالمتر بود و در هنرها هم نظیر نداشت. او حاضر نبود با هیچ کس ازدواج کند مگر با خواستگاری که بتواند از حملهٔ شمشیرزان وی که در سر راه قصر او پر بالایی یک کوه گمارده شده بودند، جان سالم به در ببرد. بعلاوه، این خواستگار باید قفل و زنجیرهای در قلعه را باز کند تا بتواند وارد شود. شاهزاده خانم تابلوی زیبایی از صورت خودش کشیده بود و روی آن شعری نوشته بود به این مضمون که فقط حاضر است با زیباترین و قویترین مردی ازدواج کند که بتواند به چهارمعمای او پاسخ بگوید. یک شاهزادهٔ جوان، عاشق تصویر شاهزاده خانم شد و در بیابان، پیر دنیا دیده‌ای به او یاد داد چطور از شمشیرها فرار کند و چطور در قصر را باز کند و جواب چهارمعمایی را هم که شاهزاده خانم در حضور شاه از او می‌پرسید به او یاد داد. به این ترتیب شاهزاده توانست معماها را حل کند و هدایای مناسبی هم در جواب هدایای شاهزاده خانم داشته باشد. عاقبت چون این شاهزاده هیچ عیبی نداشت، شاهزاده خانم قبول کرد با او ازدواج کند.^(۱)

۱- چلکوفسکی: آیا اپرای توراندوت پوچینی براساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی

گوتزی که مستقیماً نمایش خود را برای صحنه می‌نوشت، قسمت اول داستان نظامی یعنی را سخت خواستگاران برای رسیدن به قلعه کوهستانی شاهزاده خانم راه کنار گذاشت و از قسمت دوم داستان شروع کرد که خواستگاران باید جواب معماها را بدهند. گوتزی، توراندوت را دختر امپراطور چین کرد و محل اتفاق داستان را به پکن برد. او در پیروی از روش خودش در مخلوط کردن افسانه‌های شرقی با کاراکترهای ایتالیایی، تمام کاراکترهای کم‌دیا دل آرته را به پکن برد تا بتوانند در صحنه چینی ظاهر شوند و در عین حال با مشخصات محل اصلی خود حرف بزنند. تارتالیا تبدیل شد به صدراعظم چین، بریگلا نقش رئیس غلامان سلطنتی را به عهده گرفت و تروفالدینو خواجه حرامسرای توراندوت شد. در شروع نمایش صحنه دلخراش دروازه اصلی پکن را می‌بینیم که با سرخواستگاران شکست خورده تزیین شده است. کاراکترهای خنده‌دار کم‌دیا دل آرته همراه شاهزاده سمرقند هستند که نتوانسته جواب معماها را بدهد و قرار است اعدام شود. بحث آنها در مورد مناسبترین جای دروازه برای سر اوست. در اینجا شاهزاده خلف، پسر تیمور وارد می‌شود. او پس از شکستی که از دشمنانش خورده مجبور شده با سرافکنندگی از مملکتش فرار کند. در برابر صحنه دردآوری از دروازه پکن، خلف با دیدن تابلویی از شاهزاده خانم توراندوت، دختر آلتوم، امپراطور چین، که متعلق به شاهزاده سمرقندی بوده، عاشق دلخسته او می‌شود.

براک، دوست خلف، تلاش می‌کند که شاهزاده را از خیال رسیدن به توراندوت منصرف کند، به او می‌گوید: "او زنی است زیبا ولی بیرحم و همین قساوتش باعث غمهای فراوانی شده و اشکهای زیادی جاری کرده است. زیبایی توراندوت هنرمندان زیادی را به سوی او جلب کرده و هیچ‌کدام نتوانسته‌اند این زیبایی را نشان دهند. ولی در زیر این صورت زیبا طبع خشنی نهفته است. او

نسبت به جنس مرد دشمنی فراوانی دارد. بزرگترین شاهان دنیا خواسته‌اند به او برسند و نتیجه‌ای نگرفته‌اند. این تصویر را دور بینداز. این تصویر مسموم را از خودت دور کن. تو را به خدا بیشتر از این سم مهلک ننوش. بیش از این به این زیبایی وحشی نگاه نکن." **خلف** جواب می‌دهد: "بیهوده مرا نترسان. چه صورت زیبا و روشنی. چه چشمان قشنگی. چه لبهای خندانی. خوشا به حال آن مردی که بتواند صاحب چنین تصویر زیبا و دلپذیری باشد. آیا ممکن است من مالک او بشوم. **براک**، نام مرا به هیچ کس مگو. این جاست که باید بختم را بیازمایم. این زیباترین زنی است که تا به حال بوده و این جا هم بزرگترین امپراطوری است. با حل معماهای او یا برای همیشه خوشبخت خواهم شد و یا جانم را از دست داده از این بار گران خلاص خواهم شد. با یک ضربه می‌توانم خودم را از این بار خلاص کنم."^(۱)

چهار پرده بعدی نشان‌دهنده مواجهه **دراماتیک خلف و توراندوت** است. **توراندوتِ گوتزی** یک کمدی تراژیک است در پنج پرده. برخلاف متن "عشق سه نارنج" که فقط به صورت خلاصه داستان وجود دارد و تقریباً تمام دیالوگش بداهه‌پردازی است، در **توراندوت** نقش همه به دقت نوشته شده است. **توراندوت** برای اولین بار در سال ۱۷۶۲ در تئاتر سان سالواتوره^(۲) در ونیز توسط گروه دوره‌گرد معروف **آنتونیو ساچی**^(۳) که در کمدیا دل آрте تخصص داشتند به روی صحنه آمد. این کار خون تازه‌ای بود که **گوتزی** به قالب کمدیا

۱- چلکوفسکی: **آیا اپرای توراندوت پوچینی براساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی**

است؟، ص ۸-۱۷.

2. (San Salvatore)

3. Antonio Sacchi

تزریق کرد. ضمناً از طریق این فرم جدید کم‌دیا، ادبیات ایرانی هم توانست اثر عمیقی در رومانتیک‌ها، بخصوص در آلمان بگذارد. گوته که در سال ۱۷۸۶ این نمایش *گوتز* را دیده بود مسحور *توراندوت* شد و بعدها از آن به عنوان "سرنوشتی که به سبک فوق‌العاده‌ای در هم بافته شده" یاد کرد. نه تنها گوته، بلکه *شلگل*^(۱)، *تیک*^(۲) و *ای. تی. ا. هوفمن*^(۳) هم این داستان را تحسین کردند.

یکی از معروفترین مترجمین آلمانی و انگلیسی *نظامی* به نام *ر. گلیکه*^(۴) آن قدر اطمینان داشت که *توراندوت* بر اساس *کوشک سرخ هفت پیکر نظامی* نوشته است که در ترجمه این مثنوی از فارسی به انگلیسی که در سال ۱۹۷۶ تحت عنوان "داستان هفت شاهزاده خانم"^(۵) چاپ شد، *کوشک سرخ* را به اسم "داستان معماهای *توراندوت* که روز سه شنبه توسط شاهزاده خانم روس گفته شد" معرفی می‌کند.^(۶)

مسلم است که این اثر هنگامی که ونیز روابط محکم تجاری، سیاسی و فرهنگی با ایران و خاورمیانه داشت بدان سرزمین راه یافته است. همانگونه که

1. (Schlegel)

2. (Tieck)

3. (E. T. A Hoffman)

4. (R. Gelpke)

5. The Of The Seven Princesses

۶- چلکوفسکی: *آیا اپرای توراندوت پوچینی براساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی*

است؟، ص ۷۱۸-۹.

می‌دانیم در سال ۱۵۵۷، چاپخانه ونیزی ترامزینو^(۱) یک جلد افسانه‌های شرقی چاپ کرد تحت عنوان "سفرها و ماجراهای سه پسر جوان پادشاه سرانندیب". در صفحه عنوان این کتاب نوشته شده که این متن توسط شخصی به نام کریستوفرو آرمنو از فارسی به ایتالیایی ترجمه شده است. معنی این اسم یعنی کریستوفر ارمنی از مقدمه کوتاهی که آرمنو بر این کتاب نوشته، معلوم می‌شود که او از شهری به نام توریز (Tauris) به ونیز آمده، که این شهر بدون شک همان شهر تبریز است. او بعد از سه سال اقامت در ونیز تصمیم به نوشتن این کتاب گرفت تا به قول خودش دینی را که به مردم ونیز حس می‌کرد پس دهد.

در عرض چهارصد سال گذشته کتاب سفرها و ماجراهای سه پسر جوان پادشاه سرانندیب، اثر فراوانی در ادبیات جهان داشته است چون مقداری از افسانه‌ها و موضوعهای ادبی شرقی را وارد سنتهای اروپایی کرده است. حتی کتاب جدید و پرفروش "نام گل سرخ" (The Name Of The Rose) به قلم امبرتو اکو (Umberto Eco)، محتوی مضمون‌های فراوانی از این کتاب است. ولی تا همین اواخر این کتاب اثری معمول به شمار می‌آمد که توسط یک ایتالیایی ناشناس نوشته شده و به همین دلیل هم مورد استفاده محققین غربی و شرقی خاورمیانه قرار نمی‌گرفت. امروز هیچ شکی نداریم که کتاب سفرها و ماجراهای سه پسر جوان پادشاه سرانندیب اقتباسی است آزاد به زبان ایتالیایی از کتاب هشت بهشت امیر خسرو دهلوی که توسط یک نویسنده ایرانی ارمنی نوشته شده و چنان که می‌دانیم کتاب هشت بهشت هم از اعقاب مستقیم هفت پیکر است.^(۲)

1: (Tramezzino)

۲- چلکوفسکی: آیا اپرای توراندوت پوچینی براساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی

است؟، ص ۲۰-۷۱۸.

سفرها و ماجراهای سه پسر جوان داستان سه پسر پادشاه سرانندیب است. این پادشاه پسرانش را بسیار دوست می‌داشت و بهترین تحصیلات را برایشان فراهم می‌کرد. وقتی این سه پسر درسشان را تمام کردند پدر مجبورشان کرد برای مدتی از مملکت خود خارج شوند تا از راه استفاده عملی از دانشی که آموخته بودند به تجربه‌شان اضافه شود. این سه برادر به سرزمین شاه برامو رفتند که بدون شک سرزمین ایران در زمان بهرام گور است. عقل و دانش این سه برادر باعث شد که احترام و علاقه بهرام نسبت به آنها جلب شود و اغلب آنها را به مأموریت‌های مشکل در ممالک دیگر بفرستد. این سه برادر بخصوص در حل معما مهارت فراوانی داشتند. بسیاری از موضوعهای هفت پیکر در Peregrinaggio دیده می‌شود و بدون شک برگوتزی اثر داشته است، ولی نمی‌توان Peregrinaggio را مدل مستقیم توراندوت گوتزی دانست. ما می‌دانیم که گوتزی با این کتاب آشنایی کامل داشته چون از موضوعهای داستانهای اول و پنجم این کتاب در نمایشنامه خود به نام Li Re Cervo (۱۷۶۲) استفاده کرده است.^(۱)

▣ عبید زاکانی

از دیگر آثاری که از بزرگان ادبیات فارسی در ایتالیا به ترجمه در آمده است ترجمه قسمتهایی از کلیات عبید زاکانی به شرح زیر است که توسط آقای درمه به چاپ رسیده است:

۱ - مقدمه‌ای در هند مشتمل بر زندگی عبید و اوضاع اجتماعی ایران در زمان

او

۲ - اخلاق الاشراف

۳ - صد پند

۴ - رساله دلگشا

۵ - رساله تعریفات در یازده فصل

۶ - تعریفات ملا دو پیازه

۷ - موش و گربه

آقای درمه برای ترجمه این کتاب حدود پنج سال کار کرده است و سعی وی بر این بوده که از تمام منابع موجود و قابل دسترسی به نحو احسن استفاده کند. ترجمه‌های ایشان سلیس و روان است.^(۱)

□ علامه اقبال لاهوری

از جمله کارهایی که در زمینه آثار اقبال صورت گرفته است، ترجمه جاوید نامه اقبال با شرح، تفصیل و مقدمه مفصلی است که در سال ۱۹۵۲ از طرف مؤسسه معروف ایسمثو در رم چاپ شده است.

□ عبدالقادر بیدل

به نظر الساندرو بوزانی، عبدالقادر بیدل یکی از چیره‌دست‌ترین گویندگان زبان فارسی و از عمیق‌ترین متفکران شرقی است. وی فلسفه بیدل را دارای عناصری تازه می‌داند که او را از سایر متصوفان ایرانی ممتاز می‌سازد و دیوان او را نیز پر از غزلیات و نظم‌های فلسفی عمیق می‌داند. او درباره این شاعر

۱- سید منصور سجادی، «گوشه‌ای از ایران‌شناسی در ایتالیا» آینده، س ۸، ش ۱۰، دی

سبک هندی و آثار او مقالاتی انتشار داده است.^(۱)

□ سایر بزرگان ادب فارسی و ادبیات معاصر ایران

در مورد سایر بزرگان ادب فارسی هم باید بگویم که ریکاردو زیپولی به بررسی شعر فارسی از عنصری تا هاتف پرداخته و نمونه‌هایی از اشعار شاعران آن دوره را به دست داده است و جامپیرو بلینگری زندگی و شعر صائب تبریزی را بررسی کرده است و همچنان لوچا سرنالویی، خوشحال خان ختک شاعر بزرگ پشتو زبان قوم پختون (=پتان) (۱۰۲۲-۱۱۰۱ هجری قمری) را معرفی کرده است که دیوانش چندی پیش با عنوان "ارمغان خوشحال" توسط میان سید در پیشاور چاپ شد. سیلویا کوزو یکی از داستانهای کوتاه صادق چوبک را ترجمه کرده است. جانلوکا ماتی‌یولی نیز پس از بررسی اجمالی داستانهای عامیانه، ترجمه‌روایتی از نمایش «پهلوان کچل» را ارائه داده است. آنجلو میکله پیه مونته نیز تاریخ ادبیات ایران را در دو جلد به چاپ رسانده است که در این اثر وی در بخش مربوط ادبیات معاصر ایران به تحلیل از نوشته‌های دهخدا، شعر عشقی، اقبال لاهوری، لاهوتی، جمالزاده، صادق هدایت، صادق چوبک و سخنی درباره شعر معاصر و نمونه‌هایی از آن پرداخته است و بالاخره جورجیو ورچلین به بررسی شعارهای دیواری در انقلاب اسلامی پرداخته است که البته این مقاله با هشتاد تصویر زیبا و گویا همراه است.^(۲)

۱- برای اطلاع بیشتر رک. به: «بوزانی همشهری فرهنگی ما»، ادب، س ۱۳، ش ۴، ص

۲- آزاد بروجردی، «ترجمه ایتالیایی دو بیت‌های باباطاهر»، نشر دانش، سال ۱۱، شماره

در بارهٔ ادبیات معاصر ایران هم باید افزود که برای نخستین بار، مجموعهٔ قصه‌های قصه‌نویسان ایرانی به زبان ایتالیایی در سال ۱۹۸۹ در ۲۱۷ صفحه منتشر شد. مترجم و گردآورندهٔ کتاب، آقای فیلیپو برتونی دانشجوی سابق دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه رم (رشتهٔ زبان فارسی) از سر شوق و شور به برگردان این کتاب همت گماشته است. وی قصه‌ها را از فارسی به ایتالیایی برگردانده، اشارات و راز و رمز قصه‌ها را دریافته و در پی این گزینش، مجموعه‌ای نفیس و گرانسنگ گردآورده است و چهرهٔ داستان فارسی را در سالهای پیش و پیشین به خوانندهٔ ایتالیایی نشان داده است.

در خصوص قصهٔ فارسی که به ایتالیایی به چاپ رسیده جز «بوف کور» صادق هدایت که سالها پیش برپایهٔ ترجمهٔ فرانسوی آندره برتون به ایتالیایی درآمد و نیز قصهٔ «چرا دریا طوفانی شد؟» صادق چوبک که با ترجمهٔ خانم سیلویا کورتسوک در مجموعه‌ای به چاپ رسیده است.

در مجموعهٔ دیگری قصه‌هایی از: صادق هدایت، جمالزاده، بزرگ علوی، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جلال آل احمد، سیمین دانشور، جمال میرصادقی، غلامحسین ساعدی، فریدون تنکابنی، هوشنگ گلشیری، محمود دولت‌آبادی و حسن اصغری آمده است.

همهٔ این قصه‌ها، پیش از انقلاب اسلامی نوشته شده‌اند جز داستان حسن اصغری و قصهٔ «ستاره» اش که داستان آن در سال ۱۳۶۷ در جنگی در ایران به چاپ رسیده است.^(۱) بر تمام قصه‌ها، مترجم مقدمه‌ای آورده است شامل شرح حال و شرحی در شیوه و سبک قصه‌نویسان. در اول کتاب، مقدمهٔ مبسوطی است از دیدگاه سیاسی در رشدیابی ادب مدرن ایران و چگونگی

پیدایش آن.

اسکارچیا نویسنده کتاب نخستین داستان‌نویس جدید ایران را **جمالزاده** می‌داند و نخستین کتاب قصهٔ ایرانی را «یکی بود یکی نبود» بر می‌شمارد و به بررسی قصه «فارسی شکر است» می‌پردازد. او علل پدیدآمدن قصهٔ مدرن فارسی را یافتن مخاطبینی تازه برای نویسندگان تازه می‌داند و اینکه ادب نو ایران از دربارها بریده به دریای خروشان مردم پیوسته و با نامردمی‌ها به پیکار برخاسته است.

ویژگی این ادبیات تازه پا را در ضداستعماری بودن، ستم‌ستیزی و آزادی‌خواهی می‌داند. او اثر قصه‌نویسان غرب را بر پیشگامان قصهٔ ایرانی باز می‌نماید و به یاد می‌آورد که ادبیات مدرن ایران با قصهٔ کوتاه بیشتر خود را نمایانده است. عامل دیگری که به زعم وی در پیدایی و پیشروی قصه‌نویسی فارسی مؤثر واقع شده انتشار مجلات فارسی در خارج از ایران بوده، مجلاتی چون *حبل‌المتین*، *چهره‌نما*، *کاوه* و ... که در استانبول کلکته، قاهره و برلین منتشر می‌شدند.^(۱)

ترجمه و انتشار داستانهای صادق هدایت به زبان ایتالیایی

هفت داستان از نوشته‌های **صادق هدایت**: *سه قطره خون* - *بن‌بست* - *فردا* - *سامپینگه* - *لوناتیک* - *تاریکخانه* - *تخت ابونصر* توسط انتشارات *Felturilli* از ناشران مهم و معتبر رم، که قبلاً *بوفکور* را چاپ کرده و نسبت به این نویسندهٔ ایرانی علاقه‌مندی بخصوصی دارد، ترجمه و منتشر شده است.

این مجموعه که به نام «مومیایی شیراز» منتشر شد، با استقبال منتقدین مهم ایتالیا روبه‌رو گردید. پس از انتشار این آثار درباره ارزش نویسندگی صادق هدایت نقد مهمی در یکی از مجلات ادبی ایتالیا چاپ شد و بوفاکور توسط نویسنده‌ای ایتالیایی برای اجرای یک برنامه مورد استفاده قرار گرفت.

ترجمه آثار هدایت به زبان ایتالیایی به وسیله رضا قیصریه انجام شد که هم اکنون به عنوان استاد زبان ایتالیایی در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌کند. قیصریه در سال ۱۳۷۶ از ایتالیا به ایران آمد و چندین اثر مهم از نویسندگان معاصر ایتالیایی را به فارسی ترجمه کرد.^(۱)

۱- «گفتگو با رضا قیصریه»، گردون، سال ۵، ش ۴۱، مرداد ماه ۷۳، ص ۲۹-۳۰.

فصل پنجم

ایران‌شناسان ایتالیا از آغاز تا دوران معاصر

□ قرن دوازدهم

گراردو داکرمونا

گراردو از اهالی کرمون در شمال ایتالیا بود که برای تحصیل در مدارس اسلامی به اسپانیا رفت و شهرت بسیار یافت. وی در طلیطه، عربی و دانشهای روز را آموخت و پس از آشنایی با زبانهای شرقی، کتابهای متعددی را که به این زبانها تألیف شده بود، با خویش به ایتالیا برد. داکرمونا به کمک یک کلیمی از سال ۱۱۶۷ تا ۱۱۸۷ میلادی هشتاد رساله از عربی به لاتین ترجمه کرد. از کتابهای دانشمندان ایرانی که وی به لاتین ترجمه کرد، می‌توان از «قانون» ابن‌سینا، کتاب «منصوری» محمدبن زکریای رازی در طب، بعضی از مجلدات دائرةالمعارف طبى او بنام «حاوی»، «جبر و مقابله» محمدبن موسی خوارزمی و کتاب

«موسیقی» فارابی را نام برد.^(۱)

□ قرن سیزدهم:

شارل دانثو

شارل اول معروف به شارل دانثو از شیفتگان دانش و معارف شرقی بود. وی که در جنگ هفتم صلیبی شرکت داشت، به دست مسلمانان اسیر شد. دانثو در زمان اسارت با فرهنگ و تمدن شرقی و اسلامی آشنا شد و همین که در سال ۱۲۶۶ پس از رهایی از اسارت به سلطنت ناپل و سیسیل رسید، فرج بن سالم را که از کلیمیان سیسیل بود مأمور ترجمه دائرةالمعارف طبّی محمدبن زکریای رازی موسوم به «حاوی» کرد. این اثر ارزشمند در سال ۱۲۷۹ انتشار یافت.^(۲)

مارکوپولو

خاورشناس دیرین و بازرگان جهانگرد مشهور ونیزی مدت چندین سال در دوره قوییلای خان مغول در چین اقامت داشت و دارای مشاغل مهمی شد. وی که متولد ونیز بود در قرن سیزدهم میلادی می‌زیست. مارکوپولو سفرنامه‌ای پرارزش از خود پیادگار گذاشته که شامل شرح اوضاع و احوال چین و بخشهایی از کشورهای شرقی در آن دوران است. مارکوپولو به هر کشوری که گذر کرده بود و خط سیر او بود، درباره آن شهر و مسیرهایی که طی کرده شرحی نگاشته. او درباره ایران هم گزارشی نوشته است.

۱- شفا: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۲-۱۰۷۸۱.

۲- همان، ص ۳-۱۰۷۸۲.

در «منتظم ناصری» (ص ۷ ج ۳) آمده که مارکوپولو از اهل ونیز بقصد تجارت بطرف مغولستان رفته و بیست و چهار سال تمام در اغلب نقاط آسیا گردش کرده و ۱۷ سال تمام متوالیاً تنها در چین و در خدمت قوییلای قاآن بوده و او اولین سیاح فرنگی است که به شرق و از جمله ایران راه یافته. آغاز مسافرت او از سال ۱۲۷۱ میلادی بوده است. مارکو از کسانی است که درباره ایران اطلاعات قابل توجهی از خود بجای گذاشته است.^(۱)

□ قرن چهاردهم:

فرانچسکو پترارکو

شاعر نامدار ایتالیایی که ۱۵ سال و به قولی ۲۰ سال پیش از وفات خواجه حافظ درگذشته است. وی صاحب یک لغتنامه فارسی - لاتین - رومی (ایتالیایی) بود که آن را به کتابخانه شهر ونیز اهداء کرد. این کتاب بعدها در سال ۱۸۲۸ میلادی در پاریس با تصحیح به چاپ رسید.^(۲)

اودریکو

وی متولد سال ۱۲۸۶ میلادی و از اهالی پردونون در شمال ایتالیا بود. او در سال ۱۳۲۲ میلادی به ایران سفر کرد و چند شهر ایران را طی کرد و اطلاعاتی راجع به ایران گرد آورد و در سفرنامه اش آنها را به چاپ رساند. اودریکو در این سفرنامه برخی از عادات و آداب شرقیان را برای اروپائیان شرح

۱- غروی: مناسبات کلیسای روم با ایران، ص ۱-۲۸۰.

۲- روحبخشان: سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا، ص ۸-۱۱۷.

می‌دهد. وی در سال ۱۳۳۱ درگذشت.^(۱)

پگولتی

پگولتی که از اهالی فلورانس بود، اطلاعاتی دربارهٔ ایران در کتاب خویش به نام «اوصاف ممالک مختلف» گردآورد. این کتاب که در سال ۱۳۴۰ میلادی نوشته شده کمک زیادی در معرفی فرهنگ، تمدن و زبانهای ایران به اروپائیان کرد.^(۲)

□ قرن پانزدهم:

دانته آلیگیری

دانته شاعر نامدار ایتالیایی در اثر بی‌مانندش «کمدی الهی» چندین بار به ایران اشاره می‌کند که از آن جمله می‌توان به خشایارشا در سرود ۲۸ برزخ و سرود ۸ بهشت اشاره کرد. وی در سرود ۱۲ برزخ به کوروش نیز اشاره دارد. دانته برای روح ابن سینا باغ خرم و ممتازی در یکی از طبقات اول دوزخ آفریده و او را همراه با هومر، ویرژیل، بقراط، ابن رشد و دیگران در آن جای داده است.^(۳)

جوزافات باربارو

وی که در سال ۱۴۷۲ به ایران سفر کرد، نخستین اروپایی است که از نقوش «تخت جمشید» و «پاسارگاد» و «نقش رستم» سخن گفته است. کتاب وی

۱- جوادی: ایران از دیدهٔ سیاحان اروپایی دورهٔ ایلخانان، ص ۱۳۱.

۲- همان، ص ۱۴۰.

۳- شفاء: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۷-۱۰۷۸۶.

در سال ۱۵۴۳ انتشار یافت.^(۱)

مانیفالی

این خاورشناس و سیاح ایتالیایی عربی را به خوبی فراگرفته بود و با آثار متفکران ایرانی چون ابن سینا آشنایی داشت. او پس از سفر به شرق و مشاهده جنایات تیمور به سال ۱۴۱۶ کتابی به نام «زندگی تیمور لنگ» نوشت که به زبان لاتینی در اروپا منتشر شد.^(۲)

جووانی آرکولانو

جووانی که در کودکی به نامهای «ارکولانی» یا «هرکولانس» خوانده می‌شد، به طب اسلامی علاقه داشت و آثاری درباره علم پزشکی بالینی نوشت. او همچنین یکی از کتابهای معروف رازی را تفسیر کرد. «المنصور» که از معروفترین آثار آرکولانو است از سال ۱۴۸۳ تا ۱۵۶۰ هفت بار در ونیز به چاپ رسید. او اثر دیگری درباره ابن سینا دارد که در آن افکار، آرا و عقاید او را تفسیر کرده است. معروفترین اثر آرکولانو کتاب «درباره قانون فی‌الطب» ابن سینامی باشد.^(۳)

کنتارینی

او که از اهالی ونیز بود، نخستین کسی است که در قرن ۱۵ میلادی از

۱- همان، ص ۱۱۰.

۲- نوایی: تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۱۰۳.

۳- همان، ص ۸۳.

جانب مجلس سنای ونیز به عنوان سفیر به ایران آمد و در سال ۸۷۹ هجری به تبریز رسید. کنتارینی در این مسافرت کتابی گردآورد که در آن شرح سیر و سیاحت و سفر و گزارش خود به ایران را نگاشت. این کتاب در سال ۱۵۵۱ میلادی با چند کتاب دیگر که به ایران می‌پرداخت، به عنوان «وروم پرستی کاروم هستریا» منتشر شد. بخشی از این کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شد و در سال ۱۸۷۱ در لندن منتشر شد.

ضمناً شرح مختصر بخش سیاحت کنتارینی به زبان فرانسه در کتابی موسوم به «سیاحان قرون ۱۲ تا ۱۵ میلادی» در سال ۱۷۳۵ در لاهه به طبع رسید. اصل سیاحتنامه کنتارینی را هم در فرانکفورت انتشار دادند.^(۱)

□ قرن شانزدهم:

کاترینو زنو

زنو با اوزون حسن خویشاوندی نزدیک داشت. بدین معنی که مادر وی خواهر کاترینا دسپینا، مادر اوزون حسن بود. مکتوبات زنو توسط شخصی بنام راموزیو جمع‌آوری شده است.^(۲)

وینچنزو الساندري

الساندري گزارشی به سنای ونیز داد که در آن تصویر بسیار دقیق و زنده‌ای از ایران آن زمان بدست می‌داد. از این گزارش برمی‌آید که او درباره ایران

۱- نوایی: تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۱۰۳.

۲- جوادی: ایران از دیده سیاحان ونیزی، ص ۱۲۷.

اطلاعات بسیاری داشته و یا آنکه به ایران سفر کرده است.^(۱)

مینادوا

این خاورشناس ایتالیایی با تحقیقاتی که انجام داد اثری را به نام «تاریخ جنگهای ترکیه و ایران» در سال ۱۵۸۸ در ونیز به چاپ رساند.^(۲)

پیترو بیزاری

این مستشرق ایتالیایی کتاب خواندنی «تاریخ وقایع ایران» را تألیف کرده که در سال ۱۵۸۳ به چاپ رسیده است.^(۳)

جووانی روتا

روتا خاورشناس قرن شانزدهم ایتالیا بود که شرح حالهایی عامه‌پسند دربارهٔ پادشاهان مشهور شرق نوشت. در میان شرح حال‌های او شرح حال تیمور، شاه اسماعیل و دیگر سلاطین ایران به چشم می‌خورد. شرح‌های روتا در سال ۱۵۰۸ در رم به چاپ رسیده است.^(۴)

مارین سانودو

سانودو مستشرق ایتالیایی دربارهٔ روی کار آمدن صفویان و تثبیت

۱- همان، ص ۱۲۷.

۲- همان.

۳- همان، ص ۱۲۶.

۴- همان.

قدرت آنان در ایران یادداشت‌هایی را به ثبت رساند که متجاوز از چهل هزار صفحه بزرگ است. این یادداشت‌ها که در ۵۸ جلد گردآوری شده، یکی از منابع باارزش درباره تاریخ اروپا و خاورمیانه به شمار می‌رود. ساندو علاقه وافری به تاریخ‌نویسی و ادبیات کلاسیک داشت. اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به ایران در سرتاسر اثر ۵۸ جلدی او پراکنده است.

وی اولین روزنامه‌نگار ایتالیایی بود که اکثر اخبار و گزارشات وی مربوط به ایرانیان، حبشی‌ها و ترک‌ها بود.^(۱)

میکله ممبره

او نماینده و نیز در قرن شانزدهم میلادی در ایران بود که اثری درباره بافت حکومت صفوی در خلال پادشاهی شاه طهماسب اول به چاپ رساند.^(۲)

□ قرن هفدهم:

دلاواله

این ایران‌شناس صاحب آوازه که از اعیان و بزرگان ایتالیا بود، در دوره صفویه به ایران آمد. وی در این مرز و بوم گردش نمود و کتابی به عنوان سفرنامه خود در ایران نگاشت که در سال ۱۹۶۲ در پاریس به چاپ رسید.

وی در درگیریهای مذهبی ایتالیا به طرفداری پاپ پل پنجم وارد سپاهیان ایتالیایی گردید و با یکی از کشتیهای جنگی اسپانیا که جهت دفع دزدان

۱- بیه مونسسه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۷۷.

۲- جوادی: ایران از دیده و نیزیان، ص ۹-۱۲۸.

دریایی به سواحل افریقایی می‌رفت عازم آن حدود گردید. وی پس از برگشت به رم و سفر مجددی که به شرق داشت، جهت زیارت بیت‌المقدس به استانبول رفت و از آنجا رهسپار قاهره شد، سپس بیت‌المقدس و دمشق و سوریه را طی کرد و در بغداد با دختری عیسوی موسوم به *سیتی مانی* از مردم شهر ماروین دل باخت و در سال ۱۶۱۶ با وی ازدواج کرد و از آنجا به ایران آمد. وی در ایران به صحبت شاه صفوی نائل شد و چندی در اردوی وی بسر برد. در سال ۱۰۳۰ به اصفهان و از آنجا به شیراز رفت. از شیراز به جانب لار و سواحل خلیج فارس رفت. همسرش در میناب مریض شد و فوت کرد وی پس از آن با کشتی از بندرعباس عازم هند شد. *دل‌واله* پس از مراجعت به کشورش مرتکب قتل گردید و از آنجا تبعید گردید، ولی پس از چندی پاپ از جرم وی درگذشت. او دوباره به رم بازگشت و در ۲۰ آوریل ۱۶۵۲ در رم وفات یافت.^(۱)

کتابی که این سیاح به عنوان سفرنامه نوشته مشتمل است بر یک سلسله مراسلات که او در مدت سفر خود از خاک عثمانی، ایران و هند به یکی از دوستان خود *ماريو شپیانو* مقیم ناپل نوشته است. نامه‌های مربوط به ایران از خوبترین و شیرین‌ترین قسمت‌های سفرنامه اوست که نصف بیشتر سفرنامه او را دربرمی‌گیرد. از نوشته‌های او می‌توان سازمان اداری ایران در دوره شاه عباس و جزئیات روش و کردار و سیاست این شاه و رفتار وزرا و درباری‌ها و اوضاع بازرگانی و صنعتی ایران را فهمید. این کتاب پس از انتشار در سال ۱۶۵۰ در رم بارها مورد استقبال واقع شد، بطوریکه بعدها در رم و بولونیا نیز تجدید چاپ گردید و ترجمه آن به زبان فرانسه را دو تن از کشیشان فرانسوی *اتین کارنو* و *فرانسوا لوکنت* انجام داده و پس از آن در چهار مجلد در سال ۱۶۶۳ و دیگر بار

در هشت مجلد در سال ۱۷۴۵ به چاپ رسانند.^(۱)

فیلیپو گنولی

کشیش ایتالیایی فرقه فرانسیسکن‌ها و شرق‌شناس مشهور ایتالیایی که در سال ۱۵۹۶ در آبروزی (شرق ایتالیا) به دنیا آمد. فیلیپو وارد فرقه فرانسیس شد و توانست زبانهای شرقی عبری، کلدانی، فارسی و عربی را بیاموزد. او سپس به تدریس در دانشگاه‌های رم روی آورد و به مطالعات شرقی همت گماشت. گنولی در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۶۵۶ برای ملکه کریستینا، ملکه سوئد، تبریکی به زبان عربی فرستاد. او در سال ۱۶۳۱ کتابی تحت عنوان «دفاع از دین مسیح» منتشر ساخت. این کتاب پاسخی بود به نقد احمد بن زین العابدین اصفهانی در کتاب روشن‌کننده آیین.

کتاب زین العابدین اصفهانی که پیش از آن به زبان فارسی منتشر شده بود به دست گنولی رسید و او با انگیزه دفاع از مسیحیت کتابی تحت عنوان «آیین آشکارکننده حقیقت» به سال ۱۵۹۶ انتشار داد. گنولی نسخه‌هایی از این کتاب را برای پاپ در رم فرستاد. پاپ هم دستور داد که آن را به زبان عربی تحت عنوان «اجابة... فیلیپس... کوادونولوس... الى الحمد المشرف بن زین العابدین الفارسی اصفهانی» منتشر سازند. گنولی در مقدمه کتاب خویش به این امر اشاره می‌کند که او در هنگام ترجمه کتاب ۲۷ ساله بوده است. گنولی در ۲۷ مارس ۱۶۵۶ درگذشت.^(۲)

۱- جوادى: ایران از دیده و نيزيان، ص ۱۱۲-۳.

۲- عبدالرحمن بدوى، الموسوعة المستشرقين (بيروت: دارالعلم ملاتين، ۱۹۹۳)، ص

تومازو ابی سینی

خاورشناس و کشیش ایتالیایی که در فاصله سال‌های ۱۶۱۴ تا ۱۶۱۵ در بیت‌المقدس در خدمت کلیسا بود. وی دهها سال در شرق زندگی کرد سپس به ایتالیا برگشت و استاد زبانهای شرقی در رم گردید. وی دارای آثاری چند در ارتباط با ادبیات شرقی است.^(۱)

□ قرن هیجدهم:

راورتنی

خاورشناسی که کتاب «طبقات ناصری» را ترجمه و طبع کرد. این کتاب تاریخی در احوال غزنویان و اولاد ناصرالدوله سبکتگین نگاشته شده است.^(۲)

گریگور رزاریو

خاورشناس ایتالیایی که از دانشمندان اواخر قرن هیجدهم بود و صاحب آثار و تألیفات بسیار است. رزاریو کتابی به نام «آثار عرب در صقلیه» نگاشته که آن را از کتاب «نهادیه الادب» به لاتین ترجمه نموده و در ۱۷۹۰ به چاپ رسانده است.^(۳)

۱- همان، ص ۵۵.

۲- همان، ص ۲۹۰.

۳- همان، ص ۳۰۱.

آندرا آلباگو

آلباگو که در بولونیای ایتالیا به دنیا آمد در طول زندگی پربارش به فلسفه و ادبیات شرق علاقه خاصی نشان می‌داد. وی همواره سنت علمی دانشمندان ایرانی را می‌ستود و دیدگاههای علمی آنان را به واقعیت نزدیکتر می‌دانست. او آثار ابن سینا را بر شاهکارهای پزشکی و فلسفی یونان ترجیح می‌داد. از این رو، تصمیم گرفت تا کتابهای ابن سینا را از روی متن اصلی آنها ترجمه کند. وی بدین منظور طی سفر چندین ساله خویش به شرق زبان عربی را بخوبی آموخت. آلباگو پس از بازگشت به ایتالیا، زبان عربی و فلسفه ابن سینا را در دانشگاه تدریس می‌کرد. وی آن دسته از آثار ابن سینا را در دانشگاه تصحیح می‌کرد که دیگران قبل از وی آن را ترجمه کرده بودند. وی همچنین کتاب «قانون» را نیز از عربی به لاتین برگرداند. هنگامی که حکومت ونیز کرسی پزشکی را به او واگذار کرد این استاد دانشمند به مرگی ناگهانی درگذشت.^(۱)

□ قرن نوزدهم:

میکله بنتو گیتانو آماری

آماری خاورشناس ایتالیایی در ۷ ژوئیه سال ۱۸۰۶ در پالرمو (ایتالیا) به دنیا آمد. وی دروس ابتدایی را نزد معلمان خصوصی فراگرفت، سپس در دانشگاه، جبر و علم معانی، زبان لاتینی و ایتالیایی و سپس فیزیک، حقوق و اقتصاد سیاسی را آموخت.

گیتانو آماری که با حکومت استبدادی «بوربون‌ها» در ناپل مخالف بود و

با گروه **کاریوناری** همکاری داشت، در سال ۱۸۴۲ به علت نگارش کتابی علیه بوربون‌ها مجبور به ترک ایتالیا شد. او به ناچار عازم فرانسه شد و تا انقلاب سال ۱۸۴۸ در آنجا ماند. در سالهای پرتب و تاب انقلاب او به سیسیل بازگشت و فعالانه در جنبش انقلابی شرکت جست و از اعضای حکومت انقلابی شد. پس از بازگشت خاندان بوربون، دیگر بار به پاریس رفت و تا ۱۸۵۹ در آنجا بسر برد. **آماري** در پاریس به مطالعه زبان عربی پرداخت و مقالات متعددی درباره این زبان نگاشت. او تحقیقات خود را به بررسی تاریخ اسلام در جزیره سیسیل اختصاص داد و به جمع‌آوری و ترجمه تألیفات و اسناد مربوط به آن پرداخت. وی سپس از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۴ تدریس زبان عربی را در پیزا و فلورانس به عهده گرفت و از سال ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۴ وزیر آموزش و پرورش در کابینه فارینی و منیتی بود و در سال ۱۸۷۸ رئیس کنگره شرق‌شناسان در فلورانس گشت. (۱)

دلاوایدا

پروفسور **لوی دلاوایدا** از دانشمندان عصر خویش بوده و از خاورشناسان نیز بشمار می‌رفته و کتاب «**جمهرة النسب**» ابن کلبی را به چاپ رسانیده است. (۲)

فورلانی

از خاورشناسانی است که با همکار خود **والیو** در کتاب «**شفاء**» ابوعلی

۱- همان، ص ۲-۵۱.

۲- بدوی: **الموسوعة المستشرقین**، ص ۱۱۳.

سینا مطالعات عمیق نموده و هر دوی آنها بر این عقیده‌اند که دکارت از روی عقیده و آراء ابن‌سینا پاره‌ای از عقاید خود را اتخاذ نموده است.^(۱)

ایتالو پیتزی

پیتزی در سال ۱۸۴۹ در شهر پارماو در جلگه پو در شمال ایتالیا متولد شد. از کارهای ارزنده او ترجمه کامل شاهنامه فردوسی به نظم ایتالیایی است مشتمل بر ۸ جلد که در سالهای ۱۸۸۶ و ۱۸۸۸ چاپ و منتشر گردید. پیتزی مقاله‌ای تحت عنوان «حماسه سرایی در ایران و عادات و رسوم ایران در زمان باستان» را در سال ۱۸۸۴ به آکادمی ملی لنینجی تقدیم کرد که مقاله وی جایزه شاهی را دریافت کرد. وی دستور زبان فارسی را نیز در سال ۱۸۸۳ در میلان چاپ کرد و شاهکارهای ادبیات فارسی را در سال ۱۸۸۹ در تورین نشر داد. در سال ۱۸۸۷ پیتزی کتابی به نام «تاریخ ادبیات فارسی» منتشر کرد که در آن شرح جالبی از تاریخ عادات ایرانیان را بیان می‌کند.

او همچنین نمونه‌هایی از اشعار و نثرهای فارسی را برای اولین بار برای خوانندگان ایتالیایی ترجمه و معرفی کرد. پیتزی که در سال ۱۹۲۰ در شهر تورین درگذشت، همچنین ۶۰ رباعی خیام را ترجمه کرد که در سال ۱۸۹۴ در کتاب «تاریخ شعر فارسی» به چاپ رسید.^(۲)

۱- بدوی: الموسوعة المستشرقین، ص ۱۴۲.

۲- بوزانی: فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۳۹-۳۸، ص ۶۵-۷.

گویدی

آگوستو گویدی خاورشناس معروف ایتالیایی مدتی استاد دانشگاه «جامعة المصریه» بود نوشته‌های بسیاری در موضوع کتابهای خطی شرقی ترتیب داد.

وی فهرست ابجدی برای کتاب «الآغانی» ابوالفرج اصفهانی در دو مجلد که مشتمل بر چهار فهرست است صورت داد که در آن فهرست اسامی شاعران، فهرست قافیه‌ها، فهرست نامهای مردان و قبائل، فهرست مکانها و کوهها و آبها آورده شده. گویدی این اثر را با مقدمه فرانسو در سال ۱۳۱۸ هجری در لیدن به طبع رساند. وی در سال ۱۹۱۴ چشم از جهان فرو بست.^(۱)

فاستو لازینو

لازینو خاورشناس ایتالیایی متولد ۱۸۳۱ در ناحیه فیرنتسه بود. وی استاد زبانهای شرقی در سینا بود و در پیزا نیز به تدریس می‌پرداخت و مدتی نیز در کشور فرانسه مشغول تدریس زبانهای شرقی بود. تاریخ وفات وی سال ۱۹۱۴ اعلام شده است.^(۲)

لویجی بونلی

خاورشناس ایتالیایی متخصص در زبان ترکی و دستور زبان آن و مترجم قرآن به زبان ایتالیایی در ناحیه برشیای ایتالیا در ۲۰ سپتامبر سال ۱۸۶۵ بدنیا آمد. وی زبان عربی را با سعی و تلاش فراوان فراگرفت که آن هم به سبب راهنمایی استادش رولاندو بود که وی را به یاد گرفتن این زبان ترغیب می‌کرد

۱- بدوی: الموسوعة المستشرقین، ص ۲۶۴.

۲- همان، ص ۵۱۵.

رولاندو استاد تاریخ حدیث در آکادمی پادشاهی علوم ادبی میلان بود. بونلی در شناسایی نسخ خطی فارسی، ترکی و عربی و جمع‌آوری آنها تلاشی فراوان به خرج داد و فهرست مخطوطات عربی و فارسی و ترکی کتابخانه کازاناتنسه را تهیه کرده است. وی در سال ۱۸۹۰ به استانبول سفر کرد و پس از مدتی اقامت در آن شهر به کشورش بازگشت. او در سال ۱۸۹۲ به سمت استادی زبان ترکی در مدرسه شرقی ناپل تعیین شد و تا سال ۱۹۱۶ در این سمت باقی ماند. بونلی همچنین از سال ۱۹۱۴ تا سال ۱۹۱۶ مدیر بخش زبانهای شرقی شد.

وی به دعوت **فؤاد اول** پادشاه مصر در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ به آن کشور سفر کرد تا در گردآوری و شناسایی اسناد و فرامین پادشاه عثمانی با کتابخانه قاهره همکاری کند.^(۱)

□ قرن بیستم:

کارلو آلفونسو نلینو

این خاورشناس برجسته ایتالیایی در ۱۷ فوریه ۱۸۷۲ در شهر تورینو متولد شد. پدرش، **جووانی**، استاد علم شیمی بود. وی پس از مدتی به همراه خانواده‌اش به شهر اودینس نقل مکان کرد و در آنجا تحصیلات ابتدایی و مراحل بعد از آن را با موفقیت گذراند و بهترین امتیازات را کسب کرد. **نلینو** به درس ادبیات، ریاضی و طبیعی علاقه فراوانی نشان می‌داد و اشتیاق شدیدی به جغرافیا از خود بروز می‌داد. وی سفرنامه‌های اروپائیان به شرق را مطالعه می‌کرد و بر اساس مندرجات این سفرنامه‌ها تصاویر جغرافیایی را که زائده

خیالش بود، ترسیم می‌کرد.^(۱)

نلینو با علاقه خاصی که به اکتشاف سرزمینهای ناشناخته آسیایی و آفریقایی پیدا کرده بود برای شناخت بیشتر این دو قاره، آموزش زبان عربی را بدون استاد شروع کرد و پس از چندی به کاوش در ادبیات عربی پرداخت. در این راه پدر وی نیز مددکار او بود. شدت علاقه او تا بدان حد بود که وی در زمان کوتاهی اصول صرف و نحو عربی را بخوبی فراگرفت و قادر به فهم نصوص و متون مشکل عربی شد. وی سپس در دانشگاه تورینو مدارج ترقی را طی کرد و از محضر خاورشناس برجسته آن زمان *ایتالو پیتزی* بهره برگرفت. نلینو در کسوت شاگردی از *پیتزی* بهره فراوان برد و در طول حیات *پیتزی* همکاری فراوانی با وی داشت و هنگام وفات *پیتزی* مقاله‌ای در مجله «الدراسات الشرقیه» و نیز مقاله‌ای دیگر در «دایرةالمعارف ایتالیا» درباره وی نوشت. وی همچنین از محضر استاد معروف جغرافی *گویدوکورا* بهره‌های فراوان گرفت. وی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خویش به عنوان استاد زبان عربی در دانشگاههای قاهره، ناپل و پالرمو به تدریس مشغول کار شد. وی از طرف مراکز علمی ایتالیا در کنگره خاورشناسی که در سال ۱۹۰۵ در الجزایر برگزار شد شرکت کرد. نلینو در فاصله سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۰ در مجله «الدراسات الشرقیه» مقالاتی را درباره کشورهای شرقی منتشر می‌کرد. از جمله مقالات وی می‌توان به «وجه تسمیه معتزله» و «فلسفه ابن سینا» اشاره کرد. وی همچنین با مجله الشرق الحديث همکاری می‌کرد. وفات وی در سال ۱۹۳۸

بود.^(۱)

کارلو آلفونسو نلینو زبان فارسی را بخوبی می‌دانست و در جغرافیا و نجوم و ادبیات و تاریخ و تصوف و فلسفه و فقه و لهجه‌های عربی تتبع می‌کرد و عضویت چند فرهنگستان ایتالیایی و عربی را داشت. او مجله «مطالعات شرقی» و سپس «شرق جدید» را تأسیس کرد که بیشتر مقالات تحقیقی وی در آنها به چاپ رسیده است. بعضی از آثار او که بصورت مقاله یا کتاب چاپ شده است عبارتند از:

— «منتخباتی از قرآن»، لایپزیک، ۱۸۹۳.

— «تکوین قبایل عربی پیش از اسلام»، ۱۸۹۳.

— «صحنه‌ای از زندگی مصر»، ۴-۱۸۹۳.

— «شکل زمین»، ۱۸۹۵.

— چاپ متن و ترجمه لاتینی زیج قبانی با تحقیق و تعلیق و تفسیر مشکلات،

رم، ۱۹۰۷-۱۸۹۹.

— نشر «کتاب البیان»، ابن رشد، ۱۹۰۴.

دخترش ماریا نلینو که خود از خاورشناسان است، همه آثار وی را جمع آورده و انستیتوی شرقی رم آنها را در شش جلد بدین ترتیب چاپ و منتشر کرده است:

۱ - عربستان جنوبی، ۳۰۳، ص ۱۹۳۹.

۲ - عقیده اسلامی، ۴۷۴، ص، ۱۹۴۰.

۳ - تاریخ عرب پیش از اسلام، ۴۷۰، ص، ۱۹۴۱.

- ۴ - شریعت اسلام، ۷۲۴ ص، ۱۹۴۲.
- ۵ - نجوم و احکام نجوم و جغرافیا، ۸۸ ص، ۱۹۴۴.
- ۶ - ادبیات و لغت و فلسفه، ۷۲۴ ص، ۱۹۴۸.^(۱)

ماریا نلینو

ماریا نلینو دختر خاورشناس ایتالیایی آلفونسو نلینو بود که در ۲۳ ژانویه در سال ۱۹۰۸ در جزیره پالرمو سیسیل دنیا آمد. چند سال از تولدش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و تحت سرپرستی پدر و عمه‌اش آنا ماریا قرار گرفت. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و مقدماتی در دانشکده ادبیات دانشگاه رم پذیرفته شد و در سال ۱۹۳۹ موفق به اخذ درجه دکتري از این دانشگاه شد. ماریا برای اولین بار با پدرش در سال ۱۹۳۵ به قاهره سفر کرد و با دکتر طه حسین ملاقات کرد و در جلسات درس او نیز شرکت کرد. وی سپس به ایتالیا بازگشت. او در سال ۱۹۴۸ مدرسه آزاد زبانها و ادبیات عربی را بوجود آورد. نلینو در زمینه ادبیات مشرق زمین سخت کوشا بود و تعدادی از آثار ادبی فارسی و عربی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.^(۲)

ماریا نلینو در مقاله‌ای که در هزاره شیخ طوسی انتشار داد نسخه‌ای از کتاب استبصار را که پدرش کارلو نلینو در دهه سوم قرن بیستم در عراق بدست آورده بود، توصیف کرد. وی در این مقاله از زندگی و عقاید و آثار طوسی در چهار صفحه بحث کرده بود. بیشتر اطلاعات خانم نلینو مأخوذ از «لولو

۱- همان، ص ۵۸۷.

۲- همان، ص ۵۸۸.

البحرین» بود.^(۱)

جورجیو دلاویدا

وی که در ۲۲ اگوست ۱۸۸۶ در خانواده‌ای یهودی در ایتالیا بدنیا آمد، دروس مقدماتی‌اش را در جنوا گذراند. سپس در دانشگاه رم به ادامه تحصیل در رشته ادبیات پرداخت. دلاویدا در سال ۱۹۰۹ لیسانس خویش را دریافت کرد و در همین سال سفر به مشرق زمین را آغاز کرد. او در مصر با همکاری لئونه کایتانی خاورشناس معروف ایتالیایی کتابی تحت عنوان «حولیات الاسلام» را به طبع رساند. وی از سال ۱۹۱۴-۱۹۱۶ در ناپل به تدریس زبانهای شرقی پرداخت. پس از آن در مسابقه گزینش اساتید کرسی عبری و لغات سامی در دانشگاه تورینو شرکت کرد و در آنجا هم موفقیت‌هایی به دست آورد. وی در سال ۱۹۲۰ به دانشگاه رم منتقل شد و کرسی تدریس لغات سامی را احراز کرد و تا سال ۱۹۳۱ در این سمت باقی ماند، ولی به علت مخالفت با موسولینی از سمت خویش معزول و تبعید گردید.

دلاویدا از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ موفق به جمع‌آوری فهرست نسخه‌های خطی عربی و اسلامی کتابخانه واتیکان گردید و آن را در سال ۱۹۶۵ به طبع رساند. او در سال ۱۹۳۹ به امریکا رفت و تا سال ۱۹۴۵ به تدریس زبان سامی در دانشگاه فیلادلفیا مشغول بود. بعد از اتمام جنگ جهانی دوم به دانشگاه رم برگشت و تا سال ۱۹۶۱ در کرسی تاریخ و شعر اسلامی به تدریس مشغول

۱- برای آگاهی بیشتر از دیدگاه و نظریات او درباره شیخ طوسی بنگرید به علی دوانی،

هزاره شیخ طوسی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹)، ص ۶-۲۶۵.

بود.^(۱)

جوزف گابریلی

خاورشناس ایتالیایی و تهیه کننده فهرس و مدیر کتابخانه آکادمی لنسای رم بود. وی در کالیمیرا در جنوب ایتالیا به سال ۱۸۷۸ متولد شد. وی در سال ۱۹۰۳ به ریاست کتابخانه رم انتخاب شد. فرزند وی **فرانچسکو** از اساتید و خاورشناسان برجسته می باشد. گابریلی در سال ۱۹۴۲ درگذشت.^(۲)

میکله آنجلو گویدی

این خاورشناس فرزند **آگنستیو (اگوستو) گویدی** است که در ۱۹ مارس سال ۱۸۸۶ در شهر رم بدنیا آمد. خانه پدرش در آن زمان محل جلساتی بود که درباره علوم اسلامی (عربی، سامی و ...) توسط پدرش برپا می شد و خاورشناسان ایتالیایی و بعضاً سایر کشورها در آن شرکت می کردند. این جلسات تأثیری بسزا در گرایش فرزند **آگوستو** به سوی علم خاورشناسی داشت. **میکله آنجلو** در پاییز ۱۹۰۴ در دانشگاه رم به تحصیل پرداخت و در زبانهای کلاسیک یونانی و لاتین تخصص یافت. او پس از فراغت از تحصیل به تدریس تاریخ ادبیات یونان پرداخت. وی سپس با فراگیری زبان قبطی مصری به تحقیق درباره کتیبه های قبطیان مصر در چهار قرن قبل از میلاد پرداخت و به این مهم پی برد که زبان قبطی مملو از لغات یونانی خصوصاً لغات دینی یونانی بوده است و در این زمینه مقالاتی در مجله «الدراسة الشرقية» نگاشت که در سالهای

۱- بدوی: *الموسوعة المستشرقین*، ص ۷-۲۴۶.

۲- همان، ص ۱۷۶.

۱۹۰۸ تا ۱۹۱۳ در این مجله منتشر می‌شد. وی در همان سالها به تحقیق بر روی زبان سانسکریت پرداخت و پس از تکمیل معلوماتش در این زمینه به تحقیق زبان فارسی پهلوی روی آورد و در این مسیر به تحقیقاتی در فارسی محاوره‌ای آگاهی یافت.^(۱)

تخصص‌گویی در زبانهای شرقی به گردآوری و تدوین دایرةالمعارف ایتالیایی کمک شایانی کرد. چه، بعضی از مواد و مندرجات این دایرةالمعارف بوسیله او تألیف شده بود. **گویی** در سال ۱۹۱۳ در مسابقه کنکوری که برای استادی کرسی زبان عربی در مدرسه شرقی ناپل برگزار شد، مقام اول را کسب کرد. ولی خیلی زود جای خویش را به فردی سپرد به نام **گروفرونی** که متخصص زبانهای شرقی بود. **گویی** خود در جنگ جهانی اول شرکت کرد و در زمان جنگ به خدمت نیروی دریایی درآمد و در حمله نظامی به روسیه حضور پیدا کرد. پس از اتمام جنگ در دانشگاه رم و قاهره به تدریس پرداخت. وی در این هنگام به سردبیری مجله «سخن شرق» که تا به امروز نیز منتشر می‌شود، انتخاب شد و سالها در همان سمت به کار اشتغال داشت. مجله «الدراسات الشرقيه» تا زمان حیات **گویی** زیر نظر او بود. وی در سال ۱۹۳۸ مدیر مدرسه شرقی در دانشگاه رم شده و به عضویت آکادمی نیز پذیرفته گردید.^(۲)

گویی همچنین در خصوص مقایسه مذاهب اسلام و مانویت تحقیقاتی داشت و کتاب‌های «قاسم بن ابراهیم» و «درگیری بین اسلام و مانویت» را ترجمه، تصحیح و نقد کرد.

گویی در زمینه فرقه یزیدیه که در نزدیکی مرزهای ایران و عراق در

۱- بدوی: الموسوعة المستشرقین، ص ۹-۲۱۸.

۲- همان، ص ۲۱۹.

حوالی موصل ساکن هستند، نیز مطالعاتی داشته و تحقیقاتی کرده است و نیز بر روی فرقه شیطان پرستان که در بین عراق و سوریه در جبل سنجار هستند نیز مطالعات و کارهای مهمی انجام داده و دو مقاله در این باب نوشته است که در مجله «الدراسات الشرقيه» منتشر شده است. وی در باب مذهب خوارج نیز مقاله‌ای در این مجله نوشته است.

آثار

- ۱ - احوال دنیای اسلام
- ۲ - اسلام و عروبت
- ۳ - ادبیات عرب در دائرة المعارف ایتالیایی
- ۴ - تاریخ ادبیات عرب^(۱)

گريفینی

دکتر **اوجیلو گریفینی** از خاورشناسان قرن بیستم ایتالیا است. وی در سال ۱۸۷۶ در میلان بدنیا آمد و در ایام کودکی زبان عربی را آموخت و آنگاه به مؤسسه شرقی رفته و پس از مدتی دروس زبان عربی را به اتمام رساند. پس از آن، گریفینی از طرف مؤسسه شرقی به تونس و طرابلس و مصر مسافرت کرد. وی در مصر کتابدار کتابخانه تمدن ایتالیایی شد و تا زمان وفات خود در سال ۱۹۳۵ در قاهره بود. او فهرست کتب خطی اسلامی را برای کتابخانه میلان مرتب کرد و جزء اول آن را به سال ۱۹۱۹ در رم به طبع رساند. وی درباره کتابها و تألیفات اسلامی و آثار تاریخی و ادبی فارسی هم تحقیقات و مطالعاتی نمود و در این باب اطلاعاتی بدست آورد. از آثار و مؤلفات او: «طبقات ابی بکر

زبیدی»، «نصوص» ابن عربی در «صقلیه»، «قصاید امری» و «القیس قدم بن قادم اعشی»، «نظم کتابخانه میلان شرقی و ترتیب فهرست مطول» و چند اثر دیگر است. وی درباره فلسفه فارابی و ارسطو و حریق کتابخانه اسکندریه هم مطالبی به تفصیل نوشته است.^(۱)

انریکو چرولی

چرولی در پانزدهم فوریه ۱۸۹۸ در ناپل به دنیا آمد. وی مطالعات خود را درباره شرق از مطالعه درباره اتیوپی با همکاری فرانچسکو گالینا آغاز کرد و در رشته تحقیقات اسلامی شاگرد کارلو آلفونسو نلینو و جورجولوی دلاویدا بود. انریکو در نخستین مرحله فعالیت‌های علمی خود به تحقیق درباره زبانهای جدید اتیوپی و سومالی پرداخت. یکی از اولین آثار او ادبیات عامیانه سرزمینهای جنوبی اتیوپی است که توسط دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده است. او از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۵ و از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ در سومالی اقامت داشت و در تاریخ ملت سومالی و شعر و مردم‌شناسی آن سامان تحقیق کرد و مطالعاتی درباره اسلام در سومالی انجام داد که بعدها در سه جلد در رم انتشار یافت.

چرولی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ و از ۱۹۳۸ تا ۱۹۳۹ در اتیوپی بود و مطالعاتی درباره زبان‌شناسی و مردم‌شناسی آن ناحیه به عمل آورد و به یک سفر علمی اکتشافی در غرب اتیوپی دست زد و تا سرحد سودان رفت. پس از بازگشت به ایتالیا به تحقیق و بررسی درباره روابط فرهنگ شرق و غرب در دوره قرون وسطی پرداخت و حکایات فراوانی درباره معابد فرانسه، اسپانیا و ایتالیا که در دوره جنگهای صلیبی وارد ادبیات مسیحی شده گرد آورد و

در آنها تحقیق کرد.^(۱)

آقای چرولی از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ سفیر ایتالیا در تهران بود. وی در همین مدت در تاریخ و فرهنگ ایران و مناسبات بین ایران و ایتالیا مطالعات زیادی انجام داد و رساله مفصلی در «تاریخ سه هزار ساله ایران» نوشت و اسناد مهمی از زبان «آرامی نو» مربوط به شمال ایران به دست آورد و انتشار داد. چرولی بر پایه مطالعات گسترده‌ای که کرد بر تأثیر مستقیم تمدن ایران در کشورهای دیگر تکیه می‌کرد و با علاقه‌ای خاص از نفوذ فرهنگ ایران در ایتالیا سخن می‌گفت. وی اعتقاد دارد که فلسفه ابن سینا از منابع الهام مکتب غنایی معروف ایتالیا Dolce Stil Novo دلنشین گردید و در همین مکتب بود که دانته بزرگترین نابغه ایتالیا پرورش یافت.

برخی از آثار وی:

کتابها:

— ادبیات عامیانه اتیوپی جنوبی

— اتیوپی غربی (۲)

— اسلام دیروز و امروز.

— متون آرامی جدید از شمال ایران

— آشنایی با اسلام و غرب

— مسئله منابع عربی اسپانیایی کمدی الهی.

رسالات و مقالات:

— «پیروزی ایران در اورشلیم» و منابع دیگر مسیحی شرقی در حکایتی از اورلاند

۱- «آشنایی با ایران دوستان و ایران‌شناسان»، پیوند، شماره ۳۷، بهار ۱۳۵۷، ص ۹-۴۸.

۲- همان، ص ۵۰-۴۹.

خشم‌گین

– بازنویسی فرانسه واژه‌های عربی در یک دستنویس از قرن ۱۳ به فرانسه.

– یک روایت قرون وسطی دربارهٔ پیدایش ونیز و منابع شرقی آن

– دانتِه و اسلام

– شرق و غرب در قرون وسطی

– ابن‌سینا و لوران دویدسی

– اسلام در تاریخ ابتدایی قرون وسطی

– افسانه‌های قرون وسطایی رومی در شرق و افسانه‌های شرقی روم

– اطلاعات مقدماتی درباره دستنویسهای تعزیه

– تعزیه و پیدایش آن (به فرانسه).

– تأثیر مذهبی در ایران

– پیدایش و تاریخ تأثیر ایران

– سه هزار سال تاریخ ایران^(۱)

جوزفه توچی

جوزفه توچی Giuseppe Tucci (۱۸۹۴-۱۹۸۴) شرق‌شناس و

باستان‌شناس بزرگ ایتالیایی که در زمینه مطالعات ایران‌شناسی سهم بسزایی داشته است.

توچی مدتها به بررسی و کاوش باستانشناسی در ناحیهٔ سیستان در شرق ایران پرداخت. وی گردانندهٔ مؤسسه‌ای به نام مؤسسهٔ ایتالیایی خاورمیانه و دور بود و شعبه‌ای از آن را به آسیا اختصاص داد. حاصل تحقیقات و مطالعات و کاوشهای این مؤسسه در سلسله «گزارش‌ها و یادداشتهایی» منتشر شده است.

یکی از گزارش‌های آن شرحی است از حفريات باستانشناسی در تپه‌های موسوم به شهر سوخته نزدیک زابل. این را نیز بگوییم که او سالها ریاست هیأت باستانشناسی ایتالیا در ایران را به عهده داشت.^(۱)

فرانچسکو گابریلی

گابریلی به سال ۱۹۰۴ متولد شد و در سال ۱۹۶۶ هم روی در نقاب خاک کشید. وی از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان مشهور ایتالیایی است که در بیش از نیم قرن فعالیت، جزوه‌های بی‌شماری درباره تاریخ ادبیات فارسی به چاپ رساند. او رییس مؤسسه آکادمی ملی لینچه‌ایی بود. گابریلی دو کنگره مهم بین‌المللی یکی درباره "تاریخ فرهنگ ایران، یونان و روم" و دیگری در باره "اوضاع ایران در عهد ساسانی و قرون اولیه عصر اسلامی" برگزار کرد. وی مقالاتی در باره نویسندگان و شاعران ایران و تاریخ ادبیات فارسی به منظور درج در دایرةالمعارف ایتالیایی (۱۹۲۹-۱۹۳۸) نوشت. او همچنین رباعیات خیام را ترجمه و سفرنامه ناصر خسرو را مطالعه و بررسی کرد. اشکال ادبیات عرب و فارسی را به مقایسه گرفت و برخی از حوزه‌های تاریخی - سیاسی سلسله پهلوی را تفسیر نمود. گابریلی در ۲۳ آذر ماه ۱۳۷۵ در شهر رم در سن ۹۲ سالگی درگذشت.^(۲)

اتوره روسی

روسی خاورشناس ایتالیایی است که در سی‌ام سپتامبر ۱۸۹۴ در قریه‌ای

۱- پیه مونتسه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۸۸.

۲- همان، ص ۹-۴۸۸.

روسی خاورشناس ایتالیایی است که در سی‌ام سپتامبر ۱۸۹۴ در قریه‌ای نزدیک شهر میلان به دنیا آمد. وی در خانواده‌کشاورزی به دنیا آمد که فرزندان بسیار داشت. علاقه بسیار او به تحصیل علم سبب شد که در سال ۱۹۱۴ وارد دانشگاه شود، اما جنگ جهانی اول مانع شد که به درسش ادامه دهد. او برای جنگ به لیبی اعزام شد که در آن وقت مستعمره ایتالیا بود. وی در آنجا شروع به تعلیم زبان عربی کرد. روسی سپس به ایتالیا برگشت که آن روزها درگیر جنگ با اتریش بود.

روسی این اقبال را داشت که با مستشرق بزرگ کارلو نلینو آشنا شود. این آشنایی سبب شد که نلینو و اهمیت زبان و فرهنگ شرقی را به روسی گوشزد کند. این زمان مصادف با روزهایی بود که نلینو مدیر مجله شرق جدید بود. او وقتی استعداد و مساعی روسی را در کسب علوم و فرهنگ شرق دید او را به همکاری با مجله و نوشتن مقاله دعوت کرد و این همکاری تا مرگ نلینو ادامه داشت. پس از اینکه نلینو وفات یافت سرپرستی و سردبیری مجله به روسی واگذار شد و او تا آخر عمر این مجله را منتشر کرد.

روسی از سال ۱۹۳۵ به استادی دانشگاه رم برگزیده شد و در سال ۱۹۳۸ تدریس زبان فارسی را در این دانشگاه به عهده گرفت. او در سال ۱۹۳۹ استاد ممتاز تدریس زبانهای فارسی و ترکی گردید.

روسی مقالات و تحقیقات فراوانی در زمینه زبان و تاریخ و فرهنگ

شرق و از جمله ایران دارد که در اینجا فقط به آثار فارسی او اشاره می‌شود:

۱- دستور زبان فارسی جدید، سال ۱۹۴۷

۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه واتیکان، سال ۱۹۴۸

روسی که در آخر عمر به بیماری سرطان مبتلا شد، پس از تحمل رنج بسیار، در ۲۳ آگوست ۱۹۵۵ بدرود حیات گفت.^(۱)

۱- «ایران‌شناسان و استادان زبان فارسی از گذشته تاکنون» نامه پارسی، سال دوم، شماره

اول، بهار ۱۳۷۶، ص ۵-۱۹۴.

فصل ششم

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

بطور کلی، در حال حاضر در ایتالیا پنج کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های این کشور وجود دارد، این دانشگاه‌ها بدین قرارند:

- ۱ - دانشگاه ناپل / انستیتوی شرق‌شناسی
- ۲ - دانشگاه رم «لا ساپینزا» / دانشکده ادبیات و فلسفه
- ۳ - دانشگاه ونیز / دانشکده زبان و ادبیات خارجی
- ۴ - دانشگاه بولونیا / دانشکده فلسفه و ادبیات / انستیتوی ریشه‌زبان‌شناسی
- ۵ - دانشگاه پیزا / دانشکده هنر^(۱)

طبق گزارش نمایندگی فرهنگی ایران در این کشور در سال ۱۹۸۵ / ۱۳۶۴، تعداد شصت و شش استاد ایران‌شناس و اسلام‌شناس در دانشگاه‌های ایتالیا به تدریس زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشته‌اند. این گروه غالباً قادر به

۱- نامه پاریسی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۵۱.

درک و فهم زبان فارسی هستند. البته شماری از آنان نیز توانایی تکلم به زبان فارسی را دارند. در همانحال شماری هم در نوشتن به فارسی توانا می‌باشند.^(۱) در حال حاضر در چهار دانشگاه ایتالیا جمعاً شصت دانشجوی در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل اشتغال دارند، سه دانشگاه ایتالیا (دانشکده شرقشناسی ناپل، رومالا اسپیزا و ونیز) کلاسهای آموزشی پایه در زمینه زبان فارسی به عنوان درس اصلی: چهار کلاس زبان فارسی در ارتباط با درس دومی مانند زبانهای ترکی و عربی یا رشته‌های دیگر ارائه می‌دهند. دانشگاه شهر بولونیا یک موقعیت متوسطی را در بین این سه دانشگاه که به عنوان مراکز سنتی آموزش ایران‌شناسی شناخته شده‌اند، کسب کرده است. این دانشگاهها کلاسهایی را در زمینه فراگیری زبان فارسی عرضه می‌دارند که دانشجویان در چهار سال انتخاب می‌کنند. این دانشگاهها، کلاسهایی را نیز درباره تاریخ ایران ارائه می‌نمایند که دروس اجباری آن مربوط به وقایع مهم تاریخی است. برخی از درسهای ایران‌شناسی در دانشگاههای میلان (دانشکده هنر: درس زبان‌شناسی ایران)، دانشگاه پیزا (دانشکده هنر: زبان‌شناسی ایران، ایران‌شناسی) و دانشگاه تورین (دانشکده هنر: دروس باستان‌شناسی پارتها و ساسانیان) تدریس می‌شوند. در این دانشگاهها که در آنان بخش ایران‌شناسی دایر نیست و کتابهای مربوط به ایران در دسترس نمی‌باشد، دروس ایران‌شناسی در کنار دروس رشته‌های باستان‌شناسی یا تاریخ مدیترانه باستان و خاورمیانه، ادبیات باستان و زبان‌شناسی مقایسه‌ای ارائه می‌شود.

در خصوص چگونگی پذیرش متقاضیان در رشته‌های ایران‌شناسی و بطور کلی در سایر رشته‌های دانشگاهی در ایتالیا باید گفت که داوطلبان

می‌بایست امتحانات پایانی مدارس متوسطه را به پایان رسانیده باشند (درجهٔ دیپلم).^(۱)

□ مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه ناپل

این مؤسسه از پرسابقه‌ترین مؤسسات دانشگاهی اروپا (و قدیمی‌ترین در ایتالیا) در زمینه شرق‌شناسی است که در سال ۱۲۲۴ میلادی تأسیس گردیده. این مؤسسه یکی از مهمترین مراکز مطالعات زبان، تاریخ و تمدن ایران را در خود جای داده است. در بخش ایران‌شناسی مؤسسه که یکی از مهمترین بخشهای مؤسسه به شمار می‌آید، مواد زیر در رابطه با فرهنگ ایران تدریس می‌شود: تاریخ ایران، مذاهب ایرانی، باستانشناسی ایران قبل از اسلام، باستانشناسی و هنر ایران در دوران اسلامی و زبان و ادبیات فارسی. کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۹۵۷ برای نخستین بار، در این مؤسسه پا گرفت و ریاست آن به عهدهٔ پروفسور *الساندرو بوزانی* ایران‌شناس، اسلام‌شناس و زبان‌شناس مشهور نهاده شد. پس از وی پروفسور روسی جای او را گرفت. در سال ۱۹۶۷ برای نخستین بار نیز در دانشگاه ناپل کرسی استادی فیلولوژی ایرانی تأسیس شد و ریاست آن تا چند سال پیش با پروفسور *گراردو نیولی* بود. از سال ۱۹۸۰ کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی در مؤسسه شرق‌شناسی ناپل به پروفسور *جووانی درمه* تعلق دارد. وی که متخصص دستور زبان فارسی است، کتاب *بازرسی* نیز در این زمینه به چاپ رسانده است. آقای *درمه* از متخصصان درجهٔ اول روش نگارش خط میخی ایران باستان بوده و آثاری از *عبید زاکانی* ترجمه کرده و مقاله‌هایی هم در مبحث زبان و ادبیات انتشار داده است. امروزه

۱- راهنمای رشته ایران‌شناسی در اروپا، ترجمهٔ م. ا. برهان هدی، ص ۲۰.

او ریاست بخش مطالعات آسیا‌شناسی در ناپل را هم برعهده دارد. از سال ۱۹۸۰ پروفیسور آدریانو والریو روسی از شاگردان استاد پیه مونتسه صاحب کرسی استادی زبان‌شناسی ایران شده است. او نیز از صاحب‌نظران و متخصصان برجسته خط میخی پارسی باستان، پهلوی و زبان بلوچی است و در این زمینه کتابها و مقالات بسیار به چاپ رسانده است. وی از سال ۱۹۸۲ مدیر یک مجله تحقیقات بلوچی می‌باشد و تا چندی قبل نیز معاونت ریاست مؤسسه دانشگاهی شرق‌شناسی ناپل به عهده او بوده است. در این مؤسسه دانشگاهی از گذشته تاکنون پیوسته دانشمندانی تدریس کرده‌اند که در زمینه مطالعات ایران‌شناسی بسیار نمونه و برجسته بوده‌اند. از این میان باید پروفیسور پیو فیلیپانی رونکونی هندشناس و ایران‌شناس معروف نام برد که ایدئولوژی شاهنشاهی ایران باستان و تاریخ شیعه اسماعیلیان را تألیف و کتاب «گشایش و رهایش» ناصر خسرو و همچنین «ام‌الکتاب» را ترجمه کرده است.^(۱)

چند سالی است که در این مؤسسه، دوره‌های تخصصی آمادگی پژوهشگران جدید در زمینه ایران‌شناسی برپا شده است. این دوره مطالعاتی که آن را «دکتری تحقیق» می‌نامند، مخصوص فارغ‌التحصیلان رشته ایران‌شناسی است. این دوره، سه سال به طول می‌انجامد و در پایان از سوی دانشجو رساله‌ای خاص ارائه می‌شود که دکتری در تحقیقات ایران‌شناسی نام می‌گیرد. در چند سال گذشته ۹ نفر این دوره را به اتمام رسانده‌اند و رساله‌های تحقیقاتی خود را به چاپ سپرده‌اند که عبارتند از:

- میکله برناردینی با رساله‌ای تحت عنوان مثنوی هفت منظر از هاتفی
- کارلو چرتی متخصص زبان سعدی

۱- پیه مونتسه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۲-۴۹۱.

- ملیچتا فرارو متخصص مردم‌شناسی بلوچ
 - خام الیانا فیلیپونه متخصص زبان پارسی
 - پاسکواله جونتا متخصص زبان کردی
 - مائورو ماچی متخصص زبان سکائی و ختایی
 - دانیلا مانگینی متخصص دیوان حافظ
 - آنتونیو پائائینیو متخصص زبان اوستایی
 - ماریو ویتالونه متخصص جزوات روایات دین زرتشتی^(۱)
- دانشجویان گروه ادبیات فارسی این دانشکده در دهه گذشته هفتاد نفر بوده‌اند که هم اکنون تعداد آنها به هفت نفر تقلیل یافته است.
- استادانی که در مسائل ایران‌شناسی در این بخش فعالیت می‌کنند عبارتند از:
- گرارو نیولی که چند سال ریاست این دانشگاه را نیز برعهده داشت. او در حال حاضر ریاست مؤسسه ایزمئو (بزرگترین مؤسسه مطالعاتی شرق‌شناسی ایتالیا) را به عهده دارد. نیولی خود استاد زبان و خط اوستا و مذاهب قدیم ایران و دارای تألیفات زیادی در مورد فرهنگ ایران است.
 - از دیگر استادان این مؤسسه:
 - دکتر ماریتسیو تاده‌ای، استاد باستانشناسی پاکستان و هند
 - دکتر ماریتسیو توزی، استاد باستانشناسی ایران و خاورمیانه و نویسنده بیش از هفتاد کتاب در رابطه با مسائل باستانشناسی ایران.
 - خانم دکتر سیلوی آنتونیونی، استاد تاریخ هنر و باستانشناسی آسیای مرکزی
 - دکتر رحیم رضا استاد زبان و ادبیات فارسی و اردو

- دکتر **لیو پرواسی**، استاد زبانهای باستانی ایران
 - دکتر **برونو جنینو**، مربی بخش باستانشناسی دوران تاریخی
 - دکتر **آدریانو روسی**، استاد فقه‌اللغة ایرانی
 - دکتر **جووانی درمه**، استاد زبان در ادبیات فارسی
 - خانم دکتر **جووانا ونترونه**، استاد باستانشناسی و هنر اسلامی
 - خانم دکتر **والریا فیورانی پیاچنتینی**، استاد تاریخ ایران
 - آقای **میکله برناردینی**، محقق
 - آقای **نادر تنها**، استاد متن خوانی
- در پایان این را نیز بیفزاییم که نشریه انستیتوی شرق‌شناسی ناپل که یکی از مهمترین نشریات اروپایی در قلمرو مطالعات خاورشناسی است، از سال ۱۹۲۹ تاکنون مرتب و علی‌الدوام منتشر شده است.^(۱)
- همچنین این مؤسسه با چندین مؤسسه دیگر تحقیقاتی - دانشگاهی مستقر در ایتالیا یا خارج از این کشور همکاری دارد که از جمله آنها کمیته بین‌المللی بررسیهای بلوچستان است. این کمیته نشریه ادواری نامنظمی تحت عنوان «خبرنامه بررسیهای بلوچستان» منتشر می‌کند.^(۲)

دانشگاه رم «لاساپینزا»، دانشکده ادبیات و فلسفه بخش مطالعات شرقی

این دانشگاه که از قدیمی‌ترین دانشگاههای اروپاست، در سال ۱۳۰۳ میلادی بنیاد یافت. در سال ۱۹۷۵ برای نخستین بار کرسی استادی زبان و

۱- سید منصور سجادی، *گوشه‌ای از ایران‌شناسی در ایتالیا*، آینده، سال ۸، شماره ۱۵، دیماه ۱۳۶۱، ص ۷۰۹-۱۰.

۲- نشر دانش، سال نهم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۶۸، ص ۷۱.

ادبیات فارسی در این دانشگاه تأسیس شد. از همان سالهای نخست (۱۹۶۷) پروفیسور آنجلومیکله پیه مونتسه به تدریس زبان و ادبیات فارسی در آنجا اشتغال داشته‌اند.^(۱) استادان این دانشگاه آثار معتنا بهی دربارهٔ ایران از خود برجای گذاشته‌اند. در حال حاضر دانشجویان زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه بین ۲۰ تا ۳۰ نفر هستند. دانشگاه همچنین کرسی دیگری برای زبانشناسی زبانهای ایرانی دایر کرده که در آن زبانهای قدیم ایران (اوستایی، پهلوی و ...) تعلیم داده می‌شود.^(۲)

اسامی استادان زبان فارسی دانشگاه رم

— پروفیسور پیه مونتسه استاد زبان فارسی

(ایشان در حال حاضر به عنوان رایزن فرهنگی ایتالیا در تهران تعیین شده‌اند.)

— خانم پائولا اورساتی

— آقای چنگیز داورپناه (استاد متن‌خوان)

— روبرتو اسکارچیا استاد ادبیات فارسی و تاریخ مذهبی ایران و آسیای مرکزی

— ریکاردو زیپولی استاد ادبیات فارسی

— آقای بهارلو استاد متن‌خوان

— خانم دانیلا مانگینی محقق

انستیتوی مطالعات خاورشناسی دانشگاه رم دارای نشریهٔ معروفی است به نام مجلهٔ مطالعات شرقی.^(۳)

بخش فارسی دانشگاه رم دارای بانک اطلاعاتی و کتابخانهٔ نسبتاً مجهزی می‌باشد. از سال ۱۹۸۸ در این بخش دربارهٔ آثار شاعران کلاسیک و معاصر

۱- پیه مونتسه: تاریخچهٔ ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۹۳.

۲- زبان فارسی در جهان، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ص ۴-۳.

۳- همان، ص ۱۳ و ۹.

فارسی تحقیقی در دست انجام است که در آن آثار ادب فارسی و کتابهای مربوط به فرهنگ، تمدن، تاریخ و زبانهای ایرانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نخستین نتیجه این تحقیق در قالب نمونه‌ای از غزل‌های شاعران بزرگ فارسی مانند: عطار، بیدل، فغانی، فرخی، حافظ، کمال، نظیری، سعدی گردآوری شده است. همچنین در این بخش مطالعاتی بر روی تاریخ مذاهب ایران و آسیای مرکزی نیز در دست انجام است که استاد آن آقای پرسیانا سالاتی مارکو هستند. یکی از موضوعات مورد پژوهش در این زمینه پیدایش و گسترش شیعه در قرون هفتم تا یازدهم صفویه (۱۷۰۰-۱۵۰۰) بوده است.^(۱)

برنامه آموزشی سال ۹۱-۹۲ بخش زبان فارسی دانشگاه رم

- تعداد دانشجویان سال اول بخش فارسی دانشگاه رم ۱۸ نفر.
- تعداد دانشجویان سال دوم بخش فارسی دانشگاه رم ۱۲ نفر.
- تعداد دانشجویان سال سوم بخش فارسی دانشگاه رم ۴ نفر.
- تعداد دانشجویان سال چهارم بخش فارسی دانشگاه رم ۱ نفر.
- که جمعاً ۳۵ نفر و نسبت به سال گذشته ۵ نفر افزایش یافته است.

مطالب درسی دوره‌های آموزشی:

- سال اول

مقدمه‌ای بر مطالعات تمدن ایرانی، فارسی و زبانهای ایرانی، عناصر تاریخی زبان فارسی، اسنادی از زبان فارسی قبل از اسلام، دستور زبان فارسی جدید، اختلافات اساسی بین سبک ادبی فارسی جدید، کلاسیک و مدرن،

قرائت و ترجمه قطعات ادبی کهنه و نو (با همکاری متن خوان)

— سال دوم

ترکیب فارسی جدید و شکل‌گیری کلمات، تاریخ ادبیات اصیل از قرون هشتم، همراه با قطعات ادبی برگزیده، اصول عروضی، تمرین تجزیه و ترکیب به فارسی، قرائت و مکالمه و ترجمه فارسی

— سال دوم دوره پیشرفته (سال سوم و چهارم)

«تذکره الاولیاء» عطار: شرح حال عارفان در ادبیات فارسی.^(۱)

کلاسهای سمعی و بصری

در این کلاسها ۲ ساعت در هفته درس برای هر یک از دوره‌ها وجود دارد و در ماه در سالن ویدیو، فیلمی به زبان فارسی برای دوره پیشرفته نمایش داده می‌شود.

مواد کمک آموزشی که زیر نظر متن‌خوان (دکتر چنگیز داورپناه)^(۲) قرار دارد در ساعات خارج از برنامه در اختیار دانشجویان نهاده می‌شود.^(۳)

روش تعیین موضوع رساله فارغ التحصیلی

موضوع رساله معمولاً در سال سوم با توافق استاد و دانشجو تعیین می‌شود.

۱- زبان فارسی در جهان (ایتالیا): ص ۹-۱۰.

۲- دکتر چنگیز داورپناه با استفاده از نوارهای ویدیویی، مجلات و روزنامه‌های مختلف به زبان فارسی دانشجویان را با مکالمه فارسی توانا می‌سازد.

۳- زبان فارسی در جهان (ایتالیا)، ص ۱۰.

محل و ساعت درسها

درسهای مکالمه در بخش آزمایشگاهی ویلامیرالیوری برگزار می‌شوند و سایر درسها در محل بخش مطالعات شرقی برگزار می‌شوند. برای آگاهی از ساعات دروس به یکی از برنامه‌ها توجه می‌کنیم:

— دوره اول:

سه‌شنبه ساعت ۱۶-۱۷ خانم دکتر اورساتی
سه‌شنبه ساعت ۱۷-۱۹ آقای دکتر داورپناه
پنج‌شنبه ساعت ۱۷-۱۹ خانم دکتر اورساتی
جمعه ساعت ۱۷/۳۰-۱۹/۳۰ آزمایشگاه

— دوره دوم:

چهارشنبه ساعت ۱۶-۱۷ خانم دکتر اورساتی
چهارشنبه ساعت ۱۷-۱۹ خانم دکتر اورساتی
پنج‌شنبه ساعت ۱۷-۱۹ آقای دکتر داورپناه
جمعه ساعت ۱۵/۳۰-۱۹/۳۰ آزمایشگاه

— دوره پیشرفته

دوشنبه ساعت ۱۷-۱۹ آقای دکتر داورپناه
چهارشنبه ساعت ۱۷-۱۹ خانم دکتر اورساتی
شنبه صبح، هفته در میان (آزمایشگاه: سالن ویدئو)
سلسله مراتب اساتید بدین نحو است:

— استاد (Professore)

— محقق (Rieercatore)

— متن خوان (Lettore)^(۱)

برای زبانهای خارجی یک استادیار که زبان مادریش همان رشته موردنظر باشد، انتخاب می‌کنند. کار اصلی این استادیار قرائت صحیح با تلفظ اصیل آن زبان می‌باشد. برای زبان فارسی دانشگاه رم آقای دکتر چنگیز داورپناه Lettord (متن‌خوان و یا استادیار) انتخاب شده‌اند. غالباً استادیاران به لحاظ آشنایی کامل با زبان فارسی خود به اساتید نیز کمک می‌کنند.^(۲)

دانشکدهٔ زبان و ادبیات خارجی دانشگاه ونیز بخش مطالعات اروپایی - آسیایی

در دانشکدهٔ زبان و ادبیات خارجی ونیز برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ کرسی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شد که پرفسور جان روبرتو اسکارجیا ریاست آن را بعهده گرفت.^(۳) در حال حاضر، حدود پانزده دانشجو در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل‌اند. در این رشته زبانهای اردو پشتو نیز تدریس می‌شود.^(۴)

مواد درسی رشتهٔ ایران‌شناسی در این دانشکده شامل: زبان‌شناسی ایران (استاد زیپولی)، زبان و ادبیات ایرانی (استاد زیپولی)، تاریخ جدید و معاصر ایران و آسیای مرکزی (در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ فعال نبود)، تاریخ مذهبی ایران و آسیای مرکزی (استاد اسکارجیا).

۱- همان، ص ۱۲.

۲- همان، ص ۱۲-۳.

۳- پیه مونته: تاریخچهٔ ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۹۴.

۴- زبان فارسی در جهان، ص ۴.

دروس سال اول شامل یادگیری و کار بر روی صرف و نحو و ترکیبات زبان فارسی معاصر، قرائت متون نثر و نظم مربوط به دوره باستان است. در سال دوم، دروس شعر فارسی معاصر، علم عروض، مطالعه متون نظم و نثر دوره کلاسیک تدریس می‌شوند.

کتابها و متون مورد مطالعه در سال اول: دستور زبان فارسی معاصر، (G. Lazard Paris 1957)، دستور زبان فارسی (A. Colletti Roma 1977)، تاریخ ادبیات فارسی (فلورانس ۱۹۶۷ - A. Bausani, A. Paglio) و تاریخ ادبیات ایران (Rypka Dordrecht 1968).^(۱)

کتابهای درسی سال دوم: دستور فارسی معاصر (G. D, Erme Napoli 1979) فارسی در قرون وسطی (g. Scott Meisarmi # Princeton 1987) و جزوات متون شعری است.

لازم به یادآوری است که در کلیه دپارتمانها یک استاد متن‌خوانی ایرانی وجود دارد که در این بخش این مسئولیت به عهده آقای حمیدرضا بهارلو است که سالها تدریس متون فارسی را ادامه می‌دهد.

این بخش دارای کتابخانه‌ای است با چهل و پنج هزار جلد کتاب، ۶۵۰ عنوان مجله. اکثر موضوعات کتابها و مجلات مربوط به زبان و ادبیات، تاریخ، مذاهب و هنر کشورهای خاورمیانه، خاور نزدیک و کشورهای اسلامی است.

در این دانشکده دروس زبان و ادبیات فارسی در طول چهار سال برای یک رشته اصلی، اجباری تلقی می‌شود. این زبان با زبانهای اسلامی دیگر مانند عربی و ترکی آموزش داده می‌شود. در این بخش همچنین زبان و ادبیات افغانی هم از اهمیت درخوری برخوردار است. رشته‌های دیگر مطالعات ایرانی مانند

تاریخ مذاهب ایرانی، زبانشناسی ایران، و علم منطق در ایران نیز در دوره ۴ ساله یا دو ساله ارائه می‌شوند. در حال حاضر سطح دکتری ویژه ایرانشناسی دایر نمی‌باشد و گروهی از استادان این دانشکده با دانشکده ناپل در زمینه تحقیقات ایرانی همکاری دارند.^(۱)

اساتید:

روبرتو اسکارجیا: تاریخ مذهبی ایران و آسیای مرکزی

جورجیو ورچلین: زبان و ادبیات افغانی

بوقوس ذکیان: زبان و ادبیات ارمنی

ریکاردو زیپولی: زبان و ادبیات فارسی

معاونین تحقیقاتی:

جیووانی کوراتولا: تاریخ هنر ایران اسلامی

لویجی ماگاروتو: قفقازشناسی

ماریونوردیو: تاریخ مذهبی ایران و آسیای مرکزی

کلاسهای آموزش فارسی دری، زبانشناسی ایران و منطق در ایران بر اساس قراردادهای سالانه تشکیل می‌گردند. یک استاد مهمان هم برای دروس مورد لزوم دانشکده براساس قراردادهای مشابه برای دوره‌های خاص انتخاب می‌شود.

کتابخانه اداره تحقیقات اروپا - آسیا در این دانشکده بیش از پانزده هزار کتاب و صد نشریه فصلی را در خود جای داده است که بخشی از آن مخصوص

رشته‌های ایران‌شناسی با تأکید بر روی تحقیقات و رشته‌های افغان‌شناسی است. ضمناً در کتابخانه مارسیانو مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی فارسی نگهداری می‌کند.^(۱)

نشریه سالانه: *Anmali di Cafoscri - Serie Orientale* که در این دانشکده به چاپ می‌رسد، مقالات و نقد کتابهایی در زمینه ایران‌شناسی انتشار می‌دهد. افزون بر این سلسله نشریاتی که بیشتر با رشته‌های ایران‌شناسی ارتباط دارند مانند سلسله نشریات *Quaderni del Seminario di iranistica, uralo - altaistica e caucasologica* منتشر می‌شوند. این مجموعه در سال ۱۹۷۹ بنیان‌گذاری شده و تاکنون ۲۰ جلد کتاب درباره تحقیقات ایرانی منتشر کرده است.^(۲)

دانشگاه بلونیا - دانشکده ادبیات و فلسفه انستیتو زبان‌شناسی

از سال ۱۹۸۷ در دانشگاه بلونیا کرسی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شده و پروفیسور مائوریزو پیستوزو متخصص مطالعات تاجیکی ریاست آن را عهده‌دار است.^(۳)

اساتید زبان فارسی دانشگاه بلونیا:

— آقای مائوریتز پیزو پیستوزو استاد زبان و ادبیات فارسی

— خانم پودیولی محقق

۱- راهنمای ایران‌شناسی در اروپا، ص ۶-۲۵.

۲- همان.

۳- بیه مونتسه: تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا، ص ۴۹۴.

– خانم فریبا خمسه‌ای استاد متن‌خوانی

– پرفسور جووانی درمه استاد زبان فارسی (۱۹۸۱-۱۹۷۳) در بخش
شرق‌شناسی دانشگاه بولونیا

دانشکده هنر

الف – رشته تاریخ

در رشته تاریخ این دانشکده درس زبان و ادبیات فارسی ارائه می‌گردد. این درس با رشته‌های اصلی مانند تاریخ مدیترانه باستان و خاورمیانه، ادبیات باستان و زبان‌شناسی مقایسه‌ای انتخاب می‌گردد.

درسهای اسلام‌شناسی و هندشناسی هم به عنوان دروس انتخابی در رشته تاریخ ارائه می‌شود.

لازم به ذکر است که طول دوره رشته تاریخ ۴ سال تعیین شده و در آن علاوه بر فارسی زبانهای عربی و ارمنی هم آموزش داده می‌شود.

استاد زبان و ادبیات فارسی این دانشکده هم گاه گابریلا اولو هوکیان می‌باشد.

نشریه: Studi orientali e linguistici نشریه بخش دانشکده زبان‌شناسی می‌باشد. این نشریه در زمینه‌های تحقیقات ایران‌شناسی گاه مقالاتی منتشر می‌سازد.^(۱)

دانشگاه پیزا

در دانشگاه پیزا پروفیسور الیوپرواسی از شاگردان پروفیسور نیولی و متخصص زبان اوستا و پهلوی، زبان‌شناسی ایرانی را تدریس می‌کند. در این دانشگاه نیز

زبانهای محلی ایران توسط اساتید ایران‌شناس تدریس می‌شود.^(۱)

□ مؤسسه ایزمئو (مؤسسه مطالعات ایتالیایی، خاورمیانه و خاور دور)

این مؤسسه تحقیقاتی که تحت نظارت وزارت امور خارجه ایتالیا اداره می‌شود، در زمینه‌های گوناگون فرهنگی فعالیت دارد. موسسه همچنین دارای دوره‌های آموزش زبانهای شرقی از جمله زبان، فرهنگ و تمدن ایرانی است. مؤسسه ایزمئو شعبه‌ای در شهر میلان نیز دارد که در حال حاضر فعال نیست.

موسسه ایزمئو در سال ۱۹۳۳ تأسیس شده و رئیس آن از سال ۱۹۷۹ آقای پروفیسور گرادو نیولی می‌باشد. این موسسه دارای معاون، رئیس و دبیر کل، اعضای افتخاری، اعضای از وزارت خارجه، وزارت محیط و میراث فرهنگی، وزارت آموزش عالی و کمیته انتشارات می‌باشد. استاد زبان فارسی این موسسه آقای رضا کسایی است.

ایزمئو در طول فعالیت خود همواره فعالترین و موثرترین مرکز ایتالیایی برای بهبود و تقویت روابط فرهنگی با ایران بوده است. از زمره فعالیت‌های متنوع و ثمربخش این موسسه دایر کردن کلاسهای مخصوص تعلیم زبان فارسی و اداره برنامه فارسی رادیو رم بود. برنامه‌های این رادیو در نوع خود از بهترین برنامه‌های رادیوهای خارجی به زبان فارسی بود. این موسسه کنفرانسهای متعددی درباره فرهنگ ایران برپا کرد. برگزاری نمایشگاههای هنر ایرانی در ایتالیا و به ویژه برپایی نخستین نمایشگاه بزرگ هنر ایران در ایتالیا در سال ۱۹۵۶ توسط همین موسسه بود. در ماه مه ۱۹۶۳ نیز بزرگترین نمایشگاه هنر ایرانی به نام «هفت هزار سال هنر در ایران» به سرپرستی اداره علمی این انستیتو

در میلان گشوده شد.^(۱)

یکی از مؤسسات فرهنگی وابسته به ایزمئو «مرکز فرهنگی ایتالیا و ایران» است که ریاست آن سالها با آقای فرانچسکو تالیانی شخصیت برجسته فرهنگی و سیاسی ایتالیا بود. او که قبلاً مقام سفارت کبری داشت، نقش مهمی در تقویت روابط فرهنگی ایران و ایتالیا ایفا نمود.

در عین حال ایزمئو دارای شعبه‌ای در ایران است که «مرکز فرهنگی ایتالیا» نام دارد. ایزمئو در خود ایران نیز فعالیتهای فرهنگی و علمی جالبی داشته که مهمترین آنها اداره کارهای هیأت باستانشناسی ایتالیا در ناحیه شرقی ایران بود.

ایزمئو دارای نشریات متعددی است که از زمره آنها می‌توان از مجله انگلیسی زبان «شرق و غرب» نام برد که هر سه ماه یکبار در رم منتشر می‌شود. سلسله کتابها و جزوه‌های منتشره از طرف این سازمان مجموعه بسیار باارزشی است.^(۲)

استادان زبان فارسی مؤسسه ایزمئو در رم:

دکتر رضا کسائی، زبان فارسی

دکتر بنیامینوملاسچی، فرهنگ و تمدن فارسی

دکتر فرانچسکونوچی، تاریخ هنر ایران

استادان فارسی در میلان:

دکتر فاروق رضااللهی، زبان فارسی

۱- شفا: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۱۰۷۹۶.

۲- همان.

دکتر ماتیلده گاکلیاری، فرهنگ و تمدن فارسی

□ دانشگاه فلورانس

در این دانشگاه کرسی زبان فارسی دایر است و دانشجویانی در آن به آموزش ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی اشتغال دارند.

□ دانشگاه پالرمو

این دانشگاه دارای کرسی زبان فارسی می‌باشد، ولی از تعداد دانشجویان آن اطلاعی در دست نیست.

□ دانشگاه تورینو

این دانشگاه در سال ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شده است. علاوه بر این دانشگاهها، شش انستیتوی شرق‌شناسی دیگر نیز تحقیقات مربوط به زبان فارسی^(۱) و مطالعات ایرانی را دنبال می‌کنند که برخی از آنها عبارتند از:

□ انستیتوی شرق

مرکز مطالعات خاورشناسی در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهر رم تأسیس گردید و تا چندی قبل رئیس آن **رافائله چیاسکا** و دبیرکل آن بانو **ماریا نلینو** بود. انستیتوی شرق از سال ۱۹۲۱ به بعد نشریه ماهانه‌ای را بنام «شرق جدید» انتشار داده است.

۵ آکادمی ملی لینچه‌ای

۵ بنیاد جورجیو چینی

۵ انجمن آسیایی ایتالیا

این انجمن در آغاز قرن حاضر از مهمترین مراکز مطالعات خاورشناسی در جهان به حساب می‌آمد و بسیاری از خاورشناسان ایتالیایی با آن همکاری داشتند. جنگ جهانی دوم فعالیت‌های این انجمن را متوقف ساخت. نشریه رسمی انجمن نیز که از سال ۱۹۰۶ بنام «مجله آسیایی ایتالیا» منتشر می‌شد در همان تاریخ از انتشار باز ماند.^(۱)

۵ انجمن ایران‌شناسی اروپا

یکی از کارهای مفید و اقدامات مؤثری که بعد از انقلاب در ایتالیا صورت گرفته ایجاد بنیادی است تحت عنوان انجمن ایران‌شناسی اروپا که به همت انستیتو ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور بنیاد یافته است. هدف این انجمن مساعدت، هدایت و تقویت مطالعات ایران‌شناسی در اروپاست. انجمن از اعضای مؤسس و اعضای که برای همکاری شرکت می‌کنند تشکیل شده است.

اعضای بنیاد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - اعضای رسمی

ب - اعضای افتخاری

ج - اعضای خیر

اعضای رسمی افرادی هستند که دارای تخصص ایران‌شناسی بوده و خود از ایران‌شناسان نامدار هستند. آنان معتقدند که دانش و تخصص خود را در خدمت به اهداف انجمن قرار دهند.

اعضای خیر افرادی متعهد هستند که از فعالیتهای انجمن به وسیله اهداء هدایا پشتیبانی می‌کنند و به پایداری و استحکام تصمیمات و اقدامات هیأت مدیره می‌افزایند. این افراد از سوی مراکز ایران‌شناسی معرفی می‌شوند.

اعضای رسمی از فعالیت خود توقع و چشمداشت مادی نخواهند داشت و هر عضو به طور آزادانه می‌تواند از انجمن خارج شود.

چنانچه عضو نسبت به منافع و اهداف و فعالیتهای انجمن بی‌تفاوت باشد، هیأت مدیره می‌تواند عضویت او را باطل اعلام دارد. اگر عضو انجمن دوساله حق عضویت خود را نپردازد، عضویت او خودبخود منتفی خواهد شد.

مجمع عمومی انجمن شامل تمام اعضاء می‌شود و در تاریخ معینی هیأت مدیره جلسه مجمع عمومی را برگزار می‌نماید. مدیرکل وزیر علوم هم می‌تواند تقاضای جلسه مجمع عمومی را بدهد.

وظایف مجمع عمومی انجمن به شرح زیر است:

- تصویب گزارشهای مدیرکل، منشی حسابداری امور اداری و سرمایه‌گذاری مالی بنیاد

- انتخاب اعضای هیأت مدیره

- انجام تغییرات قوانین و پیدا کردن راه‌حل مشکلات انجمن

- تعیین و حسابرسی برای بررسی و کنترل حسابداری در هر سال مالی

در زمان تشکیل مجمع عمومی تعداد اعضاء مهم است. در هر سال

مجمع عمومی دو اجلاسیه دارد. برای تشکیل نشست‌های مجمع عمومی

حضور دست‌کم بیش از نصف اعضاء به اضافه یک نفر ضروری است. در جلسه دوم مجمع حضور اکثریت اعضاء مهم نیست بلکه تصمیمات با اکثریت آراء شرکت‌کنندگان گرفته می‌شود.

اعضاء هیأت مدیره با رأی‌گیری انتخاب می‌شوند و از مجمع عمومی بهترین عضو به عنوان نماینده انتخاب می‌شود. هر عضو بیش از یک نماینده نمی‌تواند داشته باشد.

هیأت مدیره شامل هفت عضو است که اعضاء از بین خود یک مدیرکل یک منشی و یک خزانه‌دار انتخاب می‌کنند. نماینده مدیر انجمن باید ملیتش با ملیت مدیر انجمن فرق کند.

اعضای هیأت مدیره در دوره‌های چهارساله مأمور می‌شوند. یک گروه شورا هر چهار سال انتخاب می‌شوند و بیش از نصف اعضاء نمی‌توانند مأمور شوند. اعمال بعدی در آیین‌نامه استحکام خواهد یافت. هیچ عضوی بیشتر از دو دوره پی‌درپی نمی‌تواند مأموریت بگیرد.

مدیرکل قانوناً و به طور اداری و عادلانه معرفی می‌شود. او هیأت مدیره و جلسات و مذاکرات را اجراء و اجلاسیه را اداره می‌کند و به دریافت‌ها و پرداخت‌ها سر و سامان می‌دهد و فعالیت‌های اداری را امضاء می‌کند. در صورت غیبت یا مانعی برای مدیرکل معاون و نماینده مدیرکل هست و در صورت عدم امکان نماینده از بین اعضای شورا انتخاب می‌شود. وظایف هیأت مدیره به شرح ذیل است:

در مورد تشکیل جلسات مجمع عمومی، در باب یقین موضوعها و توسعه فعالیت‌های علمی و در مورد چاپ و انتشار آثار انجمن، قبول و یا اخراج

موقتی یا تعلیق اعضاء خواهد بود.^(۱)

هیأت مدیره فعالیتهای اداری را تحت نظر قرار می‌دهد. در صورت لزوم برای پیشبرد فعالیت‌های انجمن آئین‌نامه‌های جدیدی را ارائه می‌دهد.

رسمیت جلسات هیأت مدیره با حضور اکثریت اعضاء میسر است و برای رئیس هیأت مدیره و مدیر انجمن از اعتبار بیشتری برخوردار است. منشی هیأت مدیره مسئول دعوت اعضاء هیأت مدیره به جلسات بوده و ثبت و بایگانی گزارش‌های هیأت مدیره را برعهده دارد.

سرمایه انجمن در اختیار خزانه‌دار است و او بر کلیه فعالیتهای مالی انجمن نظارت دارد.

یکی از وظایف خزانه‌دار ارائه گزارش مالی به مجمع عمومی انجمن است.

درآمدهای مالی انجمن تشیکل شده از:

- ۱ - حق عضویت اعضاء رسمی و اعضاء خیر
 - ۲ - کمک مالی از طریق چاپ و نشر از طریق اعانه و هدایا
 - ۳ - درآمد معین سالانه
 - ۴ - از سازماندهی اعمال ویژه و از فروش انتشارات انجمن
 - ۵ - کمک اشخاص حقیقی و حقوقی
- اعضای اصلی انجمن ایران‌شناسان اروپایی در زمان تأسیس عبارت بودند از:
- الساندرو بوزانی - ژاک دوکسانی - ژولی مان - ایلیاگروویچ - گاردو نیولی - ژان کلسی - آنجلو میکله پیه مونتسه - دیوید ویتوس - ونیزو فیلیپو کوردو - نوتیو.

فصل هفتم

حوزه‌های مطالعاتی در ایران‌شناسی ایتالیایی

در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که ایتالیا با گذشتن از کوره انقلاب اجتماعی و اقتصادی تحولات خطیری را از سرمی‌گذراند و به تدریج به دول پیشرفته سرمایه‌داری می‌پیوست، تحولات در زمینه مطالعات ایرانی با شتاب بیشتر ادامه یافت. روابط ایتالیا با ایران که تا آن زمان در سطح نازلی حفظ شده بود، به میزان درخور توجهی توسعه یافت و به قلمرو مناسبات فرهنگی نیز کشیده شد، بطوریکه در زمینه مطالعات ایرانی گشایشی حاصل شده بود که شامل نوسازی و تقویت بخشهای تحقیقاتی معینی مثل فعالیت‌های میدانی باستانشناختی از آن جمله بود. پس از آن، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با افزایش تعداد کرسیهای دانشگاهی و عده مدرسان و تنوع یافتن روشها و جهت‌گیریهای تحقیقاتی، این گسترش و گشایش بر محور چندین موضوع قوام یافت.^(۱)

۱- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۴۷.

در تطور مطالعات ایرانی در چند دهه اخیر، گرایشهای علمی و مرامی فردی و گروهی گوناگونی که منشأهای متفاوتی داشته‌اند، مؤثر بوده‌اند. یکی از نشانه‌های این وضع همین است که امروزه در این کشور هیچ مؤسسه دانشگاهی یا مرکز علمی و تحقیقاتی مستقلی تشکیل نشده است که مشخصاً برای مطالعه درباره ایران اختصاص یافته باشد، بلکه این امر برعهده چندین مؤسسه واگذار شده است.

در بررسی این فعالیت‌ها می‌توان آنها را کلاً به دو حوزه متمایز از هم تقسیم کرد:

مطالعات جنبی و مطالعات تخصصی

حوزه مطالعات جنبی شامل تحقیقاتی است که بوسیله محققین در شاخه‌ها و شعب گوناگون مطالعات شرقی، هند و اروپایی، اسلامی، باستانشناختی و هنری انجام می‌شود. حاصل مطالعاتی که در این زمینه انجام می‌شده، همچنانکه پیشتر از این نیز اشاره شد، در سالهای قبل از دوران کنونی گسترده بوده و بیشتر به کار تأیید، تکمیل و یا تفسیر نظریات مختلف درباره این یا آن موضوع خاص در مطالعات ایرانی می‌آمده است. در مرحله آغازین دوران کنونی، آثار و تحقیقات *انریکو چرولی*، *الساندرو بوزانی* و برخی دیگر از گروه محققان ایتالیایی تأثیرات سودمندی بر احیاء و بسط دامنه مطالعات ایرانی داشته است.^(۱)

حوزه دوم این مطالعات شامل محققانی می‌شود که اختصاصاً ایران باستان یا ایران دوره اسلامی را به عنوان زمینه‌ها یا موضوعات تحقیقی که هر روزه بیش از پیش انسجام و حد و رسم مشخص می‌یابند برگزیده‌اند. یکی از خصوصیات بدیع دوران کنونی همانا تأکید روزافزون بر این نوع مطالعات است

۱- منی و کدی: *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ص ۸-۱۴۷.

و این جریان با ایران‌شناسی که امروزه به تدریج در عرصه بین‌المللی به صورت رشته مطالعاتی مستقل درآمده است، پیوند نزدیکی دارد. گوشه‌ای از تمایزات این دو گرایش کلی در مطالعات ایرانی را می‌توان در دو مجموعه مقالات متنوع ذیل دید:

مجموعه مقالاتی که به مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سالگرد سلطنت خاندان پهلوی فراهم آمده بود، نمونه بارز گرایش نخست و مجموعه مقالات متعددی که شامل آثار متخصصان اروپایی درباره ایران باستان است، نمودار گرایش دوم دانست. برای اطلاع تفصیلی از آثار محققان بسیاری که منفرداً در دوره معاصر در این زمینه‌ها کار کرده‌اند بهتر است به کتابشناسی مفصل ولی ناکاملی که درباره مطالعات ایرانی در ایتالیا تهیه شده مراجعه شود.^(۱)

چنان که گفته شد گسترش مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا، نشانه تغییرات عمیق در اعصار است. ایتالیا خود از ابتدای سالهای پنجاه با انقلاب اقتصادی - اجتماعی تغییرات بنیادین یافت، زیرا که در دوره‌ای بس کوتاه، ایتالیا که کشوری بر پایه کشاورزی بود به کشوری صنعتی تبدیل شد. به این ترتیب با روندی که روز بروز در طول سنوات اخیر سریعتر می‌شد، در زمینه‌های تحقیق، تغییر شکل می‌یافت. پژوهشگران ایران‌شناس نیز در بخش‌های متعدد و مراکز متعدد تدریس و تحقیق، رشدی بی‌سابقه یافتند و به تدریج گروه‌های مختلف مطالعاتی و محققین منفرد تشکیل شد که هر یک در منشاء گرایش‌ها و در روش علمی با یکدیگر متفاوت بودند.^(۲)

رسم تابلویی از ایران‌شناسان در ایتالیای معاصر، همچون اشاره به نام

۱- همان، ص ۱۴۹.

۲- همان، ص ۱۵۰.

کلیه ایران‌شناسان و محققین فعال در زمینه‌های مختلف مطالعاتی در اینجا مقدور نمی‌باشد. در اینجا تنها به برخی از ایران‌شناسان و زمینه‌های تحقیقاتی آنها اشاره می‌نمائیم:

الف - تاریخ و انسان‌شناسی ایرانی

در ایتالیا تحقیق در مورد تاریخ ایران پیوندهای نزدیکی با مطالعات دینی یا تحقیقات باستانشناختی دارد و این یکی از ویژگیهای بارز تحولات معاصر مطالعات ایرانی در ایتالیاست. هنوز رشته دانشگاهی مشخصی شکل نگرفته است تا تحقیقات تاریخی و انسانشناختی مربوط به حوزه مطالعات ایرانی در بستر آن جریان یابد. چارچوب درسهای دانشگاهی این حوزه که پیشتر اجماًلاً اشاراتی به آن شد بخوبی نمودار این وضع است. این وضع باعث انباشتگی مواد در حوزه فقه‌اللغه و فقدان آثار و کارهای تاریخی شده است. برای جبران غفلت محققان ایتالیایی، آثار زیادی با هم قلمی و مشارکت مورخان مشهوری همچون کلینوز ادموند بوسورث، نیکی کدی، لاکهارت، ولادیمیر مینورسکی و نظایر ایشان منتشر می‌شده است.^(۱)

مشارکت محققان ایتالیایی در زمینه تاریخ ایران باستان، ایران دوره میانه و ایران جدید و نیز در زمینه تاریخ روابط ایران و ایتالیا چشمگیر است. به برخی از ممتازترین آثاری که از این طریق منتشر شده در همین مقاله اشاره رفته است. سایر آثار منتشره از این دست موضوعاً و یا از جهات دیگر متشتت‌اند و ارائه آنها مستلزم طبقه‌بندی و نقل تحقیقی است. آثاری نیز هست که در آنها کمابیش به برخی از حوادث و جنبه‌های تاریخ معاصر ایران توجه شده است. تحقیق

۱- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۵۱.

درباره دوره قاجار یکی از مهمترین موارد مشارکت خلاق ایتالیاییها در حوزه مطالعات تاریخی است. برخی از آثاری که اخیراً منتشر شده‌اند به موضوعات انسان‌شناختی عنایت کرده‌اند.

آثاری که بوزانی، ماریو گرنیاسکی، نیولی، اسکارچیا و دیگران آنها را ذیل عناوین ادبیات، ادیان و باستان‌شناسی فهرست کرده‌اند، در عین حال آثاری در زمینه تاریخی فکری ایران نیز به حساب می‌آیند. به عبارتی کلی‌تر، تقریباً همه مطالعات در این زمینه سرشتی تاریخی دارند، زیرا به پدیده‌های تاریخی مربوطند و یا می‌کوشند تا به چنان پدیده‌هایی هیأتی نظری یا علمی بدهند.^(۱)

ب - زبان‌شناسی

جووانی درمه متخصص در رشته زبان‌شناسی فارسی است. مهمترین اثر وی رساله‌ای است که در زمینه دستور زبان فارسی به سال ۱۹۷۹ نوشته است. در این اواخر، وی سرگرم مطالعه درباره مسایل و مشکلات کتابت فارسی باستان و کتیبه‌های شاهان هخامنشی بوده است. آدریانو والریوسی که هم متخصص فقه‌اللغة فارسی میانه است و هم متخصص گویشهای مناطق مرزی ایران، بویژه نواحی بلوچستان، در جنب مطالعات خویش در باب اوضاع زبانی ایران هخامنشی، درباره مسائل و مشکلات مزبور نیز تحقیق کرده است. او از سال ۱۹۸۲ به این سو، همراه با مائو ریزو توسی، ویراستاری نشریه‌ای را که با عنوان خبرنامه مطالعات بلوچستان در ناپل منتشر می‌شد برعهده داشته است. خانم دکتر پائولا اورساتی در ژم درباره نسخ خطی و فرهنگ‌نویسی و نحو تاریخی زبان فارسی تحقیق و مطالعه می‌کرده است. الیو پروواسی آثاری در باب

زبانهای فارسی باستان، اوستایی، پارسی، پهلوی و لهجه تهرانی منتشر کرده است. کولتی دستور زبان و فرهنگ زبانهای فارسی، کردی، بلوچی و پشتو را فراهم کرده است. والتر بلاردی که از شاگردان پالیارو بوده و بوکالی نیز از شاگردان پیزانی زبان‌شناس مشهور، از جمله زبان‌شناسان ایتالیایی و متخصصان زبانهای هند و اروپایی‌اند.^(۱)

ج - ادبیات

زبدترین محقق ادبیات فارسی و موضوعات وابسته به آن در ایتالیا الساندرو بوزانی است. کتابی که او در همان حجم «تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام» پالیارو درباره تاریخ ادبیات ایران در دوره اسلامی منتشر کرده است بررسی انتقادی وسیعی است که بر اساس عنایت به انواع ادبی مشخص، یعنی قصاید شامل: تغزل، مدح، مثنوی، رباعی و ادبیات منثور فراهم آمده است. این تحلیل زبانی، مفهومی و ذوقی بویژه معطوف به تطوّر غزل که به زعم بوزانی اساساً نوافلاطونی است و تنوع مضامین حماسی، عشقی و عرفانی در مثنوی است.

بوزانی در این کتاب به رباعی، با نظر تطبیقی از حیث خاستگاههای آن نگریسته و ربط آن را با نظایر ترکی، ماوراء النهری و چینی در قالب شعری بررسی نموده است. بررسی او در مورد آثار خاص براساس «پاره‌ها»یی از آنهاست به این معنی که گزینه‌هایی را موضوع شرح و تفسیر قرار می‌دهد که نمودار تصویرهایی نمونه‌وار مفاهیم، الفاظ و تعبیرها هستند، فصل مقدماتی کتاب که درباره برخی مایه‌های مضمونی مکرر در غزل بویژه درباره نمادهایی

۱- منی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۵۳.

چون «می مغانه» و «پیرمغان» است، چکیده مضامین و ابداعات خاص این بررسی را به دست می‌دهد.

بوزانی پیشتر بحثهای مشروح‌تری درباره این مضامین را در خلال کتاب جامعی درباره دین ایرانی به عنوان بخشی از بحث «زیباشناسی دینی» عرضه کرده بود. وی در این کتاب واقعیات ادبی را از نظرگاه پدیدارشناسی و فرا تاریخی، در پرتو همین نوع زیبایی‌شناسی خاص، یعنی ذوقی و دینی، بررسی کرده است. این نحوه نگرش تا حدودی حاکی از واکنش نوعی گرایش اسلامی در قبال آراء و نظریات متمایل به ناسیونالیسم آریایی است که تا حدود اواسط قرن نوزدهم در مطالعات ایرانی کاملاً شایع و مشهود بود.^(۱)

به طور کلی به نظر **بوزانی**، اسلام این دین توحیدی محض، گرایش ایرانی را از «اسطوره نمادین باستانی» پیراست در حالی که این دو عنصر متعارض، یعنی عنصر «آریایی - ایران» و «اسلامی - سامی» با یک مبنای مشترک توافقی، یعنی آیین گنوسی، با هم پیوند داشتند. از همین رو، ادبیات فارسی از نظر **بوزانی** صرفاً فصلی از «ادبیات به زبانهای اسلامی» است. خود او از میان زبانهای اسلامی، خصوصاً زبانهای کشورهای جنوب شرق ایران، از شبه قاره هند تا مجمع الجزایر را کاویده و طرحی اجمالی از وام‌گیرهای زبانی مالایایی / اندونزیایی را از زبان فارسی به دست داده است.

بوزانی پیشتر تاریخ ادبیات پاکستان را که در آن زمان شامل پاکستان غربی و شرقی (یعنی بنگلادش کنونی) می‌شد، نوشته بود. وی در این کتاب زبانها و حوزه‌های ادبی گوناگونی را که به انحای مختلف به میراث فارسی تعلق داشته‌اند بررسی کرده است. موضوع دیگری که به همان میزان برای او جالب

بوده افکار فلسفی و آثار منظوم علامه محمد اقبال لاهوری است که نماینده تجددطلبی اسلامی به حساب می‌آمده و منادی و مبلغ نوعی واکنش بسیار متین و سنجیده اعتقادی و هنری در برابر غرب بوده است. بوزانی از آثار فارسی اقبال که طراح و بانی تشکیل پاکستان بوده، بویژه «جاویدنامه»، «گلشن راز جدید» و قطعاتی از اشعار او را به ایتالیایی ترجمه و شرح کرده است. او بعدها دربارهٔ عبدالقادر بیدل دهلوی و «آیده‌آلیسم جاندار» او و همچنین غالب دهلوی به عنوان استاد شعر فارسی در پیشرفته‌ترین و پیچیده‌ترین قالب سبک هندی کار کرده است.

بوزانی همچنین آثار کلاسیک فارسی و متون زرتشتی را از زبان پهلوی به ایتالیایی ترجمه و تحشیه کرده، او همچنین اشعار عربی و فارسی ابن‌سینا، رباعیات عمر خیام، هفت پیکر نظامی، گزیدهٔ اشعار مولوی و ریش‌نامهٔ عبید زاکانی را نیز با شرح و ترجمه انتشار داده است. آراء و اندیشه‌های فلسفی مولوی و نمادگرایی نظامی نیز از جمله موضوعات تحقیقی هستند که وی در خلال مطالعات مکرر و بی‌وقفهٔ خویش به آنها پرداخته است.

او در این اعتقاد که واقعیت خاکی صرفاً بازتاب واقعیت نمادین که همان واقعیت حقیقی است با مولوی هم‌سخن است. وی نظامی را استاد «بیان رمزی آفاقی و انفسی»، نمایندهٔ پیوند میان سنت گنوسی و اخلاقیات توحیدی اسلامی و بزرگترین شاعر زبان فارسی می‌داند که «صوفیان دروغین زمانهٔ خود را به باد طعنه گرفته است».^(۱)

سایر محققان ایتالیایی در بیست سالهٔ اخیر، بالنسبه بیشتر در زمینهٔ ترجمهٔ آثار کهن و بعضاً آثار جدید کار کرده‌اند. برخی از آثاری که از این طریق

ترجمه و نشر شده‌اند عبارتند از:

— گلستان سعدی به همت پیو فیلیپانی رونکونی و ر. بارگیگلی

— لیلی و مجنون نظامی به همت خانم جووانا کلاسو

— قابوسنامه به همت ریکاردو زیپولی

— چهار مقاله نظامی عروضی به کوشش جورجو ورچیلین و جان روبرتو

اسکارچیا به همت مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا

— طنزهای عیید زاکانی به همت جووانی درمه در اثری به ویرایش نیولی و

روسی

— سه نمایشنامه منسوب به میرزا آقا تبریزی به همت جان روبرتو اسکارچیا

— بوف کور هدایت به همت ل. چراتو

پیو فیلیپانی رونکونی دو متن فلسفی اسماعیلی، کتاب گشایش و

رهایش ناصر خسرو و متن دینی اعتقادی اسماعیلی به نام ام‌الکتاب را به

ایتالیایی ترجمه کرده‌است. خانم بیانکا ماریا اسکارچیا آمورتی مطالبی دربارهٔ

برخی متون شیعی، مثل آثار خواجه نصیرالدین طوسی، نجم‌الدین کبری و

واعظ کاشفی، همچنین تأثیر منسوب حروفی در شعر فارسی عمادالدین نسیمی

و عرفان مولانا درنی‌نامهٔ جامی نوشته‌است. کالاسونیز تحقیق مبسوطی دربارهٔ

ساختار روایی و خاستگاههای شیعی موضوعات و مضامین حماسی و

افسانه‌ای اشعار خاورنامهٔ ابن‌حسام (یا بنابر سایر ضبط‌ها حسام‌الدین حُسفی)

منتشر کرده‌است.^(۱)

جان روبرتو اسکارچیا فقراتی از غزلیات کهن، جدید و معاصر فارسی

و افغانی و پشتو را با مهارتی هنرمندانه و شاعرانه به ایتالیایی ترجمه کرده و

مطالبی دربارهٔ مشارب ذوقی و بدیعی آنها نوشته است. در جُنْگی که اخیراً وی منتشر کرده به افتخای دیوان غربی - شرقی گوته رفته است. تحقیقی جامع، بویژه دربارهٔ «سه دورهٔ مهم فرهنگی» سبکهای خراسانی، عراقی و هندی را می‌توان در تاریخ ادبیات جامع فارسی وی یافت. او آثار متعددی نیز دربارهٔ موضوعات و مضامین اساطیری و ذوقی در اشعار سنایی، عطار، حافظ، صائب، لسانی شیرازی و بیدل و در آثار منشور احمد دانش نویسندهٔ امروزی تاجیک و صادق هدایت نوشته و هدایت را نماینده و نمودار کشاکش روشنفکران ایرانی بر سر تعهد اجتماعی و تمایل به پیشبرد هنر ناب دانسته است. وی ضمناً حواشی و تعلیقات بسیار مهمی بر تاریخ سیستان نوشته است. ریکاردو زیپولی مطالبی دربارهٔ جنبه‌های ذوقی و بدیعی غزلیات صائب و برخی مضامین متواتر شعر فارسی هند نوشته و آن را با جنبه‌های نظیر آن در کار ماریانو بنیانگذار شعر باروک ایتالیایی مقایسه کرده است (زیپولی ۱۹۸۳/۱۹۸۴).

مائو ریزو پیستوسو که سیاست‌نامه *خواجہ نظام‌الملک* را به ایتالیایی برگردانده و گوشه‌هایی از ادبیات جدید و معاصر فارسی و تاجیک را بررسی کرده است، در حال حاضر مشغول همکاری با محققان شوروی برای تدارک یادنامهٔ شعرای فارسی است.^(۱)

مجموعه‌ای که *انریکو چرولی* از متون مربوط به تعزیه فراهم آورده است از هر مجموعهٔ دیگری از این دست در جهان گسترده‌تر است. این مجموعه حاوی ۱۰۵۵ نسخهٔ خطی، از جمله سی نسخهٔ خطی ترکی و سه نسخهٔ خطی عربی، جدیدترین متون و مطالب چاپی و هفده متن چاپ سنگی است. فهرست این مجموعه شامل مقدمه‌ای به قلم خود گردآورنده و یک پیشگفتار

۱- متی و کدی: *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ص ۷-۱۵۶.

مبسوط محققانه به قلم آلسیو بومباچی است. این مجموعه برای هر تحقیقی در این نوع ادبی اهمیتی اساسی دارد. این مجموعه، سلسله بررسیهای گوناگونی در این زمینه به عمل آورده که در آن نیاز مبرم نخستین شاهان صفویه و شاید پیش از همه، خود شاه اسماعیل صفوی، به تبلیغ مذهبی را از علل اولیه اهتمام به اینگونه نمایشهای مذهبی دانسته است. البته اسناد و شواهدی معتبر برای ثبوت این نظریه مورد نیاز است. الساندرو بوزانی برخی از متون تعزیه مربوط به افسانه‌های مقدسی را که پیشینه آن به کتاب مقدس (عهدین) می‌رسد و حاوی آمیزه‌ای از مضامین همسان بین‌الادیان است، منتشر ساخته یا ترجمه کرده و شروحاتی بر آنها نوشته است. بنابر نظریه‌ای که او در این زمینه عرضه کرده، در اسطوره شیعی کربلا، رد پای عناصری یهودی و مسیحی که خود متأثر از سلسله افسانه‌های کهن ایرانی‌اند، مشهود است. متون بسیار مهم باز یافته ماریو گرینیاکی به وضوح تأثیر ادبیات نوعاً اخلاقی - سیاسی ایرانی را که به خصوص در سنت «مرآت الملوک» نویسی تجلی کرده است - در فرهنگ اسلامی نشان می‌دهند. علاوه بر این، از سوی این محقق ترک‌شناس ایتالیایی نیز تحقیقاتی گسترده در زمینه تاریخ نقل سنتهای اداری ساسانی به ساحت خلافت اسلامی به عمل آمده است.^(۱)

هم او تحقیقاتی مبسوط درباره برخی از جنبه‌های روابط میان سنتهای ادبی ایران و ادبیات ترک و عثمانی بعمل آورده که در آثارش به چشم می‌خورد. وجوه دیگری از ادبیات فارسی را می‌توان در سنگ‌نبشته‌ها و کتیبه‌های بناهای تاریخی یا در تهیه کتابهای نفیسی مشاهده کرد که خوشنویسی آنها خود یکی از مظاهر عالی روح اسلامی است. تحقیق درباره تصحیح و طبع انبوه نسخ

خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های حدود پانزده شهر ایتالیا می‌تواند نتایج بسیار مفیدی داشته باشد. برای مثال، کهن‌ترین نسخهٔ مصور «منطق‌الطیر» عطار با تاریخ تحریر ۸۵۷ ه‍.ق که از حیث نقاشی و خطاطی شاهکار کوچکی در هنر کتابسازی ایرانی - اسلامی است، در شهر تورین محفوظ است.^(۱)

د - ادیان

از دیگر زمینه‌هایی که دانش ایران‌شناسی در ایتالیا معطوف به آن شده است ادیان باستان و اسلام در ایران است. زرتشت و مانویت در فرهنگ آریایی، اشکال متعدد یهودی - مزدکی - اسلامی، علل گرایش ایرانیان به تشیع، قصص مقدس شیعی، تقدیس خاندان پیامبر توسط ایرانیان، زیارت امامزاده‌ها و احترام ایرانیان به ذریه پیامبر و سادات و دیگر زمینه‌های دینی و مذهبی مورد توجه محققین ایتالیایی قرار گرفته است.

همانطور که گفته شد نظریهٔ جدیدی دربارهٔ دین در ایران از سوی محقق برجستهٔ ایتالیایی *الساندرو بوزانی* مطرح گردیده که بعضی از اخلاف وی تا حدودی آن را پذیرفته‌اند و آن نظریه‌ای است که متضمن تأکید بر عناصری می‌باشد که از مغرب ایران سرچشمه گرفته‌اند مثل تمایلات گنوسی بین‌النهرینی که به زعم او اندکی از آن «سامی» یعنی «توحیدی - نبوی» و نیز «توحیدی - همه‌خدایی» آریایی است. او اعتقاد دارد که در ایران، فلسفه همواره به اصل دینی خود باز می‌گشته و دوباره در دین جذب می‌شده است. همچنانکه *مولانا* و *اقبال لاهوری* نیز بدان معتقد بوده‌اند.

وی آن مایه‌های نژادگرایانه یا ناسیونالیستی را که در «نظریهٔ

۱- منی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۵۸.

مابعدالطبیعه» هانری کرین یا گرایشهای زرتشتی دوستانه محمد معین مندرج است رد کرده است. بوزانی در کتاب بحث‌انگیزی که دربارهٔ ادیان ایران باستان و ایران اسلامی عرضه کرده است در این زمینه به بحث پرداخته است.^(۱) وی بعدها دربارهٔ تشیع دوازده امامی گفته بود که این مذهب «یک نهضت اساساً اسلامی در ایران است که نه تنها هیچ ربطی به آراء و اندیشه‌های پیش از اسلام ندارد، بلکه بسیار محکم‌تر از مذهب تسنن ایران، آراء و اندیشه‌های باستانی را محکوم می‌کند». مخالفت بوزانی با تعبیر و تأویل ادیان و فرهنگ ایرانی بر اساس تمایلات ناسیونالیستی ایرانی با استقبال اکثر روشنفکران ایرانی و بسیاری از محققان خارجی مواجه شده و در عین حال بینش فرا تاریخی او سبب شده است که بسیاری از عقاید وی محل اختلاف باشد.

محقق برجستهٔ دیگر ایتالیایی یعنی اسکارچیا آمورتی عقیده دارد که در تطبیق دینی شیعی نموده‌ایی از جریان جذب فرهنگ باستانی ایران در اسلام مشهود است. تقدیس و پاک دانستن خاندان پیامبر و امامان و ذریهٔ ایشان که زیارت «امامزاده‌ها» حاکی از آن است، باریک بینی‌های فلسفی و تظاهرات مذهبی که نوعاً مخصوص فکر مذهبی شیعی است، همه و همه راه را برای جذب و ادغام عناصری از سنتهای افسانه‌ای و اساطیری ایرانی می‌گشوده است. خانم اسکارچیا آمورتی در میان گروه‌های بدعت‌گرای ایرانی اوایل عصر اسلامی عاملی ثابت را سراغ کرده که همان مایهٔ نمادین روانی - دینی شایع و مکرر است که در تفکیک مؤنث و مذکر نمودار می‌شده است. در اوایل قرون وسطی این جدایی در تلاقی فرهنگ آریایی (شمسی - ایرانی) با فرهنگ سامی

(قمری - اسلامی) انعکاس یافته بوده است.^(۱)

به زعم او اندیشه‌های دینی کهن ایرانی، با اختیار کردن اشکال متحد یهودی، مزدکی، اسلامی با ابهامهای گوناگون موجود در ارزشها، در پیکر اصول عقاید شیعه امامی جریان یافته است. جریان تثبیت تشیع در ایران طی قرون نهم تا دوازدهم متضمن تنش‌ی در مناسبات میان موضع فقهی و کلامی علمای شیعی امامی و اعمال قدرت در یک دولت دینی بوده است.

به عقیده جان روبرتو اسکارچیا مسأله حاکمیت در تشیع امامی ایران مهمترین مسأله است و بسط و تکامل شگردهای کلامی و فقهی را تقویت می‌کند. ویژگی‌ی تطور پیچیده فرق اسلامی اختلاف در اصول دین است که در این میان افراط و اعتدال و مجادلات نظری در اصول عقاید و برخوردهای خشونت‌آمیز نوسان داشته است. در میان همه اختلافاتی که در اصول عقاید وجود دارد، چه بسا به مواردی نیز برمی‌خوریم که مبانی فقهی یا مضامین اعتقادی فرقه‌ای در فرقه‌ای دیگر دیده شود.

اسکارچیا همچنین معتقد است که اوج و حضیض دولت خوارج سیستان با فعالیتهای جنگهای صفاریان و سپس غزنویان که برای اشاعه اسلام به عرصه افغان مثل بامیان لشکر می‌کشیده‌اند، درهم تنیده بوده است. این تلاشها برای اشاعه اسلام به جهادهایی منجر گشت که کار به قمع بقية السیف فرهنگ و دین کافران کشانید. در زابلستان، اوایل عهد اسلامی، رگه‌هایی از یک آئین دینی مشهود بود که دامنه‌های آن به آسیای مرکزی کشید و در آنجا زمینه‌ای از دین «کافر»های افغان و سنت اسطوره‌ای و حماسی سیستان، که رگه‌های ایرانی آن با رگه‌های هند و اروپایی، اسلاو و قفقاز و دیگر سنتها قابل مقایسه است، بر

۱- منی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۵۹.

یکدیگر تأثیر کرده‌اند.^(۱)

فیلیپانی رونکونی اشاره کرده است که در ماورالنهر قرون میانه، آیینهای سوتری، گنوسی و تشیع اسماعیلی در پیوند با تدوین آیینهای فلسفی و دیگر فنونی که در طول تاریخ «حشاشین» پرورده شده بود، رونق داشت.

بیانکی می‌نویسد که جریانهای گنوسی و باطنی ایران باستان و نیز جنبه‌های ثنوی آئین زرتشتی، گسترش جهانی داشته است. تفسیر اصول عقاید در آیین مزدایی اغلب با مسائل زبان متون همبسته است.

مسائل تفسیر متون دینی و بازسازی اطلاعات تاریخی مربوط به مجموع ادیان بزرگ ایران باستان، از سیاستهای دینی هخامنشیان و ساسانیان گرفته تا نمادگرایی هند و اروپایی و از تفسیر اوستا گرفته تا توضیح مانویت، همترزند.

نیولی همچنین به زبان انگلیسی نوشته است که «زرتشت در اواخر هزارهٔ دوم یا اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد مسیح در سرزمینهای شرقی ایران زمین که ناحیه‌ای بین کوههای هندوکش و دریاچهٔ هامون، هیرمند در سیستان است زندگی می‌کرده است». زرتشت که هیریدی در زمینهٔ آموزشهای سنتی عصر خود بود، به مخالفت با مذهب شرک و طبیعت پرستی که اجراکنندگان حرفه‌ای شعائر بر مردم تحمیل کرده بودند، قیام کرد. او دین «دثوه»ها را که ثمرهٔ جهل و وهم بود محکوم کرد و به جای آن دینی آورد که در آن واحد هم توحیدی بود و هم ثنوی، آیینی به اعلیٰ درجه اخلاقی و مبتنی بر اصل اختیار.

همچنانکه از شواهد بالا برمی‌آید، آن عده از ارباب قلم ایتالیایی که دربارهٔ دین ایرانی مطالبی نوشته‌اند عموماً به تأکید در مسائل مربوط به ردیابی

فعل و انفعال نفوذها و تأثیرات دینی و تعیین ویژگیهای متون و نحله‌های دینی پدیده‌های فرهنگی و آمیزه‌های فکری گرایش داشته‌اند، توجه چندانی به نیروهای اقتصادی، اجتماعی و یا سایر عوامل تاریخی که می‌توانسته‌اند بر تحولات دینی تأثیر بگذارند، نداشته‌اند.^(۱)

ه) باستان‌شناسی

گسترش مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا در زمینه باستان‌شناسی نشانه تغییرات عمیق در اعصار است، از سال ۱۹۶۶ یک هیأت باستان‌شناسی از دانشگاه تورینو به رهبری گولینی و مرکب از آ. اینورنیستی، م. م. نگروپونتی و ور. ونکوریکاردی سرگرم عملیات حفاری در محل «سلوکیه تیسفون» دوره‌های پارتیان و ساسانیان بوده‌اند.^(۲)

در سیستان که سرزمین ساحل رود هیرمند که به گفته اصطخری موضوع تحقیق کهن ا. عدینی بوده، طی سالهای اخیر به همت ایتالیایی‌ها کاوشهای وسیعی انجام گرفته است. در حالی که «مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور» حفاریها را در این منطقه آغاز کرده بود، هیأتی از گروه مشاوران ایتالیایی که بیشتر به دنبال تحقیقات زمین‌شناختی - کانی و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی بود، به فعالیتهایی در سراسر این ناحیه نیز پرداخت. پس از این دو، هیأتی از طبیعت‌شناسان موزه تاریخ طبیعی شهر ونیز و نیز هیأتی از متخصصان انسان‌شناسی موزه قوم‌شناسی شهر فلورانس راهی این منطقه شدند.

جوزفه توچی برنامه تحقیقاتی منتظمی را برای نشان دادن نقشی که

۱- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۱۶۰-۱.

۲- همان، ص ۱۶۱-۲.

سیستان از اعصار ماقبل تاریخ تا اوایل عصر اسلامی در تاریخ ایران ایفا کرده بود، طرح‌ریزی و اجرا کرد. در این برنامه، منطقه سیستان به عنوان مهمترین راه ارتباط جغرافیایی و فرهنگی بین فلات ایران، صحرای آسیای مرکزی و شبه قاره هند تلقی شده بود. مرکز ماقبل تاریخ سیستان در «شهر سوخته» بیشتر کشف شده بود و با حفاریهایی در محل آن، شواهدی در حوزه‌های انسان‌شناسی، باستانشناسی و گیاهشناسی به دست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از جهات مختلف علمی و باستان‌شناسی وجود تمدن پیشرفته اوایل عصر شهرنشینی را در موزه زیستی هیرمند در حدود هزاره سوم پیش از میلاد ثابت می‌کرد. مقایسه و مطالعه تطبیقی این اطلاعات نیز وجود روابط متقابل اقتصادی و فرهنگی نزدیکی بین نواحی آسیای میانه، بین‌النهرین و هند را محرز می‌داشت. به قول نیولی سیستان از دوران پیش از تاریخ، زیستگاه قبایل آریایی، سرزمین مقدس آیین زرتشتی، مهد زرتشت و پهلوانان ایرانی بود. بنای باستانی «دهن غلامان» که محل آن با زرین [= زریح] و مرکز درنگیان (سیستان دوران هخامنشی) مطابقت دارد، شواهد باستانشناختی متقنی بر وجود یک کیش مبتنی بر پرستش سه آتش و سه خدای اصلی از خدایان هخامنشی (اهورامزدا، آناهیتا و میترا) به دست داده است. توجی بنای قصر کوه خواجه را که گولینی متعلق به زمان هخامنشیان دانسته بود، متعلق به دوره پارتیان و ساسانیان دانست. به عقیده او مهاجمات صحراگردان به این منطقه مقرون بوده است به انتقال از عصر هخامنشیان به عصر پارتیان و تبدیل نام درنگیان به سکستان، یعنی سرزمین سکاها. همین نام بود که بعدها به سجستان یا سیستان تبدیل شد. آخرین حمله اقوام صحراگرد به این سرزمین همان حمله اعراب مسلمان بود و سیستان، در فاصله میان گسترش جنبش خوارج و استیلای حکمرانان محلی خاندان صفاری، نقش بسیار مهمی در بخش شرقی ایران قرون میانه ایفا کرد. در

کتاب مجهول المؤلف تاریخ سیستان اهمیت خاص سیستان در این دوره نشان داده شده است.^(۱)

باستان‌شناسان ایتالیایی در فارس نیز کار کرده‌اند و هیأت‌هایی از این کشور در حفاری و ترمیم آثار بازمانده از دوران هخامنشی در این ناحیه فعال بوده‌اند. این باستان‌شناسان در دشت پرسپولیس، که گویی همچون سکویی در میانه صحرا برپا شده است، خطوط نخستین نقشه بنا، ویژگی‌های تطور معماری و دقایق و ظرایف فنون سنگتراشیها و تصویرسازیهای آن را کشف کردند. امروزه معلوم شده است که ظاهراً مرکز این کاخ در دوران باستان به ناحیه بسیار آباد و پرجمعیتی راه داشته است. باستان‌شناسان ایتالیایی، کاخ پاسارگاد و بناهای کهن دیگری را نیز بازسازی و ترمیم کردند.

احیای شکوه و عظمت بناهای متعدد کهن اصفهان مستلزم مساعی پیچیده‌تر و دقیق‌تری بود و در جریان آن اطلاعات تازه‌ای درباره‌ی تطور معماری و ممیزات هنری مسجد جمعه این شهر به دست آمد. حفاری‌هایی که در کف این مسجد صورت گرفت بقایایی از بناهای ساسانی و کهن‌ترین مسجد کشف شده در ایران را هویدا کرد. بقایای مسجد دیگری نیز متعلق به دوره آل‌بویه، با همین عملیات کشف شد. بازسازی و ترمیم کاخ‌های عالی قاپو و هشت بهشت و سایر مجتمع‌های قدیمی این ناحیه به روشن شدن فنون بنایی طرح‌های معماری و شیوه‌های نقاشی دیواری و بازسازی تاریخ هنری عصر صفوی کمک کرد.

در زمینه فعالیت‌های «هیأت ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور» در افغانستان تنها به ذکر معبد بودایی تپه سردار، قصر سلطان مسعود سوم (غزنوی) و

۱- متی و کدی: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ص ۳-۱۶۲.

«لعاب‌خانه» غزنه و مناره جام اکتفا می‌کنیم.^(۱)

در سالهای دهه ۱۹۷۰، هیأت‌های باستان‌شناسی گوناگون دیگر به همت دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و سازمان‌های ایتالیایی در ایران تشکیل شد. محققانی از دانشگاه تورینو برای تحقیق و کاوش در زمینه دره رود اترک به خراسان آمدند. هیأتی از دانشگاه رم عملیات اکتشافی را در منطقه آذربایجان، بین کوه‌های زاگرس و دریاچه ارومیه، آغاز کرد. استادان دانشگاه و نیز در ناحیه غور افغانستان برای شناسایی شهر مرکزی فیروزکوه و در خمسه ایران به تحقیق و اکتشاف پرداختند. این گروه ونیزی در ایران درباره مجموعه بناهای بودایی حوالی مقبره سلطان ارغون ایلخانی، مقبره مشهور سلطانیه و امامزاده قیدار از زنجان، مطالعه می‌کردند. خانم والریا فیورانی پیاچنتینی که در آن سنوات، استاد مؤسسه مطالعات شرقی ناپل بود و اینک در دانشگاه میلان به تدریس می‌پردازند و متخصص «تاریخ فتوحات استعماری و مبارزات ضد استعماری است»، به اکتشاف راه‌های کاروانرو و جریان اسکان جمعیت در منطقه کوهستانی خراسان پرداخته و در همان نواحی با هیأت‌های باستان‌شناسی اخیرالذکر دانشگاه تورینو همکاری کرده است. وی علاوه بر این، عملیات باستان‌شناسی دیگری در منطقه خلیج فارس انجام داده است تا تاریخ هرمز را بازسازی کند و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ عملیات باستان‌شناسی ایتالیایی‌ها به همت فیورانی، فابی‌یتی و فورنارا در باریکه ساحل جنوب ایران در فاصله هرمزگان، بندرعباس و مکران، همچنان ادامه دارد.^(۲)

از این رو می‌توان گفت که تا این زمان مطالعات و تحقیقات جغرافیایی،

۱- همان، ص ۴-۱۶۳.

۲- همان، ص ۵-۱۶۴.

انسان‌شناسی و اقتصادی ایتالیایی‌ها دربارهٔ ایران عمدتاً در چارچوب باستان‌شناسی یا از طریق فعالیتهای غیرعلمی ترگروه مشاوران ایتالیایی انجام می‌گرفته است. دستاوردهای تحقیقات باستان‌شناسانه در عین حال به مطالعه دربارهٔ تاریخ عصر اسلامی و قبل از اسلام ایران نیز مدد می‌رساند.

ز - هنرها

بخشهای مختلف این حوزه مطالعاتی نیز که پیوندهای نزدیکی با تاریخ و باستان‌شناسی دارد، دارای گروههای متخصصان و محققان خاص خود است. دربارهٔ کوششهای منفرد در این زمینه مثل کارهای ب. جنیتو، *انوجنیوگاله یری*، *امبرتو شرآتو*، و. *استریکا* و بسیاری دیگر که پیشتر ذکرشان رفت، تنها به دو رساله اشاره می‌کنیم که به قلم دو تن از برجسته‌ترین متخصصان ایتالیایی در یک مجله منتشر شده است. مقاله «مطالعه هنر و باستان‌شناسی ایران دوره اسلامی در اروپای غربی» به قلم ب. گری و مقاله‌ای به زبان فرانسه با عنوان «وضع مطالعه در تاریخ هنر و باستان‌شناسی دوران پیش از اسلام» به قلم ل. *واندن برگ* به ترتیب در صفحات ۷ تا ۲۸ و ۲۹ تا ۵۲ کتابی که به ویراستاری نیولی منتشر شده است. تحقیقی نیز که در ایتالیا برای نشان دادن مواد هنر ایرانی در اشیاء هنری دوران اسلامی و قبل از اسلام انجام گرفته یادکردنی است.^(۱)

ح - مطالعات مربوط به مواریت ایرانی

حوزه دیگری از مطالعات مربوط به ایران در خارج از این کشور وجود دارد که همان مطالعه دربارهٔ مواریت فرهنگی، تاریخی و هنری ایرانی موجود در

۱- متی و کدی: *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ص ۶-۱۶۵.

موزه‌ها و آرشیوها و کتابخانه‌های نقاط مختلف جهان است. تحقیق در این عرصه با پژوهش باستان‌شناسی و بیشتر از آن تاریخی بستگی دارد. درباره آن بخش از موارث فرهنگی و تاریخی و هنری ایران که در خود ایتالیا نگاهداری می‌شود، هنوز چشم به راه کشفیات بیشتر و تدوین کاتالوگها و فهرستهای منظمتری هستیم، خصوصاً شامل آن مجموعه‌هایی از اسناد تاریخی و آثار و اشیاء هنری که قطع نظر از مجموعه‌های ناشناخته خصوصی، در آرشیوها و کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مجموعه‌های ملی ایتالیا فراوان است.

بی‌گمان چنین اقداماتی، چون در حد ضرورت انجام یابد کیفیت توزیع و تراکم آثار و اشیاء هنری ایرانی در ایتالیا و تاریخ روابط میان دو کشور که در طول تاریخ جهان همگام بوده‌اند، با دقت بسیار بیشتری مستند خواهد شد. شاید آنگاه معلوم شود که تاریخ آغاز مطالعات ایرانی در ایتالیا از سال ۱۵۵۷ هم جلوتر بوده است.^(۱)

فصل هشتم

کارنامه ایران پژوهی در ایتالیا

□ قرن هفتم تا چهاردهم میلادی

به همت روزه دوم، تربیت مرغان شکاری (اقتباس از روی یک رساله ایرانی) قرن هفتم میلادی.

گراردودا کرمونا، ترجمه اقتصاد فی الاعتقاد غزالی، قرن دوازدهم میلادی.

گراردودا کرمونا، ترجمه جبر و مقابله خوارزمی، قرن دوازدهم.

گراردودا کرمونا، ترجمه شرح اقلیدس نیریزی، قرن دوازدهم.

فرج بن سالم سیسیلی، ترجمه الحاوی رازی، ۱۳۵۰ میلادی.

دANTE آلیگیری، کمدی الهی (با بهره گرفتن از ارداویراف نامه) قرن چهاردهم.

فرهنگ کومانی - فارسی - لاتین، قرن چهاردهم.

گنجینه سیاسی، قرن چهاردهم.

پگولتی، اوصاف ممالک مختلف، ۱۳۴۰ میلادی.

□ قرن پانزدهم و شانزدهم

- قانون ابن سینا، میلان، ۱۴۷۳.
- پائولو جیویو، تاریخ زمان ما، قرن شانزدهم.
- ژروم اگزاویه، داستان مسیح و داستان پیدرو و آئینه حق‌نما، قرن شانزدهم.
- مارین سانودو، شرح خاطرات سفر به شرق، ۱۵۲۴-۱۵۰۱.
- جووانی روتا، شرح حال پادشاهان مشهور شرق، رم، ۱۵۰۸.
- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی در دوره صفویه، ونیز، ۱۵۱۴.
- مارین سانودو، شرحی درباره صوفیان تبریز، ۱۵۰۲.
- وارتما، سفرنامه وارتما، ۱۵۱۰.
- وارتما، سفرنامه وارتما، ونیز ۱۵۱۵ به زبان آلمانی.
- ماهو تزیو، شرح سفر در ایران و هند، ونیز، ۱۵۱۵.
- اسپگاری، ترجمه قانون ابن سینا، رم، ۱۵۲۴.
- آنجیوللو، سفرنامه، ۱۵۲۵.
- میکله ممبره، سفرنامه، ونیز، ۱۵۴۲.
- کنتارینی باریارو، سفرنامه‌های کوتاه، ۱۵۴۳.
- کنتارینی باریارو، سفرنامه‌های کوتاه، ۱۵۴۵.
- گوازو، خاطرات سفر به ایران و عثمانی، ونیز، ۱۵۴۰.
- راموسیو، شرح دریانوردی و سفر به ممالک شرقی، ونیز، ۱۵۵۸-۱۵۵۰.
- کاترینو زنو - آنتونیو زنو، سفرنامه زنو، ونیز، ۱۵۵۹.
- کائزار، سفرنامه ایران و هند شرقی، ۱۵۷۸.
- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی، مادرید، ۱۵۸۸.
- بالبی، سفرنامه، ونیز، ۱۵۹۰.
- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی، رم، ۱۵۸۷.

- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی، ونیز، ۱۵۹۴.
- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی، لندن، ۱۵۹۵.
- مینادوا، جنگهای ایران و عثمانی، ونیز، ۱۵۹۷.
- کنتارینی، روم پرستی کاروم هستیریا، ونیز، ۱۵۵۱.
- کریستوفر فرارینی، ترجمه سفر زیارتی سه شاهزاده سرانندیپ از فارسی به ایتالیایی، ونیز، ۱۵۵۷.
- پیترو بیزاری، تاریخ وقایع ایران، آنتورپ، ۱۵۸۳.
- کامپاتا، تاریخ جنگهای ایران و ترکیه، ونیز، ۱۵۹۷.
- تحریرالاصول اقلیدس به تصحیح خواجه نصیرالدین طوسی، رم، ۱۵۹۴.

□ قرن هفدهم

- تیکزیرا، خلاصه کتاب نفیس تذکره هرمز (توران شاه سمرقندی)، ۱۶۰۵.
- پیترو دلاواله، خصوصیات شاه عباس شاه ایران، ونیز، ۱۶۲۷.
- پیترو دلاواله، شرح سفرنامه پیترو دلاواله زائر، رم، ۱۶۶۳-۱۶۵۰.
- ای مه شزو، لغتنامه فارسی و خودآموز مذهبی، رم، ۱۶۵۴.
- ایگناس دوژزو، دستور زبان فارسی، رم، ۱۶۶۱.
- اینگناتیو، دستور زبان فارسی، رم، ۱۶۶۱.
- آگنی لینی، ضرب المثلهای فارسی، عربی و ترکی، پادوا، ۱۶۶۸.
- گملی کارری، سفرنامه گملی کارری، ناپل، ۱۶۹۹.
- سفرنامه وینچنزو ماریادی، رم، ۱۶۷۲.

□ قرن هیجدهم

- سفرنامه کارری، ونیز، ۱۷۱۹.

مانوریزیو، گارزونی، شرح و توصیف علمی زبان کردی، رم، ۱۷۸۷.

□ قرن نوزدهم

گاسپاره گورسیو، دیوان علی بن فتح‌اله معدانی (صابر اصفهانی)، ۱۸۶۳.

۱. کرفت، سفرنامه‌های باربارو و کنتارینی، وین، ۱۸۵۲.

براکیولینی، سفرنامه کنتی، لندن، ۱۸۵۷.

سفرنامه الساندری، لندن، ۱۸۷۳.

پیتزی، بیژن، تورینو، ۱۸۸۴.

پیتزی، تاریخ ادبیات فارسی، ۱۸۸۷.

پیتزی، ترجمه کامل شاهنامه فردوسی، تورین ۱۸۸۸-۱۸۸۶.

ویتوریو روگاری، ترجمه قسمتی از شاهنامه فردوسی، کریو، ۱۸۸۸.

شیا پارلی، اخبار ایتالیا، رم، ۱۸۸۸.

پیتزی، فردوسی و شاهنامه اول، تورینو، ۱۸۸۹.

بونللی، جنگ‌نامه قشم، رم، ۱۸۹۰.

ویتوریو روگاری، سرگذشت رستم باکک گوهرزاد، کریو، ۱۸۹۱.

پیتزی، منتخبات فردوسی، تورینو، ۱۸۹۱.

پیتزی، امیر و ناهید، تورینو، ۱۸۹۱.

پیتزی، تاریخ شعر فارسی، تورینو، دو جلد، ۱۸۹۴.

ویتوریو روگاری، ترجمه رباعیات خیام، بلونیا، ۱۸۹۵.

لشن کایتانی، ترجمه شرح شواهد کبری عینی، بولاو، ۱۸۹۹.

گوییدی - اوور، ترجمه گلستان سعدی، قرن نوزدهم.

پیتزی، صرف و نحو ایرانی قدیم، تورینو، ۱۸۱۷.

□ قرن بیستم

- لورینی، اقتصاد ایران، رم، ۱۹۰۰.
- پیتزی، اسلام و تعالیم آن، میلان، ۱۹۰۳.
- ویتوریو روگاری، ترجمه رباعیات خیام، بلونیا و رم، ۱۹۰۳.
- ماسیمو داویدیو، ترجمه رباعیات خیام، رم، ۱۹۰۶.
- مانوچی، اخبار مربوط به سالهای ۱۶۵۳ تا ۱۷۰۳، ۱۹۰۷.
- لئن کایتانی، ترجمه خزانه الادب عبدالقادر بغدادی، میلان، ۱۹۲۰-۱۹۰۵.
- دی لئا، سفرنامه‌های باریارو کنتارینی، ونیز، ۱۹۱۴.
- فولیا فاروفینی، ترجمه رباعیات خیام، رم، ۱۹۱۴.
- فولیا فاروفینی، ترجمه رباعیات خیام، فلورانس، ۱۹۱۹.
- فرانچسکو گابریلی، ترجمه رباعیات خیام، فلورانس، ۱۹۴۴.
- الساندرو زازارتا، ترجمه رباعیات خیام، رم، ۱۹۴۸.
- ویوونا، خیام و رباعیات او، رم، ۱۹۵۵.
- الساندرو بوزانی، ترجمه رباعیات خیام، تورینو، ۱۹۵۶.
- جان روبرتو اسکارچیا، قصه‌ای عامیانه درباره نروستان، رم، ۱۹۵۶.
- مجموعه شرق شناسی ایتالیا (در این مجموعه یکصد و هفتاد صفحه‌ای چند مقاله درباره ایران هست)، رم، ۱۹۵۶.
- ا. راثوسانی، مذهب ایران از زرتشت تا بهاء‌اله، میلان، ۱۹۵۹.
- الساندرو بوزانی، تاریخ ادبیات ایران، میلان، ۱۹۶۰.
- الساندرو بوزانی، مینیاتوره‌های ایرانی میان سالهای ۱۵۰۲ تا ۱۵۰۸، تورینو، ۱۵۵۹.
- الساندرو بوزانی، ترجمه رباعیات خیام، فلورانس، ۱۹۶۲.
- فیلیپانی رونکونی، ترجمه ایتالیایی گلستان، تورینو، ۱۹۶۲.

- آلفردو ارتلو، ترجمه رباعیات خیام اثر فیتز جرالده، جنوا، ۱۹۶۵.
- روبرتو اسکارچیا، ترجمه صفت‌نامه درویش محمد خان غازی، رم، ۱۹۶۵.
- الساندرو زازارتا، ترجمه صد رباعی خیام، تورینو، ۱۹۶۶.
- آنجلو پیه مونتسه، تاریخ ادبیات فارسی، میلان، ۱۹۷۰.
- روبرتو اسکارچیا، تاریخ ادبیات ترکی، میلان، ۱۹۷۱.
- روبرتو اسکارچیا، گلشن راز قدیم، میلان، ۱۹۷۶.
- روبرتو اسکارچیا، سبک کلاسیک فارسی، مرکز فرهنگی ا. و. ۱۹۷۷.
- روبرتو اسکارچیا، چهار مقاله درباره دورنمای ایران، رم، ۱۹۷۷.
- روبرتو اسکارچیا، گسترش ادبیات فارسی در دوره صفوی، مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا، ۱۹۷۷.
- آمورتی، روزنامه خاطرات مارینو سانودو درباره شاه اسماعیل، رم، ۱۹۷۹.
- الساندرو بوزانی، ترجمه هفت‌پیکر نظامی.
- فیلیپانی رونکونی، ترجمه ام‌الکتاب از متون مهم اسماعیلی.
- الساندرو بوزانی، تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام.
- پیوفیلیپانی رونکونی و بارگیگلی، ترجمه و نشر گلستان سعدی.
- جووانا کالاسو، ترجمه و نشر لیلی و مجنون نظامی.
- ریکاردو زیپولی، ترجمه و نشر قابوسنامه.
- جورجو ورچیلین و جان روبرتو اسکارچیا، ترجمه و نشر چهار مقاله نظامی عروضی.
- جووانی درمه، ترجمه و نشر طنزهای عبید زاکانی.
- جان روبرتو اسکارچیا، ترجمه و نشر سه نمایشنامه منسوب به میرزا آقابرزی.
- رحیم رضا، طبقات الکبری، خواجه نظام‌الدین احمد.

- ا.و. روسی، لهجه شناسی جدید بلوچی.
- ل. چراتو، ترجمه و نشر بوف کور هدایت.
- پیوفیلیپانی رونکونی، ترجمه دو متن فلسفی اسماعیلی، کتاب گشایش و رهایش ناصر خسرو و ام الکتاب.
- بیانکا ماریا اسکارچیا آمورتی، مطالبی درباره آثار خواجه نصیرالدین طوسی، نجم الدین کبری، واعظ کاشانی، مشرب حروفی در شعر فارسی عمادالدین نسیمی و عرفان مولانا و تی نامه جامی نوشته است.
- جان روبرتو اسکارچیا، ترجمه فقراتی از غزلیات کهن، جدید و معاصر فارسی و افغانی و پشتو.
- مائوریزو پیستوزو، ترجمه سیاست نامه خواجه نظام الملک.
- انریکو چرولی، مجموعه ای از متون مربوط به تعزیه.
- ترجمه منطق الطیر عطار.

□ پس از پیروزی انقلاب اسلامی

- روبرتو اسکارچیا، بستم و نژاد ازدها، ونیز، ۱۹۸۰.
- روبرتو اسکارچیا، مسائل دوره تیموری، ونیز، ۱۹۸۰.
- روبرتو اسکارچیا، تهران، کابل یک افسانه از دو شهر، ونیز، ۱۹۸۰.
- روبرتو اسکارچیا، درسها و تعمیرات معماری ایران و ایتالیا، مؤسسه فرهنگی ایتالیا در ایران، ۱۹۸۰.
- الساندرو بوزانی، ایرانیان، تاریخ ایران با تکیه بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی، ترجمه مسعود رجب نیا، ۱۹۸۱.
- روبرتو اسکارچیا، کوله بار شیخ، دانشگاه ونیز، ۱۹۸۱.
- روبرتو اسکارچیا، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رم، ۱۹۸۱.

- روبرتو اسکارچیا، مغولها و ایران، میلان، ۱۹۸۱.
- روبرتو اسکارچیا، ونیز و اسلام (معماری در کشورهای اسلامی)، ونیز، ۱۹۸۲.
- آنجلو میکله پیه مونتسه، کتابشناسی ایتالیایی در باره ایران، ناپل، ۱۹۸۲.
- آنجلو میکله پیه مونتسه، کتابشناسی ایتالیایی ایران، ناپل، ۱۹۸۲.
- روبرتو اسکارچیا، حروف اضافه در کردی و فارسی جدید، دانشگاه ونیز، ۱۹۸۳.
- ریکاردو زیپولی، تا ناکجا، (با اشعار علی موسوی گرمارودی) تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا، ۱۹۸۵.
- آنجلو میکله پیه مونتسه، نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا، ۱۹۸۹.
- فیلیپو برتونی، قصه‌های معاصر خارجی (مجموعه‌ای از قصه‌های قصه‌نویسان ایرانی)، پالرمو، ۱۹۸۹.
- گابریل ربه‌کی، دوبیتی‌های باباطاهر، رم، مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در ایتالیا، ۱۹۹۰.
- جولیوتا مانینی، سقوط شاه (یادداشت‌های سفیر ایتالیا در ایران)، رم، ۱۹۹۰.
- ستراک مانوکیان، صد و یک غزل از سعدی شیرازی، ترجمه جووانی درمه، رم، مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۹۹۲.

□ سفرنامه‌های ایتالیایی درباره ایران

مهمترین آثاری که از قلم ایتالیاییها درباره ایران به یادگار موجود است سفرنامه‌ها و اخبار نامه‌هایی است که مخصوصاً از قرون شانزدهم و هفدهم میلادی به جای مانده است. این آثار که اکثراً در همان ایام چاپ شده، ترجمه‌های مختلف آنها به زبانهای اروپایی انتشار یافته است.

مشهورترین فردی که از کشور ایتالیا به سوی مشرق سفر کرد و از ایران

گذشت، مارکو پولو تاجر و سیاح مشهور است (۱۲۵۴-۱۳۲۴) که کتاب سفرش بسیار شهرت گرفت و به چند زبان اروپایی ترجمه شد. آغاز سفر او در سال ۱۳۰ میلادی اتفاق افتاد که شرح آن گذشت. به غیر از او، شمار بسیاری از بازرگانان و دریانوردان ایتالیایی از مردم نیز بودند که به قصد تجارت و سیاحت از راه دریا به هند و ایران سفر می‌کردند و مخصوصاً در دوره حکومت اوزون حسن روابط گسترده‌ای با ایران ایجاد کردند.

از سیاحان بنام ایتالیایی که سفرنامه‌شان در دست است این افراد را معرفی می‌کنیم:

الکساندری (۱۸۷۳، لندن) که سفرنامه‌اش در مجلد ۴۹ سلسله مشهور **هالکویت** انتشار یافت.

بالبی هم (۱۵۷۹-۱۵۸۸) به هند شرقی سفر کرد و سفرنامه خود را به چاپ رساند.

دو سیاح مشهور دیگر بنامهای **باربارو** و **کنتارینی** سفرنامه‌های کوتاه اما مفیدی از خود به یادگار گذاشتند که نخستین بار در سال ۱۵۴۳ چاپ شد و در سال ۱۵۴۵ تجدید چاپ گردید و به زبانهای دیگر نیز منتشر شد.

درباره سفر و نامه‌هایی که از **باربارو** در دست است دو محقق ایتالیایی بنامهای **کورنت** (وین، ۱۸۵۲) و **دی‌لنا** (ونیز، ۱۹۱۴) دو اثر منتشر کرده‌اند که مشخصات آنها را ویلسن در کتابشناسی خود نقل کرده است.

سیاح دیگری که در اوائل قرن شانزدهم در مشرق بود کنتی نام دارد که ترجمه انگلیسی سفرنامه‌اش توسط **Braccialini** در سلسله **Hakluyt** (۱۸۵۷، لندن) منتشر شده است.

گوازوا از مردم ونیز نیز خاطرات مربوط به سفر به ایران و عثمانی به سال ۱۵۲۴ میلادی را در سال ۱۵۴۰ در شهر ونیز به چاپ رسانید.

کائزار که یکی از سیاحانی است که به هند شرقی و ایران سفر کرد و سفرنامه خود را به ایتالیائی در سال ۱۵۷۸ در ونیز به چاپ رسانید.

مانوتزیو جهانگرد دیگری از اهالی ونیز بود که شرح سفرش در ایران و هند به سال ۱۵۱۵ در ونیز انتشار یافت. مانوچی هم که به هند شرقی سفر کرد، اخباری مربوط به سالهای ۱۶۵۳ تا ۱۷۰۳ میلادی از گورکانیان هند و اطلاعات مفیدی از ایران در کتاب خود مندرج ساخت که دویست سال پس از نگارش آن در سال ۱۹۰۷ به حلیه طبع آراسته گردید.

ماریا دی. س. کاترینا به هند شرقی سفر کرد و اخباری هم از ایران در سفرنامه خود ضبط کرد. کتاب کاترینا در سال ۱۶۷۸ در ونیز نشر شد.

افزون بر اینها، راموسیو کتابی دارد که شرح دریانوردی و سفرهای او در ممالک شرقی و از جمله ایران است (۱۵۵۰-۱۵۵۸، ونیز).

سیاح بسیار مشهور دیگر پیترو دل‌واله است که سالیانی چند در ایران بسر برد و کتابی در گزارش سفرهای خود نوشت که بحق شهرت گرفت. این اثر نخستین بار در سال ۱۶۲۸ در ونیز انتشار یافت و به زبانهای هلندی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و شاید روسی ترجمه شد. این سیاح در کتاب خود اطلاعات ذیقیمتی از اوضاع ایران و درباره شاه عباس نوشت که مأخذ بسیاری از محققان بعد قرار گرفت. او علاقه زیادی به ایران و زبان فارسی پیدا کرده بود و حتی سعی داشت به فارسی شعر بسراید.

فرد دیگر وارتما از مردم بولونیاست که در سالهای ۱۵۰۲ تا ۱۵۰۸ در ایران بوده است. او سفرنامه‌ای نوشت که در سال ۱۵۱۰ چاپ شد. ترجمه انگلیسی آن بواسطه اهمیتش توسط مردی چون ویلیام جونز تهیه و منتشر گردید.

دو برادر به نامهای کاترینو زنو و آنتونیو زنو از شمار سیاحان ناموری

بودند که اطلاعات خواندنی و جالب توجه از سلطنت اوزون حسن ضمن سفرنامه خود به اروپائیه‌ها ارمغان دادند. سفرنامه زنو در سال ۱۵۵۹ در ونیز به چاپ رسید.

در همین موضوع یکی دیگر از ایتالیائیه‌ها بنام آنجیوللو کتابی دارد که در سال ۱۵۲۵ در دسترس مشتاقان روزگار او قرار گرفت. تعدادی از این سفرنامه‌ها در ایران نیز به چاپ رسیده‌اند که در این جا به ذکر بسنده می‌کنیم:

– سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری – تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹.

– سفرنامه کاری، ترجمه عباس نخجوانی – عبدالعلی کارنگ، تبریز، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری مؤسسه فرانکلین، تبریز، ۱۳۴۸.

– سفرنامه آمبرو زیو کنتارینی، ترجمه قدرت‌اله روشنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.

سفرنامه مارکوپولو، ترجمه حبیب‌اله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

– سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه و حواشی از شجاع‌الدین شفاء، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

– مردم و دیدنیهای ایران (سفرنامه کارلا سرنا)، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

▣ کتابهای دستور زبان فارسی در زبان ایتالیایی

در زمینه دستور زبان فارسی در کتابخانه ملی مارچانا در ونیز سه نسخه

خطی وجود دارد که دو نسخه از آنها عنوان «تحفة الهادیه» دارد که آن را شخصی به نام محمد بن حاجی الیاس در تاریخ ۸۹۴ قمری تألیف کرده است. یکی از آنها که تاریخ نسخه برداری آن نامعلوم است در ۴۶ صفحه نوشته شده است. نسخه سوم یک دستور زبان فارسی با عنوان لاتینی از مؤلفی ناشناخته است که در حدود ۱۶۰۰ میلادی در ۲۷ صفحه تألیف شده است.

یکی از سرشناس ترین ایران شناسان ایتالیایی به نام ایتالو پیتزی آثاری در زمینه دستور زبان فارسی به زبان ایتالیایی انتشار داده که در آن، مباحث دستور زبان، گلچینی از ادبیات و واژه نامه آورده است. وی همچنین کتابی به نام «منتخبات نویسندگان قدیم ایرانی» با خلاصه ای از دستور زبان و واژه نامه در سال ۱۸۸۹ و کتاب دیگری با عنوان «جنگ فردوسی» شامل گلچینی از اشعار فردوسی با خلاصه ای از دستور زبان فارسی و یک فرهنگ زبان در سال ۱۸۹۱ در لیبسیا چاپ کرده است.^(۱)

اثر گرانسنگ دیگر متعلق به جووانی درمه تحت عنوان دستور زبان فارسی است که در سال ۱۹۷۹ در ناپل منتشر شد. کتاب آقای درمه پس از دستورهای معروف لمبتون (به انگلیسی)، الول ساتون به انگلیسی و ژیلبر لازار (به فرانسه) حاوی نظرها و نکته های تازه است. دستور نوشتن برای زبان فارسی در ایتالیا چنانکه گفته آمد سابقه ای بیش از سیصد سال دارد. کتابشناسی ایتالیایی ایران تألیف پیه مونته نشان می دهد که از سال ۱۶۶۱ میلادی شصت و چهار کتاب و مقاله درباره آموزش و دستور زبان فارسی در زبان ایتالیایی نگارش یافته است.

۱- ابرالقاسم رادفر، «دستورهای فارسی در زبانهای اروپایی»، فرهنگ، کتاب سیزدهم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۶۶.

بر کتاب دستور درمه زبانشناس نامدار فرانسوی ژیلبر لازار در ابستراکتا ایرانیکا و یرژی بچکا از چکسلواکی سابق در آرشیو اوریتتالینی معرفی نوشته‌اند. لازار می‌نویسد که این دستور جدید زبان فارسی بطور اساسی زبان نوشتاری کنونی را توصیف می‌کند.^(۱)

□ نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا

ایتالیا یکی از کشورهای اروپایی است که مردم آن از قدیم با مشرق زمین در ارتباط بوده و به زبانها و فرهنگ این دیار آشنایی یافته‌اند. سفر زیارتی به بیت‌المقدس و فلسطین، سفرهای تجارتی، سیاحتی و مخصوصاً تبلیغاتی به شمال آفریقا، مصر، آسیای صغیر، ایران و ترکستان مستلزم آشنایی با فرهنگ و خلق و خوی مردم این سرزمینها و دانستن زبان ایشان بوده است. از آن جا که زبان فارسی در دوره‌های مهمی از تاریخ شرق، واسطه ارتباطات و تماسهای بازرگانی، سیاسی و فرهنگی مردمان آن روزگار بوده، خواه ناخواه در جهان آن روز و در میان مردم مغرب زمین شناخته شده بود. در میان غربیان، ایتالیاییها نخستین قوم اروپایی بودند که به کتابهای عربی و فارسی توجه نشان دادند و در سفرهای خود به مشرق زمین، آثار مکتوب فارسی را به شکلهای گوناگون به دست آوردند و به دیار خود بردند. برخی از این آثار همچون قانون ابن سینا خیلی زود به لاتین ترجمه شد. اما بسیاری از آنها در توفان حوادث مانند کتاب سوزیهای قرون وسطایی از میان رفت و اثری از آنها باقی نماند. اما شمار قابل توجهی از آثار فارسی از گزند حوادث در امان ماندند و در کتابخانه‌های

۱- ایرج افشار، «کتابشناسیهای ایرانی در میان کارهای دیگران»، آینده، سال دهم، شهربور و مهر ۱۳۶۳، شماره ۶ و ۷، ص ۴۴-۵.

ایتالیا حفظ شدند هرچند که سالها و نیز قرن‌ها ناشناخته ماندند و حتی کسی از وجود آنها آگاه نبود.^(۱)

یکی از این کتابخانه‌ها که نسخه‌های خطی فارسی بسیاری را در خود نگهداری می‌کند، کتابخانه ملی ناپل است. در این کتابخانه مجموعه‌ای از کتابها و نسخ خطی فارسی و مجموعه‌ای از ۶۰ مکتوب شاه عباس صفوی وجود دارد. این کتابها توسط یکی از روحانیون ایتالیایی از اصفهان به ناپل انتقال یافته است. از کتابخانه‌های دیگری که دارای کتابها و نسخه‌های خطی فارسی هستند می‌توان کتابخانه دانشگاه ناپل، کتابخانه آکادمی لینچئی، کتابخانه ملی رم، کتابخانه بولونیا، فلورانس و میلان، کتابخانه سلطنتی تورینو، کتابخانه‌های مارچیانو در ونیز، کتابخانه فرقه مذهبی مکتب‌تاری و مجموعه خطی مارسیلی در بولونیا را نام برد.

فهرستهای مختلفی از این کتابها از سال ۱۷۸۷ تاکنون توسط کایتانی، گویدی، سیمون الصمعانی، هامر، نلینو، چرولی، ایتالو پیتزی و ویکتور روزن به زبانهای مختلف لاتینی، ایتالیایی و فرانسوی به چاپ رسیده است.^(۲)

با این همه، نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا آنچنان که باید شناخته شده نبودند تا آنکه با کوششها و علاقه‌مندی قابل تحسین پروفیسور پیه مونته‌سه غبار فراموشی چندین ساله از چهره این آثار نفیس و کمیاب زدوده شد و فهرست کامل آنها انتشار یافت.^(۳)

بطور کلی، نسخه‌های خطی فارسی موجود در ایتالیا در کتابخانه‌های

۱- شفاء: داستانها و مقالات تاریخی، ص ۱۰۷۷۹.

۲- همان، ص ۱۰۸۰۰-۱۰۷۷۹.

۳- «کتابهای خارجی» نشر دانش، سال نهم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، ص ۷۲-۳.

پانزده شهر این کشور جای گرفته‌اند. در اینجا اسامی شهرها و تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه‌های آنها را می‌آوریم:

بولونیا، ۶۰ نسخه

پادوا، ۲ نسخه

پارما، ۶ نسخه

پالرمو، ۱۳ نسخه

پیزا، ۱ نسخه

تورینو، ۱۵ نسخه

جنوا، ۲ نسخه

رم، ۹۱ نسخه

سی‌نیا، ۲ نسخه

فیرنزه، ۱۱۰ نسخه

مودنا، ۴ نسخه

میلان، ۴۱ نسخه

ناپل، ۱۷ نسخه

ورونا، ۱ نسخه

ونیز، ۵۱ نسخه

مجموع نسخه‌های اصلی ۴۳۶ نسخه است که با نسخه‌های تکراری بالغ بر ۷۰۰ نسخه می‌شود.^(۱)

بعضی از این کتابخانه‌ها فهرست‌هایی از نسخه‌های خطی شرقی تهیه و منتشر کرده‌اند، ولی این فهرست‌ها چه به سبب فقدان عناوین برخی از نسخه‌ها و

چه به دلیل اشتباه در شناسایی و تعیین زمان آنها قابل اعتماد نیستند. کار فوق‌العاده مهم و ارزشمند پیه مونتسه این است که نقایص و اشتباهها را جبران کرده است. در حقیقت این کتاب، حاوی فهرست جامع و کامل همه نسخه‌های خطی فارسی است که در سی کتابخانه ایتالیایی یافت می‌شود. غالب این نسخه‌ها به قرنهای دهم و دوازدهم هجری تعلق دارند، یعنی روزگاری که خاورشناسی در اروپا رو به توسعه داشت و دانشمندان، مبلغان، دیپلماتها، بازرگانان و جهانگردان به آگاهی از زندگی مشرق زمین علاقه وافر پیدا کرده بودند.

بسیاری از این نسخه‌ها از حیث خوشنویسی و تذهیب بسیار نفیس و زیبا هستند و از ارزش هنری زیادی برخوردارند. قدیمی‌ترین این نسخه‌ها، نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی است که تألیف آن در روز سه شنبه سی‌ام محرم ۶۱۴ هجری / ۱۲۱۷ میلادی پایان یافته و دارای ۲۲ هزار بیت است. (این نسخه اساس تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق از شاهنامه قرار گرفته است) پس از آن نسخه‌ای از مقدمه‌الادب زمخشری است که در ۶۶۳ هجری / ۱۲۶۵ میلادی تألیف شده است. جدیدترین نسخه‌ها کلیات سعدی است که در ۱۲۳۷ هجری / ۱۸۲۲ میلادی توسط عبدالصمد نامی نوشته شده است. اما از لحاظ تعداد نسخه‌ها، «گلستان» سعدی با ۴۶ نسخه مقام نخست را دارد و پس از آن «بوستان» با ۲۰ نسخه، «مثنوی» مولوی و مقدمه‌الادب هریک ۱۴ نسخه و شاهنامه ۱۳ نسخه جای دارند.^(۱)

پروفسور پیه مونتسه به خاطر اقناع خوانندگان کنجکاو و علاقه‌مند و سهولت مراجعه، کتاب را برحسب نام شهرها فصل‌بندی کرده و تاریخچه

پیدایی کتابخانه و چگونگی شکل‌گیری مخازن کتابهای شرقی و فارسی هر کتابخانه را ذکر کرده است. در کتاب حاضر هر نسخه معرفی شده دارای شماره ترتیب است. اما برای سهولت کار، شماره نسخه در فهرستهای موجود کتابخانه‌ها نیز ذکر شده است. نخستین کلمه یا عبارت هر نسخه و نیز آخرین کلمه یا عبارت آن ضمن مشخصات دیگر کتاب نقل شده است. پانزده فهرست گوناگون (شامل دسته‌بندی نسخه‌ها بر حسب موضوعات، ادبیات عرب، ادبیات ترکی، تقویم تاریخ تألیف نسخه‌ها، کتابهای حاوی نقشه جغرافیایی، نسخه‌های حاوی لیگاتور، خوشنویسی، تذهیب، نگارگری مرقع، تصاویر و شکل‌های علمی، گراور، اسامی خطاطان و نسخه‌پردازان، مؤلفان، جایها، نام کتابها به لاتینی، عنوان فارسی کتابها) بر سودمندی کتابها می‌افزاید. این فهرستها در واقع یک مجموعه عظیم از اطلاعات گوناگون است که هر پژوهنده‌ای را در هر رشته‌ای به کار می‌آید. تصویرهای سیاه و سفید یا رنگی روی جلد یا صفحه‌های اول برخی از نسخه‌ها، نمونه‌هایی از هنرهای گوناگون خطاطی، تذهیب، نگارگری و مانند اینها را نشان می‌دهد و بر ارزش کتاب می‌افزاید.

تنها ایرادی که بر کار استاد پیه مونتسه می‌توان گرفت به ضبط لاتینی اسامی کتابها مربوط می‌شود. به این معنی که اولاً عنوانهای فارسی به صورت تلفظ عربی مانند *Risala yi / Masihiyya* رساله مسیحیه (ص ۷) و گاه افغانی به خط لاتینی آوانویسی شده است. ثانیاً کسره اضافه در چند مورد از قلم افتاده است مانند *Sarh(i) Gulsistan* شرح گلستان (ص ۱۷)، *Arbain(i) Hadit* اربعین حدیث (ص ۳۳) و ... ثالثاً در حالیکه در عنوانهایی مانند *Muqaddimat al-Salat* مقدمه الصلوة (ص ۱۳) کلمات را حرف به حرف بازنگاری کرده است در عنوانهای صرفاً فارسی واو عطف را U نوشته است نه va یا wa که درست

است چنانکه مثلاً در Layli u Majnun لیلی و مجنون (ص ۲۶۴) و غیره.^(۱) اینک به دو نمونه از نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا اشاره می‌کنیم که پیه مونتسه درباره این هر دو نسخه ممتاز مقاله‌های جداگانه‌ای در نشریات علمی ایتالیا منتشر کرده است. یکی از این نسخه‌ها، قدیمی‌ترین نسخه شاهنامه (مورخ ۶۱۴ هجری) است که در فلورانس است و نسخه دیگر یکی از زیباترین نسخه‌های منطق‌الطیر عطار (مورخ ۸۵۷) در شهر تورینو است.^(۲)

□ نسخه خطی شاهنامه فردوسی در فلورانس

این نسخه شامل کمتر از نیمی از اثر شاهنامه یا به قول کاتب دستنویس، مجلد اول آن است. بدین معنی که از آغاز پادشاهی لهراسب تا پادشاهی یزدگرد سوم (خاتمه شاهنامه) که ظاهراً مجلد دوم این نسخه را تشکیل می‌داده، از آن ساقط شده است. دستنویس فلورانس شامل ۲۶۴ یا ۲۶۵ ورق و ۵۲۸ صفحه می‌باشد که هر صفحه حداکثر دارای ۴۶ بیت مندرج در چهار ستون است. هر صفحه دارای یک و حداکثر دو کتیبه گل‌بته‌دار به خط تزئینی کوفی است و تعداد معدودی از صفحه‌ها نیز حاوی سه کتیبه است. مطالب کتیبه‌ها عمدتاً به زبان عربی است. تنها دو کتیبه نخستین صفحه متن به زبان فارسی است و عبارت مسطور در کتیبه صدر و ذیل صفحه اول به ترتیب عبارت است از: «بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر» و «کتاب شاهنامه از گفتار امیرحکیم ملک». هر کتیبه جای ۸ بیت را در متن صفحه اشغال می‌کند. این نسخه از زمره نسخه‌های بدون تصویر شاهنامه بوده و خط آن از نوع خط نسخ متوسط است. کلمات در اکثر

۱- «کتابهای خارجی» نشر دانش، ص ۷۳.

۲- آینده، سال هیجدهم، فروردین و شهریور ۱۳۷۱، شماره‌های ۶-۱، ص ۹-۲۱۸.

موارد مشکوک است و کاتب در نقطه گذاری حروف بیش از حد دست و دلبازی به خرج داده است. دستنویس فلورانس دارای مقدمه‌ای است که تنها سه صفحه از آن باقیمانده و مطالب این سه صفحه متضمن همان مجعولاتی است که عادتاً در مقدمه نسخ شاهنامه بازمانده از قرون هشتم و نهم به بعد دیده می‌شود. تاریخ کتابت نسخه فلورانس در آخرین صفحه بدین صورت ثبت شده است:

«تمام شد مجلد اول از شاهنامه به پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه سیتم ماه مبارک؟!» «محرم سال ششصد و چهاره بحمدالله تعالی و حسن توفیقه و صلی الله علی خیر خلقه محمد و اله الطاهرین الطیبین»^(۱)

دلائلی که اصالت تاریخ استنساخ دستنویست فلورانس را زیر سؤال می‌برد، به لحاظ موضوع به سه بخش قابل تفکیک است:

۱ - قرائن و شواهدی که از کتیبه تاریخ، شناسنامه، نسخه را می‌توان استخراج کرد

۲ - قرائنی که از موقعیت و نسبت این دستنویس در مقایسه با دو گروه‌بندی متمایز از نسخه‌های قدیمی و معتبر شاهنامه مستفاد می‌گردد.

۳ - شواهدی که در متن نسخه وجود دارد و بیانگر انواع دستخوردگی و دخل و تصرف‌های دوره‌ای - دورانی متأخرتر از تاریخ کتابت مورد ادعای دستنویس است. که تجمع همه این قرائن آن هم به شکلی که هر یک متمم دیگری گردد، می‌تواند اصالت تاریخی یک نسخه را حداقل مورد تردید قرار دهد.^(۲)

۱- مهدی قریب، «دستنویس شاهنامه فلورانس»، فرهنگ، پاییز ۱۳۶۹، کتاب هفتم، ص ۴۴-۶.

۲- همان، ۵۱-۱.

□ نسخه خطی منطق الطیر عطار

نخستین دستنوشته پارسی که در کتابخانه سلطنتی تورین زیر کد «نسخه شرقی ۴۰» نگهداشته است. بلا تردید منطق الطیر عطار نیشابوری می‌باشد. نسخه به قطع کتاب جیبی ۱۸ بر ۱۲ سانتیمتر تدوین شده و دارای ۲۰۹ برگ معمولاً ۱۴ سطر بخط نسخ، ۶ مجلس و متن کامل مثنوی می‌باشد و نیز بکلی تصحیح، تذهیب و تنظیم شده است. عنوان کلی کتاب را که فی الواقع منطق الطیر و مقامات الطیور است بشرح زیر نمایش داده‌اند:

کردی ای عطار بر عالم نثار نافه اسرار هر دم صد هزار
ختم شد بر تو چو بر خورشید نور منطق الطیر و مقامات طیور
پایان این متن بشرح زیر است:

تمام شد کتاب منطق گفتار شیخ العارف العاشق الشطار فریدالدین العطار قدس سره علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی الملك الغنی نصیر بن حسن الملکی احسن الله احواله و غفر ذنوبه -- فی شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه سبع و خمسين و ثمانمائه حامداً لله تعالی و مصلیاً و مسلماً و الحمد لله حق حمده و الصلوة و السلام و التحية علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین.

این تاریخ ختم نسخه (صفر ۸۵۷ ه‍.ق) نیز مهم است زیرا که براساس کتابشناسی نسخ خطی و تاریخ نقاشی در ایران کهنه‌ترین مصور منطق الطیر است.^(۱)

□ نسخه خطی تاریخ طبری درونیز

دو جلد دستنوشته ترجمه «تاریخ طبری» یعنی «تاریخ بلعمی» در ایتالیا موجود است. یکی از این نسخه‌ها در کتابخانه آکادمی ملی لینچئی که در شهر رم

۱- آنجلومیکله پیه مونتسه: «نسخه مصور منطق الطیر عطار در تورین»، آینده، سال ۱۵، شماره ۳-۴، خرداد - مرداد سال ۱۳۶۸، ص ۵-۳۰۲.

واقع است نگهداشته می‌شود و آن جزو گردآوری نسخ خطی، عربی، پارسی و ترکی متعلق به کتابخانه اختصاصی مؤسسه مطالعات اسلامی کایتانی است که شاهد علاقه‌مندی کایتانی نسبت به گردآوری و تحقیق متون اصلی تاریخ اسلام و ایران است.

اما نسخه دیگر که در کتابخانه ملی مارچانا ونیز نگهداشته و با شماره O. V. CXXXVIII (۱۷۱) نگهداری و ضبط می‌شود از جمله شواهد کهن و والا و قشنگ ترجمه تاریخ طبری است که فاقد برگ اختتامی و تاریخ تحریر می‌باشد. جنس کاغذ، شیوه خط، رسم کتابت و نوع تزئین این نسخه حکایت از آن دارد که باید در طول قرن هفتم هجری استنساخ شده باشد. آغاز متن به شرح زیر است:

«سپاس و آفرین مرخدای را کامران کامکار و آفریننده زمین و زمان آنکس کش نه همتا و نه انباز نه دستور الخ» بخش آخر متن باقی‌مانده عطف به وقایع خلافت المعتمد برگ ۳۶۲ و ماجرای بابک می‌کند و پایان آن هم چنین است: «و دیگر روز افشین را خبر آمد کی بابک بگریخت. بر نشست با سپاه و بیامد و بفرمود». در این نسخه، جدول بسیار چشمگیر شجره پیغمبر اسلام و همچنین جدول مذهب هفت اقلیم صورت زمین و دیباجه‌ای شامل جداول سلسله‌های پادشاهان و سلاطین ایران است.^(۱)

□ اسناد خطی فارسی در ونیز

در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه

۱- آنجلو میکله پیه مونتسه: «نسخه خطی تاریخ طبری نگهداشته در ونیز»، یادنامه طبری، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۶۹، ص ۵۴۷.

تهران نمایشگاه اسناد روابط ایران و ونیز برپا شد. در این نمایشگاه جلسه سخنرانی هم در آمفی تئاتر کتابخانه در روز هشتم اردیبهشت ۱۳۵۲ برپا شد که آقای پروفیسور پنیاتی رئیس موزه‌های شهر ونیز مفصلاً درباره اسناد ایران در ایتالیا سخن گفت.

فهرست اسناد نمایشگاه به دو زبان ایتالیایی و فارسی تهیه و چاپ شده بود که در این فهرست توصیف هر سند به دست داده شده بود. اسناد عرضه شده عبارت بود از ۲۹۶ قطعه که در میان آنها تعدادی نسخ خطی فارسی متعلق به قرون قدیم توسط سیاحان ونیزی از ایران به ونیز رفته بود. همچنین دو قطعه از فرمان سلاطین صفوی و مقادیر زیادی گزارشهای سیاحان، تجار و سفیران ونیزی که درباره ایران نگاشته بودند، در این نمایشگاه عرضه شد.^(۱)

□ نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی مارچانا (ونیز)

این کتابخانه که در سال ۱۴۶۸ توسط کاردینال ساریونه تأسیس شد، بالغ بر ۷۵۰ هزار جلد کتاب را در خود جای داده که در دو بخش خطی و چاپی نگهداری می‌شوند. بیشتر نسخه‌های خطی این کتابخانه که دهها هزار جلد را شامل می‌شود به زبانهای لاتینی، یونانی و ونیزی قدیم می‌باشد. تعداد زیادی کتاب خطی به زبانهای عربی و ترکی و ۵۰ کتاب خطی به زبان فارسی، نیز در این کتابخانه وجود دارد.^(۲)

۱- قدرت‌الله روشنی: «نمایشگاه اسناد روابط ایران و ونیز»، راهنمای کتاب، سال شانزدهم، شماره‌های ۱ و ۲، فروردین - خرداد ۱۳۵۲، ص ۱۹۱، ۱۸۳.

۲- برای آگاهی بیشتر از تمام نسخه‌ها و ویژگی‌ها و تعداد صفحات آنها بنگرید به: حمید رضا بهارلو: «آشنایی با کتابخانه ملی مارچانا (ونیز)»، کیهان فرهنگی، سال ۱۳۶۶، شماره ۱۲، ص ۳۴-۶.

فهرست برخی از کتابهای خطی فارسی کتابخانه ملی مارچانا(ونیز):

- ۱ - انتخاب آیینة حق‌نامه: مؤلف، ناشناخته، سال ۸۸۵ هجری قمری
- ۲ - انتخاب آیینة حق‌نامه: مؤلف، جیرو لاماو خاویر، سال ۱۶۰۹ میلادی
- ۳ - انتخاب رباعیات عمر خیام: مؤلف، عمر خیام، نیمه اول قرن هفدهم
- ۴ - انتخاب عقاید و عملیات دین عیسویان: مؤلف، ناشناخته، سال ۱۰۴۵ هجری قمری

۵ - انسان‌نامه معروف به قیافه‌نامه: مؤلف، سید علی همدانی، قرن پانزدهم میلادی

- ۶ - بحر الغریب: مؤلف، حلیمی، سال ۹۳۱ هجری قمری
- ۷ - بهارستان جامی: مؤلف، جامی، سال ۹۰۸ هجری قمری
- ۸ - پندنامه عطار: مؤلف، عطار نیشابوری، اواسط قرن ۱۶ میلادی
- ۹ - تاریخ طبری: مؤلف، طبری، ابتدای قرن سیزده میلادی
- ۱۰ - تاج المصاادر: مؤلف، ابوجعفر احمد بن علی البیهقی، سال ۷۳۴ هجری قمری

- ۱۱ - تحفة الصبیان: مؤلف، ناشناخته،
- ۱۲ - تحفة الہادیة: مؤلف، محمد بن حاجی الیاس، سال ۸۹۴ هجری قمری
- ۱۳ - تحفة الملوک: مؤلف، حبیب‌الله بن محمد بن اردشیر، سال ۱۰۰۹ هجری قمری

- ۱۴ - الاغراض الطبیة و المباحث الخوارزمشاهیة، سال ۱۰۰۸ هجری قمری
- ۱۵ - جامع الفارس: مؤلف، ناشناخته، سال ۹۰۷ هجری قمری
- ۱۶ - حق‌الیقین در معارف اصول دین: مؤلف، محمد علی بن محمد مازندرانی، سال ۱۰۷۱ هجری قمری

۱۷ - دستورالاحوان: مؤلف، قاضی خان محمد بدردهار، قرن ۱۶ میلادی

- ۱۸ - دستور زبان فارسی: مؤلف، ناشناخته، حدود ۱۶۰۰ میلادی
- ۱۹ - دیوان حافظ: سال ۹۸۹ هجری قمری
- ۲۰ - دیوان شوکت: مؤلف، شوکت بخارایی
- ۲۱ - رساله نبض: (سه کتاب از سه نویسنده)
- الف - رساله نبض: مؤلف، محمد الکازرونی، سال ۱۰۲۶ هجری قمری
- ب - رساله مقداریه: مؤلف، محمد مؤمن بن علی الحسینی
- ج - کفایه منصوری: مؤلف، منصور بن احمد یوسف بن فقیه الیاس رازی، سال ۹۹۰ هجری قمری
- ۲۲ - سلك الجواهر: مؤلف، عبدالرحمان بن عبدالرحمان الانکوری، سال ۸۵۷ هجری
- ۲۳ - طب شفایی: مؤلف، مظفر بن محمد الحسینی الشفایی
- ۲۴ - طوطی نامه: مؤلف، نخشی، سال ۱۰۰۱ هجری قمری
- ۲۵ - عین الحیوة: مؤلف، محمد هاشم بن محمد طاهر طیبی طهرانى، سال ۱۰۹۷ هجری قمری
- ۲۶ - گلستان سعدی: مؤلف، سعدی شیرازی، قرن ۱۸ میلادی
- ۲۷ - منشآت جامی: مؤلف، جامی، سال ۹۷۰ هجری قمری^(۱)

❑ کنگره‌های ایران‌شناسی در ایتالیا

در نیمه دوم قرن بیستم، ایتالیا یکی از مراکز مهم ایران‌شناسی در اروپا گشت و کنگره جهانی ایران‌شناسان در رم تشکیل شد. نخستین کنگره در سال ۱۳۴۳ که با نام «ایران و دنیای یونانی - رومی» نیز در شهر رم تشکیل شده بود کنگره دوم که

در فروردین ۱۳۴۹ برگزار شد، دنباله کنگره نخستین بود. این کنگره به همت آکادمی لنینچی که خواستار ترقی مطالعات ایرانی در زمینه تاریخ است، برپا شده بود.^(۱)

در توضیح این کنگره باید متذکر شد که در فروردین ماه ۱۳۴۹ کنگره جهانی ایران‌شناسان به نام «ایران در قرون وسطی» با شرکت چهل و شش تن از دانشمندان ایران، ایتالیا، آلمان، فرانسه، آمریکا، بلژیک، مجارستان، سوئیس، هلند، سوئد و دانمارک به اهتمام و همکاری انجمن فرهنگی ایران و آکادمی لنینچی در رم تشکیل شد. یکی از نتایج مهم این کنگره بوجود آمدن اتحاد در بین ایران‌شناسان ایتالیایی بود.^(۲)

شرکت‌کنندگانی که از کشور ایتالیا در این کنگره حضور داشتند عبارت بودند از:

آنتونیو پالیارو استاد زبانها و فرهنگ ایران پیش از اسلامی در رم، رائول مانسلی محقق درباره فرهنگ قدیم، ماریو گریانچی ایتالیایی مقیم فرانسه که درباره عصر ساسانی تحقیق می‌کرد، اوگو بیانکی، فرانچسکو گابریلی استاد عرب‌شناسی در رم، نیولی استاد زبانها و فرهنگ پیش از اسلامی در ناپل، کار رانلی محقق در تاریخ ایران پیش از اسلام ایران و اسکارچیا دانشمند، ایران‌دوست و استاد ایران‌شناسی دانشگاه و نیز که آثار متعددی درباره ایران بوجود آورده است. این کنگره در حقیقت دومین کنگره در جهان در زمینه ایران‌شناسی بود که اولین آن در شهریور ۱۳۴۵ در تهران برگزار شده بود. شرکت‌کنندگان در کنگره ایتالیا دو دسته بودند:

۱- ایرج افشار، بیاض سفر، (تهران: توس، ۱۳۵۴)، ص ۸-۱۲۵.

۲- میربها: ایتالیا، ص ۱۲۷.

گروهی به دعوت رسمی آکادمی ملی لینچتی یعنی به خرج ایتالیاییها شرکت کردند و تعداد آنها (به انضمام خود ایتالیاییهای شرکت کننده) سی و پنج نفر بود. همه از شرق‌شناسان برجسته و متبحر بودند، اگر چه رشته خاص همه آنها ایران‌شناسی نبود. در میانشان ترک‌شناس بود، عرب‌شناس بود و اسلام‌شناس هم بود. البته تعدادی از ایران‌شناسان برجسته ایتالیایی نظیر پیه مونتسه و فیلیپانی رونکونی که در رم مقیم بودند، در این مجمع شرکت نداشتند. در این کنگره ایران‌شناسان کشورهای مختلف مقالاتی متعدد را قرائت و به سمع حاضرین رساندند. از دانشگاه تهران سید حسین نصر، عباس زریاب خویی و بهرام فره‌وشی مقاله خواندند و احسان یارشاطر نیز خطابه‌ای خواند.^(۱) کنگره به مدت پنج روز ادامه یافت و از فعالیتهای مؤثری که به موازات تشکیل کنگره در ایتالیا مشهود گردید، اعلام تأسیس اتحادیه ایران‌شناسان ایتالیا بود که اعضای آن در آن زمان عبارت بود از: چرولی نایب رییس فرهنگستان لینچتی و سفیر سابق ایتالیا در ایران پالیاو استاد زبان و ادبیات فارسی مؤسسه شرق‌شناسی ناپل، بمباچی استاد ترک‌شناسی دانشگاه رم، نیولی استاد ایران‌شناسی در ناپل، اسکارچیا استاد ادبیات فارسی و اسلامی دانشگاه ونیز، فیلیپانی رونکونی، استاد و محقق اسلام‌شناسی مؤسسه شرق‌شناسی ناپل، م. اسپراتو متخصص و استاد هنر اسلامی و باستانشناسی در مؤسسه شرق‌شناسی ناپل، پیه مونتسه مدرس و محقق ادبیات فارسی در دانشگاه رم.^(۲) در روز دهم فروردین که دومین روز برپایی کنگره بود، دکتر زیپولی در موضوع «سنایی، شاعر قبل از کلاسیسم ایران» خطابه‌ای علمی ارائه نمود.

۱- میریها: ایتالیا، ص ۳۱-۱۲۸.

۲- همان، ص ۳-۱۳۲.

لازم به ذکر است که در دوره پهلوی آکادمی لنینچی در شهر رم کنگره‌های تحقیقی پرارزشی درباره نظامی، حافظ، عطار و سنایی برگزار کرد.

هم‌چنین لازم به ذکر است که در سال ۱۳۵۷ به منظور تجلیل از علامه اقبال و بزرگداشت یکصدمین سالروز تولد این شاعر پارسی‌گوی از طرف سفارت پاکستان در سالن و مرکز فرهنگی ایتالیا و پاکستان مراسمی در سالن کتابخانه ملی رم برپا شد و نیز نمایشگاهی از عکسهای اقبال در همان سالن تشکیل شد و تعدادی از ایرانیان مقیم رم در این مجلس شرکت کردند.^(۱)

در آخرین سالهای رژیم گذشته، کارهای ارزنده‌یی در ارتباط با بزرگان ادب فارسی از سوی ایران‌شناسان و مراکز مطالعات ایران‌شناسی در این کشور صورت گرفت که برپایی گردهمایی‌های علمی، فرهنگی، انتشار و تصحیح آثار فارسی از جمله آنها بود.

یکی از این نشست‌ها، کنگره بین‌المللی سنایی بود که در ۹ فروردین ۱۳۵۷ در شهر رم برگزار شد. این کنگره به همت آکادمی ملی لنینچی شهر رم و با شرکت رئیس آکادمی و کاردار سفارت ایران و جمعی از شخصیت‌های فرهنگی ایتالیا در کاخ تاریخی آکادمی لنینچی گشایش یافت. در این کنگره از ایران شجاع‌الدین شفا سخنرانی کرد. پس از وی پروفیسور بوزانی ایران‌شناس معروف ایتالیایی تحت عنوان «سنایی پیشرو دانت» و «ملاحظات درباره سیرالعباد» به ایراد سخن پرداخت. وی پس از ذکر خلاصه‌ای از «سیرالعباد» به بحث درباره جنبه‌های تشابه بین «سیرالعباد» و «کمندی الهی» دانت پرداخت و با نقل اظهارنظرهای ریکا و مجروح (مترجم افغانی فی سیرالعباد به زبان فرانسه) دوگانگی دید، مشرب و هدف سنایی و دانت را در تدوین «سیرالعباد» و «کمندی

الهی» را شرح داد.^(۱)

۵ فعالیت‌های باستان‌شناسی ایتالیایی‌ها در ایران

از فعالیتهایی که ایران‌شناسان ایتالیایی در دوره پهلوی انجام داده‌اند، بررسی‌ها و کاوشهای باستان‌شناسی در ناحیه سیستان در شرق ایران بوده است. ایتالیایی‌ها، خاک سیستان را جای‌جای واری کرده و آثار باستانی چشمگیر و بااهمیتی چون بقایای شهرکی در «دره غلامان» و تمدنی کهن مربوط به دوران ماقبل تاریخ در تپه‌های موسوم به «شهر سوخته» که نزدیک زابل است از ضبط خاک و قید فراموشی به در آوردند که طبعاً باعث شد تاریخ مفصل و واقعی سیستان از گذشته‌های دور روشن گردد.

حاصل این بررسی و نگرش ایران‌شناسان ایتالیایی گزارشی مفصل بود که دسته‌ای از ایتالیایی‌ها (ایتال کنسولت) از سیستان و بلوچستان تهیه کرده بودند. این گزارش به صورت زیبایی انتشار یافت و کتابشناسی مفیدی همراه داشت و اثری پایدار و ماندگار شد.

مردی که سرسلسله این خدمات بود توجی ایتالیایی بود که از ایران تا تبت منطقه کار و تخصص علمی اوست. توجی که گرداننده مؤسسه‌ای به نام «مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و دور» بود، شعبه‌ای از آن را به تحقیقی و حفاری در آسیا اختصاص داد. این مؤسسه آثار متعددی که همه تحقیقی و علمی بودند در گنجینه‌ها و سلسله‌هایی چون «گزارش‌ها و یادداشت‌ها» و «گنجینه رم» نشر کرده است و در باب سیستان و بلوچستان نیز این مؤسسه کتابی که درباره تاریخ سیستان از عصر هجوم عرب تا سقوط صفاریان بود، در دوره پهلوی منتشر

۱- «مجامع فرهنگی»، پیوند، شماره سوم، بهار ۱۳۵۷، ص ۹-۳۸.

ساخت.

نامهٔ تنسر که متن فارسی آن را استاد مجتبی مینوی منقح ساخته بود از آثاری است که در مجموعهٔ شرقی رم انتشار یافت و یکی از قطعات مهم تاریخی در زبان فارسی است ... ترجمهٔ نامهٔ تنسر نخستین کتابی است از مجموعه‌ای به نام «متون ادبی و تاریخی ایران» که بنگاه ترجمه و نشر کتاب مبتکر و بنانی ترجمه و نشر آنها شد و با کمک یونسکو توسط مؤسسات، دانشگاه‌ها و ناشران مختلف انتشار یافت.^(۱)

در همین برنامه ترجمهٔ منشور ایتالیایی از «هفت پیکر» نظامی توسط الساندرو بوزانی ایران‌شناس نامی ایتالیایی فراهم شد و به صورتی زیبا به چاپ رسید و در دسترس خوانندگان آثار ادبی بزرگ جهان به زبان ایتالیایی قرار گرفت. بوزانی یادداشتهای کوتاهی در فهم مشکلات ادبی و اعلام تاریخی و کلمات فارسی که قابل ترجمه نبوده (مانند پالوده، دوالپا، دوغ، قاب قوسین) در انتهای متن الحاق کرد.

از جمله کارهای باارزشی که به دست ایران‌شناسان ایتالیا در این دوره انجام گرفت، پالودن خاک قرون از ویرانه‌های قصور غزنویان در شهر غزنین و بررسی کردن آثار به جای ماندهٔ آنجاست که هر سنگ و هر خط و هر کاشی آن بازگو کنندهٔ تمدنی است که فردوسی، فرخی و عنصری شاعران بزرگ آن بوده‌اند. وقتی کتاب بمباجچی را دربارهٔ کتیبه‌های شعر فارسی به خط کوفی در کاخ سلطنتی سلطان مسعود سوم در غزنه تورق می‌کنیم شعر بلند فردوسی:

بناهای آباد گردد خراب ز باران و ز تابش آفتاب

در خاطرمان خواهد گذشت.

از دیگر کاوشگرانی که در این زمینه تحقیقاتی داشته‌اند، اسکارچیا است که در افغانستان و شرق ایران سفر و تحقیق کرد و در کتابی بر مشتاقان ادب حماسی و عامیانه فارسی عرضه کرد. این کتاب که متن اصلی و ترجمه ایتالیایی «صفت‌نامه» درویش محمد خان غازی بود که با تصحیحات و توضیحات لغوی در رم به چاپ رسید. کتاب «صفت‌نامه» شرح حماسی جنگ با کفار دره لمغان را در بردارد که در سنه ۹۳۰ هجری به قلم آمده و از حیث اشتمال بر مطالب تاریخی و لغات محلی مثنوی سودمند است.

من باب نمونه این چند سطر از آن نقل می‌شود:

«القصه هر دو در خانه زور در آمدند و چندان زور کردند و در تلاش بسیار درآمدند و همای لعتی نتوانست که میرجان خان را از اسب جدا سازد و در آن تلاش بودند که قاسمه به دست میرجان خان و همای پیچیده شده و هر دو تدارک آن نمی‌توانند کرد که خود را از یکدیگر جدا سازند...»^(۱)

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم در مجمعی که به نام «کنگره ایران و دنیای یونان - روم» خوانده شد و در ایتالیا در سال ۱۹۶۵ به مدت چهار روز برپا شد سخنرانانی از کشورهای مختلف به ایراد سخن پرداختند در این زمینه کتابی تهیه شد که شامل مجموعه خطابه‌های محققان و علمی این کنگره بود.

همانگونه که پیش از این گفتیم مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و دور سلسله انتشاراتی به نام «گزارشها و یادداشتها» داشت که این مؤسسه کتاب «سیستان در حکومت اعراب از فتح اسلام تا سقوط صفاریان» اثر بوسورث انگلیسی به چاپ رسانید.^(۲)

۱- افشار: بیاض سفر، ص ۴۱-۱۳۸.

۲- همان، ص ۳-۱۴۱.

این کتاب با ارزش در پنج فصل تدوین شد: سیستان پیش از ورود اسلام، فتح سیستان توسط اعراب، سیستان در حکومت امویان، سیستان در ایام عباسیان و صفاریان و سقوط یعقوب لیث.

همچنین مجلد ششم «گزارشها و یادداشتها» تحت عنوان «تعمیرات آثار تاریخی در ایران» نیز به چاپ رسید که مجموعه‌ای با ارزش و نفیس بود. این مؤسسه نشریه «شرق و غرب» را منتشر می‌کرد که در اغلب مجلدات آن مقالاتی درباره ایران درج شده بود که برای نمونه پاره‌ای از آن را در اینجا می‌آوریم:

یکی، گزارشی است مشروح از حفريات باستانشناسان ایتالیایی در تپه‌های موسوم به «شهر سوخته» نزدیک زابل. این گزارش نوشته م. توچی است. مقاله دیگر بحثی است به قلم ا.ب. تیلیا درباره روش کار و تعمیر سنگها و حجاریهای دوره هخامنشی که با عکسهای از شیوه کار خود چاپ کرده است. بیننده ترتیب و صالی سنگهای فرسوده و شکسته را درک می‌کند و نمونه دقت و ممارست ناشی از علم و فن جدید را می‌بیند و لذت می‌برد.

سومین مقاله نیز نوشته اوست و محتوی اطلاعات تازه‌ای است درباره دیواری جدید که در قسمت شرقی تخت جمشید کشف کرده‌اند.^(۱)

ایران‌شناسان و دانشمندان ایتالیایی در این سالها، خدمات بسیاری در شناخت فرهنگ و تمدن ما به ثمر رساندند.^(۲)

هیأت باستانشناسی ایتالیا به موجب قرارداد با اداره باستانشناسی ایران از سال ۱۹۵۹ به ریاست آقای پروفیسور جوزفه توچی در سیستان شروع بکار کرد.

۱- همان، ص ۶-۱۴۳.

۲- همان، ص ۸-۱۴۶.

بعد از اولین بررسی زمین که توسط آقای توچی در سال ۱۹۵۹ صورت گرفت. بررسی دیگری در سال ۱۹۶۰ توسط دانشمند ایتالیایی پروفیسور سراتو انجام شد که چند ایرانی نیز با او همکاری می‌کردند.

حفاریات و گمانه‌زنی این هیأت در سه محل سیستان موسوم به کوه خواجه، بی‌بی دوست، قلعه تپه و قلعه نو انجام یافت. آنها در کوه خواجه بر اثر گمانه‌زنی اطمینان پیدا کردند آتشکده معروف و بسیار قدیمی آن ناحیه متعلق به دوره قبل از پارتها بوده است. جستجوهای آنها در قلعه تپه و بی‌بی دوست هم این مطلب را روشن کرد که در این مرکز مهم یک سلسله متواتر از طبقات تحت‌الارضی وجود دارد که از دوران اسلامی، ساسانی و پارتی گذشته و به دورانی که فعلاً آن را به عنوان موقت دوران قبل از پارت می‌نامیم رسیده است. اکتشاف هیأت ایتالیایی شامل شهر وسیعی به مساحت تقریبی یک کیلومتر و نیم مربع از محلی موسوم به «دهانه غلامان» بود. سابقه این محل مربوط به دوران هخامنشیان تشخیص داده شد. در آن مکان، مجموعه وسیعی از ساختمانهای بزرگ مشاهده کرد که از خشت ساخته شده بود. اندازه ضلع یکی از آنها به ۷۳ متر می‌رسید. هم چنین یک محله مسکونی خصوصی نیز در این کشفیات نمایان شد.

هم چنین ساختمانهای دیگری که به تشریفات و امور مذهبی اختصاص داشت و دالانهایی که در حاشیه دالانهای غربی منطقه مکشوفه وجود داشت مقادیر زیادی از توده‌های استخوانی حیوانات را در خود جای داده بود. محتویات این محل نشان می‌داد که در آن محل مراسم مذهبی و قربانی حیوانات انجام می‌شده است.

حاصل آنکه، اکتشاف هیأت ایتالیایی هم از نظر تاریخی، مذهبی و معماری و هم از لحاظ پی بردن به تشکیلات اجتماعی ایران در قرن ششم قبل از میلاد دارای اهمیت بسزایی است.^(۱)

□ آثار هنری و باستانی ایران در ایتالیا

علاوه بر کتابها و نسخه‌های خطی که در مراکز فرهنگی و هنری مهم ایتالیا موجود است، آثار هنری و باستانی متعدد ایرانی نیز در موزه‌های مختلف ایتالیا وجود دارد که از آن جمله می‌توان از موزه ملی ناپل، موزه رم، موزه جنوا، موزه‌های فلورانس و تورینو و موزه انستیتوی روابط فرهنگی ایتالیا با خاورمیانه و خاور دور نام برد.

به جز این آثار، بناهای مختلفی در ایتالیا یافت می‌شوند که از ایران و تمدن آن حکایت می‌کنند از جمله این بناها باید از بقایای معابد مهر (میترا) نام برد. از زمره یادگارهای دیگری که به فرهنگ ایران مربوط است میدان و مجسمه فردوسی در رم است که به نام بزرگترین شاعر ایران نامگذاری شده است.^(۲)

□ نشریه‌های ایران‌شناسی (ایتالیا)

1 - Quaderni del seminario di iranistica, uralo - altaistica e cavcasologica.

۱- هومان خواجه نوری، «هیأت باستانشناسی ایتالیایی در سیستان» سخن، دوره چهاردهم، دی ماه ۱۳۴۲، شماره ۷، ص ۷۰-۶۶.

۲- همان، ص ۱۰۸۰۰-۱۰۷۷۹.

این نشریه به صورت سالنامه، از سال ۱۹۷۹ در ایتالیا منتشر شده است.

2 - Annali di Cafoscari - serie orientale.

این نشریه که به صورت سالنامه انتشار می‌یابد حاوی مقالاتی انتقادی در حوزه‌های گوناگون ایران‌شناسی است.

3 - Oriente moderno

نشریه «شرق مدرن» سالنامه‌ای است که مرکز شرق‌شناسی ایتالیا تهیه و چاپ می‌کند.

4 - East and west

نشریه «شرق و غرب» را «مرکز خاورمیانه و دور» ایزمئو (ISMEO) در شهر رم، انتشار می‌دهد. «شرق و غرب» که دو بار در سال منتشر می‌شود، دربرگیرنده مقالاتی در حوزه ایران‌شناسی است.

5 - Rivista degli stati orientali.

این فصلنامه گاهی مقالات و اخباری درباره مباحث متنوع ایران‌شناسی دارد.

News letter of Baluchistan studies.

خبرنامه «بررسیهای بلوچستان‌شناسی» به صورت سالنامه منتشر می‌شود. این خبرنامه را بخش مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه شرق‌شناسی ناپل تهیه می‌کند. «دپارتمان بررسیهای آسیایی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه ناپل» و «کمیته بین‌المللی بررسیهای بلوچستان» از مراکز تحقیقاتی - دانشگاهی در کشور ایتالیا

هستند که تحقیقات و مطالعاتشان را دربارهٔ بلوچستان به صورت سالنامه و نشریه‌های ادواری و نامنظم منتشر می‌کنند.

7 - *Orientalia christiana periodica*

این نشریه در شهر رم تهیه می‌شود.

فصل نهم

ایران‌شناسان و استادان زبان و ادب فارسی در ایتالیا

□ پروفیسور جان روبرتو اسکارچیا

پروفیسور اسکارچیا که در یازدهم مارس ۱۹۳۳ در شهر رم در ایتالیا بدنیا آمد، تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در مدارس رم به پایان رساند و سپس در دانشکده حقوق دانشگاه رم به ادامه تحصیل پرداخت.

وی در دوران تحصیلات دانشگاهی زبان فارسی را از روی علاقه‌ای که به این زبان داشت به عنوان زبان خارجی انتخاب کرد و زیر نظر پروفیسور بوزانی که در آن زمان استاد ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه رم بود به فراگیری زبان و ادبیات فارسی مشغول شد.

علاقه اسکارچیا به زبان و شعر فارسی موجب شد که علاوه بر کلاسهای درس دانشکده در کلاسهای آزاد درس فارسی پروفیسور بوزانی در مؤسسه ایزمئو نیز شرکت کند و از این مؤسسه نیز گواهی پایان دوره آموزش زبان فارسی را بدست آورد.

اسکارچیا در خلال دوران تحصیل چندین بار با استفاده از بورس تحصیلی به ایران سفر کرد. او بلافاصله پس از فراغت از تحصیل به عنوان مربی زبان و ادبیات ایتالیائی در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد.

اسکارچیا پس از بازگشت به کشورش بر اساس مطالعاتی که در تاریخ و عقاید و فرهنگ اسلامی داشت و دروسی که از بوزانی فراگرفته بود، در دانشگاه شرق‌شناسی ناپل به تدریس در رشته اسلام‌شناسی پرداخت و تا سال ۱۹۶۸ به این کار مشغول بود، تا اینکه در این سال به منظور تأسیس مؤسسهٔ ایران‌شناسی رهسپار ونیز گشت. اسکارچیا از سال ۱۹۶۸ به مدت ۱۷ سال تمام از وقت خود را به ایجاد و توسعهٔ مؤسسهٔ ایران‌شناسی دانشگاه فوسکاری ونیز و تربیت استادان زبان فارسی در این دانشگاه گذراند. در اثر مساعی و پی‌گیری‌های او امروزه علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، درس دیگری مانند؛ زبان و ادبیات دری، تاریخ ایران اسلامی، تاریخ هنر ایران، زبان‌شناسی ایرانی و زبان ترکی آذری و نیز در این مؤسسه تدریس می‌شود.

از جمله کارهای ارزندهٔ اسکارچیا در ونیز، تربیت اساتید زبان فارسی بوده که در این راه تاکنون تعداد قابل ملاحظه‌ای استاد و متخصص زبان و شعر فارسی تربیت کرده است. امروز بخش‌های فارسی دانشگاه‌های ونیز و بولونیا بوسیلهٔ شاگردان اسکارچیا اداره می‌شود. از جمله شاگردان اسکارچیا می‌توان افراد زیر را نام برد:

- ۱ - جوزجو ورچلین، استاد زبان فارسی دری و تاریخ معاصر خاورمیانه - دانشگاه ونیز
- ۲ - ریکاردو زیپولی، استاد زبان ترکی آذری و همهٔ لهجه‌های زبان ترکی، دانشگاه ونیز

- ۳ - جامپیرو بلینجری، استاد زبان ترکی آذری، دانشگاه فوسکاری ونیز.
 - ۴ - خانم سیلویا کورتز، مترجم سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان.
 - ۵ - مائوریتزیو پیستوزو، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بولونیا.
 - ۶ - جیوانی کوراتولا، استاد تاریخ هنر اسلامی در دانشگاه ونیز.
 - ۷ - مارکوچنا، متخصص در موسیقی ایرانی و کشورهای اسلامی.
 - ۸ - خانم ریتا بارجیلی، مترجم گلستان سعدی به زبان ایتالیایی
 - ۹ - خانم ترزاگراندا، استاد سابق زبان و ادبیات ایتالیایی در دانشگاه تهران.
 - ۱۰ - خانم دانیلا منگینی، اولین مترجم دیوان حافظ به زبان ایتالیایی.
 - ۱۱ - خانم سرنالوی، استاد زبان پشتو.
- اسکارچیا علاوه بر زبان ایتالیایی که زبان مادری اوست به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی، یونانی، ترکی، فارسی و تمام لهجه‌های آن از قبیل: گیلکی، کردی، بلوچی و همچنین زبان لاتین آشنائی دارد.
- استاد اسکارچیا تاکنون متجاوز از یکصد و هفتاد کتاب و مقاله نوشته که اکثر آنها دربارهٔ زبان و تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام و مذاهب اسلامی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اسکارچیا تقریباً هر سال به ایران سفر می‌کرد و بدلیل مقام علمی که داشت بسیار مورد احترام بود. اگر از این موضوع صرف‌نظر کنیم، جهان روپرتو اسکارچیا یکی از خدمتگزاران صدیق و از دوستداران صمیمی زبان و ادبیات فارسی در ایتالیا بوده است.

فهرست تألیفات:

— مقاله به زبان فرانسه

مسائل زمامداری نزد امامیه. به مناسبت کنگرهٔ بین‌المللی شرق‌شناسان در مونیخ. چاپ شده در شهر ویسبادن، ۱۹۵۹.

— مقاله به زبان ایتالیائی

زاممداری نزد امامیه. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۷، سال ۱۹۵۹، از ص ۹۵ تا ۱۲۶.

— مقاله به زبان ایتالیائی

— درباره دو اثر از صادق هدایت، «بوف کور» و «حاجی آقا». چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۱۰۳ تا ۱۲۳.

— مقاله درباره ادعای مالکیت ایران بر بحرین. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» رم ۱۹۵۸، ص ۱ تا ۱۸.

— مقاله پیرامون مباحثات بین اخباریون و اصولیون امامیه ایران.

چاپ شده در مجله «دروس شرقی» شماره ۳۳، رم ۱۹۵۸، ص ۲۱۱ تا ۲۵۰.
— ایران و کفر اسلام در فکر هنری کرین. (یعنی اینطور که کرین فکر می‌کند)
چاپ شده در مجله دروس و مواد تاریخ مذاهب شماره ۲۹، سال ۱۹۵۸، ص ۱۱۲ تا ۱۲۷.

— شرایط و دکترین امروزی فرقه «شیعی امامی شیخی در ایران»

چاپ شده در مجله دروس و مواد تاریخ مذاهب، شماره ۲۹، سال ۱۹۵۸، ص ۲۴۱ تا ۲۴۱۵.

— نقد بر کتاب «فرق اسلامی» تألیف آ.آ. بلیایف، چاپ مسکو ۱۹۵۷.

چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۱۳ تا ۲۱۶.

— نقد بر کتاب «نادر شاه افشار»، تألیف «م.د. ارونوا» و «ک.ر. اشرفیان»، چاپ مسکو، ۱۹۵۸. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۱۸ تا ۲۲۴.

— نقد بر کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر از آغاز سلطنت

قاجارها تا پایان نخستین جنگ با روسیه، تألیف «سعید نفیسی»، چاپ تهران، ۱۳۳۵. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۲۴ تا ۲۲۶.

— نقد بر کتاب قآنی شاعر ایران در قرن نوزده، نوشته «وادا کو بیچکوا»، چاپ پراگ، ۱۹۵۴. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۲۶ تا ۲۲۹.

— نقد بر کتاب تاریخ ادبیات پاکستان، اردو، پنجابی، سندھی، پشتو و بنگالی پاکستانی، نوشته الساندرو بوزانی، چاپ میلان، ۱۹۵۸. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۲۳ تا ۲۳۰.

— نقد بر کتاب سفر به جنوب ایران. سفرنامه یک پزشک در جستجوی حقیقت مدینه، نوشته «ت. لیندبرگ»، چاپ «لوند»، ۱۹۵۵. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۳۸، سال ۱۹۵۸، ص ۲۰۳ تا ۲۰۴.

— نقد بر کتاب مغولها در ایران سیاسی، فکری و فرهنگی دوره ایلخانان، (۱۲۲۰ تا ۱۳۵۰ میلادی) نوشته «ب. اشیپولر»، چاپ برلین، ۱۹۵۵. چاپ شده در مجله «دروس شرق»، شماره ۳۳، سال ۱۹۵۸، ص ۲۹۳.

— انعکاس یک نسخه خطی بهائی‌های ایران. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۹، سال ۱۹۵۹، ص ۵۱ تا ۹۳.

— صورتهای قانونی و سیاسی مشاجره جدید بین ایران و اتحاد شوروی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۳۹، سال ۱۹۵۹، صفحه ۴۹۹ تا ۵۱۳.

— مشاجره بین ایران و عراق درباره شط العرب (در تاریخ دسامبر ۱۹۵۹ تا ژانویه ۱۹۶۰). چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۴۰، سال ۱۹۶۰، ص ۷۷ تا ۹۳.

— درباره انتخابات ایرانی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۴۰، سال

۱۹۶۰، ص ۵۳۷ تا ۵۵۲.

— یادداشت درباره بعضی از نکات فرهنگ تاجیکی و درباره احمد دانش. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۱، سال ۱۹۶۱، ص ۶۳ تا ۱۰۳.

— سرگذشت دارائی پهلوی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۴۱، سال ۱۹۶۱، ص ۸۰۷ تا ۸۱۸.

— خانه بروجردی در کاشان. نقش هائی برای فهم تاریخ فرهنگ ایران در دوره قاجاریه. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۲، سال ۱۹۶۲، ص ۸۳ تا ۹۳.

— فامیل غفاری کاشان و تکامل تدریجی نقاشی ایرانی در ۱۵۰ ساله اخیر. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۲، سال ۱۹۶۲، ص ۱۹۸ تا ۲۰۳.

— درباره چند نقاشی ایرانی دوره زندیه و قاجاریه که در موزه ملی هنر مصور در تفلیس گرجستان نگهداری می‌شود. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۲، سال ۱۹۶۲، ص ۲۰۳ تا ۲۰۹.

— درباره یک تفسیر غیرقانونی (تفسیر به رأی) افغانی از قرآن مجید، سوره بقره، آیه ۳۰ تا ۳۴ و سوره اعراف آیه ۱۱ تا ۱۸.

— حکومت اصلاح کشاورزی و مخالفت در ایران. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۴۲، سال ۱۹۶۲، ص ۷۳۱ تا ۸۰۱.

— کفر مسلمانی در برداشتهای اسرارآمیز تاریخی و مذهبی

چاپ شده در مجله «دروس و مواد تاریخ مذاهب» شماره ۳۳، سال ۱۹۶۲، ص ۶۳ تا ۹۷.

— دائرةالمعارف روسی و احساسات مذهبی. چاپ شده در مجله «نووی

- ارکومنتی»، ش ۶۰-۵۹، سال ۶۳-۱۹۶۲.
- صفویه. چاپ شده در دائرةالمعارف جهانی هنر. جلد ۱۲ چاپ ونیز و رم، سال ۱۹۶۴، ص ۱۳۱ تا ۱۴۲.
- ترجمه کتاب «یادداشت‌های سفر به هند، ژاپن و یونان». از روسی به ایتالیائی. ۱۷۴ صفحه، چاپ شده در شهر باری ۱۹۶۴.
- ترجمه کتاب «صفت‌نامه درویش محمد خان غازی. اخبار یک جهاد اسلامی علیه کافرهای لقمان در سال ۱۵۸۲ میلادی». از زبان فارسی کابلی به ایتالیائی، با یک مقدمه و فهرست اسامی. چاپ رم، ایزمئو، سری شرقی، شماره ۳۲، سال ۱۹۶۵، تعداد صفحات، ۲۱۲.
- درباره مذهب زابل. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۵، سال ۱۹۶۵.
- دو یادداشت درباره خوارج سیستان. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۵، سال ۱۹۶۵، ص ۳۰۳ تا ۳۰۴.
- یک مسئله گمراه کننده: متن تاریخ سیستان. (مقاله به زبان انگلیسی) چاپ شده در مجله «شرق و غرب» شماره ۱۵، سال ۱۹۶۵، ص ۲۷۷ تا ۲۸۰.
- نگاهی به شعر تاجیکی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۴۵، سال ۱۹۶۵، ص ۲۴۴ تا ۲۷۲.
- فردوسی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها لموزه، شماره ۸۹، ژوئیه ۱۹۶۵.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، (لموزه)، شماره ۱۰۷، دسامبر ۱۹۶۵. ص ۴۶۰ تا ۴۶۱.
- باز هم درباره «زنبیل» (چغازنبیل). چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۰۱ تا ۲۰۵.
- درباره آخرین مرحله «اسلامی شدن» بامیان. چاپ شده در سالنامه دانشگاه

- شرقی ناپل. شماره ۱۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۷۹ تا ۲۸۱.
- پیرامون دو اسم خاص زابلی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل. شماره ۱۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۸۳ تا ۲۸۵.
- انتشار و چاپ یک سند قانونی ایرانی از بامیان. چاپ شده در مجله «شرق و غرب» (به زبان انگلیسی) شماره ۱۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۹۰ تا ۲۹۵.
- شاعران و نثرنویسان جدید افغانی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۴۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۴۵ تا ۲۶۷.
- ایران در خلال جنگ جهانی دوم، مواد و مدارک. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۴۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۶۹ تا ۳۴۳.
- سبک هندی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها «لموزه». شماره ۱۱۴، ژانویه ۱۹۶۶.
- سبک عراقی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها «لموزه»، شماره ۱۱۷، فوریه ۱۹۶۶، ص ۱۷۱ تا ۱۷۲.
- سبک خراسانی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها «لموزه»، شماره ۱۲۰، مارس ۱۹۶۶، ص ۲۶۴.
- مثنوی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، شماره ۱۴۴، سپتامبر ۱۹۶۶، ص ۳۲۸.
- میرزا آقا تبریزی، سه کمدی. ترجمه از فارسی به ایتالیائی، ۱۰۹ صفحه، چاپ رم، سال ۱۹۶۷.
- یک سند فارسی از قرن یازدهم میلادی و قراردادهای ارث بین همسران در ایران قرون وسطی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۷، سال ۱۹۶۷، ص ۱۲۱ تا ۱۳۵.
- شاپور و خورآباد. دو مسئله تفسیر متن تاریخ سیستان. چاپ شده در سالنامه

دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۷، سال ۱۹۶۷، ص ۱۶۹ تا ۱۷۳.

— مقاله دربارهٔ یک دستخط ایرانی، که زیر نام «اجرتون» و با شماره ۱۱۰۴، در بریتیش میوزیوم موجود است و به اضافه، مطالب دیگری که به «صفت‌نامه» افزوده است. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۷، سال ۱۹۶۷، ص ۲۲۷ تا ۲۵۰.

— یادداشتی درباره بیت ۲۰۷۵ از گرشاسب‌نامه چاپ «هوارت» ص ۱۵۰. چاپ شده در سالنامهٔ دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۷، سال ۱۹۶۷، ص ۱۳۵ تا ۲۶۷.

— ملکم خان (۱۸۳۳-۱۹۰۸) و تولد تانزمدردن ایرانی. چاپ شده در مجلهٔ «اورینته مدرنو» شماره ۴۷، سال ۲۴۸ تا ۲۶۶.

— زونبیل یا زنبیل؟ چاپ شده در کتاب یادنامهٔ یان ریپکا، چاپ پراگ، سال ۱۹۶۷، ص ۴۱ تا ۴۵.

— عمر خیام. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، شماره ۱۶۸، فوریه ۱۹۷۶، ص ۳۶۶ تا ۳۶۷.

— قصیده. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، شماره ۱۹۲، اوت ۱۹۶۷، ص ۴۱۸ تا ۴۱۹.

— رباعی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، شماره ۲۰۷، دسامبر ۱۹۶۷، ص ۲۶۷.

— رومی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، دسامبر ۱۹۶۷، ص ۲۸۲ تا ۲۸۳.

— سعدی. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، شماره ۲۰۹، دسامبر ۱۹۶۷، ص ۶۷.

— یک قصیدهٔ عرفانی کوتاه ایرانی - افغانی، مربوط به قرن ۱۷. چاپ شده در

- سالنامه دانشگاه شرقی ناپل. شماره ۱۸، سال ۱۹۶۸، ص ۲۷ تا ۳۸.
- رابطه بین حماسه ایرانی و حماسه اسلاوی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل. شماره ۱۸، سال ۱۹۶۸، ص ۸۵ تا ۸۸.
- تفسیر بر «بازی با کلمات» نظامی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۸، سال ۱۹۶۸، ص ۲۰۷ تا ۲۱۳.
- یک سند ایرانی مربوط به ۹۴۶-۱۵۳۹ موجود در بایگانی ملی ونیز. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۸، سال ۱۹۶۸، صفحه ۳۳۸ تا ۳۴۲.
- حماسه ایرانی و نقاط مشترک آن با حماسه توداتی. ملاحظات دربارۀ ترکهای زابلی و افسانۀ افراسیاب: آلپ ارتونقا. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، ۱۸ سال ۱۹۶۸، ص ۳۹۱ تا ۴۲۴.
- صوفیگری. چاپ شده در دائرةالمعارف هنرها، لموزه، شماره ۲۳۲، می ۱۹۶۸، ص ۳۴۵ تا ۳۴۶.
- کتاب ادبیات فارسی. چاپ شده در تاریخ ادبیات شرق، جلد دوم، چاپ میلان، ۱۹۶۹، ص ۲۴۳ تا ۴۵۲.
- ادبیات ترکها. چاپ شده در تاریخ ادبیات شرق، جلد دوم، چاپ میلان، سال ۱۹۶۹، ص ۴۵۳ تا ۵۷۹.
- معرفی کتاب «گزارش ایران در سال ۱۵۴۲»، نوشته «میکله ممبره» این کتاب خطی که اکنون چاپ شده در بایگانی ملی ونیز نگهداری می‌شد، توسط جورجو کاردونا در سال ۱۹۶۹، در دانشگاه شرقی ناپل به چاپ رسید. در این کتاب علاوه بر معرفی ۷۰ صفحه‌ای که بوسیله استاد جان روبرتو اسکارچیا نوشته شده، مطالبی نیز توسط استاد فرانچسکو کاسترو و استاد آنجلو میکله پیه موتسه اضافه شده است. این مطالب مربوط به پانزده سال اول سلطنت شاه

طهماسب صفوی می‌باشد.

— سمند و خنگ. چاپ در سالنامه دانشگاه کافوسکاری. سری، شرقی، شماره ۱، سال ۱۹۷۰، ص ۳۹ تا ۵۰.

— ونیز و ایران، از اوزن حسن تا طهماسب (۱۴۵۴-۱۵۷۲). چاپ شده در مجله ایل ولترو، شماره ۱۴، سال ۱۹۷۰، ص ۶۱ تا ۷۶.

— یادداشتهای موشا شاه. چاپ شده در کتاب کنگره بین‌المللی ایران در قرون وسطی (رم) ۳/ مارس تا ۵ آوریل (۱۹۷۰)، به کوشش آکادمی ملی لینچئی، سال ۱۹۷۱، ص ۶۳۳ تا ۶۳۷.

— ترجمه اشعار فارسی به ایتالیائی. اشعار ترجمه شده در ده جلد کتاب «تاریخ ادبیات فارسی» نوشته پیه مونتسه، در سال ۱۹۷۰ در میلان به چاپ رسیده است.

— تاریخ ادبیات ترکی. چاپ میلان، سال ۱۹۷۱، تعداد صفحات ۱۷۲.
— مطالبی درباره مسجد خرابه دماوند. چاپ شده در سالنامه دانشگاه فوسکاری ونیز سری شرقی شماره ۲، سال ۱۹۷۱، ص ۱۳۵ تا ۱۳۷.

— شیوه استنباط احکام نزد شیعه امامیه (مستقیم و غیرمستقیم). چاپ شده در کتاب «بزرگداشت ادواردو ولترا» ج ۶، ص ۲۷۵ تا ۲۸۲، چاپ میلان، سال ۱۹۷۱.

— حبیب‌الله خان. چاپ شده در دائرةالمعارف اسلام، چاپ جدید، جلد سوم، لیدن پاریس، سال ۱۹۷۱، ص ۱۳ تا ۱۴.

— الحرالعالمی. چاپ شده در دائرةالمعارف اسلام، جلد سوم، چاپ لیدن پاریس، سال ۱۹۷۱، ص ۶۰۸ تا ۶۰۹.

— اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در ایتالیا. (قسمت اول درباره بوزانی، قسمت دوم درباره پیه مونتسه). چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره

- ۳، سال ۱۹۷۲، ص ۱۴۷ تا ۱۵۳.
- دوره جدید کلاسیک آذری «سان تادنو» و «اسحاق پاشا». چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۳، سال ۱۹۷۲، ص ۱۶۷ تا ۱۷۲.
- اشعار خوشحال خان. چاپ شده در مجله ایل ولترو، شماره ۱۶، سال ۱۹۷۲، ص ۴۶۵ تا ۴۷۳.
- شعر عاشقانه ترکی و فارسی. چاپ «نوارا» سال ۱۹۷۳، تعداد صفحات ۳۴۲. (با همکاری آنجلو میکله پیه مونته)
- مسجد سنگی لروند. (به زبان انگلیسی). چاپ شده در مجله «شرق و غرب»، شماره ۲۳، سال ۱۹۷۳، ص ۸۹ تا ۱۰۸. (با همکاری مائوریتزیو تاردی)
- کوه خواجه. شکل امروزی مهدویت ایرانی قدیم. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۵۳، سال ۱۹۷۳، ص ۷۵۵ تا ۷۴۶.
- شعر فارسی در ۲۰ ساله اخیر. چاپ شده در کتاب ادبیات امروز مردم مسلمان توسط آکادمی ملی لینچتی، سال ۱۹۷۴، ص ۴ تا ۲۱.
- ده غزل از صائب — برای فرانچسکو گابریلی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۵۴، سال ۱۹۷۴، ص ۱۶۳ تا ۱۶۷.
- کار تحریر فرهنگ بزرگ فارسی ایتالیائی، با همکاری سایر اساتید فارسی. (هنوز چاپ نشده است). این مقاله در مجله «دروس شرقی»، شماره ۴۸، سال ۱۹۷۴، از ص ۲۰۵ تا ۲۴۲ چاپ شده است.
- چمبرلیتاش، مونو دندرون، صنوبر. چاپ شده در کتاب «گورو راجا مانجاریکا» به مناسبت بزرگداشت «جوزپه توچی» ج ۱، ص ۳۰۵ تا ۳۱۱، بوسیله دانشگاه شرقی ناپل، سال ۱۹۷۴.
- به یاد ماریا نلینو.
- چاپ شده سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۶، سال ۱۹۷۵، ۳۰

صفحه.

— ترجمه «کتاب عشق» از خوارزمی

چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۶، سال ۱۹۷۵، ص ۳۲۷ تا ۳۴۸.

— ویحار قونقور - اولونگ. اولین گزارش (به زبان انگلیسی)

چاپ شده در مجله «شرق و غرب»، شماره ۲۵، سال ۱۹۷۵، ص ۹۹ تا ۱۰۴ با ۱۹ عکس.

— تخریب اخبار اساطیر در نظامی. چاپ شده در کتاب کنگره بزرگداشت نظامی و افسانه ایرانی اسکندر ذوالقرنین در ۲۵ و ۲۶ مارس ۱۹۷۵. به کوشش آکادمی ملی لینچئی

— گلشن راز قدیم. چاپ شده در تاب گلشن راز با همکاری ریکاردو زیپولی، چاپ میلان، سال ۱۹۷۶، ص ۵۰ صفحه با ۲۰ عکس.

— دورنمای حافظ. چاپ شده در کتاب کنگره بین‌المللی درباره شعر حافظ ۳۰ و ۳۱ مارس ۱۹۷۶/م، توسط آکادمی ملی لینچئی، ص ۱۱۱ تا ۱۳۸.

— سکه با نام و شعار «عبدالرحمن پژواک». چاپ شده در سالنامه کافوسکاری سری شرقی، شماره ۸، سال ۱۹۷۷، صفحه ۶۷ تا ۸۶.

— اسلام غیر عربی. چاپ شده در مجله «پروبلمی دی اولیس»، ژوئن ۱۹۷۷، ص ۴۲ تا ۵۰.

— سبک کلاسیک فارسی. چاپ مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا. ۱۹۷۷. تعداد صفحات ۳۴.

— گسترش ادبیات فارسی در دوره صفوی. چاپ مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا، سال ۱۹۷۷، ۱۸ صفحه.

— قلعه و فصول، چهار مقاله درباره دورنمای ایرانی. چاپ شده در کتاب دروس

- ایرانی، توسط مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا، ص ۱۷۳ تا ۱۷۸.
- ابلیس در شعر عطار. چاپ شده در کتاب کنگره بزرگداشت فریدالدین عطار، شاعر عرفانی: ۲۴ و ۲۵ مارس ۱۹۷۷، توسط آکادمی ملی لینچئی، صفحه ۲۱ تا ۳۶.
- ملاحظاتی درباره هنر نقاشی مذهبی و سمبولیک، (فرشتگان و اژدهاها، در سر طاقهای کاروانسرای گنجعلی خان در کرمان). چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۵۸، سال ۱۹۷۸، ص ۳۸۷ تا ۳۹۱.
- ترجمه بعضی از اشعار سنائی. چاپ شده در مقاله ریکاردو زیپولی به نام «سنائی شاعر قبل از دوره کلاسیک ایرانی» که این مقاله در کتاب «کنگره بزرگداشت سنائی شاعر عرفانی» ۲۹ و ۳۰ مارس به چاپ رسیده است.
- در مرگ «طبس» و «بومباچی» و «پهلوی» و «مصاحبان» و دیگران. چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۱۹، سال ۱۹۷۹، ص ۱ تا ۱۸.
- یک کنفرانس درباره فردوسی. چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۹۰، سال ۱۹۷۹، ص ۱۶۵ تا ۱۶۶.
- انتقادی سازنده و مسئله «اضافه»: تبصره بر یک نقد. چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، سری شرقی، شماره ۱۰، سال ۱۹۷۹، ص ۱۹۹ تا ۲۰۲.
- گریبایدف و تخیل. یادداشت یک سفر در سال ۱۹۶۲. چاپ شده در کتاب برخورد میان غرب و شرق، چاپ ونیز، سال ۱۹۷۹، ص ۲۶ تا ۵۷.
- زروانیسم دامنه قفقاز. چاپ شده در کتاب «زروان و محمد ص» توسط سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، ۱۹۷۹، ص ۱۵ تا ۳۱.
- تاول و ماه. چاپ شده در کتاب درسهای درباره خزان توسط سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۷۹، ص ۷۱ تا ۲۱.
- معرفی «شیمبار» یادداشت درباره هرکول ایرانی. چاپ شده در مجله

- «اورینس انتیکوس»، شماره ۱۸، سال ۱۹۷۹، ص ۲۵۵ تا ۲۷۵.
- میرزا شفیع واقعی. چاپ شده در مجله «ایل ولترو» شماره ۲۳، سال ۱۹۷۹، ص ۳۵۳ تا ۳۶۱.
- ترجمه اشعار جرج صیداح و فدوا توکان. چاپ شده در کتاب برای یک فلسطینی، چاپ میلان، ۱۹۷۹، ص ۱۸۵ تا ۱۸۷ و ۲۰۱ تا ۲۰۲.
- بستم و نژاد اژدها. چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۸۰، ص ۸۲ تا ۱۰۷.
- شهر آشوب و ایده‌السم افلاطونی. چاپ شده در کتاب «مسائل دوره تیموری» توسط سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، ۱۹۸۰، ص ۱ تا ۱۵.
- مقدمه در سه قسمت به کتاب «تهران - کابل» یک افسانه از دو شهر. چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۸۰، ص ۵ تا ۲۸.
- برای تفریح یا برای درد زایمان ایرانی: هر چه می‌بینی نقد کن و بفرست. ص ۱۴۸ تا ۱۴۹.
- درباره کاروانسرای گنجعلی خان در کرمان. چاپ شده در کتاب درسها و تعمیرات معماری ایتالیا و ایران توسط ایزمئو و مؤسسه فرهنگی ایتالیا در تهران، سال ۱۹۸۰، ص ۵۷ تا ۸۲.
- تابش آفتاب شرق. چاپ شده در گاهنامه «رینا شیتا» شماره ۲۵، ۲۰ ژوئن ۱۹۸۰، ص ۲۴ تا ۲۵.
- کابل برای آزمایش. یادداشتهای یک سفر پائیزی بین «کوسود» و «کشمیر». چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۸۱، تعداد صفحات ۱۶.
- زور آباد. چاپ شده در کتاب «کوله بار شیخ» چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۸۱، ص ۱۰۳ تا ۱۰۷.
- حومه عثمانی و تزئینات غیرمذهبی: مسجد شارنا در «تنور» و مسجد

- پاپراکلی در ساموکوف. چاپ شده در کتاب جهان اسلامی بین تبادلات و امت فرهنگی، چاپ دانشگاه رم، سال ۱۹۸۷، ص ۱۲۸ تا ۱۳۸.
- اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ شده در کتاب کنگره تولد دوباره اسلام در ایران، ۲۷ ژانویه ۱۹۸۱، چاپ مؤسسه ایتالیائی برای آسیا، رم ۱۹۸۱، ص ۱۵ تا ۲۸.
- شهر آشوبان آسودگی شهر (لسانی شیرازی). چاپ شده در مجله «اینفر مادی پارولا» شماره ۲، رجو امیلیا، ژوئیه ۱۹۸۱، ص ۵۴ تا ۱۰۷.
- مغولها و ایران: موقعیت مذهبی. چاپ شده در کتاب «مارکو پولو، ونیز و شرق» چاپ میلان، سال ۱۹۸۱، ص ۱۵۹ تا ۱۷۲.
- نقد بر کتاب «اسلام» نوشته «فدریکو پیرونه» چاپ برشا ۱۹۸۱. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۶۱، سال ۱۹۸۱، ص ۱۳۰ تا ۱۳۱.
- ونیز و اسلام. چاپ شده در کتاب معماری در کشورهای اسلامی. چاپ ونیز، سال ۱۹۸۲، ص ۳۶.
- هرکول و اسکندر. چاپ شده در کتاب «مذاهب و تمدن»، چاپ رم، سال ۱۹۸۲، ص ۵۳۹ تا ۵۴۶.
- باز هم درباره میرزا شفیع. چاپ شده در کتاب درسهای ترک‌شناسی. چاپ دانشگاه شرقی ناپل، سال ۱۹۸۲، ص ۴۸۱ تا ۴۵۸.
- تا ناکجا. ترجمه اشعار علی موسوی گرمارودی. چاپ تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا.
- تبعیدیهای افغانی. چاپ شده در روزنامه اینتر استامپا، فوریه ۱۹۸۳.
- چند اعتراف کوتاه به اشتباهات حرفه‌ای - به اضافه نکاتی دیگر. چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز، سال ۱۹۸۳، ص ۵۱ تا ۸۱.
- ایاستروف برباد در سیرالعباد سنائی. مقاله خوانده شده در سمینار بین‌المللی

در باره سنائی. کابل ۱۷ تا ۲۳ اکتبر ۱۹۷۷.

- معراج رستم. چاپ شده در مجله «اکتا اوریتتالیا اونگریکا»
- لیلی و مجنون. چاپ شده در مجله «اینفور مادی پاروله» شماره دوره سبک هندی ایران
- ترجمه کتاب میرزا بدیل. چاپ شده در مجله «اینفور مادی پارولا» شماره دوره سبک هندی ایران
- خوشحال خان ختگ. ترجمه دو شعر. چاپ شده در مجله «اینفور مادی پارولا» شماره دوره سبک هندی ایران
- خان کابل. چاپ شده در مجله «اینفور مادی پاروله» شماره دوره سبک هندی ایران.
- یک تفسیر از امام خمینی. چاپ شده در کتاب «یادواره اومبرتو ریتسیتانو» چاپ پالرمو
- دو وزنه و چهار اندازه. چاپ شده در کتاب «یادواره پائولو مینکانتی» چاپ کالیری ساردنیا
- از یک توازن ناقص: حرف اضافه در کردی و فارسی جدید. چاپ سمینار ایرانی دانشگاه ونیز.
- فهرست اسامی شاعرانی ایرانی، افغانی و تاجیک که استاد اسکارچیا منتخب اشعار ایشان را به زبان ایتالیائی ترجمه کرده است.

الف: شاعران فارسی زبان

- | | |
|-------------|---------------|
| ۱ - ابوسعید | ۴ - اسدی طوسی |
| ۲ - عینی | ۵ - شیخ عطار |
| ۳ - انوری | ۶ - ازرقی |

- | | |
|---------------------------|---------------------------|
| ۷ - باباطاهر | ۳۰ - جواهری |
| ۸ - بسمل محمد (افغانی) | ۳۱ - کمال اصفهانی |
| ۹ - بی‌دل (بیدل) | ۳۲ - کمال خجندی |
| ۱۰ - دانش احمد (تاجیک) | ۳۳ - خلیل |
| ۱۱ - دقیقی | ۳۴ - خانلری |
| ۱۲ - دهخدا | ۳۵ - خاقانی |
| ۱۳ - دهرزان محمد (افغانی) | ۳۶ - خیام |
| ۱۴ - فرانی | ۳۷ - خوشحال خان |
| ۱۵ - فرخی سیستانی | ۳۸ - خوئی |
| ۱۶ - فروغ فرخزاد | ۳۹ - لاهوتی |
| ۱۷ - فردوسی | ۴۰ - لسانی شیرازی |
| ۱۸ - فروغی بسطامی | ۴۱ - منوچهری |
| ۱۹ - غالب | ۴۲ - مسعود سعد سلمان |
| ۲۰ - فخرالدین اسعدگرگانی | ۴۳ - میرزاخان انصاری |
| ۲۱ - حافظ | ۴۴ - میرزایف غفار (تاجیک) |
| ۲۲ - هشرودی | ۴۵ - محتشم کاشانی |
| ۲۳ - هاتف اصفهانی | ۴۶ - مشفقی |
| ۲۴ - هلالی جغتائی | ۴۷ - مشیری |
| ۲۵ - حسین‌زاده | ۴۸ - نجفعلی نباتی |
| ۲۶ - ابراهیم محمد | ۴۹ - نادر نادرپور |
| ۲۷ - عراقی | ۵۰ - محمد حیدرنیسان |
| ۲۸ - میرزاده عشقی | ۵۱ - ناصر خسرو |
| ۲۹ - جامی | ۵۲ - نظامی گنجوی |

- ۵۳- نیما یوشیج
۵۴- غلام احمد نوید
۵۵- پژواک
۵۶- قانّی
۵۷- قیوم اف
۵۸- ضیاء قاریزاده
۵۹- قاسمعلی
۶۰- رحیمزاده
۶۱- رودکی
۶۲- جلالالدین رومی
۶۳- سعدی
۶۴- صائب
۶۵- سعید حامد
۶۶- سنائی
۶۷- سوداء
۶۸- سایه جمال
۶۹- سعیدا
۷۰- شهریار
۷۱- شاهین
۷۲- سلیمانی
۷۳- طبری
۷۴- توللی
۷۵- میرزا ترسونزاده
۷۶- عنصری
۷۷- ولیزاده
۷۸- وصال شیرازی
۷۹- واصفی
۸۰- یاسمی

(ب) شاعران ترک زبان

- | | |
|------------------------|---------------------------|
| ۱ - حمید عبدالحق | ۲۳ - سیفی کوداش |
| ۲ - ابوگویچ محمود پاشا | ۲۴ - مختوم قلی |
| ۳ - ناهیت اولوی آغ‌گون | ۲۵ - مسیحی |
| ۴ - حامد علم جان | ۲۶ - میرزا شفیع |
| ۵ - عطائی | ۲۷ - ملانپس |
| ۶ - باقی | ۲۸ - مقیمی |
| ۷ - جان سور | ۲۹ - نسیمی |
| ۸ - ادیل‌بوغلو | ۳۰ - نوائی |
| ۹ - اریکیف | ۳۱ - نیکیفیور پافلونسکی |
| ۱۰ - فضلی | ۳۲ - رب غوزی |
| ۱۱ - فورکات | ۳۳ - صابر |
| ۱۲ - فضولی | ۳۴ - توکتو غول ساتیلغونوف |
| ۱۳ - گیرائی غازی | ۳۵ - واکل |
| ۱۴ - حالت چلبی | ۳۶ - یونس امره |
| ۱۵ - فیضی حاليجی | |
| ۱۶ - ناظم حکمت | |
| ۱۷ - اسماعیل | |
| ۱۸ - جعفر جبلی | |
| ۱۹ - کمینه | |
| ۲۰ - اورهان ولی کاتک | |
| ۲۱ - خوارزمی | |
| ۲۲ - قاسم کولیف | |

□ جوانی درمه

تولد: ۱۲ فوریه ۱۹۳۵ در دهکده «کوری» از توابع شهر «لاتینا»
 آقای درمه درسهای زبان و فرهنگ ایران را در مؤسسه «ایزمو» آموخت و در سال ۱۹۵۷ در رشته زبان فارسی و ایران‌شناسی از این مؤسسه دیپلم گرفت.
 وی در سال تحصیلی ۵۹-۱۹۵۸ برنده یک بورس تحصیلی به مدت یک سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در آنجا به تکمیل آموزش زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و زبان پهلوی را فراگرفت. در همین مدت، با راهنمایی سعید نفیسی به آموختن تاریخ جدید ایران همت گماشت.

درمه در سال ۱۹۶۳ در رشته «علوم سیاسی» فارغ‌التحصیل شد. در سال تحصیلی ۶۵-۱۹۶۴ دوره تخصصی «روش توسعه اقتصادی مناطق فقیر» را در مؤسسه «توسعه نيمروز» در رم به پایان برد. این دوره تخصصی به فهم بهتر مسائل اقتصادی در زمینه جمع‌آوری سرمایه در ایران قرون وسطی به وی کمک کرد.

درمه پس از آن به مدت چهار سال از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹ در مؤسسه «چرس» (مرکز تحقیقات و مطالعات اقتصادی) در رم کار کرد.

از سال ۱۹۶۹ مطالعات ایرانی را شروع کرد و در امتحان استادیاری زبان و ادبیات خارجی دانشگاه ونیز قبول شد و در آنجا در سال ۱۹۷۲ لهجه‌های ایرانی، بخصوص لهجه کردی را تدریس کرد. او از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ استادی زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه «بولونیا» و دانشگاه شرقی ناپل را عهده‌دار بود و در همین سالها با گروه نویسندگان لغتنامه بزرگ فارسی ایتالیائی همکاری می‌کرد.

جوانی درمه در سال ۸۱-۱۹۸۰ در امتحان استادی قبول شد و سمت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه شرقی را بدست

آورد و بالاخره در سال ۱۹۸۴ به آخرین درجه استادی نائل آمد.
استاد جوانی درمه علاوه بر مسافرتها زیادی که به ایران داشته، برای مطالعه هنر و تاریخ و زبان و ادبیات ایرانی، به افغانستان، ترکیه، ازبکستان و تاجیکستان نیز سفر کرده است.

آثار:

- «رماله وتکو» دیپلمات و مستشرق اهل ساردینا، چاپ شده در سالنامه «کافوسکاری» و نیز، سری شرقی، شماره یک، سال ۱۹۷۰، ص ۱۰۷ تا ۱۲۲.
- انتقاد به ذبیح سپهر برای کتاب «جنبش کمونیست در ایران»، چاپ برکلی لوس آنجلس ۱۹۶۶، این مقاله در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل شماره ۲۰ سال ۱۹۷۰، ص ۴۲۱ تا ۴۲۴.
- احزاب سیاسی در ایران از ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۴، چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۵۱، سال ۱۹۷۱، ص ۲۱۳ تا ۲۳۵.
- پسوند «آنه» فارسی جدید که بوجود آورنده صفتهای کیفی می‌باشد، چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۲۱، سال ۱۹۷۱، ص ۴۰۸ تا ۴۱۳.
- مقاله‌ای درباره فرهنگ فارسی ایتالیائی، چاپ شده در سالنامه «کافوسکاری» و نیز، سری شرقی، شماره ۳، سال ۱۹۷۳، ص ۱۸۵ تا ۱۸۹.
- کار تحریر فرهنگ لغت فارسی ایتالیائی. چاپ شده در مجله «دروس شرقی»، شماره ۴۸، سال ۱۹۷۴-۱۹۷۳، ص ۲۰۵ تا ۲۴۲. (با همکاری پیه مونته، اسکارچیا، ورچلین).
- پیشنهادی برای یک روش همزمان، آوانویسی و حروف‌نویسی، برای زبان‌هایی که الفبای عربی دارند. چاپ شده در مجله «دروس شرقی»، شماره ۴۸، سال ۱۹۷۳-۱۹۷۴، ص ۲۴۳ تا ۲۴۹.
- ریشه پسوندهای فعلی فارسی جدید، کار کارگر، به مناسبت بزرگداشت استاد

«جوزپه توچی» چاپ ناپل، ۱۹۷۴.

— جملات فعلی (افعال مرکب) و اصطلاحات فعلی در فارسی نو، چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو»، شماره ۵۴، سال ۱۹۷۴، ص ۲۲۶ تا ۲۳۵.

— دستور زبان فارسی جدید، چاپ دانشگاه شرقی ناپل، ۱۹۷۹، تعداد صفحات ۴۰۵.

— درباره فرهنگ لغت فارسی ایتالیائی، چاپ شده در سالنامه کافوسکاری، ونیز، شماره ۳، سال ۱۹۷۲، ص ۱۷۳ تا ۱۸۴.

— ترجمه هجویات عمید زاکانی، چاپ شده در مجله «ایرانیکا»، سال ۱۹۷۹، ص ۱۶۰-۱.

— کنک، ایرانی و «ایسکیا»های ایتالیائی، اثر یک حکایت گمشده در کالابریا. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۲۷، سال ۱۹۷۷، ص ۱۵۳ تا ۱۸۶.

— صور خطی و صوتی در خط قدیم فارسی، چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۴۳، سال ۱۹۸۳، ص ۴۲۹ تا ۴۷۷.

— اسم فعلهای قدیم و فعلهای متعدی در فارسی نوین زیر چاپ است.

❏ خانم والریاپای چنتینی فیورانی

متولد رم سال ۱۹۴۰

فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی سال ۱۹۶۴ دانشگاه رم
دیپلم زبان و ادبیات فارسی از ایزمئو «رم» (۱۹۶۱) / دیپلم فرهنگ اسلامی - عربی از انستیتو مطالعات اسلامی دانشگاه رم سال ۱۹۶۳.

خانم فیورانی از سال ۱۹۷۷ با وزارت امور خارجه ایتالیا به عنوان متخصص در بخش روابط فرهنگی و همکاری با کشورهای در حال توسعه

همکاری دارند.

علاقه ایشان بیشتر به تاریخ و حقوق کشورهای اسلامی و روابط بین آنها با دیگر تمدنها و کشورهای اروپایی است. خانم فیورانی همچنین تحقیقاتی در آرشیوها و کتابخانه‌های تخصصی داشته‌اند و علاوه بر کار بر روی آرشیوهای لندن، پاریس و رم مطالعاتی هم در آرشیوهای کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس، کتابخانه‌های شخصی در تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، عمان، سوریه و پاکستان داشته‌اند. ایشان همچنین تحقیق مفصلی در خصوص منطقه هرمزگان و معادن در ایران انجام داده‌اند و با برخی نشریات و مؤسسات انتشاراتی ایران همکاری دارند.

خانم فیورانی عضویت چند انجمن و مؤسسه علمی و فرهنگی را نیز دارا هستند. برخی از این انجمن‌ها و مؤسسات چنین‌اند:

انجمن تاریخ‌شناسان ایتالیائی، انستیتو شرق‌شناسی (رم)، مرکز روابط ایتالیایی - عربی (رم)، انجمن ایتالیایی (شهر باویا)، انستیتو تاریخ رستاخیز ایتالیایی (رم)، انستیتو لهجه‌شناسی میلان، جامعه جغرافیایی ایتالیایی (رم)، جامعه ایتالیایی برای سازمانهای بین‌المللی (رم)، انستیتو ایتالیایی برای آسیا (رم)، انستیتو بین‌المللی مطالعات قضایی (رم)، اتحادیه ایتالیایی برای مطالعه سیستمهای اقتصادی، سمینار مطالعات عربی، مرکز مطالعات خلیج عربی [فارسی]، انستیتو انگلیسی مطالعات خاورمیانه، آکادمی بلوچستان (کوئته پاکستان) و اتحادیه مطالعات خاورمیانه.

■ ریکاردو زیپولی

آقای زیپولی در پانزدهم اکتبر سال ۱۹۵۲ در شهر پراتو دنیا آمد. ایشان دارنده دیپلم کلاسیک (نوعی دیپلم رایج در ایتالیا که با دیپلم ادبی ایران مطابقت

می‌کند) از دبیرستان چیکوئینی شهر پراتو است. وی پس از آن در ژوئن ۱۹۷۵ با بهترین نمره لیسانس در زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ونیز فارغ‌التحصیل شدند. پایان‌نامه ایشان در مورد *اورغون شاه مغول* بود که سنگ قبر وی را در آذربایجان ایران یافتند. *زیپولی* در سالهای ۵-۱۹۷۴ میلادی موفق به دریافت یک بورس تحصیلی در ایران شد که در پی آن یک دوره تحصیلی ده ماهه را در این کشور گذراند. در این ایام، در منطقه سلطانیه ایران با همکاری هیأتی که مشغول بازسازی آن منطقه بود به فعالیتهای مؤثری دست زد. به دنبال آن، چندین مقاله نیز در نشریات ایران به چاپ رساند.

وی از روی علاقه وافری که به هنرهای نمایشی داشت، در سال ۱۹۷۶ میلادی در رشته سینما وارد شد و در سال ۱۹۷۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته کارگردانی و فیلمبرداری شد و از آن به بعد، فعالیتهای دامنه‌داری بر روی عکسبرداری از مناظر کشور ایران انجام داد که البته بیشتر فعالیتهای ایشان در مناظر طبیعی و آثار ادبی ایران دور می‌زد. در همین ایام، ایشان به عنوان استادیار در دانشگاه ونیز کار تدریس را آغاز کردند و همزمان مسافرت‌های بسیاری به ایران و افغانستان کردند که نتایج آن را در نمایشگاهی از عکس و تصویر ارائه نمودند.

زیپولی در سال ۱۹۷۸ در دانشگاه ونیز به سمت استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی انتخاب شد و در سال ۱۹۸۱ به عنوان محقق در همان رشته مشغول به کار گردید. وی در سال ۱۹۸۲ برنده جایزه «شیر مورب» به خاطر اولین ترجمه کتاب پندها (قابوس‌نامه) شد. *زیپولی* در سال ۱۹۸۴ به عنوان استادیار در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فوسکاری به کار خود ادامه داد. در چند سال اخیر، وی مشغول فراهم آوردن فهرستی می‌باشد که بوسیله آن تاریخچه کتابهایی که در تاریخ ادبیات ایران به چاپ رسیده‌اند، به صورت رایانه‌ای آورده می‌شود. هدف اصلی این کار فراهم آوردن لغتنامه‌ای است که در

آن شیوه و روش شعر فارسی نشان داده شود.

زیپولی همچنین مشغول انتشار یک کتاب با عکسهای رنگی است که در آن با تکیه بر تحقیقات دوازده ساله‌اش، مناظر طبیعی ایران را بررسی کند. این کتاب شامل ۱۲۰ عکس و ۶۰ قطعه شعر از شاعر معاصر ایران، آقای گرمارودی می‌باشد که به دو زبان فارسی و ایتالیایی ترجمه شد. مهمترین کارهایی که آقای زیپولی تاکنون انجام داده، یکی همان ترجمه قابوس‌نامه به زبان ایتالیایی است و دیگر کتابی است درباره استعمال کلمه «داغ» در دواوین فرخی و حافظ و عرفی و کلیم.

فهرست آثار ریکاردو زیپولی

- (۱) مصلای یزد: «یک سوء تفاهم روی عبارات معبد» چاپ شده در مجله سالانه کافوسکاری ۱۹۷۴، ص ۲۰۷-۲۰۵.
- (۲) «چند اثر باستانی در دهکده سجاس زنجان»، چاپ شده در جلد دهم از مجله بررسیهای تاریخی ۱۹۷۵، ص ۱۵۲ تا ۱۰۳.
- (۳) «ترجمه صائب تبریزی»، چاپ شده در مجله سالانه کافوسکاری، جلد ۴۹، سال ۱۹۷۵، ص ۳۹۳ تا ۱۰۳.
- (۴) «کتیبه قلمه رودخان نزدیک فومن»، چاپ شده در مجله آسیایی، شماره ۴۹، سال ۱۹۷۵، ص ۶۶-۶۳.
- (۵) «چهل ستون مالویران»، چاپ شده در مجله بررسیهای تاریخی، سال ۱۹۷۶، ص ۹۸-۹۳.
- (۶) «یک حکاکای روی سنگ قبر به خط چిستی مربوط به سال ۹۰۲ هجری قمری»، چاپ شده در مجله دروس آسیایی، سال ۱۹۷۵، ص ۳۳۵-۳۲۹.
- (۷) «گلشن راز جدید در گلشن راز»، چاپ میلان، سال ۱۹۷۶.

- (۸) «*الشدّة بعدالفرج*»، چاپ میلان، سال ۱۹۷۶.
- (۹) «*درباره یک نسخه خطی که در کتابخانه ترولتزیا نا پیدا شده است*»، چاپ شده در مجله کتابها و مدارک، سال ۱۹۷۷، ص ۴۱.
- (۱۰) «*سیاحت فهرج*»، (مطالعاتی در دانش ایرانی)، چاپ شده در درسهای ایرانی، رم سال ۱۹۷۸.
- (۱۱) «*مقبره ارغون*»، به زبان انگلیسی، چاپ تهران - ونیز، سال ۱۹۷۸، ص ۳۷ تا ۱ انگلیسی.
- (۱۲) «*سنایی شاعر والای ایرانی*»، گزارش به زبانهای فارسی - ایتالیایی، چاپ شده به وسیله آکادمی ملی لینچئی، سال ۱۹۷۹ م.
- (۱۳) «*نمادهای ایرانی*»، مقاله‌ای درباره کارهای ایتالو پیتزی، چاپ شده در جلد دوم کتاب «*تلاقی آسیا و اروپا*»، سال ۱۹۷۹، ص ۴۴-۱. (مترجم شاهنامه فردوسی)
- (۱۴) «*شرح بر اولین تفسیر اصطلاح رخنه‌ای بر دیوار*»، از صائب تبریزی، مقاله خوانده شده در کنگره «*نکات زیبا در سبک شعر فارسی دوره صفوی*» در تاریخ سوم ژوئن ۱۹۷۸، چاپ شده در مجله اورینته مدرنو، شماره ۵۸، ص ۳۵۶-۳۴۱.
- (۱۵) «*هفت چهره از ایتالیا در ایران*»، مجله کافوسکاری، سال ۱۹۷۸، دوره آسیایی، ج ۹، ص ۵۶-۵۱.
- (۱۶) «*یک شاهزاده ایرانی*»، چاپ شده در کتاب زروان و محمد، ونیز، سال ۱۹۷۹، ص ۳۷-۳۱.
- (۱۷) «*تاریخ افشاریه*»، از کاظم خان جهانشاه‌لو، چاپ شده در کتاب «*سلطانی دوم*» ونیز، سال ۱۹۷۹، ص ۷۰-۴۴.
- (۱۸) «*مهمان بخارا در مشهد*»، (مهمان نامه)، چاپ شده در کتاب «*سومین کنگره*

بین‌المللی در باره هنر و فرهنگ اسلامی دوره تیموری» ونیز، سال ۱۹۸۰، ص ۴۲-۲۷.

- (۱۹) «قابوس‌نامه»، ترجمه، مقدمه و یادداشتها، ۴۰۶ ص، میلان ۱۹۸۱.
- (۲۰) «بلقان»، چاپ شده در کتاب سلطانی سوم، ونیز، سال ۱۹۸۲، ص ۴۴-۲۹.
- (۲۱) «داغ» (داغ در شعر کلیم کاشانی و عرفی)، چاپ شده در کتاب «برای یازده مارس، به مناسبت تولد استاد اسکارچیا»، ونیز سال ۱۹۸۳، ۴۴۵ ص.
- (۲۲) «نکاتی در مورد کتاب قابوس‌نامه»، برنده جایزه از شهر موتسیلیچه
- (۲۳) «قیدار وارغون»، در کتاب سلطنتی دون، ونیز، سال ۱۹۷۹، ص ۳۵ تا ۱۵.
- (۲۵) «اساطیر در سبک هندی در شعر فارسی»، چاپ رجوامیلیا - سال ۱۹۸۳، صفحات ۸۷ تا ۱۵۱.

(۲۶) «چرا سبک هندی در دنیای غرب سبک باروک خوانده می‌شود؟» تهران، سال ۱۹۸۴، صفحات ۱ تا ۴۷.

(۲۷) «انتشار عکسهای با مشخصات ایرانی».

(الف) «جایی که زرتشت حرف زد». «مجموعه نووارا»، جلد شانزدهم، شهر نووارا، سال ۱۹۷۵، صفحات ۴ تا ۴۴.

(ب) «ایران: یک منظره ساده در میان حوادث وحشی»، «دیافراگم - عکاسی ایتالیایی»، میلان اکتبر سال ۱۹۷۶، صفحات ۲۷ تا ۳۴.

(۲۸) نمایشگاه عکس با مشخصات ایرانی (کارهای تاریخی و ادبی در مناظر ایران)

نمایش کارهای شخصی:

(الف) گلشن راز جدید: ایران - مؤسسه هنرهای معاصر، لندن از ۱۲ تا ۳۰ اکتبر سال ۱۹۷۶.

(ب) گلشن راز: مناظر و اشعار ایران، مرکز تحقیقات و زیبای‌های آسیا (کتابخانه

ترولزینا)، ۲۸ فوریه تا ۱۱ مارس، سال ۱۹۷۷.

(ج) گالری دیافراگم - کانون میلان ۵ تا ۲۳ آوریل سال ۱۹۷۷.

(د) انجمن جورج چینی - ونیز، ماه می سال ۱۹۷۷ (بمناسبت اجلاسیه کنگره سلطانی و اصفهان: مسائل تاریخی و باستانی و هنری ایران در دوره ایلخانی)

(ه) سمینار ایرانی «مجله سالیانه کافوسکاری - ونیز - ۳ ژوئن سال ۱۹۷۸» (نمایش اسلاید در خلال گزارش مبنی بر: شرکت در اولین توصیف رخنه دیوار از صائب تبریزی)

نمایش کارهای دسته جمعی

(و) هنر، نمایشگاه، غرفه «دومین دیافراگم، عکاسی ایتالیا»، بلونیا سال ۱۹۷۷.

(ز) دو سال هنر مدرن، شهر سان پاولو، برزیل سال ۱۹۷۷.

▣ گاردو نیولی

رئیس مؤسسه ایزمئو از سال ۱۹۷۹ (انستیتو ایتالیایی برای خاورمیانه

و خاور دور) (رم) و استاد در دانشگاه رم.

آقای نیولی که متولد سال ۱۹۳۷ می باشد، دارای مطالعاتی در خصوص زبان و ادبیات ایرانی و ادبیات زرتشتی، تاریخ مذاهب ایران قبل از هخامنشیان و ساسانیان است.

او که به کشورهای مختلف آسیایی سفرهایی داشته، هم اکنون یکی از مؤسسان انجمن ایران شناسان اروپایی است. آقای نیولی در حال حاضر عضو شورای مدیران این انجمن و عضو «اتحادیه فرانسوی پیشبرد مطالعات ایرانی» (پاریس)، عضو اتحادیه لندن، عضو کمیته مشاوره ای «دانشنامه ایرانیکا» (نیویورک)، عضو کمیته بین المللی دائرةالمعارف دائمی مطالعات ایرانی (لیژ)،

مدیر مجله ایت اندوست (نشریه مؤسسه ایزمئو) و عضو چندین کمیته و کمیسیون و شورای دیگر در زمینه‌های مطالعاتی و ایران‌شناسی است.

■ انوجنیو گاله‌یری

آقای گاله‌یری متولد ناپل سال ۱۹۲۵ و فارغ‌التحصیل دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه رم به سال ۱۹۵۰ می‌باشد. تخصص ایشان در زمینه باستان‌شناسی است و تاکنون فعالیت‌های باستان‌شناسی در مناطق ایتالیا، لیبی، افغانستان و ایران (شیراز سال ۱۹۷۷) صورت داده‌اند. گاله‌یری عضو آکادمی باستان‌شناسی ایتالیا، عضو شورای علمی مرکز حفاری و تحقیقاتی باستان‌شناسی مؤسسه ایزمئو هستند. وی در کنگره‌های تخصصی در خصوص معماری کشورهای اسلامی و بازسازی و حفظ و نگهداری آثار باستانی در ایتالیا و خارج از ایتالیا هم فعالیت‌هایی داشته است. ایشان دارای بیش از ۶۰ عنوان تحقیق، مقاله و تألیف‌اند که تعدادی از آنها در خصوص ایران می‌باشد.

■ ماریا کریستینا پودیولی

محقق دانشگاه بولونیا

خانم پودیولی متولد شهر بولونیا (۱۹۵۶)، فارغ‌التحصیل در رشته تاریخ از دانشگاه بولونیا (۱۹۸۰/۱۹۸۱) هستند و پایان‌نامه تحصیلی ایشان درباره زبان و ادبیات فارسی است. ایشان در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ تدریس و تحقیق در زمینه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بولونیا را برعهده داشت و در تهیه لغتنامه فارسی - ایتالیایی در سالهای ۱۹ تا ۹۰ همکاری کرده‌اند.

خانم پودیولی چند سالی را نیز در ایران گذرانده‌اند و آثار ارزنده‌ای هم درباره ایران نشر داده‌اند.

□ جوانی کوراتولا

آقای کوراتولا که متولد سال ۱۹۵۳ می‌باشند، در سال ۱۹۷۲ با تحصیل در دانشگاه و نیز در رشته زبان و ادبیات شرقی تحصیلات خود را ادامه داد و پایان‌نامه خود را در موضوع روابط فرهنگی بین آناتولی و ترکیه و خاور دور قرار داد. او برای تکمیل تحقیقات خود سفری به ایران داشت و آثار باستانی فراوانی را مورد مطالعه قرار داد. وی همچنین در سال ۱۹۷۶ برای تکمیل مطالعاتش به ایران بازگشت. پس از آن به سال ۱۹۷۷ بورس تحصیلی از آکادمی ملی لینچی (رم) برای تحقیق در تاریخ هنر را بدست آورد و در همان سال برای یک مأموریت باستان‌شناسی در اصفهان به ایران آمد. سال بعد، ۱۹۷۸، به منظور شرکت در تحقیق درباره شهر سلطانیه که با مشارکت دانشگاه تهران انجام می‌شد، مجدداً در ایران دیده شد. پس از آن وی چند سفر دیگر هم به ایران داشت که یکی از آنها درباره دکوراسیون معماری بود. آقای کوراتولا در سال ۱۹۸۱ برنده یک بورس شرق‌شناسی به مدت ۸ ماه برای تحقیق در انستیتو شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد شد. او در سال ۱۹۸۴ برنده یک بورس تحقیقاتی دیگر شد و در دانشگاه و نیز در بخش مطالعات اروپایی و آسیایی مشغول به تدریس شد. او در همان سال مدیریت موزه ملی بارجلو، دبیر سه کنفرانس بین‌المللی در خصوص تاریخ هنر و تمدن اسلامی را عهده‌دار گشت.

او دارای بیش از ۳۲ عنوان تحقیق و تألیف در زمینه تاریخ هنر و تمدن

اسلامی و شرق و از جمله ایران می‌باشد.

□ رحیم‌رضا

دکتر رحیم رضا که در سال ۱۹۳۷ در ایالت بهار هند متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در یکی از مدارس معروف به نام مدرسه عالی در کلکته به پایان رساند. او دوره لیسانس را در دانشکده اسلامیة مولانا ابوالکلام آزاد کلکته گذراند و دوره فوق لیسانس در رشته‌های تاریخ، زبان و ادبیات فارسی را در سالهای ۶۰-۱۹۵۹ گذراند. او در سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در دانشگاه مشهد مطالعه زبان و ادبیات فارسی را پی گرفت و دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۷ دریافت کرد. او به ایتالیا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۴۷ تدریس زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه ناپل آغاز کرد و همزمان تدریس تاریخ ایران و هند و زبانهای فارسی و اردو را در دانشگاه رم شروع کرد. ایشان در حال حاضر با کمک همسرشان مشغول تهیه فرهنگ فارسی - ایتالیایی می‌باشند.

□ آنجلو میکله پیه مونتسه

ایشان از استادان طراز اول و برجسته زبان و ادبیات فارسی جهان می‌باشند. پروفیسور مونتسه صاحب کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رم است و سالهاست که سمت راینی فرهنگی ایتالیا در ایران را به عهده دارند.

آنجلو میکله پیه مونتسه، در سال ۱۹۴۰ در ایتالیا متولد شد، در سال ۱۹۶۰ به دانشگاه شرق‌شناسی ناپل وارد شد و به تحصیل در رشته زبان و ادبیات و تمدن شرقی پرداخت، پس از چهار سال تحصیل زیر نظر الساندرو

بوزانی در سال ۱۹۶۴ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. در همین سال، مقاله‌ای تحت عنوان تشکیل زورخانه و آئین جوانمردی در بیست صفحه نوشت و در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل به چاپ رساند.

در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷، به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه رم مشغول گشت. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ به خارج سفر کرد و به تدریس زبان و ادبیات و تمدن ایرانی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه استراسبورگ اهتمام ورزید. قبل از انقلاب اسلامی دو سفر علمی و تحقیقی به ایران و افغانستان کرد.

پیه مونتسه از سال ۱۹۸۲ تاکنون ریاست بخش فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه رم را بعهده دارد.

آثار وی:

الف - درباره تأسیس و تشکیل و تاریخ زورخانه در ایران

۱ - تشکیل زورخانه و آئین جوانمردی

چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۴، سال ۱۹۶۴، ص ۴۵۳ تا ۴۷۳.

۲ - افسانه کشتی‌گیر مقدس، پهلوان محمود خوارزمی پوریای ولی، متوفی بسال ۷۲۲ هجری ۱۳۲۲ میلادی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۵، سال ۱۹۶۵، ص ۱۶۷ تا ۲۱۳.

۳ - فصلی درباره پهلوان در کتاب «بدایع الوقایع» واصفی

چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۶، سال ۱۹۶۶، ص ۲۰۷ تا ۲۲۰.

۴ - اصطلاحات جدید در کشتی سنتی ایران. چاپ شده در مجله «اورینته

مدرنو» شماره ۴۵، سال ۱۹۶۵، ص ۷۸۷ تا ۸۰۱.

ب - درباره تاریخ روابط دیپلماسی و فرهنگی بین ایران و ایتالیا در دوره قاجاریه (اسناد و مدارک چاپ نشده)

۱ - روابط بین ایران و ایتالیا در قرن ۱۹. قراردادهای ۱۸۵۷ و ۱۸۶۲. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۴۸، سال ۱۹۶۹، ص ۵۶۶ تا ۵۳۷.

۲ - روابط بین ایران و ایتالیا در قرن نوزدهم. مکاتبات شاهی. چاپ شده در مجله «اورینته مدرنو» شماره ۴۹، سال ۱۹۶۹، ص ۱ تا ۲۰.

۳ - نقشه روابط ایران و ایتالیا در قرن نوزدهم

چاپ شده در مجله «ایل ولترو»، شماره ۱۴، سال ۱۹۷۰، ص ۷۷ تا ۸۵.

۴ - شرح ایتالیا از زبان مسافران ایرانی در قرن نوزدهم. چاپ شده در سالنامه دانشگاه فوسکاری ونیز، شماره ۱، سال ۱۹۷۰، ص ۶۳ تا ۱۰۶.

۵ - آلبوم عکس مأمورین دیپلماسی ایتالیا در ایران (تابستان ۱۸۶۲). چاپ شده در مجله شرق و غرب، شماره ۲۲، سال ۱۹۷۲، ص ۲۴۹ تا ۳۱۱.

۶ - افسران ایتالیائی در خدمت ایران در قرن ۱۹.

چاپ شده در کتاب گاریبالدی ماتزینی و رنسانس در بیداری آسیا و آفریقا تألیف جی برساوپ. بشونید برکیوی. چاپ میلان، ۱۹۸۴، ص ۶۵ تا ۱۳۰.

ج) درباره صور تاریخی حقوقی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجاریه

۱ - نمایش تعزیه در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) از نظر نویسنده ایرانی عبدالله مستوفی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۳، سال ۱۹۶۳، ص ۳۰۳ تا ۳۰۹.

۲ - برای یک بیوگرافی از میرزا ملکم خان (اسناد و مدارک). چاپ شده در

- سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۱۹، سال ۱۹۹۹، ص ۳۶۱ تا ۳۸۵.
- ۳ - یک مأخذ ایتالیائی برای تاریخ ایران در دوره قاجاریه: گزارشهای ژنرال *انریکو اندرئینی* (۱۸۷۱-۱۸۸۶). چاپ شده در مجله شرق و غرب، شماره ۱۹، سال ۱۹۶۹، ص ۱۴۵ تا ۱۷۹.
- ۴ - اساستامه‌های فرق سلحشوری در ایران دروۀ قاجاری. چاپ شده در مجله شرق و غرب، شماره ۱۹، سال ۱۹۶۹، ص ۴۳۱ تا ۴۷۳.
- ۵ - شاعر مسکین و نشانی که *پاپ پیونهم* به امام جمعه اصفهان داد. چاپ شده در مجله «مطالعات شرقی»، شماره ۴۷، سال ۱۹۷۲، ص ۸۱ تا ۹۵.
- ۶ - مسائل آسیای مرکزی از نظر ژنرال *انریکو اندرئینی* (۱۸۷۲-۱۸۸۶). چاپ شده در مجله «ایل ولترو»، شماره ۱۶، سال ۱۹۷۲، ص ۴۷۵ تا ۵۳۰.
- ۷ - سازماندهی و بازسازی سپاه ایران در سالهای ۱۸۷۴-۱۸۷۵ از نظر ژنرال *انریکو اندرئینی*. چاپ شده در مجله استودی اورینتالی، شماره ۴۹، سال ۱۹۷۵، ص ۷۱ تا ۱۱۷.

(د) کتابها و مقالات درباره تاریخ ادبیات ایران و ترجمه متون

- ۱ - کتاب تاریخ ادبیات ایران دو جلد. چاپ میلان ۱۹۷۰.
- ۲ - شعر عاشقانه فارسی و ترکی (با همکاری استاد *اسکارچیا*) چاپ نوارا ۱۹۷۳.
- ۳ - زیبایی و دل در شعر فتاحی. چاپ شده در یادنامه *جوزپه توجی*، چاپ ناپل، ج ۱۰، ص ۲۸۱ تا ۳۰۳.
- ۴ - جادو و اسطوره در رمان ایرانی. چاپ شده در کتاب دروس تاریخ مذاهب، چاپ رم ۱۹۷۶، ص ۱۵۷ تا ۱۷۷.
- ۵ - یک ترجمه فارسی از *معراج*. چاپ شده در مجله اورینته مدرنو، شماره ۶۰،

سال ۱۹۷۰، ص ۲۲۵ تا ۲۴۳.

ه) یادداشتهای زبان‌شناسی

۱ - «پارتاکنوی» و «پادای تاکنه» یادداشت مربوط به ریشه لغت. چاپ شده در مجله استودی اورینتالی، شماره ۴۴، سال ۱۹۶۹، ص ۱۰۹ تا ۱۴۲.

۲ - مطالبی درباره کار تحریر فرهنگ بزرگ لغت فارسی ایتالیائی (با همکاری: درمه، اسکارچیا، ورچلین). چاپ شده در مجله استودی اورینتالی، شماره ۴۸، سال ۱۰۷۴، ص ۲۰۵ تا ۲۴۲.

۳ - یادداشتهای مورفولوژی و اتیمولوژی درباره البراق. چاپ شده در سالنامه دانشگاه فوسکاری و نیز، سری شرقی، شماره ۵، سال ۱۹۷۴، ص ۱۰۹ تا ۱۳۳.

۴ - نقد بر دستور زبان فارسی نوشته جی. ب. رایموندی. چاپ شده در مجله استودی اورینتالی، شماره ۵۳، ص ۱۴۱ تا ۱۵۰.

۵ - مطالبی درباره یک دستور زبان جدید فارسی جدید. چاپ شده در مجله استودی اورینتالی، شماره ۵۵، سال ۱۹۸۱، ص ۸۷ تا ۱۰۳.

۶ - پنجاه سال ایران‌شناسی. چاپ شده در کتاب دروس خاور نزدیک در ایتالیا، چاپ رم ۱۹۷۱.

۷ - عمرخیام در ایتالیا. چاپ شده در مجله اورینته مدرنو، شماره ۵۴، سال ۱۹۷۴، ص ۱۳۳ تا ۱۵۵.

۸ - ب. بودن که پانی و تحصیل علوم عربی و هندی در قرن ۱۹. چاپ شده در کتاب شناخت آسیا و افریقا در ایتالیا در قرون ۱۸ و ۱۹. چاپ دانشگاه شرقی ناپل، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۱۲۱ تا ۱۴۱.

ز) معرفی گنجینه کتابهای خطی فارسی در ایتالیا

- ۱ - دو نسخه خطی فارسی با امضاء مؤلف: (خلاصه الاخبار خواندمیر، حلیه‌المتقین ملامحمد باقر مجلسی)، چاپ شده در مجله استودی اوریتالی، شماره ۴۶، سال ۱۹۷۱، ص ۳۹ تا ۴۹.
- ۲ - کتابهای خطی فارسی در کتابخانه آکادمی ملی لینچی. چاپ رم ۱۹۷۴.
- ۳ - فهرست کتابهای خطی فارسی در کتابخانه مارچانا ونیز. چاپ شده در سالنامه دانشگاه فوسکاری ونیز، سری شرقی، شماره ۶، سال ۱۹۷۵، ص ۲۹۹ تا ۳۰۹.
- ۴ - نسخه خطی فارسی تاریخ طبری در کتابخانه مارچانا ونیز. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۲۷، سال ۱۹۷۷، ص ۴۶۳ تا ۴۷۴.
- ۵ - کتابهای خطی فارسی در کتابخانه واتیکان و برزوانه جدید. چاپ شده در سالنامه آکادمی ملی لینچی، شماره ۸، جلد ۳۳، سال ۱۹۷۸، ص ۴۴۷ تا ۴۶۴.
- ۶ - کتابهای خطی فارسی، ترکی و عربی در ایتالیا. چاپ شده در کتاب عربها در ایتالیا تألیف فرانچسکو گابریلی و اومبرتو شرآتو، چاپ میلان، ۱۹۷۹، ص ۶۶۱ تا ۶۶۸.
- ۷ - نوری جدید بر فردوسی. یک نسخه از شاهنامه فردوسی با تاریخ ۶۱۴ هجری، ۱۲۱۷ میلادی که در کتابخانه فلورانس توسط پیه مونته پیدا شد. چاپ شده در سالنامه دانشگاه شرقی ناپل، شماره ۴۰، سال ۱۹۸۰، ص ۱۳۸ تا ۲۴۲.
- ۸ - دروس شرقی و کتابهای خطی اسلامی در ایتالیا. چاپ شده در کتاب کنگره حضور فرهنگی ایتالیا در ممالک عربی (ناپل ۲۸ تا ۳۰ مه ۱۹۸۰).
- ۹ - کتابهای خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا. چاپ شده در مجله ژورنال اسپاتیک، چاپ پاریس، شماره ۲۷۰، سال ۱۹۸۲، ص ۲۷۲ تا ۲۹۳.
- ۱۰ - کتابهای خطی ایرانی در مجموعه برنسون. چاپ شده در کتاب هشتادمین

- سال: تولد فرانچسکو گابریلی، چاپ رم، ص ۶۳۱ تا ۶۳۹.
- ۱۱ - فهرست کامل کتابهای خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا.

ح) فن خطاطی و هنر کتاب خطی ایرانی

- ۱ - دروس و روشهای فهرست‌برداری کتابهای خطی ایرانی. چاپ رم، ۱۹۷۵، از ص ۳۹ تا ۷۲.
- ۲ - هنر کتاب‌نویسی ایران و خط عربی. چاپ شده در مجله «اسکریتورا چیویلتا»، چاپ تورینو، شماره ۴، سال ۱۹۸۰، ص ۲۵۳ تا ۲۶۴.
- ۳ - صور جنادوئی و ارزش خط عربی. چاپ شده در مجله «لاریچر کافولکلوریکا»، چاپ برشا، شماره ۵، سال ۱۹۸۲، ۲۶ تا ۵۵.
- ۴ - کتاب فهرست تألیفات ایران‌شناسان ایتالیایی از سال ۱۴۶۲ تا ۱۹۸۲ دو جلد. چاپ شده به وسیله دانشگاه شرق‌شناسی ناپل، سال ۱۹۸۲.

□ کتابشناسی ایتالیایی ایران

کتاب کتابشناسی ایتالیایی ایران اثر پیه مونتسه خدمت بزرگی است به تاریخ و ادب و فرهنگ کشور ایران و گواهی بر دلبستگی قدیمی مؤلف به تاریخ علم، ادبیات و زبان ایران. پیه مونتسه زمینه وسیعی را برای نیل به هدف خود برگزیده و گر چه فقط نام ایران را برای کتاب خود در نظر گرفته اما شامل تمام جنبه‌های تاریخ و فرهنگ سرزمین‌های تاریخی ایران است.

این کتابشناسی، فهرست کتابهایی که از زمان بوجود آمدن چاپ تا سال ۱۹۸۲ را دربر می‌گیرد به دست می‌دهد. کتاب دارای ۶۸۸۶ مدخل است و به یازده بخش تقسیم می‌شود و در آن هنر، زبان، ادبیات، فلسفه و علوم (منطق)، مذهب و ایران در ادبیات ایتالیا نمایانده می‌شود. اکثر بخشهای کتاب اختصاص

به ایتالیایی‌های ایران‌شناس معاصر دارد، که بطور مثال می‌توان از *الساندرو بوزانی* نام برد که دوست اقلام آن را دربرگرفته.

پیه مونتسه در کتابشناسی خود، فهرست اسامی شامل نام مؤلفان، مقاله نویسان، مترجمین و شخصیت‌های شرقی را آورده که نام آنان به ترتیب خاصی در بخش‌های مختلف کتاب مورد بحث قرار گرفته است. وی شرح و تفسیر مختصری هم در کتاب خود آورده است.

پیه مونتسه در کتابشناسی خود، نه تنها از ایتالیائی‌های ایران‌شناس که در مورد ایران مطلب نوشته‌اند یادآوری کرده است، بلکه از مستشرقینی هم که در نشریات آنان مطالبی درباره ایران دارند سود جسته است، پیه مونتسه محققان ایتالیائی را به خوبی ایران‌شناسان ایران معرفی کرده است.^(۱)

یازده بخش کتابشناسی ایتالیایی ایران به شرح زیر است:

۱ - کتابشناسیها

۲ - جغرافیا

مهمترین و گسترده‌ترین مطالعات ایتالیائیها دربارهٔ سینستان و بلوچستان و افغانستان و اصفهان است

۳ - سفر و سفرنامه

برای هر سیاحی که شهرت و اهمیت بیشتر دارد قسمت خاصی در نظر گرفته شده است و معلوم می‌شود که دربارهٔ مارکوپولو، نیکولو دوکنتی و پیترو دلاواله بیش از سیاحان دیگر مقاله و کتاب نگارش یافته است

۴ - تاریخ

به ترتیب تاریخی مرتب شده و پس از سلسله‌ها به کتابشناسی‌های مباحث

۱- آینه، ش ۳-۱، سال سی‌دهم، فروردین - خرداد ۱۳۶۶، ص ۱۳۹.

خاص چون نفت، مسائل کرد، افغانستان و آسیای میانه، ونیز و ایران و ایتالیا و ایران پرداخته است.

۵ - باستانشناسی

در این رشته با کوششهای علمی ایتالیاییها که شهرت جهانی دارد بخصوص درباره شهر سوخته سیستان، خوارزم، برنزه‌های لرستان، تخت جمشید، غزنین، اصفهان آشنایی حاصل می‌شود.

۶ - هنر

در این قسمت بجز کلیات به بخشهایی به هنر دوره ساسانی، کاشی و سفال، فلزکاری، قالی، نقاشی اختصاص یافته است.

۷ - زبان‌شناسی

۸ - ادبیات

آثار بسیار این بخش حکایت از سابقه طولانی ایتالیاییها در مطالعات مربوط به زبان و ادبیات فارسی دارد. بطور مثال درباره فردوسی دوست مقاله و کتاب به زبان ایتالیایی هست و نشانی روشن از آنکه تا چه مقدار به فردوسی توجه شده است.

۹ - فلسفه و علوم

از ابن‌سینا، رازی، بیرونی بطور مستقل یاد شده است

۱۰ - ادیان

زردشتی‌گری، مهرپرستی، مانویت، مزدک، مسیحیت و اسلام

۱۱ - ایران در ادبیات ایتالیایی و اروپایی

— الحاق بر قسمت‌های یازده‌گانه

تاکنون برای کتابها و مقاله‌های فرانسوی، انگلیسی، روسی و آلمانی درباره ایران کتابشناسی در دست بود و با انتشار کتاب آقای پیه مونتسه وسیله تحقیق باارزش

دیگری در اختیار پژوهندگان مطالعات ایرانی قرار گرفته است. بی‌تردید برای کسانی که در رشته‌های مربوط به تحقیقات ایرانی کار می‌کنند مخصوصاً در زمینه‌های باستانشناسی، هنر و ادبیات توجه به نوشته‌ها و پژوهشهای ایتالیاییها در نهایت اهمیت است و خوشبختانه با کار پیه مونته‌سه آگاهی یافتن بر آنها بسیار آسان شده است.^(۱)

§ الساندرو راماجی

این ایرانشناس ایتالیایی هنگامی که در سال ۱۳۷۰ دانشجوی سال آخر دانشکده ادبیات دانشگاه رم بود، به فراگیری زبان فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه رم روی آورد و در مدت کمی از خود پیشرفتی شایان توجه نشان داد. او در زمان تجصیلات خویش به ترجمه قطعات ادبی از زبان‌های انگلیسی و ایتالیایی به فارسی پرداخت و خود نیز داستان‌های کوتاهی به زبان فارسی نوشت. یکی از نوشته‌های اخیر او «حواس پرتی» نام دارد.

§ آمورتی

خانم آمورتی در آغاز کار دانشگاهی و پژوهشی در زمینه ایرانشناسی گرایش به ادبیات معاصر داشت و نمونه‌هایی از اشعار معاصر فارسی را به ایتالیایی ترجمه کرد، ولی پس از چندی دست از این کار کشید و به تحقیق در تاریخ و فرهنگ گذشته ایران روی آورد. وی امروزه یکی از برجسته‌ترین محققان ایتالیایی در رشته تاریخ فرهنگ ایران و ایرانشناسی در ایتالیا است.

■ پروفیسور ادریانو روسی

آقای ادریانو روسی ۴۵ ساله، متولد روم، متأهل، مسیحی، مسلط به زبانهای انگلیسی، ایتالیایی، فرانسوی و آشنا به زبانهای فارسی، بلوچی، فارسی باستان، اردو و بابلی است. وی دارای دکترای ادبیات از دانشگاه رم است و هم‌اکنون سرپرست و استاد دانشکده شرق‌شناسی در دانشگاه ناپل و استاد زبان‌شناسی در این دانشگاه است. از جمله فعالیت‌های ایشان عبارت است از: مدیر مرکز لغت‌شناسی، عضو جمعیت دوستی ایران و ایتالیا، تحقیقات بر روی زبانهای محلی ایران، تحقیقات در زمینه ایران‌شناسی.

آثار:

۱ - زبانهای ایرانی در براهه ناپل، ۱۹۷۹

۲ - زبان‌شناسی فارسی میانه، ۱۹۷۳

۳ - اهداف زبان بلوچی

۴ - فرهنگ لغت ریشه‌شناسی

■ الیانو روسی

پروفیسور روسی رئیس دانشکده شرق‌شناسی ناپل می‌باشد.

تحقیقات وی در دو زمینه است. یکی زبانهای قدیم ایران مثل فارسی باستان، اوستایی و پهلوی و دیگر زبان‌شناسی عمومی که سعی کرده است اصول زبان‌شناسی عمومی را با زبانهای ایرانی و مخصوصاً مراحل اجتماعی زبان تطبیق کند. در قسمت اخیر مخصوصاً زبانهای ایرانی را که در شرق ایران رایج هستند مثل؛ خراسانی، بلوچی، پشتو و تاجیکی و همچنین زبانهای غیرایرانی

این منطقه را مورد مطالعه قرار داده است.

□ آنجلو ترینسونی

ترینسونی نویسنده، محقق و ایران‌شناس ایتالیایی در سال ۱۹۴۲ در شهر جنوا متولد شده و فارغ‌التحصیل دانشگاه همان شهر هم هست. او که همواره در فعالیتهای فرهنگی پیشگام بوده به چندی زبان و از جمله فارسی آشنایی دارد. وی مدتها مسئول مرکز مطالعات قرون وسطی و مؤسسه انتشارات القسط بوده و در سال ۱۹۸۰ کتابی بنام «جمهوری اسلامی ایران» منتشر ساخت. ترینسونی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۱ مجله «صوفی» را منتشر ساخت و در آن مقالاتی از علامه طباطبایی و دیگران در شناخت شیعه ترجمه و منتشر کرد.^(۱)

□ پیترو چیتانی

روزنامه‌نگار و نویسنده ایتالیایی متولد ۱۹۳۰ است که چندی در مونیخ زیسته و اکنون مقیم رم است. مدتی منتقد ادبی روزنامه *Giorno* بوده و اینک در روزنامه *Correir della sera* که مهمترین روزنامه ایتالیا است نقد ادبی می‌نویسد. وی با توجه به علاقه‌ای که به زبان فارسی دارد کتابی تحت عنوان بهارستان ناصر خسرو را به چاپ رسانده است. بنای تخت جمشید دعاهایی که در آتشکده‌های ایران خوانده می‌شد، سفر ارواح به ورای عالم خاک، سرگذشت شاهان باشکوه شاهان نیک‌کردار و شاهان بدکردار، زندگی عارفی که در راه عشق

۱- سیدهادی خسروشاهی، «ترجمه‌های قرآن مجید به زبان ایتالیایی»، تاریخ و فرهنگ

به خدا مرگ را به جان خرید، داستان سفر مرغان و بالاخره سرنوشت شاهزاده‌ایی که در شهر مرگ خیز و دورافتاده‌ایی ناپدید شد، مطالبی است که در این کتاب مطرح شده است. کتاب در عین آنکه جنبه داستانی دارد مروری سریع بر سرگذشت چندین هزارساله ایران است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«این کتاب با ما دربارهٔ هریک از ما صحبت می‌کند. از عشق به قدرت که روح ما را در کام خود فرو می‌برد از آرزوی ناشناخته‌ایی که ما را به ورای خودمان پیش می‌راند. این کتاب هم داستان است، هم نوشته‌یی تحقیقی و ادبی و هم تاریخ است».^(۱)

■ لئوناردو کلریچی

شاعر و فیلسوف و متفکر جوان و جنجالی ایتالیایی که در سمینار ابن‌رشد به ایران آمد. در سال ۱۳۷۴ رئیس بنیاد کتاب فرانسه شد. متخصص ابن‌رشد، علاقمند به فلسفه شیعه و آشنا با شیخ صدوق و علامه طباطبائی و علاقمند به اندیشه ایرانی است.

■ ماریو توردیو

معاون تحقیقاتی تاریخ مذهبی ایران و آسیای مرکزی در دانشگاه ونیز می‌باشد.

■ فرانچسکو نوچی

معلم تاریخ هنر ایران در رم می‌باشد.

۱- «زبان و فرهنگ فارسی در کشورهای دیگر»، پیوند، شماره سوم، بهار ۱۳۵۷، ص ۶-۴۵.

❑ دکتر ماتیلدا گالگیاردی

معلم فرهنگ و تمدن فارسی در میلان می‌باشد.

❑ اوگو بیانکی

وی مورخ ادیان است

❑ والتر بلاردی

او استاد زبان و ادبیات فارسی است.

❑ بنیامینو ملاسچی

وی معلم فرهنگ و تمدن فارسی در رم می‌باشد.

❑ بارگیکی. ر

وی با همکاری پیوفیلیپانی رونکونی به ترجمه و نشر گلستان سعدی همت گماشته‌اند.

❑ هانم بافیونی

❑ گروه

او متخصص تاریخ هنر اسلامی است

❑ جیری بکا

□ الیو پروواسی

وی زبان‌شناس است. آثاری در باب زبانهای فارسی باستان، اوستایی، پارسی، پهلوی و لهجه تهرانی منتشر کرده است

□ اومبرتو شرآتو

او باستان‌شناس و متخصص تاریخ هنر اسلامی است.

□ رایموند کاردونا

وی زبان‌شناس می‌باشد

□ گابریل ربکچی

یکی از کارهای وی ترجمه دو بیت‌های باباطاهر است.

□ دوگنولی ژرار

□ مانوکیان ستراک

اثر: سیم دل مسکین

□ بیانکا ماریا اسکارچیا آمورتی

وی در زمینه‌های مختلف مطالعات ایرانی کار می‌کند و صاحب یک کرسی دیگر در زمینه مطالعات اسلامی است.

□ پائولا اورساتی

خانم اورساتی در رم درباره نسخ خطی و فرهنگ‌نویسی و تاریخی زبان فارسی

تحقیق و مطالعه کرده است.

ایشان معاونت تحقیقاتی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ایتالیا را برعهده دارد.

▣ دانیلا مانگینی (منگینی)

وی در فارغ‌التحصیل دانشکده و نیز در رشته زبان فارسی است.
اثر وی:

ترجمه غزل‌های حافظ به زبان ایتالیایی

▣ پیوفیلیپانی رونکونی

کتاب گشایش و رهایش ناصر خسرو و متن دینی - اعتقادی اسماعیلی به نام
ام‌الکتاب را به ایتالیایی ترجمه کرده است.

▣ آلساندرو بوزانی

پروفسور بوزانی با اینکه در ایران به دنیا نیامده ولی حیات، سرمایه
وجودی، قدرت دماغی و ذهن و قادی خویش را وقف ایران کرده و در خدمت
به ادبیات فارسی و مشتهر ساختن نام شاعران و متفکران این سرزمین خدمات
درخشانی انجام داده است. به همین سبب پروفسور بوزانی خود را یک ایرانی
می‌داند. چندین سال پیش از این که در دانشکده ادبیات تهران نطق عمیق و
پرفایده خود را راجع به «ایران و اسلام و ایتالیا در قرون وسطی» ایراد نماید در
آغاز از رئیس دانشکده وقت از راه شوخی گله کرد که وی را در معرفی کوتاه
خویش خارجی خوانده است. علاقه فکری و قلبی به ادبیات فارسی و هنر و
آداب ایران و ادیانی که از ایران برخاسته و پرتو به جهان باختر زده ارادت و
اخلاصی حقیقی است، مهریست که به پایه ایمان رسیده و تار و پود وجود

بوزانی را فرا گرفته و فکر و روح و فعالیت قلم و زبان او را در خدمت گماشته است.

اطلاع و دانش بوزانی مبنی بر مطالعه مقالات و کتابهای درست یا نادرست مؤلفان شرق و شرق‌شناسی نیست بلکه علاوه بر آن ناشی از تحقیق و تدقیق در اصل متون ادبی و دینی و فلسفی شرق است که در تماس زنده با مردم شرق و مسافرتهاى عدیده به کشورهای شرق استحکام یافته است.^(۱) وی در زمره خاورشناسانی است که علاوه بر منابع غربی از تحقیقات اخیر دانشمندان ایرانی هم کاملاً آگاه است و کتابها و مقالات فارسی را می‌خواند و در نوشته‌های خویش از آنها استفاده می‌برد.

از جهت تبحر در زبانهای مختلف و تاریخ عقاید و ادیان و ادبیات ملل گوناگون، بوزانی از اعجوبه‌های روزگار بوده است که بیست و پنج زبان را درست شناخته و به متجاوز از سیزده زبان تکلم می‌کرده است.

بوزانی به زبان چینی آشناست و از فلسفه و تعلیمات اخلاقی مذاهب و ادیان چین و ژاپن در حد یک استاد متخصص آگاه است.

در قسمت علوم ادبی اگر دایره اطلاع بوزانی را تنگ‌تر کنیم شامل دو قسمت اساسی می‌شود یکی تاریخ ادبیات و زبانهای ملل اروپائی خاصه روم قدیم و ایتالیا که میهن اوست و دیگر ادبیات و زبانهای ملل شرقی بخصوص ایران که وطن روحانی او محسوب می‌گردد.^(۲)

پرفسور بوزانی بر زبانهای انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیائی، پرتغال، روسی و یونانی تسلط کامل داشته و زبانهای چکی و لهستانی و

۱- حشمت مزید، «دنیای دانش و کتاب»، راهنمای کتاب، جلد ششم، ص ۵-۵۰۴.

۲- همان، ص ۶-۵۰۵.

اسکاندیناوی را هم به خوبی می‌داند و سخت‌ترین کتابها و متون را به این زبانها می‌خواند. کسانی که هفت هشت زبان فرنگی بدانند در اروپا نایاب نیستند ولی غالب آنها فقط قادر به تکلم یا خواندن روزنامه‌ها و مطالب ساده در این زبانها می‌باشند و عمرشان فقط به فراگرفتن خود زبانها گذشته است بدون آنکه از ادبیات و فرهنگ آن زبانها آگاه باشند ولی برای استاد بوزانی زبان اصل غرض نیست بلکه وسیله است.

بوزانی در میان زبانهای شرقی به زبان و ادبیات فارسی دلبستگی خاصی دارد و این رشته را در دو دانشگاه ایتالیا تدریس کرده است.

با این همه، باید گفت که ایران و فرهنگ ایران زمین در حقیقت هسته اصلی و مرکزی تحصیلات و تحقیقات وی را تشکیل می‌دهد ولیکن کار او محدود به این مقدار نیست. شخصی گفته است که بوزانی در هر سال یک زبان جدید می‌آموزد و ادبیات آن زبان را ولو در ابتدا باختصار باشد مسخر ذهن خود می‌سازد.

اطلاع او از زبان عربی بحدی است که توانسته است قرآن مجید را به ایتالیائی ترجمه کند و شرح و توضیح دهد.^(۱)

و اما در باب زندگی و فعالیت‌های علمی این ایران‌شناس عالیمقدار. *الساندرو بوزانی* در بیست و نهم ماه مه ۱۹۲۱ (۸ خرداد ۱۳۰۰ شمسی) در رم بدنیا آمد و در همان شهر مدارس ابتدائی و متوسطه را گذراند و وارد دانشگاه شد و به تحصیل یا بهتر بگوئیم ادامه و تکمیل تحصیلاتش در رشته زبانهای شرقی پرداخت. ادامه از این جهت که وی از ۱۵ سالگی در نزد معلمین خصوصی و نیز در مدرسه زبانهای شرقی وابسته به مؤسسه شرقی رم آموختن

زبانهای ممالک اسلامی یعنی عربی، فارسی، ترکی و اردو را آغاز کرده بود و این رشته را بعداً در بخش خاورشناسی دانشگاه رم ادامه داد. ولی هنگام آغاز به تحصیل در دانشگاه معلومات او به پایه‌ای بود که در همان سال اول از طرف پروفیسور *اتوره روسی* رئیس مدرسهٔ زبانهای شرقی مأمور به تدریس عربی در آن مدرسه گردید.

ولی در همین دوره نیز از کار و مطالعه فرو نشست و در عمل نیز از معلومات خود استفاده کرد و ترجمه و سخنگوئی زبان فارسی را در خدمت دولت به عهده گرفت.

در اواخر سال ۱۹۴۳ با گذراندن رساله‌ای راجع به تحول تاریخی نحو فارسی به اخذ درجهٔ دکتری نائل آمد. وی فارسی و ترکی را نزد پروفیسور روسی و زبانهای ایران پیش از اسلام خاصه پهلوی را نزد استاد ایران‌شناسی پروفیسور *پالیارو فراگرفت*. *بوزانی* پس از نیل بدرجهٔ دکتری بلافاصله با عنوان استاد داوطلب به تدریس فارسی در دانشگاه رم مشغول شد و نظر به تبحری که در زبانها، تاریخ ادیان و فرهنگ خاورزمین داشت، در همان سال به عنوان ناظر بخش شرقی کتابخانهٔ آکادمی ملی لینچی به خدمات خویش ادامه داد.

وی در مؤسسهٔ ایزمئو به عنوان استاد و مدرس، دروس اسلامی، تاریخ ایران، ادبیات فارسی و زبان و ادبیات اردو را نیز تدریس کرده است.^(۱)

بوزانی در سال تحصیلی ۵۶-۱۹۵۵ یک دوره درس به عنوان ادیان جدید در دانشگاه رم برعهده داشت و در همان سال در دانشگاه رم استاد بدون کرسی زبان و ادبیات فارسی گردید و همین مقام را برای زبان، زبان و ادبیات اردو و هندوستانی در مدرسهٔ عالی زبانهای شرقی وابسته به دانشگاه ناپل به

دست آورد. او در سال ۱۹۵۷ باوج مقامات دانشگاهی رسید و کرسی زبان و ادبیات فارسی در مدرسه مزبور به وی تفویض شد و تا چند سال قبل تدریس زبان اردو و هندوستانی هم بر عهده او بود.

در سال ۱۹۵۱ برای انتخاب معاون کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم مسابقه‌ای به عمل آمد و بوزانی برنده گشت. در همین سال ریاست قسمت برنامه‌های رادیو ایتالیا برای ایران و افغانستان به او سپرده شد. بوزانی در سال ۱۹۵۴ به اخذ درجه فوق دکتری در دو رشته مجزا نائل گردید. یکی در زبان و ادبیات فارسی و دیگری در تاریخ ادیان.

بوزانی مطالعاتی دقیق درباره محمد اقبال نیز به عمل آورد و چندین اثر او را به ایتالیائی ترجمه و شرح کرده و مقالات بسیار راجع به شعر و فلسفه آن نابغه بزرگ نوشته است و در دانشگاه تهران نیز نطقهائی به زبان فارسی ایراد کرده است.^(۱)

بوزانی با نظری تیز و موشکاف دو جریان فرهنگی متضاد در ایران معاصر را تشخیص داده و میان آن دو قضاوت کرده و عیب و هنر هر یک را باز نموده است. از این دو یکی نهضت ایران پرستی مبالغه‌آمیز گروهی است که هر چه را متعلق به ایران پیش از اسلام است ستایش و پرستش می‌کند و با زبان عربی و حتی دین اسلام می‌جنگند بی آنکه دید وسیع و منطق قوی و قاطع گوینده «هان ای دل عبرت‌بین» را دارا باشند و دیگر تشبث متعصبانه شدید گروه مخالفان بظواهر بی ارزش معتقدات کهنه و طرد همه مظاهر نوپرستی و تازه‌جوئی در حیات فکری و معنوی قوم ایران. نظر پاره‌ای از خاورشناسان نیز که میان تمدن ایران عهد هخامنشی و ایران بعد از اسلام نوعی پیوستگی

بلاواسط قائل‌اند مورد انتقاد نویسنده قرار گرفته است. *بوزانی* معتقد است که نیروهای خلاقه قوم ایرانی از میان نرفته بلکه در مظاهر گوناگون حیات معنوی ما هنوز با قوت و قدرت جلوه‌گر است از جمله «بوف‌کور» *هدايت* را مورد انتقاد قرار می‌دهد در حالی که وی را به مناسبت آثار اصیل ایرانی‌اش مانند «حاجی آقا» و «علویه خانم» و «محلل» و «دانش آکل» و امثال آن بزرگ و مبتکر می‌شمارد.

بوزانی با نقل متن و ترجمه و سپس تحلیل دقیق و توصیف یکی از حکایات «گلستان» سعدی در جامع بعلبک: «وقتی کلمه‌ای همی‌گفتم بطریق وعظ با جماعتی افسرده دل مرده» با اصطلاح تجزیه و ترکیب تمام دقائق صرف و نحوی آن روشن را می‌سازد. جالب توجه‌ترین فصل کتاب آن قسمت است که بحث در اشکال و مضامین شعر فارسی را شامل است (ص ۳۰۵-۲۳۹)

در اینجا هم *بوزانی* چنانکه روش اوست با نقل سه غزل از *حافظ* مطلب خود را در نهایت درجه استادای شرح داده و هر بیتی را به کمال تفصیل از حیث معنی، صنایع لفظی، مضامین و اشارات تجزیه و تحلیل کرده است تا خواننده حتی الامکان تصویری واقع و حقیقی از ماهیت شعر فارسی حاصل نماید. این فصل را می‌توان نگین زیبای کتاب دانست و نمونه‌هایی که *بوزانی* برای توضیح هر یک از مطالب خویش نقل نموده است.

کار *بوزانی* وصف کلی ادبیات و ارائه انواع ادبی فارس و نشان دادن نمونه‌های فکری و هنری سخن‌سرایان این سرزمین بدنای خارج است و به همین جهت هر فصل از کتاب او اختصاص به یک نوع شعر دارد (شعر غنائی و مدیحه‌سرایی رباعی - متونی) و خواننده مثلاً با *حافظ* زودتر از دقتی و *فردوسی* آشنا می‌گردد و همین نکته را پاره‌ای بر *بوزانی* خرده گرفته و کتاب را فاقد تسلسل تاریخی دانسته‌اند ولی *بوزانی* این طریقه را بعمد برگزیده و نیتش ایجاد نوعی روشنی و سادگی در شرح تکامل هر یک از انواع هنر شاعری بوده است.

فهرست کتابها و مقالات

تهیه فهرستی کامل از نوشته‌های پروفیسور بوزانی کار آسانی نیست و وقت زیاد می‌خواهد زیرا مقالات او خیلی پراکنده است. وی تنها در رشته شرق‌شناسی تاکنون ۱۲ کتاب مستقل و بیش از هشتاد مقاله که پاره‌ای از آنها ۶۰-۷۰ صفحه حجم دارد منتشر کرده است:

- ۱- ترجمه جاوید نامه اقبال لاهوری با شرح، تفسیر و مقدمه مفصل که در سال ۱۹۵۲ از طرف مؤسسه معروف ایزمئو در رم چاپ شده است. دانشمندان «جاوید نامه» را دلکشترین و پرمغزترین و نیز پیچیده‌ترین اثر اقبال می‌داند.
- ۲- ترجمه قرآن مجید با مقدمه مشروح (۸۰ صفحه مقدمه - ۴۹۸ صفحه ترجمه متن کتاب - ۲۴۰ صفحه یادداشتها و توضیحات - ۴۰ صفحه فهرس) چاپ فلورانس ۱۹۵۵. سابقاً در زبان ایتالیایی ترجمه‌ای از قرآن کریم وجود داشت که آن را بونلی فراهم کرده بود این ترجمه به قول بوزانی بسیار فشرده و خشک بود و توضیحات کافی که فهم این کتاب عظیم و اساسی عالم اسلام را برای خوانندگان غربی میسر سازد در آن وجود نداشت و ترجمه فرانسوی بالشر نیز کاری جدی و در خور اعتنا نبود. بوزانی میان این دو ترجمه حد وسط را گرفته و سبکی روان و شیوا بکار برده و در مقدمه و ملحقات کتاب جمیع اطلاعات لازم را برای فهم معضلات در رموز و دانستن تاریخ کتاب درج نموده است.^(۱)

- ۳- ترجمه رباعیات خیام، چاپ تورینو، ۱۹۵۶. در این ترجمه هم بوزانی مقدمه‌ای مفصل (ص ۷ تا ۲۹) درباره زندگی، آثار و اندیشه‌های خیام نوشته و سپس فهرستی از مهمترین تحقیقات را درباره آن شاعر و دانشمند آورده و در ۹۷

صفحه ترجمه ۲۸۲ رباعی خیام را بدست داده است. از این مقدار ۱۷۸ رباعی را از خیام چاپ فروغی و فنی (طهران ۱۳۲۱ شمسی) گرفته و ۱۰۴ رباعی دیگر را از نسخه چستربتی چاپ پروفیسور آربری برداشته است. ترجمه رباعیات به نثری است موزون و خوش‌آهنگ که مورد پسند عام و خاص قرار گرفته و تاکنون سه بار چاپ شده است. در چاپ سوم (۱۹۶۲) بوزانی یادداشتی در خصوص مشکوک بودن نسخه چستربتی بر چاپهای سابق افزوده است.^(۱)

۴- ایرانیان، ۲۹۷ صفحه، چاپ فلورانس ۱۹۶۲. کتابی است در تاریخ مختصر ایران از روزگار مادها تا امروز و ضمن یک سلسله کتابها که همه با همین اختصار تاریخ ملتهای جهان را شرح می‌دهد نشر یافته است.

بوزانی در این کتاب توجهی مخصوص به شرح اوضاع اقتصادی و فرهنگی ایران مبذول داشته و از مالیات و طرق کشاورزی و نهضت‌های فرهنگی و دینی سخن رانده است. شرح دو هزار و پانصد سال تاریخ پرحادثه یک کشور وسیع که مرزهای آن گاهی تا دیوار چین از سوئی و دریای روم از سوی دیگر می‌رسیده است در کتابی کوچک، هنری بزرگ است که از عهده هر کسی ساخته نیست و تا مؤلف مسلط به تمام تاریخ نباشد و از اوج برجی بلند، جمیع جزر و مدها و کنش و واکنشها را درست نبیند نمی‌تواند جزئیات غیرمؤثر و گذران را از تحولات اساسی و پایدار جدا نماید و عوامل عمده و حیاتی تاریخ ملت را از میان هزاران تک حادثه پراکنده و بی‌ارزش بیرون کشد. بوزانی این کتاب را با مهارت و استادی یک نویسنده دانشمند جامع، مفید و شیرین نگاشته است و به همین جهت کتاب او در ایتالیا مورد استقبال فراوان واقع گردیده و راجع به آن نوشته‌اند که نخستین کتاب در زبان ایتالیائی است و

بهترین کتاب در همه اروپا که بکار همه مردم و مخصوصاً دانشجویان آمده و آنها را با سیر تاریخ دور و دراز ایران و تأثیرات متقابل فرهنگ و ادب و اجتماعیات این کشور در برخورد با ملل همسایه و تمدنهای بیگانه آشنا می‌سازد.^(۱)

۵ - گلچینی از اشعار محمد اقبال (ترجمه از فارسی و اردو) با حواشی مفصل چاپ پارما، ۱۹۵۶.

به قول پروفیسور شیمیل اشعار این گلچین نمونه‌هایی است از فلسفه و هنر اقبال و مشتمل بر قطعاتی از آثار اردو و فارسی شاعر می‌باشد که از «ارمغان حجاز»، «بانگ درا»، «بال جبریل»، «ضرب کلیم» و «زبور عجم» گرفته شده است. از دو اثر بسیار مهم اقبال «اسرار خودی» و «رموز بی خودی» چیزی در آن نیست.^(۲)

۶ - ترجمه اشعار ابن سینا، چاپ رم، ۱۹۵۶.

این کتاب مشتمل بر ترجمه و شرح رباعیات و قصاید فارسی و عربی منسوب به حکیم بزرگ ایرانی و دارای مقدمه‌ای است که ضمن آن از زندگی ابن سینا و اشعار منسوب به او سخن رفته است.

۷ - ترجمه متون دینی زرتشتی، چاپ رم، ۱۹۵۷.^(۳)

۸ - تاریخ ادبیات پاکستان، چاپ میلان، ۱۹۵۸.

این کتاب تنها تاریخ ادبیات اردو نیست، بلکه در فصلی دراز میراث ادبی فارسی را در پاکستان روشن می‌کند. فصل دوم کتاب (ص ۹۸-۴۵) میراث فارسی نام دارد و به نفوذی که ایران در ایجاد ادبیات در زبانهای اسلامی

۱- همان، ص ۶۵۶.

۲- همان، ص ۴-۵۱۳.

۳- همان، ص ۵۱۴.

هندوستان خاصه اردو داشته است، می‌پردازد.^(۱)

۹- *ایران دینی، یا ادیان ایران از زرتشت تا بهاله*، چاپ میلان، ۱۹۵۹.

این کتاب در نوع خود، اثری بس ارزشمند است و از حیث ابتکار و ابداع اصیلترین و نفیس‌ترین کتابی است که تاکنون *بوزانی* به عالم علم اهداء نموده است. این کتاب افق وسیعی دارد و به آثار و تاریخ عقاید محیط است و یکجا تمام داستان دینی و فلسفی ایران را از آغاز تا امروز آورده و از جمیع منابع موجود استفاده نموده و اصل وحدت موضوع و پیوستگی مطالب را مراعات کرده است.

وی در این اثر در بحث تصوف ایرانی ۳۶ صفحه را به *مولانا* اختصاص داده و او را بزرگترین شاعر و عارف جمیع قرون و اعصار خوانده است.

ادیان پیش از اسلام، دوره اسلام، نخستین نهضت‌های دینی در ایران عهد اسلامی، آغاز شیعه و پایان آن، اسماعیلیه، فلسفه و تصوف، جنبه‌های دینی فلسفه در ایران، تصوف ایرانی، خدای متغیر، عقاید شاه اسماعیل صفوی، افسانه‌های عامیانه پیرامون حضرت علی در دوران صفوی علی‌اللهیان، مکتب اصفهان، نهضت شیخیه، فاجعه کربلا، عزاداری امام حسین و تعزیه در ایران و آئین بابی و بهایی قسمتهای مهم کتاب وی را تشکیل می‌دهد.^(۲)

۱۰- *تاریخ ادبیات ایران*، چاپ میلان، ۱۹۶۰.

مؤلف قسمت اول کتاب ادبیات ایران پیش از اسلام پروفیسور آنتونیو پالیارو است و قسمت دوم کتاب که بیش از ۷۵۰ صفحه است به قلم خود *بوزانی* است و تاریخ ادبیات فارسی را مفصلاً شرح می‌دهد.

۱- مؤید: «دنیای دانش و کتاب»، ص ۸-۶۴۷.

۲- همان، ص ۵۳-۶۴۹.

۱۱ - اشعار و حکایات مالزی، میلان، ۱۹۶۳.

مقالات و رسائل

- ۱ - افکار دینی مولانا جلال‌الدین رومی در مجله شرق جدید، چاپ رم، ۱۹۵۳، ص ۱۸۰-۱۹۸.
- ۲ - یک نسخه خطی فارسی مربوط به سفارت حسین خان آجودانباشی در اروپا در سالهای ۳۹-۱۸۲۸، با ترجمه قسمتهایی جالب توجه از گزارش عبدالفتاح گرمودی.
- ۳ - یک ترجمه فارسی مچیه پیران که تاکنون چاپ نشده این ترجمه را مردی به نام گلشائن‌اند کهن در سال ۹۲-۱۷۹۱ میلادی برای یوناتان دونکن انگلیسی مقیم بنارس از اصل سانسکریت فراهم کرده است.
- این مقاله در مجله ایتالیایی مطالعات شرقی در سال ۱۹۵۸ صفحه ۱۷۷-۱۶۹ چاپ شد.
- ۴ - یادداشت‌هایی درباره میرزا بیدل، آنالی، ۱۹۵۴، ص ۱۶۳-۱۹۹.
- ۵ - تعریف سبک هندی در ادبیات فارسی، آنالی، ۱۹۵۷، ص ۱۶۷-۱۷۸.
- ۶ - گلشن راز جدید، تألیف محمد اقبال، آنالی، ۱۹۵۸، ص ۱۷۲-۱۲۵.
- ۷ - مقام غالب در تاریخ شعر اردو و ادبیات فارسی هند در اسلام، ۱۹۵۹، ص ۱۲۷-۹۹ م.
- ۸ - پایه‌های فرهنگی ایران جدید، محمد یسا داریوش، آنالی، ۱۹۵۹، ص ۵۰-۳۱.
- ۹ - تعزیه‌های فارسی درباره افسانه سلیمان و تعیین ملکه سبا، مجله آکادمی لینچئی، ۱۹۶۰.
- ۱۰ - دو قصیده از فروغی بسطامی و پسرش. مجله شرقی جدید، ۱۹۶۲، ص

۵۵۹-۵۶۳.

- ۱۱ - یادداشت‌هایی راجع به شاه ولی‌الله دهلوی، آنالی، ۹۱۶۱، ص ۱۴۷ - ۹۳.
- ۱۲ - اروپا و ایران در ادبیات معاصر فارسی، شرق و غرب، ۱۹۶۰، ص ۱۴-۳.
- ۱۳ - تاریخ مختصر ادبیات عربی، فارسی، ترکی، اردو، پشتو، بلوچی و کردی. جمعاً در ۹۵ صفحه بزرگ در کتاب اسلامیات، چاپ ۱۹۵۱.^(۱)

■ سرگونیا نوزیدا

خاورشناس و محقق ایتالیایی که در ۷ جولای سال ۱۹۳۱ در شهر بولا متولد شد. وی به زبانهای عربی، فارسی و دیگر زبانهای مهم شرقی آشنایی داشته و در سال ۱۹۵۶ از دانشگاه شهر میلان فارغ‌التحصیل شده و گواهینامه دکتری دریافت کرده است.

تحقیقات این ایران‌شناس بیشتر در زمینه کتابهای خطی موجود در کتابخانه «امپروزیانا» ست که دارای گنجینه‌ای بسیار نفیس از نسخ خطی است. دیگر فعالیتها و تحقیقات ایشان چنین است:

در زمان اقامت در شهر «تورینو» فهرست نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی کتابخانه ملی آن شهر را منتشر کرد.

وی فهرست کتابهای خطی کتابخانه پادشاهی در «تورینو» را تهیه و منتشر کرد.

در سال ۱۹۶۷ کتابی پیرامون زندگانی حضرت پیامبر اکرم (ص) با استفاده از اسناد و منابع تاریخی و باستان‌شناسی و شعر جاهلیت تدوین نمود. در سال ۱۹۶۷ به عنوان استاد فقه اسلامی تعیین و به مدت ده سال در

دانشگاه شهر «تورینو» به تدریس پرداخت.

در سال ۱۹۷۶ از سوی مستشرق ایتالیائی معروف فرانچسکو گابریلی به عنوان استاد کرسی زبان و ادبیات عرب در دانشگاه شهر میلان منصوب گردید.

در سال ۱۹۸۳ کتاب «صحیح بخاری» را به ایتالیائی ترجمه و منتشر نمود.

در سال ۱۹۸۶ عنوان افتخاری ریاست سازمان پژوهشهای شرقی ایتالیا را دریافت نمود.

در سال ۱۹۸۵ سیزده سخنرانی موضوعی پیرامون قرآن مجید و اسلام به دعوت مسئولین رادیو ملی ایتالیا ایراد نمود که پس از جمع‌آوری و تدوین آن بصورت کتابی منتشر گردید.

■ مائوریزو توزی

آقای توزی متولد سال ۱۹۴۴ در شهر ورونای ایتالیا است. ایشان در مقطع دکتری در رشته ادبیات از دانشکده هنر و ادبیات دانشگاه رم فارغ‌التحصیل شده‌اند.

وی به عنوان استادیار تاریخ باستان‌شناسی شرقی دانشگاه ناپل، استادیار تاریخ ماقبل تاریخ آسیای دانشگاه ناپل و مسئول بخش عتیقه‌جات ماقبل تاریخ آسیا در موزه هنرهای شرقی رم تحقیقاتی پیرامون باستان‌شناسی ایران صورت داده‌اند. ایشان که قبل از انقلاب و پس از آن سفرهای بسیاری به ایران داشته‌اند، در حال حاضر نیز استاد تاریخ ماقبل تاریخ آسیا در دانشکده شرق‌شناسی ناپل هستند.

آقای توزی بیش از ۴۴ سخنرانی در مجامع علمی، تحقیقی و دانشگاهی کشورهای مختلف داشته‌اند که ۳ سخنرانی آن مربوط به ایران بوده است. او

همچنین چندین مقاله درباره ایران نشر داده است.

■ مائوریزو پیستوزو

تاریخ تولد وی ۱۳ اوت، ۱۹۵۰ در شهر ورنا می‌باشد.

تحصیلات ابتدائی و دبیرستانی را در زادگاهش گذراند و در سال ۱۹۶۹ در رشته علوم انسانی (کلاسیک) دیپلم گرفت.

او در سال ۱۹۶۹ در رشته زبانهای آسیایی ثبت‌نام کرد و در دانشگاه فوسکاری و نیز مشغول به تحصیل شد. پیستوزو در سال ۱۹۷۴ با عالی‌ترین نمره در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه و نیز فارغ‌التحصیل شد و از دسامبر همان سال فعالیت و تدریس خود را در دانشگاه و نیز شروع کرد. او در دسامبر ۱۹۷۷ به درجه استادیاری نائل گردید و به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه بولونیا مشغول به تدریس شد. در نوامبر ۱۹۷۹ به جای استاد پیه‌مونتسه در دانشگاه رم مشغول تدریس زبان و ادبیات فارسی گردید و در اول نوامبر ۱۹۸۲ بعد از بدست آمدن شایستگی لازم بوسیله حکم استادیاری مقام اول این گروه را در دانشگاه بولونیا کسب کرد.

سفرهای علمی و تحقیقاتی

در سال ۱۹۷۱ در یک سفر علمی به ایران و افغانستان شرکت کرد. این سفر بوسیله سمینار ایرانی دانشگاه و نیز ایزمو ترتیب داده شده بود. نتایج این سفر را می‌توان در سلسله مقالات فوسکاری و سری آسیایی ۱۹۷۲ در بخش مقالات ملاحظه کرد.

بدنبال این سفر، برنده یک بورس تحصیلی در ایران شد که مخارج آن توسط وزارت امور خارجه ایتالیا تأمین گردید. بدین ترتیب آقای پیستوزو به

عنوان دانشجو وارد دانشگاه تهران شد و بمدت یک سال تحصیلی مشغول تحصیل شد و در آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او مجدداً در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ در یک مأموریت جدید علمی بار دیگر به ایران سفر کرد. هزینه این سفر توسط مؤسسه آسیایی رم تأمین گردید. وی بار دیگر در سال ۱۹۷۷ به ایران و پس از آن به اندونزی سفر کرد و در سالهای ۸۰ تا ۸۲ جهت تحقیقات علمی عازم یوگسلاوی، رومانی و بلغارستان شد.

پیستوزو در آوریل ۱۹۸۳ از سوی مؤسسه آسیائی وابسته به آکادمی علمی روسیه برای شرکت در جلسه‌ای به منظور مطالعه و بررسی ادبیات فارسی دعوت شد. (مسکو ۱۸ - ۲۱ آوریل) در همین سال بار دیگر به یوگسلاوی و پس از آن به ترکیه مسافرت نمود. او در فوریه ۱۹۸۳ به دعوت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همراه با یک گروه ایتالیایی جهت شرکت در جشنهای سالگرد انقلاب اسلامی بار دیگر به ایران مسافرت کرد. سال بعد هم در آوریل و ژوئیه ۱۹۸۴ به دعوت آکادمی علمی روسیه جهت تدوین تذکره شعرای فارسی‌گو به مسکو عزیمت نمود.

فعالیت‌های علمی

۱ - همکاری با هیأت مؤلفان لغتنامه بزرگ فارسی به ایتالیائی که از سال ۱۹۷۳ شروع شده و تاکنون ۸۵ هزار لغت را گردآورده است. این لغت‌نامه سالها زیر نظر استاد بوزانی و استاد اسکارجیا اداره می‌شد و با همکاری گروهی از اساتید زبان فارسی و بخصوص استاد پیستوزو انجام می‌شود.

۲ - همکاری با استاد پیه‌مونتسه در زمینه تهیه فهرست کتب و مقالات ایران‌شناسان ایتالیائی.

۳ - تشکیل یک کنگره در سمینار ایرانی ونیز درباره ادبیات ایران در ۱۹۸۲ و

تشکیل‌کننده دیگری در همین سال در مرکز دروس مذهبی سن‌کارلو در شهر مدنا درباره ایران.

۴ - فعالیت در زمینه تدوین تذکره شعرای فارسی زبان

۵ - شرکت در یک دوره کنفرانس به نام «تمدن و فرهنگ روسیه شرقی آسیایی» که موضوع مقاله ایشان در این دوره کنفرانس «دنیای ایرانی بین پترزبورگ و بخارا» می‌باشد

تألیفات

۱ - مقاله - ممکن است ویج گوگول ایرانی باشد. چاپ شده در کتاب «گورو راجا مانجاریکا»، در سال ۱۹۷۴، جلد یک، ص ۳۱۳ تا ۳۲۰. چاپ دانشگاه ناپل، بمناسبت بزرگداشت جوزپه توجی

۲ - فعل معین «داشتن» در فارسی جدید. چاپ شده در مجله اورینته مدرنو آوریل، ۱۹۸۴.

۳ - نقد بر کتاب مقاله صوفی اثر سیدحسین نصر. چاپ شده در مجله درسهای شرقی، ۱۹۷۶.

۴ - مازندران و یک نقطه در الهمدانی. چاپ شده در سالنامه دانشگاه فوسکاری ونیز، ۱۹۷۴، به نام چاپ شده در سالنامه دانشگاه متنکاری ونیز، ۱۹۷۵.

۵ - درباره ترجمه حاجی بابا به زبان فارسی. چاپ شده در مجله درسهای ایرانی متعلق به مرکز فرهنگی ایران - ایتالیا - ۱۹۷۷ م.

۶ - نقد بر کتاب مهمان آقایان نوشته به‌آذین. چاپ شده در مجله درسهای ایرانی، ۱۹۷۵ م.

۷ - نقد بر کتاب بدرالدین ابراهیم زنانگویا و جهانپویا. چاپ شده در سالنامه دانشگاه ونیز، ۱۹۷۸.

- ۸ - نقد ل. ن - کپسلوا و ب - ن میکولاج چیک. لغتنامه دری به روسی چاپ شده در مجله اورنیتِه مدرنو، ۱۹۷۸.
- ۹ - قدری شیرازی و حماسه صفوی. چاپ شده در مجله اورنیتِه مدرنو، ۱۹۷۸.
- ۱۰ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (ترجمه به ایتالیائی) با همکاری سیلویا کورتز، ۱۹۸۰.
- ۱۱ - نقد برج - ک. بروگل، ایران. چاپ شده در مجله اورنیتِه مدرنو، ۱۹۷۹.
- ۱۲ - یادداشت درباره شمس الدین شاهین. چاپ شده در کتاب ر. نوشه (کوله بار) شیخ، ۱۹۸۱.
- ۱۳ - یادداشت درباره چند فصل سیاست نامه. چاپ شده در سالنامه دانشگاه ونیز، ۱۹۸۳.
- ۱۴ - تاریخچه مقاله های استاد اسکارچیا. با یک فهرست از ترجمه های اشعار، چاپ شده در سالنامه دانشگاه ونیز، ۱۹۸۳.
- ۱۵ - نکاتی درباره اسلام در شوروی. مجله اورنیتِه مدرنو، سال ۱۹۸۳.
- ۱۶ - کتابی درباره مشفق. مجله درسه های شرقی و زبان شناسی، ۱۹۸۳.
- ۱۷ - درباره ادبیات فارسی معاصر. مجله درسه های شرقی و زبان شناسی سال ۱۹۸۳.
- ۱۸ - درخت لذتها از ناصر خسرو - امام در مغرب زمین و زمان باز یافته. چاپ شده در سال ۱۹۸۴.
- ۱۹ - ترجمه مقاله محمد نوری عثمان اف از روسی به ایتالیائی و فهرست نام شعر در ادبیات فارسی.
- ۲۰ - مسئله ایران از مصدق تا (امام) خمینی.

□ آقای جورجو ورچلین

استاد زبان افغانی (دانشگاه ونیز) هستند و مسلط به زبان فارسی می باشند.

تألیفات وی:

- (۱) مطالعه بر روی فیروزکوه و شهر داود
- (۲) مشخصات فیروزکوه
- (۳) یک سریدار در تبریز
- (۴) ایوان، مطالبی در خصوص مطبوعات مخالف
- (۵) انقلاب سفید در یک دهه و سال اعلام آن: آمار و ارقام رسمی
- (۶) پدیده ایران
- (۷) کار اجتماعی در ایران از زمان انقلاب سفید
- (۸) ایران، رؤیای قدرت
- (۹) مطالبی پیرامون انقلاب ایران
- (۱۰) مسایل ایران و افغانستان در مورد آبهای رود هیرمند

□ پروفیسور جیانکارلو بولوگنسی

□ پروفیسور جیووانی دونینی

□ ریتا بارگیلی

□ پروفیسور چنگیز داورپناه

□ پروفیسور اسماعیل بیانی

□ پروفیسور فریبا خمسه‌ای

□ پروفیسور حمیدرضا بهارلو

□ پروفیسور نادر تنها

□ کاریو ساکن

□ شرر یوفوتی

□ ماریا کریستینا نیکولینی

- ☐ مارینو فالیرو
- ☐ لوکا بزازینی
- ☐ پروفیسور آگوبیانچی
- ☐ آمبرتو سکرانو
- ☐ سیلویا کورزو
- ☐ آنا ماریاگاتو
- ☐ دکتر کارلو گیووانی کرتیچ
- ☐ دکتر موریزو آلگری
- ☐ دکتر ریکاردو کونتینی
- ☐ دانیل منچینی کرپل
- ☐ فونتاماریا ویتوریا
- ☐ فرانچسکو گالنوتی
- ☐ جورجیو روتا
- ☐ پروفیسور آلفونسودی نولا

فصل دهم

روابط ایران و ایتالیا پس از انقلاب اسلامی

□ روابط سیاسی

روابط ایران و ایتالیا در دوران محمدرضا پهلوی از سطح خوبی برخوردار بود. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، افکار عمومی ایتالیا خصوصاً گروههای چپ به طرف انقلاب اسلامی متمایل شد. حتی گروههای چپ راهپیمایی‌هایی به طرفداری از ایران ترتیب دادند. این تمایلات با گذشت زمان و مشخص شدن مواضع به حق جمهوری اسلامی ایران و تبلیغات مسموم استکبار کاهش یافت. با اینکه احزاب ایتالیا نقش مهمی در ترسیم سیاست خارجی این کشور با جمهوری اسلامی ایران دارند بایستی گفت که سه حزب جمهوریخواه، لیبرال و سوسیال دمکرات، مخالف جمهوری اسلامی ایران می‌نمایند اما مخالفت‌های آنها کمتر در کابینه مطرح می‌شود.

مهمترین مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا در سالهای

گذشته حول دو موضوع قرار داشت:

۱ - جنگ تحمیلی

از همان آغاز جنگ و تجاوز عراق، ایتالیا علیرغم داشتن مبادلات تجاری نسبتاً گسترده با عراق در رابطه با جنگ اعلام بی‌طرفی نمود و بطور کلی از هر اظهارنظر و موضع‌گیری صریح خودداری نمود و هرگونه موضع‌گیری را در چارچوب جامعه اروپا مطرح ساخته بود و در رابطه با فروش اسلحه هم خواستار قطع فروش هرگونه سلاح به طرفین جنگ شده بود، در حالیکه عملاً ساخت ۱۱ فروند کشتی جنگی برای عراق که در سال ۱۹۸۲ امضاء شد، در حال اجرا بود. همچنین شرکتهای ایتالیایی در ساخت لوله‌های نفتی عراق که از خاک ترکیه می‌گذشت نیز شرکت داشتند.

ولی در مجموع، ایتالیا خواهان صلح از طریق گفتگو بود و از هیأت‌های صلح بین‌المللی در این زمینه حمایت می‌کرد.

۲ - ضد انقلاب

ایتالیا محیط مناسبی برای فعالیتهای ضدانقلابیون بوده و هست و احزاب چپ ایتالیا با ضدانقلابیون ایرانی بیشتر در تماس بوده و از آنها حمایت می‌کنند و با بهبود روابط پس از جنگ تحمیلی فعالیتهای گروه‌های ضدانقلاب در ایتالیا محدود شده است.

رویه‌مرفته روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ایتالیا در سطح متعادل قرار دارد و چشم‌انداز گسترش روابط، روشن به نظر می‌رسد.^(۱)

□ مسافرت مقامات دو کشور

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیرغم هرگونه مشکل و روابط

۱- میربهاء: ایتالیا، ص ۴-۲۳۳.

فی مابین مسافرت مقامات دو کشور به کشورهای یکدیگر جریان داشته است که در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱ - سفر سناتور اورلاندو از حزب دمکرات مسیحی در سال ۱۳۶۱. او دیدار دوستانه‌ای در این سال از ایران به عمل آورد. آشنایی او با واقعیت‌های انقلاب اسلامی تأثیر مثبت در روابط فی مابین برجای گذاشت.

۲ - سفر مشاور نخست‌وزیر و رئیس سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰ به ایتالیا.

۳ - سفر وزیر امور خارجه ایران.

۴ - سفر معاون اقتصادی وزارت امور خارجه ایتالیا به تهران در سال ۱۳۶۲ و همتای ایشان به رم در همین سال.

۵ - تدوین برنامه مسافرت وزیر تجارت خارجی ایتالیا در زمستان سال ۱۳۶۶ به ایران که این سفر به تعویق افتاد.^(۱)

□ رولبط اقتصادی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود پیوستن ایتالیا به تحریمهای بازار مشترک اروپا علیه ایران، عملاً در طول زمان تحریم تنگناهای جدی برای ایران ایجاد نکرد.

در بهمن ماه ۱۳۶۰ اولین هیأت رسمی جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه به ایتالیا سفر کرد و در این دیدار رسمی، امکان همکاری دو کشور در زمینه طرحهای اقتصادی فراهم آمد. اولین کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور پس از انقلاب اسلامی در سال

۱۳۶۷ در تهران تشکیل شد و روابط تجاری پس از آن رو به گسترش نهاد.

□ روابط فرهنگی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روابط فرهنگی دو کشور متأثر از روابط سیاسی و اقتصادی بود. اما با این همه نشستهای مشترک علمی و فرهنگی بین استادان ایران‌شناس و مسئولین ایرانی در ایران ایتالیا برگزار شد و در آنها وضعیت آموزش زبان فارسی در دانشگاههای ایتالیا مورد بررسی قرار گرفت.

از ذکر این نکته نباید غفلت ورزید که استاد پیه‌مونتسه در همه حال از بهبود و گسترش روابط فرهنگی و علمی بین نهادهای فرهنگی و علمی جمهوری اسلامی ایران و استادان و محققان ایرانی با هم‌تایان ایتالیایی خود حمایت کرده و موجبات تحکیم و تقویت زمینه‌های همکاری علمی و فرهنگی را فراهم آورده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مراکز ایران‌شناسی در ایتالیا چندین کنگره و سمینار و کنفرانس درباره ایران برپا شد که از جمله آنها می‌توان به نخستین کنگره اروپایی ایران‌شناسی که در سال ۱۹۸۳ در مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور (Ismeo) که ریاست آن را از آن زمان تاکنون گِراردو نیولی برعهده داشته اشاره کرد.

اندیشه انجمن ایران‌شناسی اروپا که نخستین تشکیلات از این نوع بود در جریان همین کنگره مورد قبول قرار گرفت و در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد. این انجمن همچنین از هفتم تا یازدهم سپتامبر ۱۹۸۷ «نخستین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی» را در شهر تورینو برگزار کرد که موضوع آن ادب معاصر ایران بود. از جمله سخنرانان این کنفرانس آقای دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن بود که

سخنان خود را تحت عنوان چند نکته گفتنی و ناگفتنی دربارهٔ ادب معاصر ایراد کرد. همچنین در سال ۱۹۸۹ به مناسبت هفتصد و پنجاهمین سالگرد وفات محی‌الدین ابن عربی کنگرهٔ «بزرگداشت محی‌الدین عربی» توسط مینوریا الیاتا و میشل شودکرویچ در شهر تورینو برگزار شد که تنی چند از ایران‌شناسان از جمله حامد الگار، ویلیام چیتیک، دانیل گریل، رالف استین، جیمز موریس، مینوریا الیاتا، میشل شودکرویچ، مصطفی تهرانی و عثمان یحیی سخنانی ایراد کردند.

در سال ۱۳۷۰ / ۱۹۹۱ نیز کنفرانس «مشرق زمین و معنای تاریخ و تاریخ‌نگاری زبان فارسی» در این کشور برگزار شد که عده‌ای از محققان و ایران‌شناسان ایتالیایی در آن شرکت داشتند.

❑ اعزام اولین گروه دانشجویان ایتالیایی برای بازآموزی زبان فارسی به ایران

یکی از اقدامات مفیدی که در سالهای اخیر در جهت بسط و گسترش زبان و ادبیات فارسی در ایتالیا انجام گرفته اعزام دانشجویان ایتالیایی جهت دانش‌افزایی و بازآموزی زبان فارسی به تهران بود که در این رابطه رایزنی فرهنگی ایران در رم نقش مؤثری را ایفا کرده است. این دوره که به همت مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی برگزار شد و برای اولین بار دانشجویان ایتالیایی به ایران می‌آمدند سرآغاز دوره‌های آموزشی دیگر بود که پس از آن با حضور استادان ایران‌شناس و استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی کشورهای دیگر برپا گردید. (۱)

❑ انستیتو فرهنگی ایتالیا در ایران

- این انستیتو که محل آن در تهران است در شهرستانها شعبه ندارد، در سال ۱۳۳۰ شمسی تأسیس شده و در زمینه‌های زیر فعالیت دارد:
- الف - برای اقلیتهای ایتالیایی مقیم ایران و ایرانیان علاقمند به شناخت فرهنگ ایتالیایی برنامه‌های فرهنگی ترتیب می‌دهد.
- ب - این انستیتو کلاسهای زبان، فرهنگ و تمدن ایتالیایی تشکیل می‌دهد. این کلاسها در سه سطح متفاوت ابتدایی، متوسطه و عالی برگزار می‌شود. دوره کلاسهای مذکور سه ماهه و چهار ماهه است. در این انستیتو، علاوه بر اینها کلاسهای کوتاه مدت و کلاسهای تابستانی نیز تشکیل می‌گردد.
- ج - انستیتو، اطلاعات لازم درباره مقررات مربوط به مؤسسات آموزشی و دانشگاههای ایتالیا را در اختیار دانشجویان ایرانی که مایل به ادامه تحصیل در ایتالیا هستند قرار می‌دهد.
- د - در مورد نحوه ثبت‌نام دانشجویان ایرانی در دانشگاههای ایتالیا، پذیرش تقاضاهایشان و آزمایش میزان آشنایی آنان به زبان ایتالیایی انستیتو با کنسولگری ایتالیا در تهران همکاری می‌کند.
- ه - مراقبت بر توزیع بورسهای دولت ایتالیا به ایرانیان.
- انستیتو فرهنگی ایتالیا در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز فعال بوده و مهمترین فعالیت آن تشکیل کلاسهای زبان ایتالیایی و کلاسهای آموزش سرامیک و نمایش فیلمهای ایتالیایی و برگزاری کنسرت موسیقی کلاسیک ایرانی بوده است.^(۱)

در باب روابط و فعالیت‌های فرهنگی و هنری ایران با ایتالیا هم باید گفت که چندین فیلم کوتاه و بلند و نمایش عروسکی از کارگردانان و

نمایشنامه‌نویسان ایرانی در نمایشگاهها و جشنواره‌های بین‌المللی که در این کشور برگزار شده به نمایش درآمده است که از جمله جشنواره جهانی نمایش عروسکی پولچنای ناپل که گروه خیمه شب‌بازی ایران چند نمایش از جمله «مبارک» را به روی صحنه برد. همچنین یک گروه عروسکی مرکز هنرهای نمایشی در اوایل مهر ۱۳۶۹ در فستیوال بین‌المللی نمایش عروسکی در شهر چروا شرکت کرد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.^(۱)

همچنین کتاب سینمای ایران در ایتالیا که همزمان با بیست و ششمین جشنواره سینمای جدید «پزاروی» ایتالیا منتشر شد. این کتاب آگاهی‌های ارزنده‌ای درباره سینمای ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. در کتاب ۱۶ مقاله از ایران‌شناسان و دست‌اندرکاران سینمای ایران درج شده است. در این کتاب *جووانی* درمه استاد زبان و ادبیات فارسی در مؤسسه شرق‌شناسی ناپل طی مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و غرب موادی برای مقابله فرهنگی»، به بررسی تحولات فرهنگی هنری بویژه در سینمای پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. خلاصه‌ای از سینمای ایران از ابتدا تا سال ۱۹۷۹ و سینمای پس از انقلاب نوشته هوشنگ گلمکانی و گسترش سینمای اسلامی در ایران نوشته حمید نفیسی از سایر عناوین این کتاب است. بخش پایانی این کتاب به مصاحبه با چهار کارگردان ایرانی، بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، محسن مخملباف و امیر نادری اختصاص داده شده که درباره سینمای ایران سخن گفته‌اند.

۵. فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در ایتالیا

۱ - همکاری‌های فعال و دوستانه با گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های رم،

- ونیز، بولونیا و ناپل در زمینه‌های گوناگون
- ۲- تبادل کتاب و ارسال نشریات فارسی زبان به مراکز دانشگاهی
 - ۳- راهنمایی دانشجویان زبان فارسی جهت تهیه پایان‌نامه‌های دانشگاهی
 - ۴- نمایش فیلم فارسی جهت آشنایی دانشجویان ایتالیایی و علاقه‌مندان با زبان محاوره‌ای فارسی
 - ۵- تماس دائمی با اساتید زبان فارسی دانشگاهها جهت گسترش زبان فارسی و آشنایی با کمبودهای آنان در این زمینه
 - ۶- اعزام دانشجویان زبان و ادبیات فارسی به ایران
 - ۷- بررسی طرح ایجاد کلاس آموزش زبان فارسی در رم
 - ۸- برپایی کلاس آموزش زبان فارسی «آزفا»، تألیف دکتر یدالله ثمره
 - ۹- مذاکره با (ایزمثو) پیرامون ایجاد کلاس آموزش زبان و ادبیات فارسی در این مؤسسه
 - ۱۰- ترجمه متون و اشعار ادبی زبان فارسی
 - ۱۱- تدوین یک دستور زبان فارسی برای ایتالیایی زبانها با همکاری ایران‌شناسان ایتالیایی
 - ۱۲- تدوین فرهنگ‌نامه فارسی - ایتالیایی با همکاری ایران‌شناسان ایتالیایی
 - ۱۳- برگزاری دوره بازآموزی زبان فارسی برای اساتید زبان فارسی

❑ ایرانیان در ایتالیا

شمار ایرانیان ساکن ایتالیا تا سال ۱۳۶۵ بالغ بر ۱۲ هزار نفر بوده، ولی منابع غیررسمی تعداد آنان را در حال حاضر بالغ بر ۳۰ هزار نفر برآورد

کرده‌اند.^(۱)

گرایش‌های متنوع و مختلف ایرانیان توسط یک عامل بسیار مهم که زبان فارسی است به هم پیوند می‌خورد و دور هم جمع می‌شوند. از این رو هرجا تجمعی از ایرانیان چهره می‌بندد، خودبخود و بطور طبیعی کلاسهای آموزش زبان فارسی، مدارس، مراکز و آموزشگاههای فارسی‌آموزی، انجمن دوستداران فارسی، کانون دفاع و حمایت از زبان فارسی و سخنرانیها و گردهم‌آیی‌های مربوط به زبان فارسی موجودیت می‌یابند.

امروزه تعداد این مدارس، مراکز و آموزشگاهها در شهرهای مختلف ایتالیا بیش از پیش فزونی یافته و فعالیت‌های آنان رو به رشد نهاده است. در حال حاضر انجمن‌ها، مراکز، مدارس و آموزشگاههایی هستند که به کار علمی، فرهنگی و هنری مربوط به زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی روی آورده‌اند و آموزش، تقویت و گسترش زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی را دستمایه کار خود کرده‌اند. در اینجا آنها را در دو دسته کلی قرار می‌دهیم:

۱ - مدارس و مراکز آموزش فارسی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشش تقاضا برای آموختن فارسی در دهه اخیر بشدت در بین ایرانیان مقیم ایتالیا افزایش یافته و فارسی‌خوانی و فارسی‌آموزی رو به رونق بوده است و در آینده هم این سیر ادامه می‌یابد.

۲ - انجمنها و مراکز فرهنگی و هنری

این مراکز و انجمنها برآنند که از تنزل موقعیت زبان فارسی و انحطاط اخلاقی در بین ایرانیان ساکن شهرهای مختلف جلوگیری کنند. مسلم است که

۱- ویژه‌نامه شماره ۱، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ص ۱۵ و ۹.

بیشتر این مراکز و انجمن‌ها کاری به بازیهای سیاسی گروهک‌های سیاسی مخالف ندارند و هرگونه فعالیت و تلاش آنها صرفاً حول آموزش و گسترش زبان فارسی جریان می‌یابد.

ناگفته نماند که در برخی از این مراکز هم متون و مباحثی به بحث گذاشته می‌شود که گه‌گاه از اندیشه‌ها و مضامین اسلامی خالی است و گرایش به ایرانی‌گری، ملیت و ارزشهای منحط اخلاقی نمایان است. اما با این همه، این مراکز در تقویت زبان فارسی و آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی سخت کوشا هستند.

در اینجا سه انجمن که در ایتالیا به فعالیت می‌پردازند معرفی می‌کنیم:

انجمن فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم ایتالیا

از جمله فعالیتهای این انجمن ساختن مدرسه‌ای در منطقه زلزله‌زده رودبار بوده است. انجمن فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم ایتالیا با همکاری ایرانیان مقیم استکهلم، هامبورگ، زوریخ و وین هزینه‌های ساخت این مدرسه را تأمین کرد و در شهریور ۱۳۷۳ این مدرسه تازه تأسیس را به آموزش و پرورش رودبار تحویل داد. گفتنی است که مهندس نصیراسلامی و محمود دولت‌آبادی به عنوان نمایندگان ایرانیان مقیم اروپا بر ساخت این مدرسه نظارت داشتند.

انجمن فرهنگی ایران باستان

این انجمن محدوده فعالیت‌های علمی خود را ایران پیش از اسلام تخصیص داده و با انتشار جزوات و برپایی جلسات سخنرانی عده‌ای را بدور

خودگرد آورده است.

گروهی از ایرانیان وطن‌دوست این انجمن را پایه‌گذاری کرده و در آن به مسائل مربوط به ایران علاقه‌نشان می‌دهند و سعی دارند پیوند ایرانیان مقیم ایتالیا را با ایران و فرهنگ و زبان مستحکم گردانند.

▣ گردهمایی‌های زبان فارسی

در دو دههٔ اخیر از سوی ایرانیان مقیم ایتالیا و استادان زبان و ادب فارسی و ایران‌شناسان و مراکز ایران‌شناسی و بخشهای زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های ایتالیا بخصوص از سال ۱۳۷۰ به بعد، گردهمایی‌ها و سخنرانیهای بیشماری دربارهٔ زبان فارسی، نحوهٔ آموزش زبان فارسی، فارسی‌آموزی دانش‌آموزان دوزبانه، بزرگداشت مشاهیر ادبی ایران، تغییر خط فارسی برگزار شده است. مسلم است که این جلسات به بهبود وضعیت فارسی و تقویت جایگاه آن در بین ایرانیان و مراکز ایران‌شناسی مدد خواهد رسانید و از افول و زوال آن جلوگیری خواهد کرد.

▣ نشریات فارسی زبان در ایتالیا

بیک‌کار

محل انتشار: رم

ترتیب انتشار: ماهنامه

سال تأسیس: ۱۳۶۰

جمهوری

محل انتشار: فلورانس

ترتیب انتشار: ادواری

سال تأسیس: ۱۳۵۹

رزم دانشجو

محل انتشار: تورینو

سال انتشار: ۱۳۶۰

□ انتشار کتاب فارسی در ایتالیا

در سالهای گذشته در این کشور کتابهای بسیاری به زبان فارسی نشر یافته که شماری از آنها مربوط به ایران‌شناسان و استادان زبان و ادبیات فارسی و تعدادی از آنها هم از آن ایرانیان مقیم ایتالیاست. از کتابهای فارسی که به دست ایرانیان انتشار یافته آگاهی از ناآگاهی است از آقای محمد خوش‌خلق و کتاب منتشر شده از سوی ایرانیان کتاب صدای پای آب اثر آقای ریکاردو زیپولی است.

فهرست اعلام

نامهای کسان

آپولیناروس، سیدونیو	۳	آلتوم	۱۹۹
آجودانباشی، حسین خان	۱۲۱	آلگری، موریزو	۳۸۳
آده، ویلیام	۳۵	آلوپن	۳
آربری، ا.ج.	۳۷۲، ۶۵	آلیگیری، دانته	۱۶، ۱۵، ۱۴، ۲۸۳، ۲۱۲
آرکولانو، جووانی	۲۱۳	آمادوا، پاتر	۵۹
آرمنو، کریستوفرو	۲۰۲	آماری، میکل بننوگیتانو	۲۲۱، ۲۲۰
آزاده	۸۲	آمورتی، اسکارچیا	۲۸۸، ۲۷۳
آسکولی	۹۵	آنا ماریا	۲۲۷
آسمیلی، دیه‌گو	۱۷۸	آنتونی‌نی، سیلوی	۲۴۳
آغاسی، حاجی میرزا	۹۴	آنجلو	۶۲
آغ‌گون، ناهیت اولوی	۳۳۸	آنجلی	۱۷۸
آقارضا	۶۴	آنجیوللو، ماریا	۴۸، ۴۷، ۴۶، ۲۹۳، ۲۸۴
آقاسید حسین ← سیدحسین روضه خان		آندره‌ئینی، انریکو	۱۱۳، ۱۱۲، ۹۳، ۳۵۳
آقامحمدزمان	۷۸، ۷۷، ۶۷		۹۳، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴
آق‌قویونلو، اوزن حسن	۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶	آندره	۱۰۹
	۴۷، ۴۸، ۵۰، ۷۰، ۷۶، ۷۷، ۹۳، ۲۹۱، ۲۹۳	آندره‌نی	۱۱۰
	۲۱۴		
آل‌احمد، جلال	۲۰۶	«f»	
آلبرتو	۱۰۱	اباقاخان	۲۷، ۲۳، ۲۱، ۱۰۱، ۱۰۰، ۱۱۷
آلیگو، آندرا	۲۲۰	ابراهیم	۳۳۶

۳۳۵	اسدی طوسی	۲۲	ابن بطوطه
۳۳۶	اسعد گرگانی، فخرالدین	۲۶۹	ابن حسام
۸۱	اسعدی، مرتضی	۲۲۶، ۲۱۲، ۴۳، ۳۵، ۱۶	ابن رشد
۲۸۹، ۲۶۹، ۳۶۹	اسکارچیا آمورتی، بیانکا ماریا	۸۳، ۸۶، ۸۳، ۴۳، ۳۵، ۱۵، ۱۱	ابن سینا ۱۰، ۱۰۹، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲
۲۷۳، ۲۸۸، ۳۶۴	اسکارچیا، جان روبرتو ۱۷۱، ۱۸۹، ۲۶۹	۳۷۳، ۳۵۸، ۲۹۵، ۲۸۴، ۲۶۸، ۲۳۳، ۲۲۵	
۲۷۴، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۱۹	اسکیانو، ماریا	۲۳۲، ۳۸۹	ابن عربی، محی الدین
۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۰۷، ۲۶۵	اسلامی ندوشن، محمدعلی	۲۲۱	ابن کلیبی
۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۵۳	اسلامی نصیر	۹۸	ابن مقفع
۳۷۸، ۳۵۴	اسلیج	۲۶	ابوالفداء
۱۰۰، ۳۱	اسکندر مقدونی	۲۲۳	ابوالفرج اصفهانی
۵۷	اسکیانو، ماریا	۳۳۵، ۴۲، ۴۰، ۳۹	ابوسعید خان
۳۸۸	اسلامی ندوشن، محمدعلی	۲۳۲	ابی بکر زبیدی
۳۹۴	اسلامی نصیر	۲۱۹	ابی سینی، تومازو
۵۴	اسلیج	۱۶۶	اته
۳۳۸	اسماعیل	۲۱۸	احمد بن زین العابدین اصفهانی
۱۹۷، ۱۹۶	اسمیرالدینا	۷۰	ادوارد دوم
۳۲۳	اشپولر، ب	۳۳۸	ادیل بوغلو
۹۴	اشپگل	۱۵	ارد اویراف
۱۰۶	اشرف خان مهندس	۲۳۲	ارسطو
۳۲۲	اشرفیان، ک.ر.	۳۴۳، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۴	ارغون شاه
۲۷۶	اصطخری		ارکولانی ← آرکولانو
۲۰۶	اصغری، حسن	۲۸۸	ارتلو، آلفردو
۹۲	اصفهانی، صابر	۳۲۲	ارونوا، م.د.
۱۲۱، ۱۲۰	اعتصام الملک، میرزا خانلرخان	۳۳۸	اریکین
۱۱۰، ۱۰۶	اعتماد السلطنه	۳۳۵	ازرقی
۳۱۱، ۳۰۷، ۲۹۵، ۱۲۲، ۶۸	افشار، ایرج	۲۸۴	اسپگارو
۳۱۲		۲۸۰	استریکا، و.
۳۰۳	افشین	۸۰	استفان پنجم
۳۰۹، ۲۷۱، ۲۶۸	اقبال لاهوری، محمد	۳۸۹	استین، رالف
۳۷۵، ۳۷۱، ۳۶۹، ۳۷۳، ۲۰۵، ۲۰۴		۳۰۸	اسمچراتو، م
۱۹۳	اقتداری، آرزو	۶۲، ۶۱	اسد بیک کرکیراف

۲	اوید	۲۸۵، ۸۶، ۸۳	افلیدس
۶۰	ایزاک، ژول	۲۰۲	اکو، امبرتو
۲۷۹	ایلخانی، ارغون	۱۱	اکیناس، توماس
۲۸۵	اینگناتو	۷۱، ۲۸۴	اگزاویه، ژروم
۲۷۶	اینورنیستی، آ.	۲۱۴، ۲۸۶، ۵۴، ۴۷	الساندری، وینچنزو
		۲۹۶	الصمعانی، سیمون
	«ب»	۶۸	الکردی
	باربارو، جوزافات ۲۱۲، ۲۹۱، ۴۵، ۴۶، ۵۰	۲۹۱	الکساندری
۱۶		۳۸۹	الگار، حامد
۳۳۶، ۲۹۰، ۲۰۵، ۱۹۴	باباطاهر عریان	۳۰۳	المعتصم
۳۰۳	بابک	۳۸۹	الباتا، مینوریا
	باتیستا ← رایموندی	۳۷۴	امام حسین (ع)
۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴	باربارو، کنتارینی	۲۰۶	امامی، غلامرضا
۵۸، ۷۵	باربرینی، فرانچسکو	۴۲، ۹۵	امانوئل، ویکتور
۱۰۰	بارتولومه، کریستیان	۳۳۸	امره، یونس
۳۲۱	بارجیلی، ریتا	۱۱۰، ۱۰۸	امیرکبیر
۵۹	بارد، هانری	۲۹۳	امیری، منوچهر
۲۸۸، ۲۶۹، ۳۸۲	بارگیلی، ریتا	۳۳۴	امیلیا، رجو
۷۲	باریجو		امین الدوله ← فرخ خان غفاری
۲۳	باسیلیوس	۱۰۷	امین السلطان
۳۶۳	بافیونی، هانم	۱۱۱	امین الملک، فرخ خان
۱۱۱	باقر خان	۳۳۶	انصاری، میرزاخان
۳۳۸	باقی	۳۳۵	انوری
۲۹۱، ۲۸۴، ۵۳	بالبی، گاسپارو	۷	انوشیروان
۳۷۱	بالشر	۳۹	اوجی، توماس
۳۷۲	بتی، چستر	۲۱۱، ۳۷، ۳۶، ۳۴	اودریکو
۲۹۵	بچکا، پرژی	۳۶۴، ۲۶۵، ۲۴۸، ۲۴۵، ۸۸	اورسانی، پائولا
۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۱۸	بدوی، عبدالرحمن	۳۸۷	اورلاندو
۲۳۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۶، ۲۲۴		۴۱	اوزبک خان
۲۰۰، ۱۹۹	براک	۳۹	اولجیاتو
۲۰۶	برتون، آندره	۱۳۱	اولی، فیند
۲۹۰، ۲۰۶، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷	برتونی، فیلیپو	۲۸۶	اوور

۳۱۲، ۲۶۴	بوسورث، کلینوز دادموند	۹۳	برجه، گوانیمو
۱۹۷	بوسونی	۲۴	برصوما
۲۶۶	بوکالی	۱۸	برکه
۳۸۲	بولوگنسی، جیانکارلو	۳۵۲	برکیوی، بشونید
۳۱۱، ۳۰۸، ۲۷۱	بومباچی، آلسیو	۴۸	برگر، شیلد
۲۲۳، ۹۴، ۳۷۱، ۹۴	بونلی، لونیچی	۲۴۴، ۲۴۲	برناردینی، میکله
۳۸۰	به آذین	۲۰۵، ۱۹۴	بروجردی، آزاد
۳۶	بهادرخان، ابوسعید	۲۴۱	برهان هدی، م.ا.
۳۸۲، ۳۰۴، ۲۴۵	بهارلو، حمیدرضا	۱۹۹، ۱۹۶، ۱۹۵	بریگلا
۱۶۹	بهبودی، محمدعلی	۱۸۸	بریلن، م
۲۰۳، ۱۹۷، ۸۲، ۸۱	بهرام گور	۳۸۳	بزازینی، لوکا
۶۱	بیات، حسینعلی بیک	۳۳۶	بسمل محمد (افغانی)
۲۷۵، ۳۰۷، ۳۸۳	بیانچی، آگو	۲۸۷	بغدادی، عبدالقادر
	بیانکی، اوگو ← بیانچی	۲۱۲، ۱۶	بقراط
۳۸۲	بیانی، اسماعیل	۳۶۳	بکا، جیری
۲، ۴	بیانی، شیرین	۲۶۶	بلاردی
۳۲۳	بیچکوا، واداکو	۱۸۷	بلوری، پیترو
۲۷۰، ۲۴۶، ۲۶۸	بیدل دهلوی، عبدالقادر	۳۲۲	بلیایف، ا.آ
۳۳۶		۲۰۵، ۳۲۱	بلینجری، جامیرو
۶۵	بیرشک		بمباچی ← بومباچی
۳۵۸	بیرونی	۱۰۱	بوبناچی، المسیو
۲۸۵، ۲۱۵، ۴۹	بیزاری، پیترو	۳۵۴	بودن که پانی، ب.
۱۶۸، ۱۶۶	بیژن	۲۷	بوراق
۳۹۱	بیضایی، بهرام	۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹	بوزانی، الساندرو
۳۰۵	بییقی، ابوجعفر احمدبن علی	۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲	
		۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲	
		۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۲، ۳۷۸، ۱۰۳، ۲۴۱	
	پاثولو زمان ← آقامحمدزمان	۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱	
۱۷	پاپ اوربان چهارم	۲۷۲، ۲۷۳، ۳۰۹، ۳۱۱، ۲۸۷، ۲۸۸	
۲۱۶، ۷۵، ۷۳، ۵۶	پاپ پل پنجم	۲۸۹، ۳۲، ۳۲۰، ۳۱۱۹، ۳۲۹، ۳۵۱، ۳۵۷	
۸۰	پاپ پل سوم	۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲	
۷۰	پاپ پی پنجم	۳۷۲	

«پ»

۳۱۰، ۲۶۳	پهلوی	۳۵۳	باب بیونهم
۱۲۷	پهلوی اول	۷۰	باب کلیمان پنجم
۱۵۲	پهلوی، فرح	۷۰	باب لئون دهم
۳۸۵	پهلوی، محمدرضا	۱۸۲	پاسکال
۲۴۴	پیاچنیتی، والریافیورانی	۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵	پاسکولی، جوانی
۳۷۶	پیامبر اکرم (ص)	۳۳۸	پافلونسکی، نیکیفور
۲۷۹	پیاچنیتی، والریا فیورانی	۳۰۷، ۳۶۸، ۳۰۸، ۲۶۶	پالیارو، آنتونیو ۱۰۰۰
۲۲، ۱۷۸، ۱۰۲، ۹۷، ۹۶، ۹۵	پیتزی، ایتالو ۹۵	۳۷۴	
۲۲۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۵۹، ۱۶۰		۲۴۳	پانائینیو، آنتونیو
۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸		۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵	پانتالونه
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۴۵		۱۰۰	پنازونی، رفائله
۲۶۶	بیزانی	۲۱۱، ۳۶، ۱۳	پترارکو، فرانچسکو
۳۷۹، ۳۷۸، ۲۸۹، ۳۲۱	پیستوزو، مائوریتزیو ۳۲۱	۲	پراپرتیوس
۲۷۰		۲۳	پراتو، ژراردوفن
۱۸۹	پیگنوتی	۳۵	پروجیایی، فرانکوس
۹۷، ۵۰، ۴۴	پیه مونته، آنجلو میکله ۴۴	۳۶۴، ۲۵۳، ۲۴۴، ۲۶۵	پروواسی، الیو
۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۶، ۸۴، ۸۲، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۱		۳۳۶	پژواک
۹۲، ۱۹۳، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۶۰، ۳۰۳، ۳۰۲		۱۱۲، ۱۱۰	پشه، لونیجی
۲۸۸، ۲۹۰، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۵۰، ۳۵۱		۳۹	پگولتی، فرانچسکو دی بالدوچیو ۳۸
۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۷		۲۸۳، ۲۱۲	
۱۰۱، ۱۰۲، ۱۹۶، ۱۷۰، ۳۰۵، ۲۱۶، ۲۳۵		۷۵	پل دی
۲۳۶، ۲۵۴، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰		۶	پلوت
۳۰۸، ۳۴۰، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹		۱۱۲	پلو، گازر
۳۷۸، ۳۸۸		۳۰۴	پنبیاتی
		۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۵	پوچینی
«ت»		۹۰	پودستا، ج. ب.
۶۶	تادئوس، جوانی	۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸	پولو، مارکو ۱۷
۲۴۳	تاده‌ای، مارتیسو	۳۶، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶	۲۴، ۲۵
۱۹۹، ۱۹۵	تارتالیا	۳۵۷، ۲۹۱، ۲۱۱، ۲۱۰، ۱۷۰، ۱۳، ۴۱، ۴۰	۳۷
۳۳۰	تاردی، مائوریتزیو	۱۸، ۱۷	پولو، مافتو
۲۵۵	تالیانی، فرانچسکو	۱۸، ۱۷	پولو، نیکولو
۵۴	تانی، آنتونیو	۳۴۸، ۳۴۹	پودیولی، ماریا کریستینا

۳۳۸	جبلّی، جعفر	۵۴	ناورنیه
۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۷۵	جرالد، فیتز	۲۶۹	تبریزی، میرزا آقا
۱۹۱		۱۰، ۹	تجویدی، اکبر
۸۸	جسو، اینبازبودی	۳۳۶	توسونزاده، میرزا
۲۹	جفتای	۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵	تروفالدینو
۳۳۶	جلال الدین رومی	۴۰۴	ترسیونی، آنجلو
۱۰۹	جلفایی، میرزا یعقوب	۲۹۲، ۲۸۴	تزیو، مانو
۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵	جمالزاده	۲۹، ۳۵	نکودار، احمد
۲۴۴	جنینو، برونو	۹۲، ۹۰	نکو، رمالدو
۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۶، ۳۵	جوادی، حسن	۲۰۶	تنکابنی، فریدون
۲۱۶، ۲۱۴، ۲۱۲، ۵۲، ۵۱، ۴۸، ۴۷، ۴۲		۳۸۲، ۲۴۴	تنها، نادر
۲۱۸		۱۰۳، ۳۴۱، ۳۵۳، ۳۱۰، ۳۳۰	توچی، جوزیه
۳۳۶	جواهری	۳۱۴، ۳۱۳، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۳۴	
۲۹۲	جونز، ویلیام	۳۱۳	توچی، م.
۲۸۰	جینتو، ب.	۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۷	توراندخت
۲۱۷، ۵۶	جیونویدا، سیتی مانی	۲۰۱، ۲۰۰	
۲۸۴، ۵۲	جیویو، پائولو	۲۶۵، ۳۷۷، ۲۴۳	توزی، مائوریزو
		۳۳۷	توللی
		۳۸۹	تهرانی، مصطفی
	«ج»	۲۰۱	تیک
۵۵، ۹۰	چمچلیه، لئوناردو دی سی	۲۸۵، ۷۶	تیگزیرا
۲۸۹، ۲۶۹	چراتو، ل.	۳۱۳	تیلیا، ا. ب.
۲۴۲	چرتی، کارلو	۲۱۳، ۱۹۹، ۴۹، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۳۵	تیمور
۲۳۲، ۱۰۲، ۱۰۱، ۳۰۸، ۱۴	چرولی، انریکو	۲۱۵	
۲۸۹، ۲۷۰، ۲۶۲، ۲۳۳			
۳۳۸	چلبی، حالت		«ث»
۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۷، ۱۹۶	چلکوفسکی	۳۹۲	ثمره، یدالله
۳۲۱	چنا، مارکو		
۳۴۱، ۳۴۲	چننینی فیورانی، والریا پای		«ج»
۲۰۶، ۲۰۵	چوبک، صادق	۹۷، ۱۰۲، ۹۷	جامی، عبدالرحمان
۲۵۶	چیاسکا، رافائله	۳۳۶، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۰۵، ۲۶۹، ۱۶۶، ۱۶۵	
۳۸۹	چیتیک، ویلیام	۳۳۸	جان‌سور

۲۵۳، ۳۸۲	خمسه‌ای، فریبا	«ح»	
۳۳۶	خوئی	۷۱	حائری، عبدالهادی
۱۶۶، ۲۱۱	خواجه حافظ	۱۹۵	حاجی
۶۵	خواجه شاهوار	۶۵	حاجی عوض تبریزی
۶۴، ۶۳	خواجه صفر	۹۴	حاجی میرزا آغاسی
، ۸۶ ۸۴ ۸۳	خواجه نصیرالدین طوسی	۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳	حافظ ۳، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷
۲۸۹، ۲۸۵		۳۴۴، ۳۳۶، ۳۳۱، ۳۰۹، ۲۷۰، ۲۴۶، ۱۸۸	
۲۸۸	خواجه نظام‌الدین احمد	۳۷۰	
۲۸۹، ۲۷۰	خواجه نظام‌الملک	۳۳۸	حالیجی، فیضی
۵۹	خواجه نوری، فتحعلی	۳۰۵	حبیب‌الله بن محمد بن اردشیر
۳۱۵	خواجه نوری، هومان		حسن بیک ← اوزن حسن
۶۳	خواجه یادگار	۱۷۶	حسن صباح
۳۳۸، ۲۸۳، ۱۱، ۳۵۱	خوارزمی، محمود	۳۳۶	حسین‌زاده
۳۵۵	خواندمیر	۵۹	حسین علی بیک
۳۳۶، ۲۰۵	خوشحال خان ختک	۳۷۴	حضرت علی (ع)
۳۹۶	خوش‌خلق، محمد	۶۳	حضرت مریم
، ۲۲۲ ۱۹۱ ۱۸۳ ۱۸۲ ۳۰۵	خیام، عمر	۵۹	حضرت معصومه
۲۶۸، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۳۶، ۲۳۵		۳۳۸	حکمت، ناظم
		۳۰۵	حلیمی
	«د»	۳۳۶	حیدر نیشان، محمد
۱۹۱	داتودی، یاکوپونه		
۳۱	داریوش سوم		«ذ»
۲۸۳، ۲۰۹، ۱۰	داکرمونا، گرادو	۳۳۶	خاقانی
۳۹	دالفینو، میکهله	۲۹۸، ۸۵	خالقی مطلق، جلال
۶۲	دامیراندا، دیه‌گو	۳۳۶	خانلری
۳۰۹	دانتِه	۳۰۵	خاویر، جیرولامو
۲۱۰	دانزو، شارل	۳۳۶	خجندی، کمال
۳۳۶، ۲۷۰	دانش، احمد	۱۲۰، ۱۱۸	خدایو جم، حسین
۲۰۶	دانشور، سیمین	۱۶۸	خسرو
۱۷۵	دانوفزه‌بو	۲۱۲، ۱۶	خشاری‌اشا
، ۲۴۹ ۲۴۸ ۲۴۷ ۲۴۵	داورپناه، چنگیز	۸۴	خطیب مولوی
۳۸۲		۳۳۶	خلیل

۳۹۴، ۲۰۶	دولت آبادی، محمود	۲۸۷	داویدبو، ماسیمو
۷۲	دولمباردی، آلن	۵۰	داوینچی، لئوناردو
۱۱۴	دوناتو، الساندرو دواجه دی	درمه، جوانی ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۶۵، ۲۶۹	
۳۷۵	دونکن، یوناتان	۳۹۱، ۳۵۴، ۳۴۰، ۳۳۹، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۹۴	
۳۸۲	دونینی، جیروانی	۲۰۴، ۲۰۳	
۹۴	دیوینچنتیس، گراردو	۳۱۲	درویش محمد خان قاضی
۱۷۶، ۱۷۵	دهبوزیر، آدلفو	۵۴	دسانتاماریا، جوزفه
۳۳۶، ۲۰۵	دهمخدا	۴۵، ۲۱۴	دسپینا، کاترینا
۳۳۶	دهزان محمد (افغانی)	۱۹۴	دستگردی، وحید
۲۰۲، ۸۲	دهلوی، امیرخسرو	۳۷۰، ۳۳۶، ۱۶۵	دقیقی
۲۶۸	دهلوی، غالب	۲۲۲	دکارت
۱۰۱	دهویلارد، اوگومونره	۱۸۳، ۱۶۷	دکتر فروغی
۵۵	دی سنت جوزفه، فولجنزیو	۸۲، ۸۱	دلارام
۲۹۱، ۲۸۷	دی لنا	۱۹۱	دلاکروچه، جوانی
۴	دیوکلسن	۵۹	دلاند، دولیه
		۸۹، ۷۴، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴	دلاواله، پیترو
	«ذ»	۱۸۴، ۱۸۳، ۳۵۷، ۲۹۲، ۲۸۵، ۸۹، ۱۰۱	
۲۵۱	ذکیان، بوقوس	۲۱۷، ۲۱۶، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶	
		۲۳۲، ۲۲۸	دلاویدا، جورجیو
	«ر»	۲۲۱	دلاویدا، لوی
۲۸۷	رائوسانی، ا.	۲۲۸	دوانی، علی
۲۹۴	رادفر، ابوالقاسم	۲	دوبواز، نیلسون
۳۵۸، ۲۸۳، ۱۱	رازی	۷۵	دودی یو، لویی
۱۲	راسیز، سن فرانسوا	۹۳	دوریا، ج
	راسیزی، سن فرانچسکو ← راسیز	۲۸۵، ۷۵	دوژزو، ایگناس
۳۵۹	راماجی، الساندرو	۳۳، ۳۴	دوژیزولف، بوسکارل
	راموزیو ← راموسیا	۷۵	دوسنت الیزه، ژان تادیس
۲۱۴، ۴۴	راموسیا، جوانی باتیستا	۴۱	دوکارینی
۲۹۲، ۲۸۴	رانچینوتو، لوتیجی	۲۶۰	دوکسانی، ژاک
۵۳	راورتنی	۳۵۷	دوکنتی، نیکولو
۲۱۹		۴۲	دوگاما
		۶۱	دوگوه آ، آنتونیو

۲۴۲	رونکونی، فیلیپانی	۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴	رایموندی، جوان بانستا
۳۰۹	ریپکا	۸۷، ۸۶، ۸۸، ۸۴	
۲۷۶	ریکاردی، ورونکو	۳۵۴	رایموندی، جی.ب.
		۳۳۸	رب غوزی
	«ز»	۳۶۴، ۲۹۰، ۱۹۴	ربه کی، گابریل
	زاتی ← زتی	۲۸۹	رجب نیا، مسعود
۲۸۸، ۲۸۷، ۱۸۱، ۱۰	زازارتا، الساندرو	۳۳۶	رحیم زاده
۱۰۹	زتی	۲۱۹	رزاریو، گریگور
۲۷۷، ۲۷۵، ۱۰۰، ۲۵	زرتشت	۲۸۶، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۶۴	رستم
۳۰۸	زریاب خوبی، عباس	۱۴	رسول اکرم (ص)
۳۳	زغان	۱۵، ۳۳۷، ۱۹۴	رشید یاسمی
۱۶۶	زلیخا	۲۵۵	رضا الهی، فاروق
۲۹۸، ۸۴	زمخشری	۳۵۰، ۲۸۸، ۲۴۳	رضا، رحیم
۱۸۸	زنده رودی، حسین	۱۲۸	رضا شاه
۲۹۲	زنو، آنتونیو	۶۹	روبنس
۲۸۴، ۲۱۴، ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۴	زنو، کاترینو	۷۳	روتا
۲۹۳، ۲۹۲		۳۸۳	روتا، جورجیو
۲۴۹، ۲۴۵، ۲۰۵، ۱۹۰	زیبولی، ریکاردو	۴۹، ۲۸۴، ۲۱۵	روتا، جوانی
۲۵۱، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۳۱، ۳۳۲		۲۱۱، ۷۶، ۷۲، ۱۴	روحبخشان، ع
۳۰۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۹۶		۳۳۶	رودکی
۱۰۶	زین العابدین خان	۲۹۶	روزن، ویکتور
۸۸	زیودی جسو، اینیا	۹	روژه اول
		۲۸۳، ۹۰۸	روژه دوم
	«ژ»	۱۶۸، ۲۴۴، ۲۴۲	روسی، آدریانو والرینو
۷	ژوستی لیانوس	۳۶۰، ۲۸۹، ۳۶۸، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۴۱	
		۳۶۱، ۱۰۱، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵	روسی، اتوره
		۳۶۸	
	«س»		
۲۹۴	ساتون، الول	۳۶۰	روسی، الیانو
۳۳۸	ساتیلفونوف، توکتو	۳۰۴، ۲۹۳	روشنی، قدرت الله
	ساتی ← زتی	۲۸۷، ۱۷۵، ۱۶۴	روگاری، ویتوریو
۲۰۰	ساجی، آنتونیو	۲۸۶	
۳۰۴	ساریونه، کاردینال	۲۲۴، ۲۲۳	رولاندو

۶۹	سولیس، ویرزیل	۲۰۶	ساعدی، غلامحسین
۱۶۸	سهراب	۳۸۲	ساکن، کاریو
۱۰	سهروردی	۱۷۰	سام
۱۹۵	سیاه دلک	۵۴	سانتی، دومنیکو
۸۴	سیداحمد بن مصطفی	۲۸۴، ۲۱۶، ۲۱۵، ۵۱، ۵۰	سانودو، مارین
۱۲۴، ۱۲۳	سید حسین روضه خان	۳۵۲	ساوپ، چی بر
۲۹۶	سیمون الصمعانی	۳۳۶	سایه جمال
۷۳، ۶۵	سیمون، پل	۱۷۸	سپریتین، ماریو
		۲۰۴، ۲۴۴	سجادی، سیدمنصور
	«ش»	۳۱۴	سراتو
۳	شاپور اول	۱۲۵، ۱۲۴	سرن، کارلا
۶۰	شادمان، فخرالدین	۳۲۱، ۲۰۵	سرنالویی، لوچا
۲۱۵، ۱۰۲، ۲۷۱	شاه اسماعیل صفوی	۵۳	سزار، فردریک
۵۹، ۵۳، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۴، ۲۸۸	شاه عباس اول		سطی ← زتی
۳۷۴، ۷۳، ۶۸	شاهزاده خلف	۳۰۶، ۲۹۸، ۲۶۹، ۲۴۶، ۱۹۰	سعدی ۱۸۹، ۱۸۹
۲۰۰، ۱۹۹	شاه سلطان حسین	۳۷۰، ۳۶۳، ۳۳۶، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۶	سعید
۵۵، ۵۴	شاه سلیمان	۳۳۶	سعید حامد
۷۸	شاه طهماسب صفوی	۳۸۳	سکراتو، آمبرتو
۵۲، ۴۷، ۲۱۶، ۳۲۹	شاه عباس اول	۴۷	سلطان سلیم
۳۰، ۲۹۲، ۲۸۵، ۲۱۷، ۱۸۶	شاه عباس دوم	۷۷	سلطان عثمانی
۷۶، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۵۶	شاهی سبزواری	۹۲	سلطان محمد فاتح عثمانی
۲۹۶	شاهین	۳۳۶، ۳۱۱، ۱۰۱	سلطان مسعود سوم
۷۸، ۷۷، ۷۳، ۶۸، ۶۷	شرلی، آنتوانی	۳۳۶	سلیمان
۸۶	شزو، ای مه	۲۸۵	سمرقندی، تورانشاه
۳۳۶	شفا، شجاع الدین	۸۴	سمرقندی، شرف الدین
۳۵۵، ۲۸۰، ۳۶۴	شیرلی، آنتوانی	۱۰۱	سمونتا، بونو
۶۱	شیرلی، آنتوانی	۲۹۳	سمیعی، غلامرضا
۲۸۵، ۷۵	شیرلی، آنتوانی	۳۳۶، ۳۰۹، ۲۷۰، ۱۵	سنایی غزنوی
۱۶، ۱۲، ۱۱، ۸، ۴، ۳، ۲	شیرلی، آنتوانی	۵۴	سنت کاترینا، ماریا
۱۵، ۵۰، ۹۶، ۹۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۵۵، ۲۵۷	شیرلی، آنتوانی	۳۳۶	سوداه
۳۰۹، ۲۹۶، ۲۹۳، ۶۶	شیرلی، آنتوانی	۲۳	سوروس
۴۶	شیرلی، آنتوانی		

۳۳۸	عبدالحق، حمید	۲۰۱	شلگل
۳۰۶	عبدالرحمان بن عبدالرحمان الانکوری	۱۲۰	شمندر
۲۹۸	عبدالصمد	۳۸۹	شود کروچ، میشل
۲۰۴	عبدالقادر بیدل	۳۰۶	شوکت بخارائی
۱۷۷	عبدل	۳۳۶	شهریار
۲۸۸، ۲۶۸، ۲۴۱، ۲۰۳	عبیدزاکانی	۲۱۷	شیپانو، ماریو
۲۷۶	عدینی، ا.	۳۳۵	شیخ عطار
۳۳۶	عراقی	۱۱۰	شیل
۱۰۴	عرفانیان، غلامعلی	۱۹۷	شیلر
۳۴۴	عرفی	۱۸۳، ۳۷۳	شیمل، آن ماری
۲۰۵	عشقی		
عطار نیشابوری ۳۰۲، ۳۰۵، ۱۰، ۹۰، ۱۹۳،		«ص»	
۲۸۹، ۳۰۹، ۳۰۰، ۲۷۰، ۲۴۷، ۲۴۶، ۱۹۴		۳۴۷، ۳۴۵، ۳۳۶، ۲۷۰، ۲۰۵	صائب تبریزی
۳۳۸	عطایی	۳۳۸	صابر
۱۸۶، ۱۸۴	علایی حسینی، مهدی	۲۹۳	صحبی، حبیب الله
۳۲	علاء الدین	۱۶۸	صدیقی
۳۳۸	علم جان، حامد		صفرشاه ← شفرسا
۶۵	عماد		صوفی ← شاه اسماعیل اول
عمر خیام ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵،		۳۳	صوما، ریان
۳۵۴، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶			
۳۹	عملق		«ط»
۲۰۶	علوی بزرگ	۷۵	طاووس، ژاک
۳۳۶، ۳۱۱، ۲۰۵	عنصری	۳۳۷، ۳۰۵	طبری
	عیسی مسیح (ع) ← مسیح	۲۷	طفرل
۳۳۵	عینی	۸۶، ۸۴، ۸۳	طوسی، خواجه نصیرالدین
		۲۲۷، ۸۸	
«غ»			
۳۹، ۲۷، ۲۱، ۱۹	غازان خان		«ع»
۲۸۸	غازی، درویش محمد خان		عاملی اصفهانی، سیداحمد بن العابدین
۳۳۶	غالب	۸۹	علی
۲۱۱، ۷۴، ۷۱، ۷۰	غروی، محمد	۱۰۶	عباسقلی خان
۲۸۳، ۱۱	غزالی	۱۱۰، ۱۰۶	عبدالحسین خان

۱۱	فرغانی	۳۳۶	غفار، میرزایف (تاجیک)
۱۹۱	فروزانفر، بدیع الزمان	۱۲۳ ۷، ۱۲۱، ۱۰۷	غفاری، فرخ خان ۹۲، ۱۰۷
۶	فروغ، مهدی	۹۲	
۳۳۶	فروغی بسطامی		
۳۰۸	فروهوشی، بهرام		«ف»
۳۳۸	فضلی	۲۲۴	فؤاداول
۳۳۸	فضولی	۲۷۹	فابی‌یتی
۲۴۶	فغانی	۹۲	فاتح عثمانی، سلطان محمد
	فکانه ← فوکه‌تی	۲۳۲، ۲۱۰	فارابی
۱۲۱	فکتی صاحب	۲۸۷	فاروفینی، فولیا
	فکتی ← فوکه‌تی	۲۲۱	فارینی
۱۰۴	فلور، و. م.	۳۸۳	فالبرو، مارینو
	فورته، کنت مونه ← فرت	۱۱۲	فانیان، خسرو
۳۳۸	فورکات	۱۲۱	فتاحی، فتح‌الدین
۲۲۱	فورلانی	۶۳، ۶۲	فتحی بیک
۲۷۹	فورنارا		فتکی ← فوکه‌تی
۱۱۱، ۱۰۹	فوکه‌تی	۸۲	فتنه
۱۰۰	فولارنی	۱۲۳	فخرالملک
۱۰۸	فووریه	۱۲	فخرفارسی
۵۴	فیاندرا، آنتونیودی	۲۴۳	فرارو، فلیچتا
۲۸۸	فیتز جرالند	۲۸۵	فرارینی، کریستوفر
۳۶۵، ۳۶۳، ۲۶۹	فیلیپانی رونکونی، پیو	۳۳۶	فرانی
۲۸۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۸، ۲۷۵		۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵	فرت، کنت دمنت
۷۰	فیلیپ زیبا	۹۳	
۲۴۳	فیلیپونه، پاسکواله	۲۸۳، ۲۱۰، ۱۲	فرچ‌بن سالم سیسیلی
۹۳	فیلیپی، فیلیپود	۳۳۶	فرخزاد، فروغ
۱۸۸	فینسکی	۳۴۴، ۳۱۱، ۲۴۶، ۳۳۶	فرخی سیستانی
۲۷۹	فیورانی	۱۷	فردریک دوم
		۱۵۹، ۹۷، ۸۵، ۸۲، ۸۵، ۸۲، ۸۱	فردوسی
	«ق»	۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵	
۳۳۶	قائنی	۳۳۶، ۲۸۶، ۳۱۱، ۳۰۰، ۲۹۸، ۲۲۲، ۱۷۱	
۳۳۶	قاری‌زاده، ضیاء	۳۷۰، ۳۵۵، ۳۴۵	

۲۶۹، ۲۸۸	کالاسو، جووانا	۴۴	قاسم حسن
۶۷، ۲۸۵	کامپاتا	۷۱	قاسم، عبدالصمد
۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۵	کامران میرزا	۳۳۶	قاسمعلی
۹۴، ۹۲	کاوور	۳۰۵	قاضی خان محمد بدردهار
۲۸۶، ۲۸۷، ۳۰۳، ۲۹۶، ۲۲۸	کایتانی، لئونه	۴۵	قاضی محمد
۹۹، ۹۸، ۹۹، ۹۸		۱۸	قایدو
۲۶۹	کبری، نجمالدین	۱۹۱	قدیس ترزا
۲۶۸، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۶	کدی، نیکی	۷۶	قراونلو، جهانشاه
۸۷، ۸۱، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۷۰		۳۰۱، ۱۶۹	قریب، مهدی
۱۰۰، ۹۸، ۹۷، ۹۱، ۹۰، ۸۸		۹۵	قوام السلطنه، نریمان خان
۲	کراسوس		قوبیلای خان ← قوبیلای قآن
۱۰۵	کرانویل، کنت	۲۱۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۲۱۱	قوبیلای قآن
۳۲۲، ۲۷۳	کرین، هانری	۲۰۸، ۱۹۲، ۱۹۱	قیصریه، رضا
۳۸۳	کرپل، منچینی	۳۳۶	قیوم اف
۲۸۶	کرفت، ا.		
۱۴	کروچه، ریکاردو دامونته	۲۹۲، ۲۸۴	کائزار
۲۳	کروکه، نیکولد فن منته	۲۹۲	کاترینا، ماریا. دس
۱۷۸	کریسپی، آنجلو	۴	کاراکالا
۸۲، ۸۱	کریستوفر ارمنی	۲۲۱	کاربوناری
۲۵۵، ۲۵۴	کسایی، رضا	۱۶۷	کاردوچی
۲۶۹	کلاسو، جووانا	۳۲۸	کاردونا، جورجو
۴۸	کلاویخو	۳۶۴	کاردونا، رایموند
۲۶۰	کلسی، ژان	۳۰۷	کاررانلی
۱۷	کلمان چهارم	۲۸۵، ۵۹، ۵۴	کارری، گملی
۹۴	کلمباری، ف	۱۲	کارلوی اول
۱۴	کلمنتوی پنجم	۲۹۳	کارنگ، عبدالعلی
۳۴۴	کلیم	۲۱۷	کارنو، اتین
۲۴۶	کمال	۳۲۸	کاسترو، فرانچسکو
۳۳۶	کمال اصفهانی	۳۳۶	کاشانی، محتشم
۴	کمد	۱۱۱	کاشانی، میرزارضا
۳۳۸	کمینه	۱۶۵	کاشفی، حسین واعظ

«ک»

۹۱، ۸۸، ۲۸۶، ۹۱، ۸۸	گازونی، مانوریزو	۲۱۴، ۲۱۳، ۵۰، ۴۸، ۴۶	کنتارینی، آنتونیو
۲۳۲	گالنی، فرانچسکو	۲۹۱	
۲۸۰، ۳۴۸	گاله‌بری، ائوجینیو	۲۹۱	کنتی
۸۴	گالیه	۴۴	کوتیرینی
۱۷۸	گتاردی، ویتوریو	۳۳۸	کوداش، سیفی
۳۲۱	گرانادا، ترزا	۳۴۹، ۳۲۱، ۲۵۱	کوراتولا، جووانی
۲۶۰	گرسوویچ، ایلپا	۲۲۵	کورا، گویدو
۳۴۴	گرمارودی	۳۸۳، ۲۰۶، ۳۲۱	کورتنز، سیلویا
۳۷۵	گرمودی، عبدالفتاح	۲۶۰	کوردونوتیو، فیلیپو
۱۲۱	گرمودی، میرزا فتاح خان	۲۹۱	کورنت
۳۶۳	گروبه	۲۱۲، ۱۶	کوروش
۲۳۰	گروفرونی	۳۴	کورون، ژان دو مونت
۱۷۸	گرولو	۲۴، ۲۳	کوروینو، پوهان فن منته
۳۰۷	گریانچی، ماریو	۲۰۵	کوزو، سیلویا
۲۸۰، ۱۷۱	گری، بازیل		کوکانی ← فوکه‌نی
۲۳۱	گریفینی، اوجیلو	۲۶۵	کولنی
۳۸۹	گریل، دانیل		کولوسطی ← زتی
۲۷۱، ۲۶۵	گریناسکی، ماریو	۳۳۸	کولیف، قاسم
۳۷۵	گشائن‌اند کهن	۷۳	کونتارینی، آمبرواز
۲۰۱	گلپکه، ر.	۳۸۳	کونینی، ریکاردو
۲۰۶	گلستان، ابراهیم	۴۲	کونتی، نیکولو
۲۰۶	گلشیری، هوشنگ	۳۹۱	کیارستمی، عباس
۳۹۱	گلمکانی، هوشنگ	۱۹۶	کیاری
۲۵۶	گلیگاردی، ماتیلده	۱۷۹	کینی، ماریو
۲۱۸	گنولی، فیلیپو		
۳۶۴	گنولی		«گ»
۲۹۱، ۲۸۴	گوازو	۲۴، ۵۹	گابریل، آلفونس
۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵	گوتزی، کارلو	۱۶۸	گابریلی، پاگللیارو
۲۰۳		۹۸، ۲۲۹، ۹۸	گابریلی، جوزفه
۲۶۹، ۵۸، ۲۰۱، ۱۹۷	گوته	۱۹۵، ۱۸۰، ۱۰۲، ۹۸	گابریلی، فرانچسکو
۲۸۶، ۹۲	گورسیو، گاسپاره	۲۹۹، ۳۷۷، ۳۵۵، ۳۵۶، ۲۸۷، ۳۰۷، ۲۳۵	
۱۹۶	گولدونی	۳۸۳	گاتو، آناماریا

	گوهرزاد، کک	۱۶۴، ۲۸۶	«م»
۱۱۲	گویی، میکله آنجلو	۲۳۰، ۲۲۹	ماتراتزو، فرانچسکو
۱۱۰	گویی، آگوستو	۲۲۹، ۲۸۶، ۲۹۶، ۲۲۳	ماتلاتسو
۲۰۵	گویی. م	۹۸	ماتی بولی، جان لوکا
۲۴۳	گیبون	۵۸	ماچی، مائورو
۸۹	گینی، ومین	۱۲۲	مارسیلی، لوییجی فردیناندو
۱۰۰	گیخاتو خان	۱۹	مارکوارت
۲۴۶	گیرانی غازی	۳۳۸	مارکوسالانی، پرسینا
۲۸۵	گیوانی کرتیج، کارلو	۳۸۳	ماریادی، وینچنزو
۲۷۰			مارینو
۷۵			ماریه، ژسوس
۱۷۷			ماسولوس
۱۹۰	لازار، ژیلبر	۲۹۵، ۲۹۴	ماسه، هانری
۱۲	لازینو، فاستو	۲۲۳	ماسینیون، لوئی
۲۵۱	لاسکاری، کنسانتین	۵۳	ماگاروتو، لوییجی
۶۰	لاسین	۹۴	ماله، آلبر
۵۴	لاکهارت	۲۶۴	مانریک
۲۶۰	لالی ← سیداحمد بن مصطفی		مان، ژولی
۳۰۷	لاهوئی	۳۳۶، ۲۰۵	مانسلی، راثول
۲۴۳، ۳۲۱، ۳۶۵، ۲۴۵، ۱۸۸	لسانی شیرازی	۳۳۶، ۲۷۰	مانگینی، دانیلا
۵۳	لسونا، م	۹۳	مانوتسیو، لئون هاردی
۵۹، ۵۴، ۲۹۲، ۲۸۷	لمبتون	۲۹۴	مانوچی
	لهراسب	۳۰۰	مانوسی ← مانوچی
۱۹۰، ۲۹۰	لودویکو	۴۶	مانوکیان، ستراک
۵	لورینی	۲۸۶	مانی
۲۱۳، ۴۳	لوکت، فرانسو	۲۱۷	مانیانلی
۲۹۰	لیندبرگ، ت.	۳۲۳	مانینی، جولیتا
۴۶	لینی، آگنی	۲۸۵	مباردو، بارتولوميو
۱۱۰	لینان، جاکومو	۹۴	متراتسو
۹۸، ۹۷، ۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۷، ۸۱	لینی، براقیو	۲۸۶	متی، رودی
۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۶، ۱۰۰	لیوپاردی، جاکومو	۱۷۶، ۱۷۳، ۱۷۲	۱۰۰، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲
۲۸۰، ۲۷۸، ۲۷۴			

۱۲۴، ۱۲۳	۳۰۹	مجروح
۳۰۶	۳۵۵	مجلسی، ملا محمد باقر
۲۷۳	محبوبی اردکانی، حسین ۱۰۹، ۱۱۲، ۷۷	
۳۳۸	۷۸	معین، محمد
۲۵۵	۳۰۶	مقیم
۳۳۸	۶۳، ۶۲	محمد الکاظمی
۱۳	۳۰۵	محمد امین بیک
۲۱۸	۲۱۳، ۲۱۰، ۲۰۹	محمد بن حاجی الیاس
۳۲۸، ۲۸۴، ۵۲	۲۰۹	محمد بن زکریای رازی
منصور بن احمد یوسف بن فقیه الیاس	۲۹۴	محمد بن موسی خوارزمی
۳۰۶	۱۲۴، ۹۴	محمد بن حاجی الیاس
۱۷	۱۷۱	محمد شاه قاجار
۳۲۱، ۲۴۳	۳۰۵	محمد (ص)
۳۳۶	۳۰۶	محمد علی بن محمد مازندرانی
۲۲۱	۳۰۶	محمد مؤمن بن علی الحسینی
۱۶۸، ۱۶۶	۳۰۶	محمد هاشم بن محمد طاهر طبیب طهرانی
۴۶	۱۲۱	محمدی، منوچهر
۹۸	۳۳۸	محمود پاشا، ابو گوچ
۳۸۹	۳۳۸	مختوم قلی
۲۲۸	۳۹۱	مخملیاف، محسن
۳۳۴، ۲۹۰	۱۰۰	میریچی، پ
مولانا جلال الدین بلخی ۱۹۳، ۳۷۴، ۲۸۹	۱۵	مستتر، دار
۲۹۸، ۲۷۱، ۲۶۹، ۲۶۸، ۱۹۱، ۱۹۰	۳۵۲، ۲۶، ۲۴	مستوفی، حمد الله
مولوی ← مولانا	۲۵، ۲۰، ۴، ۳	مسیح (ع)
۹۷	۳۳۸	مسیحی
۳۷۶، ۳۷۴، ۳۶۸، ۳۶۶، ۳۷۲	۱۰۰	مسینا، جوزفه
۱۹۰	۳۳۶	هشترودی
۲۰۵	۳۳۶	مشفق
۶۷	۱۹۳، ۴۶، ۴۵	مشکور، محمد جواد
میراحمدی، مریم ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۸	۱۱۶	مشیرالدوله، حاج میرزا حسین خان
۳۲، ۳۱، ۳۰	۳۳۶	مشیری
۳۵۲	۱۲۲، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۴	مظفرالدین شاه

۸۹	نانی، یاکوپر	۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۶۸، ۷، ۹۵، ۹۵	میربها، مینا
۳۳۶	نباتی، نجفعلی	۳۸۶، ۳۱۲	
۳۰۶	نخشبی	۳۱۲	میرجان خان
۲۹۳	نخجوانی، عباس	۱۶۵، ۷۶	میرخواند
۴	نرون	۲۸۸	میرزا آقا تبریزی
۱۷۰	نریمان	۱۱۸، ۱۱۷	میرزا ابوطالب خان
۲۶۹، ۳۳۸، ۲۸۹	نسیمی، عمادالدین	۱۲۵	میرزا حسین خان سپهسالار
۳۸۰، ۳۰۸	نصر، سیدحسین	۳۳۶	میرزاده عشقی
۲۶۹	نصیرالدین طوسی	۱۲۱	میرزارضا
۹۰	نصیربن حسن الملکی	۱۰۳، ۹۵	میرزا سعیدخان
۱۷۶	نظام الملک	۳۳۸	میرزا شفیع
۳۰۹، ۲۶۹، ۲۶۸، ۱۸۹، ۱۶۶، ۸۲	نظامی ۸۲	۳۵۲، ۱۲۱، ۱۱۶، ۱۰۹	میرزا ملکم خان
۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۶، ۱۹۵، ۸۲، ۸۱، ۲۸۸، ۳۱۱		۱۲۳	میرزا مهدی خان کاشانی
۳۳۶، ۲۰۲، ۲۰۱		۲۰۶	میرصادقی، جمال
۱۷۶	نظامی عروضی	۴۹، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۱۵، ۶۸، ۶۷	مینادوا
۱۰۸	نظم الدوله، میرزا ابوتراب خان	۲۶۴	مینورسکی، ولادیمیر
۲۴۶	نظیری	۳۱۱	مینوی، مجتبی
۳۹۱	نفیسی، حمید		
۳۲۳	نفیسی، سعید		«ن»
۲۷۶	نگرو پونتسی، م.م.	۱۱۲	ناپلئون
۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴	نلینو، کارلو آلفونسو	۱۸۸	ناتل خانلری، پرویز
۲۳۶، ۲۹۶، ۹۷، ۲۳۲، ۲۲۷		۹۵	ناتو، الکساندرکنت
۲۵۶، ۲۲۷، ۲۲۶	نلینو، ماریا	۳۳۶	نادرپور، نادر
۳۳۸	نوایی	۳۵	نادرشاه
۸۲	نوائی، امیر علیشیر	۳۹۱	نادری، امیر
۴۳، ۳۴، ۲۰، ۱۹، ۱۷	نوائی، عبدالحسین	۲۱۹	ناصرالدوله سیگنگین
۲۱۴، ۶۷، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۴، ۵۳		۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۹۴	ناصرالدین شاه
۳۷۶	نوزید، سرگونوینا	۳۵۲، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۹۴، ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۰۸	
۲۵۵	نوجی، فرانچسکو	۲۸۹، ۲۶۹، ۲۴۲، ۲۳۵	ناصرخسرو ۱۰۲
۳۸۳	نولا، آلفونسودی	۳۳۶	
۴۹	نولس		نالینو ← نلینو
۳۳۶	نوبد، غلام احمد	۷۷	نامی، حاجی یوسف

۲۴۴	ونترونه، جوانا	۲۵۱	نوردیو، ماریو
۹۳	ونگری، کریستوفر	۶۹	نیرنوری، حمید
۱۲۲	ونوستا، ویسکونتی	۲۸۳، ۱۱	نیریزی
۲۴۳	ویتالونه، ماریو	۳۴، ۳۳	نیکلای چهارم
۳۸۳	ویتوریا، فونتا ماریا	۱۴	نیکلسون، رینولد
۲۶۰	ویتوس، دیوید	۴۶	نیکولو
۲۱۲، ۱۸۷، ۱۶، ۳	ویرزیل	۳۸۲	نیکولینی، ماریا کریستینا
۱۲۲، ۹۵	ویکتور امانوئل	۳۳۷	نیما یوشیج
۲۹۱	ویلسن	۲۶۰، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۳، ۲۴۱	نیولی، گاردو
۳۷	ویلونی، پیترو	۲۸۰، ۲۷۷، ۲۷۵، ۲۶۹، ۲۶۵، ۳۸۸، ۳۴۷	
۱۹۰، ۹۴، ۹۵	وینسنته، ژراردو	۳۰۸، ۳۰۷	
۴۶	وینی بند، پائولو		
۲۸۷، ۱۸۲، ۱۸۱	ویونا	«و»	
		۱۲۰	وایور
	«ه»	۲۹۲، ۲۸۴، ۵۳	وارتما، لودویکو
۳۳۶	هاتف اصفهانی	۳۵۱، ۳۳۶	واصفی
۲۴۲، ۲۰۵، ۱۸۹، ۸۲	هاتفی	۲۶۹، ۲۸۹	واعظ کاشانی
۲	هادریان	۳۳۸	واقف
۸۱	هاکسلی، تامس	۳	والرین
۲۹۱	هالکویت	۲۲۱	والیو
۲۹۶	هامر	۸۱	والیول، اوراس
۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۱۸۱	هدایت، صادق	۲۸۰	واندن برگ، ل.
۲۸۹، ۳۷۰، ۳۲۲، ۲۷۰، ۲۶۹		۶۹	وان دیک
۲	هراسیوس	۲۵۱، ۳۸۱، ۲۸۸، ۲۰۵	ورچلین، جورجو
	هرکولانس ← آرکولانو	۳۵۴، ۳۴۰، ۲۶۹	
۷۶	هرمزی، تورانشاه	۱۶۵	وصاف
۳۷، ۳۲، ۲۱، ۱۸، ۱۷	هلاکو خان	۳۳۶	وصال شیرازی
۳۳۶	هلالی جغتایی	۸۷، ۸۵، ۸۴	وکیته، جرولامو
۳۱۲	همای	۱۰۵، ۱۰۴، ۶۴، ۶۲، ۶۱	ولایتی، علی اکبر
۳۰۵	همدانی، سیدعلی	۱۲۲، ۱۰۸، ۱۰۶	
۲	هوراس	۳۳۶	ولی زاده
۲۰۱	هوفمن. ای. تی. ا.	۳۳۸	ولی کانک، اورهان

۲۵۳	هوکیان، گابریلاولو
۲۱۲، ۱۶	هومر
۱۲۲	هونر
۳۳	هونودیوس چهارم

«ی»

۳۰۸	یارشاطر، احسان
۳۸۹	یحیی، عثمان
۳۰۰	یزدگرد سوم
۳۱۳	یعقوب لیث
۳۴	یوحنا
۱۶۶	یوسف
۱۹۰	یوسفی، غ
۳۸۲	یوفوتی، شرر

فهرست جایها

۲۸۵	آنتورپ	۲۱۸	آبروزی
۲۵	آوه	۶۰	آذربایک (دریا)
		۳۴۳، ۲۷۹، ۷۶، ۲۵، ۱۹، ۵۱، ۴۲	آذربایجان
		۱۸۵، ۱۸۴	آرامگاه خواجه حافظ
	«f»	۲۹۵	آرشیو اورینتالینی
۳۴۲	اتحادیه ایتالیایی برای مطالعه سیستمهای اقتصادی	۳۵۲، ۳۱۰، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۹، ۱۳، ۵	آسیا
	اتحادیه فرانسوی پیشبرد مطالعات	۴۲	آسیای جنوب شرقی
۳۴۷	ایرانی	۲۹۵، ۱۸، ۱۳	آسیای صغیر
۳۴۷	اتحادیه لندن	۲۴۶، ۲۴۴، ۲۴۳، ۱۳	آسیای مرکزی
۳۴۲	اتحادیه مطالعات خاور میانه	۳۶۲، ۲۷۴، ۲۵۱، ۲۴۹	
۳۰۸	اتحادیه ایران شناسان ایتالیا	۳۵۸، ۲۷۷	آسیای میانه
۱۲۳، ۱۰۸، ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۱۳، ۴	اتریش	۳۴۸	آکادمی باستان شناسی ایتالیا
۲۳۶		۳۴۲	آکادمی بلوچستان (کویت پاکستان)
۲۳۳، ۲۳۲	اتیوپی	۳۵۵	آکادمی شرقی لینچی
۸۰، ۷۶، ۲۹، ۵۰، ۳۴	ارمنستان	۳۷۹	آکادمی ملی روسیه
۲۷، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۵	اروپا	۳۴۹، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷	آکادمی ملی لینچی
۳۷، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۸، ۶۰، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳		۱۰۰، ۹۸، ۲۳۵، ۱۶۴	
۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۷، ۷۶، ۷۳، ۷۰، ۶۹، ۶۱، ۶۲		۶۰	آلب
۱۱۵، ۱۱۱، ۱۰۰، ۹۸، ۹۷، ۹۴، ۹۰، ۸۳، ۸۲		۳۰۷، ۲۰۱، ۱۶۰، ۴	آلمان
۱۷۵، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۶		۳۰۴	آمفی تئاتر دانشگاه تهران
۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۶، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۸۴، ۱۸۳		۱۲۵	آمل
۲۵۷، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۴۷، ۲۴۱		۳۹۴	آموزش و پرورش رودبار
۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۲، ۲۶۱		۸۵، ۳۴۹	آناتولی

۳۷۳	انتشارات رم	۳۸۶، ۳۰۶، ۲۹۷، ۲۸۰، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۵
۳۷۲	انتشارات فروغی	۳۷۳، ۳۶۷، ۳۹۴
۳۷۲	انتشارات فلورانس	۳۴۰
۳۷۲	انتشارات فنی	۵۹
۳۷۴، ۳۷۳	انتشارات میلان	۶۵، ۶۱، ۲۳، ۱۱، ۴
۲۵۷	انجمن آسیایی ایتالیا	۲۳۲، ۲۱۶، ۲۰۹
۳۴۲	انجمن ایتالیایی (شهر باویا)	۲۲۴، ۲۱۷، ۲۰۷، ۹۲
۳۴۷	انجمن ایران شناسان اروپایی	۴۵، ۴۱
۳۸۸، ۲۵۷	انجمن ایران شناسی اروپا	۵۳
۳۴۲	انجمن تاریخ شناسان ایتالیایی	۳۹۴
انجمن فارغ التحصیلان ایرانی مقیم ایتالیا		۳۶۷
۳۹۴		اصفهان ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۴۵، ۵۰، ۶۰، ۶۵
۲۹۰	انجمن فرهنگی ایتالیا	۶۶، ۲۵، ۲۶، ۷۵، ۷۸، ۸۹، ۲۱۷، ۲۷۸، ۲۹۶
۳۰۷	انجمن فرهنگی ایران	۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۵۸
۱۱، ۸	اندلس	۴، ۵۶، ۳۵۲
۳۷۹	اندونزی	۱۰۱
۱۲۵	انزلی	۳۴۳، ۳۴۰، ۳۱۲، ۲۷۹، ۲۷۸، ۳۲
۳۴۲	انستیتو انگلیسی مطالعات خاور میانه	۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۷۸
۳۴۲	انستیتو ایتالیایی برای آسیا (رم)	۵
انستیتو ایتالیایی خاور میانه و خاور دور		۵
۲۵۷، ۳۴۷		۱۲۱
انستیتو بین المللی مطالعات قضایی (رم)		۳۱، ۱۶۸
۳۴۲		۴، ۲۲۵
۳۴۲	انستیتو تاریخ رستاخیز ایتالیایی (رم)	۳۱
۱۳۶، ۱۳۵	انستیتو سانترال دل رستورو رم	۲۷۹
۳۴۹	انستیتو شرق شناسی دانشگاه آکسفورد	۱۱۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۲۸، ۳۰۷
۳۴۲	انستیتو شرق شناسی (رم)	انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان
۲۴۴	انستیتو شرق شناسی ناپل	۲۹۳
۳۸۹	انستیتو فرهنگی ایتالیا در ایران	۲۹۳
۳۴۲	انستیتو لهجه شناسی میلان	۳۷۲
۳۴۱	انستیتو مطالعات اسلامی دانشگاه رم	۳۰۷
۲۵۶	انستیتوی شرق	۲۹۳
		انتشارات خوارزمی

۲۷۲، ۲۶۹، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۱، ۳۸۶،	۲۲۶	انستیتوی شرقی رم
۳۸۵، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵،	انستیتوی کشاورزی ماورای بحار فلورانس	
۳۹۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶،	۱۳۱	
۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۶،	۳۴	انطاکیه
۳۱۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۸، ۳۴۸، ۳۵۰،	انگلستان ۲، ۴، ۲۳، ۶۹، ۸۱، ۷۴، ۹۴، ۱۱۰،	
۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۶،	۱۱۷	
ایران ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷،	۲۲۴	اودینس
۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷،	۲۳۳، ۴۳	اورشلیم
۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸،	۳۷	اورگنج
۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸،	۳۹	ایاس
۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷،	ایتالیا ۱، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۲، ۲۳،	
۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷،	۵۰، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴،	
۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸،	۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۵۷، ۵۸،	
۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳،	۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴،	
۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲،	۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴،	
۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،	۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲،	
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸،	۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴،	
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲،	
۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳،	۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰،	
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴،	۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰،	
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۸،	۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸،	
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،	۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵،	
۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷،	
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،	۱۴۸، ۱۴۹، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶،	
۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۳،	۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲،	
۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵،	۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱،	
۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰،	۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱،	
۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷،	۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹،	
۲۱۸، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۹،	۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸،	
۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶،	۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰،	
۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷،	۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰،	
۲۵۸، ۲۶۰، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵،	۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۷۶،	

۱۱۷	برمه	۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵
	بریتانیا ← انگلیس	۲۷۷، ۲۷۹، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵
۳۲۷	بریتیش میوزیوم	۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۸۵، ۳۸۶
۷۶، ۷۵، ۲۱، ۴۲	بصره	۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۵، ۲۹۳
۲۱، ۳۷، ۳۶، ۵۶، ۴۳	بغداد	۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹
۲۱۷، ۱۸۱		۳۱۰، ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۳
۱۸۱، ۱۹	بلغ	۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۸
۳۰۷	بلژیک	۳۵۷، ۳۶۲، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹
۳۷۹	بلغارستان	۳۸۰، ۳۸۲
۳۵۷، ۳۱۷، ۳۱۰، ۲۶۵، ۲۴۴	بلوچستان	ایزمتو ← مرکز خاورمیانه و دور
۲۸۶، ۲۲۰، ۱۲۳، ۹۵، ۳۵	بولونیا ۱۸۹	ایلام باستان ۱۰۰
۳۹۲، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۲، ۲۱۷، ۵۸، ۵۳، ۲۸۷		
۳۴۸، ۳۴۷		
۱۳۵	بمبئی	۱۲۵
۹۴	بن	۱۲۵
۲۷۹، ۵۹، ۵۴، ۳۰	بندرعباس	۴۲
۳۱۱، ۲۹۳	بنگاه ترجمه و نشر کتاب	بارفروش ← بابل
۲۶۷	بنگلادش	۳۲۵
۳۶۲	بنیاد کتاب فرانسه	۱۰۶
۱۲۲	بوبون	۳۸۷
۱۰۳	بوشهر	۱۲۵، ۱۲۴
۲۸۶، ۳۷۶	بولا	۳۲۸
۳۵۰	بهار	بایگانی ملی ونیز
۵	بیت اللحم	بعر خزر ← دریای خزر
۲۹۶، ۲۱۹، ۲۱۷، ۳۳، ۵۶	بیت المقدس	بخارا ۱۸، ۴۱
۲۱۸	بیروت	بخش خاورشناسی دانشگاه رم ۳۶۷
۲۷۷	بین النهرین	بخش فارسی دانشگاه بولونیا ۳۲۰
		بخش فارسی دانشگاه ونیز ۳۲۰
		بدخشان ۳۲، ۱۹، ۲۹
		براهه ۳۶۰
		برزیل ۳۴۷
۲۹۷، ۲۸۵، ۳۶	پادوآ	برشیا ۲۲۳
۲۹۷، ۲۲۲، ۱۶۰	پارما	برلین ۳۲۳، ۲۰۷

«پ»

۱۲۲	تسکان	۲۱۱، ۲۷۸، ۱۲۵، ۱۲۱، ۹۲، ۱۲	پاریس ۱۲، ۹۲، ۱۲۱، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۱۱
۱۲۲	تشریح خان (کلیسا)	۳۵۵، ۳۴۷، ۳۴۲، ۲۲۱، ۲۱۶	۲۱۶، ۲۲۱، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۵
	تورین ← تورینو	۲۷۸	پاسارگاد ۲۷۸
	تورینو ۹۵، ۱۶۰، ۱۶۵، ۲۲۴، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۸۹، ۳۹۶، ۳۵۶، ۳۷۱، ۳۷۶، ۲۰۲، ۹۲، ۹۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۱، ۲۲۲، ۲۷۲، ۲۸۶، ۳۰۲	۳۷۳، ۳۴۲، ۳۰۸، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۴۳	پاکستان ۲۴۳، ۲۶۸، ۲۶۷، ۳۰۸، ۳۴۲، ۳۷۳
	توسکان	۲۹۷، ۲۹۰، ۸	پالرمو ۸، ۲۹۰، ۲۹۷
۱۱۳	تون	۳۴۳، ۳۴۲	پراتو ۳۴۲، ۳۴۳
۳۱، ۲۵	تونس	۳۲۷، ۳۲۳	پراگ ۳۲۳، ۳۲۷
۲۳۱، ۴	تهران ۸۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۱۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۲۸، ۱۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۹۳، ۳۹۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶	۴، ۷۴، ۴۲	پرتغال ۴۲، ۷۴، ۴
	تون	۳۶، ۲۱۱	پردنون ۲۱۱، ۳۶
	تونس	۲۷۸	پرسپولیس ۲۷۸
	تهران ۸۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۱۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۲۸، ۱۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۹۳، ۳۹۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶	۱۹	پکن ۱۹
	تونس	۱۲۲	بل مقدس (عمارت) ۱۲۲
	تهران ۸۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۱۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۲۸، ۱۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۹۳، ۳۹۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶	۶۰	پو ۶۰
	تونس	۲۹۷، ۲۲۳، ۲۲۱	پیزا ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۹۷
	تهران ۸۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۱۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۲۸، ۱۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۹۳، ۳۹۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶	۹۲	پیه‌مون و ساردینا ۹۲
۲۷۶	تیسفون	«ت»	
	تیسفون	۳۴۰	تاجیکستان ۳۴۰
	تیسفون	۱۳۸	تالار رودکی ۱۳۸
	تیسفون	۳۱۰	تبت ۳۱۰
۳۷۰	جامع بعلبک	۵۹، ۵۵، ۵۴، ۵۱، ۴۸، ۴۶، ۴۲	تبریز ۴۲، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۹
	جامعه ایتالیایی برای سازمانهای بین‌المللی	۳۹، ۴۰، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵	۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۴۰، ۳۹
۳۴۲	(رم)	۱۰۳، ۱۰۴، ۶۹، ۶۸، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸	۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۶۸، ۶۹، ۱۰۴، ۱۰۳
۳۴۲	جامعه جغرافیایی ایتالیایی (رم)	۳۸۲، ۲۹۳، ۲۸۴، ۲۰۲، ۸۰	۸۰، ۲۰۲، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۸۲
۲۳۱	جبل سنجار	۲۷۸	تبه سردار ۲۷۸
۲۲۷	جزیره پالرمو	۵۶، ۳۶۱، ۳۵۸، ۳۱۲، ۲۱۲	تخت جمشید ۲۱۲، ۳۱۲، ۳۵۸، ۳۶۱، ۵۶
۱۸۲	جزیره سیسیل	۵۷، ۳۶، ۵۵	۵۵، ۳۶، ۵۷
۷۶، ۷۲، ۶۹	جزیره هرمز	۶۹	تراپوزون ۶۹
۲۲۲، ۱۶۰	جلگه پو	۲۹۵	ترکستان ۲۹۵
۳۶۰	جمعیت دوستی ایران و ایتالیا	۳۴۹، ۳۴۰، ۲۸۵، ۲۱۵، ۱۱۷، ۷۴	ترکیه ۷۴، ۱۱۷، ۲۱۵، ۲۸۵، ۳۴۰، ۳۴۹
	جنوا ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۶۹، ۷۰، ۷۳	۳۷۹	۳۷۹
	جنوا ۱۱۷، ۱۱۸، ۲۲۸، ۲۸۸، ۲۹۷، ۳۶۱	۱۲۲	تریست ۱۲۲
	جنوه ← جنوا		

دانشکده ادبیات دانشگاه رم ۳۱۹، ۳۵۱	«ج»	
۳۵۹	۱۰۶	چاله میدان
دانشکده ادبیات دانشگاه شرقی ناپل ۳۳۹	۳۹۱	چروا
دانشکده ادبیات و زبان خارجی ونیز ۲۴۹	۲۹۵	چکسلواکی
دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه بولونیا	۱۹	چمپا (بندر)
۳۷۸	چین ۴، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۲۸، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۱۹۹، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۱۱	
دانشکده اسلامیة مولانا ابوالکلام آزاد ۳۵۰		
دانشکده باستان شناسی دانشگاه رم ۳۴۸		
دانشکده حقوق دانشگاه رم ۳۱۹	«ح»	
دانشکده شرق شناسی ناپل ۳۶۰، ۳۷۷	۷۳، ۵۶، ۶۱، ۳۳، ۶۹، ۷۱	حلب
دانشکده علوم انسانی دانشگاه		
استراسبورگ ۳۵۱	«خ»	
دانشکده فلسفه دانشگاه رم ۳۵۱	۱۸	خانات جغتایی
دانشکده فلسفه دانشگاه شرقی ناپل ۳۳۹	۵، ۳۷، ۲۵۴، ۳۴۹	خاور دور
دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد ۱۳۰، ۱۳۱	۴۸، ۴۹، ۵۰، ۱۳، ۸۴، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۵۳، ۲۵۴	خاورمیانه
دانشکده ونیز ۳۶۵	۴۸، ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۳۲، ۶۸، ۲۷۹	خراسان
دانشکده هنر و ادبیات دانشگاه رم ۳۷۷	۲۷۹	
دانشکده ادبیات دانشگاه رم ۲۰۶، ۲۲۷	۲۹، ۳۷، ۵۴، ۵۵	خلیج فارس
۲۴۴	۲۱۷، ۲۷۹	
دانشکده الهیات دانشگاه مشهد ۱۴۹	۲۷۹	خمسه
دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد ۱۴۵، ۱۴۶	۱۸، ۳۵۸	خوارزم
دانشکده رومالا اسپیزا ۲۴۰	۱۰۶	خیابان جلیل آباد
دانشکده شرق شناسی ناپل ۲۴۰	۱۰۶	خیام
دانشکده علم و صنعت ۱۳۲		
دانشکده ناپل ۲۵۱	«د»	
دانشکده ونیز ۱۸۸، ۲۴۰		دارالخلافه باهره
دانشکده هنر بولونیا ۲۵۲	۱۱۱	دارالفنون
دانشکده هنرهای تزئینی وزارت فرهنگ و	۱۰۹، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۰	
هنر ایران ۱۴۰	۳۶۵	دانشکده ادبیات تهران
دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه	۳۳۹	دانشکده ادبیات دانشگاه بولونیا
تهران ۱۴۳، ۱۴۴	۳۳۹، ۳۲۰	دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۶۲، ۳۷۷،	۱۳۲	دانشگاه آریامهر سابق
۳۷۸، ۳۸۱	۱۴۴، ۱۴۶	دانشگاه اصفهان
۲۳۲	۳۶۵	دانشگاه ایتالیا
۳۰۷	۳۲۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۵۲	دانشگاه بولونیا
۱۸۰	۳۷۸، ۳۴۸	
۳۴۲	۲۵۶، ۲۲۵	دانشگاه پالرمو
دپارتمان بررسیهای آسیایی مؤسسه	۲۵۳، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۳۹	دانشگاه پیزا
۳۱۶	۱۴۷	دانشگاه تبریز
۲۷۷	۲۴۰، ۲۷۹، ۲۷۶، ۲۵۶، ۹۶	دانشگاه تورینو
۱۹۹	۱۳۳، ۱۳۱، ۱۴۶	دانشگاه تهران
۲۷۷، ۳۱۴، ۳۱۰	۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۴، ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۴۳	
۳۱۲	۳۷۹، ۳۶۹، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۲۱، ۳۰۸	
۲۷۹	۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۴، ۸۸، ۸۴	دانشگاه رم
۱۲۵، ۷۰، ۴۱، ۴۰	۱۸۰، ۱۴۴، ۱۴، ۱۴۳، ۱۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۳	
۷۱، ۴۱	۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۹	
دریای مازندران ← دریای خزر	۳۴۴، ۲۴۴، ۲۷۹، ۳۰۸، ۳۹۱، ۳۳۴، ۳۴۱	
۲۹	۳۷۸، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۰، ۳۵۰، ۳۴۷	
۴۲	۳۱۶، ۲۴۲	دانشگاه شرقشناسی ناپل
۱۲۵	۳۲۰، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۰، ۳۵۴	
۲۱۷، ۳۳، ۵۶، ۴۳	۱۴۳، ۱۳۱، ۱۳۳	دانشگاه بهشتی
۳۳		دانشگاه ملی ← دانشگاه بهشتی
۴۱، ۴۰	۲۵۶، ۱۴۳	دانشگاه فلورانس
۱۰۶	۳۷۸، ۳۵۴، ۳۵۲، ۳۴۳	دانشگاه فوسکاری
دهانه غلامان ← دره غلامان	۳۲۱، ۳۸۰	
۷۶	۲۲۸	دانشگاه فیلادلفیا
دیار بکر	۲۲۵	دانشگاه قاهره
دبلیوار ← لاهور	۳۵۰، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۴	دانشگاه مشهد
۳۷۲	۲۷۹، ۲۴۰	دانشگاه میلان
«ر»	۳۷۷، ۳۵۰، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۲۵	دانشگاه ناپل
۳۷۷، ۳۶۹	۳۸۰	
۳۵۰	۲۷۹، ۲۴۹، ۲۳۹، ۱۹۳، ۱۹۰	دانشگاه ونیز
۲۶	۳۳۳، ۳۳۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۰۸، ۳۰۷، ۲۸۹	
رادیو ایتالیا		
رایزنی فرهنگی ایتالیا در ایران		
رستاق		

رشت	۱۲۵، ۱۰۳	ژ	
رم ۶۷، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۵، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۵، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۸۰، ۳۷۱، رود اترک ۲۷۹، رودهرمند ۳۸۲، روسیه ۲۳۰، ۱۹۸، ۱۱۷، روسیه جنوبی ۱۸، روم ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۳۳، ۳۵، ۵۸، ۵۶، ۵۵، ۴۹، ۴۵، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۲۳۴، ۲۳۵، رومانی ۳۷۹، ۴، روم قدیم ۳۶۶، ز	ژ	ز	
زابل	۲۳۵، ۳۱۰، ۳۱۱	سن لاتسارو (جزیره)	۶۶
زابلستان	۲۷۴	سن مارکوی (میدان)	۶۰
زاگرس	۲۷۹	سوئد	۳۰۷
زرین	۲۷۷	سوئیس	۳۰۷
زنجان	۲۷۹	سودان	۱۱۷، ۲۳۲
زوریخ	۳۹۴	سوریه	۴۳، ۲۱۷، ۲۳۱، ۳۴۲
ساردنی ← ایتالیا		س	
سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران		سازمان پژوهشهای شرقی ایتالیا	۳۷۷
سازمان چاپ و انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی		سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۳۹۳
سالرنو	۱۰، ۳۴	سان پاولو	۳۴۷
ساوه	۲۴، ۲۰	سرانديب	۲۸۵
سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان		سکستان ← درنگيانا	۳۲۱
سمرقند	۱۹۹	سلطانيه	۳۴، ۳۵، ۴۵، ۱۸، ۶۹، ۳۴۳، ۳۴۹
سمینار مطالعات عربی	۳۴۲	سنت پیر (میدان)	۱۲۲
سنگلج	۱۰۶	سن لاتسارو (جزیره)	۶۶
سن مارکوی (میدان)	۶۰	سوئد	۳۰۷
سوئیس	۳۰۷	سودان	۱۱۷، ۲۳۲
سوریه	۴۳، ۲۱۷، ۲۳۱، ۳۴۲		

۱۷۰، ۱۶۸	طوس	۱۹	سوماترا
		۲۳۲	سومالی
«ع»		۱۸	سیراس
۲۷۸	عالی قاپو	۲۹	سیراف (بندر)
۲۶	عبادان	۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۰	سیستان
۲۷۱، ۲۱۷، ۱۲۳، ۷۷، ۷۳	عثمانی	۳۵۸، ۳۵۷، ۳۱۵، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۲۷۷	
۲۹۱، ۲۸۵، ۲۸۴		۱۲، ۹، ۸، ۲۲۷، ۲۲۱، ۲۱۰	سیسیل
۳۸۶، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲، ۲۱	عراق	۲۹۷، ۲۲۳	سینا
۲۲۶، ۷۳	عربستان		
۲۷۸	قصر سلطان مسعود سوم	«ش»	
۳۳	عکا	۳۲	شاپورگان
۳۴۲	عمان	۳۳، ۴۳	شام
۱۰۶	عود لاجان	۲۶، ۲۵	شبانکاره
		۲۴	شبلی
«غ»		۲۹۵	شمال افریقا
	غزنه ← غزنین	۲۷۰	شوروی
۳۱۲، ۳۵۸، ۳۱۱	غزنین	۲۶، ۲۵	شولستان
۲۷۹	غور	۳۸۲	شهر داود
		۳۱۱، ۳۱۰، ۲۳۵	شهر سوخته
«ف»		۱۸۵، ۱۸۴، ۷۵، ۲۵، ۴۵، ۵۴، ۵۶، ۵۹	شیراز
۷۶، ۲۶	فارس	۳۴۸، ۳۴۲، ۲۱۷، ۲۰۸	
۱۱۷، ۸۱، ۷۴، ۷۰، ۵۸، ۵، ۸، ۲۳، ۴	فرانسه		
۳۰۷، ۲۳۲، ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۱۸		«ص»	
۲۱۴	فرانکفورت	۲۷۷	صحرای آسیای مرکزی
	فردوس ← تون	۲۶	صمیر (رود)
	فرنگ ← اروپا	۳۶	صومعه سنت آنتونی
۳۰۸	فرهنگستان لینچی		
۲۷۷	فلات ایران	«ط»	
۲۹۵، ۵۶	فلسطین		طاهری ← سیراف
	فلسطین ← عکا	۲۳۱	طرابلس
۱۲۲، ۱۱۹، ۹۵، ۸۶، ۸۰، ۵۹، ۳۸	فلورانس	۱۹، ۴۰	طرابوزان
۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۳۵، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۳۴		۲۰۹	طلیحه

۲۵۱	کتابخانه اداره تحقیقات اروپا - آسیا	۳۹۶، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۸۷، ۲۲۲، ۲۱۲، ۱۸۰	
۲۹۶	کتابخانه بولونیا	۲۲۳	فیرنتسه
۳۷۶	کتابخانه پادشاهی تورینو	۳۸۲، ۲۷۹	فیروزکوه
۳۴۷	کتابخانه ترولزینا	۲۹۷	فیونزه
۳۰۲، ۲۹۶	کتابخانه سلطنتی تورینو		
۲۹۶	کتابخانه فرقه مذهبی مکتباری	«ق»	
۲۹۶	کتابخانه فلورانس	۲۳۱، ۲۲۷، ۲۱۷، ۲۰۷، ۱۲، ۴۳	قاهره
۳۰۴، ۳۰۳، ۲۹۶، ۳۵۵	کتابخانه مارچانا	۳۱، ۲۵	قاین
۳۰۵		۶۰، ۳۸	قبرس
۳۴۲	کتابخانه مجلس	۲۰	قراقوروم
۳۰۳	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	۱۲۵، ۲۵، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۹	قزوین
۳۴۲	کتابخانه ملی ایران	۷۰، ۱۹، ۱۸، ۴۱، ۵۶، ۴۳	قسطنطنیه
۳۷۷، ۳۷۶	کتابخانه ملی تورینو	۵۶	قصر شیرین
۳۰۹، ۲۹۶	کتابخانه ملی رم	۲۷۷	قصر کوه خواجه
۲۹۳	کتابخانه ملی مارچانا	۲۷۴، ۲۵۱، ۱۲۴	قفقاز
	کتابخانه مؤسسه مطالعات اسلامی کایتانی	۳۱۴	قلعه بی‌بی دوست
۳۰۳		۳۱۴	قلعه تپه
۳۵۵	کتابخانه واتیکان	۲۰	قلعه الموت
۲۹۶	کتابخانه ونیز	۵۹	قم
۲۲۹	کتابخانه آکادمی لئسای رم		قیس ← کیش
۱۷۸	کتابخانه آکسفورد		
۲۳۲	کتابخانه اسکندریه	«ک»	
۸۴	کتابخانه پاریس	۳۳۵	کابل
۲۳۱	کتابخانه تمدن ایتالیایی	۱۲۲	کاپیتول (عمارت)
۹۳	کتابخانه تورینو	۳۱۱	کاخ سلطنتی سلطان مسعود سوم
۲۹۶	کتابخانه دانشگاه ناپل	۴۵، ۳۶، ۲۵، ۱۸	کاشان
۲۲۹، ۸۴	کتابخانه رم	۱۹	کاشغر
۹۲، ۹۰	کتابخانه سلطنتی تورینو	۲۲۹	کالیمیرا
۲۱۱	کتابخانه شهر ونیز	۲۸	کامادی
۸۹، ۸۶، ۸۵، ۸۴	کتابخانه فلورانس	۱۵	کپنهاگ
۲۲۴	کتابخانه قاهره	۳۶۸، ۳۰۲، ۲۹۶	کتابخانه آکادمی لینچی
۸۹، ۲۲۴	کتابخانه کارائاتسنه	۳۷۶	کتابخانه امپروزیانا

۲۹، ۲۵	کیش	۲۵۲	کتابخانه مارسیانو
		۱۸۰	کتابخانه ملی پاریس
	«گ»	۸۵	کتابخانه ملی فلورانس
۶۰	گارد (دریاچه)	۲۹۶، ۲۳۲، ۲۳۱	کتابخانه میلان
۱۲۵، ۱۰۴، ۷۰، ۲۷	گیلان	۸۴	کتابخانه ناپل
		۲۳۶، ۲۲۸، ۱۸۶، ۱۰۱	کتابخانه واتیکان
	«ل»	۳۷۴، ۲۷۱	کریلا
۲۱۷، ۵۹	لار	۲۸۶	کربو
۵۷	لارستان	۶۰	کرت
۷۱، ۲۹	لاهور	۱۶۴	کرجو
۲۱۴	لاهِه	۲۶	کرخه (رود)
۶۸، ۴۸	لاهیجان	۳۶، ۲۵، ۲۶، ۲۷	کردستان
۳۵۸، ۲۵، ۲۶	لرستان	۷۶، ۱۹، ۱۸، ۳۰، ۲۸، ۲۷	کرمان
۲۷۹	لعاب‌خانه غزنه	۱۱۰	کرمانشاه
۱۲۰، ۱۱۹	لگان	۲۰۹	کرمون
۲۸۵، ۲۱۴، ۱۲۱، ۱۲۰، ۶۸، ۳۸	لندن	۲۹	کشمیر
۳۴۲، ۲۸۴		۲۰۷، ۱۶۱	کلکته هندوستان
۱۱۲	لوکا	۳۱۶	کمیته بین‌المللی بررسیهای بلوچستان
۳۴۸، ۲۳۶	لیبی		کمیته بین‌المللی دائره‌المعارف دائمی
۲۹۴	لیبسیا	۳۴۷	مطالعات ایرانی
۲۲۳	لیدن	۳۴۷	کمیته مشاوره‌ای دانشنامه ایرانیکا
۳۲۹	لیدن پاریس	۳۹۰	کنسولگری ایتالیا در ایران
۱۲۱، ۲۲	لینگوری (دریا)	۵۹	کنگ
۱۲۱	لیورن (بندر)	۳۳۹	کوری
۳۴۷	لیژ	۲۰۱، ۱۹۸	کوشک سرخ
		۱۲۱	کولز
	«م»	۳۰	کوه بنان
۲۸۴، ۶۸	مادرید	۳۱۴	کوه خواجه
۲۱۷	ماروین		کوهستان ← قهستان
۱۲۵	مازندران	۲۷۵	کوههای هندوکش
۲۷۵، ۲۷	ماورالنهر	۱۴۸، ۱۴۷	کوی دانشگاه تهران
۳۰۷، ۴	مجارستان	۳۰	کوبر مرکزی

۸۸	مطبعة شرقی مدیچی	۳۶۸، ۳۶۸، ۳۶۷	مدرسه زبانهای شرقی
۳۱۵	معابد مهر (میترا)	۳۵۰	مدرسه عالیہ کلکته
۲۱۱	مغولستان	۱۴۳، ۱۳۲	مدرسه پلی تکنیک تورین
۲۷۹	مقبره سلطان ارغون ایلخانی	۱۴۴، ۱۳۲	مدرسه پلی تکنیک میلان
۲۷۹	مقبره سلطانیہ	۱۳۱	مدرسه حرفه‌ای تورین
۲۷۹	مکران	۲۳۰	مدرسه شرقی رم
۵۳	مکه	۲۳۰، ۲۲۴	مدرسه شرقی ناپل
۲۶	ممسنی	۳۸۰	مدنا
۲۷۹	مناره جام	۱۲۱، ۲۵۳، ۲۴۰، ۷۰، ۶۰	مدیترانه
۳۴۶	موتسلیجچه	۲۱، ۳۵	مراغه
۲۹۷	مودنا	۳۰۹	مراکز مطالعات ایران‌شناسی
	موزه انستیتو روابط فرهنگی ایتالیا با	۳۰۳	مرکز اسناد دانشگاه تهران
۳۱۵	خاورمیانه و خاور دور	۳۸۹	مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی
۲۷۶	موزه تاریخ طبیعی ونیز	۳۴۶	مرکز تحقیقات و زیباییهای آسیا
۳۱۵	موزه تورینو		مرکز حفاری و تحقیقاتی باستان‌شناسی
۳۱۵	موزه جنوا	۳۴۸	مؤسسه ایزمئو
۲۷۷	موزه زیستی هیرمند	۳۱۶	مرکز خاورمیانه و دور
۳۱۵	موزه فلورانس	۳۸۰	مرکز دروس مذهبی سن‌کارلو
۲۷۶	موزه قوم‌شناسی فلورانس	۳۴۲	مرکز روابط ایتالیایی - عربی (رم)
۳۴۹	موزه ملی بارجلو	۳۱۶	مرکز شرق‌شناسی ایتالیا
۳۱۵	موزه ملی ناپل	۳۰۹	مرکز فرهنگی ایتالیا و پاکستان
۱۶۹	موزه بریتانیا	۲۶۹، ۲۸۸	مرکز فرهنگی ایران در ایتالیا
۳۱۵	موزه رم	۳۸۰	
	مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور	۳۴۲	مرکز مطالعات خلیج عربی (فارسی)
۳۸۱، ۲۷۶، ۳۱۱، ۳۱۰		۳۶۱	مرکز مطالعات قرون وسطی
۳۰۸	مؤسسه شرق‌شناسی ناپل	۲۷۸	مسجد جمعه
۲۹۳	مؤسسه فرانکلین	۳۷۹، ۳۲۲	مسکو
۲۹۰	مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی	۱۲۰	مسینه (بندر)
۲۴۱	مؤسسه شرق‌شناسی ناپل	۳۴۲، ۱۲۵	مشهد
۹۴	مؤسسه مطالعات شرقی ناپل	۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۴، ۸۴، ۷۴، ۱۲، ۴۳	مصر
۲۳۱، ۳۷، ۲۱	موصل	۲۹۵، ۲۳۱، ۲۲۹	
۳۴	مونتہ کورونیو		مصر ← دمیاط

۱۴۳	نارمک	۳۶۱، ۳۲۱	مونینخ
۳۵	نخجوان	۳۱، ۲۵	مهستان
۲۹۳	نشر نو	۲۴	میانه
۳۰۴	نمایشگاه اسناد روابط ایران و ونیز	۱۶۸	میدان پارک ویلا برگیزه شهر رم
۶۹، ۱۹	نورنبرگ	۱۶۹	میدان فردوسی
۳۴۶	نواوارا	۲۳۶، ۲۲۴، ۱۶۸، ۱۳۱، ۱۰۴، ۹۵، ۶۷، ۶۷	میلان
۱۸۲، ۱۷۹، ۱۷۶	نیشابور	۲۹۷، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۴، ۲۵۵، ۲۵۴	
۳۴۷	نیویورک	۳۲۳، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۴	
		۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۶۳	
		۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷	
	«و»		
۱۸۲، ۱۹، ۷۳، ۷۲، ۵۷، ۳۳	واتیکان	۲۱۷	میناب
۳۷۸، ۳۷۷، ۲۹۷	ورونا	۲۹	میناب (رودخانه)
۳۷۸، ۳۴۱، ۳۸۷	وزارت امور خارجه ایتالیا	۳۷۹	مؤسسه آسیایی رم
۴۱، ۴۰	ولگا (رود)	۳۶۱	مؤسسه انتشارات القسط
۶۴، ۶۳	وندیک		مؤسسه ایران‌شناسی دانشگاه فوسکاری
۵۵، ۵۴، ۵۳، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳	ونیز	۳۲۰	ونیز
۶۶، ۲۹، ۲۲، ۵۸، ۳۹، ۳۷، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۶		۳۴۱، ۳۳۹، ۳۲۵، ۳۱۹، ۳۹۲	مؤسسه ایزمئو
۱۳، ۱۶، ۱۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰		۳۴۷، ۳۷۸، ۳۷۱، ۳۶	
۱۱۲، ۹۳، ۸۹، ۸۷، ۸۱، ۸۰، ۷۷، ۷۳		۳۳۹	مؤسسه چرس
۱۲۴، ۱۳۸، ۱۳۵، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳		۳۹۱	مؤسسه شرق‌شناسی ناپل
۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۱۸۹		۳۶۷	مؤسسه شرقی رم
۱۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۳			مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
۳۰۴، ۳۹۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۰		۳۹۰	
۳۴۱، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۵		۳۴۶	مؤسسه هنرهای معاصر
۳۸۰، ۳۵۸			
	«ن»		
۱۹	ویجایا	۹۵، ۹۴، ۶۸، ۶۶، ۱۲، ۱۱، ۳۵، ۵۶، ۵۵	ناپل
۳۹۴، ۲۸۶، ۹۳	وین	۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۹۰، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۰	
		۲۳۲، ۲۴۲، ۲۶۵، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۴	
		۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۹۲، ۳۲۲، ۳۲۳	
۳۹۴	هامبورگ	۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰	
۱۸، ۲۰، ۱۹، ۲۵، ۲۱، ۷۶، ۷۵، ۴۲	هرمز	۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵	
۲۹، ۳۰، ۵۴، ۶۴		۳۶۰، ۳۵۶	
	«ه»		

۳۴۲، ۲۷۹	هرمزگان
۲۷۸	هشت بهشت
۳۰۷، ۷۴	هلند
۵۶	همدان
۲۱۷، ۲۰۳، ۱۱۸، ۹۹، ۸۴، ۷۱، ۷۰	هند
۲۷۴، ۲۷۰، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۲، ۲۵۳، ۲۴۳	
۲۹۱، ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۷۷، ۲۷۵	
۷۸، ۴۲، ۳۷، ۲۹، ۲۲، ۲۱، ۳۵۰، ۲۹۲	
۲۹۲	هند شرقی
	هندوستان ← هند
۲۷۵، ۲۷۶	هیرمند

«ی»

۳۶، ۱۸، ۲۷، ۴۵	یزد
۱۱	یمن
۳۷۹، ۴	یوگسلاوی
۲۳۵، ۲۲۹، ۲۲۰، ۱۷۷، ۸۳، ۸، ۷۴	یونان
۳۱۱	یونسکو

کتابها، مقالات و نشریات

۲۳۳	اتیوپی غربی	۷۱	آئینه حق‌نما
۳۴۱	اثر یک حکایت گمشده در کالابریا	۲۱۹	آثار عرب در صقلیه
۱۹۴۴ تا ۱۹۱۴	احزاب سیاسی در ایران از ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۴	۳۸۹	آشنا
۳۴۰		۲۳۳	آشنایی با اسلام و غرب
۲۳۱	احوال دنیای اسلام		آشنایی با ایران شناسان و ایران دوستان
۲۸۶	اخبار ایتالیا	۲۳۴، ۲۳۳	
	اخبار یک جهاد اسلامی علیه کافرهای		آشنایی با کتابخانه ملی مارچانا
۳۲۵	لقمان در سال ۱۵۲۸ میلادی	۳۰۴	آکادمی لنینجی
۲۰۵	ادب	۳۷۵	آگاهی از ناآگاهی
۳۸۸	ادب معاصر ایران	۳۹۶	آلبوم عکس مأمورین دیپلماسی ایتالیا در
۳۳۰	ادبیات امروز مردم مسلمان		ایران
۲۶۷	ادبیات به زبانهای سامی	۳۵۲	آیا اپرای پوراندوت هوجینی بر اساس
۲۳۳	ادبیات عامیانه اتیوپی جنوبی		کوشک سرخ هفت پیکر نظامی است؟
	ادبیات عرب در دایرةالمعارف ایتالیایی	۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۸، ۱۹۶	
۲۳۱			آینده ۸۰، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۲
۲۲۷	ادبیات و لغت و فلسفه	۴۴، ۳۶۰، ۱۴۴	
۳۲۲	ادعای مالکیت ایران بر بحرین	۲۱۸	آینه آشکارکننده حقیقت
۱۵	ارداویراف‌نامه		
۳۷۳	ارمغان حجاز		
	اروپا در ایران در ادبیات معاصر فارسی ۳۷۶		
	از یک توازن ناقص: حرف اضافه در کردی	۲۹۵	ابستراکتا ایرانیکا
۳۳۵	و فارسی جدید	۳۳۲	ابلیس در شعر عطار
	اساسنامه‌های فرق سلحشوری در ایران در	۲۳۴	ابن سینا و لوران دویدسی
۳۵۳	دوره قاجاری		

«آ»

«ا»

- اساطیر در سبک هندی در شعر فارسی ۳۴۶
 استبصار ۲۲۷
 استودی اورینتالی ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳
 اسرار خودی ۳۷۳
 اسکریتورا جیویلتا ۳۵۶
 اسلام در تاریخ ابتدایی قرون وسطی ۲۳۴
 اسلام دیروز و امروز ۲۳۳
 اسلام شناسی و ایران شناسی در ایتالیا ۳۲۹
 اسلام غیر عربی ۳۳۱
 اسلام و تعالیم آن ۲۸۷
 اسلام و عربیت ۲۳۱
 اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲۸۹، ۳۳۴
 اسلامیات ۳۷۶
 اسم فعلهای قدیم و فعلهای متعدی ۳۴۱
 اسناد و معاهدات دو جانبه ایران و سایر دول ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶
 اشعار خوشحال خان ۳۳۰
 اشعار و حکایات مالزی ۳۷۵
 اصطلاحات جدید کشتی سنتی ایران ۳۵۱
 اطلاعات ۱۷۱
 اطلاعات مقدماتی در باره دستنویسهای تعزیه ۲۳۴
 افسانه کشتی‌گیر مقدس ۳۵۱
 افسانه‌های قرون وسطایی رومی در شرق و افسانه‌های شرقی روم ۲۳۴
 افسران ایتالیایی در خدمت ایران در قرن نوزدهم ۳۵۲
 افکار دینی مولانا جلال الدین رومی ۳۷۵
 اقتصاد ایران ۲۸۷
 اقتصاد فی‌الاعتقاد ۲۸۳، ۱۱
 اکتا اورینتالیا اونگریریکا ۳۳۵
 الاغانی ۲۲۳
 الاغراض الطیبه و المباحث الخوارزمشاهیه ۳۰۵
 الحاوی ۲۸۳، ۱۲
 الحرعاملی ۳۲۹
 الدراسات الشرقيه ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲
 الشدة بعدالفرج ۳۴۵
 القیس قدم بن قادم اعشی ۲۳۲
 المنصور ۲۱۳
 الموسوعة المستشرقین ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۳
 ۲۲۶، ۲۲۹
 ام‌الکتاب ۲۴۲، ۲۶۹، ۲۸۹، ۲۴۲، ۳۶۵
 امثال و حکم ۹۷
 امیر و ناهید ۲۸۶، ۱۶۶
 اناجیل اربعه ۸۰
 انتخاب آیین حق نما ۳۰۵
 انتخاب رباعیات عمرخیام ۳۰۵
 انتخاب عقاید و عملیات دین عیسویان ۳۰۵
 انتشار عکسهای با مشخصات ایرانی ۳۴۶
 انتشار و چاپ یک سند قانونی ایرانی از بامیان ۳۲۶
 انتقاد به ذبیح سپهر برای کتاب جنبش کمونیست در ایران ۳۴۰
 انتقادی سازنده و مسئله اضافه، تبصره بر یک نقد ۳۳۲
 انجیل ۸۱، ۳۶
 انسان‌نامه معروف به قیافه نامه ۳۰۵
 انعکاس نسخه خطی بهایی‌های ایران ۳۲۳
 انقلاب سفید در یک دهه سال ۳۸۲
 اورینته مدرنو ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶
 ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۱
 ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۸۰، ۳۸۱

اورینس انیکوس	۳۳۳	ایران و غرب موادی برای مقابله فرهنگی
اوستا	۹	۳۹۱
اوصاف ممالک مختلف	۲۸۳، ۲۱۲	ایران و کفر اسلام در فکر هنری کرین
اوصاف ممالک مختلف ← دستوری		۳۷۲
عملی برای بازرگانی		ایرانیان
اوپل ولترو	۳۵۳، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۹	ایرانیان، تاریخ ایران با تکیه بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی
اهداف زبان بلوچی	۳۶۰	۲۸۹
اباستروف بر باد در سیرالعباد سنایی	۳۳۴	ایرانیان
ایتالیا ۷، ۶۸، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۸۶، ۳۹۰		۳۴۶
ایدئولوژی شاهنشاهی ایران باستان	۲۴۲	ایرانی و ایسکیهای ایتالیایی
ایران از دیده سیاحان ونیزی	۲۱۴، ۲۱۲	۳۴۱
ایران از دیده سیاحان اروپایی دوره	۵۲، ۵۱، ۴۸، ۴۷، ۲۱۸، ۲۱۶	ایلیاد و ادیسه
ایلمخانان	۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۶، ۳۵	اینتر استامپا
ایران در خلال جنگ جهانی دوم، مواد و مدارک	۳۲۶	اینفرمادی شرق
ایران در سفرنامه ایتالیا	۲۲	اینفورمادی پاروله
ایران در سفرنامه مارکو پولو ۱۸، ۲۱، ۲۴		۳۳۵
ایران دینی یا ادیان ایران از زرتشت تا بهالله	۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۸، ۲۷	ایوان، مطالبی در خصوص مطبوعات
ایران، رویای قدرت	۳۸۲	۳۸۲
ایران شناسان و استادان زبان فارسی از گذشته تا کنون	۲۳۷	
ایران شناسی	۱۹۶	
ایران شناسی در اروپا و ژاپن ۸۱، ۹۰، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۶، ۲۶۴		
ایران و اسلام و ایتالیا در قرون وسطی	۳۶۵	
ایران و جهان از مغول تا قاجاریه ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۴۳، ۵۳، ۵۴، ۶۷، ۵۶، ۵۷، ۵۸		
ایران و درام نویسان بزرگ جهان	۶	

«ب»

بازنویسی فرانسه واژه های عربی در یک دستنویس از قرن ۱۳ فرانسه	۲۳۴
باز هم در باره زنبیل	۳۲۵
باز هم درباره میرزا شفیع	۳۳۴
بال جبریل	۳۷۳
بانگ درا	۳۷۳
ب. بودن که بانی و تحصیل علوم عربی و هندی در قرن نوزدهم	۳۵۴
بحرالغرائب	۳۰۵
بدایع الوقایع	۳۵۱
برای تفریح یا برای درد زایمان ایرانی	۳۳۳
برای یازده مارس	۳۴۶
برای یک فلسطینی	۳۳۳
برخورد مظفرالدین شاه با ترن و کشتی و	

- اتومبیل ۱۲۴
برخورد میان غرب و شرق ۳۳۲
بررسیهای بلوچستان شناسی ۳۱۶
بررسیهای تاریخی ۴۷، ۳۵، ۱۱۲، ۳۴۴
برزو نامه ۹۷
بروزنامه جدید ۳۵۵
بزرگداشت ادواردو ولترا ۳۲۹
بستام و نژاد ازدها ۳۳۳، ۲۸۹
بلقانا ۳۴۶
بن بست ۲۰۷
بوستان ۲۹۸، ۱۹۰، ۱۸۹
بوف کور ۳۷۰، ۲۶۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶
بهارستان ۳۶۱، ۳۰۵
به یاد ماریا نلینو ۳۳۰
بیاض سفر ۳۱۱، ۳۰۷
بیژن ۲۸۶، ۱۶۶
بیوگرافی از میرزا ملکم خان ۳۵۲
پارمانلوی و پادانی تاکنه یادداشت مربوط ۳۵۴
به ریشه لغت ۳۵۴
- «ت»**
تأثیر هنر ایرانی در نقاشیهای طاق یک ۲۳۴
تأثیر آفتاب شرق ۳۳۳
تاب گلشن راز ۳۳۱
تأثیر هنر ایرانی در نقاشیهای طاق یک ۹، ۱۰
نمازخانه در جزیره سبیل ۳۰۵
تاج المصدا ۳۲۹، ۲۵۰، ۲۸۷، ۲۰۵
تاریخ ادبیات ایران ۳۷۴، ۳۵۳
تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام ۲۶۶، ۲۸۸
تاریخ ادبیات پاکستان ۳۷۳
تاریخ ادبیات ترکی ۳۲۹، ۲۸۸
تاریخ ادبیات شرق ۳۲۸
تاریخ ادبیات عرب ۲۳۱
تاریخ ادبیات فارسی ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۵۰، ۲۸۸، ۲۸۶
تاریخ افشاریه ۳۴۵
تاریخ ایران در دوره قاجاریه ۳۵۳
تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه ۲۱۴
تاریخ بلعمی ۳۰۲
تاریخ تأسیس مؤسسات تمدنی جدید در ۱۹۱
- «پ»**
پایان نامه تحصیلی پودولی ۳۴۸
پایه های فرهنگی ایران جدید، محمد با ۳۷۵
داریوش ۳۸۲
پدیده ایران ۳۳۱
پروبلمی دی اولیس ۳۴۰
پسونند «آنه» فارسی جدید که بوجود آورنده ۳۵۴
صفت های کیفی می باشد ۳۰۵
پنجاه سال ایران شناسی ۳۴۴
پندنامه ۱۹۱
پندها (قابوس نامه)
پیام کتابخانه

۳۳۴	تبعیدهای افغانی	۷۸، ۷۷	ایران
۱۰۴	تجار ایران در عصر قاجار	۲۸۵، ۲۱۵	تاریخ جنگهای ایران و ترکیه
۲۸۵، ۸۳	تحریرالاصول	۲۳۵، ۲۱۶	تاریخچه ایران شناسی در ایتالیا
تحریر فرهنگ بزرگ لغت فارسی ایتالیایی		۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۵۴	
۳۵۴		۴۴، ۵۰، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲	
۳۰۵	تحفة الصبیان	۱۰۲، ۱۰۱، ۹۷، ۹۴	
۳۰۵	تحفة الملوک	۳۸۱	تاریخچه مقاله‌های استاد اسکارجیا
۳۰۵، ۲۹۴	تحفة الهادیه		تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه
۵۹	تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران	۱۰۴	
۱۸	تحقیقات جغرافیایی (نشریه)	۱۲۲، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۵	
۱۹۰	تحقیقی در باره سعدی		تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی
۲۰۷	تخت ابرنصر	۶۴، ۶۲، ۶۱	
۳۳۱	تخریب اخبار اساطیر در نظامی	۴۶، ۴۵	تاریخ روابط فرهنگی ایران
۲۸۵، ۷۶	تذکره هرمز	۲۸۴	تاریخ زمان ما
۳۸۰	تذکره شعرای فارسی زبان	۲۳۳	تاریخ سه هزارساله ایران
۲۴۷، ۲۴۷	تذکره الاولیا	۱۰۱	تاریخ سیاسی و ادبی ایران جدید
۲۸۳، ۹	تربیت مرغان شکاری	۲۷۹، ۲۷۰	تاریخ سیستان
۳۷۳	ترجمه اشعار ابن سینا	۱۶۶، ۹۷	تاریخ شعر فارسی
ترجمه اشعار جرج صیداح و فدوا نوکان		۲۴۲	تاریخ شیعه اسماعیلیان
۳۳۳		۳۰۵، ۳۰۲	تاریخ طبری
۳۲۹	ترجمه اشعار فارسی به ایتالیایی	۲۲۶	تاریخ عرب پیش از اسلام
۲۸۸	ترجمه ام‌الکتاب	۴۹	تاریخ عمومی ترکان
۲۰۵	ترجمه ایتالیایی دوبیتی باباطاهر ۱۹۴، ۱۹۴	۶۰	تاریخ عمومی قرون جدید
۲۸۷	ترجمه ایتالیایی گلستان		تاریخ مختصر ادبیات عربی، فارسی، ترکی و ...
۳۳۲	ترجمه بعضی از اشعار سنایی	۳۷۶	
۲۸۹	ترجمه بوف کور		تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران
۳۰۳	ترجمه تاریخ طبری	۱۱۲، ۱۰۹	
۳۷۱	ترجمه جاویدنامه اقبال لاهوری	۳۶۱	تاریخ و فرهنگ معاصر
۱۸۹	ترجمه چند غزل حافظ	۲۸۵، ۲۱۵، ۴۹	تاریخ وقایع ایران
۲۸۸	ترجمه چهارمقاله	۲۰۷	تاریکخانه
۳۸۰	ترجمه حاجی بابا به زبان فارسی	۳۳۴، ۲۹۰	ناکجا آباد
۳۳۵	ترجمه دو شعر	۳۳۲	ناول و ماه

- ترجمه دو متن فلسفی اسماعیلی ۲۸۹
 ترجمه رباعیات خیام ۲۸۸، ۲۸۷، ۳۷۱
 ترجمه ساقی نامه و آهوی وحشی حافظ ۱۸۹
 ترجمه سه نمایشنامه منسوب به میرزا آقا تبریزی ۲۸۸
 ترجمه سیاست نامه ۲۸۹
 ترجمه شرح شواهد کبری عینی ۲۸۶
 ترجمه صائب تبریزی ۳۴۴
 ترجمه صد رباعی خیام ۲۸۸
 ترجمه صفت نامه ۲۸۸
 ترجمه طنزهای عبیدزاکانی ۲۸۸
 ترجمه غزلهای حافظ ۳۶۴
 ترجمه فقراتی از غزلیات کهن، جدید و معاصر فارسی، افغانی و پشتو ۲۸۹
 ترجمه قابوسنامه ۲۸۸
 ترجمه قرآن مجید با مقدمه مشروح ۳۷۱
 ترجمه قسمتی از شاهنامه فردوسی ۲۸۶
 ترجمه کامل شاهنامه فردوسی ۲۸۶
 ترجمه کتاب میرزا بدیل ۳۳۵
 ترجمه گلستان ۲۸۸
 ترجمه لیلی و مجنون ۲۸۸
 ترجمه متون دینی زرتشتی ۳۷۳
 ترجمه منطق الطیر ۲۸۹
 ترجمه های قرآن مجید به زبان ایتالیایی ۳۶۱
 ترجمه هجویات عبید زاکانی ۳۴۱
 ترجمه هفت پیکر ۲۸۸
 ترجمه کامل گلستان سعدی ۹۷
 تشکیل زورخانه و آئین جوانمردی ۳۵۱
 تعریف سبک هندی در ادبیات فارسی ۳۷۵
 تعزیه و پیدایش آن ۲۳۴
 تعزیه های فارسی درباره افسانه سلیمان و تعیین ملکه سبا ۳۷۵
 تعمیرات آثار تاریخی در ایران ۳۱۳
 تفسیر بر بازی با کلمات نظامی ۳۲۸
 تکوین ۷۵
 تکوین قبایل عربی پیش از اسلام ۲۲۶
 تلاقی آسیا و اروپا ۳۴۵
 تهران - کابل یک افسانه از دو شهر ۲۸۹، ۳۳۳
- ج**
- جادو و اسطوره در رمان ایرانی ۳۵۳
 جامع الفارس ۳۰۵
 جاویدنامه ۲۶۸
 جاویدنامه اقبال ۲۰۴
 جایی که زرتشت حرف زد ۳۴۶
 جبر و مقابله ۱۱، ۲۰۹، ۲۸۳
 جملات فعلی و اصطلاحات فعلی در فارسی نو ۳۴۰
 جمهره النسب ۲۲۱
 جمهوری ۳۹۵
 جمهوری اسلامی ایران ۳۶۰
 جنگ فردوسی ۲۹۴، ۹۶
 جنگ نامه قشم ۲۸۶
 جنگهای ایران و عثمانی ۲۸۴، ۲۸۵
 جنگهای ایران و عثمانی در دوره صفویه ۲۸۴
 جنگ هفت کرد ۱۶۴
 جهان اسلامی بین تبادلات و امت فرهنگی ۳۳۴
- چ**
- چرا دریا طوفانی شد ۲۰۶

- چرا سبک هندی در دنیای غرب سبک
باروک خوانده می‌شود ۳۴۶
- چمبرلیناش ۳۳۰
- چند اثر باستانی در دهکدهٔ سجاس زنجان ۳۴۴
- چند اعتراف کوتاه به اشتباهات حرفه‌ای ۳۳۴
- چند نقاشی ایرانی دوره زندبه و قاجاریه ۳۲۴
- چند نکته گفتنی و ناگفتنی ۳۸۹
- چهار غزل از سعدی ۱۹۰
- چهار فصل موسوم به روزنامه ۱۲۱
- چهارمقاله ۲۶۸
- چهارمقاله در باره دورنمای ایران ۲۸۸
- چهره‌نما ۲۰۷
- چهل ستون مالویران ۳۴۴
- «ح»
- حاجی آقا ۳۷۱
- حافظ شمس‌الدین محمد ۳۲۵، ۱۸۹
- حافظ شناسی ۱۸۷
- حافظ شیراز در اروپا ۱۸۶، ۱۸۴
- حاوی ۲۰۹
- حبل‌المتین ۲۰۷
- حبیب‌الله خان ۳۲۹
- حروف اضافه در کردی و فارسی جدید ۲۹۰
- حق‌الیقین در معارف اصول دین ۳۰۵
- حکمت آداب ۱۶۸
- حکومت اصلاح کشاورزی و مخالفت در ایران ۳۲۴
- حلیه المتقین ۳۵۵
- حماسه ایرانی و نقاط مشترک آن با حماسه تورانی ۳۲۸
- حماسه‌سرایی در ایران و عادات و رسوم ایران در زمان باستان ۲۲، ۱۶۴
- حماسهٔ ایرانی ۹۶
- حواس پرتی ۳۵۹
- حولیات‌الاسلام ۲۲۸
- حومه عثمانی و تزئینات غیرمذهبی: مسجد شارنا در تنور و مسجد پاپراکلی در ساموکوف ۳۳۳
- «خ»
- خاطرات سانودو ۵۳
- خاطرات سفر به ایران و عثمانی ۲۸۴
- خان کابل ۳۳۵
- خانه بروجرودی در کاشان ۳۲۴
- خاورنامه ۲۶۹
- خبرنامه بررسیهای بلوچستان ۲۴۴، ۲۴۳
- خزانة‌الادب ۲۸۷
- خسرو و شیرین نظامی ۱۸۹
- خصوصیات شاه عباس، شاه ایران ۵۸
- ۲۸۵
- خلاصه‌الاخبار ۳۵۵
- خلاصه‌ای از سینمای ایران ۳۹۱
- خودآموز مذهبی ۲۸۵
- خوشحال خان ختگ ۳۳۵
- خیام فیتز جرالد ۱۷۵
- خیام و رباعیات او ۲۸۷
- «د»
- دائرة‌المعارف اسلام ۳۲۹

- دائرة المعارف جهانی هنر ۳۲۵
دائرة المعارف روسی و احساسات مذهبی ۳۲۴
- دائرة المعارف هنرها ۳۲۷، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸
داستان پیدرو، پطرمقدس ۷۱
داستان پیدرو و آیین حقنما ۲۸۴
داستان مسیح ۷۱، ۲۸۴
داستانها و مقالات تاریخی ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۵۰، ۶۶، ۹۶، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۹۶، ۲۵۷، ۷۵
داستانهای هزار و یکشب ۱۹۶
داستان هفت شاهزاده خانم ۲۰۱
داش آکل ۳۷۰
داغ ۳۴۴، ۳۴۶
دائنه و اسلام ۲۳۴
دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ۷۰
دایرةالمعارف طبی ۲۱۰
دختر ایرانی ۶
درباره آخرین مرحله اسلامی شدن بامیان ۳۲۵
درباره انتخابات ایرانی ۳۲۳
درباره دو اثر از صادق هدایت، بوف کور و حاجی آقا ۳۲۲
درباره فرهنگ لغت فارسی ایتالیایی ۳۴۱
درباره قانون فی الطب ۲۱۳
درباره کاروانسرای معماری ایتالیا و ایران ۳۳۳
درباره مذهب زابل ۳۲۵
درباره یک نسخه خطی که در کتابخانه ترولتزینا پیدا شده است ۳۴۵
درباره ادبیات فارسی معاصر ۳۸۱
- درخت لذتها از ناصر خسرو ۳۸۱
درسها و تعمیرات معماری ایران و ایتالیا ۲۸۹
درسهای ایرانی ۳۴۵، ۳۸۰
درسهای ترکشناسی ۳۳۴
درسهای شرقی ۳۸۰
درسهای شرقی و زبانشناسی ۳۸۱
درسهای در باره خزان ۳۳۲
درگیری بین اسلام و مانویت ۲۳۰
در مرگ طبس و بویاجی و پهلوی و مصاحبان و دیگران ۳۳۲
دروس آسیایی ۳۴۴
دروس ایرانی ۳۳۱
دروس تاریخ مذاهب ۳۵۳
دروس خاور نزدیک در ایتالیا ۳۵۴
دروس شرقی ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۴۰
دروس شرقی و کتابهای خطی اسلامی در ایتالیا ۳۵۵
دروس و روشهای فهرست برداری کتابهای خطی ایرانی ۳۵۶
دروس و مواد تاریخ مذاهب ۳۲۲، ۳۲۴
دستنویس شاهنامه فلورانس ۳۰۱
دستورالخوان ۳۰۵
دستور زبان اوستایی ۹۵
دستور زبان فارسی ۷۵، ۹۶، ۲۲۲، ۲۶۵، ۲۸۵، ۲۹۴، ۳۰۶، ۲۵۰
دستور زبان فارسی جدید ۲۳۶، ۳۴۱
دستور زبان فارسی معاصر ۲۵۰
دستور زبان کردی ۸۸
دستورهای فارسی در زبانهای اروپایی ۲۹۴
دستوری عملی برای بازرگانی ۳۸
دستور زبان فارسی ۸۸

۱۲۴	راه و بار	۲۱۸	دفاع از دین مسیح
رباعیات خیام ۱۰۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸،		۳۸۰	دنیای ایرانی بین پترزبورگ و بخارا
۲۶۸، ۲۳۵، ۱۸۳، ۱۸۰		۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۶	دنیای دانش و کتاب
۱۷۹	رباعیات فیتز جرالد	۳۶۸، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۷۴	
۳۹۵	رزم دانشجو	۳۶۴، ۲۹۰	دوبیتی‌های باباطاهر
۳۰۶	رساله مقداریه	۳۳۱	دورنمای حافظ
۳۰۶	رساله نبض		دوره جدید کلاسیک آذری سان تادانو و
رمواله و تکیو دیپلمات و مستشرق اهل		۳۲۰	اسحاق پاشا
۳۴۰	ساردینا	۳۳۵	دوره سبک هندی ایران
۳۷۳	رموز بی خودی	۳۷۵	دو قصیده از فروغی بسطامی و پسرش
روابط ایران با کشورهای اروپایی ۷۶، ۷۰، ۷۱		۱۱۱	دولت علیه ایران
روابط بین ایران و ایتالیا در قرن ۱۹ ۳۵۲		۳۲۶	دو مسئله تفسیر متن تاریخ سیستان
روزنامه خاطرات مارینو سانودو در باره		۳۵۵	دو نسخه خطی فارسی
۲۸۸	شاه اسماعیل	۳۳۵	دو وزنه و چهار اندازه
۲۱۸	روشن کننده آیین	۳۲۵	دو یادداشت در باره خوارج سیستان
۷۶	روضه الصفا		ده غزل از صائب برای فرانچسکو گابریلی
۲۱۴	روم پرستی کاروم هستیریا	۳۳۰	
۳۲۷	رومی	۱۹۴	دیوان باباطاهر
رویاروییهای اندیشه‌گران ایرانی با دورویه		۳۲۱، ۳۰۶، ۱۸۹، ۱۸۶	دیوان حافظ
۷۱	تمدن بورژوازی غرب	۵۸	دیوان شرقی و غربی
۲۶۸	ریش نامه	۱۹۳	دیوان شمس
۳۴۰	ریشه پسوند‌های فعلی فارسی جدید	۳۰۶	دیوان شوکت
۳۳۳	ریناشیتا	۹۲، ۲۸۶	دیوان علی بن فتح‌الله معدانی

«ز»

۳۶۰	زبان‌شناسی فارسی میانه
۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۵	زبان فارسی در جهان
۲۵۶، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۵	
زبان و فرهنگ فارسی در کشورهای دیگر	
۳۶۲	
۳۶۰	زبانهای ایرانی در براهه ناپل
۳۷۳	زبور عجم

«و»

رابطه بین حماسه ایرانی و حماسه	
اسلاوی	۳۲۸
راهنمای ادبیات ایران	۹۶
راهنمای تحقیقات ایرانی	۶۸
راهنمای رشته ایران‌شناسی در اروپا	۲۴۱، ۲۴۶
	۲۵۰، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۲
راهنمای کتاب	۳۷۶، ۳۷۴، ۳۷۲، ۳۰۴

۳۳۱، ۲۸۸	سبک کلاسیک فارسی	۳۳۲، ۳۴۵	زروان و محمد
۳۲۶	سبک هندی	۳۳۲	زروانیسم دامنه قفقاز
۲۰۶	ستاره	۳۲۲	زامامداری نزد امامیه
۳۱۵	سخن	۲۱۳، ۴۳	زندگی تیمورلنگ
۳۲۴	سرگذشت دارایی پهلوی	۵۰	زندگی صفوی، پادشاه ماد و ایران
۲۸۶	سرگذشت رستم با کک گوهرزاد	۳۳۳	زورآباد
۳۲۷	سعدی	۳۲۷	زونبیل یا زنبیل
۸۱	سفر زیارتی سه شاهزاده سراندیب	۲۶۷	زیباشناسی دینی
۲۸۴	سفرنامه	۳۵۳	زیبایی و دل در شعر فتاحی
۲۹۳	سفرنامه آمبرو زیو کنتارینی	۸۴	زیج ایلخانی
۲۸۶	سفرنامه الساندرو	۲۲۶	زیج قبانی
۵۸، ۵۵، ۲۹۳	سفرنامه پیتر و دلاواله		
۱۸۵	سفرنامه دلاواله		«ژ»
۲۸۴	سفرنامه زنو	۳۵۵	ژورنال اسپانیک
	سفرنامه زیارتی سه شاهزاده سراندیب		
۲۸۵			«س»
۲۹۳	سفرنامه کارلا سرنا		سابقه و تاریخچه زبان فارسی در
۲۸۶	سفرنامه کننی	۷۲، ۱۴، ۲۱۱	اروپا
۲۹۳، ۲۸۵	سفرنامه گملی کارری	۳۵۳	سازماندهی و بازسازی سپاه ایران
۲۶، ۲۴، ۲۰، ۱۸، ۱۳	سفرنامه مارکو پولو	۳۵۵	سالنامه آکادمی ملی لینچنی
۲۹۳		۳۲۳، ۳۲۲	سالنامه دانشگاه شرقی ناپل
۲۳۵	سفرنامه ناصر خسرو	۳۴۱، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴	
۲۸۴	سفرنامه وارتما	۳۵۵، ۳۵۳، ۳۵۱، ۳۵۲	
۲۸۵	سفرنامه وینچنزو ماریادی	۳۵۲، ۳۲۹	سالنامه دانشگاه فوسکاری
۴۶	سفرنامه‌های ایتالیاییان در ایران	۳۸۰، ۳۵۵، ۳۵۴	
۲۸۷، ۲۸۶	سفرنامه‌های باربارو و کنتارینی	۳۸۰	سالنامه دانشگاه متنکاری
۲۸۴	سفرنامه‌های کونا	۳۸۱، ۳۸۰	سالنامه دانشگاه ونیز
۲۹۳	سفرنامه‌های ونیزیان در ایران	۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۰، ۳۳۱	سالنامه کافوسکاری
۵۴	سفرنامه آنتونیو تانی	۲۰۷	سامپینگه
۵۰، ۴۶	سفرنامه باربارو	۸۲	سبعه سیاره
۵۰	سفرنامه بازرگان	۳۲۶	سبک خراسانی
۵۴	سفرنامه جوزفه دسانتاماریا	۳۲۶	سبک عراقی

۲۳۴	سه هزار سال تاریخ ایران	۵۳	سفرنامه جوانی بانیستا راموسیا
۲۱۴	سیاحان قروم ۱۲ تا ۱۵ میلادی	۴۶	سفرنامه کاترینونزو
۳۴۵	سیاحت فهرج	۵۰، ۴۶	سفرنامه کنتارینی
۲۷۰	سیاست نامه	۵۳	سفرنامه لوتیجی رانچینوتو
۳۰۹، ۱۵	سیرالعباد الی المعاد	۵۳	سفرنامه لودویکو وارتما
	سیستان در حکومت اعراب از فتح اسلام تا	۴۶	سفرنامه ماریا آنجیوللو
۳۱۲	سقوط صفاریان	۵۴	سفرنامه ماریاسنت کاترینا
۸۴	سی فصل از تقویم	۵۴	سفرنامه مانریک
۳۹۱	سینمای ایران در ایتالیا	۱۰۲	سفرنامه ناصر خسرو
		۴۷	سفرنامه وینچنزو الساندرو
			سفرها و ماجراهای سه پسر جوان پادشاه
		۲۰۲	سراندیب
۳۲۶	شاپور و خورآباد	۴۷	سفرهای یک سوداگر در ایران
۳۲۶	شاعران و نثر نویسندگان جدید افغانی	۲۹۰	سقوط شاه
	شاعر مسکین و نشانی که پاپ پیونهم به		سکه با نام و شعار عبدالرحمان پژواک
۳۵۳	امام جمعه اصفهان داد		سلسله ایران از مصدق تا (امام) خمینی
	شاهنامه ۸۵، ۹۵، ۹۷، ۲۲۲، ۲۹۸، ۳۰۰،	۳۸۱	
	۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۶۰، ۳۵۵، ۳۴۵، ۳۰۱		
۱۷۰	شاهنامه بایسنغری	۳۴۵	سلطانی دوم
۱۷۱	شاهنامه فردوسی کتابخانه فلورانس	۳۴۶	سلطانی سوم
۱۱	شرح اقلیدس	۳۴۶	سلطنتی دون
	شرح ایتالیا از زبان مسافران ایرانی در قرن	۳۰۶	سلک الجواهر
۳۵۲	نوزدهم	۳۲۹	سمند و خنگ
	شرح بر اولین تفسیر اصطلاح رخنه‌ای بر	۳۰۹	سنایی پیشرو دانته
۳۴۵	دیوار		سنایی شاعر قبل از دوره کلاسیک ایرانی
۲۸۴	شرح حال پادشاهان مشهور شرق	۳۳۲	
۲۱۵	شرح حال تیمور	۳۰۸	سنایی، شاعر قبل از کلاسیسم ایران
۲۱۵	شرح حال شاه اسماعیل	۳۴۵	سنایی شاعر والای ایرانی
۲۸۴	شرح خاطرات سفر به شرق	۳۲۴	سوره اعراف
	شرح دریانوردی و سفر به ممالک شرقی	۳۲۴	سوره بقره
۲۸۴			سومین کنگره بین‌المللی درباره هنر و
۲۸۴	شرح سفر در ایران و هند	۳۴۶	فرهنگ اسلامی دوره تیموری
۵۷، ۲۸۵	شرح سفرنامه پیتر دلاواله زائر	۲۰۷	سه قطره خون

«ش»

- شرح و توصیف علمی زبان کردی ۲۸۶
 شرحی در باره صوفیان تبریز ۲۸۴
 شرق جدید ۲۵۵، ۲۲۶
 شرق مدرن ۳۱۶
 شرق و غرب ۳۱۳، ۳۱۶، ۲۵۵، ۳۲۵، ۳۲۶
 شرق و غرب در قرون وسطی ۲۳۴
 شرقی جدید ۳۷۵
 شریعت اسلام ۲۲۷
 شعر عاشقانه ترکی و فارسی ۳۳۰، ۳۵۳
 شعر فارسی در ۲۰ ساله اخیر ۳۳۰
 شعر مولانا در ترجمه ایتالیایی رساله سجع و قافیه ۱۹۱، ۱۹۲
 شفا ۲۲۱
 شکل امروزی مهدویت ایرانی قدیم ۳۳۰
 شکل زمین ۲۲۶
 شناخت آسیا و افریقا در ایتالیا ۳۵۴
 شهر آشوبان آسودگی شهر ۳۳۴
 شهر آشوب و ایده آلیسم افلاطونی ۳۳۳
 شیوه استنباط احکام نزد شیعه امامیه ۳۲۹
- «ص»**
 صحنه‌ای از زندگی مصر ۲۲۶
 صحیح بخاری ۳۷۷
 صدای پای آب ۳۹۶
 صد و یک غزل از سعدی شیرازی ۱۹۰
 صرف و نحو ایرانی قدیم ۲۸۶
 صفت نامه درویش محمدخان غازی ۳۲۵
 صفویه ۳۱۲
 صنوبر ۳۳۰
- صورت‌های قانونی و سیاسی مشاجره جدید
 بین ایران و اتحاد شوروی ۳۲۳
 صور جادویی و ارزش خط عربی ۳۵۶
 صور خطی و صوتی در خط قدیم فارسی ۳۴۱
 صوفی ۳۶۰
 صوفیگری ۳۲۸
- «ض»**
 ضرب المثل‌های فارسی، عربی و ترکی ۲۸۵
 ضرب کلیم ۳۷۳
- «ط»**
 طب شفایی ۳۰۶
 طبقات ابی بکر زبیدی ۲۳۲
 طبقات الکبری ۲۸۸
 طبقات ناصری ۲۱۸
 طوطی نامه ۳۰۶
- «ظ»**
 ظن‌های عبید زاکانی ۲۶۹
- «ع»**
 عربستان جنوبی ۲۲۶
 عربها در ایتالیا ۳۵۵
 عرفان مولانا ۲۸۹
 عقاید اسلامی ۲۲۶
 علم نجوم ۱۱
 علویه خانم ۳۷۰
 عمر خیام ۳۲۷
 عمرخیام در ایتالیا ۳۵۴
 عنصرهای زبان فارسی ۷۵

عین الحیوة	۳۰۶	فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه واتیکان	۲۳۶
غزلیات صائب	۲۷۰	فی الطريق المسائل العددیه	۸۴
«غ»		«ق»	
فارسی در قرون وسطی	۲۵۰	قابوسنامه	۲۶۸
فامیل غفاری کاشان و تکامل تدریجی	۳۲۴	قابوس نامه	۳۴۶
نقاشی ایرانی در ۱۵۰ ساله اخیر	۱۲۲	قاسم ابن الحسن	۲۳۰
فرخ خان امین الدوله (سفرنامه)	۲۰۷	قانون	۲۲۰، ۲۰۹، ۱۱
فردا	۳۲۵	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۳۸۱
فردوسی	۲۸۶	قانون فی الطب	۸۳
فردوسی و شاهنامه اول	۳۰۱، ۲۹۴	قدری شیوازی و حماسه صفوی	۳۸۱
فرهنگ	۲۲۰	قصاید امری	۲۳۲
فرهنگ خاورشناسان	۱۶۴	قصه‌ای عامیانه در باره نورستان	۲۸۷
فرهنگ فارسی شاهنامه	۳۶، ۲۸۳	قصه‌های معاصر خارجی	۲۹۰
فرهنگ کومانی فارسی - لاتین	۳۶۰	قلعه و فصول	۳۳۱
فرهنگ لغت ریشه‌شناسی	۳۸-۳۹	قوانین فرس	۸۴
فعالیت دانشکده در سال تحصیلی	۲۲۲	قیدار و ارغون	۳۴۶
فعالیت دانشکده‌ها در سال تحصیلی		«ک»	
۳۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶	۱۸۰، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۷۴، ۱۷۲، ۱۶۹	کابل برای آزمایش	۳۳۳
فعل معین داشتن در فارسی جدید	۳۸۰	کار اجتماعی در ایران از زمان انقلاب سفید	۳۸۲
فلسفه ابن سینا	۲۲۵	کار تحریر فرهنگ لغت فارسی ایتالیایی	۳۴۰
فهرست تألیفات ایران‌شناسان ایتالیایی	۱۰۱	کافوسکاری (مجله سالانه)	۳۴۴، ۳۴۵
فهرست جزوه‌های تعزیه	۳۵۵	کاوه	۲۰۷
فهرست کتابهای خطی فارسی در کتابخانه	۳۷۶	کتاب ادبیات فارسی	۳۲۸
مارچانا ونیز	۳۷۶	کتاب البیان	۲۲۶
فهرست نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی	۳۷۶	کتاب روزنامه ← چهار فصل موسوم به روزنامه	

- کتابشناسی ایتالیایی ایران ۲۹۴، ۳۵۶
 کتابشناسی ایتالیایی درباره ایران ۲۹۰
 کتابشناسیهای ایرانی در میان کارهای دیگران ۲۹۵
 کتاب عشق ۳۳۱
 کتاب مقدس عهدین ۲۷۱
 کتابها و مدارک ۳۴۵
 کتابهای خارجی ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰
 کتابهای خطی ایرانی در مجموعه برنسون ۳۵۵
 کتابهای خطی فارسی ۳۵۵
 کتابهای خطی فارسی، ترکی و عربی در ایتالیا ۳۵۵
 کتابهای خطی فارسی در کتابخانه واتیکان ۳۵۵
 کتابهای خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا ۳۵۵
 کتابی دربارهٔ مشفق ۳۸۱
 کتیبهٔ قلمه‌رودخان نزدیک فومن ۳۴۴
 کفایه منصوری ۳۰۶
 کفر مسلمانی در برداشتهای اسرارآمیز تاریخی و مذهبی ۳۲۴
 کلک ۲۰۶
 کلیات سعدی ۲۹۸
 کلیات عبید زاکانی ۲۰۳
 کمدی الهی ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۸۳، ۳۰۹
 کنک ۳۴۱
 کنگره بزرگداشت سنایی شاعر عرفانی ۳۳۲
 کنگره بزرگداشت فریدالدین عطار ۳۳۲
 کنگره بزرگداشت نظامی و افسانه ایرانی اسکندر ذوالقرنین ۳۳۱
 کنگره بین‌المللی ایران در قرون وسطی ۳۲۹
 کنگره بین‌المللی در باره شعر حافظ ۳۳۱
 کنگره تولد دوباره اسلام در ایران ۳۳۴
 کنگره حضور فرهنگی ایتالیا در ممالک عربی ۳۵۵
 کنوتو ۱۷۶
 کوله بار شیخ ۲۸۹، ۳۳، ۳۸۱
 کوه خواجه ۳۳۰
 کیهان فرهنگی ۱۸۹، ۳۰۴، ۳۹۱
 «گ»
 گاریبالدی ماتزینی و رنسانس در بیداری آسیا و آفریقا ۳۵۲
 گردون ۲۰۸
 گرشاسب نامه ۹۷
 گریبایدوف و تخیل ۳۳۲
 گزارش ایران در سال ۱۵۴۲ ۳۲۸
 گزارشها و یادداشتها ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳
 گزیده اشعار مولوی ۲۶۸
 گزیده‌ای از اوستا ۹۷
 گزیده‌ای از شعر حافظ ۱۸۹
 گسترش ادبیات فارسی در دوره صفوی ۳۳۱
 گسترش ادبیات فارسی در دوره صفویه ۲۸۸
 گسترش سینمای اسلامی در ایران ۳۹۱
 گشایش و رهایش ۲۴۲، ۲۶۹، ۲۸۹، ۲۴۲
 گفتگو با رضا قیصریه ۲۰۸
 گلبانگ ایران ۲۰۶
 گلچینی از اشعار محمد اقبال ۳۷۳
 گلستان ۹۵، ۲۶۸، ۲۸۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۶

۲۵۷	مجله آسیایی ایتالیا	۳۷۰، ۳۶۳، ۳۲۱	
۱۵۹	مجله دانشکده تبریز	۲۶۸	گلشن راز
۲۴۵، ۲۴۵	مجله مطالعات شرقی	۳۷۵	گلشن راز جدید
۲۸۹	مجموعه‌ای از متون مربوط به تعزیه	۳۴۴	گلشن راز جدید در گلشن راز
۲۹۶	مجموعه خطی مارسیلی	۳۳۱، ۲۸۸	گلشن راز قدیم
۲۸۷	مجموعه شرق شناسی ایتالیا	۳۱۰	گنجینه رم
۱۰۱	مجموعه تعزیه	۳۳۰، ۳۸۰	گورو راجا مابخاریکا
۳۴۶	مجموعه نووارا	۲۰۴	گوشه‌ای از ایران شناسی در ایتالیا
۳۷۰	محلل	۲۴۴، ۲۴۳	
۱۲۱	مخزن الوقایع		
۳۳۴	مذاهب و تمدن		«ل»
۲۸۷	مذهب ایران از زرتشت تا بهاله	۳۵۶	لاریچر کافولکوریکا
۲۷۱	مرآت الملوک	۳۷۹	لغت‌نامه بزرگ فارسی به ایتالیایی
۲۹۳، ۱۲۶	مردم و دیدنیهای ایران	۳۸۱	لغت‌نامه دری به روسی
	مسئله منابع عربی اسپانیایی کمدی الهی	۹۶، ۲۸۵	لغت‌نامه فارسی
۲۳۳		۲۲۸	لؤلؤالبحرین
	مسائل آسیای مرکز از نظر ژنرال انریکو	۲۰۷	لوناتیک
۳۵۳	آندرتینی	۲۸۹	لهجه شناسی جدید بلوچی
۳۳۳	مسائل دوره تیموری	۳۳۵، ۳۰۰، ۲۶۸	لیلی و مجنون
	مسافر رومی پیترو دلاواله و حافظ	۱۸۹	لیلی و مجنون هاتفی
۱۸۹، ۱۸۷	شیرازی	۲۶۹	لی نامه
	مسایل ایران و افغانستان در مورد آبهای		
۳۸۲	رود هیرمند		«م»
۲۸۹	مسایل دوره تیموری	۳۳۴	مارکوپولو، ونیز و شرق
۳۲۱	مسایل زمامداری نزد امامیه	۳۸۰	مازندران در یک نقطه در الهمدانی
۳۳۰	مسجد سنگی لروند		مباحثات بین اخباریون و اصولیون امامیه
	مسیر طالبی ← سفرنامه میرزا ابوطالب	۳۲۲	ایران
	خان	۲۳۳	متون آرامی جدید از شمال ایران
	مشاجره بسین ایران و عراق در باره	۳۲۶، ۲۹۸	مثنوی
۳۲۳	شط العرب	۲۴۲، ۲۴۲	مثنوی هفت منظر
۳۸۲	مشخصات فیروزکوه	۳۱۰	مجامع فرهنگی
	مشرب حروفی در شعر فارسی عمادالدین	۳۴۴	مجله آسیایی

- نسمی ۲۸۹
منتخبات فردوسی ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۸۶
مصلاى یزد ۳۴۴
منتخبات نویسندگان قدیمی ایرانی ۲۹۴
مطالبی پیرامون انقلاب ایران ۳۸۲
منتخباتی از قرآن ۲۲۶
مطالبی در باره آثار خواجه نصیرالدین ۲۱۱
منتظم ناصری
طوسی، نجم‌الدین کبری و واعظ منشآت ۳۰۶
کاشانی ۲۸۹
مطالبی در باره مسجد خرابه دماوند ۳۲۹
منطق‌الطیر ۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۰۱
مطالعات شرقی ۲۲۶، ۳۵۳
مؤسسه ایزمئو ۳۴۸
مطالعه بر روی فیروزکوه و شهر داوود ۳۸۲
موسیقی ۲۱۰
مطالعه هنر و باستان شناسی ایران دوره مومیایی شیراز ۲۰۸
اسلامی در اروپای غربی ۲۸۰
موناو دندرون ۳۳۰
معراج رستم ۳۳۵
مهمان بخارا در مشهد ۳۴۵
معرفی شیمبار، یادداشت در باره هرکول مهم ایران در تمدن جهان ۶۹
ایرانی ۳۳۲
میراث ایران ۶۵
معماری در کشورهای اسلامی ۳۳۴
مغولها و ایران ۱۹۰
میرزا آقا تبریزی، سه کمدی ۳۲۶
مغولها و ایران: موقعیت مذهبی ۳۳۴
مقاله‌ای درباره فرهنگ فارسی ایتالیایی ۳۴۰
مقاله در باره یک دستخط ایرانی ۳۲۷
مقام غالب در تاریخ شعر اردو و ادبیات فارسی در هند در اسلام ۳۷۵
مقبره ارغون ۳۴۵
مقدمه الادب ۸۴، ۲۹۸
مقدمه الصلوة ۲۹۹
نام گل سرخ ۲۰۲
ملاحظاتى در باره تركهاى زابلى و افسانه ۲۳۹، ۲۴۰
نامنه پارسى ۳۱۱
نامنه تنسر ۲۲۷
نجوم و احكام نجوم و جغرافيا ۳۰۳
نسخه خطی طبری نگهداشته در ونیز ۳۵۵
نسخه خطی فارسی تاریخ طبری ۳۰۲
نسخه مصور منطق‌الطیر عطار در تورین ۲۹۰
نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا
- «ن»
- نام گل سرخ ۲۰۲
نامنه پارسى ۲۳۹، ۲۴۰
نامنه تنسر ۳۱۱
نجوم و احكام نجوم و جغرافيا ۲۲۷
نسخه خطی طبری نگهداشته در ونیز ۳۰۳
نسخه خطی فارسی تاریخ طبری ۳۵۵
نسخه مصور منطق‌الطیر عطار در تورین ۳۰۲
نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا ۲۹۰
- مناسبات کلیسای روم با ایران ۷۴، ۲۱۱
ممکن است ویج گوگول ایرانی باشد ۳۸۰
منابع شرقی افسانه توراندخت ۱۰۱
ملاحظات کلیسای روم با ایران ۷۴، ۲۱۱

نمایش تعزیه در دوره پادشاهی ناصرالدین	۲۴۴، ۲۹۶، ۲۴۳، ۲۰۵، ۱۹۴	نشر دانش
شاه	۲۳۲	نصوص
نمایشگاه اسناد روابط ایران و ونیز	۳۰۴	نظم کتابخانه میلان شرقی و ترتیب فهرست
نوری جدید بر فردوسی	۳۵۵	مطول
نوی ارکومنتی	۳۲۴	نقد برج. ک. بروگل، ایران
نهایة الادب	۲۱۹	نقد بر دستور زبان فارسی
نی نامه جامی	۲۸۹	نقد بر کتاب اسلام
		نقد بر کتاب بدرالدین ابراهیم زنانگویا و
		جهانبویا
وجه تسمیه معتزله	۲۲۵	نقد بر کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران
وسيلة المقاصد	۸۴	در دوره معاصر از آغاز سلطنت قاجارها تا
وضع مطالعه در تاریخ هنر و باستان شناسی		پایان نخستین جنگ با روسیه
دوران پیش از اسلام	۲۸۰	نقد بر کتاب تاریخ ادبیات پاکستان، اردو،
ونیز و اسلام	۲۹۰، ۳۳۴	پنجابی، سندى، پشتو و بنگالی پاکستانی
ونیز و ایران از اوزن حسن تا طهماسب	۳۲۹	۳۲۳
ویحار قونقور- اولونگ	۳۳۱	نقد بر کتاب سفر به جنوب ایران
		۳۲۳
		نقد بر کتاب فوق اسلامی
		نقد بر کتاب قآنی شاعر ایران در قرن ۱۹
		۳۲۳
هر چه می بینی نقد کن و بفرست	۳۳۳	نقد بر کتاب مغولها در ایران سیاسی، فکری
هرکول و اسکندر	۳۳۴	و فرهنگی دوره ایلخانان
هزاره شیخ طوسی	۲۲۸	نقد بر کتاب مقاله صوفی
هشتادمین سال تولد فرانچسکو گابریلی		۳۸۰
		نقد بر کتاب مهمان آقایان
		۳۸۰
هشت بهشت	۸۲، ۲۰۲	نقد بر کتاب نادرشاه افشار
هشت مقاله در زمینه تاریخ	۴۰۲	نقش هایی برای فهم تاریخ فرهنگ ایران در
هفت پیکر	۸۱، ۸۲، ۳۱۱، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۶۸	دوره قاجاریه
هفت چهره از ایتالیا در ایران	۳۴۵	نقشه روابط ایران و ایتالیا در قرن نوزدهم
هفت داستان از نوشته های صادق		۳۵۲
هدایت	۲۰۷	نکاتی درباره اسلام در شوروی
هفت منظر	۸۲	نکاتی در مورد کتاب قابوس نامه
هنر کتاب نویسی ایران و خط عربی	۳۵۶	نگاهی به شعر تاجیکی
هنر و مردم	۹، ۶	نمادهای ایرانی
		۳۴۵

- هیأت باستانشناسی ایتالایی در سیستان
۳۱۵
- یک تفسیر از امام خمینی
۳۳۵
- یک تفسیر غیر قانونی افغانی از قرآن مجید
۳۲۴
- یک حکاکای روی سنگ قبر به خط چپستی
مربوط به سال ۹۰۲ هجری قمری
۳۴۴
- یک روایت قرون وسطی در باره پیدایش
ونیز و منابع شرقی آن
۲۳۴
- یک سریدار در تبریز
۳۸۲
- یک سند ایرانی مربوط به ۱۵۳۹ - ۹۴۶
موجود در بایگانی ملی ونیز
۳۲۸
- یک سند فارسی از قرن یازدهم میلادی و
قراردادهای ارث بین همسران در ایران
قرون وسطی
۳۲۶
- یک سوء تفاهم هم روی عبارات معبد
۳۴۴
- یک شاهزاده ایرانی
۳۴۵
- یک قصیده عرفانی کوتاه ایرانی - افغانی
۳۲۷
- یک کنفرانس در باره فردوسی
۳۳۲
- یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ
قاجاریه
۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۲
- یک مسئله گمراه کننده: متن تاریخ سیستان
۳۲۵
- یک نسخه خطی فارسی مربوط به سفارت
حسین خان آجودانباشی در اروپا
۳۷۵
- یکی بود یکی نبود
۲۰۷
- بوسف و زلیخا
۱۶۶
- یادداشت در باره بعضی از نکات فرهنگ
تاجیک و در باره احمد دانش
۳۲۴
- یادداشت درباره چند فصل
سیاست نامه
۳۸۱
- یادداشت درباره شمس الدین شاهین
۳۸۱
- یادداشت های سفر به هند، ژاپن و یونان
۳۲۵
- یادداشت های مورفولوژی و اتیمولوژی
درباره البراق
۳۵۴
- یادداشت های موشا شاه
۳۲۹
- یادداشت هایی درباره میرزا بیدل
۳۷۵
- یادداشت هایی راجع به شاه ولی الله دهلوی
۳۷۶
- یادداشت های یک سفر پاییزی بین کوسود و
کشمیر
۳۳۳
- یادداشتی در باره بیت ۲۰۷۵ از
گرشاسب نامه
۳۲۷
- یادداشت یک سفر در سال ۱۹۶۲
۳۳۲
- یادنامه جوزفه توجی
۳۵۳
- یادنامه طبری
۳۰۴
- یادنامه یان ریپکا
۳۲۷
- یادواره پائولو مینکانتی
۳۳۵
- یادواره اومبرتو ریتسینانو
۳۳۵
- یک ترجمه فارسی از معراج
۳۵۳
- یک ترجمه فارسی مجله پیران
۳۷۵

گزیده منابع و مأخذ

- ۱ - آندره‌ئینی، انریکو. «یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ قاجاریه». ترجمه خسرو فانیان، بررسیهای تاریخی، شماره ۱، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۳.
- ۲ - اسناد و معاهدات دوجانبه ایران و سایر دول. جلد سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- ۳ - افشار، ایرج. راهنمای تحقیقات ایرانی. تهران: مرکز بررسی فرهنگ و تمدن ایرانی، یونسکو، ۱۳۴۸.
- ۴ - افشار، ایرج. بیاض سفر. تهران: توس، ۱۳۵۴.
- ۵ - افشار، ایرج. سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۱.
- ۶ - افشار، ایرج. «کتابشناسیهای ایرانی در میان کارهای دیگران». آینده، سال دهم، شماره ۷ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۶۳.
- ۷ - امامی، غلامرضا. «گلبانگ ایران». کلک، سال ۲۶، شماره ۵۳، مرداد ۱۳۷۳.
- ۸ - ایتالیا. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۸.
- ۹ - «ایران‌شناسان و استادان زبان فارسی از گذشته تا کنون». نامه پارسی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۶.

- ۱۰ - بدوی، عبدالرحمن. *الموسوعة المستشرقین*. بیروت: دارالعلم ملائین، ۱۹۹۳.
- ۱۲ - برتونن، فیلیپو. «مسافر رومی پیترو دلواله و حافظ شیرازی». *حافظ شناسی*، ج ۱۱.
- ۱۲ - «برخورد مظفرالدین شاه با ترن و کشتی و اتومبیل». راه و بار، جلد اول، شماره ۳.
- ۱۳ - بروجردی، آزاد. «ترجمه دویستی های باباطاهر». نشر دانش، سال ۱۱، شماره ۱، آذر و دی ۱۳۶۶.
- ۱۴ - بوزانی، الساندرو. «فعالیت دانشکده ها در سال ۳۸-۳۹». سالنامه دانشکده تبریز، ۱۳۳۹.
- ۱۵ - «بوزانی همشهری فرهنگی». ادب، سال ۱۳، شماره ۴.
- ۱۶ - بهارلو، حمیدرضا. «آشنایی با کتابخانه ملی مارچانا ونیز». کیهان فرهنگی، شماره ۱۲، سال ۱۳۶۹.
- ۱۷ - بیانی، شیرین. *هشت مقاله در زمینه تاریخ*. تهران: توس، ۱۳۵۲.
- ۱۸ - پیه مونتسه، آنجلو میکله. «تاریخچه ایران شناسی در ایتالیا». آینده، سال هفدهم، شماره ۵ تا ۸، مرداد - آبان ۱۳۷۰.
- ۱۹ - پیه مونتسه، آنجلو میکله. «نسخه خطی تاریخ طبری نگهداشته در ونیز». یادنامه طبری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۲۰ - پیه مونتسه، آنجلو میکله. «نسخه مصور منطق الطیر عطار در تورین». آینده، سال ۱۵، شماره ۴-۳، خرداد - مرداد ۱۳۶۸.
- ۲۱ - تجویدی، اکبر. «تأثیر هنر ایرانی در نقاشیهای طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل». هنر و مردم، شماره ۴۴، خرداد ۱۳۴۵.

- ۲۲ - جوادی، حسن. «ایران از دیدۀ سیاحان اروپایی دورۀ ایلخانان». بررسیهای تاریخی، سال هفتم، شماره ۵.
- ۲۳ - جوادی، حسن. «ایران از دیدۀ سیاحان ونیزی». بررسیهای تاریخی، سال هشتم، شماره ۶.
- ۲۴ - چلکوفسکی، پیترو. «آیا اپرای توراندوت پوچینی بر اساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی است». مجله ایران شناسی ویژه نامه «نظامی گنجوی»، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۰.
- ۲۵ - خدیو جم، حسین. مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۲۶ - خسروشاهی، سیدهادی. «ترجمه های قرآن مجید به زبان ایتالیایی». تاریخ و فرهنگ معاصر، سال اول.
- ۲۷ - خواجه نوری، هومان. «هیأت باستان شناسی ایتالیایی در سیستان». سخن، دورۀ چهاردهم، شماره ۷، دی ۱۳۴۲.
- ۲۸ - دوانی، علی. هزارۀ شیخ طوسی. تهران: امیرکبیر. ۱۳۴۹.
- ۲۹ - رادفر، ابوالقاسم. «دستورهای فارسی در زبانهای اروپایی». فرهنگ، کتاب سیزدهم، زمستان ۱۳۷۱.
- ۳۰ - راهنمای ایران شناسی در اروپا. ترجمه م. ا. برهان هدی.
- ۳۱ - روح بخشان، ع. «سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا». پیام کتابخانه، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۰.
- ۳۲ - روشنی، قدرت اله. «نمایشگاه اسناد روابط ایران و ونیز». راهنمای کتاب، سال ۱۶، شماره های ۱ و ۲، فروردین - خرداد ۱۳۵۲.
- ۳۳ - زبان فارسی در جهان. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۳۴ - «زبان و فرهنگ فارسی در کشورهای دیگر» پیوند، شماره سوم، بهار

۱۳۵۷.

۳۵ - سجادی، سیدمنصور. «گوشه‌ای از ایران‌شناسی در ایتالیا». آینده، سال ۸، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۱.

۳۶ - سرنا، کارلا. مردم و دیدنیهای ایران. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشرنو، ۱۳۶۳.

۳۷ - سیزده تن از خاورشناسان زیرنظر اربری، ا.ج. میراث ایران. ترجمه بیرشک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۶.

۳۸ - «شاهنامه فردوسی کتابخانه فلورانس». اطلاعات، شماره ۱۹۲۲۶، ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، ص ۲.

۳۹ - شفاء، شجاع‌الدین. مجموعه آثار، جلد ۲۲ (داستانها و مقالات تاریخی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات کیهان، ۱۳۴۸.

۴۰ - علایی حسینی، مهدی. «حافظ‌شناسی در اروپا». سروش، شماره ۷۷۳، ۷ بهمن ۱۳۷۴، ص ۷۸.

۴۱ - غروی، محمد. «روابط ایران با کشورهای اروپایی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۴، تابستان ۱۳۴۹.

۴۲ - غروی، محمد. «مناسبات کلیسای روم با ایران». دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۶ و ۹۵، پاییز و زمستان ۱۳۴۹.

۴۳ - فتاحی، فتح‌الدین. کتاب روزنامه. تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۷۰.

۴۴ - فروغ، مهدی. «ایران و درام‌نویسان بزرگ جهان». هنر و مردم، شماره‌های ۸۴ تا ۸۷، مهر - دی ۱۳۴۵.

۴۵ - فرهنگ خاورشناسان. جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

۴۶ - فلور، و.م. «تجار ایران در عصر قاجار». ترجمه غلامعلی عرفانیان،

- دانشکده ادبیات مشهد. شماره اول، سال سیزدهم، بهار ۱۳۵۶.
- ۴۷ - قریب، مهدی. «دستنویس شاهنامه فلورانس». فرهنگ، کتاب هفتم، پاییز ۱۳۶۹.
- ۴۸ - قیصریه، رضا. «شعر مولانا در ترجمه ایتالیایی و مسأله سجع و قافیه»، پیام کتابخانه، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۰.
- ۴۹ - گابریل، آلفونس. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران. ترجمه فتحعلی خواجه‌نوری. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸.
- ۵۰ - «گفتگو با رضا قیصریه». گردون، سال ۵، شماره ۴۱، مرداد ۱۳۷۳.
- ۵۱ - ماسه، هانری. تحقیقی درباره سعدی. ترجمه غ. یوسفی و م. ج. مهدوی اردبیلی. تهران: طوس، ۱۳۶۴.
- ۵۲ - ماله، آلبر و ژول ایزاک. تاریخ عمومی قرون جدید. ترجمه فخرالدین شادمان. تهران: ابن سینا، مرداد ۱۳۴۲.
- ۵۳ - متی، رودی و نیکی کدی. ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن. ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: الهدی، ۱۳۷۱.
- ۵۴ - محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. جلد اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۵۵ - محمدی، منوچهر. سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک. تهران: چاپخانه فردوسی، ۱۳۵۱.
- ۵۶ - مشکور، محمدجواد. تاریخ روابط فرهنگی ایران. جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶.
- ۵۷ - مؤید، حشمت. «دنیای دانش و کتاب». راهنمای کتاب، جلد ششم.
- ۵۸ - میراحمدی، مریم. «ایران در سفرنامه مارکوپولو». تحقیقات جغرافیایی، سال سوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۶۷.

- ۵۹ - میربهاء، مینا. ایتالیا. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- ۶۰ - نوایی، عبدالحسین. *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*. تهران: مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۶.
- ۶۱ - نیرنوری، حمید. *سهم ایران در تمدن جهان*. تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۵.
- ۶۲ - ولایتی، علی اکبر. *تاریخ روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴.
- ۶۳ - ولایتی، علی اکبر. *تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴.
- ۶۴ - *ویژه نامه شماره ۱*. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- ۶۵ - شماره های مختلف نشریات:
- آینده، راهنمای کتاب، نامه پارسی، خبرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، کیهان فرهنگی، نشر دانش، نجوم، پیوند، پیام کتابخانه، کلک، آشنا، فرهنگ و روزنامه های اطلاعات و همشهری.

